







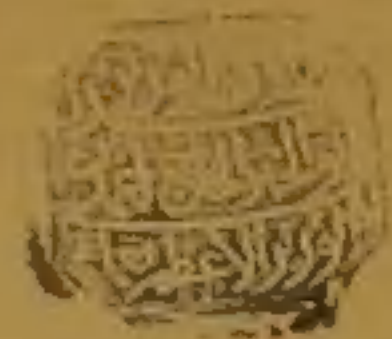






کتاب نورانی  
عزیزی افندی  
مسجد





در بیان قصص فصل اول	حضرت آدم	احوال قبل و ابل	حضرت شیت	حضرت ادریس	هاروت و ماروت
حضرت نوح	عروج بن عینق	حضرت هود	لقمان بن عاد	ارم ذات العاد	حضرت صالح
بزرگوار و مقرب مشهد	حضرت ابراهیم	حضرت یسح	حضرت یسح	نبأ کعب شرفه الله	وفا با ج و ساره
حضرت لوط	حضرت اسمعیل	حضرت اسحق	حضرت یعقوب و یوسف	حضرت یاقوب	حضرت شعیب
اصحاب رس	حضرت موسی و هارون	قارون	جمع البجن	نوح بقره	فصیه
بلعم بن باعورا	حضرت حمز	حضرت یوشع	حضرت حوین	حضرت الیاس	حضرت الیسع
حضرت یعقوب	احوال ابوت	حضرت داود	لقمان حکیم	اصحاب سبت	حضرت سلیمان
بلقیس	حضرت شیما واریا	حضرت دانیال	حضرت عزیر	حضرت یونس	حضرت وحیی
حضرت عیسی	احوال مانده	وفات مریم	بیان وقایع ایام فترت	خالد بن سنان	حضرت جیب بکار
فضله اصحاب کهن	وفعه جیس صالح	وفعه اصحاب اخدود	در بیان احوال حضرت یحیی بن زکریا	سام بن نوح	اسکندر ذوالقرنین
افوت یوسف	یوسف نانی	موسی بن یسح	بشر بن یوب	فصل در بیان احوال حضرت سیدالابرار صلوات الله و آلائه و علی سائر انبیاء اجمعین	
ولادت طاهر زهرا	وفات خدیجه کبری	مواج	فرضت صلوة	بعثت عقبه اولی	بعثت عقبه ثانی

هجرة نبویه	ابتداء صلوة جمعه	رضت قبال	بعثت سرابا	غزوه ابوا	غزوه بوط
غزوه دخیل	غزوه بدر کبری	غزوه سویق	غزوه فرقة الکدر	غزوه انمار	ولادت حضرت حسن مجتبی
غزوه احد	غزوه خرا الکدر	وفعه بنی موینه	غزوه بنی النضر	نجوم عمر	ولادت حضرت حسین
غزوه بدر موعده	غزوه ذات الرقاع	ابتداء صلوة خوف	غزوه دومة الجندل	غزوه مرسیع	حضرت انک
رضت بهم	غزوه خندق	غزوه بنی قریظه	غزوه بنی النضیر	رضت حج	رضت عنین
صلح حدیبیه	عمره القضا	فتح مکة مکرمه	غزوه حنین	غزوه طائف	رضت زکوة
غزوه بنوک	حجه الوداع	ارتحال حضرت جبر الانام علی السلام	ذکر اولاد امجاد	ذکر زوجات طاهرات	در بیان احوال خلف و ملک اسلامی
خلف حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه	احوال مسلم	احوال مدین	فتح سواد عراق عرب	ارسال عسکر یحیی و مشی	غزوه اجابرین
حضرت عیسی و یحیی	فتح دمشق	صلوة ترویج	فتح بیت المقدس و انطاکیه و مصر	انکسار کسری بن جم	احوال درفش کادبان
باشهر بصره	تدوین تدوین	فتح مدین	تبعین تاریخ سال هجرت	انکسار ام هرقل روم	فتح بلاد اهورا
فتح دبار مصریه	فتح طرابلس	فتح بلال	فتح همدان و آذربایجان و اصفهان و قم و کاشان و جرجان و طبرستان و گستره و کربلا و سجستان و فتح نقیص و ملک بصره و ان		
فوت خالد بن الولید	فوت طرابلس	فوت ملک	فتح خیره قبرس	فتح دبار اندلس	فوت حضرت عثمان رضی الله عنه







غایت بلاطون بغداد	شهادت مستقیم باصفا	انقراض دولت عباسیه در بغداد و اسکان ایشان	ظهور خلفاء عباسیه هلاک هلاک و اسکانی آل حنبله
انقراض دولت سلجوقیه در روم و اسکان ایشان	اسکان اولاد هلاک	ولادت تیمور مقبور	انقراض دولت ایمانیه
ظهور تیمور کفایت ظهور طغیان ذوالقدریه	انقراض دولت در مصر و اسکان ایشان	ظهور دولت چراک در مصر	ظهور دولت و شایه کشور عجم
انقراض دولت در مصر و اسکان ایشان	انقراض دولت چراک در مصر و اسکان ایشان	ملوک کبابان ملوک کبابان	ملوک کبابان ملوک کبابان
ملوک ساسانیان فصل در بیان ظهور دولت عثمانیه خلفه ملوک	تفصیل مناقب عثمان غازی	فتح بروج اورخان غازی	تفصیل مناقب اورخان غازی
فتح ازبکستان اندر سفر روم ایلی	فتح کلبویه خداوند کارزار	فتح و متوقفه فتح اورده	فتح کلبویه خداوند کارزار
فتح قلب فتح صوفیه	فتح سلسله بلدرم خان	فتح ابدین و صان و منت	فتح قرمان و منت
فتح قشونیه فتح سلاطین و یکیش	مخاربه با تیمور و مقبور	ارحالی بلدرم خار	تفصیل احوال سزادگان در بروج
مخاربه سلاطین با عینی جلایی	اندرام موسی جلایی سلاطین محمد در بروج	مخاربه موسی جلایی با امیر سلیمان	سکاهات امیر سلیمان
مخاربه جلایی با موسی جلایی	اندرام موسی جلایی و سلاطین محمد	خروج ابن سنا و تفصیل	خروج دوزخ و تفصیل
خروج کوچک و تفصیل	نخبره منت نخبره ازبک	بنای جسر ارکن بنای جسر ارکن	خوتابیه سلطان
ولادت ابو الفتح	فناح سلاطین شاهی اسکان محمد	جلوس سلاطین بر تخت شاهی تانی	ولادت سلاطین بایزید مراد

بنای نو عاکس فتح استبوا	یکمفیت بنای فقط طغیان	یکمفیت بنای باصفا	بنای سر عتیق مخاصره بغداد
فتح طبرزون و مدلی	بنای جامع و مدارس	فتح ولایت هرک	بنای ایدین فرمان
ولادت سلاطین اول	نخبره مار علائیه	مخاربه با اور حسن	فتح کف و ازاق
فتح اسکندریه در ارغود	مخاصره دوس حسن	فوت منلا سلطان بایزید	خروج سلطان جم
مال حال سلطان جم	فتح کلی و اکرم زراحم	وفات شیخ و سیما	ولادت سلطان دنیا
فتح مطون و قزوین و غواض در دولت عثمانیه	اتحاد کلف غب قوی	جنگ سلطان سلیم با سلطان بایزید	قدم سلطان سلیم با اسکان
تفصیل مناقب سلطان سلیم	ارحالی سلطان بایزید	جنگ با شهنشاه سلطان احمد	شهادت سلطان احمد
اندرام شاه اسجیل در جالدران	فتح بایزید و بایزید	نخبره و بایزید	تسجیر ولایت ذوالقدریه
فتح موصل و بایزید	سفر بایزید و بایزید	مخاربه با غوی و انزلی	فتح حلب و انزلی
مخاربه با طومان بانی	نخبره مار دین سلطان سلیم	تفصیل مناقب سلطان سلیم	فتح بغداد طومان بانی
غزوه مهاج مرکب اسمعیل	غزوه بیج سفر المان	فوت سراج کمالی شازده	فتح بغداد کمالی شازده
غزاه کور فوز غزاه بغداد	سفر سلطون بیمالک	احاق بودین بیمالک	قدم سلطان سلیم بیمالک



شهادت شهادت	فوت شهادت	ظهور و زنده	مجاور سلطنت	مال حال سلطنت	غزای مالطه
سلطان سلطنت	سلطان سلطنت	سلطان سلطنت	سلطان سلطنت	سلطان سلطنت	سلطان سلطنت
غزای سلطنت	فتح خیره	تفصیل شایسته	تسجیرین	سوار در راه	فتح خیره قبرس
و قه صفت طوطا	صلح باوندک	فتح خلق الواد	فتح خلق الواد	فتح خلق الواد	فتح خلق الواد
ارسال سردار	سور مشهور	سور مشهور	سور مشهور	سور مشهور	سور مشهور
بیار عجم	شهادت سلطنت	شهادت سلطنت	شهادت سلطنت	شهادت سلطنت	شهادت سلطنت
فتوحادر سرد	عصیان بنجال	عصیان بنجال	عصیان بنجال	عصیان بنجال	عصیان بنجال
بودین	و یوده	و یوده	و یوده	و یوده	و یوده
فتح قانیتر	طهور حلال	طهور حلال	طهور حلال	طهور حلال	طهور حلال
ولا سلطنت	ولا سلطنت	ولا سلطنت	ولا سلطنت	ولا سلطنت	ولا سلطنت
غلمان	غلمان	غلمان	غلمان	غلمان	غلمان
سرداری مراد	مجاور با جانو	مجاور با جانو	مجاور با جانو	مجاور با جانو	مجاور با جانو
بدفع جلایک	زاده و انزاس	زاده و انزاس	زاده و انزاس	زاده و انزاس	زاده و انزاس
فتوحادر روی	سوار در	سوار در	سوار در	سوار در	سوار در
دریا	سوار در	سوار در	سوار در	سوار در	سوار در
بنای جامع جدید	ولادت با سعادت	ولادت با سعادت	ولادت با سعادت	ولادت با سعادت	ولادت با سعادت
فتح مانفرد	شهادت شهادت	شهادت شهادت	شهادت شهادت	شهادت شهادت	شهادت شهادت
عصیان اباز	و قه جامع	و قه جامع	و قه جامع	و قه جامع	و قه جامع

آمدن توان	بنای قلعه	اندرم اباز	آمدن سر قار	فتوحات	و قه
بوغاز	دو صاری	بوغاز	دو صاری	دو صاری	دو صاری
سرداری حافظ	سرداری حافظ	سرداری حافظ	سرداری حافظ	سرداری حافظ	سرداری حافظ
مرکب شاه	قتل ماول	و قه مهربان	و قه مهربان	و قه مهربان	و قه مهربان
نقشبند	قدم شهادت	احوال کپ	یسنه قه	سرداری	سرداری
سفر وان	مال حال ابن	فتح روان	و قه سلطنت	فتح حلقه	فتح حلقه
و قه صلوات	و قه مهربان	سرداری	سرداری	سرداری	سرداری
شهادت سلطنت	سفر بغداد	فتح بغداد	عود سلطنت	فوت سلطنت	فوت سلطنت
قانع عهد سلطنت	نصیح	مخاضه ازان	ولا شهادت	ولا شهادت	ولا شهادت
مرکب صفتی	فتح قلعه ازان	ولا شهادت	ولا شهادت	ولا شهادت	ولا شهادت
تعیین کار	فوت شهادت	قتل قانین	قتل قانین	قتل قانین	قتل قانین
ولا شهادت	سوار در	عود سلطنت	ولا شهادت	ولا شهادت	ولا شهادت
نصیح	نصیح	نصیح	نصیح	نصیح	نصیح





بسم الله الرحمن الرحيم  
 نسیم غیر نسیم چه دو سبب و کله سته بوبسته تا و شکر بر قیاس نافر و خدمت نیت  
 و دروب ساحه بارگاه کبریا و جواهر قاب ناب تصدیه و نسیم ناریه گاه و رگاه  
 رسالت و دستگاه قلینوب ال و اصحاب جناب لرینه سراف ترضیه و کبریم تحاف  
 و تقبیم اولند قدس صکره قره جلین راحه عبدالغیر و خیر یوزدن برقع انداز جمال ساهد صبر  
 اولور که اواره اوج بخود اولان و رفاه بلند و رواج استبان ساز برج بدن ادم اولوب اولان  
 مکرم و سبیلک دانه تلبیس ایلین سن بله افتاح و امکاه عالم مکتوب العدم اولدینی و بدن سلطان  
 قلم و عوب و عجم صلی الله علیه و سلم حضرت علی عازم دار کخلو و متوجه مقام محمود اولجه  
 نام نایل یی برابره صفات تعابیر و در زبان صغیر و کبیر اولوب زیر سر نگون قبه نیلگون کردوند  
 غیرت خرسید و در شک ناهید اولان بدر و سافه سپهر رسالت و نجوم زاهره برج  
 بنوت حضرت یک کیفیت اقول و طلوع و جلوه کی استقامت و رجوعی رصد شناسان  
 فن تغییر حلقه مغیرین و دقیقه سبحان و ادوی تحقیق و تعزیر لغات و نور فین فلان تغییر  
 اولد قری رسم محرر و راز و زعفران ارات الصفا نام رساله غیرین کلا صفا تده مرسوم  
 کلاک تجرد داعی خیر اولوب اول غنچه نوت کفچه باغ بلاغت جیده دست اعتبار و سیراب و سیراب  
 استعمار اولمش ایدی باران مشکل بسند زمانه دن خفه خیران یغنده کوبلکم نظر غنبت  
 و التفات بی اندان بو عید تغیر کلم بضاعه بد و نمایه سوق تازه اولوق تعزیر دل فریبی ایلد  
 قضای فرخ فز فضاوت بر دایره یکیت نیزه تاز فاضله سحر سازه و یکبار باره الطلاق زمانه سن  
 اتمام و افزیشش آیدن بود و دگر مرات کاشانده دیدار آیدن استه یار اتمک  
 از مرخیا و جبار متضمن دورت فصل و یکی مکمله اوزر و روضه الابرار نام برار معتبر ترینه

تو عا جانہ



118

[illegible]



ایند نیاز مندان ذره ناخیز اولد که بود ستا و بر مستندان دست اعراض برله و در  
 مرات حال مولف بی وجود منظور نظر التفات ساهانه اولد و ما ذلک علی الله عز  
 سلطنت تختی اوزر ابد قرار طور و غنچه بوقیه دوار عون حق ارباوری اوست  
 یک اقبال هیری اولسون حکمت عالمی سخرایده جمله اولادنی معر ابد  
**حضرت ادم** صلوات الله علیه علیه السلام حضرت ادم صلی الله  
 علیه وسلم اول مکمل ارادت به علت حضرت افریننده هست و بود به مقتضای  
 حکم نامحدود و خلیفه الله فی العالم ابو البشر آدم صلی الله علیه وسلم خلق الله  
 وجود و سر و چین طراز قدر استوار و نطق افرای باغ کسود اولمعه تعلقی یافته  
 اولدی فرمان سبحا اوزر نکره داران بارگاه صمدانی حضرت جبرائیل و میکائیل  
 و اسرافیل و احد بعد واحد شمسگاه بالا خانه لاهوتدن جلوه گرفته ناسوت و کلو  
 خیمه مایه فطرت نوع انشا اولتی کجوز صفی ازیندن بر قبضه خاک پاک الماعنه  
 تحریک بال غیمت ایندی بر بود وضع حکمت شعاردن منتهی الامام نه اید و کن زمین  
 استعار اید یک بر همزده اضطراب و لوب ای کرد بیان علیین مکان نوز  
 خاک رده ناب تحمل تابش دوزخ بود قدر دست نوز و کون نخبص کریان  
 سلامت رجاسنه نام لازم الاحرام حضرت خداوند انامه نوسل ایدرم دیو  
 و لبسته فخر اک نیاز اولغین تقطیما لاسم کجیل حصه مند فیض عطف اولوب  
 جایکه خطره امان اولدی نوبت خدمت قبضه فخر عطرانک حضرت عزرائیل  
 و کبیک اگر که زمین رسم دیرین اوزره استیاف و اسم رجا ایلوب بنیاد تضرع  
 وزاری ایلدی کن اول فرشته نور سسته امثال فرما ایزد متعال باینده حمت  
 و شفقت نه دفع و اعتباری اولد دیو ب عروق و اعصاب زمینه بی یک پیچیده اقدار  
 صالمدی و سهل و خون ایدم ارضدن قرق ارش مقداری خاک لوب حسب الامین  
 که و الطایف مستعد فنون عواطف و لطایف ایلدی اول دم منشیان دیوانخانه حکمت  
 منشور خدمت قبضه ارواح فخرن رفیم اولوب دست استحقاق حضرت عزرائیل  
 شایم ایندی بر بلر س صانع حکیم خود بخود فرق کون که فرق یک بیلدن عبارتند و

قدرت ابد تصدی خیر طینت ادم اولوب احسن تقویم اوزر جوارح و اعضای  
 نسویه و تعدیل و جارا رکان بنیان اوزر وجودی تکمیل اولمده قن صکوه ابر  
 نقلی اوزر رضی عنهما قرقیل فخر اول قلب العجب سابر و اساس هر غیر  
 و شوب بودند کرده بر سکوه فرشتگان بال افشان سق جوق جوق تاسیس  
 کلور انقاس قدرت فلم فطرت ایدر رسم ایندی نقش دلکشی تحسین ایدوب نوز  
 اسنادنه صد هزار افرین در ایدری اتفاق بر کون لیم دنی جیم نوز کون بسته سله  
 ابتا اولان انبای ابد اول سرزمینه وضع قدم سوم ایدوب تقص حدود و رسوم ستر  
 وجود آید ایندی کدن صکره اگر حضرت رب العباد بود کثرت ایدی تفصیل ابد سنی  
 تذلیل ایدر سه نه کونه معامله به بیس نهاد ایدر سوز دیو اصی بنه توجیه خط ایدوب  
 انزله زود و کما نتم الاذعان سر تسلیم سینه و کما انقادی میان جانده بند ایدوب  
 جواب اید یک لعین دین غرقاب حیرت و اضطراب اولور سسته انصار  
 عصیانر بنده بنان جنای ایلدی طوق لعنت بکون جانش جزا برین نماند صکره  
 اواره صحرای خرد اولان در فابلند پرواز روح روان شنای دامگاه نین و اسبان  
 برج بر اولوب اول طوطی شکر شکن مصر و علم ادم مرات ارشاد اسناد اولن  
 غر و جل سما جمیع سیما نه مستعد فیض تعلیم و طاق جبین منبجی عی و وجه النجمه و الکرم  
 سجد کاه ملائیک اولتی بله منور تعظم اولدی معلم و ستنافن تکلیف  
 معلم سر کوی جلد و ندیس ملعون ابدی بلایس طینتی اولان ناره اغترار ایلد النار  
 ولا العار دیو ب عناد و استکبار اوزر اصرار ایدیک صورت زیبای ملکین یک  
 بد منظر ابدیت منسج وایت لعل کرم فخر منشا فاک جیم ایلد منسج اولوب  
 دار الکبریم جنت نعمدن طرد و ابعاد اولندی و گرفتار و مشاحه لعن و نفیرن اولوب  
 اعلای علییندن اسفل فیلنه سور لیدی اول مخدول مردود و روضه الصفا جنان  
 مطرد اولی حضرت صفی و کند واره انیس و جلیس اولتی کون غم کلکت بهشت  
 انمردون مقدم حیم غزالان لاری المصلحه تاسنه دامگاه سته لطیفه بکن فیض نام سخا  
 یملوی جنت آیدر زده کئی خواب عدم اولوب زیرای صورت نکون و فانی  
 الانبیا از دواج لر بر لید غیرت حورین اولان حضرت حوادش ملاکه اوزر

ایندی ازیندن کون بره نماند  
 ایندی ازیندن کون بره نماند



زیرین را که ابد ضیافتخانه باغ چنانه نقل و تحویل اولینوب دارا که امده جئات غنیده فیها  
باشند بهدالانفس و لهذا لا یعین خوان به امتنا نه برله اکر ام توقیر و امنی نالغیر  
شجره منزهه دن نهی و تحذیر اولند بر عباس و ابن مسعود و اوصی سعادت  
انتا بدنه جمیع نامعدود و وجود بهیود و حوا جنت اعلی هم رونق افروز شده بود  
اولدی طرفی مسلوک قدم قلم را دیت انتم در شجره منزهه سنبله و با کرم  
و بر فله درخت انجیر اولتی اوزر انکشته صفتی تفسیر در یس حضرت آدم و حوا  
عیش و نشاط و خوشدلی و انبساط برله رباض قدس و طهارت ده نصف نهاکه  
بسیور سنده دن عبارت در ارام و قرار بدوب بر فحوا و اتی نعیم لایکدره الدهر  
خورشید اقبال درجه زواله بر کین کوشه کبر کنیکاه بعضی مد لعلین ابد حکمه  
سند بهشتدن مار مد کار لغز ابد سر بسنا جنانه رخصت و خول و سر و دست آدم  
و حوا به وصول بولوب اول مثال مضل بل اذک علی شجره انخله و ملک لایع می نمود ابد  
ارادت صورت نصی و بند و صدق تدعا اوزر نام تریف لازم التشریف خداوندی  
یاد سو کند ابدی حضرت صفتی اعد عتقا و اوزر جو کب دروغ بی فروغ ابد کوبت  
اسک اولینوب اسم حکم التحیل حضرت رب جلیل تدویج ابا طبله سبط اولمقن حالان  
معدود اوله یغندن ماعداد است تقدیر منع التغیر روی عهد بیانه بر کس شیان  
و ضا جو سی حضرت حق و فی حرک ماکه عصبان اولمقین حضرت ابوالبشر اول  
شجره شور و شترنا و لند اقدم ایلوب هنوز کفته منیران حوصله فرار و ارام تمنی  
ابدی که پوشش قد بال ادم و حوا اولام ناج و قبا غار زده دست صبا اولوب  
نهال قامت طوبی متالدر و رخت خزان دبد که قلمهای بهشتیدن عار اولی  
استیلای خجست و شرسا بر مرله نواری اولتی رجاسنه سابه عا طفت اسجاره  
النج ابدوب درخت انجیر برای ستر عورت بر فاج برک سبزه درویشانه رعایت  
حق جوار ایلدی قلم طلم در بای اندوه و بریت اناسنده طرفه بار که کبر بایناه سی سیده  
الم انکم من کلک الشجره و اقل کما ان السیطان کما عدو بین تند با خطاب غنا ابیز موج  
انکیز جبریت واضطراب اولوب آرقاله که زورق و جود لای بود اوله امانیه فیض صحاب  
درست ملهم الصواب برله بر مرده برک زبانی سیراب تا شکم اولوب ربنا ظلمنا انفسنا

وان لم تقفون و زمانا لکنون من انما سرین زمره سید طهارت و سبب استعدا  
رحمت رجا ایندی بر مو معار دون صکره اعبطوا بعضکم بعض عدو فریابی در شرف  
صدور بولمقین صد هزار اندوه و غم و بهشت مار محنت و الم برله تدویع عالم افلاک  
و تشریف دار القبر روی خاک ابدوب جناب صفتی اعد جانب سزیدید و رخت  
حوا جده به جوط ایندی بر و سبکه کرمیت انش فتنه و فساد مار بد کردار صفر هانه  
سور بلوب لطافت جسم اقتضای سید واضع الاصل قانون مهمل سبطنت و تلمیر  
ایلیس کچون تغییر کما اوله تدر الی حبیب الفتن رطها ام قشع بر فله اوله کلمی بخور  
سیانده بهم تعلیق ده استنالی اولام طاروس و فاض حشده و با کابل زمینه نقلی اولند حضرت  
ادم و ننگار رنج و غنایه وضع قدم ابد یکک اوج یوزیل قطرات خوابانه اشک ندامت  
شجره جبار کبی تسلسل اولوب اول حتمه ساردن رودخانه لاری اولی بود مدته استیلا  
شرم و جبار له طرف بالا خانه اسمانه ویده کشت نظاره اولوب سوز و پرده کریمانه  
و افغان اولتی سب سی و کما طیبه سبک اللهم و یکک و تبارک اسمک و تبارک اسمک  
الا انت ظلمت بقیسه فاعفوا لاند لا یغفر الذنوب الا انت در زبان اندی سب  
اعوام مهجور نامنده معلل بارگاه رافت یناه غفاریدن قرده مغفرت ابر سبب زلال  
صفا بخش عفو و عطا نقطه دانه جرم و خط ایندی کی سیام سرور انجا و اصل سمع شعور اولمقین  
سبب حصول نوع ارامش و حضور اولد و بد کردار و حشمت مدار محطار جل فرار اولد  
روز غم اندوزده کمال خون و طلال برله و نهایت جبریت و انفعال برله هر جانبیه کاه ستمند  
ایدرکن ناکاه سیان زین طباب افتاب نوز دیده در اسنان دیوانخانه فضا و قدر اولو  
جادو کلمی فام شام عالم باینه سایه کنت ظلام اولدی بو صورت هوال انکیز اول مددک جلوه کر  
مات نظر غریزی اولد و فی جنتدن روایت اندوه غلری مراتب اعدا دیگر از دیاد بولوب حنار  
مرکاب برستان جانر سنا اولمقین اول سبب بولعجیده در خواب راحت کلمه اخوان دبد  
دیده سینه به طریقه بولی اولدی اول مددک خیمه و زنگ بس و نهاردن دامن زین نار شفق  
لامع الانوار اولوب تباشیر صیاح انجیر عالم افلاک عرصه خاک بر توانداز اولمقنه اغار ایلدی حضرت  
ادم صلی الله تعالی علیه وسلم بند غندن نو عار با بولوب صرصر قیامت خیز خون و طلال رشکته  
نهال ساد و تا او که نخل قامت طوبی متالدر سیه قیام ویدی و در کاه رافت و سکا به یوز اورد



بر رکعت اندفاع را بهین ظلمت پس بر دل چون در کوفت اخوی عود بهانه چون و کجی کوفت  
نازیده جناب رب الاربابه عرض سو و کد از ایل حضرت آدمک اول دیده اطلوع ادا  
پس در کوفت یکی رکعت نازیده افتاده است باجیده احمد فخران فرض اولی قیام بیده سعاد  
افسر حضرت ابو البشر سیده اول کوهه الشمس فراغه تنزیل اولت در دیوار ایش کتابه روایت  
اولی نظر قامت آدم بالا کیده ساخته هستی اولدوغی و مده کم و کاست راست الشمس فراغ  
ایده یو سیرانه صدر صحیفه صحیح بخار اولی حویث تریف صرب قلم زینف ایدر نهایت  
فراغه نوا و ذراع آدم در بونیه ذراع متعارف در مختلف فیه در سبب نبی آدم خطاب  
خطاب شکار است بر یکم نظری اولد نظر جایگاه محشر استباه زینده نهال باغ رسالت  
اولی نظر قامت طلوی نمودار نشانه روضه شهود اولدوغی مکان دیار امن جبل غافره  
واری النما اولوب ابن عباس نقلی اوزن هنده ضرب خیمه نزول اید کفری سرزمین و سدی  
روایتی اوزره بالا فانه سپهر برین ایده یار سیده حدیث اولت در که حضرت آدم  
بودار وحشت مداره وضع قدم اندکدن صکه یوزیل به اندر شد نظاره جمال حوامند اولت  
بودمده تنهار و بادیه ذاق و جگر سوخته انش زبانه کسل سباق ایده یار داغ فالونه  
قبول وزان اولد قدن صکره شکر کداری نعمت پروردکاری چون حسب الامر مداد ملا سکره  
بیت خدا بناسنه بدل است بهمانا ایدوب بعد الا تمام غوام ابلاده سوخته انش زرفنی اولت  
حواله شهر روایت او دره بوم غفره موقوف غافره دولت طاقه سیر اولدی اول  
یکی بار عکسار کلین روضه مساهده دیدار اولی حنی اشک فشا بهجت وصال و سجه کردن  
شکار اتصال اولرق طرف هنره محل ند غیمت اولد بر اول سنه نیمه رحم حوادن قایل  
واقلمبا و عام قابله ایل دیو کفری رهان نواکام سیرانه بخش کهور ظهیر اولدیده و مار  
لشق فرور اوزره بکره دفعه مساهده دیدار اولاد اجماد ایلد قریر العین اولد بر قاعده مطوره  
انجن حضرت شیشه مختلف ایدوب اول در یکمای مکلف تک و تنها تشریف ساز ساد زینت  
سرای دنیا اولت در نخل بر دمنند تشریف الاصل باغ باغما نشو با اولوب حضرت آدم  
بو خطیر فنادن در السعاده بعباه منتقل اولد فکر نه اعداد اولاد اخفا ذرق بکره و اصل اوس  
ایده قایل حایل ساخ رجاله بالغ اولی نعین حکم تربیت الوقت اوزره اقلیم با باد بودا  
قابله نازد اولوب اقلیم زینب و لغیب حسن و بهاد و نبوت ناسب اعضا ایلد محبوب القلوب

نارین شده سوب اولغین ایل قسنت عادل به فائل اولوب نخبک نفس بدو قسنتی  
حسد ایلد ایل نوجو که سنی عری هنوز عقده تابه و اصل و دایره نصف النهار خط سبکی  
کامل اولمش ایدی ابن عباس نقلی اوزن جبال هندون نود نام کو هر بزخ بیای اقلیم بقا  
ایدوب سرود سمانی بالاسین انجمن خاک هلاک ایلدی قانون مهمل اهرام دم  
و از باق نفق واضح اول قایل بدعکدر روحی شمر المل طهروری جناب صفی اند حضرت نه  
خیمه یار تضا عجب سباب غم و اندوه ضروری اولدورد درو بن صد جند و اشک حسم  
برخونندن قرق ییل سز کو نه جیده استازد انما اولدی و زبانه ضعیف بیاندر تبخیر ایلاد  
ومن علیها و وجه الارض غیر تیج تبخیر فی لون و طعم و قیل لست سته الوجه الملیح  
مضمون رفت غیری بطریق ان شریه خوان فرزند غیری اولوب بعد رحه نرا اولوب  
بن تحسان که عوبه و سرانیده به تدایع اطلاع انمش بر عار شخته و ایدی اولی ان مشون به رسته  
کش نظم اولوب اول منظومه بدیع النظام طرفه طریقی بواکی بیت ایلد ستر ادا تمشدر  
و کمال اجد و بسکب ومع و ایل تضمین فریج اری طول الحیوة علی غما فعل نامر حیا متیج  
بوکانا صواب ارکان بدن صکره فائل شستی در کاه نبوت و سکا هندن طرد و بجا  
اولت اول شتی بدنا سبب استغاث انش نشته و فساد اولد خواهری اقلیم ایلد ارض مننه  
نوار و عدنده طریق اسکن قرار ایلدی و ساو سکن طایفه ایلدنده فوج عیار سر و شور ازار  
وظلمتکده این نخوس مجوسی ناره ایدوب بلکه ایجا و صنوف متجاننا هیده سبب انوز  
ایلیس معلوم دب تافن تلبیس اولدی روی باز اندنت نیت جور زنی رفتی و هب سنا  
نقلی اوزره حضرت آدم سنین عرودن بسبب زنجی درجه به وضع قدم اندکده منصب طیل  
رسا بر بلند بایه اولو بیانه سراج و وعد و عید مطیع و عا و اخبار راضیه و تنقید متضمن کرم  
و اشهر و ابنا اوزره اون صحنه ترفیع سامانه ایلد تشریف اولد بر سمار عمار طغف بوز  
الشمس و بر قوله الف کامل اکین سرزمین ام القوا وده غم نهم نگاه ملک بقا ایدوب جبل  
ابو القبیله عازم الکفر نام مقامه متواری ناه خانه طر اولد در بودار وحشت مدرک  
ابتدا حقت انغه عازم ملک بقا اولد حضرت آدم در زان طوفانده جسد طهری محمول سفینه  
نخی اید اولوب اولد ایهیه و هیا اند فاعنده صکره بن منزل اولده ایداع اولدی  
اما بر قول منزل ثانی خاک خطراک بیت المقدس و لشد حضرت آدم غم خلد برین



انکه طرند بر سینه گذارند کده خوانی چون شبن راه فنا اولوب جواهر قهر شوهر  
کهره ضرب خیمه نزل قراریند حضرت شبت علیه السلام معانی عریسی است اندر  
تاریخ ولادت سعادتمند الهبوط نورا و تونجی سینه در صفحه پیشانی حضرت صلی الله  
مانند خورشید خشت در جستان اولاد نور ساطع الطور حضرت خاتم النبیین جناب حواء طیب  
طاق جبین سینه عیون آفتاب عالیا ابوالنور حضرت ابوالبشر طوف برتر فلند ز شوره  
وصایت و ولایت عهد عیون امام نایب المظنین علوشان بولوب طرف ایزد متعالی  
اولاد و احفاد حضرت آدمی سربلندی سربلندی صلی الله و آله و اولاد استال و علوم حکیمه و ربانیه  
و کبریا و استحقاقی الی صحیفه ابد اجل اولاد یل نایب خیمه نبوت شبت مختلف فیه  
حضرت آدمی صکره خلعت نبوت ایل اول کریم اولاد ادریدر بوقالب خیر  
سبک اولاد روایت محکم بولوب اعتبار بولوب کامل البکار کور غر اکثر اوقات جناب خیر  
البر کاتر ارض شامه آرام ایل کدرا ایدوب سینی نبوت و خلافتی یکی بوزعد وینه  
و احاد و اعمام عمر غیری بایه عاشره دن عشر اول حدیث تجاوز اندکدن صکره عازم سیر  
سربلانیان اولاد بولوب بعض کتب سیر حم نوع نبی اوده ابتدا التی و شهور قری با و سفل  
شمس غرا ابدن شبت اولق روایات کاسته فلم بدایع رقم و اولاد حضرت ادریس  
علیه السلام نسب عالیه سینی مرتبه جناب سبک سینه شتی اولور مسقط الاراکا  
ارض مصدرات الالهام اولوب کلچین دوضنه وجود اولد فخر نخل فرشته قریب حضرت  
اوم هنوز نشانده باغ شهود ایدر شهر روایات اوزن نور سینه فوسایه سعادت  
سیرایه ایزده اسوه اولد بولوب اسم سایلر اخنوخ اولوب هموار مدرسه صحف سیکایه  
دست ایدر شتی اولیغیر زبان فصیح عبیده ادریس ایل کور و نظره نعم مهبیه نبوت  
و حکمت و حکومت اولد فخر جنتدن شدت النعمه و طبقات جلایه حکما و او خنجی اولد  
بنای اربابی کالت القابله مشهور اولد در معرفت احکام حرکت و آرام کوکب و مهار  
فن خفا و خفایای نجوم و ابداع خلط و رسوم مناسبت عطار داراده اولنق اوزر  
هرس دخی و بر حضرت ادم باغ عالمه نه خجک نوع و علم اند کلدن یکی بولوب صکره خلعت  
استعدا و مادر زادر زبور نبوت ایل طرز اولوب اولوز صحیفه سربلانیه موز اولد  
اول ریح الدرره مندرج اولان قرا بزرگوار توحید حضرت باری و عدل گذاری و شبت

اولاد زکات و بدل صدقات و هرگاه روزه چند روزه و اولاد سقاها و فایلی قتل و ابرار  
نذیل کچم سلسله شمس غرا و جهاده تحاصل ایدی بنابرین ترتیب اسلحه و قتل افرنده انکار  
اصابت شعار اعمال ایدوب ارشاد استعدا و خدا داد بکمال و تیر زنده و سیر است اودا  
کارزار ایدو اتمش و تفرق طوفان کملو اولیغیر جناب ملک و تصور و خبر ایدوب اول شتی  
و قسطی مهم بعض اویه عفا قری ضیاعه نمون اچون اهرام مصر بناسند صرف محبت است  
اولنق بعض کتب تواریکده حضرت ادریس مسند اولوب بلده رها انار زمانده ابادان  
اولاد بولوب کتب مقبره شهر دن اولق رفزده برادر و ایدر فن خیاطت فخر اول و فنون  
عالمه شتی ایدو کی مسلم اولوب کد مین و غرق جیمی ایل کتب ابد کلامی مال حلاله نه مینی تقویه  
انفاق ایل بوم معاد اچون اعدا و زاور بولوب ایدی قیام ایل لازم و صیام نه باره مداوم اولو  
کمال عفت و نهایت نزاهت و اکثر روایت سبک و اذکار برله بولوب الی مل مباشر  
خدمت جلایه نبوت اولد قدر صکره رفعت درجه و علوشان ایل و قور و قضاة حکما  
علیا نکر مینه نظره اولوب کیفیت سلف صاحبات ایدی ایل صدر نشین الا فاخته  
برین و اغلب احتمالات اوزره مانند مهر منیر ایل کبره قصور سیر جابین اولدی  
غویه هاروت و ماروت احسان بعید و قور و اوزره بوبت حضرت ادریس و تعبیر  
ظهور بولوب حضرت نوح علیه السلام سبک اللیل نسب نبیلری و ساطت ابد  
ایل حضرت ادریس و تبطله نخل وجود ادم باغ عالمه نه مفقود اولد بغندن بولوب کور التی  
سند گذار اندکده سیراب بخش گزارست اود اولد در لسان سرگاز اوزره اسم سبک  
بشکرو یا سبک اولوب حبیب باری برله بشاری نوحه گذاری و زار برلی میا عبده نوع  
نسبینه سبب اولد سبک طلم امواج طوفان قهر قهراری بر فزده نخبک دست و پا اندر  
فلک وجود لری ساحل سلامت ابرن جمع معدود و دخی از مدته طعن طاعون ایل معدوم  
و لمصلحت لغت تعقیب اولاد و نوحوم اولد قوری جنتدن سلسله است سبک  
بر فحای و جعلن درینه هم الباقین نخی اند جناب لری اولاد و اخوانه وابسته اولنق ادم  
عنوا ایل مذکور و صدر نشین ابوان رسالت بنانده اینا زمانده دولت نبوت قوی ایل  
سبک الانبیا لقب مسیحی ایدو فی شهر در کافه انامه رسالت عامه ایل نبوت اولد  
اولو انورم بنی بولوب اولوب سربلندی اولد مددک دستور العمل خلق عالم اولاد







مسعود ابدوب دارالصناعه عالمده حضرت نوح باسرحمت عمل سینه بکن اطراف و  
اعداد و دوات خصوصه نوعا امدادی ظهور اکبر و ابیات اوزره اول و رطه  
هولناکه هلاک اولدن معاف اولوب اعداد و اعوام غری تمام اوج یک النبوز  
اولد فده کشته عصای اوردیکر حضرت کلیم و پنجه اول فرجه نواچ اگاه و بنام خلیج الفدر  
و کشته همارعی و جالبیدی عشق ابوالبشر حضرت یک صلیبه و ختری او کوشیده چون  
عقوب اطریق الفجر خروج و اول شوم قدم بدیده و زوده و پنجه عروج اینست در اوزی  
تیر و شش نام ابوالبشر اولوب در زنده جانور پنجه شکسته سنده هلاک اولد و غی بعضی  
صفحه نده مرسوم قلم نقین آقا و اندرو انداعلم بحقیقه اکثر غیرین نقین اوزره قدر  
طول سینه اوج یوز و ارضی الی و ارتفاعی و نوز دراع اولوب اوج طبقه اوزره طرح  
ابدی طبقه سفلی و علیا بر موجب نقین قلنا اهل فیها من کل زوجین اثبتین جمع ضدین  
ظلت و افتاب و اصلح ذات البین انش فاب طایفه می اوزره محمول طایفه  
اولان انواع مختلفه خویش و اصناف غیر مؤلفه طایفه یوز و نقین اولوب طنجای  
خونه امان عقده خبر الامور کنه سی ظهور ابدی اول فلک شحون جارجمت ربع مسکون  
ساحت و کامل الله ای بر مقاده قرار و ارام انیموب فی موج کالجبال سباحه ایدن  
صکره اعمال موصول جیره ده جودی نام کوه قلعه سنده لنگر سکون صالدر بوج کشتی  
نوحه نجات و برش ایدک زمانا ابد اوده بر کرده روزگار ای بولش حضرت نوحی شکر  
کذری نعمت باری یحون اول روز فیروز و اولوب عهد بعد متا هده و بدافرخنده انار  
ضیا و ششم بسم صبا و نه ما ابد مقیم کنج شک و تار اولفله جسمه شکری خبره اولوب  
یوز افتاب عالمانه تاب نظاره کورده کوری جهنم دن مرات دیده بنش قرار  
اکتال ابد جلا و بروب بوم عاشوراده بواکی سنت حسن اول بیجا بر سعدا فخر و صفه  
روز کارده بادکار فالت در عاشوراه محرم ابدی که ساحه زینده وضع قدم ابدوب و فخر  
برود و چون دامنه کوهده بر محقره بناسنه شمشیر ساعد اهنام و کذب لره اضافله انام  
دوبو نقین نام ابدی اول سکانه از مدینه و ایزه وجود و مدفود اولوب است  
شیخ و سحاب بخی اند جنبه انتاب انتم در اسرار اوزره حضرت نوح بعد الطوفان  
سنة فخر مطهر روح اولد فده صکر نخت روان نبوت ابد غم خطه لاهوت ابدوب شهد

مقدس

مقدس لری نواج سیکه ده بین الزم و المقام اولتی اوزره تفریح و بعضی نواج اعمال  
قد سن کرک نوحه اسوده خلوتخانه تفریح اولمیری نصیج اولتدر حضرت هو و علیه السلام  
جد اعداری سام و زبانه و انباده جابر نام را عدد سنین غری سرمدار بعینه و اصل اولد فده  
بجالات نوحه در شعب جد و لب سانی سامه متصل اولوب بنده بین عمان  
و عدن شجر نام مقاده ضرب مظهر ارام و در زش برستش اصنام ابدی ز فقه ضلاله اول  
عادی منهاج سقیم شرح قوم حضرت نوحه مادی اولتی کوز بعت اولد بلسان از قاصد  
الکلیا حاکم اولد فی اوزره عادیان بسطت خلفه نیه اسناد و شدت فو نیه حسن اعتقاد  
اولغین یا بر جای عباد اولوب مذبت بنو ننده که الی سنده اولد بلیحق دور بنو کند  
سر منزل تصدیقه مهندی اولوب انارک خرفه غرض اغبار دن لی انار اولتی کوز اشعار  
سعار با نه افندار لری بو غیری حضرت هو در مقتضای حقوق ذابت هر چند که اول فزنده  
کرکان دست عیسای ابنون بکل ربع ایه بنون و مستخزون مصانع لعلکم مخلدون منقون  
سعادت مفود اوزره کند لطایف بکل نصیج نید ابد شجره انک قصده اهر کم با نعام و بین  
و جناب و عیون فحوائی صدق و احتوا ابد مظهر اولد قری جلال نعم نامحدود و تذکره کفر  
و انکار ابد مقابل اوزره احرار اولد و فی صورته قوم نوح کبر غرقه طوفان فخر قهراری اولتی ابد  
تجدید ابدوب لازم منصب جلیل الی بنوت اولک نمید بیا و عدد و عباد ایزه  
دل و جانی و اغدار تممت و تقصیر اولدی کنن تا بر سینه سود مند لرندن اول اهن دلکرت قلوب  
فاسیه سی نرم و شمول بر تو غایت برله قبول ایه هدایت دکر کم اولد فزندن عباد مقتضای  
شعادت کراهی جو به بود حضرت هو دی اعداء سعی و اقدام بنید بر سر اسوسه صنعت  
ایچون نوحه حضرت فیاض مطلق فیض مدد را اوج سل منقطع الورد و اول مدته و لاد  
مولود و فی مقفود اولوب شروع روز و عده نشونا روفا اول نقین کانون در و نرنده  
اتش حیرت و اضطراب التهاب ابدوب حسرت نان و حشاک ابدی فرص افتاه  
نگاه مژه الود و دود آه جانکاهی هم فرج کبود ابدی را کن دعوت خوان ابدان  
نعم الط الهیه که حصبا او کفدن امتناع اوزره نوح و اجنا علی باعث توج بر غنیمت  
الهی اولوب صد تاج صر عابنه بر که مدت امتدادی فرنا عظیم انده سحر الهام  
سبح لیال و ثمانیه ایاام حسوما نقی بلس الکوا ابد مذکور و الی سنده ایاام غفور و



شهرور در بنیان رصف الارکان چنانکه عادی کاشانم عجاوین و خاویز و زبر  
و همسایگان نه رواق افلاک اولاد فانه و کاشانه لری بسط خاکه برابر ایلدی ایام تخت تده  
در بای موج ریزگی جوش و فوسل بدن ریج عقیق که اندر زمین سنی انت علیه لاجلته کاریم  
وصف شاعرتو و طغیان در حضرت خود و سابه نشین علم ایما اولاد جمع معدوده صولن صمد  
و قابه اولکین روح افرا اولوب هر نقیسی بیایم وصال جوان جابر دور و هر شمس  
راجه غنیمتیم کاکل مهر و بان ساجرت بوسک از فر ایدی مروید که مبالغه و بانه  
ناره سانا سوزنخا و غل برله اتش خورج و عطش زبانه کش اولو کور من سیر و فرار و ستوده  
صبر قیامت و اضطرار اولیق مبتل اولد قمر طایه تجسس علاج زباله کچون طیب حازق  
ندیم اصابت در جناب خود و مراجعتن اجتناب ایدوب نهایت هر طیده مظنه اجادعا اولو ایم  
حرم الله که اول مار کجده معکف ام القری بر ربوه حرا ایدی استنلال اربان حسرت جانیه میزنده  
معتبردی نوک سینه نازد خدمت سفار استنلال ایدی سنسقیانوز منهل غنیمت عذرا  
برسان سیموی نازد اولوب رو بر راه غم رجوع اولمش ایدی که اسعد زمانده بریده  
بشارت نوید که محمول کجکان یا یخزد اولغه شایاندر بیام هلاک عادیان ایلد فزده رن  
اولوب هم ملکی سیراب زهراب مرک اولد فدن صکره مجلس شام عیش و زند کابند  
خبر اولیق ملاحظه سبل طالب کاس النیه اولیقن ازان چاکه هرامن سیدند رفیقان  
نیر رطلی در کشیدند فخر اسنجه اندر فنی در هوش رطل کران اولد بلر صاحب الشو و لقا  
بن عادی و فنی داخل خلقة سنسقیان اولوب اندر سیر غار نشیده و عمار سنسقا ایند کزنده  
لقمان هر درگاه بادشاهی نیازدن متمنی عطیه عمر دراز اولوب مستولی فرین قبول رضا  
اولدی و طرف دولت تضادن بدینه هر بری سکسکیل سیاسار شایاندر ایلو و زور  
یدی کرکس غنیمت زبانه جین ستوده جیات ای تیا اولمش منضم رات مسلمی و ایلدی اسباب  
جمعیت عادیان مظنه نفوق ایدی سببا و دار و دیار لری بازده غار کجکان و دیور صبا  
اولوب غراب البین و حشمت هر جانیه منجاوب اولیقن حضرت خود و فرقه ناجیه ایلد  
خطه خرمونه نوحیه راحله رحلت و سوق مطیه هجرت ایدوب اصغر فول اوزره شما  
عمر با دیار لری یوز الی و وصول اولد فده شمع جیات بی ثباته تند باد مماندن کزنده ایلدی  
غار جیل خرمونده سترج روضه الانس صریح اولمش در اسبقا نوری و بعضی نقاشی اوزره

غلط

غلط و ستاد قوم عادی مسموره نشین خاک و هلاک ایلد کدن صکره دار الا من حرم الله  
احرام بند غنیمت و مجاورت اولوب لیک ذن دعوت رنجا اولد فزنده جسد مطهر لری  
بین الکرن و المقام عازم و فقه استراحت و ارام اولدی طرفه ستر اوزره زینت  
وزیب معنوی و تصویری و زهت حدایق ذات بهیج و ارتفاع قصوری برلده وصال  
عزیز الکا ملتس هر کس اولد و روضه رضوانه حاشا تنظیر سودا سیدل عدن فربنده صحن سیر  
زار مجاری انهار لطافت هواده هر فصل ربیع بدیع الانار ساحة فسیح الاجاری رجا کبر  
کسیر سجاده در دیوار و اسبجارد از عاری سیم و زر و کمر و فرش و زینتی و جافا مایه  
زیره غنیمت و سحر مسک از فر بر باغ بهشت اسباب سینه او حیوین سیر بدل نقدینه اتمام  
اولک ارام ذات العباد که لم یحلق مشاهیر البدر و وصف سکاندر عادی اولی عنوان الله  
حضرت خود و مقدامبعوت اولد بنو طایفه طایفه میانه صاحب تاج سیر بر بلکه بطریق  
الاستیاد اکثر ربیع مسکونه طغوز یوزیل نخیز زن تسخیر اولد شد اوبن عادی و خیر معانی  
ندیم خطایر بعد الانام اول خدا ناسر کرسی ملکنده ارکان سلطنته ایلد جازمه و کلاه  
نوع و علم ایدوب یک شتابان روز منزل قالدقن طرف بالا خانه اسمانیدن بر صیحه  
سر کیمین ایلد ساه و سپاه انداخته جاه سجین اولدی او فرخوف فخر اشکال عبرت نای  
سجیم جسم در مدنه نهان اولوب شاه مشاهده سی بر کشته نک کند نظیر بند  
اولمش در انجمن هنگام خلاصا و بده صنعادن غلبه بن قلابه نام برود شتر لکشته  
باویدر بجای طلب ایلد کاه اول کچی سایه کجایه راست کلوب سوبسوا طر آجست و جو  
ایدرک با معلا جانبی بولدی و اولدوا البیوت من ابوابها بدلو لیلد عامل اولد و صفی  
منجیده هر کز منکی کور لمش بر نقش غریب و لغوب مستاهده ایلدی کاه کند و یه عالمی  
خوابده اولیق تصویر یله و شمس ایه بوخیه اولد بارب و یوب اول سبب بو العجیک  
لیله الوصان سرعت استغالی غنمه دوسدی و کاه تقدیمه بدل نقد جان رخصت یافته  
گلکشت باغ جنات اولیق خیالی لند وجود و برو ب بو معامله کور سقا حننه بهشت باغ  
جنات اولیق خیالی لند وجود و مسکو اولد فده بو سیماره یه نیجه سکینه زبانه حجه سیم  
دیو و سلیم شمسیم ایلد زهره سی و دینم اولدی ایلد بار الوده دستما به بار و لوسون  
دیوب سنک زبانه اساروی خاکده غلطان اولاد در و کمر دن بو مقدار زبانه



نهان ایلدی وینه کرم بازار طلب اولوب نفقه ضالده ایدرک طرف افودن بدو  
دم اول عبرت نای عالم متواری برده عدم اولدی حضرت صالح علیه السلام اول فرغ  
سکروا سطره اصول ایلد جناب ساه متصل اولور اسعد ازمانده غنا صراجه و طبایع  
جهار کانه دن ظهور ایدوب اصحر و اینین اوزره هنوز ربکا بایده ایندیکرین  
الدینه و انتام جز نام مقام محارصل و قرار ارام ایدوب سبب صوری استیفا  
ضروری اولاد عا د اولم ریج صر ضرر زدن نونی ملاحظه سبله تحت جبال امرتده  
اعمال اودات اعمال نهانه و مستقام محدود و انخا و مصالح ایلد رجای خلود ایدن  
بیرستاقوم نمودی شاه راه سرعبت نجی اند دلالت کیون ارسال اولدیلر  
حضرت صالح مباحتر مصالح مهمه نبوت اولوب قصد نیجه ایلد مفسر سنک  
دلان امت اوزره کانه نام صخره صنادون باذن اندک فتنه لهم رباقه  
عشر اولندی و عدنی نیجه ایدوب اندن فرت کله اصله الحسن فیصل  
تولد ایلدی اما بشرط انکه استفا ایندیکری بیرباط بنی الهابات اکی کونکری  
خصه نایه اند اولوب عسب و کلادون حاطر خواجی اوزره رعی و ایدیکه  
چون ویراد بطنیه سد سود اوزده لری الکد کوب بلا به مبتلا اولمخده نطقن  
نفس اماره اولنه بو مجر باهر الدلالت هدی السید القوم جنج بن خم  
عرو نیجه سعاد مندره و سبله تیغن صدم دعا اولوب نطقن این جود  
باری و تقبل اسم اخلص کداری ایندیکری مدت شرایط مقروه مقرو  
اوزره فسمت عا و له خذ نایه لها شرب و کم شرب بوم معلوم مقصود ستور  
العل اولوب بوم نوبت قای غبده لوله استاز نایه اللهدن نامی قوم استفا  
شیر شیرین و ازلار نه بوان نب و ناما صدق سابقا لستار بین خالص  
ایله سکیکن ایدر ایدی ناکه علی روایه او توبیلدن صکره بار سیما بان راه استفا  
بعض شقیارات صوره کمن اینمکن استفی الاولین قدر نام غدار سکن سیر  
غدار ایدوب ولی النعم اول ضیف کمری روبراه و اگاه عدم ایلدی فیصل مادی  
عازم زریبه هلاک اولدوغن ادرک ایدیکر دبدو محنت دیده سندن خونایه  
فشار جسم حضرت اولوب ناره نام کوه کافرن قرار و مادی ظهور ایندیکری

طایفه اوزره انده ارا کیکر کینج استنار اولدی روز دیگر اقتضایات قدم کفر و  
ایله بوکار ناصو استنار بلکه دوه سی اولش عوب کبی اول نایه مبارکده طایفه دبدو  
دند ایندن کتیندیکر جهه لری اهرک برک قران و بوم نایه نمونه نای  
لعل بدختان اولوب او جی کون صورت زشت نایم نوری روزی  
کبی قبر کون اولدیر بوم رابع صبیحه سهکین حضرت امین لوجی برله بیکار زهره  
چاک و افتاده خاک هلاک اولوب اول اشرافه دین نطهر نفس مبین  
فایضه و بار هم جاسین اولدیلر انت ثرک بستانه جمال حال مشرکین مجرای  
صورت جلال اولتی امارت و اصل درجه عین البقیق اولی حق حضرت صالح طین  
نظ سبیا امان اولد و درت یک قدر طایفه نایه ایلد غم شام جنت مشام  
ایدوب رمله فلسطینه غلت ایدوب بحر ایلد جیاده قبر جلیل القدر لر عکاف نام  
بلد و اولتی مرسوم قلم نجین اولش دردت عمری الی سکر و بر فوله بوز الی او  
بر و اینده خود اکی یوزدن تجاوز ایدوکی محسود مرابو المفسرین العک از محشری کشیدن  
دار الهجرة موت اولوب اول نثره شریف حضور از پور و قری نده نقدر وانی  
برسم اجاره مجله بدستولی قبض ادا و احد تسلیم ایندیکر روجه سبله و لقی ابراد امتدر  
محی السنه الامام البغوی فخر نده جناب بنی اند اهر کاهری قبله انام بیت الله  
اولوب و اصل جیات جا و ایلد اول نایه اول نایه جلیل التان ده آسوم حال  
کنف الی و اطمینان اولد قری نفی کاشته قلم وایت اولش در ویدر که نقطه و جو  
بدو و ثمود صفی عالدن کدک عدم برله نابود اولی حق ساحل سلامته وضع قدم  
ایده مؤمنین با حضرت صالح و با خود انکار فلسطینه غم غلبه برین ایندیکر نده  
سرزمین حضور مود و وضع اساس ممکن و قرار ایدوب ساهقه جیلده بر قصر  
و دامنه کوهده بر بر معین بغیثه حاصور انام بر حصار استوار بناسنه بر زده  
انام اتهام اولدیلر نیجه زمان اول مکانده منظره جلیل النعم نایه اولوب بعد  
مد و ساس سبیلانید برله عا و نیمه عبادت اصنامه اقدام ایندیکر اول کرا اهر  
طریق دین مستقیمه دلالت کیون خطله بنت صفوان ارسال اولدیکر نایه  
عشق و طینان قوم ضلال اولمیین نزول عذاب ایلد قهر و تدلیس و اول شر و قهر



نعلین اولدی حضرت ابرهیم علیه السلام نبی عالمی است که با اجداد ابد  
 مقبول تصور شد برین اصل حضرت بود و صمود و ایدر غایت اغراض و تربیت  
 جدید و تشریف ساز صدر ابوان رسالت اولان اولو العزم یغایر لر و نذر اولی است  
 لیکن گرفتار مضیق منجیق اولشد و بعضی مذهب سیر زمره ساز خبر اولد و فی اوزر طبعاً  
 اجمال سنن عمرون فرق برنجی درجه به وضع قدم محترم اندک نکرده قامت باهر استقامت  
 استعداد لری جامه استبرق بطانه رسالت عامه برله اجمال و بسبب برنجی و اخذ  
 ابرهیم خلیل لغوت سعاد و اقبال لری شهرت تامه خلعت ابد اکمال اولمشد و لایزال  
 العلما از محشری کریمه صحف ابرهیم موسی تفسیر اب کریم حضرت ابرهیم اولن عدد  
 صحف مطهره ابد کریم اولد قلن صحیحاً عالی که ابو زر رضی الله عنه حضرت خیر البشر و صلی  
 علیه و سلم راوی اولق اوزر قلم فرسای صحیفه اکتشاف اولق برنجی انص کریم اتنه  
 جا ملک الناس اما منشور لامع النور امانت عامه حق اولمقدای امانه مسلم اولمقد  
 صدر نشین محفل نبوت اولان ذوات مقدسه سلسله نسب و الاحباب برینه بارسته  
 اولوب کافه انبیا البره اتباع ابد مامور اولمشد و استبک و نص سار  
 و قلم اظفار و احتقان و استنباط بال و اتحاد و تعلین و بس سادیل حضرت خلیل احراز  
 فصل تقدم یورد قلدی سنن سینه مستحسنة و بدو وضع الاصل قانون مهمانداری  
 اب کریم جناب مستحسنة ابرهیم اولوب سر خوانم زنده مهمان اولد خجسته طلال حل  
 عقده صوم وصال انزل و دی بنا برین سکا خلیل دارد و صادر و مقیم و مسافر عقده برود و کث  
 بدل نعم ایدوب ایدد که سفره خورشید کی الی یوم القیام بر دوام اولد احسن صیغه  
 اصد اولان حلیه بی عیب شب ابد محلی اولوب اول کسوه نوز ابد نوع ان ایدد ایدد  
 اولان ذی ذات ستوده صفات حضرت خلیل الله رسالار محققین العلما البیضا دی  
 تعینی اوزر نور نور طوفاندر یکی یک الی نور فرق سنه و جامع الاصول دن مقبول  
 اوزر یک یوز فرق ابکی سنه گذار ایدد که هر که کوهر تابدار ذات خجسته صفات مطلع  
 الانوار سوس اوزون صحن سلی عالم وجوده فیض نور شود و انمشد رنخل سر سبز قامت  
 طوبی و نوری خاک پاک بایله و یا سر زین خوانده بالاکتیده اولوب بعده بدر لر اوزر  
 مکان برین تبدیل و اول مهر مهر سیه رست طرف ابد خلیل اندکی فردست جیده بر ایدد

علی ای حال اول کربنده جارجست عالمه و درینوز برین سلسله استبدادین سکا اوزر و درود  
 نامی برین مسکونه حاکم علی الاطلاق اولان ملک انا قدن اولوب کمال ساعده اسباب جاه و جلا  
 ابد برین مستقیم عن عبودیتن خروج و زورده و عوای باطله بر بینه عروج انمش ابدی  
 برشب بو العجیده اسو حسیلیات خواب لیکن افق سعاد بر کوکب رخشان نمایان اولد  
 انک نور ندر ماه و افتاب منظر نور است بالحب اولد و فی عالم مثاله مشهود و دیده جفا  
 اولدی مدار جسم و نعین اولان مهره کونه و منجین اولان بیعت استمالن بر اولد  
 عاقبت محمود اوج سودا فخر فی مشهوره صمود ایدوب وجود نغز و باعت عدم  
 و هلاک اولق ایدد تعبیر اندک لری جهتن نغز و سفاک حاشا حکم قضای محکم الضای غنیم  
 رجاسیده اول سنه یوز یک قدر معصوم باکی گشته تیغ هلاک ابدی لغو تار ب جلیل  
 حضرت رود مالکجه مشهوره و رود ایدد یک مادر مهربانی اول کیم مباحث اضرا غبار  
 دور انک لکون خارج شده بر کین غارتناک و ناره مستور ایدوب سر ستاری برودار  
 اولمغین کلک و جو و ناز نیشلری اصابت کردند نظر بدون ابین اولدی صفیات  
 بعضی معجزانه جلوه کرامات نظر اولد که حضرت ابرهیم متوادی بیفول غار اولد قدر شب  
 ندره و رصد انان فن تنجیم اولان کینه و منجینه باری راه نعین اولان کوکب خشت الحکم صفر  
 اسمانه نهان اولمغین ستاره شناسلری خنده اصابت تدبیر ابد بشیر ایدوب سطر  
 ناموزون قانون نامه قتل اطفاله ضرب قلم ابطال اندر بدیده همه حال حضرت خلیل بو بانو  
 کشف حفظ اللهیده نشود و غایب اولوب سن تمیزه بالغ اولیق ارشاد استعداد کادزار  
 برده ذات کائنات متجلیانه کاه ایدوب بو ممکنات اجرام علویه و سفلیه بر مبدع حق  
 لازم ایدوکی و اصل درجه علم البقین لری اولدی لکن اول شکام و عدت وجود باری بر فرد  
 افراری اولوب باوده شکو و کفر و انکار ابد هر کس مست و طوعا اوکر نغز و دست  
 اولمغین غلبه طریقه سلوک جاده مستقیم ایدد بر سر سدا اولد و فی جهتن زهره زهره با شری  
 باماه سب ار او مهر عاری به کاه ایدوب بر سبیل استقامت انکاری و خذت او  
 استقامت ایدد فضل بر کلا ایدد یک زبانا طفه انمشد لیکن اول صور عبرت نغز  
 برده احوال اولیق لایعن اعتقادن علی وجه النظر و الاستدلال صادر اولان مغالی به مالکین  
 اولوب سر حتمه لایع و جلاله خار و خاشاک اشک اولدن تنزیه و جود و جوی



فاطر السموات والارض خبايه توبه ابدی مردی که از زنجیر کتب مال حل شد  
مستغول صنعت بت تراشی سبب تکام بر داشته دست و پاها او کلام استغاضه  
هل من خیر انک دست سکن حضرت ابراهیم تسلیم ابدی حضرت خلیل رعایت  
حق ابوت ایون اول تکلیف غنیه نخل ابدوب لکن همه تخر و از در ای دخی ادا  
و جماع اسواقه من سبیری یا یضه ولا یضعه و بوند ایند کندن صکره اجیان اول  
مرداری بر ربسمانه بند ابدوب جیه مانده مال خاک ندلت ابدی از زرمون  
الدوله و کجوریت الاضام اولوب فکر و حکومت خرویده قضای مویسلطنت  
ولت مدافله رای اولد فیه فیصل بولغین رعایت خاطر کون دامن حال جنا ابرهیم  
دست تضرعدن سلیم اولوب باتواضع و مسکنت و بان سلیمیت اید اول جانی  
نیجه سکجودن ازاد ایدر ایدی اگر چه حضرت خلیل علی اسلام امانت اضام اید  
غلغله انداز استنهار اولوب وساطت مقرین اید سمع خودی دینه دخی و هل اوس  
ابدی لکن نقی شس غریب خواب و دوسین و تعبیر منجین صفحه قلب بر کشنده بر حسب راد  
بعلت شسته صابون لبنا اولغین اقاویل مفسدینه چندان القاسم اسم ایتام ندی  
اول دمه دک که بیاطری اولوب صبحدم صغیر و کبیر عبید کاه چقا م اوزر و اماده اولد  
حضرت خلیل دخی از ز تکلیف زقا ایند که اول لیدر ایدل تعبیدون کند و لرز تعبید  
معتقد قوم اوزر اخر شناسانه جانب اسمانه توبه خطه ایدوب غلبه مواد شیوع  
ضلال و فساد ایدل ستقامت قلبیه و با اشراق السقم اراده پور لقی اوزر و الی سقیم کل  
ایله نافر ازردن آرزو مند حضرت و شهرتها قالیق طرف نیجانه به کافرن عز  
اولد بلزیت خیر ایدل داخل دیر اولغین بیس اهنگ قطار اضام پهونام بند غیر  
بنمش عدد صغر زران و دکر سبلردن بوزلری اوزر یست و دست حق پرست  
ایله مکه سن شکست ایدوب الت جهاد اولد زهر معتبری جوس و ارا ویزه کردن  
صنم اکبر ایلدی اول که اهلر سبب شکام هنگامه عید کاهدن و بره شهر اولوب  
نیجانه به شورش و غوغای بدستانند شکسته سبب و صد یاره سفال ایدل مال مال  
صحن میکده دن نمونه کور یک کونه جهره مردار اریکاه کاه و کاه روی زکی سیاه  
دو نوب ویده لری خونابه زهر عم و سینه لرز زهر تاب تش الم اولدی

هربری حوصله استعداد شفا و فی قدر بر سوز سوبلیوب عاقبت هجران اتفاق  
انت فعلت هذا بالهتیا یا ابرهیم خطایله حضرت خلیلدن استنطاق ایدل حضرت  
ابرهیم بل فعلت کبیر هم هذا کلام وری لک ایدل رد جواب ایدوب اسکو تو یضی اوزر  
شکست و الزام حجت قصد بل ارات صورت اوزر و فزیده فاسد و هم کافرا  
بطقون بر که کند و لره قصد اضرا ایدل لری اخباره قادر اولک جاده استعداد  
رتبه و الای الوهیت اولد و فن حکمانه اظهار ایدل اول سفا بر سعد ختر غر و و اند  
ایله کرم ساز موه بخت محاوره اولد قلمر خلا لده هر برینه القام حجاز ایدوب سبط  
ایند لری مقدمات مسلم الاناجی که قلم زنگار شهاب تبیر کام و مدار غیر نهاده  
سبب غایبه فام ایدل و سیر فلک شیر فایز سعادت گنا اولد و ن عاجز در فرد  
افراد الزام تخر خارج و ابره و سع ذره حقیقه اولی غین رساله حرات الصفا و  
بودنه ایدل کتفار و اکور لری القصه حال طین و بوغرا اکبر ایدن بنین اولد  
اول با قبولی وجه معقول اوزر محابه و عجز و تصور لرز طهور امکن بر قوله غر و  
اما بر روایتده اگر او فارسدن پهونام بر کرد و نه و دون القاب بکه خراسو  
صبعی عاجل ایفا اولینوب غم ملک تحت الشرا اتمده قار و نه رهنما اولد در  
اول ابریز کامل العیاری زرناب اسایو ته نارون نداب یعنی سوخته آتش  
بر ترف و نا اشک اوزر و وار دیر یلوب زعم فاسد لرز بر حضرت الهیه باطله  
کامل برای شاه کدا اعمال کوفه دن کوشی نام مقامه استر هیزم کش حلب احاطه نقلد  
انظار صنعت جوا افعال ایدل اعداد اولد زهرم بدی کون هر طرفه ایفا و  
اولنوب کرمیت تش ایله نور باز کونده اسمانده جل بریان و جوسا دن در غابله  
بر و از قطرات باران کبی بران اولیجی جناب خلیل الهی که بوفون عقد بند زهر  
انتم ایدی میدانه کتوروب بدن کل سیر پهلون پوششش لای زیبا جامه و قبا  
چو بد ایند که صکره دست و یابسته شکفل عدت زریله الترام مالایزم هیزه  
و کبل خلق عالم لعین جیم تعلیمی ایدل ایدل کدر منجیق کفه سنده تسلیم ایدل اول  
چینه تلقین ملهم الصواب لره میزاب زبان طوا لیا لردن حبسی ایدل و نعم الکویل  
چو ایدوب قلب و قالب ایله جان ساز و در و مندان فریاد رس سحاره کاه



در کاف رافت و سنگا نه توجیه ابدی اول جالده غلغله کردی باطل طاقی و  
استیغین و جماع افلاک تا مکه نشینگاه خاک کبی پاره و این اولوب  
ای مالک الملک علی الاطلاق جبل التین زمان قضایه تسلیم کردن رضا اولند و  
مطالع علم عالم را در کفن حالیا ساهره غبراده و جدت ذات باکلی اوراک  
اتمس غلبه ابراهیم غیر کسبی بوغینک دو تسمک ان سوخته نار هلاک انک روید  
دوسوزن کدازه و صون صمد و سنگی و لوق رجاسه تضرع و نیاز آغاز ابتدا اول  
یک سیک سیر بارگاه جبروت حضرت جبرائیل اذن رب جلیل ابدی لجه البصره جلوه کرد  
منصه ناسود اولوب بابر هو اجاب خلیل ابراهیم وقت شک و غم مشک  
اجلج در نکند بر زره اما خدمت اشالم هلاک من حاجه دیوب منتظر صدوزن ابی  
حضرت خلیل حتم امید حضرت حاجت روایه در دایم نوجم طرف کبریا به در مصدق  
روز امید در جاجن قبله حاجتمند اولان درگاه محبت و سنگا نه توجیه اولوق اوزر  
اما البیک فلا کلام معجز نظار به ماسودان صورت استغنا کوسودی راف داد و چی  
جبرل ابن امدی دست دعا طرف کبریا به رفع ایدوب و بیک خلقه در نیاز آغاز  
ایسکوز او کاز و بیک حضرت ابراهیم ای فرموده راس رب کرم همه مصنوع بود کرنا بود  
جزیره علم از بیده موجود ایکن بن زره بی وجود فرع باب رجحان نواک تا خلق فهم ابرم  
حسب الله من سوا علمه کما معان بدیع الاشیاء برله رد جواب با صفا ایدوب کی انده اش  
سوزان خطاب مستطاب بانا کون برود اسلا ما علی ابرهیم نظری اولوب مبسط  
جناب خلیل اوله لجه التیش محل سیر از یک چین و کل و شیرین و نسن برله فرین  
برایغ دلکش اولدی لهیب نارون بر مار سوی باریکه تنگ انار ابرهیم بوب اکی و دو  
مازیندرده اوله بند اینین قطره سیاب سا خدای اولوق ابدی قیدون خلاص اول  
حضرت ابراهیم علی الخیمه و التسلیم اراک بر دیال ملائک برله چین صفا روضه اشفا  
اجلاس و دوست سنبل بر سنگینه جبر بهشت بر بندن شیخ حور و عین بر فیض  
عام البکس اولوب بدی کون اول خلیفه خلیفه ده فرست تکا روضه رضوان اینه همصبت  
و یانت و شام سر خوان ای امتان جنت اولدی و انارس انجل عسکاه رسالت  
و سنگا جاز قضی السبق مضار خلیل اللهی حضرت لری امد و صون الهی برله خلیفه

حکایت تون بندلجام سپهر بدام اولی بحق نمرود و دوزخا قصبه اضار و سنگ  
صرار اولوب کنش عشق طغیان اولوب فیضان رحیمه تصدیق و ابقان برله انفا  
بدر اولد و غنندن ماعدا بلکه حاسا حضرت خداوند زمین و سما افریننده انس و جانیه مطهر  
لرغه وار و کبریا خولیا سینه مبتلا او کو بر دفعه ایجا و صندوق و اطرافه سد نسور ابدی لافانه  
خلیفه خلیفه فصد صعود و بر کره دج ساهره غبراده ترتیب جنود و انکیان تسلیم جنس  
بموضه برله کندی و اتباع اشاع هلاک اولوب لوت وجود برین وین صفتی خاک یا اولی  
تعبین تواریخ و قایده اقاویل الشیخ المفهوم مورخین و غننه انکیز خاطر اولدن تا اکثره تفسیر  
نجات اولمش در مثل اول منزه بار اوج رسالت کنج غارون ساحه ظهوره فیض نور ایدوب  
مرآت ملکوت ارض و سما به تعلیق نظر انور و سورد فکر زنده سنی عود غریز بریدی و با  
الان و با اولن اوج و با اولن الی اولوب بر روایده اول ماه چاره ده سیه انجی اولمش  
ایلی ابدی کشاکش سونجه محنت تشنه استلار زنده سن سیر بطلار اولن الی و با یکدی بدی و با  
او تخر اولوب بایلدن رفع ربابات اجوت سورد قدرنده اعوام هر علامه زخمی تفسیر  
اوزره نمیش نش و امام سیوطی نقلی اوزره او توییدی ابدی کن خلعت رسالت برله  
تشریف لری فرقی سنده اولد و غنی تعین و لغین روایت سیوطی و درست ایدوب که نمین  
اولور قضیه اجای طهور و فنی تاریخ میر خوانده ده سال ار تالده اولوق اوزره مسطور اولوب  
اما اکثره تفسیرده بواسطوب اوزره کسبده رسته مسطور در که جن حاجه ده حضرت  
ابرهیم صمد و رابکن ربی الذی یجی و یبیت کل من نمرود و عفو و اعدام قصیده انا  
اجی و امیت و بوز غنجه جواب تصدی ایدوب حضرت خلیل ماضیه فاسده نمرود و عفر  
ابده متاعله و ان اعراضا شال خفیدن ان امدیانی بالشمس من الشرق فانت بهائم العرب  
شال جلیس نه عدول امله اول قبولی الزام و اسکات ابدی بعض دانشوران تفسیر  
بو کون قلم زخم صفتی تجر اولمش در که نمرود و جناب خلیل ابرهیم ربک اجای یونا ایدوب کی  
رای العین مشاهده ایدوب سوال ایدوب حضرت خلیل نعم جوابه ایدوب ایدوب عاقلان  
نمانه به ثانی اولد و دفع مجلدین صکره بر کره دج سوال مزوره جواب تدارک نه مضطرب اولوق  
احتمالیه درگاه ایزد و با کلام رب اریه کیف یجی الی عرض حالن رفع انک حصول اطمینان  
ایکون فرما سبج ایدوب بر غواب و لحادس و کبوتر و خوس و عضه یک اوزره سیریز ایدوب بر زنده



عده اجزای مخلوق و درست و بایستی طایفه توزیع ایند کردن مکره ابدام پیام دعوت بود  
اجزای برین اجتماع و فرامین کوش قبول ایلد استماع ابدوب خدمت خلیل اللهی زنده  
کرده و روانه ولسان کابلد رئیس اعضا و کلام سر بریده لرن احسن جاسنه نیاز و سر غان  
ایدن بعضی کتب نوار یکده مخصوص داده حضور فرودده اولوب اول مردود و نو مجزه باهر  
حاشا سحره حمل ایلد حضرت ابرهیمی کچ زنده مقیم ایلدی و بوباندر باغ تجر اولد در اولد  
بحقانق احوال همه حال سبناری فضل علم ایلد حضرت ابرهیم برنخ نارد مضیق قهر  
خود و جبارون کناره سلسله خفد قدن مکر سیغوله نشین غلث و کوشه کذب امن  
و راحت اولق کچونر بایلد و اضم کبر اولد علا بقدر انقطاع و بهجت الی الله قصد برادر  
زاده سی لوطه ایلد اول منزله و داع ابدوب همراهی توفیق برله غم طریق ابدلر جازند ملک  
هادانک دختر سواد ختری ساره به که یوسف کنعان انک حسن سامان سوزندن  
ملت ایدوکی ثابت الصحه در داخل جرم برای ازدواج و انده نیجه حسنه و لکن عصبانه داروی  
شفا سازار شاد و لری برله علاج اندکزدن مکره سابه بعد مصره تشریف قدوم مینت  
ازوم ارزانی یوروب ایدن نفی محل بند توفیق وارض ساد من فلسطیندن و اولق  
سبع نام منزله حطرحل نزول یور و بلر قوله ازده می مغباه علی کوفه و بناله و بهجت کرینان  
اولق خوانه کلوب انده مرد اولد در و امه عصمت تاب ساره به حاشا رخنه دار  
هنگ حومت انک سودای جا و امنه گرفتار اولوب دست و بازوی نیجه جناب کی بی  
کار اولغین نوبه و استغفاری و سبله بل مغفرت عفاری ابدوب قطبته الاسل  
ها جو نام جابیه به ساره به دست بکیم و شان ترف نشان خلیل اللهی منظره صوف و اجلا  
و تعظیم ایدن کسناخ به ادب اکثر صد و صحایف سبرده فرعون مهر سنان علوان  
اولق اوزره حور اولوب روض المانده قلم امام سبیل رفوزه سی ملک اردن صاف و قدر  
حضرت ساره عاق اولوب اقتران سوزیدن بر اثر سهر جوهر مقدس ظهور انک سکرک  
اللال سن خلیل جناب خلیل منقطع اولق کچونر باجری داخل حوزة ملک الیمین حضرت  
ابرهیم ابدوب اول رسول کریم سکنا الی سنه بالغ اولد ایددی که زیج ابد اسمعیل  
خواب نوشتین خفادن بیدار اولوب کله اش سامان سوز غیرت بشیر به کانونه درون  
سازون زبانش اولغین رعایت حاسم رضا جوی و خاطر خواهی کچونر ذبیح اللهی هنوز شیر

خواره ایکن مادر مهران ایلد بروفق سبج جلد کاه ام القری اولد اولدی غیر ذی نزع ارض  
بطیایه نقل و تحویل تبدل من مقدم جناب اسمعیل باعث فیضان لال زخم کرم اولوب اول  
شغل غلب قبیله جوهر و قطره ایلد اکثر الزام اولیق ایلد کلبه رسالت حرم مسلم دست  
تصرف جناب اسمعیل اولوب انار و اصل معارج علیین و داخل نمکنده بهشت برین  
اولد قلنده نابت نام فرع نابت الاصل اصیل جانشین اولد و غی و انار و غی برنخ سبایی  
انیم بقا اولیق زمام انک ای حکومت ابادی متغلبه به دوسدوکی و بنای خلیلدن مقدم  
و مؤخر محذره سیه جادرام القری ترفها اندک منصفه ظهور صحنه بیت مطبوعه جلوه  
اولد و غی تخلص کشتن ساری تجر اولد و غی سیر معتبره مفصل رسوم قلم عاجزانه رقم فقیر اولد  
شمار عوام حیات فایض البرکات خلیل یوزون و اعدا و عمر ساره طغ اندن نجا و ابدوب  
طرفین حسب العاده سن ابائس ایلد استینان تمش ایددی که استیصال قوم ضال لوطی  
ارسال اولد انک گرام برده که صفای صحاف تفاسیرده محوره اولد و غی روایت صحیح مقرر  
اوزره حضرت جبریل و میکائیل و اسرافیل در صلوات الله و سلیمه علیهم اجمعین مهان  
خوان خلیل اولوب تقرب طلوع کوب اقیاب اشراق اسحاق ایلد بشیر و اول  
برج نبوت مطلع الانوار صلب یکدن دری تابناک وجود بهر بود یعقوب پر  
تواند از صنف خاک اولق قرار داده حکم تقدیر ایدوکن تقدیر ایدیلر فریده و لما بلغ  
مع الله تعالی نغیرنده سجان کچینه اسرار فرانیه بوا سلوب اوزره رسته کش لالی  
حقایق عامضه فرقاییه اولد در که جناب اسمعیل ارجح روایات اوزره اوج  
اول فرزند بلند عرصه یک اویند سرتیز انک ایلد مامور اولوب و ساوس  
سبطانیه اولد بغ امارت صحیح ایلد امارت تابناک قلب پاکر نیجه جلوه ظهور  
کوسر یک من جناب ابد صد و رایدن فرمای در ماندن نخل نیل حضرت اسمعیل  
اکاه ایدوب فاعظ ماری کل ایلد استکشاف سر ضمیر ایدن کلیده لی سکنه  
تر و دیابت افضل نومر سجده ان سنا اند من الصابین تعبیر دلیزیری  
ایلد در جواب مستطاب اولمغیر امضای حکم قضایه تشبیه ساعدت ایدوب  
اول سر و سر فزان باغ رستا غالباً ندج مناده بر فحواوی و تله للجمین سابه ساقش  
صفحه روز زمین ایلدی اول حینده حضرت اسمعیل دیده کشای در اجمال جناب



خلیل اولوب کلکون اشک حشمت اطلاق زمام و بوشش اوزره اجاله کیت  
کلام ایلدی که ای پدر عالی که حال که ما سرخ السیر غریبا بیدار گرفتار عقد حق  
و کوب چیات مستعار بشلای اخراق اولق اوزره در بودم و ایسند و خوا  
نیاز مندانه دل خیزین اولد که اولالت انقطاع رسته جیات اولقا خنجر ستریز  
ایده ستر که شربت خنطل طبیعت حرکت ایله زیاده مزالذوق اولیم نایا یا دوستی  
محکم نداید ستر که حاررت امرار سکین ایله مرغ نیم سبل اسافر در اضطراب ایدو  
بن زره خنجر دن بی اختیار سر حشمت خاطر عطر کبری تکدیر ایدر بر وضع کستان خانه صدو  
انیمه مالشادم بسل کوشه اذبال اهل کاکاه اسنوار ایدر ستر که مبادار ساغنه  
خون شکوف کونم ایلد امان با ککزه آلوده اولوب کشته شمشیر تقدیر یوم کجا  
باعث سرخ روی اولق نصاب صوابه نقصان زین انیمه حکم باش و کسه  
خانم تیغ برانک سنگ و اهرم اندر که رخون اولد و اناک سنگ رابعامادر  
مهرانجه سلام و داع انجائی ابلان یوروب رحمت اولر نه خونین سیر همی که بوشید  
تیغ قصه به لعلین کفندرا اول یعقوب قنچه دست اوزر ایدر ستر که بیت لحن  
اولد قدو یوسف ککشته دن بوی وصال فردای قیامت و بر یک ایله نوعا  
ارامش سکون سورش قلب مخزون اولد حضرت ابرهیم فرزند و صابا قنچه  
فرزند غریزی قوطنه نا کوش تسلیم ایدوب هر تار مژگان منیراب شورابه اشک  
حسرت ایدر ک شمع کافوری محراب دین اولد کردن سیمین جنان اسمعبله حواله  
مفاضل کتن ایلدی اولنده ملائکه هفت سلیمان ساز کریمه حضرت خلیل الرحمن  
لو لوپ ای خداوند کریم بنده فرمانین ابرهیم خلیل انک ایله سرفراز و اولد  
سنوده صفا بو عنو اخلیل التان ایله ممتاز ایدر یک حکمت خفته در خاک  
و کل امیس دیو سبابه کزای تحین اولدیر جناب خلیل قوت بازوی رسالت  
بر له خلق مبارک اوزره مارا امرار سکین ایدوب اول صفحه بلورین رتحات  
خون ایله لعلین اولما یحیی حضرت اسمعیل ای پدر بزرگوار عکبار اینه ویدار افتا  
اسرافه تغلیق نظر اشفاق انک ایله جائزه دست حق بر مسکون لرزه ناک اولوب  
اوراک سرت امتثال فرمان ایزد متعاله نوعا نکاح سل و اهل اهل او کتابه ایوان

بنوت اولد صفی جبینی نقب یور سکون خلیل که بازوی غایت صادقه دن قید فتور  
منی اولد بو متقاضی انضای حکم قضا اولدی حضرت خلیل ملطع الانوار نجابت اولان  
جبین بینی نقیل و مرات ناباک و بصورت اینه کی روی خاکه نجوب ایدوب  
تیغ غنچه بیزر و جبین ایتما قریز ایلدی لکن سیر صون الهی خلیل اولکین یک اوزر  
ستر طرف اخوه مائل اولوب وجودنا زین حضرت اسمعبله سربو اتر اندی جناب  
خلیل بو معامله دن جبین غمناکی داغدار نهنت تقصیر اولق خوفدن او سکینی کمال غضب ایله  
صخره صایه اوروب صفحه سنگ خاراده تاثیر عظیم ایلدی فرینه حال طرف ایزد متعاله  
با ابرهیم قد صدق الروایاتی بشمار احتوا سنه مظلمه اولوب نزول عذاب بر له منظومه  
الطاف الهیه ستر اولدی و دیدر که حصه باب احسانا مناهی الهی اولد قلدی دم خنده  
قدم مرغ زمین بال انساب عالیا بشمار کاه خط مستقیم نصف النهار دن سمت سبانه مرغ  
نوبت فادنه زوال بیکلی وقت مبارک ایدی اول رسولم محترم شکر التسمیم سچم نیاز  
مالقوب فرزند دلبندی طرفندن فرمان قضا مضایبه بی ترد و صد و رضا و تسلیم و تقیبت  
حول انضاسنی رب کریم و نزول و حج عظیم و سلامت وجود خلیل عظیم ایزد دست  
رکعت نماز ایله سجده کذا نعمت بی منت اولدیر بو معامله حکمت فرزند صکره کذا ایدر  
انوار سنین اعدای بدی و یا اون اوج اولد قدو حضرت ابرهیم خلیل و جناب اسمعیل تیغ  
بنیاد صیف الارکان بیت الله اولوب بر حسب فرموده اول فیکاه انام بیدر ای صورت  
انام اولی حضرت ابرهیم و اولی شمس بلج فرمانه اتشلا لاسا هقه جیل فسد نه یا ایها  
جوابیت ربکم ند عالمکیر ایدوب سعادت بیت الله کلام سر دفتر اعمال نری اولق مرسوم  
نظم تقدیر مستغیر اولد کافه انام نهما خانه اصلا و ارحامدن من کل فج لیکن زن جان  
دعوت حج اولدی جناب ابرهیم هنوز بیت کعبه وضع اساس مصون الاندر اس مشهور  
که حاج عازم دار النعم اولوب حجره مقیم کنج اولش ایدی بر قاف سنه صکره ساره و خیار  
الانش قدسه ارحال ایدوب فرزند خیر و نده مدفون اولیق حضرت خلیل علیه تحف التاجا  
من الرب بخلیل نشو که نه بهار غریبا بیدار ایله جنس سیرانه سر کوسر و ب موبلده سنی طوری  
کوزم ای سر و ارم صدق قنچه نبات کرام کنعان بادن فطوره انام بر آهوی کجیل الطرف دست  
حسن لاحی شکار دام اذ و اوج ایدر اول مخدیه بیت العقندن بدین و مدان نام ابکی



نزد غیور الوجود خدایمان خیابان شهود اولوب اما بقوله النبی اکرام انبا  
 نای ایوان استی و لشه انس اچیلده آرایش جریج بر اولشد حضرت خلیل  
 بنور دایره وجودون خارج و مرغ روح بر فتوحی شاف خیابانه خارج  
 اولمش ایدی که سر سعادت افسر حضرت اسمعیل و فرق فرقه سا خیابان حق  
 مانج باهر الا به حاج نبوت بر له منظره توقیر و اکرام اولوب منشور استعدا و یعقوب  
 کروب دخی اول توقیع رفیع اید رفیع و احترام بولش ایدی مرسوم بر اعه نقیین  
 اکثر محققین اولدوغی اوزره شمار عوام جبا قایض البرکات لری یکی یوزی یکیل  
 ایندکه مضیق فنادن مکانلرین شحت سرای بقایه تبدیل سورب جوار سارایه  
 سابه انداز تشریف اولد بر حضرت لوط علیه السلام خیابان ابرهیم برادر زاده کی  
 وادیب ارشاد لریک تربیت داده سی در حضرت خلیل منصبی دعوی  
 معجزه رسالت اولد فرزند حازر قصب سبق نصیدین و انوار اولوب بلکه لفظ  
 مقدمه دعوت اید نوام اولمغین فیض ابر کوه بر بار افصال عم بر کوارای اید نهال  
 استقامت نشو نما بولوب فیض احسان لری بر له مرات دل و جاکام جهان اولوی  
 حضرت خلیل اید بهجت کزین اولوب اندر دولت و اقبال اید رفیع سلطان  
 نزول جلال پور و قدرنده بنور بر مرحله بعید اردون نام مفاده قرار اختیار اید بر  
 منظر نقیین نص **ما سبقکم ما من احد من العالمین** اولاهل سدوم و موعد  
 و مجد اولد فلری فعل مذموم مذموم منع و زجر ایچون ارسال اولوب بعض ارباب  
 سیر نمکش صفی خبر اولدوغی اوزره یکره سنه نهی شکر ایدنده تمیید مذمات  
 وعد و عید اید بر مفید اولوب اولی ساز لر توفیق به اینک قانون کفر و ضلالت سعید  
 زیاده اند بر ایام استند راج نام اولدوغی حکامه اول قوم صفا استیصال  
 ایچون طفوز فرشته نور سرشته و بقوله انجی حضرت جبرائیل و یساکل و اسرافیل  
 ارسال اولوب احسن تقوی عم است اید غرض لری لوطده مربع نشین سند ماک اولوب  
 چون کرد و بیانه کما یکبر بشری اید متشکل و هر بری کمال سن و جمال بر له زبیده  
 بر دل خوش منظر شکنده متمثل اولشد ایدی اول که اهل کاه اولوب حاشا  
 فعل فاحش قصد اید که ان بنور زوده اساستاب کنان عازم باب دولت

ماب لوطه اولد بر اولن بنی غیور ملک شته راه شعور اولوب اقوم مستحق اللرم مقامی  
 تفضیح و تحجیل اید بنی تدبیل رواد کلد مقتضای تربعت و فت اوزره نبات صلیبه سزه  
 نزویج و غلظت و ایت و سبیل مصاهرت اید نزویج ایدیم دیوشیده تضرع و نیاز  
 آغاز ایدی اول مد کردار لری با مقتضیات نفس اماره اوزره اصرار ایدوب ضیف  
 کر بگری کند و راه سلیم تکلیف غنی اید تحجیل خلقه در احجام برده سن نیز انکلیک  
 کوه بر جبریل اید بی نور اید نس میل اولوب رو کردان بیابان خد لان اولد بر  
 خوس زرین جناح صیاح بال افشان لوطه پور اولدغه آغاز اید و کی دم فوخنده قدیده اول  
 مخا ذیل هرزه کرد کوجه بازار رسوا اولد فکر بشن باره قرینه مملکه که هر برنده تقریباً یوز یک نفوس  
 معطله زیر کلیم شفا ده خفته ایدی شهبال اقدار حضرت روح الامین اید بر خوی  
 جعلنا عالیهما سافلها تغلب و بو تقوی اید ک تنزیل مبلده مؤلفکات بقی اید  
 تلقیب اولک و اول خطه خارجنده بولک مسافرن مانده اصحاب قیل نجی رت تمجیل  
 معلق زمره فقره سین اولدی حکم قطعی استثناء الا امراته اید جانان لوط شته  
 شرف انتک منقطع اولد و اهل دون ماعد اول درگاه علقه حسب و نسب اید  
 منصل اولاندر موجب زمانه فاسد باهلک بقطع مایل لیل ذیل سلما مته نوسل اید و  
 دارالمانه استنا ابر بهجده غنا نکش سبید زارام اولد بر ایدی سبل و از شرف  
 خدمت عم کرم اید منظره آغاز اولد فدن صکره سکنا با سنده طائر روح بر تو  
 استقامت روانه ایدوب فرزعه جبر و تده و انس اچیل نقش اوزره سجد  
 قریب کفر یک نام قریده مد فوندر لر حضرت اسمعیل علیه السلام حضرت خلیلک  
 نجلی سید اولوب اکثر احوال ترجمه بدر بر کوار عا بنار لر نه نکاشته فلم  
 طرفه رفم اولمغین پنجه کرا اختیار نه حاجت بوقدر ارشاد فیض جدا و اید اید هم  
 و عالمیق و قبایل منی سا همراه ملت ابرهیمی به دلالت ایچون بنی یعقوب در بعض مفسرین  
 فاصبر کما صبر اولو الغرم کیده سی نفس برنده اول و تو امقدسه مر جانی اید توجیه  
 اید بر تیر بلایه سیر صبر و تحمل اید مقابل اولد بر سل کرام اولوب دم بنلای بلای  
 رجهه یای لغزیده خلاف اضطرر اولد فلری ایچون اسم ک اسمعیل عم خبطه السعد  
 یسغام ان اولو الغرمه موجود و جاده مستقیم اصطبار صبر و اید بر اسحاق و یعقوب



و يوسف و ايوب و داود و موسى عليهم السلام و التسليم اول زمردن معدود در ديو  
 كوه كرس نيز اول شد و الله اعلم معاني جبر بچه نام نامبلي مطيع اسد اول لقب  
 كرامتري اعاق الشري ايدى شده و الزهاب سلك مشهور و اعوام اول كرامتري  
 شرف تصافلى شمار اولوب جمله دن منتظم رسته سبع الكنا اول كرامتري  
 كان صادق الوعد مصداق نجان زبان حلو البياض برله شحكام و يدركلى عقد  
 مدة العزاض نقض برله حل انتم در حنى بر كسنة ايله مكان معينه اجتماع اوزره وار  
 و يريلوب حسب الوعد يوم موعود و ده مقام معهوده سابع انداز شريف اولد قلنده  
 اول مردنا استوار عهد حلف و عهد نيك برسته اول مقادير موقوف عقد انتظار  
 اول شد و رتبه كلام اول ذات كرم عا جباب بويابه زهر جانتاب ايله اراز  
 شرف امتياز بولوب سجدت ان ساء الله من الصابرين و عهد كرمه وفادى سر  
 اولد قلنده خفاش اهر عادل تدار و بولوا المغيرين العلامة الزخري كشافده كلفش  
 جنتا نقيض اول شد و اگر چه بوماده بجره ثابت الاسل حديث ذو جود شعب  
 المفضون اولوب بعض و نشوران عالم ذبيح اللهي خلعت و الاسن بالار استحقاق  
 جباب سحابة سلم طومر در امان عباس و ابن عمر و تابعين و علماء و ديندن  
 جم غفير رضوان الله على جميعهم حضرت خليل ذبيح اسمعيل ايله متحق اولد اوزره  
 ابراهيم اتفاق اولوب انبى الله عايجون خليل علم اليقين ايدى و لائل و براهيم ابراد  
 انتم در بولاسكو غوب اوزره كه حضرت خليل عليه السلام ارض شامه نويد  
 رايست هجرت يورب در كاه قاجا جاته رب هب من الصالحين و بودست  
 مناجات رفع ايدى كلنده كفته ميزان رجاكران بار قبول اولوب علام عليم ايله بشير  
 اولد قلنده صكره صحن سزاي و جوص اول وضع قدم ايدى پسر نيك اختر حضرت  
 اسمعيل را بيا حضرت خليل جباب اسحق ايله بشير اولملى كند و كرك كبر و سنى و زور  
 ساره نيك اياكمانده فحاة اولوب حتى البشيمونى على ان مسنى الكبر و بولامكه  
 كرامه حاجت اتمشدر هنوز كند و له حسن ظن توالد و تاسل اولد بيا مده  
 ولد صالح يورب نتيجه مفاخر جلاله فرزند عزى اعمال فى الاعمال و لغنى برسته  
 بالغ اولد قلنده عضه بر ستر اسك نامور اولد قلدى دغى صحت مدعا به شاهد عدل

ثالث و بشير با سحى كرمه سى بشير باه بخلام عليم نظم كرمى اوزر به معطوف و لوب  
 بين المعطوف و المعطوف عليه لزوم مغايرت قاعده سى انبى الله عايجون بر  
 قويدر راجع جباب ساره دن تولد نه اشارت قضيه ايله نوحه نوحه بشير  
 اسكو اوزره بشير باه با سحى و من و را اسحق يعقوب كرمه سنده حضرت  
 خليل الرضا طلب يك كرمه سى ايدى فضل جدا برله نخل مير سنده قامت بالاي حق  
 هويدا اولد باغنى بشير امارك شافع دوحه وجود و ثمر لا شجره نسل سعوى  
 اولحق جباب يعقوبك نهال قد طوب با نمود لرر و ضه شهود دن كسبه بالالوق  
 مرده سيله مقرر در اهاق ذبيح اسحق ايله فرمان ايدى صادر اولق قبل الطلوع  
 غروب كوكب وجود به بود حضرت يعقوب سئلزم اولوب حاشا خلف و عهد  
 مقور الاجازه مؤدى اولق لازم كلور كا زانه الاسي غزوك علوا كير اخاسا  
 قضيه مرضيه ذبح سرز بهن مجازده اولوب حتى فزون كيش زمان خلافت عبدالله  
 بن زبيره دامن مجذره ام القرايه اصابت ايدى التشرع داد حجاج بد نهاد ايله  
 محرق اولد و نجه نيراب كعبه ده معلق ايدى حضرت اسحق نبي خود كيه تشرع ساز  
 قدوم اولد قلنده معلوم كلدر سادى حضرت حق جل شانه صفت موده صبر ايله  
 جباب اسمعيل تيميل يورب لسان تيميل جليله بنى بود وصف جميل ايله تصف  
 اولملى در حيث فال جل و على و اسمعيل و البس و الكفل كل من الصابرين  
 سابع اخواج كاتبا حضرت عليه شراف النجات زبان معجز بيا كند نه شكر شافق  
 جان بخش اولوب انا بن ذبيح فزود موجود بى برله شايه و سباهى اولملى شوب  
 مدعا به اجل بر ايند سجد ذبيح تاييد بر كوار لر عبد الله اولد دغى موجود متعين  
 و نبين اولور كه ذبيح اولد نه مراد اكارم ايجاد كند نه بر تو خورشيد نور طلع  
 الظهور محمدى قند بل محراب ابروسى و اول كوكب در اقبال سرمدى نر جنت  
 مصحف روى دلجوسى و اول حضرت اسمعيل اولد بعض اغرة اصحاب رسول الله  
 ملتقى الابوا انسا اولان جباب صنع الله نه مشعب جدا اول سابعه فائز  
 ديون شند زلال جواب مستطاب اولد نه بر كرمه عالم حضرتى صلى الله عليه  
 يوسف صديق الله بن يعقوب سراسل الله بن اسحق ذبيح الله ابن ابراهيم خليل الله

جمع  
 نقض  
 بهينه



اسم بدیع الانبیاء برله توحید یورد قلمی خطاب غریب نموده اولاد اولاد قیامات  
 و ابدن اولق اوزره مسطور صدر و رجب و تکلیک حضرت یوسف صدیق غیر مصر سعاد  
 ایکن حضرت یعقوب اسرار ابدن اسحق ذبیح ابرهیم خلیل امد و یوبه به بخش عنوان  
 نامه نیاز مندی اولد قلمی در اصل نصاحت و کلام شیخ الحدیث ابن حجر العسقلانی  
 منشیان اولق اوزره قلم فرسای صفحہ تحقیق اولت در لفظ اسرار لغت عربیه اولوب  
 بحسب العربیه مناجاد و باصفوة امد اولق اوزره لقب سنج یعقوب بدر دیو کتب تعجب و  
 کاسته عامه بخیر اولش ایکن شریف المصطفی جلالیه به اضافت صورتی لازم کلمه مخفی  
 انکار اختیار می افصح اولاد امد و کل صلح امد عید و سلم نصاب بلاغت به نایب اولاد افراد  
 بلغادون صدر و انبیاء بدیع الطهور ابد و کف حفا که بر قول مؤید در مشرق خورشید اندک اولاد  
 طبع کلید عید ضعیف کم سینه دن ساطع الطهور اولاد یوبه بارقه خاطر فروز نکته زکین و فقه  
 شبنم و فیض بخش ساحه قبول تحول اولد نزار که چون کوکب رخسار وجود بهر  
 اسحق بنی القدره براءت استنلال تضرع و ابتهاج افق غایت بالغة صمدانیه و طلوع  
 ایدوب اول لغت غیر مترقبه رفیع ای صدق احتوائ و و بهمانه اسحق و یعقوب اولاد  
 عطیه محض فضل رب جلیل ایدوب حضرت خلیل اولش ایدوب اول فرزند و بلند و  
 امتی ناعوضه تنج کلف انکم تکلیفی ایدوب عیسیه ربانیه کو با استر ایدوب یوب صدقه الهی  
 نوعا اوی تعقیب یورلق یوزند معاملة کرم عام خداوند نامدن مستعد کور نور بافتا  
 اسمعیل چونکه فرع در نیاز و نه صکره تشریف ساز چمن صفت غریب اولت در یوبه به بخش  
 مدخل اولد و غنی جنت حضرت خلیل یو امتی الهی مظهری اولد لکن انا خصوص صند و رونا اولق  
 مناسب فهم اول نور و ایدوب حقیقه رکوب صافات جیا و کل ایکن انارای اسرار و الجاه  
 و امد ایدوب حضرت اسمعیله علیه السلام نامن جیا قاضی البکر کلمه یوز او تو زیدی سرحدن  
 کندان اولد قد کافرن سیر سربستان خان اولوب جرجه قهر باوده اسوده اولد  
 حضرت اسحق علیه السلام حاصل عمر کرانیه خلیل الرحمن در حج روایات اوزره نووده کلمه  
 وجود قوم لوط پر اکنده سبیل قدر قماری اولد و غنی ایدوب القدره اولد و کربانهای لجه نبوت  
 صدق رحم ساره به و شاح الصدر از و اولت در برادر سعد افترار ایدوب بحسب استن  
 تفاوت و باینده جد و یل قیل و قال مشعب اولوب الاصل الاصل فی تخیم النقل التوری

استر ایدوب بیابان کوچه اصدار سوره قلمی  
 مطلقه کوچه نثارده من یعقوب شراک

و الانجیل نام مؤلفه امام سخا و خباب سخی حضرت اسمعیل دن اولن دورست سنده صکره  
 ریزه صفحات کابیات اولد لری طرفی مسدود قدم قلم روایت تمتد روات نظره طبعیه  
 و جمال خط و خال ایدوب کوبا کس شال خباب خلیل اولوب بعد الا لاتی خود سر موزق اولنق قلم  
 امکانه کزان ابدی تا که روضه الحی سن ربیس غیر سیم حضرت ابرهیم ز جایی انار و قار  
 سرزده اولوب مسوده اشتباه بیاض صحیح قیدی بعد رهنه من الزمان کلمه به مستقیم  
 کلمه تعویج جبانده کثای مطالعه اولد کلمه کف نظره غبت اولنقین ز کس سهار ایدوب  
 الوده ستر عما و شکوفه خوشنما جیم ایدوب لری به نام اولوب جلیق انجیل اسرار  
 الهیه تا سکا کلمه ایدوب کیت بصره بصره کتفا ایدوب لری ایدوب ایام جیا و الدقا مقلزده  
 او تو رسنه ارض مقدسه شامده تعاطی مهام دعوت ایزده قیام تام ایدوب اعوام  
 عمری یوز سکس اولد قد حافه کثیر الحی مدبر یوسف صدیق غیر مصر سعاد اولد لری ایدوب  
 روزنامه صبح جیا کلمه شام تا ایدوب مسکی انعام اولوب بهجوار ارفاض الانواریدر بند کوار  
 اولد لری حضرت یعقوب و یوسف علیهما السلام سنین جیا طبعیه خباب سخی نصاحت سینی کلمه  
 ایدوبه بالاتفاق یعقوب شفیق شفیق عیسیه سیمه خونده قطب شام وجوده مانند  
 فردان تو امان فیض نور بود ایدوب مبالغه رجاله بالغ اولد قلمده و جیا بها قصه فی  
 ترمه اطول حضرت اسحق عیسیه تحبص ایدوب کلمه و غای سنجاب ایدوب نبوت ایدوب یعقوب  
 اغاز اولنوب عیسیه غبطه غضب اظهار و قصد بر اضمحلال انکین یعقوب ایدوب مریدان  
 استر اوزره حائده کابان استانه طبعی اولوب ایام مسافرت عیار سیمه یوش  
 سب ایدوب ادا شش اولد قلمی لقب اسرار ایدوب بقیه سب اولت در الاسر و الیر لیل  
 یونکته دلیز نقل صریح زهر الکا مدر کمن مقدما صورت اضافده محر اولاد مخد و ریزه در ایدوب  
 اعلم حضرت یعقوب دور و راز و شب و فراز طریق طلی و لند قدیم صکره خوانه تشریف  
 ساز اولی حق انده ایانک احمد دختری لبابه سایه انداز تشریف از و و ایدوب ایدوب بهودا  
 و روبیل و سمعون و لاوی و یونکر اشکال التي نهال باغ امثال نبوت ساز کلمه شال مال اولد قدیم صکره  
 اول مخد سبب لغت صدر نشین ایدوب کلمه جنت اولنقین خواهری راجیل عقد ایدوب  
 مظهر ترف اختصاص و شمع سر ایدوب حیم خاص اولوب روضه الاشدر از حار  
 حدیقه قدس یوسف و بیابان سبزه زار وجودی تربین ایدوب یوز و ایدوب الاصل الاصل دن



ما عذر لغه و بطن نام یکی بر ستارون و می دورست سر و سر سبز زار و جودون و بسیده  
وصفه صفای افزای شهو و ده آریده • اول شد در رض تو رات جلیل بنوز اثبات حرت  
جمع بین الاختین انهمکین لباد و راجل بر عهده داخل سبست از و واج اولد قری و می سطور  
سطور معتبره اولد از اقا و یلند حضرت یوسف هنوز لوله است اما در مهربان سیر سیر اولد  
راجل مسافر خانه و بناون محل بندرجیل اولوب اول در تیره عوس کفایت تسلیم الیدی  
اول ظالده بالار استعد حضرت یعقوب شرف بنوت الله جللال اولد کتعبانان  
تلقین این ایمان یحیی رسال اولنمقین مال عبال ایلد ارض فلسطینه ترک یک رایت ارحال  
ایلدی عیص اگر چه برادر کا کمر لر تقدس اگر ام ایلد تلقی ایدوب فوق تصویره الاوام  
رعایت خاطر عاطفاری امرنده ایشام ایلد کنز یکی شمشیر بر نباده و یکی شیر بر کشاده ارام  
اتمک جدا مکانند کذران اولنمقین بعد ایام ترک وطن مالوفه جازم و طرف رومد عانم  
اولوب اول و بار بهجت رسوده ترتیب سازمهام قرار و ارام اولدی حضرت یعقوب  
علیه السلام اگر چه نعا جلیل اولاد و اجداد ایلد سا و کام اولوب هر یکک مشا هده و بداریا  
ضیا بخش ویده ارزو ابدی لکن مختل شد و شد و انا صیه اوضاع اطوار یوسفه طیار  
صبح نای کمی بیدار اولنمقین قبله نای علاقه محبت ضروریه انار طرفنه سوز و اولد اول کلبر  
مطاری باغ رسالت اسیب روزگار ایلد نمرده اولمقی رجاسته هموان میل خوش نوای  
زبان مجزیا لری زعفرنه ساز بنای ابدی بو معالده ون نار حسد کانونز ورون اخوانده نهان  
اولوب یغین اولتیدی که خاکستر کن خرمز اضطراره اولد ناکه اون یکی استنده ایکن حرا  
راست نای عالم تنالده صورت عبرت اثر یوبای صادق سجد و شمس و قمر بازده اختر  
جلوه کر اولوب ظهور تغییر نه بنا طرف حضرت یعقوب بن و عاشق ایلد کتبا ایلد مامور اولدی  
اما حسب اقتضای تغذیه اخوة یوسف بوسه سر بسته و زنجیر اولوب اعمال صنوف خیل  
برله اول ترو خوش خوام دشت حسن یوسفی که طره غیریاری عقل و هوش زنجیر جنون  
و نیمگاه عشوه کاری ملک عدیه را انمقون • اولوب مصحف جن و انی ناسخ ابیت طاعت  
خوبان شهر اسوب چکل و مقوس بر و انکابه ابوان جلاله حامد استاد صنع ایلد کلکشم  
ایکی تدمتصل ایدی افتخار دام انتقام ایدوب او نبدی بایسته ایدی که اولد  
سبب آریه جامه و قبادون عاری • ویت الاخوان یعقوب بن اوج فرسخ دور چاه نخست

اسا بر سر بعد الغوره و ده ستواری • اند بلر اینه و بداریوسف نظر بعقد بدن دور اولد قند صکر  
اخوه کرک نشا طر فندن صد و ایدن زبون کسانه اطواری • حضرت یوسف فانی  
طهور ایدن ستمندانه کفاری • تفصیل و ایدنند کیت خامه نیز تازی جلوه سازینک  
اولوروی لکن کوندن بیان زبانیده باعث نظر کتک موعج اولوب بلکه حاشا اطلاق زمام  
دشنام اتلر مخدوری عنالکس و قفه سکوت اولاغه مؤوی اولشد در زیر که استاذ  
جلیل الشاده اسب طبا اعتبار یلند کوا و لاه اخوان الصفا بعد ایام کمال خوشدلی و بساط  
اوزره بر بر ایلد سیر شکر کجا اختلاج و اختلا ایدوب جناب یوسف طر فندن لا الشرب  
علیکم الیوم یغفر الله لکم دعای اجابت مالنه فطره و بر تولد خود نشو حسن حاللری عنوالر فند  
نوت ایلد موقر • اولدی القصة تسویل نفس آره ایلد برادران غدا کاره بوا و عاقبت  
مذموم ارکابدر اجتناب انجیک ترویج مدعا باطل کچونز پوشش قامت زیبای یوسف  
اولان دیر بنی خضاب خون کو سفند ایلد شکر کف کون ایدوب سبب شکام کر کین  
ونالده زمان غم سنا یعقوب مکروب اندیلد و حضور نبی اللهم دار و قلند و ستارن  
یه ایدوب بیچاره کرک دهن الود یوسف نادیده ای افتاده و امکاه بهر تان اند حضرت  
یعقوب بر زمان دنگ و حیدان اولوب کلبرک زبانه سوسن شتاب تکلم اولدی  
و صر صرا جاکاه ایلد فرخن صبر و قواری بر یاد ایدوب اول کوهر سار علم و قاری  
یوزی اوزره بیقلدی از قالدی که ره آمد شد نفسی نسد اولد و ترک سبب تعلقی چنانچه  
و دست اخو نزم زندگان ایدر نسیم روح افزای سحرده و دله جیات بخش اولد اغار اند  
دم ترکس مخور لر بند بر قدار تاب نظاره کلوب دیده کشای جبریت و اضطر اولدی  
و طوطی سکر شکن ناطقه لری حضرت بافته تکلم • و بلیل خوش نوای ربنا فیجوری  
نوعا مستعد تر نعم اولوب نغمه زبانه شک کوه کوه غم و اندوه ایلد بنیاد نشیده ناله و فریاد  
ایلدی بو طرز جبریت انکیزه اسلوب رقت خیز اوزره • و ونمسون جرج فلک خاکه کین  
اولسون • ماه و خورشیدی پس برده نهان اولد و بدم برره یکسون بو کزنکانه  
سیر خانه خاطر مخون کس و بران اولسون • ایانه جانکد از سموم جگر سوز و زان اولدی کجا هنوز  
شکفته اولمش ایکن اول در و خند کلبرک کلاب داده اسای زمرده ایدوب خسار  
زکین مانند کل سیرن از رو کون و باب بحران تب بحران ایلد بن ضعیف نا توان



ایلدی قنی اول نخل برودند کلشن غریبه قنی اول نخل سنبل کلوش غریبه  
 تند باد صحر قیامت خیز قنایله افتاده خاک و سنگ غار نزده دست جور  
 سیریه و زنگ اولوب جامه زرافت و باش کنده بر برینه تراب و حجر  
 بالین و ستر اولدی بریده طوطی غده و ندی بنیلم لیم اول اسمان دلاک قنایله  
 شه سیریه قیاسف جانم عجب یابن نیجه بر بکلم  
 بوزند و ستر اول غنچه نو خیز کلستان جانجیده سکتم نامه اول لیل  
 حوش ای ساخشار نظر مدن ریمده ایدوب اول چشم و چراغ دل مانند شمع خوی  
 مضحک اولق ایله بوقیه سینه نور آید و بدنه محنت دیده مظلمانی اولد حریف و درنج کم  
 اول شهسوار یکسه مضمار بختاری که سر منزل مراتب سامیه به کرم شمشیر غریمت  
 و کران رکاب بهمت ایکن ناکاه رخس بدرام کسته لجام ایام فطاسیله افتاد  
 خاک هلاک اولوب برک کل خزانده کبی بوزیره قودی ااه کم اول دیار سفر کرده  
 مسافر خانه و نیای بی بقا و مدت مسافرتی تمام و روضه حیانه بنشکر مردون  
 شهید کام اولدین نامداد و ناکام قدم بقدم غم ملک عدم ایدوب بوقیم  
 بیت الاخوان آواره صحرای پریشانی ایلدی دو شاخ غده بویجان یه قویوب  
 کتدک سفر سنا ایلدک اتاننی غریب اندک سر تنک غم داره و مادام ایله  
 بر رسمه سبون و ماتدن صکره اول بیرجن خون الود کیریه و دامن بوسه  
 جای لب حشرت ایدوب یوزنه و کوزنه سوردی چون انده زخمکاری  
 ناخن و دندان اناری نمایان اولوب جیب و کیریا مانند دام عصمت کزبان  
 رخنه دار و کل ایدی جام جهان غای خاطر احکام مظاہر لنده صورت سنگ  
 و کمان ظاہر اولوب سبحان الله غریبه که خلعت وجود فرزند غیری اول  
 کرک خوشنوا زایر بیز کار قنای کل که جاک جاک ایدوب بویسیر نه ناخن ازار  
 ایرت در میه زهی کرک جاک دست بل سولت کلمه تفکیم ایدوب  
 سطر نادرست دروغ فروغ لینه ضرب قلم تزییف و هر برین سینه ریش  
 زخم زبان زجر و تعیف ایلدی وار و قیحه آتش سالما سوز وقت مشغول  
 اولوب صفحہ دل غلغری داغ و داغ حرقت اولغین خاطر خراش قلعی سوز

بالکلیه دامن جید اولوب متشت اذیال افضال قصیر حیرل و امید استغاث  
 و متکلف کنج ناریک بیت الاخوان اولدی اول گوشه محنته هموار خیال  
 جمال یوسف لکسته نخجه انکاری و اوه اینن کاری اولوب بهمت شخص خیال  
 یوسف خطاب طایفه سی اوزر بهب سنگیند رنیم دنیا جفا سن جلدیکم  
 یوسف عرم واری سنسر نیرم دینا سن مضمون ایله فرزند پرواز تحفه و نخل اولق  
 اولق سینه سی و بر فحوا کوهل امر نیجه کوند را دیار غنچو این اولور لطف لطف  
 کور بر کون یارن انجام شام فرقت بنا شیر صبح و صلت اولق اندیشه ی  
 ایدی مدت افترا فده که سباق و سباق کتب تفسیر دن منظم اولد و  
 اوزره تقریباً الی الله سنه در سبیل اشک حشیم بر فوخته بر دم سکون کلیموب  
 غیرت نیل جیحون اولان اول که رود سر تنک خزان و طلال دائم الاتصال اولغین  
 بر فحوا و ابیضت عیناه من کوزن حلیه حال مردم دیده اولان حال سیاه تبا  
 اولوب عالمک بنیلم باغ بهارن سنسر با که سن رخلری کولزار یله خورشید  
 عالم فحوا سنجه کویا اول غنچه نو شکفته کلشن حسن و طراوت طراوت بخش صدقه  
 حدقه از رو اولغین حکم حکم شهر ستا محبت اوزر تا ساکاه و نیکی بقایه ناظر  
 منظره دیده محنت دیده لرینه یوده حواله جلد بلر مواهب لدنیده یعقوب و سائر  
 انیا بعونه تعالی عیب عاندن مبر اولد قلمی رفزده قلم اعتبار امام قصل اولوب  
 کلام ربنا و ابیضت عیناه من کوزن کثرت بکا دون نو عاضف بصیر عارض الحق  
 ایله نفس اولمش در لکن کریمه فازنده بصیر اسطر مدعی فسطل یه ضرب قلم کار ایدر  
 و العلم عنده تعالی حضرت یوسف به حشیم کر بان و سینه سوزان ایلدین جانک  
 و ناره فرار ایدیک جناب روح الایمن نخفه وحی الایمن ایله متمل اولور خنده  
 حسن عاقبت کار ایله تسلیم و تطییب و محنت چند روزه به نبیت و خطابه  
 ترغیب ایلدی وجد کریم حضرت ابرهیم کفرنا رضیق بنجیق اولد قدقه قامت  
 اسفندار لینه اعدا و اولنم بیرجن بهشتی که بطریق التوارث جناب یعقوبه  
 انتقال ایدوب نبرکات منجه بازوی فرزند و لینه انتمس ایدی بافته دستگاه قدرت  
 اولان اول بیرجن جبر و آزار و بند سیمندن یعقوب سرو سمن بجای قد بالی



صدیقه الباس ایلدی اوج کوندره صکره نورد جانب صحر بکاربان حرم برده  
خطار مل نزول ایدوب بوسف مظلوم جاده نظمیدن افواج و کندوره اس سال  
عز و اقبال و لوق امیدنه بایشری هذاعلام زمرنه سبله اظهار سعاد و استیلا  
اندیلر اولاد یعقوب و انجبال حال اولیحق اول سرور اوده تمت رقیه  
و اباقی اسناد و یله مقام لچ وضاعده قیام ایدوب بعد کل کلام بکره قدر دهم  
کاسد اوزره سر قافله مالک بن زعفرانی ایلد عقد بیج فاسد اندیلر مصره و اصل ایلد  
دلال بد مهر و زکار اول اتقا اوج بنونی برج نیرانه کجوبل ایدوب بازار اعتبارده رواج  
و وزنی برابر زکار مل العار سبله ایلد تسلیم قطعه نام عزیز مصره و دره الناح ایتهاج  
اولدی اول بیکر بیکین سیما و بالا خوش غاص صحنه البیت عزیز ملک مقابل  
نظاره اغباری اولیحق کمان زرنوز ابرواندن کشاد بولانر خذنگ غره و نشینه  
نیل اولوب اول محبوب شهر شو بک شاع و صلته نقد جان ایلد خربدار اولدی  
نهادنده مستعمل اولد اتش ساک سوز غام زاله لاله زار حضرت رستخات اشک  
عشق و محبت ایلد سکون بولایحق بی اختیار سیر انداز ناموس و عار اولوب کوز حیره  
خاص انحصار اول سمع حسنه فار شو سوز دلدن باندی باقلدی شکل جبریل ابن  
و یا مثل یعقوب خربن ایلد بوسف یک دامن سیرامن ذیل طهارت بن الوده جوا  
خیانت انیموب در نثار جواب معاذ الله و تخلص دامن عصمت رجاسه  
زینجا ایلد دست و کریا اولرق عازم درگاه اولدی بیتگاه درگاه غریز ایلد جوار  
اولوب مجتهد و شرمساری برله هر بری اخوه اسناد و خیانت ایلد کندوبه خنفسا  
عفت او عا و حضرت صدیق شهادت قد قبص و صبی که هوان نشین ایلد تنویر  
مدعا اید یکک تند باد حدت برله جبین حال عزیز موج برز حیت او کوبه ترو  
جناب صدیقه کتم اسرار و زینجا به توبه و استغفار ایلد صدق ایلدی  
نیجه قابلد اسرار غم عشق نهان انک کوهل دیوانه بن بیکانه چشم بار ستانه  
اقتضای نیجه کیدرک بوسه بر سر ته حریف مجلس هر کس اولوب قصه بوسف  
و زینجا دبله و اسناد و لغین اظهار غدر ایچون یرده نشینان ایلم مصره و فرق  
نقد غراری بیکری زینجا خانه سنه دعوت و کندوبه سمک انداز ملامت اولان

دن سر ایدار و دواتدان و خوف لار و زنده انبان و دریا دج و اعلی باله صحبت ایدوب  
ترتیب اسباب عیش و بهر برینه نعلکه ایچون بر بکار و بر سر تیز و پیش ایلدی اول  
نیم کرا کرده کیفیت صهبای ذوق و نشاط برله اربا صحبت نشود و اربا سبک اولدوغ  
و هم ناکاه جمال مده بجای حضرت صدیق بر تواند از ساحه مجلس انس و لایق اولن  
دست کش انشطام اولان یری دو دیا بک دست و هموار سلاف سحر حاشی نهان  
سر مست و اول مدر سیر ملاحته فار شو نهداده محراب تسلیم نهدا لالک کیم  
اولق بوزندم اختیار است اولوب استیلا لرزه و هشت برله منتقل اندکی  
نرخه بدل اللین حضاب خون ایلد نیکین و نا آتش سینه لرین اول حشمت سار  
روان اولان خونابه ایلد کویات سبکین اتدیلر زینجا کندوی تمت مرادده ایلد  
رسو ایدم عصمت باکرک بر نظاره و دوم نکار بر قصر استوار صبر و فراری  
خواب او کو هر بری اول آهوی دست ملاحتک دلداده روی کلبوی سبل  
موی اولدوغن کوریکک تجاشی سر بوش انداز طبقه راز اولوب قصه عشق و محبت  
ایران مطلقدن دامن مقطعده ک نفیر و فیما بعد طوفان مثال فرمانده سرخ  
اولور سر گرفتار و وسافه بند و زندان اولور دیو و خولیف و خدیو ایلدی مقتضای  
حال حضرت ایزد متعالدن درخواست عافیت ایکن جناب صدیق بر حسب اقتضای  
قدر و قضا رب السبحن احب الی قاید عوینی الیه باورده سی برله محنت بند و زندانه  
صبر و تحمل معانده قیام عرض انگیز قباله رضا امضا و نیجه حقیقین ایلد فیض اولو  
اول آه برج جاده و جلال علو درجه کمال بولتی ایچون تاثیر رجعت نقصان و زوال برله برفا  
کون هلال و اول ابریز خالص معدن عز و اقبال سبسته سکة قبول اولتی ایچون  
بردت پویه محنته قال اولدی اول خلایده سر ایدار ملک اتمام قصد ایلد  
مصدق فرماز جیس اید اولوب بر سب عالم فواید منظوری اولان صورت روی  
مبشره گرفتار اولد و در طردن خلاص و لکه نیه شرف تقرب و اختصاص بولتی  
ایلد تعبیر ایلد کوندره صکره حکم شریعت بلا رویه اذکر نه عذر یک کل سبیه دست ناطقه  
اتد کلری ارج روایا اوزره بدی سنه متواری کینج سبک مطموره نشین محنت  
بند و زندان اولد فخر مودی اولمش در مدت معلومه تمامنده ملک ربان



اولید کوردی و واقعه مشهوره ده اندرون استغنا اولوب اول مظفر فیض تعلیم  
و بعلک مژ تاویل الا حادیت جلوه کرساط فب تغییر صبح اولان جواب با صوابی خانه  
زبانقریر برله تجر و فراج عارض اولوب جن مرض هانده ساز کار علاج تدارک بایزه موافق حکمت  
حکیم فدر اظهار خدق کامل حسن تدبیر انکیکن دعای طهارت و بل عصمتی شهاد  
عاده الان حصص اکوف برله مصدق اولدندن صکره او توراوج بایستنده ایدیکو  
خلعت اناساری طراز و زکات برله مطرز و معلم اولوب تمامها اقطار مصریه و زمام حل  
و عقد امور جهو رکف کفایتلرینه مسلم اولدی اول آن ده فطیفر و کردان عنوان بی  
ثبات جهان و بی نام و نشانی فطیفر و خاشاک اولوب زینتی و ریختا اسماکت و تنها  
فالش ایدی حضرت صدیق خلوتخانه عقد عقد اولوب فطیفر فقیری و ستاینه رجولیت  
اولغین صدر نشین خلوتخانه زفاف اولد قلنده اول معانک فتحی ناخود همت داده  
لری اولدی ملک ربان سر نهاده بالش سایش اولوب حاتم و کالت مطلقه و حل  
کلیک بین صدیقی اولیحق سنین محصیه ده تکثیر زاعا و تو قیر غلات حد متنده برزده  
و اما ایهام اولوب اعوام مجربیده بلای قحط و غل ارض مصر و شامه عام اولغین  
باب دولت با بلی قحط رحل امید قریب و بعید اولوب دورت سنه انواع  
و قاری نقد و حل و دو اب و ضیاع ایلد اشاع اندر عام حاسنده جناب صدیق  
مالک الرقاسنج و شاب اولوب ایلکی سنه لوجه اند افغان صکره صیفر و کبر  
تجرب و اعتاق و صندوق اموا دجی که کنجایش نذیر حوصله بخشن اولدند افزون  
ایدی اصحابه اسن ایلد جمله سن کردن بسته طوق استرقاق ایلدی تا آتش  
بی نوابی کاغذ نشاف سا اطرافه سربیت ایدرک ارض کنعانه دجی سرر با و اضار  
اولیحق بنیامند نه ماعد لری اولاد اجد یعقوب دجی اشارت بذکر کوار لری اوزره  
استباز کوزره کراچی مصر اولوب پایده سیر بوسنی به رفیع رفته نیاز مندی اندر لوات  
و بدار استنبان دوش مقابل نظر انور لر اولیحق اول اوده بیکان بیکان هر بره تغییر  
نام و نشانه ایدوب اما بخت و جیدان ایلدیکر خوش نظر حضرت بوسف نذر فقیش  
و بکر اولد و غننه ماعد تهیب و استغظام شانه سلطنت مانع تعلیق و کمالی افتاد  
نظر وقت اولغین انرجاب صدیقی بلکه و کل سیزمین فاطره بنه غبار شک و کمان

دخی استغنا

دخی استغنا صدیق ذات فرشته ساتری اعلامه سل شمس ایهام ایدوب  
بطریق الصلح القا غایه الحجب ایلد کتفا ایدر اخوان الصفا شد ثلثه جمع رجاسته در دولت  
نابلسینه رجوع اندر سلطان خطه لایسل عایق غزل حضرت در کاهنه تقدیم تحفه حمد  
و منت و سنجده شکره مبادرت ایدوب بی اختیار سیسه تار کاندی لولبار اولدی  
حضرت بوسف متجاهله اجهال مالیدن سوال ایدوب انلا حسیب و نبلدینه صیغه  
اول عرق تاخیر اون نجم زاهر ظاهر اولوب بری سابقا ترک عالم صوری فیلد و غن و بری  
کاحدست سیر کفانده قالد و غن رویف تعریف ایدیکک حضرت صدیق ظاهر تصدیق  
انیموب غالب سنجس اخباره صورت امیناری روکش انمش جاسوسلر نه لازمه  
خوان مردی اوزره بر دغه نری تنی دست امید کوند رکاب و لول فیا بعد و ایه کبر خوان  
احسان اولق مراد اید بریکوزی در کاه مکارم دستکار هره رهنه قویوب کیده سز  
ویس اند خدمت یدر و الا کهر اولق او عاتد کوز برادری استصحاب ایلد شد عضد  
مرعا ایدر سز و دیور جواب مستطاب ایدوب تعین قرعه ایلد سمعون ناف و طراست  
صدیقی اولدی یس حضرت بوسف هر برین نظر صنوف گوازش عنایت ایدوب  
شاکر اللهم عبته مجد و اقبال یعقوبه ارسال ایلدی و کینه انشظام حالدی و ستاینه یسارون  
حال اولق ایلد فاکم کش دامن فراغ سفر اولدی ایچون رأس المال لینه تراخودار لایحه تعبیه  
اتر دی حضور پیره و اردقارنده صقلنده ظهور ایدن الطاف کریمانه نامحسوری تکریر ایلد  
رطب اللسانه نغیر اولق با برین ایوب خروار لده اول نمت غیر مترقبه نظر بولین  
باعث ناگه صدق غنیمت سفر اولوب هزار روز و عقود و عهد و بیست بار برله بنیامین حضرت  
یعقوب نذر تعریف غم در کاه صدیق ایلد پیام وصول اخوان و ساطت مقربان ایلد معروض  
سیر بوسنی اولیحق ترتیب ساطت ضیافت و انلاری حضوره دعوت ایدوب حسب الامر  
هر ایلکی برادر ایچون بر صفره طعام در میان اولدی بنیامین فزیده و جید فالغین حضرت صدیق  
شفیق شفیقلدی بذل نوال محبت بوزندنه کند و لره مخصوص سما اجلاس و خطا التفات  
سمات اتی اما احوک ایلد تمهید مراسم استیاس ایدوب غل اطعمه و حکونکی حال  
سیر کنعان و سبب انوز وای کینج ناریک بیت الاخوان متغافلنه سوال ایلدی  
بو معالجه مجاطه و نه سایه لری برهنه زده اضطراب اولوب ابن راجیل سر کرم نوازش



بدین جناب اولمقد اندکی اوضاع بدستی هضم او نماز ابدی شدی خود نشود و در جنت افتاد  
سنگ اولش در خارج طاعت بشربه اطوار و نورانی اظهار کند که در بر این راه و در اول  
مدت مسافرت اتمام من صکره او که مرتبه دن زیاده زاد و زواده اید ضرب کوس رحیل  
ایدوب اتفاق بینا بین اید مرحله اخذ او را و اولان مواضعه ضیاع صاع بحکم تبعیت یعقوب  
بینا بین موقوف دامگاه و قوت اولی اقتضا اید یک اولاد یعقوب و بسنه فکاک  
بنیاد اولوب تغییرت رفت خیر خاطر با اید تخلصه سید اولدیر مفضل جانا که مواد اش  
غیری نشسته است ایملین ناچار رو بیل و با شمعون و با یهودادون کاغذ سر انداخته سر ساری  
و اشک افشان بخت رو بر آه مرکز نبوت اولوب فعل باز کونه اجبال نقد نقض عهد با  
اولما و غنه اطمینان و بر یک ایچون باد سود کند اندیر یو یام ناخوش تخریش سامعه یعقوب  
ایدیک یعقوب مسنور خاک تر سینه سوزان اولانرا فکر باره در دهنان فروزان اولوب  
تجدید بنیان و اسفی علی یوسف و یکی باشند سر اغاز نشود نهف و تاسف اید یی طوب  
ساحه تحقیق اندکری شاهد عا شهادت قابیه اید صبیق صدیق اولکیو با وری فخر  
نفسیه حمل ایملین بنابر اکر ام استعلام احوال یوسف او بینا بین اید مامور و در اشفا  
انما اشکوتی و خرقه الی الله و در زبان قلب محو و اولوب صبر جمید توسل بر صدقین  
مفضل لکل اولدی بر حسب فرموده اولاد اجداد و یکبار طرف مصره شد خرام غایت  
ایدوب حضرت صدیق متذللان عرض بضاعه مرجات اید جوابی صدقه دولت  
علیه اولیحق اول مهر سید علو جناب بی اختیار برده بر انداز سحاب احتجاب اولوب  
مانند افتا عالم تاب کند و لی اظهار اید برادران غیور لکشته راه شعور اولوب زیر  
بار سر مساریده و در صحنه پیشانی عرق زبر جیا اولدی بر وجه اید بسط اغذار  
اقتدار لری اولوب انجن جرم و خطایه اعتراف و منهل زلال فضل از اعتراف  
اندیر حضرت صدیق معامله و لایق اید قیدین تطیب و هر بریندیکان  
یکان تقدیم تحفه اکر ام و ترجمه ایدوب دستار جبهه نوارش بر در مات خاطر لرزن  
ازانه اعتبار اکرار و درگاه کبریا باه یافت دستگا بدن انرا حقه صلب غفور و استغفار  
ایدی و سیر کنایه تو افتاب رکاب سید لری رو ستانای بخش دیده امید اولی رجا  
ملطفه و لنواز و مغاضبه غم بر دواز ترقیم و بهوشش بدی و لایق بر چینی یهودا به سلیم

ایدوب در عقب کاتر سازی مهاس سفر ایچون قطار قطار ستران کوه بیکر کوه  
کیس سیم و زار سالته استیجال ابدی یهودا خارج سکره وضع اید و کی دم سیم  
عبر سیم سیر کنایه رسامی بیز این اولوب اول نسخه حکمت قرین وجه بمیل  
یعقوب خزینه ماس و لدوغی چند تا شکفته نرگس چشم با و ایندلی کشاده و اول  
بنه جلیل خاک سجود درگاه حضرت معبوده رو نهاده اولوب مهام سفر انما فخر  
صکره نمش ایکی نفر حواس و منعلقات اید خطه زمین مصره و یکساز عفا سارت  
اولدیر زهی حکمت بالغه ایچون وضع صنایع کارگاه کاغذ و لون که حضرت یوسف  
حقده باعث از دیاد و مراد خدا خوان و سبب امتداد ایام محنت بند و زندان  
رویا اولدوغی که ارادت مسبب اسباب اید سیم خرده رستگاری دمی اول  
طافه نوزان اولوب کدک یعقوب مکروب دخی دیده کشای ماسای صفی رودن  
روشن و سیر صحن کلشن اولان غه سیرین خونین و اسن برده کش حرمان اولدوغی که  
استغاث قوت حاصه با سیر سیمیه دخی استنشاف و باجه فایحه قبض تحفیض شد  
مصرعان صبا سیر بیام قرب وصول بابات یعقوب اید مسرت بخش حشمت انور  
و کوکبه کرده برله استقبال استیجال ایدوب دیده حضرت کشیده لری بر یک  
اقتاب دیدار زندان اقتباس انوار اید یکک زمام اختیار لرزن ساد اولوب حضرت  
یعقوب ستر کردن فرزندون و جناب صدیق رخص نیز تازون کند و برین زمینه  
یرتاب ایدیر و قدم مسارت و ستاب برله بر بر اینه فار شو سکرو ب  
اول ایکی بارنگسار هم اغوش وصال اولیحق حضرت یعقوب استبدای عارضه غشی اید  
مانند نجم هاط روی زمینه سافط اولدی اول فالده هر کس شمس حشمتدن اجای زلال  
اشک رقت خیر ایدوب حضرت صدیق دخی نبشته زار غدارن زاله وار ستر شک  
کلاب ایند اید یو کسوی مطری یوسف نفوذ ماغ جان ناتوان سیر کنایه ایدرک  
اعمال حواس بر مقدار اقتدار کلوب دیده کتی موضه الصفا ی دیدار بار اولدی و صفه  
زعفران کون غدارن کلبرک رخصت حضرت یوسفه سوروب ورج الدرد حسن و ملا حظه  
غلطان اولان مراد بر دشت حسرت دست جیده زبانه بیان ایدلی قصه کوتاه بسلم اید  
رکابه وضع قدم اولوب فرزند و پدر شاد و حرم مصره داخل سزای دلاری یوسفی به واصل



اولی حق اول ابی برین و جلیله جلیده حضرت برین بن برینت صبر اولوب  
 بازده برادر برین نجبت وقت بکسر و نهاده خاک سجود اولد بلر جمال خوشبید  
 مثال صدیق نور سوره ایل طغنه زن مهر خاوری اولوب غنچه لب لعلین  
 شکر وای نذر کوا ری حالا بو کون تو قبره منظر اولد و غم مقدرات عالم  
 رو با ده کور بن واقع بدیع الرسک تغییر در دیوز غنچه مباحات بلند  
 ایلدی لیل القدر امن و حضور صبحه العید سادما و سرور دن مفسر و لوق و غنچه  
 و تشویش غنچه حال اهنی عیش حضرت یعقوب بومسافر خانه عالم شهود  
 بکره دورت سنه دخی انجمن رای وجود اولد قدره صکره سن سر بفرار یوز  
 قرق بدی سرحد دن تشریف انتمش بدی که مصرده تنک ششدر عالم فانی  
 و غم هست بهشت جاودا ایدوب و صیتدی اوزره حضرت صدیق تابو  
 رسکینه لری مانند پیا کل الانوار کوا اهل اعتبار اوزره نزار مغفرت مدار جد  
 جلیل الشان حضرت خلیل الرحمن جوار نه نقل اولندی بعضی کتب سبرده  
 بو خبر صحت اتر دخی نظر رسیده در که اول خلا لده طرف ایزد متعال دن  
 با یعقوب استاد تر دست اجل صفحه خاک بر عالم نه محو ماییت وجود انک  
 اوزره دار العجل العجل که مطبیه روح روان بار تقیل جسم نا توان ارض کنگنه ایزد  
 دیوز زمان اولنم فین منبت الی الله غم راه ایدوب مشاهد مقدس جوارنده  
 خطر حل قرار اند کلزنده دست قرای بدینه تصرف ملک جیات بی نبات دن  
 کوتاه اولدی عفا که بور دا شمس شهر ستار نور صیاف ملک و محل اندوکی انبیا  
 بدشون جیست بو تون حدیث صحیح منده موافق اولدی بی جنت دن شری مضی  
 نصیبی در حضرت یعقوب متواری نهما خانه لحد او لجا عی کون جنازه عبص دخی  
 رو نهاده سفیر قبر اولوب اول ایکی برادر رحم مادرده همیشه اولد فکر کج برادرده  
 وضع و سادده قرار ایدن لر و بدر که حضرت یعقوب مهمان ضیافتخانه دار السلام  
 اولد قدره صکره جناب بوسف علیه السلام شطرا مور دعوت توحید و ایمان فایم  
 ایدوب ملک ربان دخی طریق سنقیم دین فعبه مستدی اولدی موم مصره عفا  
 طبع معارف صلیفیدر بر کجا بنار لری غم دار الفرائد کلزندن بکره اوچ سنه کلزدر

اندکدن صکره شمار سنین عمر غریزی یوز بکره ایدی که نعیم ملک دنیای بی بقادن  
 سیر و بود اکار رنج و عناهه یابسته اولقدن و کبر اولد دست برده  
 رعای مستجاب توفیق مسما و الحقنی بالصالحین و هر قبول برله عازم روضه  
 بهشت برین اولدی ترقیه و غنچه نیل سکا بن تاثیر وجود فایض کجود لری  
 برله امار فیض ابر برکت و ناکند و طرفلر نده رونما اولمق رجا سنه اول کوه بره  
 و دیعه صند و قه خاک انکث خصوصه سنل ستمیر تنازع ایدوب از فایض  
 چاشنی حکم حم م خون اسامه ترفع ایدره لر عاقبت اصلاح ذات البین توفیق  
 امور جانین ایچون صواب و بد عقل اوزره لاشرفیه و لا غریبه حاق و وسط  
 نیلده دقین زیر زمین ایدوب سکان طرفین اول شجره مبارک النمل سائ  
 میمنت بیر سنده اسوده حال رفاهیت و صفای بال اولد بلر اول در نایا  
 بحر الانساب خلیل ارحیم حضرت کلیم مصرون رایت اوزار رحیل اولنجه دیوز  
 سنه دخی متجاوز مدت زبور صد غنچه نیل اولوب حضرت موسی بنی اسرائیل  
 ایلکه که محاسنه قلم طرفه رقم اولد و غنی اوزره اصلدی تمش ایکی مرد و زن ایکن  
 التی یوز بیکدن زیاده رجال کرب اولت لک ایدی مصرون توبک نون علم اند کلزدر  
 فرمان سبج اوزره نارنج که من ساری عالم بر عجز نزار رس که دلا نیلده نابوت  
 رحمت مبعوت نیلدن اخراج ایدوب مقابر شریفه ابا و کرام جوارنده تقبیل  
 مقام ایلدی حضرت ایوب علیه السلام ایکی درجه ایلده صفا افزای عشق  
 اعتلا ایدوب انس کلیدیه سطور اولد و غنی اوزره حضرت هنوز انجمن افروز  
 وجود اند بلر که نیر خیر ذات کریم ایوب مطلع الانوار فیض فضل الهی بدن یوز  
 افتاب نبوت ایلده منظر سر مکنوز نور علی نور اولوب اهل جور اسر منزل سعادت  
 ایمانه ایصال ایچون رسال اولمش در اول شکر مکرمل اولاد اجماد ایلده مفتنم اولد  
 بدیست نبات و بنیان ایلکه کامبین اولد و غنندن ماعد ثروت و غنای دخی برزیه  
 ایدی که ارض مبارکه سادمن بشیبه نام فراع متنبه ده بشیر عمامه اولوب  
 سائر صنوف اعمال بوسوال اوزره ایدی امانت بهار و از بهشت همتا  
 اول محقر شکاره و سبناز اولوب بوزن مکاره مکاره دنیای بی بقادن متنفذ



و اما کاری اعمال برای سافه فیض کف کبری بطبیعی عظیم فیض معان نوازی  
اولیغین همیشه شان مکارم نشانی سبده سبطا اکرام و همواره است  
فیض سانی خانی منت اراد ایام اولوب ابغای خوش شکر گذار نعمت  
باری ایدر ابدی بو جالیدن لعین مضل و ضال ایلیس بد فعال غرقه در بای قرین  
و طلال اولوب و اما در دسر لودریج و غنا ابد کران و سب و روز آه آتین  
سایه سوز ایل سینه برین ابدی اخوکار اول بد کردار حضرت بر در کاه و الحی  
ابوب نیمه طاعت گزار و مسون که بود و مددک اصاغبین الکمال ابد عانت  
حالده صورت اوبار کور شد راکر ترا ج کوب اقبال ابد نجم بختی ستاری سجا  
اعمال اول اساس و صبر قرار ری رخنه دار اولوب بلکه نای زهد و تقوی با  
بر هوا اولور دی و بور رفع رفته شیطنت و تزویر تمکین او فروری نشه بهر کون  
طرف بارگاه کبریا پناهن طرف و بقدر اموال ابوب اوزره سبط اولوب  
دواب و مزاج و مواشی و فرار باعصار فیه نار بها اساهویه منقلب اولوب  
اول لعین بد سیرت بدیل صورت ابدوب بو خبر عبرت اثر بر له شمشل  
غریزی بنوی اولدی اول قطب ثاقدم دایره علوه هم مرکزنده ایر لوب فرجه  
قید دن خلاص و لد قری نه حمد خدای منت و سجده شکر مباد ابدی  
بو معالده دن لعین بی دین سوخته نائره هلاک و سینه یکینه سی خنجر غم به  
جاک جاک اولوب تکرار بابت ابوب سماع ستعار دنیای بقا  
استر و او لند و غندن خندان و کیر و بد اما از غافلیدن نخرت الضمیر  
اوله بید اولور زبانه خلیف ایله ملطف اولمقدن نامید و کله مخصوصا  
اون دورت فرع زکی کریم الطرفین مشاهده ابد فریر لعین اولوب دیده ارزدی  
هر دم جال افتاب سالارندن اقتباس نور سرور ایدر انار اوزرینه دخی رخت  
نقط اولور سه بنیاد نشیده آه این و ناله و فریادی جاسج شدادی  
بر طنین انک مقرر در دیو اعا ابدی اول هرزه و کبل هر دمی بود عکسده  
دج الزام و تجیل اولمقدن کچون بر حسب اقتضای استدریج مفید مار جاقین اناج  
اولیغی دار السعید اولاد سانی نژاد ابوب اولان خبر سید الاساس

ناله اندراس و ربوب اولان زیندگی یکبار اناسته شک و خاک و زبیر  
در دیوار هلاک اولدیر اول صدر نشین و بستان شقا معلّم کتب ساسنده  
کلب مسلخ اساخون آلود و تنور سینه کی کینه سی بر آتش و دو دروغا اولوب  
فته کور خانه دن نشان اولان دستار بر بستان یره اور دی و بیام کی انتظام  
مصیبتی بر اسلوب نامرغوب ابدی تقریر ابدیکه حضرت ابوب ای اختیار تشدن  
اول سوزان و نه بر آه کرم کجوب فرید اشک حستمی بند کسته سیمه اند غلطان  
اولدی از فالدیکه خرم صبر و قرار بر باد و اطلاق زمام فریاد ایلیم غایت  
بی غایت رب جلیل و بیلت بهر صبر جلیل اولمقدن طریق مستقیم سنجاده  
مهدی اولوب سر منزل استغفاره ضرب نطه ناله ابدی بو کره ملعون و غ  
درون اولوب شعله آتش زبانه کسج بریده آرام و سکون انهدی کبریل  
کاشن توجید زبانه کل باغ نصیحت و ابقان خندان ماعد اسحور وجود و بسود ابوب  
بازده شکر شحوس الاثر ریج و غنا انک مرض اولوب حضرت ابوب رو لید  
خاک سجد و بکن دم نفس شوم ابد مزبورم مزاج صحت امتزاجه خندان و غوغ  
اعتلال و بر دی آنا خاناماب تب اضطرا استنداد و النما آتش نور شیم  
و جاز دیاد بولکوشن زبانه مجموعه عجیب الترتیب ترکیب نشا اولان عروق و احصا  
مقراض دندان دندان ابدیکه کسته اولمقدن لعین اولدی که رشته رابطه جیت  
منقطع اوله فروغ وجود دن بسعت اولان بوبید سام مشا سنده تمکین اجاب  
و کل خیر از افکار تو کندون نیز ایا و کو احوکار اول جوهر نفسی خارج فیه ده بر کاه  
اوزره الفا بنید بر نخی شمع بستان حطرر حیمه نبت افراشم بن بوسه فاند ایام  
جانبیاری وحدت لیلین واسطه العقد منظومه سعاد و ابرین بلوب مرکز و دار بد  
مردانه فرار ابدی و بر فرصت بولد فیه بعض شماره کس بیت و ستمی با خدیت  
اداسبله کتساب قوت طلال ایدوب شوهر عالی کهنه اتفاق ایدردی ابوب  
صبر مدت بنجوریده که ارج اقوال اوزره اول سکونه اولتد بر بر کوه تحکیم  
لب شکو انیموب اندفاع بلید رجاسنه درگاه کبریا به و عارف این سکون او کچ  
و بین سلا جوده ابام ریج و محنت باری اعوام حضور و راقدر اولد فیه و اذاعت



فوقین وار و خانه رحمتدن درخواست شربت عافیت انکه بجای ایدرم و بو  
رد جواب استطاب ایدرم ابدی که فانیس خیال وجود موجود الاسم معدوم حکیم  
فرار کبر او که گرم خواجوار تغذی ابدی بجای بر لغت بویکو که صنوبری الشکل قلد و گشت  
محرومی اسیم نه زخم دندان تغذی ابر کور و دیرنا چار کینه خواست و ناله بختیار  
ای طیب خسته دانه چاره ساز و در دندان طرف باهر شکر فکدن هر خفه بلا که توجه  
انتم در فکر و ذکر انیس جلیلم و لوق ایلد اول و داهی نامشاهی صبر بلیه تلقی  
و روایت محنت از دبا و بولد قجه حرات شکر و ترقی اولند و غنه علم از لیل جسط  
لنته و لبسته او اوره زنجیر قضایم یک جانکه لبیک زن حکم فدایم  
اما حالا ناخانه جسم نا تو اماندین بسط سفره طعمه در عاجز اولد و غم چیدن  
و سبده فکر و ذکر اولان زبان و جانم دست طمع دراز و کشور وجوده آغاز  
ترکانه اندر لیلی بخت سینه کانون کشش اول طرفه برده کشش اولوب  
سبب اسایش دل جان اولان معامله رو جانم در فوج مان کورین صبر زهی  
خسار ان منی القروانت ارحم الراحمین و بوسیراب ساز بر کرده  
برک زبان اولد اول قالد طرف حضرت ذوالجلال در مژده اجابت ابریشوب  
حسب الامر خیر یک یای فلک پیا اندک کبر مکانم براب جانشش فور ابدی اول  
منزل غنیمت استعمال اغتال اولوب درون و بیرون زبور عافیت رله  
مخلای حسن حال قبل الابتلا اولان حلالدن اعلا اولدی جدا اول سالده دج پویا  
نیوما کشت و نما اولوب اکثر کتب تعابیده مرسوم خانه تجر و اولد و اوزره علی احد  
الاقوال مقدما سانه سروده هلاک اولان اولاد اجماد کمار حله یوش جبات اولد و غنیمت  
ماعد استله ابد دج منظومه الطاف مستزاد اولدی بعض معتبرانده نظر رسیده در که صنوبر  
اموال خارج دایره اعتدال اولغین ضیاع و عقارنده دورست یک اکار استخام اولد و  
اولوب این درین اوزره صبح و شام مانند که کشان بسط خوان به اتان ایدرم دی  
روایت امام طبرانی اوزره اعداد سنین غمرون طغی از اوجی احوال اندک و سیر دین  
رضوانه استعجال ایدوب استفاضه نا اکیوه اندک کبر حجه سار جوارنده متواری  
خار بران اولد و لیل سلالتل ده عمر سرفلر کسین صدنه مشرف اولوب او نه سکر سنده فی

سر نهاده و سوده رنجوری اولد و قد صکره تدبیر و لیدر حضرت حکیم علی الاطلاق علاج بر الساعه  
مرض اولیجی کر و استغاثا اعمار کشته تکرار استیفات اولوب مدت بارکات  
ایک یوز سنه لی تجاوز انکه دخی و بد در حضرت شعیب علی السلام سر رشته ازین عقیقه  
ایله سککن جلیل مدین بن ابرهیم خلیل در بنط اولور عبادت اصحاب نجده انکار و یکمال نیکو  
تطقیف و تلقی عیب ابد حکماری کار ایدر اهل مدین و اصحاب اکیبی وحدت ذات  
سبحان الصفایه اقرار و قسط اس شفیق در کار ایدوب تصفیه جوهر استعداد  
حداد اولدی اچون رسال اولمشد مقصد اولد قری خدمت بنیغده سعی بلین ایدوب  
جبین جا و عذار تهمت تفسیر و اهل اولغین خطیب الانبیا لقب والاسنه نیکو کور شد  
کلن جوهر نبوت و شکاهی برله دیده روشن اولان اول اوزرشته صفا که کحل جسم  
سیاهی بعد از انیل عا برله باده اولد و صفیات کاشاد ورنای بصیر بصیرت برله کاه  
ایدروی مبعوت اولد قری فرقه اشعب نشان دنیا پرست باوه نا کور غفلتد سرت  
اولغین اول خطیب مصقع محفل نبوت فرائد کلمات صفتی سائیر ایدر کوش هوش ایدوب  
گاه جم و گاه نفی ایدر خوف و لی سیر سائیر کعبه عرفان اولان ایمانیه حاشا ایدر و تکلف  
ایدر ابدی سلوک راه ضلاله نهاد مری حد اعتدال نه گذران اولیجی برو حق ارادت  
حضرت جبار شتم اهل مدین صبحه روح الایمن و باز لاله ساهکن ایلد معکف کنج هلاک  
و اصحاب ایک بر حسب اقتضای رضای فاسقط علینا کفائتم السلام اصحاب شریک  
غذاب یوم الظله ایدر توده خاک اولوب شعیب و اسبغا اسوده حال ظلم طیل سلالت  
اولد و در رس نام نیز غیر مطوی حرمینده معیم اولوب این مهل بت پرستی اوزره پیوده  
کدایر عیال پایدرا اولان طایفه طایفه حضرت شعیب داعی خوان ایمان ایلد و کد و فرقی ضاله  
اولق روانی دخی زبور صحایف تعابیر اولان اقا و یلدن در فیض ارشادی نور بخش قلوب  
فاسطه ظلمات و نائیه انقا سحر ساز نفوس خسته ارباب فساد اولوب قول  
صادق شعیب کذیب اوزره ثابت قدم اولد قری چون دار و دیار لری برله خست اولد و  
بوالهوسا اصحاب رس بر فریاد رس بولندی حضرت شعیب اکر قدس ستره العزیز سائیر  
عدد و عمر شعیب و اصل تفصیل تقات رواة اوزره اولمشد و لیکو کور کوش سنده تجر  
اولوب مؤلف انس جلیل عبد الرحمن الحیری مرقد نور این اعمال صغیر و ن خطین نام قریه



اولی اوزره قلمون یقین اولمشد را ما قفسیر ادم بقوبه حضرت شعیب بجا و در حرم ایلده محترم اولو  
بین المقام و الزم غلوت کزین قهر بر نور اولدی قیری سطور در حضرت موسی و هارون علیه السلام  
امامه سبیحه نسل شریفی الاصله اولدی جناب یعقوبه اوج قریده اب و جد ایلده بنظر  
یدر لری عزان و زرای فرعون بحره علوشان ایلده نماز اولوب جناب هارون حضرت موسی  
اوج سند مقدم ساط ذنب سزای دنیا به وضع قدم انمشد در مقام لازم الاکرام موسی  
طبقات اجمال متحکم الاجلال ساهر رسل اولو العزیز اولوب ذات ستوده صفات  
کتاب منقذ اب نوریت ایلده تجیل و رتبه علو جناب لری خصیصه شریفه کلیم لایزال  
اولمشد در طوفان خودن تفریب یک سوز سنده موزندن صکره دور تیز سیدن زیاده  
ملویش سند سلطنت ایدوب انتظام صوری مورد دولت و اقباله کمال عجب و غورون  
حاشا و عوای طله ربوبیه تصدی ایدیز کشتنی بی ادب و لیدین معصبت عهده انجن  
ارای وجود و بر توانداز عالم شهود اولمشد در اول سعد السعد و آسمان سالت برج  
السعاده رحم درون طلوع اتمر قریب و لیحق فرعون بدین بدآین زوال افتادولت  
وال شامانه عجب بر لب بی خواب و آرام اولوب صواب دیده سحره و منجین اوزره وضع  
قانون سهل قتل اطفال اولانمزد و آیین مصلحتی احبابه تشبیه دامن اهتمام  
و روایت و هب بن منبه و زور طفق یک معصوم بی گناه اعدام ایلدی کوب  
رخشان وجود و موسی سعدان فیض سنده سنده عهده نه دیده کشت  
و زکریا ساهل اسامین سزای هستی به رونق بخشا اولمجنی و در بی بو جاندا اولان زین  
سعادتی تاب نظر بدیکانه بر لبه کلبرک عذار نایاری پرموده اولق احکام و غنچه برین  
ویردیکه چشمه سار سیر سیر شدن ارضاع و اوج ایدیز صکره مخدور و زور ظهوری خاطره  
ناشکیبایی و عقل و شعور و لغیر الیهام ربان اوزره بر صندوق ایلده خزانة اصفانه بنیل مبارک ایلایع  
ایدوب و عذیبین انار اوده الیک و جاعلوه من الرسلین قرین انجاز اولی غنه  
و بسته جبل المتین یقین اولدی اول صد فخره دره الساج ایتهاج تحریک امواج ایلده بعدیوم  
و لیده خون استا سزای فرعون و اخل ویدامانت سببه بنت خرازم سزاییه و اصل  
اولوب و انت جبین مبین افتابانه تعلیق نظر فردا بین ایدیک و اعیت علامه و وحایه  
بر لبه قاط اغوش محبت اولدی و انشور ان فن انساب پدر سببه فرامی برادر عزان

اوزره تاریخ نویس کتابه ایوان لیا اولمشد در ایلده صالک انوشاندن اولوب علی که منه انوشاندن  
لعین عقد عقد از دواج انمشد ایدی لکن صورت الحی حائل اولغین اول محمد زه نازنین خوان و صالک  
جاستیکر از زوا و لکولت نمت اولاد ایلده سهد کام و لکش ایدی سیده اول نازنین و یاز  
یرور مهد سکا و جسم رغبت فرعون و عض ایدوب طرفندن ظهور ایدیک قصد بدخود  
حسن سوق عسایان یقینا او نخته و لکد ایلده سدا ایلدی خیم الحی ایلده اول ساینده رتبه و لای  
کلیم الحی خیم لعین غنچه تحریک لب رغبت انمبوب مصلحت گذار با زار کاه حل و کلیم علی ایلین  
یکفونده دلا ایلده در ناخود خدمت ارضاع اولدی بالغ سن رشد و سدا اولوب آبیاری  
خدا داد ایلده تکمیل مکنه استعداد ایدیکه که ارباب تفسیر مابین تکمین و اربعین ایلده تفسیر انمشد در  
تربیه و تنبیه سنده آسیه بذل نقد بنه اهتمام اهتمام ایدوب کوبار غما علی انف فرعون  
خیم جان سزای حاصنه سند نشین جاربالش احترام ایلدر اول و مددک که غنچه اسرلی  
انشانده قتل قسطی ایلده از فضل غرا ایدوب روزیکر بیان محلاته خائفا تیرتب  
کشت و گذار ایدیز کن بر مؤمن پاک اعتقاد کما شتکان فرعون کند لری سو جوست  
وجوده ایدیز کن اکاه و ارشاد راه تفرد الی الله انکم کن بی رفیق و راهبر بی زاد و سوخی  
رتبی ان بهیدنی سواد السبیل مدلون دلیل راه و اعدا و زاد توکل علی الله ایدوب  
از رده پای سکلان بر بی آب لب تشنه و سینه پرف و تاب جابک روساقا  
منازل و در هفتم جویم سیر بدینده نازل اولمشد سجادده کوسفندان نبی الله شعیب اسقا  
ایندکند صکره کرسی و کوفت و ایدین بیحال اولغین سابه در خنده اراکیر و زخمه کشتن  
رتب اتی ل ازلت الی آخره تفسیر اولوب خوان بی امتنان آلمیدن دیر نوزده حصه  
غائب ایلدر بو خدمت بایسته حضرت سعبیه منعکس و لیحق و دلخانه رتبه دعوت  
و بر ططم ضیافت ایدوب دستار جه نقوب لائح نجوت من القوم الطالین  
ایلدوات حاطر ضیف مکر مکرینه تیره غبار اوها بر طرف و مدت معلومه ادا و حده  
رعی اقام اوزره کیم بر لبی صاف و ابی تزویج و عدی ایلده تاسیس و عامه غرض ایلدی  
اقصی الاجلین عشره لی تکمیل ایلده سخن اولدی و غی آخری استیفا ایدوب اوان سنده حق بایسته  
دام صحبت صهر عزیز لر اولدند صکره نذر جیران ذی سلم و تفکران و علم بر لک آرام اولو  
صوب مصدرات الالهانه سبکسجام واجبت اولدی قنادوی ایلنده ضرب حبه



نزول اولدنی بقدره حرم محترمی اعراض محض برله سر نهاده و ستم ناکوت و کلام  
اواره صحای فوق و برت **اولوب** شدت برودت هوا سربار کدار اولد و غلغل  
ماعد اول کونم حکم صوب صوبه سمت خلافه اخوان و لغین متجانه هر طرفه نگاه  
نماگاه جانب طور سبناون بر شعله آتش ضمیمه انوار دیده اولوب بعضی اربا اجنه و خیم  
اول مقام ضرب نقطه آرام انک ملاحظه سبله اقتباس نارد وجه مادن استنجار  
ایچون اول صوبه کافرن غیبت اولدی قریب و یحیی کوردی که اول نور نار نار سحره خندان  
عنان زبانه کش اولوب طبعی شب فلکله نهادی رشک نهار نورانی نژاد ابدش اعراب  
تاب آتش برله برک بار درخت بر حوده اولوب بلکه سر سبزی و طراوتی صد هزار  
و خرنار کوباکا کلکونه غدار اولمش مطلع افتا نوز اولم بخور نور غناب و یا عوج اولن نوز  
کشیده سگ اللال سطحه تفاسیر در حضرت موسی بو صورت عبرت اثرش اهدی  
برله برهمزده جبرست ایکن شش جمدن خطاب غت نصبا با موسی ای انار یک  
در مشکوش سامعه هوش اولوب خلعت و آتای رسالت قامت بالای استعداد  
زیب و زین و میجره باهره عصا و خارقه مد بیضا دعوی صادقه لرینه شا هین عادلین  
اولدی و فرعون و انبای طلق انبای اولدی به ارشاد ابله امور اولوب عوضه و اشتی  
اوزره برادر مهنر و صیغور غریبند اختر بارون سر کیسه الامور اولدیر مردیدر که بگوونه  
منظمر الطاف اولوب ممتلئ قریب سعا اولدین وقت مبارک عتبار سینه بوس  
عشق برزد و اما شفق اولوب بسل طویل الزلیل چارکش ساهره غبار اولدنی و امیری  
بس اول سول قمر تاج خورشید و واج رسالت برله سرافراز و میجرات باهره ابله  
حله بوس اغاز اولوب رجاء اوزن وزارت هارون نخعیل فوت قبله و عدا  
انما و من بعلکما العالیون و غویانه نه کزنده بر شک و اهمه سن ساحه سینه و سبب  
اند و کیچون وجد نوحی سمع حجاب سجده گذار ایدوب دورت رکعت نازیه نیت  
و ادا وین سکره همت اند بر عصای از در یکر آهن جشدن برداخته دست قدرت  
بر و روکار بر باد کار ابدی استن یشان نوع انما ابوالشیر ادم بونگنای ای بقایه  
وضع قدم اند که رفیق طریق غربت اولوب اول تحفه بهشتی ساج الیمین اقبال کج  
کف کفایت نجبا اولاد اجداده انتقال ایدر یک بدامانت کلیم الله سلم اولد و عی زوات

۲۷  
خصوص داده ابراد اولنم اقا و یلدن بر تولده جناب کلیم الله رو بره بدن اولد و قد  
کنجوردی جیل حضرت جبرائیل اید ایدوب بر روایتده شینه اجرت و تبیین  
مدت ابله اخبر خاصه اند سبب اولد فکر نه انظار انخاف انشرد و بر بودیج  
الدر رنقا سبر اولم فزاند فزاند و ندر که حضرت کلیم مقیم حجر تریه سبه او کو هنوز  
سن عیله بالغ اولدین بر کون زانوئی فرعون اوزن مربع نشین جاربانش غریکین  
اولوب حرکت فشریه اطفال اوزن ربس و رازی ایلد بازی ایدر کن نهاده غلغل  
اولنم نور بازوی قوت بنوعی فعله کتوب اول بد سیرتی مبتلای مرض جابل  
اواه الشعلب صورتنه دوندردی بو معالجه دن فرعونک عرق حدت و غضبی  
ضربان و شرباننده دم فاسد غلبان ایدوب کند و نک باعث زوال  
افتاب اولجق مولود مسمود بود وجود مسعود اید و کنه جارقم و اول سر و طوبی  
حرار کننده سبل اعدام انکه عازم اولد آسینه نش نش فهد و کین یعنی شکین  
ایچون سوسا دن بو وضع کنناخی اقتضای صبا اوزن لا غم قصد صد و راند و کی  
جهتدن معذور و دیوب تجسس اطمینان ایچون جناب کلیم بر طبق کجهره  
وزره عرض ابله حضرت موسی بی نحاشی لعل ربای آسا بر باره افکار سوزانی آکو  
حقه و پانه وضع ابلدی اثر خاصیت سوزنده آتش مخدو تاب نوا اولان دست  
حق بر سترند ن ظاهرا اولوب اما زبان سحر بیاننده بدیدار و منظومه کلما  
نصاحت سمانه کلنه دار اول سیدی قبله جاجانه نوحیه روی مناجا اند کلین  
واحل عقده من کسایور طر اول عارضه نک ارتفاعی رجاسنه اولوب اول عقده  
بکمالها الخلالن دعا اندیر کلام ربنا قد اوتیت سنو کت با موسی اید استدلال  
انشرد و القصه سرورنا محصور ابله طی و احل اولوب مصره و اصل مجلس فرعون  
داخل اولد قد اول کراجه کربوه ضلال فدییدن طریق منقیده نوبل ایچون مراسم  
خدمت جلیله نبوتی عرا و نبی اسرائیلی نیجه کتبه کماله ساقه دن تخلیصه ساعی  
اولوب اظهار میجرات باهره و بد بیضا کوسته وی مروی در که حضرت موسی  
عصای زیننه القا ایدوب بفراوان سبجی از در یکر نه نخل اند که سکس ذراع  
دروازه و هان آتش فشان ایوب سر بر فرعونه سیرانه حمله ابله نایب سقونیای



عرب و هراس بر فرعون ملوکیت مقعد و لباس بدوب معلق زن کرسی سلطنت  
اولدی تریا اساجتمع اولم ارباب دیوانه هول جان ابد نبات العرش کج برتال  
اولوب هنگام از د خاد مشرک دش فبا کمالش بکدر زباده اوی حصه با لکد کوب  
عدم ابدی فرعون لعین ناباک حضرت افریننده خاک و افلاک که بین و بروب ایمان  
قاجو بر د فرغ جانن دامگاه از د با دن تخلص ابد یک بو بر با نه بینی سحره جل اوزره امر  
و قلم و حکنده اولم سحره ای احضار ابدوب بوم موعود موعود عصای اوجیوز لک  
آلات سحری کنیایش پذیر جوصله استهای صادق و سیرج ضرر انحر اکین اول ناشنا  
کا هده حاضر و عاقبت کاره ناظر اولم دن نیجه یک کسبجی مبتلای های دق ابد یک  
سحره فرعون که ارض مصره غلغل انداز استهار تیش یک نفر استاد سحر انار  
ایلدی دیشلر در یزبان اتفاق انبارت موسی و هارون زمره سبن زیور سامعه  
عاکفان مجامع جوج کبود بوز لرن فرسوصم خاک سجود ابدوب فرعون طرفند کشت  
بولجی سهرام محن و الاله سینه تحمل طوئرا اول مذماد سحره ای ابعاد ابدوبکی و آیه قطع و  
حیر وقوعه ابدوبکی امام کلپی مختار اولوب تحقیقی سلب ابدوبکریمه انما ومن اتبعک  
الغالبون ابد استظهار انتم در بو معجزه باهره دم اول الوده خواب غفلت باعث  
انبیاء اولوب آکه زمین و آسمان حاشا اطلع ایچون سادات البروج و جرجان  
ایمان سرکار لغز ابد بر صرح عا کجنا سنده تشبیر ساعدیه و الی یکد زباده بنای افرو  
خدمت ایلدی ارتفاع حد امتاعه رسیدن اولجق اول نای سرفلاک کشیده صد  
یر ناموس اکبر برله زیور و زبر اولوب بنا و عکردن نیجه بوز یک نفوس معطله سنگ  
و خاک اتنده هلاک اولدی کریمه بابا ناما بن ای صرحا تعبیرنده اسرار قرآنیه دزم خیر  
بعض علما صرحدن مراد مکان مرتفعه رصده بنا سید که اندر صفیات سماواته تعلیق نظر  
مطالع ابدوب حوادث ارضیه و الد سببا و علل سماویه اولم ثوابت و سیارات  
کیفیت سکون و حرکتند اول خلاصه بعث رسولی و با خلافت استلال اولجق احواله  
تخصیل اطلعه صکر کلام حضرت کلیم رودیا استماع ایلید و بوضوح طراز شاه پدید اولم  
و الله علم بکونه تنبیه الهی صکر انقطاع باران و فیضان طوفان و استیلای جراد و قمل  
و مضار و بلای دم فرعونیا نه بر آری فاصله امهال ابدیه بدیشر کوز دستمایه سیکسای اولم

هر برنده و عده ایمان دعای کلیم علی و سبده از رتبه اطمینان و اندفاع بلیه و اهره فرسای  
خاطر اولجق عهد و پیمان فرسوصم دست نیسان ابد ر ایدی بعض و اتقان خرابای سیر  
عبرت انشایات تسبیح معجزه عصا و بد بیضا و طمس اموال ابد یکمیل ابدوب بعض افرانق  
بار اطلق بحرینده تبدیل انتم در پی دپی ابات مفصلات ظهوری فساد و دمی صدوری  
اضرار و بنی اسرائیل ترقی رتبه اضرار دن غیری بر حال نتاج انیموب علواتش غوطه  
انافانا از دیاد بولدی کریمه و فرعون دمی الاوتامو تعبیرنده اکثر علما اخبار اریس بند  
کتابه اختیار اولم کرد که اول بد فعال واقف و سینه احوال آسیه صدیق و ماشطه  
نونه اولجق تکلف مخفف ارتداد اوزن الماری گرفتار سکنجه اوتامو ابدوب جار  
تکلیب وجود لرن هوای فنا ابد فساد ایلدی بو کونه ظلم و فساد و جور و بیداد ناله  
و فریاد معجزه و ساکن کوسس مکان سبع شدادی بر طنین ابد یک بکرتار فرقه های  
مثلا طم الامواج اولوب حضرت کلیم بنی اسرائیل کناره سلامت اخراج ابدیه امور اولدی  
حسب الامر حضرت موسی اطعالت دن ماعد ما بین عتیرن و سبن النبی توتیش  
یک نفر دلاور دلیله ثلث اول سلده اوزنه کوس رجلی عالمگیر ابدوب افتاب  
عالماب لامع الاشرار اولدوغی دم فرعون کشتی سپاه شقا بنای کمال زینت  
و زینت ابدیه ترتیب و این لیش کره بوز یک جوش جوش و ریافروش امله تعقیب  
ایلدی طلیفه انجیل موسوی ساحل بحر فزیده ابرو دکن مقدمه انجیش فرعون ساقه سکر  
منصوره قریب اولمش ابدی که اول در بای خاموس از بانه عصا ابدیه جوش ابدوب  
اسطمانار نیجه اول در با اون ایکی شاهراه اشکار اولدی جناب کلیم بنی اسرائیل ابدیه  
مصبوب سلامت جانب آفره گذار و فرعون ضال و ارباب کفر ضلال بر غوطه گرم ابدیه  
قوه چمنده قرار ابدوب تخصیل اطمینان بنی اسرائیل ایچون خوزئی امواج برله حبشه کشفه  
فرعون ساحل کرده رونما خاک مذلت اولدی اعدا و سبن دعوتی تعین ابدیه  
روایتی صفر سیر اولوب انجق علامه بیضاوی حضرت کلیم کرده سحره ای افهام و بها  
و ضرب دست ابدیه الزام و اسکا اندکدر صکره بر فولده بکره سنده فو اول طلعه  
کلام حق سماع کوسس و تکمیل سرباط رسالت استخال و در شش ابدوب  
بودنده علی مهل ابانق ظهور و دخی نیجه امور فارقه صدور ایلدی دیور فر طراز



مخزنه روایت اول در برونه سنج و نعلی بنی اسرائیل مشاهده استصال فرعون  
ایله فرعون آرزوی دل و مقصد اقصا و اصل اولوب بر خوی کریمه  
و اورشاک بنی اسرائیل زمام حکمرانی از مصر به تمامه بانی منازع و می صم بی سربک  
و مسام مسلم قبضه تسخیری او یعنی از لاند و عدلی سببی بدین کتاب کریمه  
**مصرع** احن شوق الی دیار لغبت فیها جلال مسلم صدرا فخر و براه جانب طورینا  
اولد اقدام و بار و بی جانین سند اقدام ایدوب نصفه درون و بیرون  
شهر ذی القعدة الحرام میانه نیت و فرما از وی اوزر غم ذی کعبه کعبه اربعه  
هست ایدوب تمام بقارب و سبله حصول ادب اولوب مشاعر و حواس  
نشود و جوق مسکلی انعام کلام ربنا ایدوب سبنا سبیک بجه کرم سلا صاف التفات  
اولوب ذره و ارقباس نور جمال سودا سبله بی قرار و جوابی و صلت ویدار  
اولوبین راه اشد نظاره لی بند ایدوب تاب افتا تجلی زیر نام کوه سربندی مانند  
سینه عاشق مجبور صد باره ایدوب حضرت موسی صد مدرب و هراس ایدوب  
سایه سرد و سازینه و دودی و بعد لافافه سبیک نیت ایک نداسنی حریف  
زبان استعطا ایدوب طرف کبریا پادشاهن انخاف اولد ایدوب قطعه زعفر و سبز ایدوب  
و با بافت احمد اوزره خط سماوی ایدوب حر کتاب جلیل تورات ایدوب تجیل اولد قدر کوه  
کاخرن حاجت اولدی شغای بنی اسرائیل به اولن یکی بیکه نه ماعدی ایام غیبت نه  
حضرت موسی ایدوب عقد اندکری عمده یرده کش عذر اولوب ساحری اضلا ایدوب سجد  
کذا علی ذی خوار اولد ایدوب بر حال شمر الحلال مشاهده سبله زمام مالک دست اقدار  
کلیمن سقا اولوب حبیب و نینه اقصای و فوط صیحت ایدوب سبله بی اختیار الواج  
زیننه القا سبکین علی روایت مجموعه مواظ و شتمل الاحکام حلال و حرام اولد سبکین  
ماعد الیه عدد الواج که امور غیبیه و اسرار الهیه حاوی ایدوب شکست او کو تکرار رفوع طاهر  
عرش برین اولدی بعض کتب تفاسیر و القی الالواح کریمه سنده حاشا تخفیفه مقفیه  
انکساری مقتضی اویحی اسلوب نام غوب و زنه القاب و دلالت و لیسوب بلکه  
ولاسکت عز موسی القصب خذ الالواح نقض جلیبی خفا قوی دلیل در بویبر ایدوب سک  
نخبر اولد در هر حال حضرت موسی اول حدت ایدوب جنابا روانی مواخذ ایدوب

اندر بیان اقدار ایدوب بایب استغفار اولد قدر صکره موجود فتنه و فساد اولان  
ساحری بد نهادی و جود و زید کثرت اثر و نطر و ابعاد و غول بیابا ایدوب  
اتحاد ایدوب محراب عبادت اندکری حادی غذای اثر و شرفشان ایش سوز  
ایله بی ساحری قبایل بنی اسرائیل نه ساره قبیل سنده طرف نسبتی اولوب فن صبا غنده  
کامل الصانع کندم نما و جو فردش موسی بن خلف نام بر مضاف ایدوب بنی اسرائیل مصره لیکن  
سور و درای ایدوب بیکانه روشن شناردن اسفاره اندکری مرصعا که اصحابه در آمدن  
رفع رایت اجرت اقصا ایدوب کند و لره قالمس ایدوب و بعد الانواق ساحل مجروده  
ایندکری اسلحه ملوکانه بیکه اولن ایدوب هنوز از غنایم حضرت یافته جواز اولان  
احراق نیتله جوقه به القانتل ایدوب و ساوس سبیطا نیده و حواج نفسانید ایدوب ساحری  
بد طینت انسان ایدوب اولد صنوف جلی علی کزوب بعد الاذابه ایدوب ابریز خالص  
بر کوسال بی رنجته قالب تکون ایدوب و راز دارند و جی مبین جبه اسل این جناب  
کلمه کلمه موسی تکلیما سطا انبساطه دعوت لیکن فرس کیوه نام بر جش سرت کش  
ایله تمثل حضور نبوی اولد فده حکم نظر سابرید نه برده بر نواز احتیاج اولوب نعل سیم  
سمند و لیست نقش املال کوسه و یکی سوزین سبز و خرم اولد و غن کورسن و با سب  
فلک بیارنده اولد فاصتی بلوب مواظی اقدامندن بر قبضه خاک پاک الهیدی اوقارند  
غبار کیمیا عبادی این کوسالیه نثار ایدوب اول قالب بولعجب اشباهه و رفاروخ اولد  
طرف جنبش و صوت مخصوصی اوزر غنیش که سندی مروی در که حضرت موسی اول فتنه انبر  
طعمه سیر سیم خوریز ایک غمنی زبانزده ریاضه جوقه انمش لیکن بالافانه اسامندن با موسی  
الی غاف تبخلف انمه که خوبسا و ندی ایدوب خصلت سینه سنی ایدوب شهور و صفت ایدوب  
بدل عطار له نکور و در بوزمان سبنا سرف صد و بولوبین نیجه سیم سبنا اولن  
کریانه سوز جاتیک ایدوب فوج مظهر احسن اولدی ایش فلک بیوند فتنه اشغال ویرش  
عجله استغال ایدوب ارباب کوف و ضلال دایره ندیده وضع قدم ایدوب دامن شغاف  
نبویه نوسل و قبول توبه لرر جاسنه عض نیاز مندی و نذلل اندکریه کل باغ ایدوب  
شکفته و خندان اولن خون شکوف کوندی بر زبان اولد و اب سینه ایدوب که شکوست  
سامعه هوسری و لغین بالطوع و الرضا نوزده میدان حکم و قضا اولوب نیخ فزائیم



کردن از عیان اند بر سر فرو برده بحساب عبادت عجل اقبالان فرقه ناجیه حسب الامر  
الامی صبحدم سحر باز لغه آغاز ابدوب سبب سنگم بنجه مقداد عای موسی و نامین بارون  
زیر سباجان عفو و غفرانند زرد نمون اولنجه نمش یک ادم رو نهاده خاک عدم اولد طوفان  
غیظ و غضب حضرت کلیم نو عا سکون بولد قد صکره نور است دست تعظیم ابدوب  
کتاب مبین احکامی اسرائیل سماع و تلقین ابدیک شکای قوم زیر کلیم شقاون بنه پس  
کوستوب رسم معادری اوزن صورت عناد عوض اینک جیل طور سینا ابر بلا اس  
سر سود ازده لرینه سابه کوسر اولوب بالفورده مظله سمعا و اطعنا به النجا اند بر اول  
سرتا بیکده سور و تر و ضاع نادر بر بر کر اولد و غنند حضرت کلیم اگر چه جوهر نظر  
عاطری سنگسوز لال بال صفا المدی شکور اولش ابدی لکن اول کوستا فخر مختار منصب  
جلیل رستاران موالات سابقه ال غیایات لاهقیه و سید انجا و ایدوب اذبال فضال لدرینه  
تثبت اندکری جتدن درگاه کبریا ناه عوض خواست کری ایکن کعبه حاجاته مناجا احوال  
غیبت اولوب اذن لعلی ابدی زوسای بنه اسرائیل نه نمش فکر است هو اواه ابدی محو حال  
عفات عظمت و جلالت وقفه میر او یحیی خباب کلیم خاموش نخل کی سرتا سرکوش اولوب  
ایکن قسطه ناکوش هوس اولان فراند احو و نهیه رسته کش جابت اولور دی عقل ظن اولان  
سغما که نطق لطفدن بیرون و حوصله استعداد و اندر افزون انکالجه نظریه کون  
اوراک لذت استماع کلام ربانی برله شهد کام اولد لیکن بوجبه غایبه شفاعت نبوت  
لن نوسن لکب حتمی زری ابد جهره هوا سنده بلند رودار و اول اعتقاد لامکان سیرت کار  
ست اولنبن سوخته صاعقه تهرضا اولوب روز و بکر عوض نیاز مندی کلیم ابدیه  
نجدید برت جیاند بر کافور النعم و آینه من الکنوز قارون سبب کلیم بیرون ابن عم حضرت  
موسی اولوب شاهراه نصیحه مهنده اولس ابدی اول بد نهاده و سرتا ار ساد کلیم  
الکده تعظیم جلیل القدر کیمیا و استر شاد طریق عقد سببا و نصیحه اقبلیا ابدی بر حضرت  
اکبر الیه او خارتد کی در هم و دبار خراشک ابلد کلبدن تحمل طاقت شکن جمع کثیر و قد لکه  
و فاکر کنوز و مخازن مضبوط حفظه تجر اولق عبیر ایکن بوکونه نعم ناشناهی الهی به قناعت  
و ادای خدمت شکر و نعت اینموب زعم فاسد حال اندیشی اوزن رسته و آتای  
رسالت و برع و زوالنبن اقتضای حد و تقاضای نفس بد ابدی بجهت طرف کلیم الهی سرتا

اویست و از اراد لوب اول رسول جلیل داعیه قربت قریه اوزره سیر صغ جیل ابدیه دفعه  
ابدی ابدی ناکه دوس هزار خانه استنای بیکانه بر زن فاجره به بدل سیم و ندر زنده  
سحر ابدوب اول بنجامه سعد خنک و امن عصیته سوانب سبهاتند زدی یک ایکن  
حاشا لکوت زنا اسنادند خاطر نرم ابدی بر کون اول طلیب لکی بلاغت کرم ساز مجلس  
ارشاد و نصیحت اولوب تفصیل احوال حرام و حلال الیه و لدرده اولنم عقد سببا به نخل  
و بر یک اوزره ایکن خباب کلیم الهی میان حصار اعیان بنی اسرائیل ده نخل قصنده اولنجه  
حاضری المجلس و غط و نیکبر و مدعای انک طرفدن فضولی فقره ابدوب لکن اول سبهت  
برست استنطاق اولنم قد الطاق الهی ابدی سرب برست لظهار و ییا واقع کالی  
نوطنه توبه و استغفار ابدی بو معامله دن نند باد حیمت موسوی برله دریای حدت جزین  
ابدوب کریم کناجیا رستم حضرت رفیع رفته تعظیم ابدی اسک طوفان خنر کلیم ابدیه ناقه بابت  
حضرت رت رحیم موجر اولوب صورت جلالت خشنابه و بداره الارض جلوه کرامت  
نور اولدی بورایت رسیده نصاب صحتد که فلک فلاکت زده وجود قارون  
مضطرب امواج دریای بلا اولوب سبب فشیانا بود اولق امارت و نمون اولنجه اول  
برکته و خواهش عفو و انصاف و ییاد نسیبه نیازه سرافاز ابدوب نمش کره  
حق قربت و حرمت صحبت باد انتمش ایکن سغی سر قد قبوله وصول بولدی اولنجه  
طرف ایزد متعاله ناموسی نه عجب قضا علیط القلب امیس سن و غننه و جل اگر نه زبانه  
برکره زمره بر و آرز نیاز اولش اول غننه نصاب سبب و رودی جنا کلیم و غننه ریت  
و بر دی بعض کتب سیره و نظر سبدن در که اول خلال طلال افراده حضرت موسی توفیق  
ربا ابدیه رت قارون ضلالت رفیق عرض اند کی تحفه نیاز کت خاتم و آغازی ذکر حق  
و یاد حرمت صحبت اولوب نام لازم الاحکامی و سبله نیل مرام نهدی و استیجوت  
حقیون اگر اول کسناخ بی ادب برکره اسم هابو کی حریف زبان نیاز آوردی توفیق  
منطقه عفو و عطا اولق رجاسته طرف بارگاه کبریا ناه رفیع رفته شفاعت و خواست کری  
مقامنده بن بند و فی قیام ابدی در دم و جو اب مستطاب ابدیه رفیع حجاب اضطراب ابدی  
ملقی البچین فارس و رومده ملا فاحمه و کلیم بوجلاله درجه حصوله وصول بولدی غریبدر که  
اجله مفسرین خصوصاً ماده و وضع قییم انجا و عجل بعد العود و مصدوره صورت ظهور بولدی فر



سطور قلم نغین است در بنی اسرائیل **س** اعدا علم داد و بی زمانه در مصری داخل  
 شنبه **ن**مست در مکه که صدرن قاعده سلطنت اولاد بده معهوده او که بگوید ارتفاع مانع ابله  
 بی شایع اراضی مصری بی داخل حوضه شنبه بنی اسرائیل اولاد ابله که بر کون حضرت موسی در تبع  
 نشین کرسی و غط و تکرار اولاد قری بر محفل حافلده قرطاج و هر انقاس طبعه ابله شنف ساز مسامع  
 اولوب اول مجلسه صدقه تبار فواید اولان درج حافظه ازنده تاراند کوری در آید کفشار  
 بلاغت شعار کند و این نوعا عجایب انجمن همضا لنفس من جانب مدامور اولدیکه عراق  
 بادان همت و مجمع البحرین امامه سکان غریب **ا** بدوب موضوع محفظه خاطر الهام مظاہر  
 اولاد شنبه مجمع الطائفی عار سر علم کن حضرت بنی محفوظی اولاد مجموعه المعارف ابله مقابله ابله  
 رهپور و جانب مقام موعود اولوب بر ساعت سعده و تران سعید بن ابله مکان معهود  
 مجمع البحرین حقیقی و لایق حراسم زحیب و نسیم تقدیم اولند قدن مکه سبب ترک حضور  
 حضور و ارتحاب مناعب سفره ابله که حضرت بنی نک معلومی اولدو مقتضای حکم خفیه اوزر کند  
 صدور ابله امور و وضع انگشت اغراض انتمک عهدی توین ابله عقد و ابله اول ابله  
 بحر زار علم دین کستی نشین اولو بیان در بهر حضرت خضر الواح سفینه دن بر ایکسی  
 رخنه دار ابله یک حضرت کلیم ز باور از انجا را اولو مظہر الم اقل انک **ل** شتیط بنی جبر  
 اولس ابله یک بیان غدر قوی نبی ابله تجلیص کرینا اندکن مکه قتل علام بکنا خضوع  
 باعث نژاد مواد انجا را اولوب تکرار اغراض موجب اغراض ابله بود دفعه اگر دیگر باره  
 ارسال وارد سوال اولاد بوجوبای زلال جواب اولور قطع بیوند مراقت اولن  
 اوزر قرار و بر لیدی غالباً انطاکیه ابله اولی اولی ابله غزله سفره کسای ضیافت اولند  
 کریم استراکین حضرت بنی جابط مانی قامه ابله وضع دعایه ابله ابله بدوب حضرت موسی  
 علیه السلام بود وضع حکمت شعاری آلا یعنی به استغفار ابله نوعا انکاری متضمن کلامه  
 اقدام انجمن کوی متواضع مذاق بنی و بینک سبب انقطاع رسته صحبت اولو  
 بنان بیا عقد کسای سبناه اولدی بوشق محقق اوزر که کسای سفینه زخنه دار عیب  
 اولیا کستی به وضع بدتقلب ابله بر ملک جبارک زبردست فخرده اولوب اعمال  
 اختیار ابله شیری ابله مخدور زبردست دفع اولانک سنی بدیعی ابله در غلام مقنول  
 بابت قدم دایره هستی اولوب بالغ سرحد بلوغ اولد و مادر نه دستمایه افتنا

اولوب العیاض با مدتها تقدیمه ابله بنی خسران تربیتی قلم و بر تقدیر روز ابله ثبت  
 جود عمل انتمش ابله اولی ابله بطریق ابله ابله اولد و لست در جدار ابله صلیبی امتدن برون  
 درست اعتقاد ک اکی سیمینه بطریق لاریت محتاط ابله ملک اولوب زبرد بان بد زنده  
 انتقال انتمش کنز و ابله اولی اطفال خرد سال سالن رجالد بالغ اولوب مال طلال استخفنه  
 واصل اولنجه نظریه ابله دن محفوظ اولن چون بو خدمت و اسنه و اخیه همت عاخره در بیان  
 اولست در و ما فعلت عن امری **د** لک تاویل **ل** شتیط علیه جبر بعد العود بر شون جسم  
 بد حال ابله کند و به انتقال ابله یک قار بدن برینی ماله بسط ابله استیلانک به جاسنه  
 کتنه تیغ غدر ابله بد روز دیگر متظلمانه مجلس کلیم اللهده دها کله و شکی تی باز  
 ونجه بجا همدست تروض و راز انجمن فرمان سبجا اوزر دنج بقره قضیه مفره سی ظهور  
 ابله بد اول بد کردار کر قنار سیر نجه و زنده کرک قصاص و افتاده دام شمشیر انتقام عین  
 بی کنا خلاص اولدی بنی اسرائیل حصول غایه الغایا امانی برله بالانشین سند سادمانی  
 اولیق مظہر اولد قمر حلال نعم نامناهی سکری انفا سیون فرمان الهی شرف صد و بر لیدی  
 ارامگاه کنعانیان اولاد ارض مقدس تلویت وجود داشت آلود جبار و دن نظیر اولوب  
 اول بقعه مبارکه ده نوطنه نوطین شمس ابله کر اسرائیل اول ابله امثال فرمانه استعجال ابله  
 صوابید عقل اوزر و مراعات شرایط حرم و اجتناب ابله ابله ابله ابله ابله ابله ابله ابله  
 نجس اخبار ابله بسطت خلفت و قد قامت جبارین منظور عین عبرت بین نقیبتی  
 صدر سینه ازنده صبر و سکنه سلوب اولوب من بجا براسه بازار کا هنده بدل نقدینه  
 سنی ابله و ابله کتاب سودا تنک سودا سنده و و شید بد دامن وادی سلاست  
 در دست اولیق بنی اسرائیل باعث ترلال اقدام اقدام اولن چون جلوه کرات مشاهیر  
 اولاد صورت هشت اثره مزده کشش کتمان اولن اوزر عقد و عهد و امان انتمش ابله ابله  
 نقیب سبط یوسف بن یوشع بن نون و نقیب سبط یهودا کالب بن یوقنا و ابله  
 وفاده قطب ثابت قدم اولد و ابله ابله سکر بنی اسرائیل واصل اولد قمر کسای هنوز سوق  
 حیثیتدن شتخقان قلب و و بدیدر سینه سکون کلیم بن **د** لده کی یاره لری سر  
 سرغاز ابله بدوب محفوظ اولاد بنن بیا کلی نجه حاسبه ابله بقدر انجمن بنی اسرائیل  
 اعصاب و مفاسد سکنه تقطیل عارض **و** وجود تلون لود و زنده عرق جین و بدول



ناقص اولوب هېزبان اتفاق یا موسی امان نه غلها ایدما و اموافیه ناسنی بلند و وجه  
توجه بینه دراهضای صدق غیبتی بند تدبیریس جزا، سوعلری لکون نقباء عشره بخت  
مدهوش رطل کمان صدمه اجل اولو عتده بنی اسرائیل وحی التی فرسخ بر بریده و قریب یل  
ومن سلوی انله فوت بدن و فوت جان اولدی اعوام ابتلا ده حجاب سی  
و قایه الحفظ حرافاب اولوت کین انش عطش لکون ضرب عصای موسی ایدما طبع  
اون اکی حشمت ما اجرا ایدن صخره صمدون استغایا ایدر دی اول مدته قوم نهاده  
وجود اولان هر مولود لباس پوشش حرامان عرصه شهود اولوب اندازده استعداد قاج  
جامه سی از دیاد بولور دی و امل علیهم بنا الذی اتبناه ایا نانا فاشیع تنها کربسی تفسیر  
مفسرین بر قول اوزن بور سه نقش طراز صفحه نقبین در لکه بوصف زبیه ابله نصف  
اولان بدوات من جانب اسه منتقم اولدوغی لغم علوم و حکم مطوع کچ کفوان ایدوب  
حرامان ایدم مجازات اولان کتفا نرا و بلغم بدنهاده و اسرار بعض کتب الله الحاکم اولو  
بر و ایتده کنجور سر اسم الله عظیم اولغین تهر و عای جوشن نه قوی آسمانده نگار ایدر دی پیام  
حرکت رایت موسوی کوش زد کتفایان اولیحق و امن ایت بلغم شبت ایدوب  
خواه و ناخواه سیاه ظفود ستگا هی نشانه سهام و شنام اندر دیلر اگر چه سکر زوزی  
مبتلای محنت خاطر ریخت اولوب بیه جبریت سرگردان اولدیلر اما اول کشتی الی  
دخی سکت نشانه لب کبی اسانی صدر نه دو شوب جوهر ایدن مخوم و صفی جبین  
سطر و درست خسر الدنیا و الاخرة و قوم اولدی بعض معتبره بومعالمه یوش علیهم السلام  
فتح ارجا دن صکره بلقا نام بلده بی محاصره اندوکی ایا مده انرا اید درجه ظهور و بندوکی مطوع  
در بنی اسرائیل سفینه لری گرفتار اسکاه تبه اولیحق حضرت هارون و موسی دخی بالطوع و اجاب  
امتنال فرمان فضیله انله صورت موافقت کو ستر مترا ایدی اعوام مهوره دن اولون  
طفو نخی سالده بوز بکره اکی ایتنده اکیکن هارون بنی کارگاه فنادن بارگاه بقایه ارجال  
ایدوب مقرر رحمت مرصد لری جانک بی نشان اولمش درا و امل اربعینده حضرت موسی  
دخی بوز بکره سینه مشرف اولمش ایدی که غم زهنگاه غلبه برین ایدوب قبر بوزرای  
مشهور اولان مقام لازم الاحقاده و در دیر **حضرت علی** سلام نایج خورشید رواج  
نبوت ایدم سر بلند اولد قلمی زمان شرف اقتدران یقینا معلوم اولمغین ملاقات حضرت کلیم

نویب و انجی اید زجه ده تعقیب اولتیق مناسب کورلدی نام نامیلری بلبا و بالریا  
اولوب بش درجه ایدم بالا خانه نسب سایملری مقامه اعتلا ایدر وضع زانوی انکا ایدر  
کرانه یوستین کسوه سبز رنگ اید رشک جسم صفه زعفرین اولدوغی لقب خیر الله  
نقیبه سبب اولمش بعض شروح بخاریده حضرت ابرهیم خلیل دن مقدم عهد هابونز افرید  
پرده سترای معدن صحن عالمه بر توانداز وجود و بوسف صید یقین صکره برج اسفا  
نبوت سعاد السعود اولوب امام نووی شرح صحیح السله عهد رسا حلیل الرحمن ایدر  
الشان ابوان نبوت اولدقن نکاسته صفحه بیان انمش در غریدر که امام نووی  
تفسیر نه عند اکثر العلماء حضرت خضره یوش نبوت اولمش در دیو نقش بند حریر  
اولمش در نبوت نبوت حضرت کلیم دیک معین همان خانه عالم مشرف العدم اولوب  
اول سعیدین نیرن مجمع البریده اقتدران اندکری متفق علیه جمهور در لکن اولین نقشه صوره دیک  
بوشنگای غور دن ابرای سروره شریف ساز اولد قلنده علما اخبار اکی فرقه اولو  
بر کرده فیما بعد گذارش بیدر خبر اولدوغی اوزره ملک عادل ذول القرنین اگر حشمت  
سارما اکیانه ظفر بولق ارزو سید هرزه کرد وادی ظلمات اولد قده سیربان  
نقیده لب طلب اوبکو حفر نه که مقدمه انجیش سکندری ایدی غیر قصد فائز فاض  
اب جوان اولغین قیام قیامت دیک اب زلال روانی ریزان اولتیق فزده قرار ایدر  
بر طایفه ایدم فروزنده قبل حیات بی تباتی سک فلا جین قیامه سکت اولمش دیو  
کریمه و ما جعلنا البشر من قبلک لکعبه ایدم ناسب نیامی تدعا انتم در حرات زنک  
بسته خاطر فاطره بولا کمر و نما و ظاهر اولور که فریده و هم فیها خال دون تفسیر نه علما  
ز محشری مختاری اوزره خلوه که نبات دائم و بقای لازمدن عبارت در دم و ایدم عالمه  
حضرتی دخی تلخی نام زهراب فنا اولتی مسلم اولیحق عدم خلوه مقرر اولوب نص خلیل مدعا  
و لیس اولمش که قاضی بیضاوی قلمن اختیار اولدوغی اوزره خلوه دن مراد بتابد اولد  
دائم اولمش بدیم بونفس اوزره ایدم موهبه عرواز ایدم اعزاز اولمش حضرت صفی و نجی و انلا  
امتالی ذوات مقدسه و صفت خلوه موجود اولتیق کور بنور الله علم بحقایق الامور  
**حضرت یوش** علی سلام نون ابن افرانیم بن بوسفک فرزندی و حقیقه السعد  
نسل صدیقک برومندی و حضرت موسی که خواهر زاده سی اولغین حجر حجره



صلح و سداد و بر دوش و گوهر سستاده ای تربیت خال منجم الاجل الی بر له  
حسن نواریش بولوب نجده اوقات جاتری خدمت درگاه رسالت و سکا  
کلیه الله مقصور و لغین اسان فرقان عظیم الله نده فای موسی عنوانه مذکور و اول  
وصف جمیل ابله مشهور و در تبه سرگشته کی بدنده لاف زنان بازارگاه انان خلیها  
بزم عالمه باو ذوق سکوار زنده کانبک صوک قدح نوش ابدوب سکرة الکونین  
ابله سر نهاده و ساد و عدم اولسرا بدی حضرت کلیم عازم سیر سربلنا دار النجوم  
صکرة مسند و الامتزلت بنوت و صدق کافدر باست تعلق بافته ذات سنده  
صفات یوشع اولوب ایام تحت نمانده سیکس جانب ارض تقدسه  
اولدی التي ای در بقوله انبی بدی کون محاصره ابله ارجا نام معتقل صعب المنال  
و قلعه سیر شالی فتح و تسخیر و جابه کله لرین کویو کان شمشیر ابدوب بدی بلیده  
تانی ارض شاکسین حکم تیغ خون شاک ابلدی و در بدر که ارجا نام محاصره ارجا اولان  
روز فیر و زجعه ده اول نبی علی القدر معجزه و فوف شمس اظنه ابدوب یوم سنده  
حرام اولان و حب و قتاله استغفال و باله مبتلا اولدی بلر تاریخ نویسان روزگار  
بعض دانشور لر بولار جمید حضرت کلیم عنوان الشرف مشهور باثر جلیله و لوق اوزره  
قلم فرسای روایت اولوب سیر سالار جباره اولان قوج بن عشق صد عصبای  
موسی ابله کنوسار حفره دار البوار اولسی ابله استظها انتمکدر خلافت کبر اولان حلقه  
ابن نبی اسرائیل بنوز کرفار سرگردانی تبه اولان زدن مقدم عوج بدکله شکر ظفر  
رهبری گنام وادی عدم انماک قصد یله برکوه بر شکوی ابر بلا اسامع کفر و زی  
اثره حواله ابدوب کشته عصای اثر در یکرموسی اولتی اوزره قلم فرسای صغیر و آن  
اولسدر بر تقدیر حضرت یوشع علیه السلام اهتمام نام ابله کرمی بدی سانه تصدی  
اجرای احکام بنوت و متعدد خدمت ریاست اولد قدر صکر یوز بکر ای الله سنده  
ایکن سبجه ایام عمری تمام اولوب اعمال جلیل با بسده کفر عارس نام فیده و یا  
مرة النعمان ده مستکف خلوتخانه مشهد مقدس اولدی حضرت **خزیمه علیه السلام**  
جناب یعقوب مکر و یک نبیره زاده سید یوشعدن صکره با کالب بن یوقنا  
توسطی ایلد با خود بلا واسطه جالس سند خلافت اولوب بعد مدت منکفل خدمت

بنوت دخی اولدی بلر مصدوقه کبریه الم ترالی الذین خرجوا من ديارهم الی یوسف اولان  
و اوردان نام قریبه و با واسطه سکا که ارج نقول اوزره اولن یکدر زیاده آدم  
اولوب طعن طاعونندن قرار و خوش حوایر صحرای نسیجه ارجا ده ضرب جبهه قرار  
ایندکری دم بیکار الوده کاس المنیه اولش ایکن سکر کوندر صکره نشوه دار حین  
مخوم جیات مستعار اولدینه سبب صوری بمن تاثیر و عار و قیلدر اعوام ابر  
معلوم اولوب قهر یوز لر حلقه ابله کوفه میانه اولتی اوزره مشهور در **تغییر**  
علیه السلام اوج واسطه ابله نسب هارون بن عمران متصل اولور یوشع علیه السلام  
تسخیر کشور شام اندکده استیلا بنی اسرائیل بشینده تقسیم و هر سبطه بر او کلمه تسلیم  
ابدوب هر بری کند و به مخصوص مفایده او وظیفه عبادت قیام اوزره سبجه شمار  
مشهور و اعوام ایکن بعلبک سکا اضلال سبطا بر له بعل نام ربیت انتخاب ابدوب  
شاهراه رشده سدادون بدر اولغین حضرت الیاس خلعت بنوت الیاس  
اولوب اول که اهل طریق هدایت و توفیق و لالت یحوز ارسال اولندر  
اول قوم صنال وادی صلالون غنائاب سمت صواب اولکوم مرکز کفر و انکار ده  
برقرار اولغین حضرت الیاس جنض بشیرتیدن اوج ملکیته ترقی اندکله صکره  
بعل سنان بر دشمن بی امان الله طعمه نمانک جانبان شمشیر خونی  
اولدی مهره فن سیردن بر فرقه الیاس علیه السلام قد صبح نوح بنی ابله اولان  
اوربس رفیع المقام اولتی اوزره صحفه طرز روایت اولوب لکن سوره  
انعامه الیاس بنی و زیتند اولدی نظر مخصوص ایکن احتمال فیر سیر منزل صحن  
دور ابدوکی ثابت الظهور اول خصوص دوام بقای الیاسده دخی جد اول قیل  
وقال مشعب اولوب صدر کاشانه وجوده برقرار و سمند و لبسند جیات  
اوزره استوار فردین و اتفاقا اسرار اخبار حضرت خضر ابله هر سنده قدس نفیحه  
او او فریضه صیام رمضان قیام ابدوب موسم جمده دخی بازارگاه شام عقد  
صحب اجتماع ابدو دوزخ کش جریره اخبار اولسدر جامع الصغیر بطیده  
حضرت خضر بکرده و جناب الیاس بزرده اغاثه ملهوفین خدمت نبین او کون  
علامه زحشری اول ایکن بنی عاقد هر سب سده با وجوده یا سدار اولور ابدو



نوشته صدر صحیفه ربيع الاول را نتم در حضرت **المسیح** علیه السلام اوج مرتبه ابد  
جناب یوسف صدیق مرتبط در حضرت ابلیس خلعت ملکیت لباس  
اولد فتن تشرف لطیف نبوت و خلافت المسیح جناب بلینه بنر کور بلوب  
بر قدرت مباشر خدمت دعوت اولد قدر صکره درگاه کبریا نیا به منصب  
هستیدن عرض فراغ و شراب جناب ابدی ابد ز طیب و باغ ابدی ابدی  
عمر ای معلوم اولد و از مغفرت مدار لرز و در رسوم قلم تعیین مورخین و مختصر  
**فصل ششم** علیه السلام طغور عدو اب و جد ابدی نسب عالی حار و نه صعود ابدی  
حضرت المسیح به رخ بهای اقلیم بقا و یحیی و در نور الشمس سلیقه زمام میده  
جانشین اولور بر رکن رکن شرف تعیین بولمخین بنی اسرائیل ساعت این  
کفر و ضلاله یرو استغال بدوب ارشاد استعداد و مادر زاده بر لکونا کون  
فساد و ایجاد اندر لاجرم بر فحش ای ان امد لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم بقا  
خوای سؤ ضعیف اکنون بقای عالقه دن جالوت جز و در دیاری عسکر بر لکونا  
نمکنده اولان غالب ماکله بطریت تطوار قناع و حکام استغال اش  
حرب و قتاله مدار استظهار لرز اولان تا بسکینه بی دخی زور بازو اقتدار بر لک  
انتزاع ابدوب اکثر رجال بحرب طعمه تیغ هلاک و تدبیر و نسا و اطفال  
کردن بسته طوق امر و تحقیر ابدی صدمه قهر و تدبیر بر لکونا قوه الظفر شوکت  
بنی اسرائیل شکست و ما هیچ رایت حتمی مده غارب سازین بیوت  
اولی حق بقای سیف قهر و از عجاج خفیه التزم مان و فراغ ابدوب اما جگاه خد  
در و دیار و بونهار سار خون دانه مبتلا اولد بر تابوت معهود سر زمین جنبه  
بالا کشیده درخت شمس و دن یرداخته بد قدرت استناد صنع بر صندوق  
زراند و اولوب محل ارتسام صور نیکو منظر انبیا عظام و محفوظ سکینه و خون  
بقیه ترک موسی و هارون ابدی کنجی کنز الاسرار حکمت ابدی حضرت ادم مکرم اولد  
انزول بطریق التوارث ذوات مقدسه رسل کرامه مشفق و تداول ابادی  
انبیای اسرائیل متصل اولس ابدی سکینه به تبیینده خانه سحرانار علما اخبار  
بر فاج وجه اوزن نوشیح صدور سطور نتم در صفای صفا نوره درسته

عبرین مخطوطه بانه رنوب و فر اولان عقود کجوا هر سبانه سکینه دن خرا و توارث  
جلیل انسان در دیوار اولان دره التاج روایته بر جان کورینور بقیه ترک  
طریق تسلیم اوزن رصاص الواع مکسور و عصای موسی و غامه هارون و بر فقر من ابدی  
اول نخبه بهشتی دست استبدای جالوتیان دوزخ مکانه و دوشیچی انلاره و ستانه  
رنج و غنا اولوب هر قنده تعیین مکان ابدی بر سر حضور و راحت اول کشور و زخمت  
اقامت قالد لرین ناچار بر عا به به تجمل ابدوب خلیع الخزاره کرای جانب ضحا  
اند بر چون نیمه ماه و سال افتاب انبیا بنی اسرائیل نوال و کوب بختلر عقده و بال  
بولوب مسویدی قلب سبیل نقیض امدی و ارام کاهلر زین برایش بارنا شادی  
ابدی سحاب غایت الهیه ملاوت بخش بوستان امید و رجاء و فایض شمه  
سار محنت بشخور نشه لبان بریه محنت و غنا اولمق قریب اولد و غی دم حضرت  
اشوبل علیه السلام طی مراحل عدم و صحن وجوده وضع قدم ابدوب سیر مغنط  
غذا اقبال ابدیک سنین عمری اربعینی تکمیل اندکده مساعد دزده طبقات اجمال  
اولدی بنیره بختان بنی اسرائیل اول سمع نرم ارای سعادته جمع اولوب بار رسول  
امد منصب بلند قدر فرمان زمامی باز از اعتبار نیمه مدت دن هر کساد و عقد تقاضیه  
فساد کلکین انظام حال خواب و خیال اولوب کشتی در بار زده اسام مضطرب و حاج  
حوادث روزگار کینه گذار اولمخند و درخواست نیاز مننده فرا و لکونا که سبب التفت  
بر ذات کلی الصفات قبض نور انور بکوز ابدی کتاب شرف بحساب ابدوب سندی  
ایوان ملکدار اولد ناکه تا زمانه همت بر لکونا از فضیلت غایب اغوا و جهاد فی سبیل  
احکام و ابدوب موسی ثوبله ریکی اسیر شکن اضطراب اولان رسته عقده دار  
بنان انکار اصابت شعار ابدی سکک کوه کبری قریب انظام اولد و بوعرض مرام اند بر لکونا  
طرف درگاه کبریا نیا هدر طالوت سقا که بیان اسباطه مفاخر نبوت و سلطنته بر لکونا  
نصیب اولان سبط بنیامین اولوب لکن خلعت اغوا طراز بطلت علم و حلم لکونا  
انبیا بولس ابدی رتبه و آلائی ملکداری ابدی کبریم وصف لغالنه سندان جلاله تقدیم  
اولوب ارکان ایوان سلطنته انبان متابوت و تخمین درست اندازه عصا ابدی  
استخالی مبولد طالوت قاعده الکات بنی اسرائیل اولان بیت المقدسه بر فاعده



سنداری سلطنت اولوب غوغا اقبال عالم افروز و بجم غنی اوتارور  
 او یحیی بنش کسایک کزیده عسکر ایلد جالوت اوزره تحریک رویت غنبت  
 ایدوب دم امتی اخذات منوره انجی اوج یکساون اوج ادم تبا هم کویش  
 ایکن کم قیمة قلیلة غلبت فتنه کبره باون اسد نویدنه امیدوار اولوب بوزیک  
 قدر عسکر جارجالوتیه برولانه مقابل اولد بلر هنجی کم کرشیت موکه النخایده جالوت  
 کشتی سنگ قذافه حضرت داود ایلد فناده خاک سباده و جند و خاکهای خیمه  
 هزار ساله کار اولوب لشکر منجی الایبریک بکجه زاه کز اولدی حضرت  
 استمبول اون اوج سنه منصب جلیل نوت برله عالی قدر اولد فدن صکره  
 ایلد اوج بایسته صیافتیانه صاحب صدر اولوب قبر بر نور لری سنور  
 اولمشد **حضرت داود علیه السلام** طرف سلسله سبیل طغوز مرتبه ایلد طاق بلند  
 رواق نسل یهود ابن یعقوبه و اصل اولوب حضرت موسی دامن چین خاکدانه  
 فنا اولد قلنده تقریباً در نیوز الشمس سنه صکره کوهر وجود مسعود داود زیور  
 ساحل کجه شهود اولوب یمن سرغری حدالنه متنا هر ایکن از فضل جهاد  
 قتل جالوت بدتر ادر دفتر اعمال بر اولدی کوبک طالع طالوت کله کوب  
 خور سید و ما اجه علم اقبال سله زن روی ناهید اولیجی حضرت داود  
 شریف مصاهر برله اجلال و شریک غالب ملک ملل ایدوب  
 اول ذات مکی الصفا و اصل کام و کام شمار وادی حرام اینمش ایکن آواره  
 شهرت داود صبا مسیر و قلاب ریتاب مجتبه آواره لاسیه اوسمی  
 باعث استغفال آتش حسد و سبب تلاطم امواج قصد بد اولوب حتی  
 در بجه دها و فلی باز و زبان طغنی دراز ایدلره آمال مال و نبویه و نه قضا و  
 و سیر کلزار جهانده قطع نظر اندردی بعد از ما بود وضع کتایخیه نادوم  
 و یست یازن دولت دهر با پادار اولمخه عازم اولوب کفر مانع  
 رجاسنه اون نفرد لیر دلاور فرزند ایلد رونهاده راه جهاد و جله سی سرست  
 صهای شهادت اولیجی زم رزده آواره اقتداح سعی واجتهاد ایلدی طالوت  
 در هوسیس جوعه ترک اولیجی ارکان دولت حضرت داوده عقد بیعت ایدوب

سنی عمر عزیز بر فرزند نیاور امت سیدی که جلوس میمنت مانوسلر ایلد تحت  
 خلافت رونق تازه وروضه خاطر زیور سنا فیض باران عدوانی  
 برله طراوت بی انداز اولوب بر قاج سنه صکره مزید اغاز رسالت  
 برله توفیر و مدعا بر سفر جلیل زبور ایلد تنویر اولندی اول کتاب رتبانان  
 عبرانی اوزره اولوب نور الی سورة شریفی سستل ایدی که مضامین لطیفه  
 مواظط و حکم و ملوک بایل و قیاضه رودن بنی اسرائیل صابت ایدوب حک  
 صنوف جور و ستم اولوب بیان حلال حرام و حدود و احکامه تعین  
 بوغندی عز بنوت و شرف سلطنت از فضل تقدیر اول ذات مکرمه  
 اختصاص یافته اولوب ابن عباس رضی الله عنهما نقلی اوزره بر نخواست و سدن  
 ملکه نیاسلطنه اول مرتبه رصف الارکان ایدی که عباد نکاهلر اولمخه  
 اطرافنی هر شب اونوز آلتی یک مرد مسلح طواف ایدردی مضرب جبهه  
 کلیم اولمخه مقام مقدسه بیت المقدسه وضع اساس مصون الانداس  
 اینک شرفی آثاره عنوان منشور صولح اعمال اولوب فرزند ارجمند حضرت  
 حضرت سلیمان ایلد حسن ختام بولمخه رفاق سبط و محقق اولمخه  
 سماویة عطیه سی و حکمت و فضل خطاب موهبه بریه سی ایلد شرف  
 امتیاز بولوب جلال و طوبی بک فصیح حضرت داوده همزمان شایع و حق  
 ایلد نامور اولدیلر خاصه لاله خدیو و تعلیم صنعت لبوس ایلد اغاز اولمخه  
 بیت المالد و سنباز اولوب اول و جبهه حلالدن تحصیل کفایت موجب  
 الویفات ایدر لاییدی فرط ابجواهر فرامید اودی که الی الای نای جمیلی باقی  
 وطنطنه استهار بی غلظه انداز مسامع شهری و افاقی و آواره بنا کوشی سونما  
 اولمخه بر بخور صد ساله به علاج بر الساعه اولوب صوت سحی ایلد تریل آتش  
 زبوره سر اغاز ایلد مرغان بلند و آواز طبراندن قالور باد و زانه رکود و آب  
 روانه جود عارض اولور ایدی معتقد عوام اوزره داود علیه السلام مشیت غرض  
 نفس لکونه اوربای نملک به القا انک سنادی محض اقترا اولوب ذیل  
 عصمتی اول لوش تمت ایلد لوده اولمخه اعتقاد ایدر کسناجی ادب



حکم نفوی اوزره نادیه مستخدمه دیواجله مغیرن فلرن افتا اولتدر برنوادده  
اول بغایر عالی کده مسند اولانم خنجه تربعت وقت اوزره یونده عقد کاحدی  
طفان طغوز مخدیه جت جامع اولش ایکن مخطوبه اوربای دخی سیرایضا  
کترستان زفات اندکری اولوب بامواساره عاده قوم اوزره بالطوع  
والرضا اولتدر بیکاح اندکدن صکره اول دره الناج انبهاجه رسنه کسل اولاج  
اولدر اوله سلسله جیان طویل اولن کچون یواید اولانم عده اقاویل تفریح اولتو  
سایری عده مطولانه تمجیل اولنن مناسب کورلدی اظهار صورت خصم  
وکندی تکلیف حضرت و آودی الزام ایذلا صبح قول اوزره حضرت جبریل و کمال  
اولوب و آودی بومعالمه دن آگاه اولمچن فراید توبه واستغفار سجه  
دست اندیشه و نیجه مدت زیاد و آهی و کزیه شام و صبحکاهی بیت اینک  
کریم پوزش پذیر حصول قبول معاذیرایله تبریک ایلدی قاصبر کاحصبر اولو العزم  
من الرسل کریمه سے تعبیرنده حضرت قاضیضاوی و علامه زکحیر و سایر اجله  
مغیرن مدت کیره و اینن تمام قرن سنه اولن اوزره فلرن تبیین اولتدر  
حضرت سلیمان سبب ابتلا اولان مخطوبه اوریا دن تبریک سار سنکائی دنیا  
اولوب اولن اوج باسنده جانشین بیدر کاه کمر لایله دخی خود مقوردر  
بوقدر اوزره اقتضا ایدر که تبریک ذات کلی الصفات سلیمان حضرت و آود  
علیهما السلام اول مخدیه عصمت مایه پیرایه بند عقد ازدواج اولد فلرن دن اونا  
مرتبه بکره بدی سنه صکره برنوانداز ساجده وجود اولش اوله و احد اعلم اعوام  
خلا فلرن قرق و یانیمش اولوب سنین جیاسمرا لبر کالری ارجج روایا اوزره  
عقد عاشری تکمیل اندکدن صکره روح روح اعلا علیین و کنجینه  
وجود مسعودی قبله کاه سنین خاک غنبر ناکنده دین اولدی خواهر حضرت  
ایوب احفادندن و با آزار اولاندن لقمان که قول جمهور اوزره انتسا علوم  
نظریه و اکتاب مکه تاته برله استکمال نفس نیه انیمش خزانه متجمله  
مالمده شعدم الاقران بر حکیم کاروان اولو بیان قلم معجز قمر خساره طراز ساه  
افتا و هر چه ابصوابی مظهر شطوق و علیه نفوی ایدی عصر و آود بنیده هنوز خوان

کلسان وجود اولوب محبت مجلس فاصدی ایلده شرف اخضاص اولتدر  
بعض کتب سیرده بیگ سنه حله یوش جیات اولدوغی مقوردر روایت  
مجاهد اوزره زر خزیده بر عهد جت ایکن تمیز سفید و سیاه اندکده ارشاد  
فضل آله برله زمام راحله غریبی حقی کر استر شوق اولرق وادی استفاضه  
انوار انواع لطایف و معارفه صابر و اعمال مکه نادر اولد برله اسرار علوم غریبه  
عارف اولنن مانند سوبدای دل مطلع اذتاب کشایش هر شکل اولوب  
مخفوظ درج الدرر حافظه سی اولان نوادر و لطایف مردوم دید کبی اصدق النور  
فی السواد مردیدر که مبادی اتصالده نازه رسم جامع ایجاد و آودی اولانم علایقه  
استغفار لبر کوروب اول دمه دک شیخ زوده مهود اولدوغی جندن عقل  
عقیده جوهر چند که ادراک حکمتی رجاسنه سوبسوتک و یو ایلدی وار و قبه  
سرداده جبریت اولوب کم کرده راه مقصود اولش ایکن غوث نفس بانجیل  
ذل سوال اولوب رسنه ناطقه سحراناره کره بند سکوت اولدی ناکه  
حضرت و آود اول علدن اسدال استین فراغ و قالب تعبیر نعم لبوس  
احوب هدا ابریز کلام بدیع الانسجه من افراغ ایتمکله دروننده اولانم عقد  
اشکال الخلال اولوب ترک تلون و اختیار سکون و ممکن اند و کنه زمزمه ساز  
حمد و سباس اولدی بیگ سنه سحر اولوب قبر شوری طاهر زلمده اولق  
اوزره مرسوم صفات انس بجلیله رسا حل بحر قلزمده ایلده نام شهنده ممکن و آرام  
اوزره اولانم نمیش یکدم زیاده اسرار ایلنک نصفی مقداری بوم السبده صبر  
ماهی حرام ایکن اعمال شبکه احتیال ایلده اول کاره اقدام اندکدر لچین احسن تقویم  
اولانم بیکر لطیف شریفین صورت کشف کرده و خنایره نچویل و اول قالب  
موزوندن بو شکل نایمونه بتیل اولنوب اوج کوندن صکره عازم شمس المقر  
سقا اولانم شرمه شور و شرفن جلیله لکن الله الذین کفرو امن بی اسرار  
علی سان و آود تویننده مظهر اولان مخازیلدر علی سلام حضرت  
و آودک فرزند فروزنده اختری و اول لجه ناقه عراب رسالتک در شهوار  
مشجوهی در سبب ابتلا حضرت و آود اولان مخدیه عصمت کزین شیمه



رحمته باده نژاده فروزنده مجلس شهود اولوب عقد و سبب عمری هنوز عشره  
کامله و اصل اولمش ابدی که دستبازی ارشاد اسناد ازل برله همیایه عقل اول لغین  
اکثر امور در دستار پذیر بزرگوارری اولوب حتی ماده خاصم اصحاب حرت و غنمه  
حضرت داد و کندی اجتهاد لرندن نفیم الم ابدی فرزندان جملدری خلقتی ترجیح اندکری نفس  
صرح ابدی تابت الصق در بر نور وجود حضرت داد و عالم است بودون مغفود و لغین  
اون طغوز اولاد اجماع و میانه حضرت سلیمان اون اوج با سنده اکن بر خوی دور  
سلیمان داد و جانین بر بر بخت و علم و ملک اولوب چار جهت رب سگوند فرما لری  
روان اولدی علم شطرنج و اساطیر و القطر که نحاس ندیدن عبارتند و اون بنابر ک  
جناک حباص کرید لرندن اولوب ریح عاصف حامل کرسی سلطنتی اولغین  
آفتاب عالمتاب ساحل نشین با خیز زمین اولدوغی و مد بر غوطه کرم ابدی تجر مغزیده اتم  
عنقای مؤرب اولنج تخت سلیمان طی سافه دو اهر راه ابدی علامه زحشری و حشر  
سلیمان جووه سن بخت و لالتش کرید نفی سبزه مسافه فراخ عکس فیوزی اثری مند  
اند ر ضدا ولوب رسته علاقه از دوا جلری او جهور از واجه سلک حسن انظام اولدوغی  
ماعدی بوز سیرت بی دفع عقد عقد رغبت برله داخل سبستان احترام انیت ابدی بو  
مشکسای صفحه کشف اولمش راس و جن مسخر حکم سلیمان و وحش و طبع کردن بسته  
طوق فرما اولوب خدمت مطیع خود لرنده عفار بنیدن ماعدانی آودن اوز املی  
یکت کوسفند و اوتوز یک کا و مسعود و اکن اول بنابر عجبان قوت حلال کتسانه  
رغبت بیور و ب کف صنعت زینل با جهر انکین پوست شالی و بیاری بیاض  
غنا اولوب غداری نان جوین و هم سفره لری زمره فقر و مساکین ابدی ریح افاور  
اوزره عکله عین بلقیس نیت سراجی دفعی تاج کو هر رواج از رواج برله تو قهر و سر برنده  
نکین و غریز ابد و ب اول از زمین کشور حسن و ملک ربه و بوده جو کال عشق و حقی  
اولغین آیده بر کره خوش سبک بر صبا به جانب سبایه ارغای عنان ابد و ب  
انده اوج کون نفیم اولق و اب کرملری ابدی انا بر فولده کند و ریح بند رغبت او کسوه  
خاندان سلطنتدن بریند ترویج و اول عقد صحیحی مشور ملک بین ابدی ترویج ابدی بلقیس  
نفس و عظم شانندن بنات اطرا همسر سیر زفاف انجمن ترغ و استنکاشن

ربحانه نیت سکین نام جنبی اغوش نژاده الوب کوکب سعادتمندان و جو بلقیس اندن  
جلوه ساز اوج ستم و اولمش ابدی سراجی بویک بقا و ن ضرب رحیل ابدی جاک نشین  
اولدو فرزند اولمش ابدی اکن سلطنتدن بر فرقه بلقیس نیت و بر کره اکا سقندن  
اشناع ابد و ب ملک بنندن بر حقه دست سلطه غنمه و وندی افر کا بلقیس  
کندولی اکا ترویج بهانه سبیل اول بیکانه ای افتاده دام و تیغ انتقام ابدی عوام ابدی  
سر حینه ملک بین خاد و خاشاک نقدی اغیار و ن یک اولدی بلقیس کز سینه  
خدمت حرم سزای بوی ابدی انیس و لدندن صکره عازم دار السعاده ملک صبح جاودانی  
و حصار تدر جدری التنده دفن مقتضای رای سلیمان اولوب عهد خلافت و لید  
بن عبد الملک سبیل خوری سبیل ابدی و بوار کحضار انندامه میل انکین تابوت رخم خمس  
ظهور اید و ب نکر اول مکانده ستور نهانخانه قبر رینور اولدینی مارنج فوبریده بطور دور  
حضرت سلیمان علیه السلام عوام ملکر ندن دورت سینه تمانده مخترع معمار طبع سحر انار  
داودی اولمش بیت المقدی حسب الوصیه تمامه اتمام ابد و ب اکثر کتب سبیل جوی  
اولدوغی اوزره بدی سنده علی حسن لاسکیان جلوه کرساحه کمال اولدی عجمه که حضرت  
بیضاوی سوره نلده و خشک من سبب انبیا لغین کرید نفی سبزه حضرت سلیمان  
بیت المقدی تمام انید کده احرام بند غریب حج بیت امد کوام اولدی و بو کمر سنج  
کنجینه بیا اولمش اکن سوره سباده فلما حز بیت بخت ان کالو اعلیون الغیب  
مالشوائی القلاب الهمین فبریده سنده رسته کش نفیر اولدوغی محله بیت المقدس  
هنوز نام اولدین سبب انقاس جبات سلیمان عقده ختام اولدوغی منکس مرات  
خاطر الهمام مظا هر لری اولغین بنایه شرف بر محله عصابه اکا ابد و ب فرما لری اوزره  
جایک و سنا دار الصناعه و بملون علامه دون و لک بی سافه و مساکین بوز صافه  
کند و لری محبط بر حجره بنا اند بر اول خالده آفتاب عمر لر و اصل درجه زوال اولکوسنه  
کامله و برارضه ناجیزه عصابی برید آره دندان تیز اید بجه نخل قامت باهر الاستقامت لری  
یا ربجا اولغین اول نیت کلی الصفات طه بر دوش جبات اولق اعتقاد بده حکما  
مهمه بامور اولدو خدمت استغاله صورت اهل کوستر بدیل و بو غیر بر صنفه و بر غیر  
اولمش علامه روم المولی سید جوم اگر چه کلا بن بننده اولمش عکاشا قاضی نبی نامه فریدن



انام ابله تغییر اولیاده حمل طریقی اوزره توفیق همت انتمکرا اما کجیل بنایه عام بعد  
ابتدا اولوب سنین سلطنت نامه لری واسل سرحدار بعین اولدوغی  
متبعین ابکن حضرت سلیمان اقدار و جنود محشوره انس و جن ایتک ابله اولدو کلا  
ییلده انجامه ابرنک منسلب لاحتمالدر نهایت وارالاش قدس ابرنک  
قریب اولدوقد بعید و کلا در که بیت المقدس دن غیری بعضی آنجا خبر کماله  
اوزره بولنده لر نهاییان و بن کبر امیرین اوعض علیه العالی الصفا ایتک  
کریم سی تغییرنده شاهرجه برای غیبیدن بوجه اوزره رفع حجاب احتیاج  
ایتمکدر که برکون اولن بغایر سعد اختر مرابطه کلکدرنده معدلهجهاد بسته اولان  
یک راس ستمند براق سیر صحرای قریح و غاسا انا سنده افتاب  
کیتی مظهر نوران بالجاب اولوب صلوه عصر و با وقت معهوده معاد  
مولان اوزادون ذهول واقع اولدی اسغال نبویه ابله استغفار کندواری  
را تبه عبادتدن اسغال اندوکنه طول اولوب اول خیل طریقیه ای تاربان  
شرقی خوریز برله مسرجه عدم سوق ابلد رچی السند الامام البغوی نظم کریم عظیمی  
مسحا بالسوق والاعناق تغییرنده اول اویان آتش عتقا بوجه اندوقف  
و تسبیل ایدوب مجاهدینه یقین اولدوغنه علامت اولتی ایتک ناسق اعناق  
و اغدا زاتیک ابله اول نیت خبر خاتمه کویا که تسبیح ایتکدر و بکدر بعض  
علما و بر قول نقل اخیر در حقا که بو تغییر و لیدر طلب قبولده جایکدر اولتی اولان  
یزر اسند رفیع القدر جلالت شان سلیمان کردو اقدام علی الا ثامه بری  
الاحد ابکن بو قدر خون ناحق اهراق و نفوس زکیه ارباق ابکن  
تسبیح وقت مساعد اولدوغی تقدیرجه دخی مسبعد کور نور و اسد اعلم  
بو معادون صکره افقاب عاکما بفرمان سبحانی تکرار عرض جمال نورانی  
ایدوب حضرت سلیمان علیه السلام و فتنده او اخدمت بر ستمه فتنه  
اندکدر حضرت مقتضادون مرویدر برده کت باز حرمی تغییر نقش جلیل  
ولقد فتنا سلیمان و العیسا علی کرسیه جسد انا اب نهانخانه معنای صحت  
سنا سنده خانه مشکین جامه به بویوزون رحمت حسن تغییر و بر شلور که

حضرت سلیمان علیه السلام برکون بر کجیه سرباز بلند و از حیث شمس شهر کلک  
بهم و دیده جانم ایتک سیر ناساگاه عجایب عالم ایتسون اولدو  
نازیشان حردن نبش دختر برون جاستکیه خوان وصال اولیم ناکه هر برون  
بر مهر سیر و اقبال ساحت ظهوره قبض نور ایدوب رایت غرا و جهاد  
ترفع و دوازلک اسلا بهی توسیع ابله دیوانها کریمت  
و کمن سینه الله تعلیقدن حکم شریعت غفلت ابلدی اگر چه نبش دختر  
بریکرک روضه الصفا وصلنده کلیم آرزوی دل اولو کحقیل نمره مراد  
ابلدی انانتم امل الحق بریکرک کشته ارجمنده راستقار صالوب مدت  
معلومه تامنده اول دخی ناقص الاعضا بر جسد یاره القا ابلدی سربت والقیسا  
علی کرسیه جسد بو معنای معسر در بوردایت مراتب عنقه صحیفه نقاة  
رواة ابله معلقل قدر ابوان و ما یطق عن الهو حاکم الوقت و بوان ان  
هولادجی بوجی خیال برینه ارتقا ایتدی صبحنده مرسوم خامه یقین سنجیندر  
حتی ضمیمه روایت در که بکانه عالم حضرت کرمی صلی الله علیه وسلم سور و بر قسم  
بخدا که جان محمد کردن بسته طوق فرما بیدر اگر سنج و شکاه نطق اولان  
برند خونس طرح کلک ریخته معنای ان شمس ایتک سربت اول ابدی مجاهد  
فی سبیل الله تبش فرزندار جند و بدار ابله فریر العین شادمان اولور و بر  
اگر چه تجل تحقق و فوعنی صحت حدیث سربت تزییف ایدر بوردایت ضعیفه  
دخی بخت زار شطورتقا سبرده مسطور در بونق اوزره که عوام ملک  
سلیمان بکدر سینه تامنده صیدون نام صعب المثال خیره تحریک  
روایت غرا و کلک نامنه اولان سربست صربای ضلال سینات اعمالده  
بر وجه سرترب جوا اولو اقلیم شهر آیتوب و لطافک شاج و افوج  
حسن و ملاحتک نابنده ماهی جواده نام دختر خوری منظرین پرستار  
حرم قطارنده شمار و مرغ دل آزادی اول کهر دلا و بیکرک خاک و ام  
کبسوی کریم سینه کفتا اندیلر اول سونخ غشوه کارایه سربت بیدرین  
ایدوب دل شادون اطلاق آه و مادم و کلک کلزار حریفین سربت



فطرات اشک غم بدری حرات جانظر کاه جسم جان اولین آن تکید بریدن  
غبار خون و ملاکوت و ستارجه نطف ابد از ابد و ب اول وحشی غالی دام  
اغوش رام انیک یخیز جاسی اوزره امر اند بر اسنادان کارخانه بعلون که  
مزمرب و تاجیل نمان ملک صدونی علی کله اصیل بر داخته دست هنر  
ابدوب نظر دختره عوض اند کلر نه فرین قبول و تخمین اولد بر اول جمادی صیدو  
حله پوش حیات ایکن معنادر اولر شایانه لباس ابد لباس و نمارق مصلوفه  
وزارتی مستوره ابد فرین بر کرسی زرتینه اجلاس ابدوب فرق کوز مباح و در  
آیین ویرینی اوزره انکس جینن حجاب بر سنش ابدی حضرت سلیمان اربوبه عالمه  
غافل آصف بن برخیا که مرتجع نشین دست وزارت اولوب فرکر دایره ملام  
سلطنت و مقول علیه امور دین و دولت ابدی واقف و سببه احوال  
اولوب برداشته سیر بره غزو اقبال ابدیک حضرت سلیمان کاتب بی جان و ذک  
و جبران اولوب ان اند کویان زمین غدر و تقصیر سجود و روی سبیل موبین  
خاک فرسود ابدی روز دیگر حکم اقتضای فضا و قدر مدار سلطه اولر خاتم سلیمان  
ید امانت گارشی امین دن دست تغلب صحیحی به دوستوب حرمت ماعدا غایه امور  
سلطنت تاهده حاکم فرما مطاع اولدی بعض کتب سیرده حاکم محذرات بیت  
الصمه یوده عصمتدین تکه دخی رخصت یافته اولدی دیو ابراد اولر نمار روایت سبغه  
ابطیل مودن اولق اوزره علامه رخصتی کث فقه کلکشان چمن تخمین اولر سرد  
چون سبازنه مجموعه الهی حسن جلینه سرفه لر کسسه اولوب بیکر خوش منظر لر  
دیگر کوز اولش ابدی کند لر تعریف مراد اند کلری آشنای دین ایمن رسم بیکانه کی کوثر  
بلکه رعایت مراسم اوزرله تخفیه دخی تقصیر انیمکن فرمان قضایه و لبسته رضا اولر  
ناچار ترک تکلف و تصلف و شمار ایام خطبه تغافل مقدار رجه فرق کوز دور ابروا  
ایله تکلف ابدی سبب محنت صبح راحتدن مسو اولد دخی روز بفر و ندره صحر بد نژاد  
نهادنه تاب اضطراب و دوستوب زبانه آتش کج آسمانه چکلده و خانه کم انیک  
رجاسنه و زیاده آتوب سکنجه بنجه سیاست خو فیلد کین کینگاه اسفل فلین  
اولدی بفرمان الهی خاتم بر پایه دام کامنه بند اولوب اندر دست استحقاق

سلیمان منتقل اولغین کافی الاول انس و جن مقام فرمانبردار واقف و خوش  
و طبر و رکاهت و جاده عاکف اولوب دستبازی ترقیات و تاج اقصا  
ایله منصب رفیع القدر اقبال و سعدی سبب ایملکا لابینی لاحد من بعدی رسته و الا  
اعتلا ابدی صخر جتی به بر صخره بی مجلس ابدوب قور غمانده نقبین مکان ابدی بکریستنی  
امن و راحت برله متصدی داد و ستد امر خلافت اولوب اعوام سلطنتی  
فرنجی دوره بی انعام ابدیک الی اوج بایسته ابدیکه روگردان ملک فانی  
و متوجه دار النعم جود اولوب انس کلیدده مسطور اولد دخی اوزره و اکثر  
الحی مداری ابدی قبر و احواله در لر مقتضای انوار تنزیل جلیل کریمه و قضی الی بنی اسرائیل  
بنی الکتاب انفسدن فی الاصل مرتین تفسیرنده بطریق اوزره ضیائش ساجه تخفین  
اولر که حضرت سلیمان علیه السلام راحت آباد عالم آخته رحلت ابدیک  
اقاب جانم را صابت عین الکمال ابدی زوال بولسی باعث اختلال عقاید و سبب  
توق قلوب رجال اولوب بنی اسرائیل عادت در بیلین بیس نهاد و تائیس  
بناشوق و فساد اند بر حتی اول قوم ضای شریعه رشتد و سدا ده ارت و ایگون  
ارسال اولر سبب ان مصیباتی علیه السلام آره غدر ایلد و نیم ایدوب آنلاری  
تغیب ابدی اربابین طلقیای که معتقد بعض علما اوزره خضر علیه السلام دعوی صادقه  
لر نه تکذیب و بنجه بدت محنت جس ایلد تغذیب اند بر صورت اهلالمه  
کورینن امثال نادبی فی الضلاله دن اوزر که بر حال اناج اینجیک تسلط الهی ایلد ملک بابل  
و باکیانانند که اسب طر فندن آند عامل اولر نجات النصر بیت المقدسه  
ان الککات اذ اذ خلوا فیه افسدوها و جعلوا اغرة اهلها اذ لته فحوا ی صدق احتواسی  
حکله اجماع ابدوب غر برد ایتال و امثالی نبیس یک اولاد انبیا و علمای داخل قطار سبایا  
ایلدی نجات نصر بایله وارد قد زخمکاری نبشش بوضه برله یز و نمرود و داد اولر  
کفر و استراک اوزره یای لغزیده مفاک هلاک اولدی امارت اولد حکم جناب محول  
الاحوال اول سفاک بی بیکه مرات کابینانده صورت تبدیل استکمال کوستر و ب  
یدی بیل کاه مرغان هوای ابدی بلند پرواز و کاه جانوران صحرا به برله و مساز  
اولد قدر صکه غالب بشیر نه بخوب ایدوب بر نو خورشید توفیق برله طریق حق



مرندی اولدی علی ای حال تخت نصر سر منزل بنیانی بقا دون اتعال ابدوب  
 کبر سب احقادندن بهمن این سفند بار باره دخی نیجه زن اسینلا اولمچنی بنی  
 اسرائیل خرید اغاز برله رجوعه جاز اولکو بر سایه رایت دانیالده غمه وطن  
 و نرتیب خانه توطن اندیلر برده وایند وانیال بنی سوسیده دارالاشرفه  
 ارخال ابدوب حتی حکام فتح عمر بره جسد مطهری دیده اسلامیه فیض نور  
 انجلیکن ادرار اوزره امیر بخش ابو موسی ای اشعری منر سوسی خرق واول تر  
 مایاب لجه سعادت اوزره درون آبد بخر حمت بی سب بدوق ابلدر استاد  
 فن تغیر اوکالذی تر علی قریه دهی خادنه علی عوشتها نظم کهر بار بلند اعتبار  
 ابریز کامل البیاح حسن تعبیری بوکونه افراغ قالب خیر انتم در که گذارش نیز  
 اولدوغی اوزره بنی اسرائیل بیت المقدس چارحل قرار ابدوب خانه خاطر  
 ارباب هنر کی ویران و بوم و غایه آشیان اولار خواب آبادی تعمیر زده  
 دامن اجتهاد اولمچنی هارون نبیره زاحمی حضرت غریب بن ستر خا که حب  
 وطن قائم عثمان اختیار اولوب صوب بیت المقدس بخیر یک رکاب غایت  
 ایدندون ایدی هر کون اطرا سهر کشت و گذار وزیر بر اولار و وزیر و وزیر  
 تعلیق نظر اعتبار ایدوب اختیار اتی بچی هیزه الله بعد موتها کل سبله بخیر  
 زبانه نجیب ایدی اول دم غریب الی سینه وضع قدم انجمن ایدی که رهزن اجل خیز  
 کار باز اول اولوب بوزیل میان رکب گذار صم غلبه خاک هلاک اولدی اعوام  
 کرده ده کالبد غریزه تعلق نظر خلقدن سنور و اصابت باد گردن دوز و دوز  
 اولوب یایه کامله نامنده و قار و روح آسینا قیمنده و کشش انس و الفت  
 اولدی اول تار بجه دک بقایای بنی اسرائیل هر طرفه زبیل روان کبر روان  
 و رفتن خفته در پای بابان اولوب بیت المقدس و اطراف زبیل  
 و زبیت ابادانی و عمارت برله حسن و بهانه او ککیدن زبیل اولش ایدی  
 غریب هر جانب چشم خیزت برله نگاه ایدر کن مز جانب استر خا که وضع تنبکا  
 آسایس ابدوب سهر سنا خالده کشت و گذارند و کی مدت زمانه زده  
 سوال اولدی مزبیل زبانه علی طریق المزبیل لبث بو ما او بعضی موم

زلالی جوابی جاری اولوب طرف باریدن بل لبث مانه عام کلام بدیع الکلام  
 برله مظهر ترف توجیب خطاب اولدی حسب الاشاره طعام و شراب  
 و حاره نظر ایدوب کتک که بنین و باغب و شرابی که عصیر و بالین ایدی سراج  
 النجیر اکمن ظل نیز اولوب بخیر بخاره نک آمار بنیان وجود نه انجی بر قاج  
 استخوان یوسبد کورینور قریه حال لغز ایز و متعال عظام نخره حار  
 روابط عروق و اعصاب برله بهم تعلق یافته اولوب اول صندوق استخوان  
 کابر روح جوهر روح اولمچین غیر نجیب کنان سوار اولو سهر سنا اولدی  
 چون مصیبت تامه بخت لغزده عامه شمع نورا با بود اولو انجی صفحه سینه  
 بر سینه غریزه موجود ایدی اول رف کریمی غم طمره القلب طرا و زقیم ایدوب  
 حکیم کتاب اثبات وجود ایدی حتی بعض شقای بنی اسرائیل حضرت غریزه  
 بوکونه اتر فضل جلیل سده سینه نه کله اغراقه دوستوب کراه وادی  
 غریب این امد اولدیلر الی سینه دخی ماستر خدمت تبلیغ اولدقده صکر شکبار  
 فتادنه قضای بقایه کافر نه غیبت اولوب قبر لرینه طومیر اولمش در طرا خاص ایدوب  
 ایدر خلقت حضرت ارمیا اغاز اولمچنی دخی مروی در حضرت بولس بنی متی علیه السلام  
 علامه قبر و زبادی یعنی اوزره بدر بولس و ابن ابر و غیره بخاری اوزره مادی اولو  
 طرف نبی سلسله شطونسل هارون ابن عمران ملا صدق سنین عمری سر قد کشیدن  
 بخا و زنده که اعمال موصلدن بنوی ایا لیس عادی اولار عبادت صنایع منع و بخیر  
 بگو تاج خورشید رواج نبوت برله توفیق اولوب بعض کتب سیر منادی اوزره  
 سکسایله نه زیاده زمان دعوتلنده انجی ایکلی کشته مظهر ترف اجابت اولدی سائر  
 ری ضلال قدیم اوزره ثابت قدم اولدقده ماعده همواره حضرت بولس طرفه سک  
 انداز ستم اولوب جام جهان نای خاطر فیض ابلرینه رخنه انگسار و بر ایدی چار  
 درگاه اجابت دستگاه حضرت پروردگار رف رفقه شکایت ابدوب اول کیم  
 چاره ساز رفورده اوج کوندن صکره بر وایند جله اربعین تامنده معاندینه ارسال  
 سحاب غدا ب و عد مغر الانجاز بل بولس خیا بلینه اغاز سوردی حضرت بنی امد  
 دست آوینار لری قرین قبول اولدوغندن قومی اگاه ایدوب کمال غضبندن



هنوز شدت رحل اوجت مخصوصه زمان از دی سرف صد و بیست و نه  
حکمت و اقتضای سیرت ایل طرف محوره سلامت توجیه امانه غنیمت ایلدی  
اگر چه چابک سواران میدان نقشه بود مملوده سید بر خاظمه مستک بر زار خای عثمان  
ایدوب کوی نقر نفس لامره نیمه بوزدن چو کان حسن بیان حواله انبیا در لکن بو مختصر  
رساله ده شاهد نو خط علم انجاز نعم بود مقدار نمودن اولدوغی دخی کافی در بوم موعود معموده  
صفحه نورانی آسمان سحاب ظلمت بر روی زمینی آسانیر کوز اولوب افواج افواج لجه  
فقره قهرمانی فلک فلاکت زده وجود قوم بونی سر کون ایتک اماراتی رونمون لحن  
بهاغن طافت بشیر اولان امور زنده ظهوری ریشانی اوزره دستما به عقل معور  
اولوب بو مقدمات موجب نتیجه بخش هلاک تن و جان اولجا غنه یقین حاصل اولوب  
صمیم دلان کلبانک توجیه خدای بلند ایدوب دار الشقای ستغانت بویزه بخیر  
داروی غنایت رجاسته ناله گمان غم درگاه نبی اند اندیل اول طیب خسته دلان  
جان کور لادن نهان اولوب دست استمداد لری دامن اعانت و امداد لادن  
کوناه اویچی صبر و کبر و دیر نایر ملاس اوس اولوب کمال تواضع و انکسار و نهایت  
تذلل و افتقار برله امن بحسب المضطر اذاعاه درگاه روی رجاطو تیر و فریاد و زاری  
و کریه و استکباری برله حسیتمه سار غنایت حضرت باریدن استغاضه زلال رحمت  
غفاری اندیل اول حاله صورت حضرت و نشر عیان و احوال بر احوال صفا کاه قیامت  
نایان اولوب غلغله آه و این عاکفان مجامع جرح بر بنی فطره آسباب  
اضطرار کنوردی پس بر نو بهار عاطفت علیه الهیه کوه بار اولوب جنبه نایب  
صادق توبه کاران سر سبز و خرم یعنی ارتفاع سحاب عذاب برله کلشن عالم  
رشتک باغ ارم اولدی نظم غن ایدر عالم لری بر قطره آب مغفرت  
وار قباس آیت وسعت در بای رحمت بندو کن  
حضرت بولش ابه قومی حصه باب نبض عاطفت اولوب حصه فلولا  
کانت قریه انتف فتنهها الا قوم بولش ایلد سرف امتیاز بولدی فلر میده قهر و کین  
ایله و بر فوله ابه شاهد خولا نه عباد و بیگانان ایزد خدای شهده بر غار صفا ایدوب  
دقت معینه خلاف مامل نقش ظهور ایدیک سببی مملو اولدوغی چندین اول

غفور لوم فودن جفته جین چین ایلد ساحل کوه واصل اولوب جناح غنیمت  
اوزره بر فلک نیکنده صد نشین اولدی اول مرغ آبی مرغ آسایر و بال اوجوب  
پروازه آغاز ایدیک کنجینه بادبان باد هوا ایلد مال مال ایلکن میان دریا و آسمان  
قرار اولوب سر موحر کته اقتداری اولدی بحر بحر بحسب تجربه و از مومن کشته  
افواج لازم عبد اتق و اردو دیوب یعنی اوج دفعه حاکم حاکم فرعه به نرافه اند  
قبیله نای سهم صانوب فرعه هر بزدن جانب یونس سر زده اولانین  
اولن کرم نعم فرعه قولنده صاد قدرانا العبد الاتق دیوب دریا یا وجودین  
آبیر تاب ایلدی هنوز صفحه سبک کون دریا بقیل نای فلک بیاری برله  
سینه اولدین نغمه اله ارا مکار غنایه بحسب بطن جوت اولدی دوش  
دورت ساعت و با اوج کون و بر فوله فرق کون اول مضیق امتحانده  
صیح لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین و در زبان اهنای اولو  
ناله غم و اشک و مادوم ضمیمه او را و صبح و ستام اولد قدر صکره سطرنا در  
زله القدر سزاوار فم غفور و مغفرت اولوب دست استغافله بر  
نجات و بر لری مریدر که تنگای رنج و غنادن زبا اولوب ساحل نشین  
اولد فلی دم خسته قدم وقت صلوة وسطی ایلدی اول بنی ختم قبله کاه نیاز  
نوجه ایدوب شب و بچور و مجسج نوز و قهر و دریا و جرم و خطا ظلماته  
ایتل بر آرز خنده خلاص اولد فلی ایکن دورت رکعت نمازه امانت ایلد  
اوای فریضه شکر نعمت ایلدی چون مجسج بطن جوتده تصادم امواج محن برله  
کشتی دریا زده وجود بولش سین غنکوتدن اوین اولو قوام بدنه اولان  
عروق و اعصاب ضعیف و اول بیجا بهر عجب مانده طفل و نواز و نجف  
اولش ایلدی حضرت حکیم علی الاطلاق بر مفضای کرم و استفاق اول وجود  
نایب آقا بدنه صیانت ایکن انبات شجره یقین ایلد اکر ام و شیر سیرین  
غزاله برله اسفا نامنده جسم و جانته نایب توان کلیک حسب الامر کاخن جاب  
وطن شجره یقین قرع و بانین وادی طلبه نعم البدل ما و کجوة اولیمن بوزیکدن  
ربهم مهتدیان طریق امان استغفاله استعجال ایدوب کریم طوفان خیر ایدرض



شوق و زانم کو تنه و اما اچلا مفضل لب تجیل اکر ام اندر جمله خیرین  
وارسندانی نامه الف او بیدون کریمه فی تفسیر نه حضرت یونس بن ابی اسیر  
اولد قری قوم بنده اهل سنوی اولو کوا بقده اخوی اولوق و حی مختار بعض علما در بوج  
دستگاه خیر دولت در علامه رخصتی کش فده انبیا عظام علیهم السلام رفع ربا  
هجرت اندک در صکره علی طریق الاقامه مثل اوله مراجعت انتم در دوقلمن  
نقل اولد قری روایت مؤید قول ثانی در بهر حال حضرت یونس نجه ماه و سال  
بالا نشین سند غر و اقبال اولو امور دینه و دنیویده و مرجع و ماب شیخ و شایه  
اولد قری صکره اجبه و خلا نه سانی نهم جیات دست آخو ایدوب بخدو  
جدیدان ایلد طور عالم انک نقش و بکر انکین آسوده حال کنج غزلت اولوق  
قبله گاه سینه بوجه روی توجه ایدوب جبل صهیونده کمال غزلت و  
برله فاحم کس و امن توکل اولدی انس اچیلدن حضرت کلیم علیه التحیه و التسلیم  
عازم ضیافتخانه رت کریم اولد قری ندر سکر نوزاون لبش نه صکره حضرت  
یونس جایت خوان رحمت ایدوب فیر نوزوری بیت المقدس فریده  
حلجول نام فریده اولوق اوزره سطور در بعض معتبره شده شیخا واریا و غر و دانیال  
لالی و فایع احوالی منوط بسط سنین و شهر یونس نه اولان زانده امور در صکره  
پیرایه بخش رسته ظهور اولوق اوزره کسید سک سطور در حضرت موسی  
برو علیه الصلوه و السلام نام نابیری پیرایه بخش صفحه و انت الصفا اولان و انت  
مقدس انبیا بنی اسرائیل تفصیل احوال حسنه مالدنده مرسوم پیرایه بخار اولان  
رتبه دن زبانه همه به تفاسیر و سیرده ظهور سیر اولماغین اول و ایدوبه خوش سبک  
خام فکته شتی المرام بخش کوشه که امکان اولوب میدان و بره چک بر کرده  
بالغزده عتاکس و فقه نام شکام اولوق افتضا ایشدر و العذر مقبول  
علیهما السلام عقد نفیس ذکر یا منظومه نسلیان و آوده تصاویر  
اولن دورن واسطه العقول و جد و اردن نه مال ستمه ای آبیاری جیف  
نفسل خدایه خیره عفت و صلوات الله بالا اولو غایت تراشدن اولوق  
تکلف صنعت بخاری برله دست و بکرانه نظردن تعفف بنده ابدی الهاماتی

فهرست

خورشید فوضات الهیه دن انساب انوار سعادت ایدرک بدر و اولوق  
فرشته سات ربه والای بنوت برله عاقد اولوب فوضک کمی  
کم نام وادی مکتب و خیران و کی مرندی راه تصدیق و ایقان اولدی طیفه  
علیای سن سچونه وضع قدم ایدنجه نعم جلیله اولاد کرام ایلد اغنام مبتدر اولوب  
یس مانده کنج باس و نا اید اولد قری صکره بر ساعت سعده قائم حجاب  
نبار رت لاتدرای فردا و انت خیر الوارین اولوب رت هب لی  
من لکنک ذریه طیبه دست و عانی برده استی کیر یا نیه انتم ابدی که  
مبتدر ان غیبی سندن ان الدی بشکر سچی ندی بشارت احتوای وصل  
سمع شورا اولوب مرده فقر ظهور عنایت بدی القدر و ایدو سرور اولدی  
اول غل نوسانه کلشن جان جهان رونق فروز کلزار که نه بهار جهان اولوب  
زبیه ابر عافیت الهیه برله فکته بد یعنی ارشاد استاد استعد و آذره  
برله سچوان دبستان رتد و سدا اولوق حربه سینه رسیده اولوق نفس  
سکشنی جاهدت شافه و ریاضات صا و قد برله جرات نورانیه متصل  
و مرآت تابنا قلب یکن مجلای صور و حی الهام اولوق درجه سینه وصل  
انکین هنوز سن بلوغه بالغ اولمت ایدری که بهر نحوی و اتیناه حکم جیبا شریف  
لطیف بنوت برله سرف بنوت تعین و ظهور یولوب سنجیب  
عفت اولان ارباب بطالنه تبلیغ احکام الهیه برله نامور اولد بر اول وجود  
مسعودیست یازن دولت دنیای نایا ایدار و کمر بسته خدمت بر در و کا  
اولغین ترک و خیر بیکون ایدو نفوذ و اختیار وادی بخود ایدوب مدد  
قید بند مال و عیال بای همتلینه عقال اولمت در حق بعض علما و سید و حضور اگر به  
بومضای محبت بنای مفسر اولوق مسک روایت و جبه اختیار ایدوب اما قول مختار  
اوزره حضور مالاخیه استغفار آلی صوالح اعمالدن استغفار تمکین و در مغل سعادت مند در  
اول ناریخده بیانه اسرائیل ده کرسی نشین حکومت و کله شخص ظالم اصح اقوال اوزره  
برادری و خیرین خروج خصوصه حضرت بجا دن استغفار ایدوب بوکار ناصوا  
مخالف حکم کتابدو در جواب اولغین نقیبا او نوزا یکی در فوله فرق بشارت شده



ایکن حضرت عیسیٰ مسلمان بیما اولد فلندن برین سنه مقدم اولد دختر اشکر کر  
 و تری بری ابله سید اولوب کسه ناز جل الوبه اولد سر سعادت افسر مسلمان  
 فصیح لاجل کت او اصریحی کبر و اول بد کرداری کار فیج رما به اقدام منع و خیز ایدر  
 مردی در که خون سنگوف کون نجی برله سا هر غبر اشکر محل بد نشان اولیجی اول ف  
 فواره آساعوق زمیندن غلیان ایدوب بر طریق ابله سنگین ممکن اولدی  
 ناکه حضرت عیسی سادات البر وجه و وج ایدکن صکره ملک بابل خودن  
 نام بر سفاک بیایک بیت المقدسی بازده سیاه کنه خواه ایدوب دم  
 اوزر فتنه انگیزان نبی اسرائیلدن تیش یک کشتی کراهی بره سبلا است تاب  
 ایلدی اول دم طوفان خونه سکوت کلوب باقیدر نیک کشتی کرداب  
 افتخار وجودی مساعده شرط غایت برله مسای سلامتد لنگرافات  
 صالیدی و قضینا الی نبی اسرائیل فی الکتاب لتفدن فی الارض متین کره  
 سده مساطه تیز دست قائم تحقیق تفسیر تن ارضدن مراد سام و بیفتن  
 اولوب مرده اولی دفعه نجت نصر و مره نایبه خصوص باده اولق اوزر مدعا  
 تیز تیز برین و بینهما دور تیز التمش سنه تخیل اندوکن نجین ایند خلیج  
 جاست بی علیه السلام طارتهادت بر حتم اولیجی کر بیان جامه صبر و قراحت  
 ذکر یا چاک زده دست اندوه و غم اولوب کند و لره دخی قصد بد احتمالی  
 علا و به یاد خرن و طلال اولمین الفار مال الاطلاق مصداقجه متکثره هیت ابله  
 متنه الی خروج من سبیل اولوب هرزه کردان وادی خسندن تیر کوه  
 بر دشت سر نعلک کتیده بی کشکاه ایلدی تازیده سک کوجه بازار کوه و بیس  
 ابلیس و ندان تعرض برله کوشه ردای ابر ساری حضرت ذکر یا خارج در فتنه  
 ایقوش ایدی هشت طلب سر کردان لرینه کوشه و ب اول سرو باغ رسالت  
 سکنا و با یوز بایسته ایدی که منشار ستم غداران نبی اسرائیل بدو نیم صدر  
 نشین دار التکریم رب کریم اولدی انش ایلدی یهود و دود حضرت ذکر یا  
 حضرت مریم ایلد شهم ایدوب ایدوب خرم وجودین فاکستر انش عدم نمک  
 قصدی باعث اختیار کلفه فر اولق اوزر و وارده لستد بر وایت مخاری بعض روتا

اما کتر ثقاته علام حضرت ذکر یا علیه السلام بوسری سبج وحشت مداردن روضه  
 الانس دار القاره حنف انقه تشریف ساز اولد فلندن نکاسته قلم بخر رقم  
 اتمتد در بجا ای جاننده دخی بوسریج مستقیم سکند قدم اختیار بر عهده تیسدر  
 مشاهد مقدس ذکر یا و بجی لی علی وجه البقیع نجین ایدر روانه ظفر اولمشدر  
 و اید علم حضرت عیسی علیه السلام ابن مریم نبی عمران مر انتب عابلدی  
 اون سکر نایبه ایلد نصر حور نق نسل سلیمان بن داوده ارتقا ایدر مادر مریم حنه  
 عادت ناس اوزر خدایا سدن بخا و ز ایلد رسنه امیددی کره کبر ناس و لستد  
 ایکن ارادت بی عت افتخار سده حامل اولوب مومنین صدقچه رحی اولان  
 دزه انک فرزند اولق اعتقاد بیده مساعده شریعت عهد اوزر خدمت سلاته  
 بیت المقدس نذر انجمن ایدی حضرت مریم ساحه وجوده وضع قدم ایلدی  
 شرف خدمت داشت حرمه عدم لیاقت احتمالا بیده انفا و مت تجریده نقص  
 کوزند کدن صکره رب انی و ضعتها انشی مقابله بسط معاذر ایدوب بوضی  
 منحن منبج حصول قبول سن اولدی فحول حضرت مریم هنوز سبتا  
 عدم سیر و از ایندین ساغ وجود عمر ندن آب چیاریزان اولمین اول  
 مزبزه بی نجین حکم مطالع اقلام اقتراع اوزر شوهر خواهر حنه اولد حضرت  
 ذکر یا سلم ایدوب زبیده وارضاعنه تکفل ایلدی حجر حجره صلاح و غفقه نشو  
 و نما اولوب اولن و با اولن اوج بایسته ایدر کده درع و بقیع انکین کنجور جوهر  
 وجود کلمه اید اولوب بدی و با سکر آئی نامنده و بر فو لن خود پها اولن  
 بیت النیم نام مقام ککوب وجود حضرت عیسی اوج شهود و طعنه زن  
 ماه سب آرا اولدی با اهل الکتاب فدجا کم رسولنا بین کم علی فرة مر رسول  
 کبره بی تفسیرنده فلندن نجین اولد قلری اوزر حضرت کلیم ایلد جبار روح اید علیها  
 السلام و النجیه تفاوت مایشی یکت بدیوز رسنه اولوب بودنده یک  
 نفر سعادتد اکلیل جلیل نوت ایلد سر بلند اولد در فریش آمدن اول دمه دکت  
 بی امداد صلب بدی رستم رحم مادر دن سیر خروج و صدقه جار قدغه غاصره  
 عروج اندوکی مهور اولد و غی جهندن کوته بنیان طر طهر ظاهر برست طرفندن



وارد اوله سوال بار و جوابه انطالق الحی برله هنوز فرق کونک ابدی که حضرت  
 تصدی اولوب انی عبد الله انی الکتاب و جعلنی نبیا و جعلنی مبارک  
 اینما کتب و او صلا بالصلوة و الزکوة ماومت جناد بر ابوالدنی کلام در انظار  
 برله ابریز خالص نفس لامری رنجته قالب حسن و تغییر و لوث چو کاتب  
 ذیل عصمت برمی نطهر ابدی بعد ایا م حضرت مریم بیان سفای نبی برین  
 مظهر حل اقامت اتمین رسید دل و لغین کش کش ظاهرین فاضله علم  
 دامن آزاد کی چون جانب مصره محل نهجوت اولدی بر قول کریمه و او انباها  
 الی ربوة ذات قرار و معین بو صفای مفسر در زیر انکام طیفای نکره غایه غرق  
 سلامت یکنوزی مصره اما کن مرتفعه اوزره وضع اساس اولمش حضرت عیسی  
 علیه السلام اون یکی یکنه ابرجته مصره اقامت ابدوب صکره طرف  
 ارض تقدس به امانه الحام قفول و طایفه طایفه نصاریه مظهر حل انتساب اولان  
 ناصر نام مقام نزول ابدی اول او نور سینه بالغ اولد قلند معلا رب  
 ایوان نبوت اولو پنجه بیخوات باهره برله مؤید اولد بر وادی روایت نزدیک  
 رایت اختیار ایدن علماء اخبار زبان کفرشان حضرت روح الله هنوز غفده دار  
 طفولیت ایکن رسته نطق جانبته حسن نظام دین و جعلنی نبیا فبریده سند  
 لفظ ماضی ابد تعبیر سورلد و عن دیوان قضاوه علم تقدیر نقش لوح تجرید اندو  
 صورت سجد محفوظ اعتبار نه حل ابدوب بالحق الوقوع اوله امری واقع منزله  
 سنده تنزیل ایدر لرد انشور لرب نظر الظاهر النص اول مولود غایت محمود  
 شیر خواره کهواره طفولیت ایکن و ستماری است اسام ازل رله جرح  
 عقل اول ایدر نزل اولغین استعداد فاضله شمع مبر نوت اولد قلین  
 زبان زده بر عذر وایت انتم در همه حال مشاهیر برسل اولو العزمون اولوب  
 بعض احکام نورانیه و تبدل ابدی کتاب جلیل انجیل ابدی نیشور در اول  
 قابض البرکات صفت ماوه روح الحی ابد متبج و مباهی اولغین نیک ابره  
 ترکیب عناصری هوای قنار له مختل العمل اولش سام بن لوح و عا و زو این  
 العجز و بنت العاشره ما و الحیوة دعوا صلا لری باذن الله تعالی علاج بران عمر

اولوب دعوی صادق حضرت روح الله کواه اولد بر کریمه انی اخلقکم  
 من الطین کیمینه الطیر تفسیر نه اجله مفسرین کلفشان جنته تحقیق و نبیان  
 اوزره اول بنیامبر سعد اختر الزام معاین قصد نه طیندن خفاش طرفه ترکیب  
 قالب بو العجی بر و اخته دست نکوبن ایدو تا بر دم انفس سجای برله  
 سجانه و تعالی اول جادو تحریک بر و باله آغاز و جو ساده پروانه ابدی  
 ثوبای دعای اجابت انار لری با بیای مادر زادی فیض نور با صره برله قرالین  
 شادمانی ایدوب علاج روحانتری برله مرض باطل برص زائل اولغین  
 باب سعادت انشای مرجع و ماب شیخ و شاب اولو خانه سحر ساعده  
 زنجیری زخمه بردار اولد و غی اوزره بعض از مانع بشکاه در کاهلرینه الی یک  
 سنگسکان احراض بدنی جمع و لور و بمن تاثیر نفکس خالصتری بر لفظ  
 رتبه انقاش اول صاحب فراش در درنه درمان بولور ابدی بنابرین طایفه  
 ان الله ثمت ثمت و فرقیهودان الله المسیح بن مریم وادی فضل الله  
 دم اورب غرق کرداب هلاک کفر و انکار اولد بر وادی در که جناب روح  
 وانت قلت للناس اتخذونی و امی الیه من دون الله خطاب عزت  
 نصایبه مظهر اولد فکری وقت احکام غروب آفتاب عالیا ابدی قائم  
 حجاب پرستش نیاز اولوب تهمت شرکون کند و لرین و مادر رتبه تنیز  
 در تبه دالای الوهیتی حضرت خلاق جهان افرینه تخصیص یکنوز اوج رکعت نماز  
 برله در کاه کبریا یا نه عرض عودیت و اول تهمتن تغریغ ذمتهم ایتدیر لکن  
 بو خطاب الهی علی بوم حساب ایکن عجیدر که کبار علما دن نیجه لربور وایتی  
 بت جو رنج بر انتم در توجیه و جیه طفومیه اولغین اول و ایدر اطلاق  
 زمام توحید اقدام اولندی امد اعلم و احکم اگر چه خصوص اختلا رکعات صلوات  
 خمس فحول علما کتب اصولیه ده قلین انما اولد فکری اوزره امور تعبدیه دن اولو  
 کفره فساد رکات جنابای حکم شمس صده بایه عقوق قاصه بستره برله بر شمس  
 مرتبه سندن بالاتر ایدر که مغرور لکن بعض فضلا بیگانه نمازون هر بری سندن  
 ایوان نبوتدن بر ذات مکرر عالی جنابه ترف انتساب برله شهرت یافته



امتیاز اولوب یعنی مصلحت وقت یعنی اوزره اول اعمال بدون بری الیه  
فزون سالفه درگاه بر بوبیت یاه حضرت معهود حقیقی به بر سبب بر اختر عرض  
یرستش اندوکن هر سوم صفحه روایت است در اول خواص کج فضل و کمال  
و تحفه نذرگاه رغبت و رواج اندوکی فراتر عجمه الفوائد کتب و لطائف  
بیرانه سطرانک فائده دن کمال لغین بوباده اول هر شد طریق صوابه  
عاجزانه اقتدار اولندی حضرت عیسی علیه السلام نقل کنه ایدیم مستند آبی بقایه  
یست و یازن استغنا اولغین نقد وقت غریز لر روح مجرد اساجود  
ایله کدرا بدوب شکار نبون حب دنیا دن آزاده افتراک و الایش تعلق  
ما سوادن پاک اندر طعنا بنات ارض و لباسی یلاس و کومه العراب  
و تراب و سنگ و خارایه امتزاج و برمش اولغین دل مبالر جوی و دلجو کج  
لازمه لغت سیج اوله سباحه مائل اولغین بریده نطع انداز قرار اولوب  
بلکه بر نزل صبا جفت مه دکن بر کور نمش ابدی کنجایش حوصله طاقت بر نیر  
خارج خارقه العاده بجات با هر ظاهره اولش ایکن بهود مردود و کفر و انکار  
اوزره اصرار اظهار انکین حضرت سیج نصرت دین مبین اوزده کند واره معین  
بولمتی بجاسنه لایعین استنصار اند کلزنده حواریون که اولن ایکی نصار  
ایدیلر زمره کش نخن انصار اولوب سر و سر افراغ رسالتی سباده  
دور اولحق اوزره عقد عهد اندیلر مده استتعال مانده رحمانه کفیه نیران دست  
رجا لر کران بار غزاج است اولوب نزول خوان به عیب غیبی ایله منتقم  
اولس ایکن بش یک اوم نعمت احسانه اطاله بد کفران انکین حضرت سیج طرفند  
منظر لغین صریح اولوب سبب شکل بوالعجب خنایره تجول انشور در بر وایند  
وعدا نزل کافر النعم اولانر حقه و عید نزول غدا ب و تکمال ایله مقترن اوسبی  
باعث نزل اقدام اقدام اولوب نزل الیه بدن بی بهره اولدیلر اول حش  
متعل اولدوغی الوان نعمت بر ماهی برایش عدد کرم و زم نان اولوب  
اطرافنده کران ماعد انواع بقول بلخ و خل و غیفتری اوزره سمن و جین  
و قدید و زیتون و عسل و ایدیلر سلفا المفسرین ابن عباس رضی عنهما کرمه

و ما صلبوه و لکن شبهه لهم حلیه تفسیرند بوردش اوزره اجاله کیست حسن تقیر  
انتم در که سببه کردان سبب بدت دعوت حضرت عیسی علیه السلام  
او جی دوری انام ایدوب بود امکاه محن و الامه اعوام قرار و آملری  
او توراوج اولدقد بر کون فادل بهودون بر طایفه اول راست بر طریق  
مستقیم بولن اولوب کوشه و اما عرض عیسی علیه السلام دست تعرض و توفیر  
در از اندیلر کلکرت فراج لطافت امتزاجی فارسی نیرانیت و آیدیلر زخما  
اولیچن به اختیار اول کشتیدر حقه سهام نفیرن و دشمنانه کت و دوبروب  
دیروب شکل منجوسری خنیز یکر عبوسنه متحول اولغین ساز لر اخذ  
انتقام رجاسنه وجود نازینلری عرضه تیغ اعدام اتیک ایکن بر زده وای  
اهتمام اولدیلر و بر شب امضای غمیت تقدیر طوره سبب ارمکاه حضرت  
روح الله اولانر خانه بی بهانه به منوجه اولوب بهود نام بر اولد اوم تحقیق خبر ایکن  
داخل صحن سزا اولد حضرت عیسی به بر نخواستی و ما قتلوه یقینا بل فعه الله الیه  
بر ایکی ساعت مقدم بونکنای عددن رفیع الی نه بالا خانه اسمان اولکون  
بشیرند قطع تعلق و اخلاق روحانیه ایله تعلق امتش ابدی بهود و اخذ  
عیسای اوزر اولوب سو بسو حبست وجوده سائر لری دمی تقاب  
ایدوب حکم خدا بهود ای متشکل صورت عیسی بولغین هر طرفدن درنده  
کلاب آسودان و کربان طوندیلر بحاله الوقت ضرب مشت وشت  
ایله سر شقاوت افسردن کشفته سبب آسایاک چاک و روی موین الوده  
خون و خاک ایدوب گشایان کت میدان سبب سته ابر کور دیر بهود اهر چند که فریاد  
و فغان و برف تعریف نام و نش نام ایدوب بینلر زده معهود نجه اسلری اظهار  
جویای راه رستکاری اولدی و انکیر لر ایسی بومر نه سبب سبب سبب  
استغراب اولنار دیر و جواب ایدوب آو بخته چوب سبب است ایدیلر  
بزقولن تحول صورت تبدیل ایهیت بر له بالا رتبه سردار اولانر بد کردار رساو  
تقادت از لیه بر له عازم کربوه ضلالت و او تورا و در هم باغ و تفسیری الیه  
منعم خدمت دلالت اولوب کالای کران بهای ایمانی ثمن نخه



بنیاد و بازار روز کار و دست مایه خیران دنیا و آخرت تحصیل آتش  
بر شافق فاسق ابدی اول تابنده آفتاب اوج رسالت آسمان بیا اولاد  
مقدم گرفتار کسوف عدم اولش آیین بدی ساعت ز صکره بر تواند از ساحه  
وجود او کو صید پیری اورنگ جرج دوم اولد قمری و فی نقش صفحه مغبرات  
اوله روایات و ندر لکن حضرت قاضی بیضاوی تفسیرند بوجاده روایتی  
نصاری اولی اوزره قلم فرسای جو بر او لش در و اندک علم علامه ز محشری و غیر  
یاعسی انما توفیک کرمه سی تفسیرند با عیسی شک نخل بر و مندر وجود کی سنگ  
ستم میبودن مصون اس حد ایدوب قلم تقدیر ازل ز آله بخیر اندکی  
ندت معلومه فامند و ک غنیم متقاضی اجل و انکیر کار و عمل اولی از و بکدر  
و پوشد شیراز و تحقیق اینست در بدی و بر قولی فرق کوند همسکه اولی که  
ناز میدان آسمان در مری ساحت سینه سند اوله غبار انگساری  
چاروب تسلیم استیک چون سهبال جلال ملائکه اوزره دار السعای  
سایه انداز شریف اولوب بنه اول شب متوجه کلشنه ای عالم علوی  
اولدی حواریون خدنگند دعوت و رسدلی شمعونه اتباع ایلده وصیت  
ایدوب خلقه یقین یابین دین چون هر برین بر فطره یقین اندک و صفای  
مطلو لاند مکاشفه فامه سکین مدا و رواتر قیام قیامت یقین اولد قدر  
اول رسول کریم بو عالم کون فساد شرف بخش قدم سمیت ازوم او کو  
و ستیاری عدل و و آو بر لبه خواب آبادی نیجه معوج و نه کوند اما جمیله ظهور  
ایده بکنه بیان و طیفه مفصل اندر اول عده الذات حبض خاکه منوجه اوج  
افلاک اولد فلندن التی سته صکره حضرت مریم منواری جلیاب عدم الحزن  
سند بر نوزاری بیت المقدس شهر و حضرت عیسی خارج معارج علیین  
اولد قمر سال فرخنده خالد ز علم فیزی انجام هجرت حضرت خاتم النبیین  
و ختم المرسلین و ک التی بوز و بر قولی بشیر النمش طغوز سنه اولوب  
زمان فترت ایلده و فی عنوانکه شهر در اول مدرسه بنی اسرائیل دن اوج  
بنی بنیسل و عیدن خالد بن سنان العیسی نام بر بیضا میر جلیل بنیسل احکام نزدی

قیام ایدوب ملکستان بریه کفر و ضلال و ادوی اتباع حکم انجیلده با دوی و کسور  
طرف نسب خالد یکر می بر مرتبه ده سید ولد آدم صلی الله تعالی علیه و سلم فخر  
جد امجد لری عدنانه متصل اولور واسطه اعوام فترتده بین الحزمین ضرب قیام آرام  
ایده عیس قبیله سنی سمت ضلال دن صرف یحون ارسال اولوب نیجه لره  
رهنهای طریق هدا اولد قدر صکره شهر ستانده بخوبک علم اید جکری دمی یقین ایلدی  
و بوم تالت ار تخالده بو کوند بر حال ظهور اید جکدر سوز و غل انوال اوزره حرکت اید  
شکره بغمان اید و ذوالجلال دایره وجوده تکرار وضع قدم ایدوب دم نقیضه  
جلوه کر ساحت ظهور او یحون اطوار دن سنی خبر دار سنی جزو ایدرم و بو اخبار  
ایلدی و بو نقش جو بر یقین اندکی امور غیبیه شهود عین یقین اولی ایلدی و لادی مدی  
الدهور و الاعوام کند و لره بیش قبر اسناد اولمق عارندن قرار ایدوب مقتضای  
وصیت ایلده عمل سداقت جکدر مروی در که دختر سعد اختر خالد سلطان بر  
اوله کولاک حضرت ملک عمده یونلرینه اوراک ایدوب شرف یقین ای سدر  
بیما لیلده استغفار اید کده سفیع روز معاد حضرت لری اول مخدره عصمت بانی صنوف  
نوازش و اکرام بر له کاباب ایدوب کرانه نده اینته بنی ضیقه قومه کلام در  
الظلمه بر له توجیه خطاب مستطاب یور دیر سنین فترتده نیجه غایب امور  
ظهور انتم در قصه اصحاب قریه اول جمله دن در اجمال مقال اولد که کریمه و اصب  
لهم مثلاً اصحاب القیمة اذ جاء بالمرسلون تفسیرنده کریمه تفسیرین یقین روح ایلده  
حواریون در بونس و محی غم انطاکیه ایدوب خارج شهرده رعای اغنامه مشغول بت  
تراش حبیب بخار نام مرد ازادی خلاف امکان عادی بعض انکار اظهار بکره در  
بسته طوق قبول دین مسیح اند بر بو خبر انشاری المارک بند و زندان گرفتاری  
اظهارینه نمودی اولوب ربیس حواریون شمعون متکرا نهضت ایلده اول جانب  
کلزن غم و اعمال الطایف اچیل مرکه ملک انطاکیه به مصیبت و محم بر زمین  
اولدی بعد ایام بر تقرب و لفریب ایلد بونس و یحیا حضور ملک اضار و مدعا  
استخبار ایدوب اندر فی با ذنه تعالی ابراهیمه و اجای موتا خارقه برین اظهار  
ایتمکن بر انت خاطر ملکدن غبار انکار زائل و نیجه رک و فی قریحه سیکم خه ایدوب



نام اولوب کفر و شرک اوزره اصرار ايدن صحنه هولناک ايله هلاک اولدو و بون  
نقش بن حور بوز اولمش در مخزن علم ادر و مولا ابوالسعود الرحوم افعال مغیرین ايله تریزین  
صفحه صحنه نقیبه اندک در صکر اگر ملک و حواشیدن بری طریق تصدیقه سهندی اولاییدی  
طی هر دو ایدیکه حبیب که سرزمین این طهارت و رسل عیسا با عانت باندن بدل تقدیر  
اقتدار ایدوب فرقان عظیم است اندک انوعا اشارت و تلخ اولور ایدی نفس  
جلیله اب طایفه نور کت عناد و لجاج اوزره تا دیر تصریح اولوب ایدلرین  
برینک نصیحه عقیده اندک لایحه بوجه فوج و قرض و لیس در بونوشیج صدور و سطور  
اتمش درنی کفقه و جافه اقصی الدینت بر جل سعی کریدی نقیبه در علم ادرین اقله نقیبه  
شهر انطاکیه ده تخت نشین اولور ملک چهار رسل سچی علف بیخلف انیمک  
اوزره قرار و بر دوکی حبیب بخارک عبادتگاه ای اولور کنج غار و کوشکدار اولو یحیی  
امر موقوف و منی منکر قصد نه قبل فوت الغرضه بر شعله ساعی و لازمه غیبت و شی  
و حقیقت طینی اولور خدمت نصیحت او اعرافی اولدی خدایه مشربین کبر و کبر و اوزره  
مصر اولوب نصیحه و نید ایل کار بند اولور قری کوریک حصه باب خوان ایمان ایدو  
اظهار و شاهراه سر بازیدن نقد و انشا ربی اختیار اندک در صکر اول قوم  
نابت قدم طریق ضلال اولور قدر احوال بر فحوا ان کانت الا صیحه واحدة فاذا هم  
حامدون صحنه حضرت ابن الوحي بر لاسنصال اولور قدرین مرسوم فایم نقیبه  
انمش در و الله اعلم بالحققه قبر حبیب بخار میان سوقی انطاکیه ده مشهور و زیارت  
جمود و را عوام قدرت و قابضک بری دخی غریبه اصحاب که مقرر ام حبیب  
ان اصحاب الکشف و الرقیم نص کریمی نقیبه در نقش بند کان کارخانه دین بو اسکوا  
روایت اوزره صدور سطور تریزین انمش در که حضرت عیسی الا فانه سمایه اعتد  
اندک در صکر اکثر اهل انجیل عبادت رب جلیلی بر شش صنایع تبدیل ایدو  
جبار طوک خلقه جانی باستقیم باطله سلوک تکلیف و طریق صفه نبات قدم کوشی  
قتل و سیاست ایله توفیق ایدر اولمش ایدی اول کرده مکروهین فرمانده مرز  
بوم روم و قیانوس منجوس نقیشتش عقاید نام اچون فکر و حکومتنی دور ایدرک حال  
طرسوس عنوانیله ششده اولور افسوس نام ششده دو و شررا لودکی ساید کوش

صالحه قدی یخچ شکیخ سندن تخلص کریان جان انیمک بهجسته طریق  
هدایات خدا اوزره اولور شرافدن بدی سکرگنه قنای ششده بر غار لیب  
ایدوب ایلکی اوج کوندن صکره بامر تعالی مد هوش جوده ان شعوری و سوزنا  
و سینه امر ضروری اولوب اتباع ایدن نظم نام کلبری دخی قنای آورده بطریق  
قرار ایدی لسان فرقان عظیم است لایق اولور دخی اوزره اوجیور طغیان ششده مانده  
سینه غفلتدن بیدار اولوب مست اوکار شرب خواب اولور قدریت  
به کون و با بعض بوم اولور احتمال ایلد احضار طعام اچون یلینی طرف شهره نوبیه و زیارت  
و ایا مده تحفظ و احتیاط اوزره اولور تنبیه راند ایدر اولور مانده و کاب صفحه عالم  
نام و قیانوس کندک سنیان ایلد محکوک اولوب بر مرد مغلیه یک دین سیر  
ملکد مرتجع نشین اولور ایدی یلینی داخل اسواق شهر اولور قده افراد ناسی دایم  
خلاف رسم مهور و کوروب هر جانب نگاه جبرت الود ایدرک بر بخار و کاک ایدو  
فرزدان به اچون عرض در هم و دنا نیر ایدی هبانه موجود اولور نقود سکره و قیاس  
ایلد سکرک اولورین کنج پر خجه ظفر بولق اعتقاد ایلد کریان یلینی سخته بی و اوکر دست  
دو تنوب اول پریشان روز کاری موقوف بنجگاه سیر بر شهر باری ایدر بلعید  
الاستنطاق شاه و سیاه انگشت کزیده جبرت اولور رق یلینی ایلد کافران مرا  
اولوب داخل کنج تنک و مار و اصحاب کشف ایلد بار غار اولور بر قدر زمان  
الوان نغم کونا کون حمد و ستایله مرتب سما انبساط در میان اولور قدر صکره اصحاب کشف  
رسم پسین اوزره بالین راحه انکا ایدوب بر فحوی و تحسبهم انفاط و هم رفود  
مستغرق خواب نوشین اولور سیر و دیندار مشکا در غار و مسجد عیسانه  
بدی دانی صرف همت ایدوب احوال گذشتی بر لوح رصاص اوزره مرسوم  
خامنه تحقیق و باب کهنه تعلیق ایلدی نظم کزیده نذکور اولور رقیب در حد لوح بود  
اولور عمده اقا و بلدر نازده جرجیس صالح دخی غایب سنین قدر نذر بواقیب ایسان  
فی قصص القرآن  
نام کتاب مؤلفی ابوالسحاق ثعلبی بدکونه صحیفه طرار روایت  
اولدر که جرجیس فلسطیندن ثروت و یسار صاحبی متورع و بر هر کار برود و نذر



اولوب بعض جوار یون اید شرف و گوش هوشی امارک فزاید نصیحتی اید  
مشغول اندر دراض شامده پرستش اصنام اولمق بیهی عام اولحق قرار اید  
قصیدیه موصیل طرفه اجوت اختیار اید و ب لدی الوصول چاکنی نامه اولمربعین  
بی دین پنج سینه کفرار و علی الاستخار بدی بیل ز پیر بار سنگین کونا کونده زبون  
و زار اولدی اول بد ذات دورت دفعه سد فیاضه جیات جرجیس اید و ب  
مقتضای ارادت حضرت باری اوزره دوحه زبول یافته وجوده کمر آرب زلال  
جیات جاری و لمش ایکن بسنجی مرتبه اعدامه اقدامری تسلط ابراشتاب برله  
شاه و سیاه سوخته نارد مار اولغله سبب خیر اولوب بر قولن زعفران  
شهر و بازار لر اید نکون راولدیر و قعه اصحاب اهدود و دخی حوادث اعوام قدر  
سعد و در قصر شیدا اساس حدیث حضرت سید الناس عفو عالم و بیدر  
جبار ملوکدن بت یرست بر حاکم بد سلوک تعلیم فن تحریکون بر سا حوا بهره سلیم  
اندوکی صومعه شام ذهاب و ایاده کد اراده وکی صومعه راهدن گوش هوش  
تعلق اید نه فزاید ابات انجیل جلیل انسان حرات نظر رغبتند منکوش سامعه قبول  
وارغان اولغله شایان کور نمکین صومعه نشین اولان راهب ریاضت کریندن  
تعلیم اداب دین سچ اید و ب بین تاثیر معجزه عیسوی ایدله شیخ مستقیم اخراج  
بغیر بقیع ایدر اولدی بو خبر عبرت اثر و اصل سبب حاکم اولحق اول طالم راهبی  
سبب جیف اید اعدام و عکلا اوج دورت مرتبه نمکله به القایه اقدام اید  
امضای غریبه عدم قدرتی ظاهر اولد قدرن صکره تلقین غلام فیروز زور ایدله فزاید  
بر تیر جگر و زانتخاب و ب سبب ایدرت اقدام دیو طرف غلامه یرتاب ایدلی  
اول خذنگ جانب نمان باور اندکها صابت اید و ب مرغ روح رو اشتیاق  
سافار روضه رضوان اولدی بو حال عبرت مال شاهده سی خواب غفلت  
الوده لرینه باعث ابتلاء اولوب سالک راه توحید خدا و مالک دستنامه  
هدا اولمربعین حاکم سوخته اتش غیرت جالبیه اولوب القاء شیطانی ایدله  
نقد بیکون زینب اهدود و جانی مستقیم دین قوییم راسخ دم اولان سعادت  
اوشاید انگاه اتش و دود ایدلی مهتدیان طریق نصیب بو کونه عذاب

دکالار ابتلاری عالنده بر صبی شبیه خواره انطاف الهی برله عقد کشی زبان خاموش  
اولوب مادرنی سمت ثبات قدم ارشاد و سالکان وادی ایما و اصل  
منزل اطمینان و حسن اعتقاد ایدلی نکلده در بیان احوال بعض سخامبران مشبه  
احمال **س**م بن نوح علیه سلام ظهور طوفان دن تو بیا دورینوز و نایخ خمیس مفادی  
اوزره انحق طلقان سکر سینه مقدم دیده کشای خواب عدم اولوب اولاد  
امجاد بکی اند میانه زبور رشد و سداد اید منجلی و مهر عالم تاب نور محمدی  
بی شان سعادت نشاند بتجلی اولمربعین بدر بزرگواری غم دار القوار اندک ز صکره  
نقیندی اوزره مالالتین سینه خلافت و بر قولده خود سارکتب الوان بون  
اولوب کرده انبیا عظام و رسل کرام و اکثر ارباب سلطین و حکما مطیع الانوار صلب  
یا کلند نه یرتواند از صفحه خاک اولمش در پور باط مطوی النشا طلده مسافران مدت  
اقامند سببوز سینه در مدینه مسجد فصائی سام عالی مقام تاسیس اندوکی نایخ  
نقش جبر ایدر اولمش در علی زوایه برادر سعد افتخار یافت دخی خلعت بون برله مغز در  
اسکندر ذوالقرنین نسب واسمنده اختلافت اولنوب اسکندر بنا اولحق اصح نقول  
شرق و غرب عالمه قدم ساحت اندوکی نقیب ریح اسباب تلقید مسقط الار  
عز و یوم روم اولوب بر قولده وطن صلیبی دبار بیدر نیکین الحی بر اقل شفق اوزره  
بیک النبوز سینه زمام حکومت جارجیت عالم کف کفایت سیم و بر قول شفق  
اوزره جامه زینبای سلطنتی طراز بون ایدله فر معلوم اولوب سرکسان جهان شیخ  
هستی مقهوری و خضر نبی فاند کیش منصوری ایدلی زینجوق علم عالم ارسنده و فن  
صد اندر صد منقش اولمربعین میدان غزاده کلاله طوغ ظفر فزوعی همیت شانه زده نسیم  
نصرت و فیروزی اولوب هموان لشکری اسوس حال طل طیل ظفر و جند اعدا مقهور  
دبر اولور ایدلی اولول کوس سطوس اقتداری بو قدر مدت طنین انداز طاس  
فلک سز نکون و غلغله پرواز جارجیت ربع سکون اولمش ایکن سر حسمه آب  
جیاندن سکین عطش از روی دوام و ثبات رجاسه کوه و صحرائی ظلماتی  
موسوز سوده قدم جیت و جوادوب لکن حکم قضا و قدر نظم او غمز جام صفا  
دهردنی پروردن بر ایچ صوبه درین ایدلی اسکندر دن نخواستی اول فیاضه



کلستانان جیات ابدیدن به سار سوار و اولق میر اولمش حضرت اجم  
 علیه التجه والتسليم علی غیر عظیم نبای بیت گردن اسدال اذبال فراغ ابتد که قصد  
 زیارت ایلد طرف کعبه معظمه به احوام بند غایت اولوب یک مرطه راه قاله  
 تخطیما للمکان والمکین ما سبنا غولم درگاه رسالت دستگاه اتمکین دعا خیر جناب  
 خلیل منظر و سیاب استمانندخت سیکما راه غولم مطیله کرا سکندر  
 اولدی اسکندریه مصر و سمرقند و دور هرات و دیارین و دوشق و سد با جوج مخترقا  
 معاجت اسکندریه اولوب تنکای دنیا هم غلوه و بقا جاسند یک خطره اب  
 جیات امید یله برید رفت و ناب طلما تده متوجع زهراب متاعب و خول و خروج  
 اولمش ایکن فرق کوندن صکره خایب آنب اولوب انک طلبکار اولدوغی حمله  
 سر لشکری اولان حضرت بنی غیر قصد طفر بولدی غولم دار الفوار اولدوغی سر زمین علی وجه  
 البقین معلوم و کله از **توت** علیه السلام سان فرق حکیم ان ده اسب غولان  
 ندکور اولان اولاد اچا و یعقوب کروب استوبل نفس تار به بله اقدام اند و کلری  
 کارنا بنیچاردن بعد زمان محال نداشت اظهار ایدوب بدر کا کمر و اور سوار خیر  
 جانشین منظر استغفار اولد قلندره صکره دیوان قضاد الی شورش و رضائرت  
 صدور بولوب تشریف لطف نبوت برله موقر اولد قلندره و جی مختار بعض علما اخبار  
**یوسف ثانی** بن افراسیم بن یوسف علیه السلام و لقد جاءکم یوسف من قبل البیات  
 کریم بنی خسرینده کشیده سک تجر اولدوغی اوزره مزعنا سد بیسات ایلد  
 مؤید اولان ذات ستوده صفات کن مراد علی روایت اخا و صدیق کن ابن  
 افراسیم یوسف که جدا اجدارند صکره تاج خور سید و واج نبوت برله سر  
 بلند اولوب بکر میل اهل مصر تبلیغ احکام الهی اعزده اتمام نمند  
**موسی بن میشا بن یوسف** علیه السلام عهد رسالت کلید کن تغیرا بکنوز  
 بل مقدم خلعت نبوت ایلد کرم اولوب بنی اسرائیل سفیانی راه  
 هدایت ولالت ایچون بعث اولند قلندر قسیر و ایدیه بیرایه کلین بخار  
**جوجیس** ارج روایا اوزره زمان قترش و جید و حدت یرو و کاره اولد  
 ابدن زفره اخبار و ندر بر قولده ارباب کفر و ضلال طریق حق و عو **عوس**

فارسلو

وارسال اولوب عناد مخالفت مشرکین زلزله سسکین ایلد افتاد و خاک  
 هلاک اولدنی سبب اولدی **بشیر** بن ابوب عبد السلام علی روایت پدر عالی  
 کهر لادن صکره منصب جلیل نبوت ایلد اگرام و نیجیل اولوب دیار شام حطری  
 ارام ایدن عتاة بنی اسرائیل سعوت اولشد مردودیدر که بهود مردود و طرفندن  
 یوز سیما به ایصال و کزند ضرر مقصود اولوب بشر اناری حفظ و صیانت بیدل  
 همت اند و کلری ذوالکفل لقب ایلد بلقبه سبب اولشد تیش اکی بکشد استغفار  
 مدت جیات بی تبا ایدوب قبر بر نور لر مضافات قدس دن کفر حارس نام قرینه  
 اولق مشهور در بولدن ماعدانچه سعادت مند ان مختار بعض کبار اولدنی اوزره صدر  
 ایوان نبوتده رفیع نشان اولد قلری زبور صفات مفصلات اولوب نام  
 نامیلری مرسوم قلم نبین موزخین اولشد رکن ترک اطنا تصدیله لک و لوک  
 وادی به سلوک در اجنا اولدی **فصل ثانی در بیان سیر و اخبار حضرت سیدالابرار**  
 صلی الله تعالی علیه وسلم بعد من صمت و تکلم راست نوب ان صحایف  
 سیر حضرت خیر البشر صلی الله تعالی علیه وسلم ایلد جدر رفیع الی ندری عذنا بیندنده  
 اولان احاد آبا و اجداد و فرزند اسکا سایلری بو اسلوب اوزره بیرایه بخش رسته  
 تعداد ایدر که پدر عابار حضرت سیدالابرار عبد الله بن عبد المطلب بن هاشم  
 بن عبد مناف بن قصی بن کلاب بن مره بن کعب بن لوی بن غالب بن فهر  
 بن مالک بن نضر بن کنانه بن خزیمه بن مدرکه بن لیا س بن مضر بن نزار بن مضر  
 بن عدنان طرف سلسله نسب عالیلری جناب عدنان به بوطیقله متصل ایدر  
 و اصل درجه علم البقین در لکن عدن عدنان دن روضه الصغای صغی الله  
 کیفیت اتصالده جدا اول قبل و قال مشعب اولوب دور باش کذب  
 التابون اول وادی به خطی به سد مانعت چککین کیت قلم بدایع رقم بولده  
 یابسته فقال توقف اولق مناسب کور لیدی علی ای حال بر کذبده عالم سید و نند  
 بنی آدم حضرت کریمه صلی الله تعالی علیه وسلم شرف انتساب ایلد عالی جنا اولان اگرام آبا و  
 امهات واجداد و جدات جناب لیک دامن عصمتی الالبش سفاد کن عاری  
 و بنیلند و ترعت بیجا به رفت اوزره احکام نکاح سر عاباری ایدر کنه



حدیث صحیح ما زلت اخرج من ککاح الککاح الاسلام حتی خرجت من ابی و ابی  
ت بعد عدد راصح احوال اوزره اول بریتیم چهره سالت عاتمه هنوز اریکه نشین  
رحم آمنه ایکن بدر عالمی کمر لری عبد الله مدینه ده سیراب زهراب فنا اولوب  
جدا جدر متعهد خدمت نریتری اولشد در مدت چهل کم و کسات راست طغوزای  
اولد قن اصحاب فیل صدقه جاره سیجیل برله متعلق زن مخمره نیران اولد قری سال نینت  
اشتمال ماه ریح الاولینک اون ایکنی دو شنبه کچیه شیوع بنی نامندن ساعده سؤ  
برله افق سعادتدن طلوع و آفتاب کچی ناب آساکم وجوده لاسع اولوب نرف  
ذات ملک الصفات لری عنقر خاک محسود احوام افلاک اولدی خبرایه ترکیب  
بدیع التریب لری اولان نطفه تریفه صلب عقیق عبد الله مدین رحم طاهر امنه به انتقال ایدو  
اندوزدی صحن سرائ عالمی کمانده نصب سیلانه ترف جلال ایدیکه بر تو انداز سرف  
ظهور اولان اربابها و اعاجیب امور زبور سطور انیک و جوهر کیمای وجود فایز کون  
احراز اندوکی فضل باهر و شرف ظاهری شتمل اولان مجموعه مطبوعه به شیرازه بنج  
و تلیق اولق خارج غنم در ساله مرات الصفات اولغین رخس خانه شکسته زبانی  
یکه تار میدان بیان انیکه اقدام اولند آرایش کوشه دستار قبایل اولان اول غنچه  
نوشکفته باغ جاد و جلال آزل زلاله بر زبیر شکر آمیز اولان مخمره پیرده عصمت نوییه  
اسکیمه اولوب انابر قوله بدی کون سیرا در دن سیر اولد قریدن صکره نیو  
احراز رتبه جلیله ارضاع برله ارتفاع سان علو مکان بولشد رواج آید بر صکره طوق  
سرف جنانه لری سیرایه بخش کردن اهتمام جلیمه سعیده اولوب بعد الفطام  
دیدار فرخنده انار لری نظر ادر مر با طریقه عوض ایلدی تا تبر من قدو طری برله اکبرکت  
و نما فاندان جلیله رونا اولد و غنم ماعداتانی قیلده دخی حصه باب فیض ابر عیانت  
الحیه اولغین اول درو مطرای کلزار رسا عفونت هوای شهاب ام القواد صحت  
بهانه سبیل تکرار دست اعتبارده اولوب شام از روی قیلده سعید اشد  
بورس تنبل سعید نمودار طبله عطار ایلدی بعد مدته قصه تشریح صدر سینه جلیله  
رخس راحت قالد رغبین آتاش محبوب سلامت صاحبانه سبیل طبله تلخیص  
دسته همت ایدوب ساضه سجه لعلی اول سرود سرده سبهاره محسود

جنت الاوی اولدی نقل صحیح اوزره بهاشتر خدمت تشریح اولند حضرت جبریل  
و مکیال اولوب انس بی الیک روایتی اوزره اثر شقی صنفه تابناک صدر لرنده  
نیرک آسمانایان ابدی شب مواجد رکاب برافه وضع قدم اولان مقدم نفعه  
دخی شق صدر اولند دخی ارباب کتب مفادی و اکثر تفاسیر ده کشیده سبک تحریر  
اولشد اعداد سنین عمر غریز الیه بالغ اولد قن امنه زیارت اقرار و خویشاوند  
خواننده نقل بالغ رسالت سایه سنده خط نیرب زمینه شد رحل غنیمت ایدوب  
بعد القبول منزل بوده برزخ بها اقلیم بقا اولغین بحسب الارشاد داخل ملک بینبری  
ام امین برزوه و امان خدمت جلیله حصانه اولدی اعوام دلالت با سعادت نیردینچی  
بیلده میان یکمانده استعمال بولان نازده ساله سوز قحط و غل سر حسیه انبیا حضرت یک  
بوزی صوبینه انظما پذیر اولشد در ساله کشور ساله هفت ساله اولد قریده جده  
امجد لر دست اخیریما نه زم حیات ایدوب بخیری ابوطالب محو رتبه و آلائی  
دلای اولدی اولن اوج با شندن ایکن ابوطالب ایدله محیل نیر غنیمت تمام اولو  
بجیر نام زاهد تافن ارشاد ایدله بصر دن طرف ام القریه امانه لجام قفول اولندی بکر شی  
سال اقبالده رأس المال خدیجه کبری برله انیک سفرت ام ایدوب بود قده جانشین  
بحیرایه عارف تسطوری مکاشف رجاسیده عنان انیکه طرف دار الامن کله اولدیر  
و بعد الوصول حضرت خدیجه ل ضحی اند غنما او تونز طغوز با شنده ایکن محرم خلوت سر از دخی  
ایدوب بروقت سعوده قران سعیدین واقع اولدی اولن سنه صکره ارکان  
رصف البیان کعبه معظمه به شرفها الله تعالی تطوف شکر احتمالی و بر لکین اصحی کلمه قریش  
نقص و ابرامنه اقدام ایدوب مهندس کارخانه دین خضر لر دخی بالذات با شتر خدمت بنا  
اولدیلر و حال حال ام القریه اولان جزا سودی بدو بد بر ایدله محله وضع سیر و بلر سینه  
سینه ده حضرت فاطمه زهرا مطلع جارا اندر جاری سهود دن عالم وجود فیض نور  
سرور ایلدی عام فیروزی انجام صدی و اربعین ریح الاولی اوایلنده التی ای نامه  
نوطینه لوحی استکمال شامنا صدقه عکس انداز دوات تابناک قلب پاک لری اولوب  
سر صبا مکا اولان بدیچی کوفه ادا و خدمت تنستک سیر و قدر غار جیلخ اوده ناموس  
اکبر لینه نظر انور لرنده جلوه کرا اولدی و بال افشان عرصه تبلیغ اولوب اقرا باسم ترکیب



الذي خلق الانسان من علق اقراء وربك لاكرم الذي علم بالقلم علم  
 الانسان ما لم يعلم كرمي صحيفة حافظه بنى اية تعالى انك تدرى ما تكلم  
 وصنوه ومارك وولفين آتین برستش ونيار يلدی بعده حكمت بالفقه صديقه  
 اقتضا سيله اوج سنده رسته وحي آتیه عقد تاخير و شوب طرف توار تزل  
 ايات بنات سنده اولفين بوا مهال شخص اهل اوللق احتمال اول سيار  
 ورسالت ساهقه جيلدن مانند برتقور سبد خجسته كند ولين زينه رناب  
 اينك مراد ايدوب مومن السروج خدا كيكاه خفادن رونقا اوللق ابله شخ  
 غنيمت يورر ايدى غلغله نوبت بنوت اربو لوله اندازنه رواق اولكو  
 آوازه دعوتلى عاكبر اولحق نوع بشوده جمله دن مقدم تلييه اجابت تقدم ايدى  
 ام المؤمنين حضرت خديجه كبرى اولوب هنوز هشت ساله ايكن عظمه فقر  
 انزه اقتضا ايدى غلام درگاه رسالت و شكه زيبدين حارنه درجه ناله ده  
 بولوب بشير و خلفا اربعه صديق اكبر او توز سكرتار سنده ايكن رابع سابق  
 اهل ايان و رهبر طريق عرفان حضرت عثمان اولدى بولور دن صكره مشل  
 عذب توحيد و اسلام كثر الزحام اولوب خدا و احاد اصحاب كزين  
 وجود معدلت نمود فاروق برله و اصل زهد رابعين اولحق اهل اسلام  
 برستش خداوند انامه على روس الاشهاد اهتمام ايدى اولد بولر قلته ايجد  
 خيال قرين بى قبيله وعشره اوله ضعفاى مهتديان راه ايمانه الجا و باعد  
 تكليف عيف ارتداد و وارثه تحلن خارج جور و بيدار ايدوب شاره  
 اذيت واضرار لرند و دار الامان حرم اللهده قرار دشوار اولفين حسب  
 اذن على سنده فامسه بعثت رجب كوايده اولون بر فرد و دورن زن  
 ظل ظليل حاجت نجاشى به النجا ايدوب اغار طه تلك الفوائيق العلى عام فبور  
 شواله صوب بيت اسد كوايده امانه لجامه سبب اولش ايكن لى الوصول  
 خلاف مامول ظهورى غارتگر كشور ارام و حضور اولوب بود فعه بوز و زيار  
 رجال و شامه ببنج حيره حاجت نجاشى به بلنج اولد بولر عام سابعده كفار  
 ريسان روزگار ابوطالب خانه سندن عقد جمعيت ايدوب سيرانداز

حاجت حضرت سلطان كشور رسالت اوللق بكون اندكلى الحاج ابرام  
 منج حصول مرام اولفين مدنى الدهور و الانعام نهايت استحكام اوزره  
 اولان جبل المتين مراعات تراط قوايت قريه به انقسام و بدوب بولور  
 محتوى و نيقه خجسته تيقن و اهنما سقف محلاى بيت خدا به تعليق  
 ايدوب اندر اوج سنده طرفين ابواب معامله مواسات و مصفا  
 در دولت مندان زبانه كى شدا اولوب اول مدته اغره بنى هاشم و عبدالمطلب  
 شعب نام مقابله قرار و ارام و بخرج زهراب متاعب و الام ايدى  
 سنده تامده حضرت ابوبكر ايله آي بن خلف بيشده قضيه حارنه واقع  
 و قبل تمام المده افتا صديق كلام صديق لامع اولدى سنده النسخ  
 خديجه كبرى رضاعى عنها يكروزه رست بل شش آرتيق رعابت مراسم رضا  
 جويين بدل نقدينه اهتمام اندكلى دن صكره عام عاشره و السعاده ملك  
 بقا به خوام ايدوب خاك ياك معلاده متوارى كوشه لحد اولدى  
 خدوم ارجمند و فرزند بلند ارجمند ماعدا سلسله و الانشب حسب حضرت  
 الانبياء باز بسته اولان اولاد و امجاد اول صدق لجه ناعقرباب عقيدن  
 ارايت كرا فسر ظهور اولمش در ربا كيزه نها و در بار جا غم ملك عالم جاودا  
 اتمك ايله ساعه سببه كينه لرند ز راحله صبر و سكينه اهنك رجب انبليكن  
 اول سنده غام كيون سببه يور و بولر اول سالده ابوطالب فرنده كرك  
 مرك بنجه سنده كرفتار اولوب اهل سنت مختارى اوزره اقليم عديبه بى  
 دستمايه توحيدبارى وضع قدم اتمت در و هم اول سنده سلطان  
 هر دو سرى حضرت زيبدين حارنه رفا قبيله عنان ايكنر حاجت ظاليف اولكو  
 اولن كونه مراسم دعوت مهماتنى رعابت يور و بولر قضاي ذل شقاوت  
 مانع قبول غرا حاجت اولفين رفاقت توفيق بر لطف بيت عيشه خريكه  
 رجب غنيمت يور و بولر بطن خلكه نام مقام جا و ركلنى نام شام عوده و ظلام  
 ايله فراشته اولد و غي و م ايمان طابقه جنيان صورت ظهور كوستردى  
 بنه سنده عاشره ده حضرت عايشه و سوده بنت زمعه داخل حلقه امها

روايت خديجه كبرى  
 رجب عاشره



مؤمنین اولوب حضرت صدیقه در جات سنی عروند هنوز بدینی درجه  
وضع قدم امکان اندر خلی بند زفا اولدی سینه هجرت ماخبر سوریکو بیت الشرف  
رسالته عجلاله الوقت سوم نافر خدمت فراشت اولدی سنین شرف  
قرین بختدن اولن برنجی بلیده متوطنان مدینه دن آدانا سک کج بیت لک  
احرام بند غایت که اوله فرجی الی نفر سعادتمندان ایمان ابله سر بلند اولو  
مدینه به وار و قلنده نفید لک بکریه ضلالتدن نجه رحر حسمه هدایت دلالت  
اندلر اختلا و اتدن قطع نظر اولن اکی عام حجت انجاء شهر رجب لک انک  
بکر مدین کیم سی بین الصفا والمروه امهالی خانه سندن بیدار مع جسم طهر  
محول زلمه روح مقدس ولدوغی خالده سجد قصابه اندر مقام عکس قوت بین  
او او نایه شریف ساز اولوب بی مانعت اغیار شرف مشاهد و بدار  
میسر اولدی او شام غیر فاده خوانه غایت بی غایتدن انخاف اولن جواهر  
مکرم و الطاف کشف رسته نجر انیک خارج عهد بیان اولغین  
بیل فصیح اللجه خاله اعجاز طراز اول کلشنده نغمه ریز انیک تقویر سر آغاز اندی  
اول شب بر طرب بدو بد لرینه برات فضیت صلو الحسن بن لک  
العباد با الله تعالی سر کدر ناعدا سیات امت مرحومه مجزیه و فقری سینه  
عکس ندر فروز همج اولمق بشارت علاوه نامتالی الی اولد ب لک عظیم است  
تخلیه رسالت حضرت نرانی معراج برله سر بلند اولد قری لیلته القدر وه  
مدت سفر اوج ساعت بخوی اولوب روزنه بالا خانه افلاک در صحن  
صحرای عالم خاکه بر تو انداز نزول جلال اولد قلنده یستر نور لنده اثر و ارت  
جسد مطهر لری هنوز با ابدی بوخبر عبرت اترق صیدیق اکبر ابدیک مرآت  
خاطر لینه ذره قدر غبار انکار غرض اقلیو به ترو و کلبا یک صیدیق بلند  
انکین والذی جاد بالصدق و صدق بر خوان کمر سندن حصه مند اولوب لقب  
شرف صیدیق ابله لقب اولدی سینه فزون موسم حجه مقدما علیه علیه  
توجدی زکرون ابد ابدن خوزجان و غیر بدین اولن حرجی و اکی آوسی بر  
عقبه وه بنوع ماء الحویه هدایت اربوب جبل المین بیعت تا و بر و بر و قطع ابا

سجده

نصیب

عقبه  
اولی

قرآنیه و تلقن احکام اسلامیه کچون فراد اصحابدن مصعبین عمری استصحاب ابدو  
اول سلطان فرمان مطاعی و داع اندلر عام قابلده سعادتمندان ابدی و نر بخش  
اوج مرد و اکی زن لیلته نایه ابا م نشر لیده شعب عقبه و نال غلاما اولوب  
حضرت خواجه کائنات خطه نونسی نر ب طرفه تشویق اندلر خصوص بعت  
السنة اصدق اذن مسلح اعدایه اریستوب قداحه ستم و از کفار شرک  
نشان خراقة صبر قرار سلیمان اولغین اذن همایون اصحاب سعادتمندان  
فوج فوج محبط منکر کم الموج کبی طرف مدینه به آقوب حتی هر بر منیع الغاب  
امیر المؤمنین عمر بن الخطاب و فی صوب ساحل سلیمان اماله سکا نر  
ابلدی سینه نایه عظم صفر انجمن سید البشر حضرت قری علم از اوج  
اولن کچون حضرت الهیه ظهور انکین ماه فزور کبکرم کچون کیم سی دلا  
رهبر توفیق و رفاعت صیدیق ابله متوکل علی الله غم راه ایدوب غار نور  
اوج کون قرار اند کلنده صکره غره شهر ربیع الاولده دار الکینه مدینه طرفه  
اماله لجام نهفت سور لیدی اولن اکی کچون کون منجوق ظفر النوار علم افتاسا  
عکس قبا مضافاتند قیل عروین عوف بخاریده و رخت اولوب او زور  
کون اول بقعه فرام کوش و امن آسایش اولد بر قبا و اقا مندری استند  
مورد کینه مسجد استسج علی التقوی اولن عباد و نگاه فلک شتابه بناسنه فرام  
صادر اولوب محرابه اول معراج کامل کدس کارخانه اسلام حضرت لک بالذات  
وضع اساس مصون الاندلس سور و بر حضرت مرتضی حسب الامر اصحابه  
تسلیم و ابع کچون مکده و مختلف انمسن ابدی اواء خدمتد صکره صبحه بوم نایه  
ماخبرده ییاده غم مدینه ایدوب منزل قبا و محضر شرف تقییل بار سدر  
بیما اولدی انقضامت اقامتد صکره بوم محرم حجه و نفس مدینه به سوی  
مطیبه نوجو سوریکو سینه شقه لوا بی عالم ارا لری نازل بی سالم بن عوفه نعم البدل  
طلن برها اولد فده زاتونا نام و ابدیه جمعا یوز نفر کسینه ایلده اوا صلوة جمعه  
سور و یلر امام صف انبیا حضرت لک ابدی اوا سور و فکر فیضیه جمعه بود مدینه به  
وصولد حانه بی بهانه ابی ابوبه نزول سوریکو بدی آرا اول ساری ده وضع

عقبه

عقبه

عقبه



وساده ارام و بودن سحر برف و حرات هابون ترینه اتمام • موردی  
اول خلایه زیدین حارته و ابورافع غم مکه ابدوب کریم که بر حضرت فاطمه زهرا  
وام کلثوم و ازواج طاهرات حضرت عایشه و سوده ای مصحوب سلامت و اصل  
بنوی اندلر او سنده مهاجرین و انصارون فرق پیش تو بیلرند سر او ضارده بر بر  
نوافق و نظایر انک او زده عقد موافق سور دیلر اسلام سلمان فارسی و عبدا  
بن سلام و سبت اذان سرف دی بو عابد ظهور اتمشدرینه بوسل شولند  
حضرت صدیقه بالانشین مرقه انفصال او کویر ستار بخرجه خاص انخاص شرف  
اختصاص بولد ریم بوسه حوالی بدینه ده طرح اساس ارام ایدر نه یهودی و بنی  
بنی نصر و بنی قیفا ابدلر عدا با عانت و او دایه امانت انک او زده بانی نوادیه  
اسم حکام و یلوب و بقیه صلح بخر او لندی سنده نایند ده کریمه اذن لندی بقالو  
بانه ظلم و ان الله علی نصرهم لغیر بر بر حکم شتمن انکم لکم و بکم و لی دین منسوخ العلم و کو  
او جهان مطاع فاکلوم حتی لا تكون فتنة فرع اساع ایلدر نایر بن بعث سرابا و ترفیع رایت  
غزایور یلوب مخا ذیل متبرکین سل سحر غیرت دین اولندی آیت حضرت قتال  
عام اول بجزین شرف تنول بولد و غی و غی بعض معتبران مرسوم فلم خبر او لشدر زده  
ذبت بخش فاضل البرکات حضرت خواجده کانیات علیه افضل الصلوة و بخت  
صف سیه اسلام اولد طر غزوات اون طغور و بایکیری بر و بر قولن بکر و ورت  
اولوب انجی طغور زنده شمشیر الاس کوز شکر خون بر لر رنگین اولد بخت  
یور و قلی سیه فرق بدی و بالاله اولوب مساهیرنه بخره حسب الویعت  
اول نور و اسد الموفق دولت ابدی یوندا سلاده اول بختی اولد سیه نصرت  
و سنگاه سیه حزه بن عبد الطلبد رکابان قریشی عارت و اول شتینده اصال  
خسارت بکونم کرم حضرت خمره رضی عنه او نور مهاجر ابله ارسال سور بکو  
طرف لشکر منجوس لاثر کفاره اولان کثرت باز و تاب ناب طافت اولغیز  
مسک متار که بسلوک مناسب کورلدی ناینا سر سنج المهاجرین ابن غم الیلین  
عبیده بن الحارث و بر مهم نشینی بکونم که دن لواغ غمیت افراشته ایدن  
فتنه جویان قریشی دام انتقامه دو شرک رجاسنه عبیده التمش مهاجر ابله و بر

غیمت افراشته ایدن فتنه جویان قریشی دام انتقامه دو شرک رجاسنه  
عبیده التمش مهاجر و بره غمیت اولوب صف اجمارا بیده اولد قد  
بنده خاص سعد بن ابی وقاص بر ساهاز خذک مجل یکانی بازوی نه کما کما  
مرغ شکسته ال خانم عدوبه صالمین بای و مقاولی شکست بکو و لوک دلمیز  
کر زده سکوت ابدلر ناسیره سعد بن ابی وقاص که و بس کار بانی متجر اولد قلی  
نقابل متعه جازیه بی خوزه نارنج القی رجاسنه سعد بن ابی وقاص و مهاجر ابدلر  
الغار اولوب رنده رنده کفار بکون مقدم وادی سلار متد وضع قدم نمس بخت  
صوب بدینه به اماله لجام حاجت اولندی یاد ساه معلی بارگاه یکده سوار صار  
لی مع امد خضر بالذات تحریک رخس غمیت یور و قلی غزواته سر نامه و لای  
غزای غزای غزوه ابو ادر که نارنج نوبس لاثر جلیله سیه بری سنده غزوه و دان غزایه  
و غی نارنج نویسلان مذکور در قفل مکتب غارت • و قبیله بنی ضمریه اصال خسارت  
• بکون مهاجر بدن التمش نفر و نبر داز بار لر رکاب سعادته وضع قدم کرم  
و صوب مراد بخر یک نوع و علم یور یلوب منزل ابو اخطر حال اقبال  
اولد قد کار باندن نام و نشان کورلدی لکن بشوای قبیله بنی ضمره بخت بن عدو  
موکب جاده و جلالت استقبال ابدوب بسط سگام مانداری امرنده اتمام نام نمکین  
خدمت بسته سی منظور نظر قبول اولوب عقد مواعده بایند اند کلری  
رجا قرین حصول اولدی بعض کتب منایند بوسفر جلیل لاثر رقم زده برعه بخر اولان  
سرایان مقدم صورتمای منصفه ظهور اولد و غی مطور و غزوه بواط و غی سافر  
استمال خلایه جلوه کرمات کانیات اولد در سیه بار اکیک سیه سیه ستر  
رهوار ایلد طرف ساددن غم جانب بیت الحرام ایدن کار بان قریشی قطار  
سینه چکک بکون اکیوز مهاجر ابله بخر یک سنده غمیت او کتو بنه قریب  
بوط نام مقام ضرب خیام ارام اولد فتنه فرصت فوت اولشن بخت  
خطب بفر زبینه رجوع یورلدی غزوه ذی العشره و غی بوسنه خضر ظهور اتمت در  
ابوسفیان سر قافله اولوب مکدن انک جانب شام ایدر کار با و ستر زده  
غارت اسک بکون اکیوز مهاجر ابله غم سفر خرم یور یلوب سینه نایند



بنی مدیج افرا کاهی و لان منزل عشره تقبیل بای عوش بیای حضرت سلطان انبیا  
رشتک جنت الماوی اولدوقده ادراک کاربان حد امکان کدران اولغین قات  
کون جلب استراحت سور بلوب بنی مدیج ایله تاسیس بیاصلاح اولدوقده صکره  
طرف مدینه سوق مطبیه رجوع اولندی حضرت و تفضی بوغزاده لقب استجب  
ابو تراب ایله تشریف اولمیش در **●** اون کون مکره یس برده قتل و غوغا بدولت  
روغا اولدی بوسنه محمد بن حبش امیر سرتیه اولوب سکره بر قورله اون ایکی  
مهاجر ایله بطن نخله نام مقاده کاربان قریشک اوکن لوب سمل شمشیر خوریز **●**  
و بنیاد و ب و سینه **●** اندلس هم صایب واقف بن عبدالله صنف سیاه سر کیندن  
عرو عا احرر افناد غاک هلاک اولوب عثمان بن علیله حکم کرب کفر قید سار  
اولغین سائر لر میدان برون روکروان اولوب استع کاربان داخل حوزة اغنام  
اولدو دولت اسلامیده قتل و اسر و اخذ غنیمت ابتدا بوغزاده اولشد راه رحبه **●**  
قبل انام بر خوی فول و جهک شطر السجده ام بیت المقدس دن طرف کعبه مکره  
تخویل سور بلوب ماه شعبانده کرمه کتب علیکم الصلوات مع شرف بنوی یلیدی  
بو عام خجسته انجام شهر صیامند غوی فرغ قزای بد کبری طهور بر جای بدین دینه  
ست و دو خم **●** و کروه شیر کیمی گرفتار و ساخته اندوه و الم **●** انتم در احوال حال  
اولد که مقد ماغوغه ذی العشره ده پنجه شیر دلاان ایمانده تخلص کربیا جان ایدن  
کار باک ساددن جانب بیت کرمه فغولی بروجه پنجن یغین اولیحق ماه رمضان  
اون ایکنی کون زجال کرب اوچوزون اوج مردنر دآیین بر لفضت همایون  
واقع اولوب بعد طعی النازل بدره قریب بر شتر که پنجش نزول اولدوقده کاربان  
سمت سلامت گذار **●** و انداز ایله تلا احتمال اولم مخلصه بر ساز و سلب طغوز نور الی  
نفر سرشان قریشی ضرب خیمه قرار تمش بولدی مکره سرقاقله سفاسا  
اسلام طرفندن کندوری گرفتار دام اغنام انک قصدنده اولوب تحقیق کیز  
مقد بارکش نه بختان قریش نامه استغاث کوندروب طریق ساحله حوز  
شهر سنان کته اولش ایدی مضمون مکتوب ابو جمل و سائر ضنا و بد قریش کتو  
اولیحق بکدرست و همواره استعداد کارزار اولوب آوازه کوس رجیلی ابر یوندا بیلر

اشنا طریقه سرقاقله ابو سفیاک سلامت کعبه وصولی سمولر اولغین هر کس بیک  
طریق رجوعه جان ایله طلبکار اولش کن ابو جمل و وزخ مدار خلا فیکر لکی ایله سمت  
سلامت جویدن انخواف اوکنو مقام لچ و ضامده قیام اندلر چون ماه بر نور ک  
اون بدیجی کون سربازان طرفین اواره جام تیغ اسام ایکن بزم ازم افزین بند  
اولوب مطرب مجلس اجماعده مخالفدن تقه بی اهنک جهک سر اغاز ایله اولم  
حضرت سید ولد آدم صلی الله علیه وسلم قبله حاجاته توجیه روی مناجا ایدوب  
تسبیح فتح و ظفر جاسته فرغ و نیاز تر ترا ندیلر لاجرم سهم صایب باز هدف حاجاته  
اصابت ایدوب بازاران بی باک چاکسوار از غصه نک و رو **●** جنود مجتهد  
طراکه برله امداد و تقویب اولغین بای مقادمت کفار است اولوب  
مضیق هول ایکن کیزی و جغ غنیمت اندلر اول نبر و کاه رستخیزه انیده خنک شکر کیندن  
ابو جمل و امیر بن خلف و نوفل بن خولده و سبیه بن ریح و ولید بن عقبه و عقبه  
بن عبد المطلب و بونلر امکا تمش لغزیده عازم بیس المفسر اولوب عباس  
بن عبد المطلب و عقبه بن ابی طالب و عقبه بن ابی معیط و یغین انخارث و ابی  
بن الربیع و عمرو بن ابی سفیان بونلر مدانی نمیش لغز و زور و زنی بسته قید قزل  
اسرا و لیدرست کرفت ارون انجی اون دورت سعادت مند تاج سها  
برله سر بلند اولت در طرف بارگاه کبریا ناهدن بوفتح فبوزی روزی اولیحق سندن  
طراز جلال بالش اقبال خیر لری روی طراعت و انبهاال سوده زمین سکر کدای  
ایدوب و معقه السوری سجنه هزار و انده حمد و ثنا کاری حضرت باری اندلر اوج  
اول مقاده آرام سورلدقندن صکره لوا فلک فرسا صوب مدینه باماله بولر  
مضیق وادی صوادیم یخلد قد ستر کرون افراز ابو جمل سمسیر سر انداز میندن کجای  
خاصه همایون ایکنه اخراج اولدوقده صکره داخل حوزة تاراج اولم صنوف اموال  
صف شک تاز حومه قتال سندرند تقیم اولندی اول منزله فرماستختم الا  
اوزره کله بی دولت یغین انخارث ربوده پنجه عقاب شمشیر اولوب  
عق الطیبه نام مقاده عقبه بن معیط و حی علف تیغ تلف اولدی ماغدا و اوخنها  
برله تخلص شرو جان ایدوب روض الانف و سوم قلم خجسته رفتم امام سبیط



اولدوغی اوزره انارون اولن طغوزیک بخت بعدز ماچلفت بکرت  
ایمان ایدر خانان صحن ساری عالی کمان اولدی ساری بدردن آخذ فیدیه بر  
دست توفیق کشیده اولدوغی کویا موافق رضای الهی کربسی مد طرف  
ایزدو و ابلالده زوار و اولم اعتراض باعث تسلسل قطرات اشک و غوغا  
و انکسار اولوب بوکاره اقدام ک اثر شامنی غوغا ائوده ظاهر اولدی  
و جوب صدقه خط و صلوة عید و سوز فاقاطمه زهر او علی قضی بوسال  
سعیده بدید اولم احوال دن اولوب غوغا بنی فیتقاع دخی بو عام فیروزی  
انجام مایه ایتام ثغور اسلام اولشد رقتد ماز بازو قلم بخیر اولدوغی  
اوزره بهود و قیقاع ایلد شافی عراسم اخلاص بروضع کستاصد و ایتامک  
سیر طیلد سالی بچر دن عقد یونند صلح اولشدی اساس مصالحه ردت  
رخنه دار تیش غدر او کتو بهود و ایتامک سالی ایتام اولشد ایتام  
بوسنه شوالنده کند و باز کارگاهلر بر سنگینی دستمایه جیات ایدو  
رسته عهد کوشه تقاض کت بر لک کتسه اولم غین سر اندازان روز  
کین سیر دلان انصار و مهاجرین تنهیه مهم غوغا ایلد مامور اولوب حیلل ساق  
اول بد کردار لر مضیق حصاره گرفتار اندیلر ایتام حصاره اون بئس عددی بکیر  
ایدیکک مخاویل بهود که بدی یوز و دتغ زنه ابدی کفن بر کردن حصارون  
حقوب اورعات سنا مطرح اساس قامت اندیلر صنوف اموال  
و ادوات حرب و قتال مضبوط خدام درگاه ک اولوب بعد از انجمن  
بین القزاة تقسیم اولند شهر و ابا اوزره غوغا سوبق دخی بوسنه مبارکه  
و قایعند مذرا بوسفیان طمحه بدر زخمه مرهم اولمق ایتامیله دار البریه بر بوز  
قریب بعضی ناحیه سینه علی الفقه سینه نخوست صالکوا انصار و دمن عمل نرا  
مشغول ایکه مسلمان اهلک و بر قاج نخل موزون خوام خرابی افکنده روی  
خاک ایدر کدن سکره غاناتاب تید و بار اولدوغی و اصل سمع نبوی  
اولمغین اکی یوز نفر مبارز و زور و زبردت تعقیب سوب بکولای کرختی که ایتام  
اولدی باند زار اولمق ایچون سفاینلر از طریق اولم سوبق ایتامین نیاز

اولوب رزق حلال نصیب غوغا طغوزال اولم سوبق غوغا سوبق سینه  
سبب اولدی عام ثالث بچر دن غوغا و زره الکدر واقع اولدوغی سلیم و عطف  
بر قاج بر بک روز کار ایتام و انش فساد و ملاحظه سببه قرقره الکدر نام مقام  
عقد رسته اجتماع ایتام کلری استماع اولمغین اول کروهی توفیق ایچون سربازان  
میدان مبارزیدن ایتام غازی بر لقطع صفا و سهول طریق او کتو محل بهوده و زور  
اولمقد بر متفکس کور لیدی اوچ کون غلبه استراحتدن صکره اول جوالیده  
رعی و چو ایتام بشیور شتر سراز کف اندازی قطار کله کوب طرف مدینه  
نوبیه مطبوعه حاجت یور لیدی غوغا انار دخی بوسنه صورت تجر  
بولشد ر غورث نام بر شیر رفیق نحر یکیلدی ثعلبه و محار بدن بر جمع منازل  
تجدون ذی احر نام موضعه نرفیع رایت جمعیت اطراف مدینه به  
یازده غارت ایتام ملاحظه سید ایتام کلری غوغا درگاه راسته کت  
اولمغین در تیزو لالی نفوذ لیدر اولمدر کاب غوغا وضع قدم همت یور لیدی  
یرتو ماچله لوار فلک فرسا اول سرزمینه دوست کدن غورث و ایتام صعب  
الکال شوا بق جباله تحن انتم لیکر بعضی مخرات باهره سید طریق حق  
مندی اولوب اتباع فرمان جهان مطاع ایتام لرحاسن ایتامدن اولمدر قتل  
کعب بن شرف دخی بوسنه به طراز خلعت فخر و شرف اولشد سر سینه  
قوده دخی بوسالده رتبه و قوه ایتام شد ر ایتام جانب شام ایتام قافلده  
فریشی یازده غارت ایتام ایچون زید بن حارثه یوز سوار تیغ کدار ایتام  
او کتو قوده نام مقام کار بان فریش بر و بکیر شمشیر خونریز میدان حرب  
دستبزه یوز جلوه کراولیدن کار بانان ایتام راه کریر ایتامین متاع تجارت  
داخل حوزه غارت اولوب بکیر بئش یک در هم خمس اکتوب بوسنه  
حضرت ام کلثوم بنت رسول الله حضرت عثمان ایتام تنهانشین خیمه زنا  
اولوب سابقا رتبه و کلام کلثوبه رضی الله عنها آغوش نکاحه ایتامی لقب  
شریف ذی النورین ایتام لقب سبب اولدی بوسنه حضرت حفصه  
عمر بن الخطاب وزین بنت قویه سلسله امهات نوبینه منحوظ اولدی بکیر



بوسنده بسط مكرم امام محترم حضرت حسن رضی عنه انجمن افروز وجود و شمع  
 نور افشان مجلس شهود اولدی بوسالده بحکم الحرب سجال معرکه کاه احد و  
 صورنا ساهد ظفر بدخواهان دولت ایمانه مسخر کورندی اجمال قضیه اولدر که  
 مقدما رسوم کلک بیان اولدوغی اوزره ابوسفیان سر قافله اولدوغا اوزره  
 کاربان که دارالامانکه به واسل اولش ایدی اول امتعه تجارتمک اکثر اصحابی  
 خلال حب و قتالده کرفار سر بنجه شیر شمشیر اولغین تخمینا یک شتر وار  
 صنوف اموال برستم و دبعث دارالندوده مطروح کوشه اهل اولوب  
 بازماند لریک کربه دزارندن اولک دست نصره المغه کجا اولدی ومع جای  
 برله اتش اندوهی نوعا شکیب ایدوب سیون و ماتمده سیدل ذبال فراغ  
 اند کلرندن صکره اجناس امتعه بی نقدا ایدوب راس المال صحابه تسلیم نیدلر  
 ریج مالص الی لیک مثال بیز کامل العبار اولوب صنادید و قریب کیم بند  
 اتفاق اولدیکده اول مبلغه سربازان میدان ایمانده اخذ انتقامه بدل و انفاق  
 ایدر لر بو تدریز مشعقت البند میر بنجه ایدر اولوب کی جلب مال و لی تحصیل و قال لکون  
 از زمانه کئی واقفانی اوج یک سپاه کینه خواه جمع اولدی باز ران میدان عجب و غور  
 غما انکیز شورش و اورا کئی عازم طرف مدینه اولوب ماه شوالکدن اوچتی کونیه  
 بطن وادی اوده سابه خوش حال دیر روز دیگر حضرت سید البشر صلی الله علیه  
 علیه سلم یک نفوذ لیر روز آور برله مدینه دن عزم زرمگاه ایدوب نیم راه دن  
 اوچوز قدر منافق ایدر رسل ربیبین ابی علم افزان شقا اولغین سابه شقه  
 لوای اسلامه اینتی بدیوز نره شیر شمشیر زن قالدی اون بسجی کونیه مقابل صفین اطهار  
 صورت مرج البحرین ایدوب سربازان طرفین تیغ کشیده عزم میدان ایدیک  
 بی درین علمداران قریبیدن اون بری افتاده خاک هلاک اولوب مضار کارزار  
 رخسلاف مروی سوزلردن بری سر منزل سلامت ابر کلین لوای شوکت کسکست  
 اولوب صفوف خالغین بهر هزده دیوار ایدر اولدی سلمه جلا و سر اندازان  
 حومه دین برله خذله مشرکینک یوزلردن و نوب سپاه اسلام سببی افتاده  
 آل و زیدلر نسوبه صفوف اولدوقده ابار ماح و سیوفدیز بر فرقه جانبی آتار

استحضرت شعا رده اولان جلیل عینین شکافنی محافظه کون اول محله و قوف ایلر  
 نامور اولوب کلاله نوع ظفر فروغ شمال اقبال دیوار ایدر دن قابضی بله شکر کور  
 اولسون بی صدور حضرت حرکت انیمه سوز بوتینه و لشمش ایلکن بازو اقدار  
 کفار بر تافته بنجه انک را اولوب باران یما غنایم بی شمار ایدر تحصیل اس المال بسیار  
 اند کلری منظور لر اولیق اکثر مستحقین خدمت محافظه سید نامور اولد قمر کز دین  
 دور اولدیر خالین الاید و عکرته بن ایلر جهل کیم کیمین اول فرجه دن ایصال کز نقضه  
 فرصت بین ایدر سیدلر کجا بولیق بازاران بر خاش و توقفا سنده جوی آب  
 فو بلوب بنجه سنا و لریج شجاعتی برده سبک افغاندیر فرجه کمال بارادت ذوالکمال  
 تاثیر شامت مخالفت برله صورت نامایم مجلس حبیه ظهور ایدوب کتاب  
 محمود العواف اسلامیه منظومه سی الخلال اولدی حتی وجود نازنین حضرت سید  
 المصلین و فی راکی زخم خونا شل اصابت ایدوب رشک عقد در عدل اولان  
 سک مر و ایدر دندان رباعیه لریک سینه اولدی اول نیم رزیده سید الشهدا  
 حضرت حمزه و عبد الله بن جحش و سعد بن الربیع و بنو نزار امتا بمنش شبر دل مست  
 صهبای شهادت اولوب متواری کنام مشاهد منوره اولدیر رضوان ایدر کت  
 علیه جمیع رزمه رنده مشرکین معزوران میدان کین کمال عجب و نهایت غور  
 و حصول نامور و سوزنا مصور برله طرف کتیه غنائاب راجعت اولدر ایلکن شهنشیر  
 مدینه بی بازده غارت ایند کلرینه نادم و اول لکراسدی شیشه عازم  
 اولد قری منعکس اولغین فتنه جویان زریسه وجهه غمیزلردن صرف لکون حرکات  
 عینقه میدان قتالده فلوب رجالده اولان خفقانه هنوز سکون کلریش ایدر که عزم  
 بهما یوز یوز بلو مدینه دن سکر میل بعید حرا الاسد نام منزله غور و نزول از لیل یوز دیر  
 اول کجانه ابوسفیان و رفقای طریق ناصوب رجوع دین غنائاب اولوب رگه  
 جانب بیت العتیق اولد قری جنری تخفیف لشمغین رفاقت توفیق برله دار سکینه  
 مدینه به توجه کایم اولدی عام رابع هجرت حضرت خیر الانامده سیده ابوسلمه واقع  
 اولدی بنی اسد رؤسا سندن طلحه و سلمه پسران خوبلد طرف سلامانه بطریق  
 ایدر ایصال خسارت اینمک دام سولای خامنه و شدو کی موقوفه و اخصیه



عضل و لنگین فساد آتش هنوز زبانه کش اولدین اطفا و لنگی چون بوزالی مرد  
 زور آزار بارله بوسلمه مخوفی بزوجه استیصال ارسال یورلدی بنی ابدی اگاهی فطن  
 نام مرعاده اولان دوات و مو امتداد ابریک لبین غزاة دین اولوب اوج نفی  
 غلام دخی دست بسته اسیر اولدی سیاه اسلام رنه اغنامه اطالیه است اغنام  
 اندک لری هم کام ده بر جوبان کناره سلامت جان و کوله استغفار ی عالمگیر علی  
 و سیه صورت واقع دین خیر اینکین سیم جان ابله سبکبار آهنگ مضیق قرار اید  
 پس اندک بر خنکان دخی نصیب سر بازان عصبه ایمان اولدی دفعه بزمعونه که اجماع  
 اصحاب سعادت استابدن نیش گشته تک و بخت چنانکی انجام شهادت اولوب  
 خون دولت حسن فاخته دن همته باب اولدی بر بوسنه مصاد اولوب تکدر  
 سر حشمته خواطر اسلام با نمت درینه بوسنه فتح مبین غنایض اید و ده آرزوی غزاة دین  
 قرار اولوب جیر کس قلوب اینست در گذارش پذیر بخیر اولدی و غی اوزره بنی انضار اید  
 نخل سم خلوص بر وضع کسناخی صدور اینک سربطله عقد صبح راحت بخش اولوب  
 بر قاج سینه آسوده حال ظل امن و فراغ بال اولند اید ی بوسالده بر امر مهم کجه نخل  
 موزون خوام کلشن فوجی الهام حضرت لری اول هرزینه سایه سعادت بیره صاکو بودنه  
 انضار طر فنده دوحه سربلند وجود لربین روضه شهودن بر کند دست غدر اینک قصد  
 فاسدی اولدوغن این الوی الهی مروض شکاه درگاه رسالت کجای اینکین  
 دار السکینه بدنه طرفه شریف ساز اولوب اول غدر لر خوا اینک عید کچون  
 بلای جلایه مبتلا اولدین فرمان متختم الاذعان شرف صدور بولدر یای جهان ارایه  
 وضع انگشت مخالفت اینک قدر تکی اولمغین امثال امر عایه صورت رضا کونیه نکر  
 اینک رئیس المنا فقین این بی سلول تجلی ابله کیر بان خلافت زبانش جیابوب میدان  
 و کذا فیه بر دانه جنش کوسر و یل لاجرم بیکانه عالم حضرت صلی الله علیه و سلم جایی  
 انصار و مهاجرین ابله غم طفر خرم سیر یلو اول کاره کرد ام مضیق صادره کفرار  
 اندلر ایام محاصرون بشی کونده فرع باب بازه سر غار ایدوب دینوز کدر  
 الحاف اولمغین کند و لره و اولاد و عیال دینه و بار کشت لربنه نخل اید جک مرتبه مالک  
 امان حسان سیر یلو ماعدایه و ذفر اجناس سلاحه مردان حب و کفاح کچون راده

صح ابیک جلدی بخیره یهود کوشه و بران لربنه رانش دود ایدوب البتوزیر بارشته  
 رهوار برله اطرافه ربان اولدیر یس انده یهود اوله صنوف اموال فی اولمغین بعض  
 عقارات منظره انکشاف لربنه غایت سیر یلو باقیقی خواص یل بوزر کچون مضط  
 سزاوار کورلدی این هشام رخرده ی اوزره ایام محاصره ده تعاطی خمر حرام اولوب  
 اقدام ایدلر حقنه حد شرعی اولق فریاد یورلدی بوعام سعادت انجامده کشتن باؤ  
 کرب و بلا بشتنه دشت کربلا امام معصوم شهید ظلم خیر حسین  
 رضی عنه خالک کلتا وجود و رونق اقزای بستان ساری شهود اولدی کچون  
 ام سلمه و زینب بنت جحش رضی الله عنهما سزاوار رستاری دار السعاده رشت  
 کور یلو ب نزل آیت حجاب ازواج طاهره سبب احتجاب اولدی غزوة بدر  
 موعود دخی بوسنه ده نقش طراز صفی طهر اولشد بر مقدمه امر که احد خا منده  
 ابوسفیان اید عام قابله موسم بندری موعده اجتماع نبی لری اید یلر موعودده و رولا  
 اصحاب کرام اید طلی مرطل اولوب مکان موعودده ضرب و تاق جواز انطاق  
 یورلدی بوجه ابوسفیان خدشته اضطراب و یروب اما خواه نا خواه غیث  
 جابله اقتضای سید حرکت مذبحی ایش اکن فیضان بار بار زلزله انعام  
 دوابه باعث تلف اولور دیو بومقد مینی روکش ایدوب جویای کست  
 حجازیدون اولوب اطرافنده داد و ستد کچون عیان و تجارت کلش اید یلر لاؤ  
 دلبران مهاجرین و انصار اگر چه بازار کارزار کرم اولدوغی جنتدن دستبایه  
 ظفر تحصیلند تصور دن خزانیدلر اما کور و کلر امتعه تجارتی اعضا قیمتی  
 ایدلر نقد ایدوب منظره کربنه فائقوا بغمه خرا صد اولدی غزوة ذات الرقاع سینه  
 خامسه و قایعندند بر بوسفرده شتهای سیر بر قاع ملونه ایدلر مرقع جامه در یوزه کذا  
 هند و تراکی بیاض و سواد ایدلر ملون بر کوه دآ اولدوغی وجه تسمیه اولشد  
 بنی انار و ثعلبه دن بر جمع انکیزف و اوزره توافق و اتحاد اندک لری موقوفه  
 و جلالت ابصال و لنگین قبل الوقوع نذارک علاج واقع کچون بدینوز نفر  
 شمسبازان میدان هنر برله طلی منازل اولکوار امکاه فتنه جویان اوله  
 مکانه وارلدقده ن و رجال صف المثال جیانه ایدینوب دست تعین



واندیشید بر سر کوه اولغین العود احمد سلکته اینک اولندی دروید که  
 مفر اهل سقا اولان محمد و اربوب بولکین سال عجز و دن غیری متغیر کورلیک  
 عداوة دین کینده فرصت بین اولق احتمالیله اول کون احتیاط صلوۃ خوف  
 قلندی دولت ایدر یوندا سلامیده ادا امها استیج ابتدا ادا اولان صلوۃ  
 خوف بود و غزوه دونه بجز دل دخی بوسنده جلوه ساز عرصه ظهور اولدی  
 علت حدوث و نیجه ده غزوه ذات الرقاع ایله شکر کدر فضیله بوغاده بود  
 و دو اب مخالفین نصیب غزاه دین اولدی غزوه در سبع دخی ارجع نقول اوز  
 بوسال سیمت شمالده سلکته بیرا به بخش اولان فرائد العقبان و فاعلیندر  
 بوغزاه و ده بنی المصطلق عنوانیده دخی استهوار یافته در پسر ای قیلده کار  
 بن اجه ضرر قصد اضرار ایله بریه نشینان عو بدین جمع سیاه کینه خواه اندوکی  
 مروض درگاه اولغین تغویق شمل مشرکین ایچون صف شکسته حومه دین ایله  
 ترغیب رایت غنیمت یورلدی مرکب ظفرین کند و ارضدنه حرکت اندوکی  
 این ضرر هوا در لریک معکوا و لیحق لانا قلی فیها و الاجمال تسلیمه عمل ایدو  
 منظومین کبی مجتبع الشمل اولان اثر اثبات النعش آسایریش اولدی در  
 حارت ایچون راه در بسته اولغین باله زوره کند و قیسکه سبله مقابل اولو  
 یک طعمه نهنگ شیر و کب دست بسته سیر اولدی بوغزاه سیاه  
 اسلام چند ملایکه کرام ایله تقویت و امداد اولندی دخی دروید که بنیان حرم  
 صفایا بنانیدن ایچون بر وجود مفقود اولدی کوکبه مرکب کفر و ضلال شکست  
 اولیجی زره شیران اسلام خارج خطه او هام اغنام ایدوب بالکرا یکی یک  
 شتر و ش یک کوسفند داخل خطه اقام اولش در جویری نام دختر ماه  
 یک حارث که چمن قسمده ثابت بن فیس سمنده و شوب کروز بسته  
 طوفی بدلی کنایت اولش ابدرا و مار جاسنه خاک و سگاه عالی یه یوز  
 سورد که کوکب اقباس عدا و لوب ادا ایچون صکره داخل ایله نکاح  
 اولدی قصه طلال قزای امک بوغزاه و ن غنایاب سمیت رجوع اولدی فخر  
 اسل منا فبندن سبع بولوب حضرت عالم السرو انجیا اثبات بیتان

اول وانه فیده جلیل القدر لجه دخی تنزیل برله اثبات طهارت ذیل عصمت  
 صدقه انکین اطاله زبان هدیان ایدن دورت مرد و برزیه اقامت خندق  
 یورلدی عند ساس الحاجه رخصت تیمم دخی بوسنده سینه به عنوان شتر  
 اولوب بر قولده خود بو سو فلیل الما شرون حصول امول برله نقول و صلصل  
 نام منزله نزول اولند قدیم صکره دیره شکاف ظهور اولش در بوسالده  
 غزوه خندق دخی صورت پذیر وقوع اولش در شیران غایبه دین اوزره  
 هجوم سکاانه ایدر مخافیل مشرکین طوایف مختلفه دن مؤلفه اولغین غزوه  
 اضراب دخی در لرغده نقش جویر خبر اولدی دخی اوزره که بهود بنی النضر  
 شامت نکست عهد و میثاق دارد دیار لرند زور اتمیش ایدی اول کرده کروز  
 حی بن اخطب و سلم بن ابی الحقیق و کنانه بن الربیع و بنو امیه بر فرقه حوالی خیبری محله  
 رحل اقامت ایدوب همواره اخذ نارد ام افکارینه کرتا راتیدر آخو کار غم جویم  
 حرم اندا ایدوب هزار افسون و فسانه ایله بوسنیان و اکامدایه صنایع بد فریشتی طرک  
 اماله اندیلر و قیلده عطفان و اسلم و شجع و سایر قبایل اطراف قلوبنی دخی مواعید  
 عروب ایله جلب ایدوب اولن یکدن زیاده حرب و ضربه آماده مؤوسیدن  
 شرو شور ایدر روی توچی صوب مدینه یه دوند و در بیلر بو خبر و صل سمع شریف بنوی  
 اولیجی اطراف مدینه کوشه بندر ایله تشید اولوب جیل سلع جانب کشاده  
 اولغین سلانارسی تدبیری اوزره خندق ایله سند اولندی جیوش اضراب و جنود  
 اعاب دریای شکر کم الموج کبی فوج فوج کنار خندقه کلوب طرف اخوه راه گذار  
 اولغین معکریه و زارنه مقابل ضرب خیام آرام اندیلر برای قدر زمان سیاه طوفین  
 یس برده خندقه سفیر حرب زبان تیر ایله مکالمه ایدوب اعمال سنائیه اولدی  
 ایچون سجماعوب میاننده هزار مرد جنگ آزما به مقابل قد اولان عمرو بن عبود و کزن  
 بش نفر همیسا برله خندق کنار ایدوب مضمار کار و زاره اجاله رخس اهل من مبارز ایلدی  
 سبر و غاضبت و ترضی قیله کار فرائد اولن آلوب ذوالفقاری کردن عروه حواله  
 اند و کبله کند و به مزبله اساکله سن و شردکی بر اولدی عروه همایه راه شفا اولندی  
 نوفل بن عبد اللهی الکاهن آه ایدوب همی بر ایه و جهه زخم خویشا اریکوردی مدت



محنت محاصره انجامه اید و کی هنگامه حضرت رسول اربع ملک کوفه و ضلالت  
 صبا رسال اید و بخدمه خیمه و خیمه لرین بر و زبر اید و واثق انده غلبه اوزره قدور  
 و جفای سزگون اید و بخدمه ناری باد فایه و بر روی بوسه و عبرت اثر مشاهد بید  
 جش قریب رعب و هراس سبلا اید و بخدمه بر برینه سابق اید و رک با ده اید  
 ارغای غنا اند بخدمه ابوسفیان کمال جبر و نهایت استیلا اند زانوی شتره  
 اوله عقادی حل اید و میوب سوار اولد بوسه و با کمال شکر کفایت برین کز کار  
 کورین کثرت و وحی برین اید و کی اضلال و شیطنت و بنی قریظه ستمین  
 تقویر و در حقیقت اخلاص برین نکدر و اید و بخدمه اید و بخدمه انفاق و رخنه  
 اکن نامیشاق و اولغین بر کشته نچمان فرینک ستمه و دیوار بار برله یوزاری  
 و دلوب صادق اللہ حضرت با صبا حضرتی ظل اکن حجره خاص جناب صدیق  
 اولد ایدی که طردس زرین بال درگاه آله حضرت جبریل و ولترای رساله  
 گاه اید و بخدمه کل انفاق و شجرت و تسلیم صکره بی وقفه استراحت ارباب  
 شفاق اید و عقد اتفاق اید و بنی قریظه و زبیه و جیه رایت غمیت یورلقن ایچو تبلیغ  
 یزلیغ فرمان سبجانی اید و حسب الامر همان اولدم رکاب سعادت وضع  
 قدم یوریلوب اوج یک قدر مرد و غضنفر قزلبه یهود بنی قریظه بی محاصره و بنیاد  
 مقاتله و مشاجره یور دبلر چون وجود بد بود و هودده اولد قدر قدرت یوغدی که  
 مردانه میدانه حقوق هزاران شمشیر برله مطارحه و قوعه کارزار اید و اید و  
 بنی النضر اید و اید و اوله طورها و نه اوزره حصار و بنی قریظه سرگردان  
 ارض اید و اسعه اولق شرطه طالب زنههار اولد بکرکن بولمن سدرینه راده قبول  
 حکم یوسوب حکم رسول الله اوزره و زوازه جل النین فرمان قضایه تسلیم کرد و چنان  
 اید و بخدمه دست نیاز برله و زوازه حصاری باز اند بکرنا و اطعالم و صنوف اموال  
 ایشا درگاه رسالت حوزه تسلیمه داخل اولوب التي یوزدن افزون و طغوز و زور  
 دون و رجال الحرب فظوف شمشیر شباردن و بار عده کذا اید و ستمه ساد  
 اوایلده محمد بن طلحه و نوز سوار بیزه دار اید و کل بدنه زجر جاعت صبح مشغول خواستگاه  
 ایکن سر بالیندینه سایه کسته اولوب اول شتر غفلت افتاده لر و ساده رختدن

باش

باش فالد رنجه نیچری ستر داده وادی فنا اولد قدر صکره ماعدا حصار فرار چمن  
 اید و بخدمه خیر اولد قری و اب و مواشی برده سبلا عمارت اولدی بینه  
 بوسنده اید و بخدمه شمشیر زن رکاب غمیت وضع قدم امت یوریلوب  
 هموار اید و دولت اسلامی اید و و همیش با فاطمه و فاطمه و فاطمه  
 اوله بنی الحنا اید و کاس النیه انیک ایچون لوای عالم آرایه اول صوبه نچرین  
 اید و بکر آوازه غم هاپوز کوش کذا ریحان یان اولوب سبیل کوه کذا  
 اوکند و ایرلش ایش آرمکا هلی اوله بنی عصفانه و ک بازده سیاه  
 اولوب اثر و خبر برینه تحصیل اطلاع و حمل سرحد امتناع اولغین افتا  
 عالمتاب رسالت طرف مدینه قبول تحویل اید و جهور اهل سیر فضیلت  
 ج بیت اسد حکرام یو عام فیوزی بخامه مصداق اولق اوزره ثبت جریده خبر  
 اید و بخدمه بعضی ستمه ناسعه اولق طرقتی سلوک قدم اختیار اید و در  
 فتح مکة سال ششم خلافت اولوب سید ستوده خصال حضرتی عام عاشره  
 بیتک زمان دعوت و امتوا الحج و العمرة و اولد قری قولانی صحنه و لای  
 اید و اید و علم هم بوسنده زید بن حارثه امیر سیریه اولوب بطن نخله نوا  
 ایش غارت صالد بکر به خدا غنام اید و اغنام اولوب سیاه اسلام مال  
 سیر اولدی سال و غانما نخل شرف تقبیل ستمه سینه سیر اولد قدر صکره نکر  
 سیر دله هزارین و انصار اید و ساد من قصد بیت اسد حکرام اید و کار بان  
 تویشی داخل حوزه اغنام انیک ایچون رسال یوریلوب تاجیه عصبه شمشیر ستر  
 اید و ستر راه کز براتد بکر حله مظفرانه لر یوکب قریش بر هزده حج و مرج اید و  
 عمو مال اکثر رجال است تصرف مجاهدین دینه و و شدی بوسال کز قبیل  
 سعد بنو خبیله اید و ایش فاد و تدبیرند اولد قری غاضه درگاه جاه و جلال  
 اولغین حضرت حیدر یوز نغز و نه زور اید و رسال یوریلوب بر کیم سیر بر  
 همین اول سزمینه اید و بکر سعد بن الحنق نقد ستر و جان اید و کنا رسال متعجب سیر  
 ستر و ایکلی یک کوسفند نصیب عسکر ظفر مند اولدی بینه بوسنده شمشیر  
 حسب الامر عبدالرحمن بن عوف متوطنان دونه کجندل بی کل طریق تصدیق



ولا است بكون رفع رایت غنیمت ابدوب کلانتر میله اصبح بن عمرو وجمع کثیر  
شاهراه کلشن توجیده مهتدی اولدی امیر السیریه دختر اصبح نزوج ابدوب غنیمت  
سبحه وکبار تابعینده ابوسلمه اول مده عصمتدن حمیر صفت و خوده و زود انتم  
بوسالده عکلی و عوینه دن سکر نفوذ بر بد روز کار ستار قبول اسلام ابدوب اصل درگاه  
بنوت و سگاه یناه اولوب اول بریه نشینل جوای حامیه شرب زین ابدوب  
مالوت اولد قری جهندن بعض عوارض و اسقام استیکل سیده رنجور و لغین امور  
اولدیر که توابع قبادن مرعای ستران سیدار خاصه هپایون اوله زدی اجد زناجه سندن  
تحصیل فراخ ابدنجه عادتلی اوزره البان و ابوال قحاح ایلد کندیله علاج ایدر اول اول  
سازکار اولوب تحصیل تندرستی اند کلرند صکره یسار نام ستران سکنه کونا کونا  
ایله افاده خاک هلاک ابدوب سترای نریب تهره سونی اندیلر بوکار نکو هیده ستم  
رسیده اولیحق حسب لاساره کرین جابر قدری کرک ناکاه کینهضا آسار قضا اولو  
جمله سن سترین فی الاصفاد و عدل و داده کده باره اسرار اند کلری نهرا  
غدا بدنه حصه یاب اولدیر فیده صلیح حدیب بوسنه وقایع سکنه بیر ایدر اولدیر  
یر طرده ساطع قلم و عجم و عوب حضرتلی کشت و کذا رسته رستان خیال ایدر کن صغی  
نورانی تمثال علم مثاله کوزر که کرده مهاجرین و انصار دین ایلد سحر احوام بند  
بیت اند احوام اولوب امین محققین رؤسهم و مقهرین داخل حرم محترم اولور  
بور دیای صادقه تک تاثیر صباح اجد و قوی اوزره اول عام خسته انجاده لامع لاله  
اولقن رجاسنه اعداد اسباجه کداری یوریلوب قویا یک دور بنور سباجه  
ایله رفیع رایت فاذا غمت کل کل الله و تیش راس ستران هدی همراه قلدیر  
داخل اولوب حدیبیه نام منزله ضرب خیام آرام اولد قده محاذیل فرین جیش سکا  
زیارت بیت امدادن سده کون لشکر عدا یله ذی طوی نام مقامه سایه اند کون  
اولد قری واصل سم خدام درگاه رسالت اولوب بونصفت همایونده غرض الحق  
و بیاجه مشور اهل یاتین هر کل فریق اولان بیت عتیق زیاتی اولغین زور بازور لیه  
امضای غنیمت رخصت کوسر ملوب توسط ندران عاقبت اندیش رله ماده نهاد  
بو وجه اوزره فیصل قرار ویرلدی که عام قابله فریش اوج کون کله بی تحلیله ابدوب

۶۰  
عمره القضا به رضا و بره لر او ان سنه ستمبر خلاف پیام تغافلدن جیموب بود  
سنه معاظه لی استنالی عقد و دار وضع بکاکی اولیه قبالة قبل و قال انور ستمبر  
ختم ختام اولدین طرف دیوان نبودن حضرت ذی النورین ناخود خدمت  
سفارت اولوب اننا محاوره ده حضرت عثمان دن مکدر خاطر ویش ایدر بر وضع  
صادر اولغین بر قاج کون جناب ذی النورین بایسته داکاه و قوت ایدر ستران  
راه ابا ابد سیه الرضوان عقد نه بادی اولش در چون ماده صلح منوال رسوم اوزره  
قرار داده اولوب احزیا رت موقوف عقده ناخود اولدی بر موجب فرموده بخود  
اولوب بعض اصحاب خلق راس و بعض آخر نقض ایلدی اتمام مهام بدنه کون قضای  
حدیبیه ده کرک کون قرب ضرب نطقه قرار اولد قده صکره مالک جام فقول اولو  
بن کون الشرفین سورة کریمه فتح شرف نزول بولغین فرده تفریح بین ابد حضرت  
سید المرسلین و اصحاب کرین کامین اولدیر بوعام سعاد و بوعام خفا مندریم  
خادم بر خاتم انخا دیور بکو ملک اطراف دن آتی تحت نشینه طبق دینه دعوتی متضمن  
نامه هپایون ارسال یورلدی بوسال هفتم محرم الحرام او افرین سیر سالار ایا فائده  
اجند اصفا حضرتلی الحق حدیبیه ده سایه نشین علم عالم آرا اوله غزاة طهر سات رله  
استخلاص قلاع خیبری که اون حسن حسندن عبارت در وجه غنیمت ابدوب نیمه  
صبح و ستم سهد لاری فتحی آغوشه سنجده رام ایتکه کمر بند اتمام اولدیر اتمام  
محاصره دن تقریباً اولن التخی کون ده در خیبر دست حق پرست جنا جدر ابله شکست  
اولوب مشاهد نو عوس ظفر میسر اولدی مردیدر که او آهین فابو که سکر یوزین  
اولوب الحق قرق نفوذ زور آوریرندز قالد رقی اولور دی حضرت مرتضی قوت  
بازوی خدا داد ایلد آنی بر حله شیر اند ده مرکزندز جدا ابدوب سکا سیر قدر ساقیه  
یر ناب ایلدی مهاجرین جیش دن حضرت جعفر قودی روز شکر سوز فتح خیبر مصاد  
حضرت سید البشر صلی الله علیه و سلم مادی بایته انا اسر بفتح خیبر اتمام بقدر جم  
درة التاج ایتها جن قرطه کوش یاران ایمان اندیلر بوقول هنوز وضع الحرب رار با  
محمدا سحده ظهور ده جلوه نما اولدین فدرک بالیسی لی و ساطت نبو و غنیمت بطریق  
المعالم یرلند ابقا یورلق رجاسنه استدعای عاطفت ایتکین مستدعای اوزره







نفر سرست میگردد شفا ساغر لبز سحر سرزدن با دانه ناکوار فاشا بلدی  
سائراری مضیق هول انگیز گریزی و جنبه غنیمت است که تدارکند و دست را بدی که  
طرف دیوان نبوید نه فرود عفو و صفح میل اید نیل اولوب تاج دیان اید  
رفیع الشان اولد بلر سقف معلای بیت خدا و اطراف محلات پیل مهر و سائر  
اضامه تنظیم اولوب کلبا یک اذان محمدی اذان ایا نانی تشیف اید  
بعونه سبحانه شاهد نظر آغوش تسخیر و جلوه کراولین قبایل عوب از سر انقیاد بوسه  
جای گریبان اولان استار استانه روبال ایدوب انجمن قبیله هوا نزن ثقیف  
استیکار و عاود مرکزده نبات قدم کوستر و کلزندن ماعدل شیران ریشه زار و غار  
پنج لشکر سودا سندن اولد قری معوض خدام درگاه سپهر استیلا اولان  
اولن ابکی یک عسکر فیروزی اثر برله اید که رکس سر و قننه سوق مطبوعه غنیمت  
یوریلوب وادی چینه تقابل صفین صورت یدیر ظهور اولدی اول کوه سبزه  
بیدان مفاز آیت افرازان صف سرافازی غار بلده اولان کثرت بعضی جا به  
عجاب ایدوب نوعا غوری ایهام ایدر کلامه افتد باعث اخلال سلسله  
سدام اولش ایکن جنود غنیمه ایدادی ایدر تحصیل قوت قلب ایدوب بر حمله سخت  
برله صفوف کفاری شکست و رایت توکلری است اندر اله یک  
اسیر بند کند سنج اولوب فرق یک کوسفند و بکره دورت یک ستر سر بلند  
نصیب عسکر ظفر مند اولدی بر طایفه زینبدر مالک بن عوف ایدر جاکو مضار  
زار اولو حصن حصین طایفه تحسن ایشدا ایدی تعقیب یوریلوب اوز سکر کون  
محاصر و زهره که بر حسب اقتضای الانور هر هونه باوقاتها عاجلانج و تسخیر ساعده  
تقدیر اولغین جانب قبلگاه انامه توجیه روی توجیه یورلدی مالک اول ضیفند  
خلاص و لیق انا طریقه تحفه قبول ایدر بیت کاه درگاه ده جبین فرس  
اولوب وقعه چینه مضبوط خدام درگاه عالی اولان مال و عیالی عواطف علییه دن  
ینه کند و به عنایت یورلدی حضرت سیدالابرار که ده غره کذا اولوب ایدر  
سهری کجه احرام ده طرف دارالبحره پنجر یک اعلام غوا احتشام یوریلوب  
بنه بوسه سار کله کوکب دردی وجود مخدوم کریم ارجیم مطلع الانوار زحم دایه

نصفین

غوا طایف

فیضه دن

فیضه دن ساحه شهوده فیض بخش نور ظهور اولوب بر سنه دورت یو عالم  
شرف العدم مجلس ایدی ابوان هست اولدی بهترین کوه را کینه کا مکان خیر نری  
اکبر انا کراطری اولان فاسم ایدر کتی اولوب نهال قامت موزون خوام ابراهیم حرم سری  
کلشن وجود اولد قدره صکره ناموس جلیل حضرت جبریل برقع انداز مخدرة کللم  
اولده یورلدی ایدر ابراهیم دیو توجیه خطاب ایدر اولد ایدی عام ناسوده  
مترم خدمت ارکان ایمان اولان قبائلدن تحصیل مال زکوة ترعی ایکن اطراف انما  
و عال رسل یوریلوب فرمان ایدری اوزره مصارف معینه سید صوفی  
تاج نفیس چینه فوضیت زکوة مال سنه ثانیه خلاصه مرسوم برعه خیر اولان اولده  
خصوص ایلان قضیه لعان و رجم عانده و عمارت و تحنیم مسجد خزار و نواتر رسل صالح  
و تود و ارخال حضرت ح ام کلثوم بنت الرسول رضی الله عنهما و هلاک المینا نفین  
عبد اسدین ایدر سلول پوسال خلاصه ظهور ایدن امور دندر ختام روز نامه غواست  
هما بونه اولان غوا تبوک بوسنه سینه شهر رجب الحرام و وقوع بولش ملک  
روم فیکر مالک اسلام به دست توحش دراز انیمک فکر فاسدنده اولدی  
دروغی فروغی منعکس اولغین قدم سومی خاک پاک کشور اسکا تلویث ایدین  
مشرقی بولانژ اول بد نهاد سدا بنین اولق ایکن جمع سپاه یوریلوب اوز  
یک دیر فولد یوز یک مردن و این حومه دین برله صوبه ایدر یک بال استیلا  
یورلدی بر تو خور سید نفیق رفیق اولق طی ایدر اصل یوریلوب تبوک نام منزل خط  
رجال اقبال اولد قد ایدی اول مرحله ضرب خیمه اقامت اولوب اول خبر طیل  
حلبه صحنه عاقل ایدر کینه نفین حاصل اولغین سمت خطیر رب زمینه  
سوق نجیب مراجعت یورلدی بوعام ستوده انجام شهر ذی القعدة سی و ایدر  
بار عار حضرت صدیق عالم بقدر حسب الامور کب مدنی برله عازم زیارت بیتین  
اولو بعد النوجه موسم حجه سفار و ریش دستور العمل اندکری احکام جاهلیتیه نسخ  
سوره برات شرف نزول بولغین خلقه فرات ایکن حضرت مرتضی ایدر  
نقیب یورلدی سنه عاشره ده نصاری بکوان الترام ادا و جوبه برله آسوج حال  
ظن ساینه اولوب بعد از ماصدر نشین ابوان ایمان اولد بر بوسنه ده

فوضیه زکوة

غوا تبوک

حضرت صدیق



حاکم بن یاران سمند کرم غسان جایتان افتاده و خاک سیاه بر رو نهاد  
اولین ملک بینک بزاجیه سی شهر یارین بازانه غایت یور بلوب ابو موسای  
اشوی و معاذ بن جیل و بوند اسکا بعض اصحاب دخی حیدر با اولد بلو اقلیم عیند بر طکرده  
ترنج رایت مخالفت ابدن بر کشته بخنجرک لوای شوکتلین سرکون اینک ایچون  
شیر خدا حضرت مرتضی او جیور و زور آزار بارلر سال یور بلو وادی ضلال هیزه  
کردارینه بر وجه ستر ترتیب جوادن شکره خمس مال غنیمت ابله حجة الوداع و نائل  
شرف یابوس سلطان جهان ملطع اولدی سحر بوسال شرف انصالد  
اما صف انبیاء حضرت علی علیه تحف النجا با دوا حجة الوداع ایچون محسن غایت و نازل  
اتمام مناسک جدره صکره طرف مدینه عطف عثمانی اجعت یور بلو بوسه  
آواخنده و عام قابل وایکند سلبه کذاب و اسود عیسی و طلحه اسدی و ثعلبه  
شجاع نام بر زن لاریان دعوی بیغامبری اولوب نیجه ساه و لاری نیه ضلاله  
دو ستور و پلر انقاب اوج رسالت حضرت مرشد پرنور رنده ستور و لاریان  
چکمه مقدم عازم شمس الغار و نوبت خلاصه یقیده سلبه کون ساز خفه مار  
اولوب طلحه و بر قوله شجاع دخی طریق ابا و تضد یقعه مهدی اولدی لاریان بر نیجه  
صفونیک بکره سکرخی کون نایب و نب حقوق ابله کلبرک فراج لطافت انوار  
تغیر عارض اولوب آنا قانای عارضه فتورده ترقی طنور ابلدی اول خلاصه اسم  
بن زید و بار رومه سئل شمس غزا ابله نامور اولوب جوف نام مقارده ضرب  
خیام انمش اکین حدود رض حائل غریب حائل اولدی شهر روایات  
روایات اوزره شهر ریح الاوکل اون ایکنی کون اعداد سنین جات فائض  
البرکات لری الشمس اوجه بالغ اولش ابدی که بوشنگنای بی بقادون شمس سرای  
عالم عقبایه خوامان اولوب روح رواندی و اصل علای علیین و صدر یاری  
روضه غلبرین اولدی شمس علیه اذکی صلوة لم نزل ابدی ملسم نهم و لا غل  
والال و الصحب اهل الجبر طینه بوالسماع و اهل الجود و المرد و جهر یکنای داشت  
سنوده صفات حضرت خواجه کائنات حراز اندکی فضایل اهره و معجزات  
ظاهر و جناب سطل برینه شرف بافته انتساب اوله اسم اوکی و القاب که

حجة الوداع

استود

کجایش

کجایش ید بر حوصله تعداد و شمار اولمقدن افزون بر لو محضر ساله مرات  
الصفا بهم کشیده شیرازه جمع و تلیق اولمق حد امکانه کدران اولغیر  
لنک و لوک بیان و اجمالی و دینه سلوک اولمبوب اول حجت  
اداسی بنان خانه شکسته زبان عید فقیر کوهر کش رسته بجز اولد و غنی  
الفواج النبویه فی السیر المصطفویه نام کتاب صحت نصاب عمده اهنای  
نجمیل اولدی و اسید مهدی الی سوار السبیل و هو حبیبی و نعم الوکیل  
ذکر اولاد و امجاد مخدوم کریم ابراهیم بن اعداسنک کوکب سعد اقران  
وجودی حضرت خدیجه کبری مطلع الانوار رحمتدن جلوه کر اوج شهود اولدر  
سلطان سربلولاک حضرت نیک صلب اکلر ندم صفی خاک اول وضع قدم  
ابدن مخدوم مکرم قاسم در ما اکیوه وجوده و زودی صاحب مقام محمود  
حضرتی کنیت ابوالقاسم ابله کنی به سبب اولوب اصح احوال اوزره اوتز بدکی  
ابده حجة تربیه رحمت ایزد و اجمال انتقال ابلدی زینب رضی الله عنها عام  
بعثتدن اول سنه مقدم شریف ساز باغ عالم امکان و بعد اعام حضرت  
خدیجه مک همسیره زاده سی ابوالعاص بن الربیع و سنایه علوشا اولوب  
سنه ثمانه هجریه بر رخ بیای اقلیم بقا اولدی رفیق رضی الله عنها حضرت زینب  
اوج سنه صکره کوهر وجودی زبور درج شهود اولوب نیجه ماه و سال  
حضرت عثمان و صاحب الصدر سعادت و اقبال اولد قدن صکره سنه ثمانیه  
هجریه سنه ستم روزگار ابله انک ربولدی ام کلثوم رضی الله عنها خواهر  
سعد اختری رقیه دن اصغر اولمق قول شهر در رقیه انتقاله صکره باغ آمال  
حضرت عثمانه ام کلثوم رضی الله عنها زینب و زین و اول ایلک محضره باکتره  
که شوهر لرینه باعث شرف لقب ذی النورین اولوب عام ناسح  
هجریه غم راحت اباد عالم اخوت ابلدی فاطمه زهرا رضی الله عنها منشور لامع نور  
رسالت عامه بد مؤبد حضرت سید الانامه ستم اولد و غنی سال سجده استماله  
بش سنه مقدم خاتمالکائنات شهود اولوب عام نایم هجریه حضرت  
مرتضی بی تزویج یورلدی یکانه عالم حضرت علی صلی الله علیه و سلم صدر صفه







علم آرا ده مجمع اولان بدینون فقر دلا و را به سر عسکر متوکل علی الله مونه  
 جانبی تو خیمه را بیت اسلام و بدین سر بختی شیرین شدن کهر  
 جلوه از زن اخذ مقام ابدی فی جاذب اولی سلیحه فکر دین خیر  
 سند طراز ایوان علیین اولدقلری اخباری انتشاری ضعیف الایمان  
 اولان بعض قبل عقایدینه باعث فساد و سبب میل جانب  
 ارتداد اولغین حضرت صدیق بالذات ترفیع بات جهاد  
 مقصدیله مدینه دن حرکت و بر حمله منقبت انبیا اکبر ابرام اصحاب کرامه  
 اولوب خدمت سر عسکری ایلد خالده بن ولیدی ارسال و کند و لر صوبه  
 مدینه بدینجه نجیب جلال یوردیلر فاتحه نسخه کبرای غزوات حاش  
 دعوی باطله نبویه تصدی ایدن طبع بن خویلداسدی ایلد مطارحه فوّه کارزار  
 و نتیجه مقدمات ترتیب صفوف و اعمال رماح و سیوت طرف اعادی  
 دینه هزیمت وانگاری اولوب طبعی که سوار و سبکبار طرفت ام  
 غنائتاب و عهد خلعت فاروقیده نصیب عقیده دن صکره غوّه نهادند  
 خوان شهادتند حصه یاب اولدی ابو فتح مبین اگر مدینه رفقه غفلدن  
 تهمه باعث اولوب رغبت او ره به حکم اسلحه حسن قبول ایلد لغنی  
 و قدم صدق ایلد درجه اخلاص ترقی اندیلر بدرقه نجات سجد ایلد خالده  
 بن ولید یلده برمدن بزوحات شرکت منصب نبوت دعوا سنه  
 اقدام ایدن سلیله کذاب اعدا مالک جام ایدوب دم النخاعه سیاه  
 اسلام رو نماده راه انتم ابرام اکبر تثبیت آسمی عسکر ظفر و سنگا ای توفی  
 و لشکر منجوس لائری یادریکل ایدوب شفی عزور و ابناء عذر مکرر یکدن  
 زیاده ارباسور و محوره وجود دن مطرود اولدی اول لعین بدآیین نوک  
 سنان و حشیدن نوح زهراب مرکب ایدوب حضرت ماده سنده  
 صدور ایدن ذنب عظیمه کفر اولق امید یله وحشی کند و یه نوعا تسلیم  
 بخش خاطر ناساد اولور ابدی اول معرکه کاه قیامت اسلحه ایشا جنگ  
 و آشوبده مشاهیر ایدن زیندین الخطاب و امالی تیتدن زبانه مهاجرین

والنصار و بیکه قریب احاد عسکر ظفر شعار فائز غزو شهادت اولوب اکثر  
 سیاه نصرت و سنگاه خمار ایدوب نابکار سبیل بدر روزگار شبنم  
 این باطلدی اوزره نکاح ایدوب حاشا اسقاط صلوٰه بخروفت بی مهر خیر  
 عقد سفاح انجمن ابدی سوم بدکوهری منوجه بس المفاویح اول زن مکاره  
 صحای نایب ایدیه آواره اولوب دام انتقام دوستدی ابار فوکلن گرفتار  
 دست استیلای مجاهدین اولوب صدق و یقین ایلد داخل دایره اسلام  
 دین اولدی قبله بنی ربیع مالک بن قیسره دامال زکوة دن امتناع ایلد  
 میل جانب ارتداد اندوکی استماع اولغین حقیقه خال خلیل اطلاع لکون خالده  
 اولطرفه سوق استکری فیزی اثر ایدوب قبل تحقیق کفر بعض امارات  
 ضعیفه ایلد مالکی اعدا اقدام و متروکه سی ام منعم نام محبوبه شهر آشوبه سندن  
 نشین فرقه احرام ابدی سنه ماده قتل مالک باعث استهواب  
 اصحاب اولوب حتی عمر بن الخطاب خلیفه خابله بنه قصاصا خالده علف  
 شیخ تمف انیمک تکلیف و لکن صدیق خالده انجی ارات زجر و تعنف  
 بدی تاریخ جنبه بد خصوص و فقه مسیده دن مقدم اولق مخصوص  
 ماعدت سلیم مال زکوة عدا ایلد العیاذ بالله مرند و نظره عن اید اولد بعض  
 قبایله وحی عسکر نصرت اثر کوند ریلوب سیف جهاد کینه مرشد راه سدا  
 و بعضیلرینه هادی بس الهاد اولدی اول جمله دن بحرن الهاسندن قبیلد  
 بنه بکر شرک و انکار اوزره اصرار انجمن دورست یکن رجال الحوب ایلد  
 علان کفری ارسال اولوب اول فریق بی توفیق قتل و اسیر ایلد تفریق  
 و غصابه عصیلری تفریق اولندی بی و بدیر که اول کراپیری و اراکاهی  
 اولدینچ نام معاهده قریب اولد قلنده تقریباً یک روزه راه مسافه قطع  
 ایدن دریاچه و جهه غمیت سیاه سده مانعت چاکلین سر عسکر فیزی اثر  
 تحریه ندد و رکعت نماز و با حلیم و با علیم و با علی و با عظیم جهاد عسبله و  
 نهاده خاک بنار اولوب اغواق بادبان بسملد مجربها و سفینه وجود  
 اول کچه القا اندیلر منتظم سکک سیاه اسلام اولد ابوهرره رضی الله عنه







صاحب و قنایلدی یوز و بلرک سلسله شرب عجمه اقدام ایدر اهل اسلام  
 اقامت حد اولوب حتی اول حکم شرعی عبدالرحمن و با عید اسلام نام فرزند اول  
 دخی عجم اولدی بقیصر اخذ انتقام سودای وادینه سلوک ایدوب و قنایلدی  
 ظهور و شمشیر همت مجاهدین الله یک قدر کافری دینی سرتزل استبداد  
 دور یلدی سلسله ابو عبیده و خالد رضی الله عنهما ایتامیکه بلسان و  
 طبری و بعلبک و حمص و حما و تیرز و معره و سلمیه و لاذقیه  
 و جبلیه و انطر سوس و قنبرین و حلب و سرین و تیرین و عرش  
 و قیساریه و خانم ملک اسلامیه اولوب بیت المقدس محاصره سنده  
 بالذات حضرت امیر المومنین حضور برین اقتضای بعض امور ظهوری با  
 کتاب کلفه اسفار و یوم شریف بفرزنده سکانی طالب زنهار اولدی بمرح  
 سری عجم بزرگ اخذ انتقام رجاسته شنی وزیر بر ساز سلب بی حد مرتب  
 عسکر تعین اندکی مروض درگاه خلافت دستگیره اولوسعدین ابی  
 وقاص علی جناح الاستیصال کتبه اجل ایلد رسال و لندی اول خلاصه متنی  
 منصب حیانتدن منفصل اولش لولمغین سعد قادیسیه فریده اوازه  
 جنگ و یکاری بکوش سکان سیر و آره منفصل ایدوب انا و بکر و داو  
 سردار سیاه عجم رستم فرق یکدن زیاده اشرار بد روز کار ایلد انداخته جاه  
 جهنم اولدی بده طوطی اسلامیه بده جلور و نقد و جند بی  
 حد مال غنیمت نصب عسکر فیوزی اثر اولوب اول روز فیروزه  
 فتح قادیسیه دخی بیس اولدی کمال شهرنی کلفه تعریفه معنی اولان درفش  
 کا و بان نام وضع علم که قصد تبتن ایلد همراه سیاه ایتامیکه ایدی ظاهر شده  
 عجم دست تملک در انشراح اولوب بعد اخراج الحشمال غنیمت خمس طغر  
 انیسل سیرنده تقسیم و هر غازی به بالکز نقدون بکرمی بدیشریک درهم  
 نسیم اولدی بامیر المومنین ایلد شهر بصره بانه شروع اولوب  
 اوج سنده تمانده قرین انعام اولدی بلطفه تعالی بیت المالد مصرف و ایداد  
 بو ما فو ما از و باد بولمغین صحابه کربن رای زربنی اوزره ندون و وادین و نو

فتح بیت المقدس

اشراف

اشراف انصار و مهاجرین و سازا حاد مسلمین بکون حصص تعیین اولندی بقی  
 صحابه خاص سعدین ابی وقاص التمش یک سیاه اسلام ایلد تحکام قدیم کاک  
 عجم اولان مداین طرفه اما لجام ایدوب انجام خسران انجام نبرد جله مانع عبور اولور  
 اعتقاد ایلد اسوده حال کوشه امن و حضور اولشرا بکن لشکر منصور نوکل علی  
 و متوسل معجزه رسول الله صفحه مسای با اوزره باد صبا آس کذار بکن بومر  
 خارق العاده متا به سندن بزرگ و دوسده و جبران و روزنهان جاب  
 حلوان اولوب شهر شهبلی سل شمشیر داخل قضیه نخبه اولدی بمرح و یوز  
 بیلد بمرغولده خود دورت یک سندن بر واکاسره عجم جمع و آخار اندکری  
 خاتین درهم و دینار و ساز تحف طرف نصیب غزاة طغوسات اولوب  
 خمس مال حلال طغوز یوز شتر کردن فراز کف انداز ایلد صوب مدینه به رسال  
 اولندی شیران غایبه ایمان حلوانه دخی تدایع انشراح ایدوب فتح مکه و مصلی  
 اکا متصل اند بمرح آب و هوای مداین فراج اسلامیه ساز کارا و لمغین  
 امیر المومنین ایلد کوفه شهر نه وضع اساس اولوب سعد و اکثر غزاة اسلام  
 اول مقام اخینا بکن و ارام اند بمرح سنده تقدم و نا فرج و و صکوک و  
 اولان طنون و شکوک و فعیجون ناریج حسدی معیار اختیار ده کامل البیار اولو  
 ابتدای عام هجرت سید الانام مدینه اعتبار اولندی بمرح کلب روم هر قل  
 طغوز بلاد اسلامیه به هجوم ایدر بوز یک قدر عسکر ایلد حصص و اسنده اوج  
 کچه صف مصاعوب ترتیب اولوب نتیجه کار سبب بازوزی بلطفه تعالی  
 فتح فیوزی اولدی بمرح حضرت امیر المومنین معتمر اغوم مکه مکه ایدوب حم  
 سجد و اتوسیع ایلدی بمرح سکرای محاصره دن صکره نصیبین عفو مفتوح شمشیر  
 مجاهدین اولوب نتر و سوس و دخی اکثر بلاد اهواریه ضمیمه کشور و اولور  
 حاکم اولان هر فرمان نوید امان ایلد سنان خلافت آسمانه رسال اولور  
 لدی لوصول شمول بر نوخو شید نو فبق ایلد طریق توحید و تصدیقه ممدی  
 اولمغین تیغ براندن تخلص کردن جان ایلدی عروبن العاص فتح دیار مصر ایلد  
 شرف اختصاص بولوب قضیه بطافه نبل کرامت با هر غیر قوی دلیل اولدی



سنه الفیاض فیضان ماء الحیوة باران ابله منافع زروع و ضرر عده قلت  
 نمایان اولوب کانون درون سکان طیبه ده انش جوع و عطش زبان  
 کش اولغنه نودی و اول سال خیراله عام الراده تسبیح سینه بادی و اول  
 سنه امیر صیر عمر بن العاص بر او بجا انواع نعم ارسا بلبه آما بدینه کی کرسکید  
 خلاص اتدی و بو کتب توار یخذه نقش جویر خیر اولمش ایکن غنیدر کفین  
 ذات الابر اکثر مورخین عام عشرینده اولتی وزره و سوم قلم نغین  
 وجه توفیق و فنی کورینور طابوس مغرب و نوبه و بربر سنو سیمبر فتح و ظفر  
 اولدی بی هم رله و بیت القدس بنیده عمواس نام فیه دن طاعون ظهور  
 ایدوب بالکذ صیاده و نابیندن ابو عبیده بن الجراح و زید بن ابی سفیان  
 و معاذ بن جبل و امساکر بک بش یک سعادتمند فایز عساده اولد  
 زید بن ابی سفیان و ضنه رضوانه ارتحال ایدیک زمام حکومت سام برادر  
 معاویه دست اتمانده انتقال ایلدی سجد تریف بنوی اطرافده بعض  
 خانه لاطافه ایلدی اصحابند مناضح قیمته استرا اولکوا اول جامع فیض جامعه  
 احاق اولندی فی سنه مؤذن مخصوص حضرت بنی قریش بلال حبشی مطر  
 سام حبت مستامده غم جانب دار اسلام ایلدی هم یهود و خیر وادی  
 القری کوفه به اجلا اولوب بلاد حجازیه وجود اید بود نصاری و یهودون  
 اخلا اولندی هم فرمان امیر المؤمنین اوزره غزات دین دبار رومه سل  
 سیمبر قهر و کین ایدوب لشکر منصور غنایم حضور ایلد سرور اولد بلندی سنه  
 بزود و طرفند و دیار اسلامه سلط اولان یوزاللی یک قدر سرستان میکم  
 کفو و ضلال ایلد حد و دنداده اوج کون علی الاستمرار اداره اقدام کفاح  
 اولند قدره صکره سداستوار لشکریم رخنه دار اولوب سردار لر یوز  
 نام فرجام یوزیکه قریب نفوس معطله ابله افتاده خاک هلاک و غزات  
 خلفه سات عدویه تدبیر و نهاده ندی شجر رله و خاک اولدر سنه  
 تاریخکرنده نوعا اختلاف روات ابله و بنور و همدان و وزیر بیان و اصفهان  
 و قم و کاشان و قزوین و زنجان و جرجان و طبرستان و شهر ذرا و اصطی

و کازرون و شیراز و ارجان و کشور خراسان و کرمان و سجستان و کرمان سران  
 سپاه اسلام انما یملکه واحد بعد واحد کی غنوة بجای زلال حکم ایمان اولدی  
 خالید بن الولید رضی الله عنه و بر قوله بدینه و راحت باو عالم اخره رحلت ایدوب  
 غزوات و مساهده اصابت ابدن زخم خیر و تیر نیره و شمشیر دل صفی و جود نده و  
 نقطه شک ایدیک محل یکنسیراب شهید شهاده اولوب حقیق نقه جام اجل  
 نوس ایدیکه جن اختصار هم فرط تاسف و مرید نهلف اظهار اید روی هم معاو  
 عسقله و عموریه و اکام عادل بعض بلاوی ایادی اعادیدل استخلاص ایلدی  
 سنه حضرت امیر المؤمنین عمر رضی الله عنه ربوم نفس مستمرده سنت صلوة بخرا  
 بنام اتد ایلدی که ملوک مغیره بن شعبه ابو لؤلؤ قیر و زمام سیه کلیم بدروز خیر  
 ایدار ایلد زحمار و سر نهاده بالین اختصار اولوب کمال درع و نقو اکر مانع  
 بغین اولغین امر خلا عثمان بن عفان و علی و قتی و زبیر بن عوام و سعد بن ابی وقاص  
 و طلحه بن عباده و عبد الرحمن بن عوف یلدرنده توفیق ایدوب روز و بکر قوت  
 صدقه خوام و جوار غار حضرت یار غارده ضرب نطه قرار ارام ایلدی  
 فی او اخره ندی کجه احرام عام نمک و عشرین رضی عنه وارضاه مدت خلا  
 سنه سیر مدت عمر سنه امن و راحت خلا فکرنده حکم اسلام بعونه سبحانه  
 شرق اب جیحون و شمال حد و سر حد اسکندریه نهایته و جنوبا سر حد هند و سند  
 ساری و یکا و توار النی شهده زلال حکم شرع مطهر طاری اولوب طغوز  
 یوز جامع و دورت یک سجدا حیا اولندی یقین اعدا و تکبیرات صلوة خازنه  
 و حد شرب و نهی بیع اموات اولاد اثار حسنه لرندن تقداد اولمشدر خواجه امیر  
 غنا فیر کوا حضرت ذی النورین رضی الله عنه ارباب شوری بر قاج کونز او آره جام  
 بحث و جدالدره صکره صدر خلافت حضرت ذی النورین عثمان محل کوریلوب  
 اول خلعت و الاقد بالاسنه لباس و مقام حکومت اجملاس اولندی فی ایل  
 حرم سه اربعه عشرین رضی عنه مختصر ایکن اولاد اجمادند غنیده مظهر خیران  
 ابد اولولولوا اقدام اندوکی کار بندده تشارک احتمال و تصور یله حکم احوال هر خزان  
 و جنبه نام اهل و فنی کس شریخ منور ایکن حضرت عثمان کوا ب دید غروب العالی



و تیرین اولیا سینه کند و المندن ادا ایدوب عبدالمی عالمه صاصد من خلاص  
 ایلدی **●** عهد و میان ایدن امدان وری سگانتی تازیانه شمشیر آن ایلد بر مقدار  
 نادیب اندلر **●** عذری پیش نهاد ایدن اسکندریه مصر و از ریجان ایا سینه  
 دخی قتل ایلد ایصال خسارت اولندی فی سینه **●** عسکر طغرل بر لر  
 تعلیس و اراحم و بیلقان و برد و ملک شروان ملتی النهرین ارس و کر و اولر محلو  
 مالک سلایمه به ملتی اولوب دیار کابل دخی قبضه شنبه داخل **●** اولدی  
 امیرالمومنین معتز اعظم که ایدوب توسیع حرم اوردی حدینار و درم بذل ایلدی  
 فی سینه **●** مصر عبدالمعین سعد بن ابی سرحه نقیض اولوب اول مرد مقدم ایلدی  
 مملکت افریقیه شمر **●** منشور خدمت حافظه سی عبدالمعین نافع مانده نجر اولندر  
 بی در که بالکوز بسمله فاتحه فتوحات اولانر بسطیله نام حسن حبسند مطبوعه  
 دین اولانقودا محمد و دن التمش یک قدر عسکره حقه سواری اوچو یک زر سرخ  
 کامل العبار اولمشد حسن مال طلال مدینه و واصل اولد قد اریای شیده تقسیم  
 حصصی تسلیم آسان اولق یوز اجناس غنایم نقد اولق مناسب کوریلوب بعد  
 المرایده صفقه واحده ایلد عروبن الحاصه بشیر یک التونه فروخت اولندی **●**  
 افریقیه ایتام ایلد دیار اندلس و اسلام اولدی فی سینه **●** شام معاویه بنی هاشم  
 و ابرام ایلد درگاه خلافتین جزیره قبرس استخلاصه و خلوص اولوب بی نهایت سستی  
 و غارتند و صکوه ایلدی سال بسال سال مبعین الترابیله اسود حال کف آمان اولدی  
 فی سینه **●** عثمان دارالسکینه مدینه ده روز انام سرای عابا سینه بذل نقدینه  
 ایتام اندلر فی فارس و اصطخر بقیه اماندن سر بهج اولانین مشیت و رشت  
 ایتام مردان میدان دین کله کوب بخاذل مشرکین اولدی فی سینه **●** شریف  
 نبوی تکرار توسیع و بنای شیند و رفیع اولوب طلوی یوز التمش و موضی نور الی  
 و راع اولدی بی صدیق زمانده جمع و ترتیب اولوب حصه خانه سنده ابداع و تکرار  
 مصحف شریف در نسخ متعدد و زقیم **●** و سد البالا اختلافات و اطرافه بر رشنه  
 تسلیم **●** اولدی فی سینه **●** شریف حضرت ختم المرسلین دست امانت  
 امیرالمومنین بر اریه و شوب نفقه ایتام منج حصول ارام اولدی **●** خزوه

امان اولان کشور فارس و کرمان و سجستان و خراسان سکا نقض عهد و میثاق  
 اتفاق انکین حاکم بصره عبدالمعین عامر سال اولوب بعضی ضرب شمشیر آن  
 ایلد و بعضی اخوند امان ایلد تکرار قلم و حکم میان اولدی فی سینه **●** کرم حضرت ایلد  
 عباس رضی عنه که بر قاج سینه مقدم تاشای زینتگاه دنیای بقادون کف نظر غبت  
 انمشد ایدی دیده روز روضه الصغای ملک عبا اولوب عبدالمعین سعود و غن  
 عبد الرحمن ابن عوف و اقل میمن اوزره ایکی یوز الی سینه بالغ اولان سلمان تکرار  
 دخی رضی عنه غنم سینه وجود و غنم کلشنای ملک خلود ایلدی فی سینه  
 علی روایت ابن سعود فرقه ناجیه عشر دن اولوب ابو عبیده ابن الجراح خارج  
 ختم وثیقه سلطنت ملوک ساسانیه اولانر نیرد و صدقه قهر و ایلد دار دینار  
 هجور اولوب مروده غنا کنش و قضا ارام و قرار **●** و بر مدت اول کشور دین  
 گذار غنا بایدار اولمش ایدی اقتضای قلت دخل و کثرت خرج ایلد اموال رعایا به  
 دست تعدی دراز انکین آهک ولایت نضر و بنار ایلد حاکمان جین طافند و اوزینه  
 سسط اولانر عسکر دام شمشیر انقامندن تخلص مرغ خان رجاسنه و جید و فید  
 قرار **●** و خارج شهده بر سبب تارش و ترانه سینه التجا اخبار **●** ایدوب سبک  
 خدای بالی بالی راحت و زعمجه میل خواب و استراحت **●** ایتام ایدی که بوش  
 قد بالی اولانر شاهانه فبا اول غدار یا بکاری سلوب الاختیار ایدوب نیرد و بیچاره  
 مست خواب شراب خواب ایکن لباس حیانت بی ثباتدن عاری **●** و تن  
 عیان لجه شهر جایده متواری **●** ایلدی فی سینه **●** دین قسطنطین بر مقتضای  
 غیرت دینه امت در حومه محمدیه دن اخذ نایر رجاسنه رجال حب و قتل ایلد  
 مال مال شیش التی یوز باره کشتی ایلد غنم سواحل بار سلایم ایدوب حکام و مشایم  
 ایتام ایلد احضار اولان سفاین طغوزابن میان دریا کفار کیدری ایلد و چاک  
 و انش افروز کبر و دار **●** اولدی بلر جو خون ایلد روی دریا شکر و کون **●** و روضه  
 صفقان مشرکین شیران غایه دین نیجه سندن نبول **●** اولوب علف شیر اولان  
 کفار زنجیره اولدی فی سینه **●** اکثر اعمال دیوانیه دست فیما تکران عالیه اتمیه ده  
 اولوب همیشه اول عالم شکر درگاه خلافت رفع رفقه شکایت اولدی



تعلیق نظر بقید و اتهام اولند و غنم ماعدا همواره اول طایفه سائر اشرف مهاجر  
و انصار در زباده منظر عطا بخش و منظور حسیم التفات و نوازش **اولاد**  
سویو بخش گفت و گویند اولوب هر کس درخت بار آورده و صفت خلافت  
سنگ انداز طعن و تشنیع اولمغا غاز اندلر **مطروحه** حضرت سید الثقلین و در  
شیخین مکرین اول حکم ابن ابی حباب ذی النورین شرف توپ و اختصاص در  
صدقه حضرت ختم و نبغه رسالت اولمغا فک نام محصول خیز قریبی مروان علیک  
اندوکی باعث استداد مواد الحار صغار و کبار اولدی **شش** لباس خلعت  
حضرت علیا قامت با استقامت در خلعت قدید بلبه مصر و کوفه و بصره و بی حد  
اشترادار لکنه مدینه و اجتماع ایدوب انش فتنه لرین استعال اندک آت تاب  
حسن و تدبیر اصحاب ایدوبکی اوج مرتبه اطفاف اولمش ایزه غایت کار و دولت  
مدار رنده نیجه ایام علی وجه التشر سکون و آرام و بر قاج دفعه هجوم عاقدن صکر  
سبطین مکرین در وازه ده یا سدار اولغین کرده اشترار سایه دیوار نده و اطر  
صحیح دار اولوب حضرت ذی النورین جنابین شهید و فلک وجود سعود لرین بابر  
رحمتن نابید **اندلر** او واسطه شهر ذی کجه شمس نشین رضی عنه و ارضاه  
خلافت **شش** مدت عمر **شش** مطهر لرین اوج کوندن صکر خاک عطرانک بقبعده  
مسورنما خانه لمد اولدی صلاهی جمعه و تاخیر خطبه عید شریف اثر معجز حضرت عثمان  
رضی عنه حضرت **مقتضی** رضی عنه حضرت عثمان مهران ضیافت خانه رحمت  
رحمان اولمحق الحاح و ابرام اصحاب کرام ایدوب حضرت مقتضی خواه ناخواه نخل اعنا خلافت  
رام اولدی **مطرحه** وزیر رضی عنه علیه روانه طلبکار اولد قری بصره و کوفه حکومتند  
حضرت مقتضی طرفندن روی رضا کور مد کلر کون و کلبه اولوب انحراف ضمیر ایدوب  
غرم بیت خدا و صورت اطلب خون عثمان بهانه سبله کوس غی لفته بلند صدا  
ایدوب حضرت عاتبه صدیقه رضی عنها اول تا ریخته کعبه معظمه ده بولسوب جناب عصمت  
ناب ام المومنین دخی طرفین مالیه و بصره جانبیه رود و جنود ارسال اندلر حضرت  
مقتضی دخی انش بی اطفاف قدیدله اول جانبیه سوق کتاب ایدوب نتیجه مقدمات  
حط و حال بصره و بنده خزینه نام مقامه ترتیب صف حوب و قتال اولد **مطرحه** حاد

تسعه زیره و جوشش عسکر انداز قبه لاجور و کون کردون اولادین **مطرحه**  
مدینه به غنائم ارجوت اولوب بولده مستنوق خواب راحت لیکن عرو مساجی  
نام بر کشتی بدیخت کشتی وجودین جرحه رحمت نامحوده و نابود ایدوبی طلی  
کند و صف سیاهنده اولمغا مروان بن الحکم تبر مجلا یکا ایدوبال افشان صوب جهان  
اولوب ماعدا سنگ قهر استوار قدری تیشه غنیمت گذاری ایدوبی زور  
اولد قدن صکره حضرت صدیقه رضی عنها اکر ام تمام ایدوب طرف بیت اندک ایدوب  
اولدی اوراق جمعیت مخالفین نند باد صدقه فخر و کین ایدوبی ایدوب اولد قدن صکره  
عرو بن العاص و ستماری بغض و نفاقه ساده شقه فزاد **اولاد** معاویه  
لواهی استبدادنی شکست انهم کون اولمغا فک **مطرحه** ریت جویمت اولدو  
سیاه شام دجی ادوات حوب و قتال ایدوب استقبال استیصال ایدوبی صفین نام  
مقامه دورت ایدوب طغان دفعه و لوله و اویز فلک ایزه و اصل و هر رنده  
جانب امام الحق رخنه افکن صف سیاه طرف باطل اولد قدن صکره حدیقه مشهور  
رفع مصاحف و نصب حکم کوکب سقیم السیر فلک حلافتک رجوعه و بخرم خلیف  
نک استقامت طلوعه سب اولدی **شش** عمار بن یاسر رضی صفه و تضرع اولدو  
شایسته سوبال اندر سلا صاف شهادت نوش انهم کون صادق ایلیا بنویدن  
صادر اولمغا نغین او زره فتنه باغیه عسکره معاویه اولدوغی و اصل درجه علم البقیع  
اولدی اولیس قرنه و فقه صیفنده حضرت و نضی عسکرین مست صهار شهاد  
اولمغا افندن اولوب علی روایت اول ذات مکررم حوب و بلمه نرک بزم عالم شرف  
العدم انمش در قضیه غیر رضیه حکیده حضرت علی مجبور لیکن اهل عاقدن اولن یکدن  
زیاده ارباب شرو شور جناب مقتضی به اسناد جنه حسن رضا ایدوب شقه فزاد  
شفاق اولوب بعد التنبه یا برجای ولدی عتاد اولمغا دورت یک قدر خواجه  
نهر مروان و بنده مشرفی بولان زلا و بس المهاده هادی اولدی **مطرحه** معاویه نقی تحت  
خلافتن ثابت قدم اولمحق مؤمن الدولتی اولان عرو بن العاص مهر استخلافه  
نوبک طوع و عدم حکم مهر مجربن ایدوبک ایدوبه ناخدا اولمغا شرفی به قلزم  
نام منزله شربت عسل سموم ایدوب لاحق رهروان عدم ایدوب شرف شرف



ایله اول کشور سنجه و حاکمی اذیت کونا کون ایله ملاک و تدبیر ایله دی  
**سنه فرمان** معاویه اوزره بسیرین ارطاه محل بند غنیمت جاز اولوب قبول  
طوق بیعتدن سرچ اولاندی سیف جف ایله اعلام و تنگ حرمت سبب  
اقدومه اقدام اندکنه صکره عنان انکیزه جانب بمن اولوب اول بذر  
انده دخی نیجه مؤمن یک اعتقادی کشته نمیشد غدر و صدر شهاده عاقد  
ایله دی **سنه حضرت** مرتضاکرم الوجهه نهاده مرکوز اولان شجاعت بازاری  
قوتدن فعله کنه یک مراد اندکله صوره انباده اولان نفاق پیشکان  
عواق مساعده ولی انشاء انکیزه سپاه عدوی کراه کایدانده و طواهری  
اوزره طریقه جولان و سبی و غارت ایله قلم و حکم مقتضوی اولان کشوری  
ویران ایدر لر ایله بالضروره توسط مصلحت گذاران نیک اندیش ایله  
فرمان علی ولی عاقد و حکم معاویه سده جاری اولق اوزره عقد نهاده  
اولندوغی نارنج نوریند سطور در **سنه حضرت** جدر روضی غنه صبح قیامتدن اثر  
بر سر فریضه سلوة فخر ادا سچون منوجه مسجد کوفه اولستد ایله که ابن جهم و  
نام سقی سفله نهاده کشتکان شهرواندن اولان خوششان و قاری انشاکا  
وجود مسعود ابن علی غفله زخم تمیز زهر آلود ایرشدر و ب شربت تها و ایله  
شهید کام و کندوی دخی افاده دام تیغ انتقام ایله دی فی شهر مصالک  
سنه اربعین کرم اقد و جهده و روضی غنه مدت خلافت شه مدت عمر شته  
**قبر** بر نورری بخوزه اولق شهرو اولوب فرزند و بنداری حضرت حسن بعد  
ابام مکاتنی تبدیل و خاک پاک بقیعه تحویل اندوکی و کاشته بر اعنه بعض  
رواقد **سنه حضرت** مرتضی بونکنای ریج و مختدن ضحیت برای ملک حضور  
وراحته رحلت ابدیک اهل کوفه حضرت امام حسنه خلا ایله عقد بیعت  
ایدوب راه صداخته بدل تقدینه جبات ایتیک عهد و میثاقی رسم  
ویریلری اوزره حریف زبان نفاق اندلر بیام انتقال حضرت مرتضی  
و استقلال حسن مجتبی معاویه بی سادگی آرام ایدوب کوفه جانیته نیک  
سمند غنیمت انکیزه حضرت حسن روضی کاعنه دخی نهاده و احباب

وقال و سپاه راسته ایله استقبال سنجال ایدوب مدینه  
واصل اولدقه دی اوبان خلیع العذار سکر عراق عقد اندکری عهد و میثاق  
اوضاع و اطوار اظهار ندل و انت تاناک قلب یا کزین اصا ایدوب غبار گذار  
بعض شروط اوزره متاعل طائل منازعه دن نصفه درون و وار کینه  
مدینه جانیته غم هابون اقتضا ایدوب التی ای تامنده که برنجای کلام  
وری النظام اخلافه بعدی توتون سنه تم تقیرات طرف دیوان قضای  
باس خلا یلاس اراته تبدیل اولمش ایدی اول حمل ثقیلی معاویه وینه  
نخجل ایدلر فی شهر ریج الاخر سنه احدی و اربعین **نقصیل و اربع عهد**  
**خلافت** **سنه** ایله اول طایفه یک مدت حکومتی طغان سنه  
منجاولوب اعوام مزبوره ده اول دورت تفصالح و طالح اشغال چیز  
خلافت اندکری محور که بولسق اوزره که معاویه ابن ابی سفیان اولابوم  
انکیزه تغلبا جالس بر ملک اوکوتانیا امام حسن فراغنده تجدید بیعت  
خلافت اولندی مروانی مدینه حکومتی روکوردوب بوسیدیل سر فته  
اعمال ایله دی بی بسیرین رطاس غزات ظفر سات ایله کشور رومه هجوم ایدوب  
سبی و غارت ایله جمع کفار تفریق و بر مدت فسطاطیه سکانی محاصره  
و تفتیق ایله دی **سنه** **اعلای** لوی عصیان ایدوب سبیل و ایدلر اهل بیت  
رابط غتو و طغیان بن سکست ایتیک لیون عبدالعبد بن عامر سال اولکو  
اول کشور نکرار سنخ اولدی فی **سنه** مهلب بن ابی صفه ارسا ایله اب دی  
کشور هندستان شهر کابل تیغ اولندی فی **سنه** دبار ترکستانده شهر فجاج دار  
دار سلامانه کاف اولدنی **سنه** مجهول نسب ایدوب معلوم عالمک اولان  
زیاد بن ابی که ابکی سنه مقدم معاویه ابن ابوسفیان اولادی عدانه سنه  
انتبدر سرجه اقباله افتاب غایت بی غایت معاویه بر توانداز اشراق  
اولوب بصره و خراسان و سجستان و هند و چین و عمان قلم و حکم و فرمان  
فی **سنه** از قیقه مغرب مشرق اعلی اولدی فی سنه علی روایت معاویه  
بالذات خبره قبر سنخیزه اماله سکان غنیمت ایله دی **سنه** سنخیزه قطنطینه



تدبیری معاویه نکست ایچوایه ضمیری اولوب سیفان بن عوفی علی روایت اوغلی نبرد  
سردار **وابن عباس** و **وابن عمر** و **وابن الزبیری** اول عسکره بیه استظهار **ایلی**  
ایام محاصره ده محرز شرف نهاداری حضرت **الی ابوب انصاری** مقصد صده حرام  
ابدوب خارج سورده مکان مشهورده متواری کنی فرار لامع الانوار اولشدر  
رضی الله عنه **شیران** عب بجونی سکارونی بی ناب ابدوب بیم شمشیر استتاب  
ایله مقام الطاعت و تسلیمه قیام و ادا و جوی الی الزام **ابنکیر** طرف شامه مالله  
لجام اولندی **سنة** **نقد** وقت فاطمه زهرا امام حسن مجتبی فرقی التی بایستند  
ایکن عازم زهرا گاه خلدین **و خاک عطا** نک بقیعه خلوت نشین **اولی**  
**م** **تحصیل** رضای خاطر نذر با جویون جده نام مشکو سی نسیم **و شربت** سرباد  
عین نسیم تقدیم **ابدوب** عا جلا حصول مامله نذر حرام ایله **نظم خسران** اولدی  
دخی و دیر **عالم** از قیبه عقبه بن نافع ایما بیلد قیردان بناسی حسن نظام اوزره  
تمام اولدی **می** **سنة** حسین معاویه قتل عثمانده اهل مدینه تغافل انیشدر و دیو  
ایمانت و جفا قصد بله نیز مسجد نبوی بی شامه نعل ادا ابدوب بهارت اولدی  
انتاب مالک اسکف و نجوم زاهر ظاهر مکشف **اولغین** نوضد نذر قصه ایله  
**م** **ایض** اسرار بیع بن زباد حسن تدبیری ایله بکباره بلخ صلی و قیام غنوه فتح و غیر  
اولندی **الی** **سنة** **عشر** سیدین زید بارگاه بقابه ارخالی مدیانه عسکر ظهور هر چاه  
بخارایه توجیه لوی غزایه ابدوب **رابین** و نسف و دخی بعض معتبر بر سر سحر نذر  
**نی** **سنة** **اربع** و **حسین** **ثور** شرف و عده جنت برله مشرف اختصاص بولاه خواص  
اصحاب کریمین بقیه سلف صالحین اصحاب خاص سعد بن ابی وقاص ساکنان روضه  
الصفا بقیعه جوارنده طارحل فرار ابدوب نبر کاغذ و بدرده پوشش قبالا ایلی  
برکنه جده صوف ایله تکفین اولمش و صیت و تقیین ایله **م** **علی** **روایت** ارخالی  
عام قابل اولوب بر قولن خود مدت جات فایض البرکاتی **سنة** **ثمان** و **حسین**  
و اصل اولشدر **اسامی ایشان** حضرت صدیق اسکف **حضرت** فاروقی اسکف  
**حضرت** عثمانی اسکف **حضرت** رضی الله عنه **حضرت** ابوعبیده **عبد الرحمن** بن عوف  
**طلحه** **سنة** **زیر** **سنة** **سعد بن زید** **سعد بن ابی وقاص** **رضوان** **سنة** **عبد**

و آن **خو** **اسان** **سعد بن امیر المؤمنین عثمان** **سنة** **هبت** **بی** **هبت** **ایله** **جنا** **اربعه** **دنیا**  
معدود اولان صغیر قنده نهر جیحون دخی برخلیچ ادا ابدوب **اول** **امیر** **دله** **ضرب**  
**شمیر** **ایله** **نبرد** **شیخ** **ایله** **بی** **سنة** **معاویه** **سیر** **بداخته** **ی** **نبرد** **ایله** **جیحون** **ولایت**  
**عمر** **خلافت** **ایله** **بعثت** **تکلیف** **عینی** **نعم** **ابدوب** **مدینه** **ده** **امام** **حسین** **و عبد**  
**بن** **ایکبر** **و عبد** **بن** **عمر** **و عبد** **بن** **الزیر** **دن** **معد** **کافه** **ای** **قبول** **طوق** **بعثه** **رام** **ایله**  
**م** **سنة** **مجهند** **مطلی** **معاویه** **قطع** **رسته** **طول** **ابدوب** **کوش** **معد** **ده** **رهین** **عمل** **اول**  
**می** **رجب** **سنة** **تین** **رضی** **عنه** **مدت** **خلافت** **مدت** **عمر** **سنة** **حضرت**  
**سید** **و سند** **اولاد** **ادم** **صلی** **الله** **علیه** **وسلم** **طرف** **باهر** **الشرف** **نذر** **اللهم** **کنه** **فی** **البلد**  
**دعای** **سجانه** **نظم** **اولغین** **سن** **و حجاز** **و شام** **و مصر** **و مغرب** **و عراق** **و آذربایجان**  
**و فارس** **و خراسان** **و جبال** **و دیلم** **و ماوراء النهر** **نظم** **و حکم** **فرما** **اولوب**  
**شقه** **رابی** **هموار** **باد** **نصرت** **ایله** **جگنده** **ایدی** **وضع** **بید** **و اسناد** **طوا** **و انخا** **و تقصیر**  
**و تعبیر** **ولی** **عمر** **و تنویر** **اطعمه** **والیه** **اولیات** **معاویه** **دن** **اولو** **حلاف** **و آب** **سلا**  
**نعم** **و رفقه** **اوزره** **صرف** **و اوقاجات** **انند** **رفاسق** **فاجر** **و جمله** **منه** **بیانی** **ترکب** **و محار**  
**نبرد** **بکر** **دار** **سیر** **خلافت** **و ار** **ایلیک** **عالم** **مدینه** **می** **ایله** **بعثت** **جیحون** **امام** **حسین**  
**حواله** **ایلیک** **اول** **مخدوم** **مکارم** **موم** **قصد** **هجرت** **الی** **مدینه** **دار** **الامن** **حرم** **الله** **محل** **نند**  
**غیبت** **اول** **سرا** **ایک** **ارباب** **نفاق** **عرا** **قد** **نشریف** **قد** **ولری** **رجاسنه** **متسلل**  
**الورود** **اولان** **نیاز** **نم** **ر** **سبیل** **استکشاف** **اسرار** **ضایر** **جیحون** **ابن** **علی** **سلم** **بن** **علی**  
**ارسال** **و ایک** **طرف** **نذر** **وارد** **اولان** **مکاتبه** **او** **نوریک** **قدر** **مخلص** **سایمی** **فیت**  
**دفتر** **اولد** **دخی** **خبری** **محر** **اولغین** **ایکی** **اوج** **ایله** **نکره** **بالذات** **اول** **جانب** **یک** **راست**  
**اقبال** **یور** **یکو** **اسا** **طریق** **عالم** **کوفه** **عبد** **بن** **زید** **و تیغ** **ی** **و اد** **ایله** **سلم** **عالم** **وجود**  
**منعدم** **اولد** **دخی** **تحقیق** **اولمش** **ایکن** **حکم** **اقتضا** **قضا** **و جهنم** **نذر** **عنا** **تاب**  
**مراجعت** **ایلیوب** **عاقبت** **سقی** **بد** **نهاد** **ابن** **زید** **طرف** **نذر** **نفاق** **ایله** **سپاه**  
**شقایق** **ناه** **دشت** **کر** **لاده** **سدر** **اه** **و اول** **نخل** **دککش** **روشن** **باغ** **ولایت** **ایکی** **سپری**  
**وینش** **قدر** **قار** **ایلی** **ایله** **سپاه** **سرو** **اسا** **افاده** **خاک** **سپاه** **اولد** **دخی** **فی** **الورود** **عالم**  
**نذر** **الحرم** **سنة** **احدی** **و سنین** **رضی** **عنه** **ارضاه** **مدت** **عمر** **سنة** **مطلی** **جبل** **الورود** **جانب**



اقدام سنان ابن انس نام ششینی بد بخندن صدور ایدن شمر لعین دخی اول کاو  
سنان لعین ایدی خذلهما بعد و در اجد مطهر لری موکه گاه قیامت سلویده باز  
شکر نخوس الاثر اولوب سر سعادت افسر لر علی اصغر و نبات مکرات و ازواج  
طاهرات ایلد خفه درگاه نرید کراه اولوب مکر مایه به بار سال و بر قولده شامده باب  
الفاو ایدس فربنده تسلیم خرنه رحمت ایزد و اجمال اولندی بو حال شمر الملک طهر  
سکان طینه طینه کانون دروننده استنش اندوه واضطراب التهاب ایدوب  
کردن الطاعتدن طوق بیعتی اخراج و عامل مدینه عثمان نشانه نشانه قهر و از عیاج  
ایتمکن نرید بد کهر مسلم بن عقبه نام شقی ایلد اون یک قدرش کوندر و ب اول بد  
صحابه کرن و نابیندن بد یوز و احادنا سدر اون یک نفر به کنایه علف بیعت  
اندک نر صکره فرمان نرید بد کردار اید اوج کون علی اکسمر و از ال کینه بد بنده انات  
مطلقه سی غارت و اتاعت انواع تساعت اندردی فی سینه ثلث و سنین  
عبدالعزیز دخی نرید فاسق بیعت موافق اولوب مکر مکرده مجاورت انیمش  
مستمر نقض مسلم بد بنده منوره تحصیل اندوکی و ستمانه خسران اید ایلد قانع اولوب  
قصد بد ایلد و براه حرم اید اولمش ایدی که بولده نکون از حفرة سچین و حصین  
بن غیر جانشین اولوب او کراه دخی فرق کون حیران بیت اللهی قضیق  
و حاشا هدم کعبه معظمه قصد یعلد غضب منجیق انیمش ایکن وصول پیام مرک  
نرید ایلد دانه خذره ام القوادن قصد یفرض ایدوب ستمانه کتک اوزره ابن  
الیزه فعل خلعت خلافت ابرام و عدم مساعده مشاهده سبله جانب مشقه  
الانجام ایلدی فی ربيع الاول سنه اربع و سنین مدت حکومت نرید ششینی  
سنه متر مدت عمر شکره سر مست صبا ضلال نرید بد فعال حمص فربنده  
هلاک و جسد باک شامده متواریس و یرده خاک اولمجن او غلی عاوه  
مع الکراه سر بر خلافتده قرار و اوج اید نرید بر قولده فرق کوندر صکره نور عاوت  
و انرا اختیار ایدوب بالطوع و الرضا ترک نیم کابوده از مدته غم ملک  
جاودان ایلدی رحمة الله علیه رحمة واسعة مدت عمر شکره هلاک نرید دن  
صکره ابن الزبیر که ده کلین مسند خلافت اولوب عموما اهل حجاز و یمن و مصر

و بعض

و بعض اهل شام و حمص کردن بسته طوق بیعت اولد بیدر جدران کعبه  
مظفره صدمات اجماز منجیق ایلد مشرت انهدام اولعین نقض و ابرامه اقدام  
و جبر اسمعیلی داخل بیت الدیو ام ایدوب در وازده معل جتا معالک سنده سیر  
دخی فتح ایلدی هم معاویه پشت پازن دولت دنیای لی بغا اولمجن مروان بن الحکم  
علی وجه الغلب تحت خلافت وضع قدم ایدوب دستبازی حسن نرید ایلد مصری  
شخیر و زعمجه زیر بردن ارض شکره نظیر و اندکن صکره فجا تا ویا مطعونا  
شکر سرای سچ و حشت این ایدوب او علی عبدالملک جانشین اولدی  
در رمضان ششم مدت خلافت مروان سده سده مدت عمر شکره ابن الزبیر و  
رام اولمکی غامک سنی دفع ملاحظه سی ایلد حجاج کراچ بیت الدیو ایدن زیارت  
بیت المقدس ایلد شغال ایتمک ایکن عبدالملک سجد اقصای زینت و زیب  
و لغویب ایلد تحسین ایدوب شخیره تریفه اوز زیننه عالی قبه بنا ایلدی فی سنه  
کوفه و مختار طالب نما حرسین شهید و ملق شعار بیلطهور و اول وجود سوز  
زخم ازیت ابر تدیر لردن شمر لعین اشتاد سر عکر شکار هر عمرو بن سعد بن و قاهر  
معموره جاندن دور ایدوب کوفه به بعد موصلی شخیر و عبید المدین زبادی  
طعمه نهنگ جانشین شکره ایلدی فی سنه اولد خون ناحق معالک سنده قمش یک  
نرید ایدی دهلینر عده وضع قدم اندوکی روایت بالغ نصاب صحه در ابن الزبیر طهر  
برادری مصعب نامزد حکومت بصره اولوب بعد الحاربه کوفه و مختار عضره  
شمیر خونبار اولدی فی سنه عبدالملک غنیمتده لوای عصیان اعلا و مشق  
بسطید استعلا ایدن عمر داشتد و خرده امان ایلد طل سبابان اطمینانده  
اسوه اولدیک سر هر بر سنی شخیر شکره ایلد ربوده اولدی شکره عبدالملک  
واق جاننه سوق شکر شور و مصعبک قصودنی زبیر و زبیر ایدوب  
اول کسوری سر تا سر شکر ایلدی فی سنه احدی و سبعین فرمان عبدالملک  
ایلد حجاج ظالم طرف بیت الله سوق سیاه کینه خواه ایدوب بدی شکر سنان  
که نه محصره و ابن الزبیر ایلد مطارحه و عده مقانده و مساجده اندکن صکره  
سک منجیق ایلد وجود ترفیع ام القواد و خنده لریدد و عاقبت بن الزبیری



شهید **ابودوب** جسدتی نیجه مدت سردار و برقرار ایلدی فی ستمت  
 و سبعین مدت خلافت **عمر** کشتنی بیت کبری وضع  
 قدیمه اعاده **ابودوب** جری اخراج ایلدی فی ستمت **دین** و دولتیه حاشا حاشه  
 مقابل سنده عبد الملک سجا حکومت عاق ایلد ارباب نفاق اوزرینه تسلط  
 ایلدی فی ستمت **عاقده** دروه خود و عوج ایلدن شیبب خارجی شمشیر اتمام حجاج ایلد  
 اعدام اولندی فی ستمت و سبعین قلم و حکم اسلامده رایج اولان نفوذ  
 رویه و کسر و انداخته ایمان ابطال اولوب وجوه درهم و دنانیر نفوذ سلطیه  
 ایلد توبر اولندی بوضع محسن فاروق رفیع القدر عهده خلافتده ظهور ایلدی و کی  
 دفع بعض تواریخده مسطور در عبد الملک خراسا و سجا ضمیمه حکومت عاق  
 بواجسان ایلد حجاج کردن بسته طوق استنفاق **ابلدی** فی ستمت خلافت  
 مقتضویدین بروقتا کوفه منصفی حد مت حکم و امضا اولان تریج قاضی شغل خلافت  
 استغنا ایلدی فی ستمت **امام** حضرت قری کوفه ده تشریف ساز ساجه عالم وجود  
 اولدی فی ستمت **بشر** ستمت خالفت و عصبیا اوزره اصرار و حجاجی جانتد بزار  
 ایلدن عبد الرحمن بن اشعث عا دام کام بهنک شمشیر انتقامه گرفتار  
 اولدی فی ستمت **بوندون** ماعد اوندن زیاده کشته و احدا بعد واحد سلم خروج  
 و عصبیا نه صاعدا و کوفه منصف تیغ بران ایلد خاک هلا که فلط اولد بترتبعه ری طول  
 بلا طائل اولغله قلم طرفه رقم اول و ادیده سمت اختصاره مائل اولد طرف رو تشبیه  
 لوی خا اولو معینه فتح و نسیم **و سوری** اجبا و تعمیر **اولندی** فی ستمت حجاج  
 ناسپاس ابره و کوفه میانه اولیق بین الناس واسطه عنوانه شهرت یافته اولد  
 شهر ناسنه وضع اساس اولندی فی ستمت **دیار** عجمه اریسل و بر و غنه نام شهر  
 بعد الانام تو احوال اسلام اولدی فی ستمت قشیر بن مسلم حجاج طرفندن والی خراسان  
 اولوب اول امیر و لیریدی سکر نه شمشیر جهادی در کار و دیار ما و الزهر  
 خوارزمی داخل خوره اقتدار **ابلدی** فی ستمت غه صبح جات عبد الملک شام  
 مائه مبتدل اولوب خاتم خلافت اوغلی و لید دست امانته تحویل اولدی فی ستمت  
 ستمت خلافت ستمت مدت **عمر** عبد الملک مبتدل اولد و فی دا و بخرنوع

بشاده منصور اولیق مرتبه سندن بدتر اولوب دروازه دمانده کذا ایلدن مسر  
 افتاده خاک هلاک اولغین اب الذباب یعنی ایلد شهر **و کمال** التم و بخی  
 جهنم رشع بخره ایلد و فی مذکور **ایدی** او ایلده حسن اخلاق و رحمت و شفقت  
 ایلد مشهور افاق اولوب دانا صحبت علما و زهاد کاری و صحابه کریمه تعلیم  
 حدیث تریف بخره انکاری **ایکن** جالس سندن خلافت اولد قدره صکره تبدیل ایلد  
**ابودوب** طریق جور و بیداده منسک و ظلم و فساد منهک **اولدی** حجاج بی  
 دین اموال و دنا سلبین تسلط ایلدی کذبیه و ستمایه استعداد و ستمایه  
 و نفوذ اولور مردیدر که **حزده** خلافت عبد الملک و اصل اولد قدره قرات قرآن مجیده  
 استغفال اوزره ایلدی دست فراغ ایلد رقی مشوری فی کمال طبع ایلد و ب **بند** اخ  
 العهد مک تقیر ایلد اظهار رعی ایلدی و لید عام قابل طوسده و مشق ساد طبع  
 بنی امیه ناسنه شمشیر ساعد اتمام ایلد و ب **ندارک** لوازم و مهام ایچون دور  
 صدوق صرف اتمدر که **امیری** جوازه ایچواندن بخت جریدن بیان ایلدی و اوزره **صوفی**  
 یکره سکرزیک زر سرخ کامل البیاری ایلد هنوز نام اولدین بنیاد وجود و لید منهدم  
 اولوب برادری سلیمان اتمام اتمدر سرکارده اولان خرد و رو بخارون  
 ماعد اولن ایلک **خرم** و اریکن ایچن طغوزیلده صورت بدیر ختام اولدی کمال  
 تکلف و استحکامنه برهان قویدر و **انی** مدینه منوره غم زاده عمر بن عبد العزیز ستمت  
 بیوت ازواج طاهرات مسجد تریف بنوییه ایچا و اولندی فی ستمت سهل بن جده  
 رضی عنده مدینه مدینه ستمت و حشمت مداردن غم دارالانس رحمت برورد کار  
 ایلدی فی ستمت **کروه** بر شکوه اصحاب کریندن رضوان الله علیهم جمعین مدینه  
 جمله دن صکره متوجه روضه خلد برین اولان بونلار در حجاج طرفندن محمد بن کاسم دیار  
 سنده سوق سکر طغوز ایلد و ب **اول** کشور سحر اولد قدره صکره اقلیم عظیم  
 هندون دمی نیجه مغیر قلاعی ایادی اعادیدن انتزاع ایلدی فی ستمت طارق بن زیاد  
 حاکم افریقیه موسی بن نصر امیر طایفه اندلس تحریک رایت غزو و جهاد ایلد و ب  
 مددکاری فضل باری ایلد اول و باری منار انوار دین بین ایلد تربین **و سر** دانه  
 خور و سن و ستمه سرازان میدان دین **ابلدی** فی ستمت احدی و ستمت عین



روی در خطبه نام شهرت کند شجره بنی اولد قده صنوف اموال در ماعدایونش  
باج مجوهر و بر در هر قطاره طرح اولنور بر قاج صندوق کبریت احمر و زرد و زبانی  
و لعل و خشتانی ابد وضع مانده سبکها و بر آینه کیتی نما و نیجه خف کران بها بولنوب  
درگاه خلافت رسال اولندی بعث سرا با اید و لید و بار روی بازده غار نکون  
ایدوب ملاطبه و انطاکیه لی بلخات مالک نخوسه و ل ایلدی فی سنیست  
و تسعین رابع الله اثنتی عشرین العابدین علی بن الامام حسین الی سکر بایستند  
عازم دار الفیاضه بهشت برین اولوب مدار استظهار انجذاب بقیغ اولدی  
و **ششم** اقتضا قوت دیانت اید سفاک بی دین حجاج بداین متابعتدن امتناع  
ایدن سجدین جبر نایج رتبه و لید ایدله دار الامن حرم الله دن افران اید از عاج اولنوب  
تمیز سیاست حجاج تسلیم اولندی هم زمان قبلده حجاج بدکردار نکون سحره نایر  
اولوب سرخ جان نخفه مالک نیران ایلدی فی **ششم** صفات کتب نواخذ  
مستور در که ظالم جنور اوائل حالد بعض وزیر اخذ اندن اولوب بر کون خلیفه اثناء  
سفوده عسکر اوز کوس رجلی سرح قبول اید استماعدن امتناع ایدر لر مش بر مرد  
مقدم اوله که بزم جو کتزدن صکره منزله بر فرده رخصت قرار و ارام و بر  
دیو و زهره خطاب ایک سو قیل اول خدمت اداسی عمده اتهام حجاج بخجل اولدی  
روز دیگر خلیفه رکاب غوغینه وضع قدم و سمت مقصوده توبیک طوغ و علم  
ایدوب حجاج سوبسوس انده لری جست و جوابد رکن کور که خواص و زبرد  
بر جمیع فارغ البال بر درخت سایه سنده تناول طعامه اشتغال نبشدر اعوانه اید  
بی امکان جمله سنی استطلاع اندک لری در خسته بردار ایدوب اول اناسخ و قواقه  
و دندر دیر اندن صکره بر فرد خلیفه دن تخلصه قادر اولوب صیت و صدای شتهار  
حجاج عالمگیر و فسون و فسانه سی نقل مجلس امیر و زینه اولدی کشتی زبور  
اعوام تسلطنده یوز بکر بی یک قدر اهل اسلا جبر اسیف ظلم و جف اید اعدام  
غلیظده اعدام خفه نیران اولد قده اول بی امان زندانده الی یکدن زیاده  
مظلوم بولندی و در امدن اول مددک حجاج کبی برضال و مضل و اسلا میانی  
نذل ظالم عشوم تلویب مسند حکومت اندوکی معلوم دکلد رخنه وجود بدبود

سوقته الش حرک اولد قده بنجه کونلر مطروح مذله حقاقت اولوب اید ایا م قاج  
هواداری نمازین فلمغه اقدام ایدلر علیه ماسیحی سفینه وجود و لید کرداب قناد و نایر  
برادری سلیمان بر بر خلافتده کاران اولدی فی **ششم** مدت خلافت شهرت غم  
ششم و لید صوم و صلوت مداوم و اوج کونده بر ختم قرآن عظیم شت ملازم اولوب  
ایمانده عامه خیراته ساعی و شریط تنظیم امور جمهوری داعی ایکن بالطوغ طایفه بلوچین  
حجاج کبی بی خدمت امانت دما و اموال سلیمین استخدام و بوبله بدیهی اظهور  
امر سکر اقدام ایدوب اقطار تجاریه به عثمان نام بر طایفه ستولی و دیار مصر  
قره نام بر قماری واک امتشدر ایا این همه زمان خلافتده کعبه معظمه یک کعبه  
السعاده سنی و میراب رحمتی و درون بیت کربلا اولنور سونلری الواح زرین  
تریزین انبیا کچول اولنور یک النوع رسال ایدوب زلال مثال ایا سبیل  
جیران بیت خدا سقا ایلدی مسافرس و مرضا کچول ابتدا با خانه و دار الشفا بایک  
ولیدک اثر معبر بدروالی خواسان قینه سید طاقندز سابقه رنجش و تقار سبیل  
سمت تسلیم زور کردان و سالک کربوه مخالفت و عصیان اولوب  
همان اول تا مده هجوم عام ایدلر کشور وجود دن نابود اولدی فی **سیک** برادری  
امیر غزات دین ایدوب فتح و طنطنه به نقیض ایلدی فی سینه غان و تسعین حاکم  
حواسان بریدین مهلب قنسان و جوجان و طبرستان فتح و شجر ایدوب امد  
مدید جنگ و یکار اوزره اصرار بر اچول جوجانیا بایستد کیت انش غان شمشیری  
اجاله وجود خونین بر وجه ایدلر سالک ایلدی که اول رود و رودند و اسفل و آید  
اولنور سباب دایره و بوبونه سفک دم مدی الدهور عالمه مثل سار  
بی ملاطم امواج زلال کامل الی آیر سکون نیمو کشتی عالم سزکون اولوق اماراتی رود  
اولدی هم حکم ارادت بی علت سبجی ارض قنبرنده بر بر ملک سلیمان بر باد اولوق  
اولیحق بار امانت کبری حکم زاده سی عمر بن عبدالعزیز خضر نریک دوش اتمانیه خیر  
و بوضع حسن اوزره کار نایا بدارده ذکر جیل تحصیل ایلدی فی **ششم** مدت خلافت  
شهرت مدت **ششم** سفک دماون غایت احکام اوزره اولوب عجز  
وزیر دستانه احسانه بهانه جو بک خصلت و خوب رو ایدی غایت کرم



اشته ما اولوب روز مره غذا و عشا سی ایکی بوزر طبل شکا طعام اولوق نواز ایله  
نابت الصحره در وجودی سبب عمر سخت خلافتده زبیب و زین اولوق بعد خطبه  
سفه ای خلفا بنی امیه اول جناب مرتضی ان الله یامر بالعدل الاحسان  
کریمه سنه تبدیل و طائفه علیه علویه یه نظمه صنوف اکر ارم و بیجیل ایدو  
هموان اعلی سنت سنیه ده خلفا راستدین ایله عل اولوقن کمال عدل و داد  
مثل و ثالث عمر بن عنوانه محل اولدی خواه الله علم السبلین خیر **طایفه**  
بیر امن مجیم ظفر سیاه و سگما اولوب ایام محاصره قنده و بلای استیلا  
تحت و غلای شتند اولوقن امیر المؤمنین ایله سر بازان دین سمت رجوعه  
عطف عنان اتد بریم تعین بعض مورخین اوزره خله القسم ناجا کفار  
استانولده معبد بناسنه رخصت و یروب علی روایه غلطه ده عب  
جامعی آباد ایتیلر و چونکه مقتضای سیه کج رفتار همیشه اذیت و ازار  
اولوب امتداد ایام خوشدلی محال و بودار و حشمت مدارده بر فاج  
کون خلق عالم شاد و حرم اولوق نه احتمال در دیر سعادته متواری سحاب  
تراب و تحت خلافتده حکم عهد خلافت سلیمان نیریدین عبداللک  
بلند جناب اولدی فی رجب سنه احدی و مائه **ح** و ولای العبا  
سبب بغض و عداوت بنی امیه اولوب اقارب عتقار منیر طر فند  
تسیم اولندوغی دجی و بدو رحمة الله و رطیح مدت خلافت سنه سیه  
مدت عمر **ع** عبدالعزیز نهاده ده جدا دیر لری حضرت فاروق بنج  
انجابه پیر و اولوب مدته العز جاده مستقیم شرع قویدن بر قدم الخراف  
انتم شد مرتبه عدل و الصافری تسه و جهان اولوقن و معلوم عالمیا  
و زهد و تقوی و ترک دنیا ایله مشهور جهان اولوقن اول ایلده الفتا  
ک سنه اولشد اول ایل حالده کمال ترفه و تنعم اوزره اکنه تحمل اعبا خلافتده  
صکره نفقه عیال لری ایچون بیت المالدن هزار اراجح ایله کونده ایکی در هم نغیر  
و جمله قبا و جامه و خف و عمامه ارکون انجق اولن ایکی در هم تخمین اولندوغی  
صدقه عاید شایهین عادلین در رضی عنه و ارضاه **بقیه** السلف صالحین خاتم

جیده الوفیات اصحاب کربن ابو الطفیل عامر بن وائله اللثی مکده و بیک زن  
دعوت خوان رحمت اولدی رسول الله کما علیهم جمیعین **ع** عمر بن عبدالعزیز  
نیریدین مہلبی خواساند نوزل ایدوب بیهوده اخلاعت اندوکی بیت المالی  
تخصیل ایچون حلب قلعه سنه حیس و تشکیل اتیش ایدی عمر خضری سر نهاده  
بالین حضور احتضار اولدوغی اخباری انتشار بولوق عهد سلیمانیه نیرید  
بن عبداللک حقه کندی و دن صدور ایدن سابقه کتایم انتقام کندی  
بند بلادن تخلص باندو صنوف مکر جیل در کار و بصره جابنده فرار ایدو  
یائنه بوزیر کیم یک قدر استقباحترب اجتماع اندوکی استماع اولنا غین  
اول انش فتنه لی شکین ایچون نیریدین عبداللک برادری سلمه تعین ایدو  
دم استعال غمزه حرب و قتالده نیریدو جمله ال مہلب سوخته شمشیر  
صاعقه تاثیر اولدی فی سنه ثلث مائه نیریدو حورانده جرحه نوش هلاک  
و شامده آرا کیم کیم خاک اولوب برادری هشام نشو و دار جام دولت  
ناز جام اولدی فی شعبان سنه خمس و مائه مدت خلافت سنه مدت عمر  
اوایل حالده نیریدو لوده هوا و هوس و همیشه ساز و سوز ایله بمنفس  
اولوب خلعت پوش خلافت اولوق سلف قرین الشرفه تعلید اهر  
تکلف ایله فرق کوز ارات صورت زهد و سداد و میل جاعل و داد  
ایدوب بعده معنادی اولن طریق فسق و فجور و اثاره غبار شر و شوری  
پیش نهاد استعداد مادر ذآ و عامل اندلسن عیب جک جو بان و نک  
دست قهرنده اولن یرشلونه نام حصار و اسعی محاصره و قضیق ایله سکایه  
باشنه تنک ایدوب وزیرینه الزام مال جزیه و خراج و بی حد اساری  
سلیم اخراج ایلدی فی سبع و مائه **س** دیار رومنه مکرار هجوم ایدوب  
نیساریه بی مرکز اعلام ایلدی فی ششده کبار تابعین حسن بصری عازم سیه  
راستنا جان فی سنه عشر و مائه فن جلیل نغیر روایه اظهار ید طولا ایدو  
نجد سیرین خوشخانه مرفید نورده سر نهاده و ساده خواب حضور اولدی  
عمر فرمان هشام ایله سجده جوشی نام دلاور سر عکر اولوب جنگ و نیجه بقاع



وفلای برده بدک دست اعدای دین مخایل سرکیندن انتراع اندکد  
اردیل فریده است که منجوس الاثر از آنک جمعیت دین اوج دفعه برین و اگر  
طعمه تیر شمشیر ایش نشان ایدوب سیاه اسلام کی نهاییه اغتنام اندیک  
نی سنه اتنی عشر **خامس** اتنی عشر محمد باقر بن زین العابدین تمیش اوج  
بایستنده منوجه خلد برین اولدی بی **حاقان** نرک سمرقند کند سخر  
ایسک سووای و سوسه فرساید محاصره اندوکی واصل سمع هشام  
اولمین والی خراسان خیندار سال اولوب اول مردنر دایتین جمع  
اتراکده تیغ فخر و کینی اجاله و بار تفلت حاقان ضرب شمشیر خورشید  
ایله سمرقند سکا اوزر لرندن ازاله ایدوب در فقا اولرق بخاریه  
واصل اولد قده ارباب ترو سوری اول کشور دن دخی دورا بنیکه صفت  
مقدور ایلدی بی **سالمه** کاه و بیگاه سیرانه هجومی دیار روم سکا عفا  
کرداب اضطراب ابدن ابوالحسن عبداللہ الانطا المستقر بطلان  
کلب روم فطین ایلد ترتیب نرم رزم و تسویه مواضع و واداره  
افداح رماح و سیوف ایدوب فطنطنی سیر و عسکرین گرفتار سخر  
تیغ و تبر ایلدی بی **سالمه** هشام ابرله مروان بن محمد ترکستانه حویه  
لوی غزا ایدوب انتهای سرحد سیر وانه و ارجی نیما و غارت و غریب  
حکایت ایلدی بی سنه ست عشره امیر خراسان اسد بن عبداللہ القسری  
حاکم ترک ایلد بلخ صحرا سنده اهنک جنگ و صدمه حمله سیرانه برله  
یای تات قارل لی درمک ایدوب اول ترک سترک مشرما  
ترکستانه وار و قده بعض خواصی تیغ غدر و خیانتی ایلد اکر روز کار دن  
خلاص اولدی بی سنه ثمان عشره تغیر بن سباز جانب داورا انهر سیه  
کش اسلام اوکو کلته مالک جیمه تسلیم و اول کشور ده سبی و غارت  
حکمنی تعیم ایلدی بی سنه عشرین عامل موصل بر قاج سنه دن بر و  
بذل نقد بنه اهام و شمره اجایه اقدام اندوکی منبر عظیم جاری  
و خیر و برکتی اول غده و اطرافنه ساری اولدی بی **سالمه** امام حسن

زید بن علی کوفه ده متصدی دعوی خلافت و اکثر اهل بایس و کرم قبول عهد  
بیعت ایدوب اما از مدتی والی کوفه یوسف نام سخی بدین جام  
شمس غدری ایلد غوطه خوار بجز نیاز رحمت برورد کار و جسد منوری  
سنه اوینه سردار اولدی بی **سالمه** مروی در که جسم باکندن جامه  
سلب اولوب بدن بی جان عیان صلب اولمش ایدی بفرمان ایزد  
ذو الجلال بی بحال بر عتکوت طرف اساندن ریسمان قدر ایلد نازل  
اولوب نظر حوام اولد اعضایی بس بر و جلاده مستور و بومجوه باقیه  
محمدیه ظهور اعدا مقصور و او دالی سرور ایلدی **رحمه الله علیه** **م** سور  
حیات هشام علیه قریب ارض فشرینده اثر معمار همی اولان رصافه  
نام شمرده انجامه ایدوب برادر زاده سی و لیس بن زید کوکب اقبالی  
غیرت خورشید ولدی بی ربيع الاول سنه خمس و عشرین مدت خلا  
**سالمه** شمر مدت عمر **شمر** خیرت اترای عقل و شعور اولد امور و نذر که  
هشام زبانه مائل احتشام اولوب پوشش قد بالا اولد جامه و قبا  
اسفارده بوز قطار رهواره بار اولور کن لباس جناب بناتد نرچو اندکده  
خلعت پوش خلافت اولحق مخدوم غایب اولوب ابو اترانده انک  
حد با سرنبله مخدوم اولمین هشام عالم استباحدن غم عیدگاه ارواح  
انکس چون بر شمع بر آتد ارکند عسرت چکلی لیم دانی و لید کشتی تلویت  
دست خلافت ایدیک زعم فاسد بجه جلب قلب لکول ارباب و طایفه زینا  
و تابع اضاف ایلد بیت المال سلیمنی انراف ایدوب اوقاف عیدیه ابر کاه مستی  
و کاه خوار ایلد کنار انکس نظام امور ملکیه مختل و کار فاه احکام دینی معطل  
اولوب از قالدیکه مالک سلیمه غرقا طوفان هرج و مرج اولد ناچار غایت  
اندیشان دین دولت و لید طریکوس سام اطرافنده کار تکاره مشغول  
ایکن عمر زاده سی زید بن ولیده بیعت ایدوب اول بدایتین اوزر بنه سل  
سیف غیرت دین و سر شقا فیرین ربو ده چو کاستمیر فیر و کین ایدیک  
فی جادی الاخوه **سالمه** مدت حکومت **سالمه** شمر مدت عمر **سالمه** شمر



اقدام اندوکی منکرات امور اهل اسلام در کل عبده اصنام در دین خود  
 ایستاد و منصور دکلدر جمله دن امهات اولاد بدر و صلیبه دخترینه حاشا  
 دست تعرض دراز ایدوب هر صباح نمازنده آلوده دامن چوک سنی و  
 جناب جاریه سنی غامه و جامه سیله لباس و کندوبه بدل جامه مقتدای  
 نرس اینت در مصحف ترغیدن برکون استغفار ایدوب و استغفار  
 کل جبار غنبد کریمه سی بین حال خسران مالی اولین رق کبری حاشا شانه  
 سهام و کندوبه هرف تبر لعن و دسام ایدوب سر جنبان قهر  
 و غضب اولرق اولج ایدوب بر قاج خمه بی اعتباری کتیده سک  
 نظم مختل نظام ایلدی و ایداندکی تر قیاتی نیرید تقبص و طائفی قانون فی  
 تخصیص اینکین هرزه کردان وادی ایل نیرید نیریدی لقب ناقص ایل  
 نقیب ایدوب بیانه عمر ناقص و کمال و لوب برادری ابراهیم سند  
 خلافتده مقیم اولدی فی ذی الحجه سنه مدت خلافت نیرید شهر مدت عمر  
 نیرید السنه مورخینده زهد و تقویه سیل ایلدند و امر بالعرف و نهی  
 المنکر ایلدند و لوب تمسیر سیاسی خوفدن بنی امیه شوریده شهر برای  
 ترتیب نرم عیش و طربدن مجور و لستیکم مذهب ضلال اربا اعتزاله  
 مائل اولغین خلقی قدرید اعتقاد باطلنه دعوت ایلدند اکثر نامی اضلال و عقیده  
 این فساد اینتدر زمام احکام خلافت مسلم بدانت ابرهیم اولدقدن  
 صکره در دینی و بر تولد هان ایکنی ایدوب برادر مداری میر خوره اولان  
 خانه النحال صف خلفا بنی امیه مروان بن محمد بن مروان بن حکم کرمساز  
 هکانه فوج و عصیان و صدمه فتری ایلد ابرهیم بیلدیرش اولوب سر  
 خلافتده قرار و مقدمات کن ولد و غنی و آندنمکن اختیار ایلدی فی سنه  
 ابرهیم بعد اتمام بیم جان ایلد نهال اولد و غنی گوشه دن نوید امان ایلد  
 رونما اولوب سر نهاده مقام تسلیم و انقیاد و عام تلمیذه سار بنی  
 امیه بخت بر گشته لری ایلد قدم نهاده طریق عدم اباد ایلدی تفصیل  
 و قایم عهد خلافت آل عباس اعوام استدر راج بنی امیه که تقریباً بیکی

اولشدر تمام اولغند قریب اولیحق ارض شامه صمیمه نام فیده طرح اسکن  
 سکون و ارام ایدوب محمد بن علی بن محمد بن عباس لباس خلافت ایلد  
 نبی منتهای آمال و اصوغنا المولد کو فی المحمد ابو مسلم عبد الرحمن بن مسلم  
 حاسم دعوت ایچون سزاخسانه ارسال ایدوب ابو مسلم هنوز خدمت  
 دعوت به شریعت انبیین محمد جانب اقلیم عدمه تحریک طوع و علم و اول  
 سکوت اندوکی و آدیه او علی ابرهیم دخی وضع قدم اینکین ابو مسلم  
 اذینکه مکان خدمت دعوت بر زوده دامن است اولدی فی سنه  
 و آل خاسان نصر بن سبار واقع حال مروانه عرض ایدوب ابرهیم اوج  
 جس و تنگید کز قمار و مجسمه عازم دار القمار اولدی فی سنه ابو مسلم  
 مروه استیلا ایدوب نصر بن سباری رانده دور باش قهر و از عالج  
 و طریقت و بلیدامو استزده بغا و تاراج اینکین کشور وجودنه ترکنا ایدوب  
 لشکرانده و غم ایلد بر لاله بن سبار غم عالم عدم ایلدی فی سنه ابرهیم  
 الامام طرفدن تعیین ایلد مقدمه کجیش ابو مسلم اولان خطبه امیر عراق نیرید  
 هیزه اوزرینه سوق لشکر لغت اثر ایدوب دم استعجال از ره حو  
 و قتالده نیرید منظم و خطبه نه فائده منعدم اولدی فی سنه یثین  
 وصیت ابراهیم اوزره برادری ابو العباس عبده الله السطاح جله ابناء علیه السلام  
 کوفه خانه تحریک رایت رحلت ایدوب سند خلافتده قرار داده و هر  
 طوق بیعت کردن نهاده اولدی فی شهر ربیع الاول سنه خارج شده  
 حاتم اعین نام مقامده ضرب خیمه و خوکاه و جمع سپاه ظفر و سکاه  
 ایدوب بعث سر با ایلد شهر زور و واسطه دخی نیجه بلدان مجرای زلال  
 حکم و فرمان ایلدی فی جاذی الاولی مروانی بو اخبار بنی فرار ایدوب ابتراع  
 قلاع رجاسته یوزیکرجه یکدن زیاده لشکر منجوس الاثر ایلد غنیمت منج المین  
 ایلدی غم سفاه عبده الله بکر مرک قدر عسکر ایلد استقبال و مندراب  
 کنارنده التشن زبان کش کارزار اشغال ایدوب صف سپاه  
 دشمنی برده سیلاب انهمزم ایلدی فی جاذی الاخره مروان بن یثین



نیج خون فشان ابله سفاح عبداله در قفا و لرق طرف شامه ابله جام ابدوب  
 اند و فی قوا امکان اولمغین غایت مصره فرار ابلدی عبداله دمشق شامه و خل  
 قبضه اقتدار ابله کدن صکره فک طینه واروب انده سفاح ابله برادری صالحی نافذ  
 خدمت تعقیب ابلدی فی ذی القعدة سال اعمال مصریه دن بوضیر نام کتب دره و نه  
 سدره فرار و سر سودارده کس کوی جوکان شمشیر زهر ابدار ابدوب قطار  
 مصریه بنامها بسطید تسخیر و منشور حکومت والی سدر زور ابو عول عبدالملک نشانه  
 تحریر ابلدی فی ذی الحجه مدت خلاف سه شهر مروان مدت عمر شته مروان عامل  
 و مدبر و سبج و بهادر اولوب همواره تحمل بار صواب امور کاری اولمغین مروان حمار  
 لقبیله اشتهار اولوب استادی اولان جو دایم زندقه نشانه جودی دخی در لر  
 ابدی عربی عبدالعزیز دن ماعدا اموات بنی امیه بنش خاک فرار و اجتناب  
 تسخیر ابله فطره قهر و هر اولوب بر طریق ابله دیار اند فرار ابله دن فطره  
 سنگ اسم سملی صفی عالمه مابدا اولدی و در که بر کشته در فطره نفر کینه  
 عم سفاح عبداله خیمه سنده زانوی ادب اوزره فرار ابدوب غفور غایت رجا  
 چشم دوخته انتظار ایکن شوا دن بری شهدای دشت کربلا و قعه سنی ندگیری  
 متضمن بر قاج بیت رقت خیزفته ایکن فرات ابله عبداللک در بای قهر و کینی موجب اولوب  
 ابلدی فی الحال خیمه ستون لر ایلج جمله سنی خاکه یکسان ابدوب اوزر ابله بسط و  
 و نشر ساط اولدی رمق باقی ابله متکف هلاک اولان بری چاره رک شمع جفا و نقشین بدن  
 ابدنجه ناله و این ابد و صنوف عسکر اوزر لر نده لی پرو کار طعامی انجامه ابر کور دیر

معاویه رضی الله عنه در سنه مات فی سنه ابله نبره هلاک سنده معاویه فریخته  
 مروان بن الحکم مات سنده ابله عبدالملک مات سنده ابله ولید مات سنده اخوه یلمانه  
 مات سنده ابن عمر بن عبدالعزیز مات سنده نبره بن عبدالملک مات سنده ابن اخیه  
 ولید قتل سنده ابن عمر نبره سنده اخوه ابراهیم سنده مروان قتل سنده و ابله سنده  
 ابله قتل سنده و دمشق و موصل اعلا ی لوای مخالف و عصیان ابد و زور بازوی جلاد  
 بر لر ایت عتو و طغیان لر سکت بولدی سنده سفاح خبر دن رخت آفتاب محو لر

رحلت ابدوب انبارده با شیمه نایله با اندکی شهری محط رحل و فرار ابلدی  
 می شیمه انبار و غنی دار خبرت مدار و نباده مدت مسافرتی تمام اولوب  
 با شیمه دن دبار عدم جانینه تحریک قدم ابلدی فی ذی الحجه سنده ست و یلمین  
 مدت خلافت سنده مدت عمر سنده معاویه نبره بلند بایه خلافت اعلی  
 اندکده فوط سمنی قانما خطبه فراتنه مانع اولمغین خلافت اعلی کرام قاعده  
 ابدوب اخلا اکانایع انیشلرا ایکن سفاح رسم درین خلفا راشدی  
 اجبا ابدوب ابله الان مبله خطباده اوست سینه فایده رساندن  
 صادر اولان و عدیه بحال قرین انجاز اولوب ظهور احسانه ابد و اولان  
 کینه به محنت انتظاره و دوشتر نکات محاسن اطوار دن ابدی و لی  
 عیدی اولان برادری ابو جعفر المنصور اول سنه ابو مسلم خراسان ابله حج  
 بنت احمد العقیقه ابدی بعد العود انا طریقه مرده خلاف استقبال  
 ایلدی فی محرم سنده عم منصور عبداله بن علی حضور شعور دن نصینه و غور  
 نور خلافت تصدی ایتمکین ابو مسلم ارسال اولوب بر قاج مرتبه و  
 و قالد ز صکره مخلصی یریشان و عبداله قاهر و خیران عاق جانینه  
 روان اولدی فی جهادی لافحه دولت عباسیه بیاتنی تاسیس و احکام  
 ایدن ابو مسلم دن سابقا و لاحقاً ظهور ایدن بفضل مورس بید منصور  
 ریجده حاطر اولوب شوکتی کسیر ایچون قید با وانی اولمغین خراسان  
 ایالتن مصر و شام حکومتی تبدیل ادا ایتمکین ابو مسلم صورت محاسن و عقاد  
 ایلد خراسان غایت انیمش ایکن منصور دایم واروب اعمال الطایف  
 ابله ایلد حشمت شکاری افتاده دایم و تیغ انتقام ابله اعدام ایلد  
 فی شعبان تکمیل زیب و زینت قهر دولت عباسیه ابدنجه التی بوز یک  
 بی کماه صبر علف تیغ تلفت ابو مسلم اولد و غنی سلم دقیقه شناسان خلق  
 عالمه در کلب روم فطره طین کران دن تیز دندان ایلد طایفه جانینه هجوم  
 ابدوب سورج افتاده خلک و اول کشورده اساعت شناعیت  
 او هلاک ایلدی فی سنه سال سبصال بنی امیه ده اندلس طرفه فرار



ابتداء ظهور دولت  
اخره در مغرب

فرارید از عبد الرحمن بن معاویه بن هشام بن عبد الملک شهر قریبه ده اظهار نام  
و نشان اید و طوعا و کرها ساکنان مطیع فرمان اولدی فی سینه  
سجده ام و بی باب اندوه جانبدار توسیع و بنیان مسجد خیف احکام  
و ترفیع اولدی فی سینه غدر تطبیق من و بن اید و اب و لایطیه  
نعمه اولوب نجیب و مشهور و در و استبانة بوم غاب اولوب  
دخی و سبباری است منصور المدعوم و الی سینه خلقه معمره اسبیل  
نذکر اولدی فی سینه قندهار و مولتان سینه صوفی صاحب کبی مقر  
نور ایام اولوب ولایت سنده منصور امیر بر شهر عظیم معمر و منصور  
نایب مشهور اولدی فی سینه خراسان تاشی مذهب را و ندیه نام طایفه  
طایفه ظهور و نوافی کوفه و خرق طبع معماری منصور اولوب با شیمه ده آثاره غبار  
شر و شور اید و ب بنه اول ایامه جمله قطره تیغ انتقامه کدرا اندیز فی سینه  
ثلث و اربعین و در اختلاف بغداد و بهشت آباد بنا سینه وضع اساس حصول الاند  
اولدی فی سینه خمس و اربعین ملک لای نسب و الاحساب علوانده منتظم اولوب  
محمد بن عبد الله بن حسن مدینه و خلقی ملک دعوت بیعت دعوت یحیی برادر  
ابرهیم بصره ده ترفیع رایت خروج اید و ب منصور ک برادر زاده سی عیسی بن  
موسی سبب جینی اید و احد بعد و احد و اثره شهود و ناپود اولدی فی سینه  
نقض بغداد بنا سینه امداد ایماک اعتقاد بلایوان رصیف الارکاکسری نقضه  
غیمت اولوب حاصلی فخره کاه او لمغنی بعد با شیره منصور اول نبی تبدیل  
و شهر واسطه اولوب اینان قبولی بغداد و نقل و تحویل ایلدی فی منصور کنام  
و ادوی اختفا اولان عم عبد الله طغر بولوب اعدا م اقدام ایلدی فی سینه  
سادس انه امام جعفر صادق بن محمد باقر مدینه و عارج اعلاای علیین اولدی  
فی سینه جزیره اندلس و اعدا دیار مغرب عموما داخل حوزه استیلای منصور  
اولدی فی سینه امام اعظم همام اکرم اول حاکم عاق برید بن عمر بن هبیره و نایب  
منصور طغذنه تحمل بار امانت کبری قضایه مجبور اولوب اشتغال اوزره اطر  
ایتمکین بنی سکنه ضرب و حبس مبتلا اولوب حال ایکی سن سبینه سرای

بنای بغداد

نوبت امام اعظم

سرور اوی رحمت ایزد ذوالجلال و تقدیر ارحم الراحمین ایلدی فی شوال سینه  
روح احمد روحه العزیز حضرت امام کبارنا بعیندن اولوب اصحاب گردیدن  
انس بن مالک و امالی التی بدی جناب عالی افسر شرف نظر انور را اید و خزان  
و اندرون اقل حدیث شریفه بجاز اولمشد و در کامل انوز بیل قیام بیل و صیام  
نهاره مداوم و غرق سینه و صنوعت الیه صلوة بخوادا سینه ملازم  
اولوب اکثر از مانده برویا ایکی رکعتده ختم قرآن و در ایلدی الی انش کره ادا  
مسک بیت عیسی اندکری بالغ رتبه تحقیق اولوب روح پاکری عنم  
بالا خانه افلاک اندکی مقامه بدی یک کره ختم قرآن عظیم شان بنی شکر  
ذات محمود الصفا لکری مجوز اولد و غنی قضایل تعدادی سرحد امتناعه و اصل اولوب  
درگاه رسالت و سگاه طرف نازا لشرط ندر خلعت اغوا طران سیکو  
فی اتمی رجل بقال له ابو حنیفه هو سراج اتمی بوم القیمة و بوم مضمون غت کمون  
اوزره بشی التی تشریف لطیف نظهری اولد قاری سابر حامد و ماثرا دن بو محضر  
اندره نقش جو بر تیر اتمکدن معنی در بوم ارحاله امام ادریس شانهی خلوتخانه  
رحم مادر دن خروج و بنبر جاربایه عاصره عوج ایلدی اندلس علی اولوب  
امیر عبد الرحمن اموی قرطبه نام شهری معمر و اطرافه سور متین بنا سبیل  
دائم حال سکانده دست از ابر شمدن دور ایلدی فی ادیان خلیج العذار  
عسکر ک جمعیتلین توفیق یحیی منصور او علی مهدی نامه جانب شرقی بغداد و صانع  
طرح بنیاد ایلدی فی سینه امیر حجب یامس بن زائرة الشیبانی غفله بعض خارج  
بجو مبله و اثره استیدن معدوم اولدی فی سینه ثلث و خمین کوفه و بصره اطراف  
الایسی الی اید سور بنای اثر منصور در فی خمس و خمین منصور اهرام بند غیمت حج  
بیت خدا اولوب قبر سمونه نام مقامه لیک زن دعوت خوان رحمت انبیا  
و مغایر محلا ده متواری خلوتخانه انزوا اولدی فی ذی الحجه سینه ثمان و خمین  
دنت فکلا سینه مدت عزتته طایفه علویه و آل عباس بنی زنده کمال محبت و استیلا  
و اراکین عداوت ظهور نه سبب منصور اولوب قول منجین ایلد علی و ناصب  
جلیده استخدا عید امک رانی غیر سدید را عوام خلافتده مشاهرون منتظر



نام کلی و مجتهد امام اوزاعی و امام زفر و تقوی ابو عمرو و صرف نقد بنه عمر انشور در  
 خبر انتقال منصور بغداد محافظه سیدنا سواد و کلاز او غلی ابو محمد عبد المهدی به وصل  
 اولی و سیدنا نجف مساعد اید کرم اید و بت بوشش قباکالا اول کسوه  
 ازله و اول عروس زینب منصفه حسن و بهاده جامه بکنا اید اجاله ایدی سستین  
 حرم محرم و سبجی کرمی توسیع اید و بت منازل و مرا حله و خوار و اتخا و مصانع  
 و تجدید ایصال انشالی خجانه خیر انخا و زور معاد ایچون اعداد و اد المدهی می شسته  
 مروی در که صفات الاله ایدین سجد و امه نقل اولنگ دور بنور طفق عدد و عود و خام  
 اوزره اطرف حرم شرفده دور بنور طفق سکر قبه عالی بنای کبک و هر جانبی تنویه  
 و تعدیل اید و بت قرارگاه بیت کرم حاق و وسط حرم اولدی به اولاد و سعاد  
 نهاد ملوک و اسانیدن اولوب مترصد نوبت سلطنت ایچون مشام جانشه  
 بوفنا و زان و حیمز آمال به مالی سبب رسیده خوان اول کلاز ابرهیم ادهم  
 شامده جانب دار است و حرم اید و بت سبغان ثوری دخی خاکدان فاد و  
 و امن چین و متوجه طرف خلد برین اولدی به خوا سانه دورت بنشین  
 حاشا و عوای باطله ربوبیه اقدام و صید هوام عوام ایچون سحر و غیره بخاندن تر  
 دانه و دام ایدین مفتح و اسما و راه النهر و ده طرح اساس رام اند و کی بسام نام  
 معقل صعب النالد بنجه مدت محصور کمره و لوب بتسیر فتح و ظفر مقرر  
 اولی و کندی و اولاد و عیالنی اهلک و وجود بد بودندن و حصه خالی ایک  
 ایلدی می سستین بد رفقه نجف سجد ایلدین المهدی مارون اگر شید  
 دیار و ده شیرانه اچوم اید و بت اول کشور خلیج فطیمه دیک فرسوده سم سمند  
 سکر لغت اثر و قبصر المده سال سال شمس یک و بنار کامل عبارت رسالی  
 اوزره صلح نامه و اولدی می سستین مدت خلافت نام مکان  
 کارگاه فنادن بارگاه بقایه محل و هر ملک و غلی هادی به منتقل اولدی فی  
 حرم سستین مدت خلافت سستین مدت عمر شسته انشا خطبه ده  
 کلام درسی النظام ان اقدت خالی امر کرم باجر بد اذیه بنفشه و شنی بکانه قد  
 و نلت بالمؤمنین من جنه و ان الی اخوه بیرانه سلک الدال الی طقه خطبا الحق

تحت خلافت مساعد اولدی  
 به حرم امام المهدی  
 بیت کرم اید و بت

اثر معتبر مهدی در تحریک اعتقادی حسن و خاشاک زندقه و ایحاد و دن پاک  
 اولمغین ابطال مذہب باطل اهل ضلالتان بنده امری ایلد لطیف کنایه لطف  
 اولوب دفع مظالم ایچون جلوس عام اند و کی ایامده خوف خدا به استیجا  
 اولسون و بوقضاة و فقها حضار ایدردی سخا و مستم و تواضعه علم اولوب  
 دیار سلطه لعب کوی و چو کانه ابتدا مهدی بید اینمدر حسین بن علی علی  
 مدینه ده سالک طریق خروج اولوب بیت المال بغا و تاراج و عالمی اخراج  
 اند کدر صکره غم راه بیت اید اید و بت مکمل مکرته به بفتح قریب فیج نام مقادیر  
 بنی العباس متبای ایلد انش از و زجنگ و سستین و انده سوخته صاعقه شمشیر  
 خونریز اولدی فی ذی کحجه سستین هشتی هادی برده سبیل  
 عدم اولوب مرادی مارون اثر شید نجف سبای به وضع قدم ایلدی فی ریح  
 سستین مدت خلافت سستین مدت عمر شسته و الله لری خیر ران در کاهای  
 محله مال مال اولوب جمله ارکان دولت اکا و اجعت ایدر لایه دی هادی  
 مقتضای حمیت اوزره و الله سنی نصر فذم حرج و انک بانه انتا بلیغ نری  
 منع و زجر انبیکان اول نامهربان هادی جانشه فضا اید و بت تاب بت ایلد  
 تاب و حشمت ایچون راه لغت سستین اید و کی دخی صدور و سطورده اول کلاز غایب  
 امور و ندر که کوم جلوس بارونده نامون بس پرده رحم مادر و رومون اولدی  
 بیچی بن خالد برکی الی جالس دست وزارت اید و بت زمام حل عقد اموری  
 جمهوری سستین کف کفایتی ایلدی اند مستولی اول کلاز امیر عبدالرحمن اموی و  
 تیر و عهده میانه امرک ایلد سست و خواب اولوب او غلی امیر شام میر جلد و  
 نافر جام اولدی می سستین و سبجین مدت ملک شسته مدت عمر شسته  
 الی نام و نشان و ادنی خاموش اولدی می سستین فرزند دلبندی ابن محمد ایچون  
 بیچ ساله ایچون ولایت عبد ایلد عقد سبجیت ایدردی می سستین و سبجین  
 زبورده زبیده خانم شهر تبریزی بنا اند و کی کار سستین عفا برده مذکور در  
 علوی دبلده کربوه عصبان و خوجه وضع قدم اید و بت سستین بدل مال  
 امینه مال ایلد فناده دام و نیجه انام ظفر و قور و اگر ام اند کدر صکره تمهید سستین



وبتلای جسم ابد ابدی فی سنه المذهب امام باک بن شمس اصبحی  
 مدینه منوره ده متواری خاک پاک بقیع اولدی فی سنه تسع و سبعین کاه  
 ویکاه ظهور ابدن ارباب شر و شوره نیا اولغین سور معور موصل نخ اولغین  
 فی سنه دانی مستولی اندلس هشام غنوده یسزوک اولوب اوغلی  
 امیر نجم تختی بیدار اولدی فی مدت امارت سنه مدت عرسه حاسی سنه  
 پدری عبد الرحمن وضع اساس ابدوب انامنه هشام موفق اولمش در دایما  
 کاری کفاره غز اولغین اول دیار حجه بنده تعالی بر سلم اسیر بولنمز اولمش ابدی  
 و اثره ولایت عیسی بن مبارک مرکز وجود دن مفقود اولدی فی سنه  
 القضاة امام ثانی ابو یوسف کردن بسته طوق فرمان قضای متخیم الرضا اولدی  
 فی سنه رسید میان جلاوته شمس همت بند و طرف دیار روم و خرمک سید  
 ابدوب تا ازینق قریبده حالا سوکنجک نایبده مشهور اولمش حسن صفصافی  
 مالک سلاویه مضاف اولدی فی مشور ولایت عهد محمد امیندن صکره  
 عبد اعد نامون بعده قاسم مؤمن نامنه زرقیم اوکتوبر لیغ حکومت شام و عراق  
 و کلای امین و امارت خراسان سرحد مشرقه دک امنای مامونه و جیره و لغوز  
 و عواصم خدام مؤمنه تسلیم اولدی فی سابع اتم امام موسای کاظم بغداد ده  
 مجوسا قید حیات بنی بناتدن ازاد اولدی فی سنه ازینقیه عالمک زمام  
 استبدالی خلفای عباسیه دست استقلالده اولوب حایت و حیاتی  
 انماره سلم ایکن سر تا سر اول کشور سر قطار بنی الاغلب اولمش ابرهیم بن الاغلبه  
 سحر اولوب واحد بعد واحد اولن نقر اولاد و اتحادی علی وجه الاستبداد  
 یوز اولن سنه دن زیاده زمان متصدی امر خلیفه حکم و فرمان اولدی فی سنه  
 بارون امین و مامون ابد غم حج بیت عتیق ایدوب اول ایکی فرزند ولید  
 بنده تجدید عهد و مواثیقدن صکره مشور ولایت عهدی سقف معلایا  
 بیت خدایه تعلیق ابدی فی سنه ست و ثمانین و مائه وجود و کرده علم اولمش  
 اعوه براکه نکون رحفه مذلت و خوری اولوب کهنه و هنری برده بیکار  
 قهر قهرای اولدی فی سنه سبب کینلنده طرق روایت متفرق اولمش در غزل

رشید عتبات نام خواهر بنی عدم قربان شریطیله جعفر بن کبیابه تزویج ایدوب  
 عباس حبله ابد صید قید کید اندوکی اوله و علی روایت علویه دن یحیی بن  
 عبد اللهی بارون جعفر حبسه و برو ب بعد ایاام روز معاد ایچون ایدوب  
 زاد ایتک ملاحظه سبله جعفر کبیایی ازاد انیمش رشید فوت اولدی فی  
 اعتماد و برمش ایکن نعمت براکه حیات دن فضل ابن الریغ غر و افساد  
 اول خاندان مجد و اقبال سبب صالنه باعث اولمش در ولی اللهی اشتباه  
 فضیل بن عباس حباض رباض جناندن بر ساز سپوی آزر و اولمش  
 غم ملک جاودالی ابدی فی کلب روم بغفور عو و سکا سنه  
 رشید یحیی نور اولوب بدرقه نجت سعید بر طرف دیار کفاره  
 تحبک رایت غنیمت ابدی فی هر قلعه نام حسن حبشی برای محاصره  
 ابله شمشیر قهر و کین ایدوب قیصر روی خراج گذار و صکره تالاک  
 ارسل ابله جیره قبر بس سکا نندن اون النی یک سبب دینی کفر  
 قید اسار ابدی فی سنه کتب تواریخده بوغای غای سنه تسعین  
 و قایعندن اولمش اوزره مرسوم خانه نجین اولمش در امانالت فحشی  
 القضاة محمد بن حسن شیبای معکر رشید ده غم سفا ایدوب ری نام  
 شمرده سنجل محفوظ جاتی طتی کرد دست بازم اللذات اولدی فی سنه  
 عام فابله دورت سنه دن برو معتکف کنج زندان اولمش یحیی برای  
 و بر سنه عسکره اوغلی فضل بذل نقد حیات ابله بند بلا دن رها بولدی  
 بارون بعض امور ملک اقتضای سید خراسان جانبده عطف عنان  
 بکران غنیمت ایدوب جو جانده بالین بیاری به سر نهاد و طوسده  
 سمند تیز ناز جیاندن فنا ده اولغین حکم قضا مشهور ضویده همجو ارزار  
 امام رضا اولدی فی جاذی الاخره سنه ثلث و تسعین و مائه مدت خلافت  
 سنه مدت عمر سه ذات ملکی الصفا مجموعه اوصاف جمیده و مجمع الطوار  
 سنه ایدوب اولوب خلعت عدل و داد و رشده سداد قامت استقامت  
 دوخته و ستم آقا مسکوة الانوار عو نازد متعالیله از فوخته خلیفه ذی شان ایدوب



معلوم عالمی اندر مقتضای سن شباب ابله او ابل جالده ارکاب اند و ک  
تعالی امور منکره دن بعد مدت غریبیم ابلان ادم و کل لیل بوز رکعت  
ناره مداوم و اولوب وادی صلاح و تقوایه کمال منبیل و مقید  
الوجه اولدوغی چوک هواد هو سندن بالکلیه تطهر ذیل انتمش ابدی اوقا  
فایض الکرکات صحت علامه مصروف اولوب زیارتین غایت است  
یاسر عادی ابدی اعوام خلافتده مشایرون حادین امام اعظم  
و سیبویه و امام کسان و نیجه زغم سیرستان جهان اولدی  
رویدر که چن انتقالده سلاطین کزین ال عثمان مصطلحی نیجه ال بوز  
یک النون بر مصر خزینه سی اولمق اعتباری اوزره ابل بوز مصر  
خزینه سی نفود و اولقداری دخی اجناس تحت اختتم موجود بولندی  
خبر انتقال سبب بخدا و اصل سمع بن اولیجی سریر جاده و جلالت  
وضع زانوی استقلال ابدوب لعب و لمهوه استغفال اضا  
اموال ابله ناموس سلطنته کمال اختلال و بردی برادر که تری حاکم فر  
قاموتمنی غل ابدوب وانی خراسان باخ اکبری نامون ابله درونی  
مقام حصامه قیام ابلدی فی سنه ترمذی امینه فضل بن الربیع و دخی  
بعض مقیدین تلقینی قرین اولمغین خیره و لایب عهد دز نامون  
و مومن اسمنی حک موسی نام صغیر او علی اسمنی نقش صحیفه صک  
ابدوب سقف بیت عتیقه تعلیق اولن از عهد نامه بی رست  
غذیر برله تخریق ابلدی فی زاهد خراسان شفیق بلخی نهد غوا سنده شه  
تهادت نوش ابلدی فی سنه ابن بود تبه خیانت ابله قناعت  
کرین اولکوا ابن هان علی بن عباسی الی یک قدر عسکر ابله اوتو  
وجودنی ساحه شهود دن نابود اتمک یحون اسال بکین نامون  
دخی طاهر جبینی دورت یک نفود لا ورا ایل نامزد حدمت مد  
ابدوب اول مرد کفری ری فریده عسکر ابن هانی منظم و کندی  
دائرة مستید منظم ابلدی فی حوی در که پیام منظم ابن هانی

وصولده این کوز نام بر غلام ابله صید ماهی به مشغول و لوب اول  
کلام حیرت انجامه تعلیق سمع اعتبار اتمد کندی ما عدا یام استغفار  
ابلاغ ایدن کسینه به مظهر غتاب اولدی وای لی جفریم در دم کجای  
کوشراکی ماهی شکار ابلدی بن هنوز بردانه سنی صید انهم نه سردار  
ونه عسکر فکری بجای هووه در و سر بریده و بور و جواب ایدوب  
بنه کار شکاره مشغول اولدی خبر فتح و ظفر نامونه و اصل اولیجی کشور  
خراسانده خطبه و سکه زبور نام هما یونیله زیب و فر بولوب وجود  
بهبود بله سیر بر حلا شریف و ذوالربا ستین فضل بن سهرل تلقینی  
ابله رعایا دن تخفیف کالیف ابلدی طاهر املی دفعه دخی عسکر وافر  
امینه طافرا و لوب هواز واسط و مداین حلوانه دک ضرب شمشیر  
ابله تخیر ابلدی فی سنه ابن هان اولادندن حسین بن علی بن عباسی  
دست بی داد ابله بغداد و دوش استعداد امیندز شریف لطیف  
خلافت انشراح اولوب دورت کوندز صکره تکرار لباس  
و سیر نیجه تیغ بولاد نزار و برله جامه جبات حسین بدنهاد اقراس  
اولدی فی نامون طرفندز طاهر مظهر الطاف کونا کون و لوب  
هر شمع بن عین ارسا ایلله بازوی جلادتی تقویت اولدندن صکره  
حسب الامر اول املی سردار سکان حصار بغدادی گرفتار مضیق  
محاصره و ابن کاشته لر ایلله بنیاد محاربه و مشاجره اند بلیغی  
او املی سنه ضرب عارات و ضرب بجایق ابله بر سنه دز زیاد  
سکان بغدادی تخیر و تضیق صکره مشافطه سیر اولدی بن  
بقای نقدینه جبات چند روزه رجاسنه بر جاج نفو خاص و تقوین  
ابله مدینه المنصوره و تحصن ابلدی اند دخی دست دشمن جانیدن  
امان بولمق متعین اولمغین ما جار هر شه دامن عاطفته مشبث  
اولوب و عده امان ایلله تحصن مع جانده اسید وار و شرب  
کارده مخیم هر شه اولان جانب که ارا کون هر املی خواص خدام امل



حضرت اولادان حوافه به سوار اولدی هنوز ساحه واصل الیدین  
 هر طرفدن اصحاب طاهر طاهر اولوب زورق ایسی سرکون اندر یچار  
 امین اولجده ناه قریاب اندوه و بلا ده تحریک دست و بار بدرکت  
 هزار رحمت ابله ساحل سلاست و وضع قدم ایدیکجک غوطه خور غلزم  
 عدم اولوب بر تو وجودی ساحل شهود دن مضحل دست خلافت  
 نامون مستقل اولدی فی محرم سنه مدت خلافت سنه شصت  
 مدت ثمره اهل معرفت و خوش ذات و جامع محاسن صفات  
 اولوب ککن غایت سببی التذیر و مبتلای دایم تذیر اولغین  
 قوط اسرافندن رشک کچینه فارون اولان خویشنه بارون آرزو  
 انخاف ابدی دل میالی همیشه مفعال باغ ملحت بر دهر ناز بر ورک  
 شاهراه مجتهد جوی آب بی قرار اولوب کانونی در ولی بر دم آتش  
 عشقون عالی اولما ز ابدی بیچاره اسبک وادی عشق بازیده کت  
 و نازی زن دوست اولان بارانه قبیح کلور صاحب مذاق  
 اولان شاه پسر حسن کور بنوب روحنه تحفه دعا اهدا ایدیلر  
 اوله قوت بازوی ضعف تدبیر یک ضعفی اولوب ضرب مشیت  
 و درشت ابله بر شیره دلیری افنا ده خاک هلاک ایشد راعوا غفلتند  
 مش اهدون عیسی بن کبیر مقوی و درش مقوی و ش کردی امام عظم  
 و کعب و ابونواس شاعر قرار کبر کعب لحد اولدی لقب محمد بن ابراهیم  
 علوی کوفه ده اوج خواجه عروج ایدوب آزدن صدقه سم و هر بر  
 قهر ابله افنا ده خاک هلاک اولدی فی سنه لقب ابراهیم بن موسی  
 العلوی ولایت خیره به سایه افکن استیلا اولوب ساخته استقلال  
 نصب لوا ای استقلال ابدی فی سنه جوار ابله تنقیبه سبب سبب  
 و ماده بی برو اولوب قطره شمشیر نذیری حد آدم غم دهنر عدم و کی  
 کرفی خلوتخانه حقد بر نور ده سر نهاده خواب حضور اولدری  
 بغداده اشتغال یافت اولان نازنه فتن و فساد ای آفتاب

حسن تدبیر و ضرب سبب ابله احاد دن صکره هر نه غم خواست  
 ایدوب لیدی لوصول فضل بن سهل اف دینه سند استبد نه طرد  
 و ابعا د اولدی فی سنه اب هوای خواسان ابله مالوف اولوب  
 نزاهت رباض و لطافت حیاضی دایمیکر غنیمت اولغین طرف بغداده  
 توجیه راحله رحلتین سرعت انبیب بر سنه دینه زیاده اول دایره طرح  
 اساس و آرام و قرار اید و کندن صکره اظها رحبت و ولای آل عبا ایچونه  
 علی بن موسی الرضایی تشریف ولایت محمد ابله نبیل و شاعر عیالیه  
 اولان سیاه جامه اری ملت های سبز ارنگه تبدیل انبیکین حر فکیرانه  
 زمانه بوا مور قلهو زنی وضع انکشت انکاره مهانه ایدوب بغدادیه  
 دوش اسفند اوما موندن خلق خلافت اقام و کونا کونا فسانه فوسونه  
 ابله برادر بارون ابراهیمی افنا ده طمع خام اندر فی شمس مشاعل  
 انصاف سید بر سنه دخی خواسته کت و قرار دین صکره اخبار حوشه  
 تعاقبی مقرر بر خلافت عباسیه طرفنه بال افش نه غنیمت و لغیر  
 مقتضی اولوب مرکب با یوننه نامونه کوبه بخش کوه با مونه اولدی  
 بغداد بهشت آباد جابنه طوغلدی فی محرم سنه مهمام مور  
 جمهور فضل بن سهل سر خنده ازاله کوفت راه ایچون حمله کبر و ب  
 وجوه عسکره بعض به خواهر مبارک شریک کرم سلاف شهادت  
 اولغین برادر می حسن وارث رتبه جابه فضل اولدری محمد  
 ثامن اثنی عشر علی بن موسی الرضا خلعت شرف مصاهر  
 نامون ابله موفرا دلش ایکن اصابت زخم چشم روزگار  
 کینه گذار ابله طوسه سینه تکار اولوب جوار فرار بارونده انزوا  
 اختیار ابدی فی قرب وصول نامون واصل سمع بغدادیان اولیحق  
 بیم سیاست ابله تجدید کور غما به بیعت ایدوب ابرهیم اختیار  
 کعب اخنفا و غلست اولدی نامون مختاری اولان جامه حضر ابله و خل  
 بغداد اولوب نیک اندیش دولت سو قیله سکر کوندن صکره



نائل سواد اولدی بی **سنة** محمد بن ادریس شافعی دورت بینه  
دارالانش قدس غایت ایدوب قراغه مصرده آسوده مشهد  
مقدس اولدی فی **سنة** ابن حسین ابن ابله اندوکی معامله کتاجیدن  
بجمله فرابت فریه نامون خشکیکن اولوب نظر التفاندن طر و اعا  
انتمش ابدی شفعا ابله منظور عین رضا اولوب نائل والای رتبه  
حکومت خراسان اولدی فی **سنة** **حاکم** رندلس حکم عازم افلیم عدم  
اولوب اوغلی عبدالرحمن جالس صدرایوان حکومت اولدی فی  
**سنة** مدت امارت **سنة** مدت عمر **سنة** **ابرهیم** خلوع برکجه تبدل  
مکان بکون اکی اوج بویه زمانه ابله طور زمانه اوزره کیدر کینه یاسدار  
بنجه **سنة** گرفتار اولوب علی السحر معوج و جاور ابله مجلس نامونه داخل  
وسرزنش و عتبار قاج کونر کتاشش بیم عقایدن صکره نصاب کامل  
عفو و صفح جمیل نائل اولدی فی **سنة** تسع و نمانین **دختر** حسن بن سهل  
بوران و مسرای خلافت بر رستار لری قطارنده شمار اولندرم  
**سنة** بعض ارباب ضلال اضلال ابله نامون خلق قرآن مذہب باطلن  
مسکوک قدم اتمام و سیجین مکرمین اوزره فضل حیدر کرار  
و ادب **سنة** خطی به اقدام ابله تحصیل اتمام ایدوب لکن عہد  
خلافت ذی النوریندن برودست تغلب مروانیانہ ووشن  
صدقه نبویه فدک نام فریبی بد استحقاق اولاد فاطمه زهرا به تسلیم  
تسلیم ابله نائل اوج جو بل و ثواب عظیم اولدی فی **سنة** اثنی عشر **سنة**  
ابن شحنة ده بواثر معتبر عمر بن عبدالعزیز و سر صدر اسلمک اوزره طور  
اولوب روایت اس شحنة جليلة صحت ابله محلی اندوکی بدیهی الظهور  
زیرا اول امام عادل همیشه اجبای معالمندر **سنة** حسنة نائل  
ایکن بوبله برام مهم ابله عدم نقید محتمل و کلد رکر که کند و لرون صکره اشغال  
خضر خلافت ایدن با و کار لرون امدیهی ابله عدم مبالا ندری جتندن  
مشور حکم منوره ضرب فلم ابطال ایدوب نامون بیاسر حل و عقد

امور اولدقدہ تنفیذ امرها بوزن غری نمیش اوله واقدا علم نامون طرف  
کشور سروده سون سپاه کینه خواه ایدوب انواع غایبم برلسم  
و غایم جانب شامه امانه لجام ابلدی فی **سنة** خمس عشر **سنة** کرار فرز نوم رتو  
تحکیم رایت غریب ایدوب ضرب دست فز و کین ابله  
بلاد مشرکینی زبر و زبر و کشور وجود اعدای دینی مستخرج صاعقه  
یکر اندکده صکره نمان کمان طرف مصره عطف عنان ابلدی  
فی **سنة** **مرویدر** که نامون مالک کینج فارون اولق سودای غایمده  
هدم اهرامه اقدام ایدوب هزار زور و زار ابله برنمه اجلد قدہ ایچنده  
بی کم و کاست راست صرف اولنمه مبلغ قدر زور مسکوک کامل  
العیار و اول مضمونده بر لوم سیمین زور کار بولنوب سپوده  
عقدن کت بد طول ابلدی **سنة** **زبیده** خانوم خاکدان قنادن و امن  
چین اولدی فی **اول** مخدره عصمت ناب شهر ستا مکده اوج کوکک  
بولندن اجرای آب بابه شمشیر ساعد اتمام ایدوب و امر جیل  
عرفانه و اصل اولدقدہ باغبان اجل سد فباضه جیات انمکین اثر زور  
اتمام قالدی تاکه نوبت دولت اید بوند عثمانیانده سلطان  
سلیمان نشان حضرت نیک و خضر سعد اختر لری مهر و ماه سلطان  
یدر و برادر لری امد و ابله تکمیل قصوره صرف مقدور ایدوب سعای  
شریفده سعد و حشمه لر بنا اولندی **سنة** **حشمت** ظاهره ابله قاهره دن  
کرار و بار کفاره توجیه لوی غایم ایدوب ز غنجه قصد ثواب ابله  
عالی بغداد اسحاقه علماء افاقه افراز خلق قرآن تکلیفی متضمن منشور ظلم  
و عدوان اصدار ابلدی فی **سنة** **حصول** تا و سرت شادمانی برله  
ققول اولنوب طرسوس فربنده ضرب مظله نزول اولدقدہ نامون  
خیمه زمر ساحه دار الفار و بیشگاه محراب جامعه مستور خاک  
زار اولمغین ولی عهد و برادر ی **معتصم** باقد محمد حکم وراثت جاس  
سر خلافت اولدی فی **سنة** مدت خلافت **سنة** شهر



مدت **عشر** شصت **سنة** مامون جواهر فضائل و معارف بلکه چون  
اولوب جبین حالی جلوه گاه میرنومعا ابدی صفحه دل بی غلی مطرح  
شعاع شمس عفو و صفح اولمغین خلق بکا تحفه جرم و گناه ابدی که  
منتدار اولورم دیوان طهارت سر ضمیر ایدوب مقتضای جبلتی اوزره  
برکوندیم او حیوریک التوز نذل و اتفاق و دانه احسان ابدی  
مرغ دل شناسنا و بیکانه ای افتاده دایم استرقاق انتم در نوعا حذب  
باطل تبعه به میل ایدوب امتحان خلق قرآن التزم مالایک  
مکره مبتل اولوب زیر نیکوون قبه کرد و نده مامونه نظیر خطیفه دخی  
زیبنده سیر خلافت اولمق محال ابدی عصر نده مشاهیر و حسن  
بن زیاد و شاکر و امام اعظم و شیخ ابوسلیمان دارانی و امام و افندی  
و اصمعه و هشام نخوی دست بغیر سجه انقاس جبا عتقه دار  
مات اولدی **اسحاق** بد اخلاق علما دیاری احضار و اول  
ماوه ده مختار لر اولانده هیدن استفسار ایدیک امام محمد  
جنبل و محمد بن نوح در ماعد طوعا او کره یا مدعی مامونه موافقده و مجاز  
ایمبوب ایکی مقید امیر مامونه ارسل اولمش ایکن اثنا طیفه  
انتقال استقبال انکین محبوب و میل عود اولندی بی **ملکی** سر  
محمد بن داود نام معتزلی بد نهاد و القاسبله امام احمد رجه اند نکرار  
امتحان خلق قرآن اوکو انکار اوزره اصرار انکین عمر واحد ضرب  
و قید و حبس مختد به گرفتار اولدی بی **سنة** **مروید** که اعضای  
شریقه امامه عصا اصابت اند که مقتضی دینی ابر ایدوب سیه  
سوال اولند قد روز قیامت عصه عصا نده مخلوقا بی ابر  
لو سزوب بو ادم فخر عالم سلمی علیه وسلم این عیضا سندن  
و بکلرین روا کورم دیور و جواب مستطاب ابدی خواه اند  
خبر **اناس** ایچ نفی محمد بن علی رضا بغداده کردن نهاده حکم خصا  
اولدی بی **سنة** **ملوک** عجم تقلید مقتضی جمع اندوکی مالیک خا

اون سکر نیکو نخواست ایدوب اهل بغداد اول بد نهاد ارک ظلم و دانه  
درگاه خلافته بخیر واحد رفع رفعة شکایت انکین مقتضی مختور اولوب  
کرسی مملکت اولمق ایچون بغدادون ایکی مرحله دور لسان خلقده ساه اغوانده  
مشهور اولان سر مرزای بناسنه شمشیر عدالت ابدی بی **سنة**  
**یکری** **سنة** مقدم آذربایجانده شعله انش کج زبان کش اولوب علی روایه  
طایفه طایفه دیندر او حیوریک قدر رباب شور و شر ابدی اهلک  
حوت و نسل و تدبیر فرع و اصل ایدن بامک مجوسی فشین نام  
سردار رسالید گرفتار قید اسار اولوب مداری سردار اولدر بی  
**سنة** **کلب** روم دیار سله هجوم ایدوب دامن امن حال و فراغ  
بال عابیه الحاله دست سبی و غارت جبارست انکین مقتضی اقدام اوزره  
قیام و کشور رومی بازده سیاه ظفر انجام ایدوب حالا القوه نابله  
شهرت نام بولان عمر و دینی ایکی ایه قریب محاصره ابدی فتح و تسخیر و انش  
یکدم زیاده کافرا سیر اند و کند نه اعدا اول مقدار دخی اهلک و تدبیر  
ابدی بی **مامون** اتقائنده اکثر سیاه خلعت سلطنت و اقبال و غلی  
عباسه ابا سواد و بر دوبر عباس غنی نفی نرجیح اختیار اتمش ایکن  
بعض مفیدین تلقینی دایره ندمه وضع قدم و تحبیل دست خلافت کجونه  
خفیه نذل تقدیر به هم اندوکی و اصل سمع شعور مقتضی اولمغین شمع شبتنه  
وجودی نیرم شهود و نیر نابود اولدی بی **سنة** **همت** بی همتای اولان  
سامر نام مقام مقتضی بر باد واده روضه انال اولوب او غلی  
و انق **باسه** هارون خوامان خبابان اقبال اولدی بی ریح الاول **سنة**  
سبع و عشرین مدت خلافت **سنة** شهر مدت **عشر** **سنة** مقتضی مال  
مشرب جم دختر زرجسنه محرم زیاده عشرت برست اولوب مکارم  
اخلاق ابدی مشهور افاق ابدی فارس انجیل میدان فردیت اولوب لکن  
حلیه معاندنه راجل اولمغین احوال قضب التبعی ولایت عهد ایدوادی  
موتمن اغاز اولمش ایکن خوان خلافت افراز اولان حصه غائب حکم تقدیر



متن التفسیر بضم معصم اولدی شدت فونندز المکی بنابله براونک سبک  
صقوب استخوانی شکست اولق و غیر الیه التونک سکه سنی محو اشک  
و یک رطل وزنده بعض سبالی بر الیه فالدر و ب بر فاج خلوه کونک  
ضالض معصم ابدی اوردیدر که معصم نام از افتاد حضرت عباس اولاد  
بار و و خلفا عبا سیه اولوب کشیده رشته سطور اولدوغی اوزر  
اعوام و شهر خلافت و سنین جباتی عدد تالی ششم اولدوغندز ماعد  
شمار اولاد اناش و ذکوری و ترتیب ساز اولدوغی صف کارزار  
و مستخر شمشیر شباری اولان حصار سکر اولق میان عالیه انده نما  
ایله شهرت شعار اولش در افتاب عمری درجه زواله و اصل اولدوغی  
مقدم مذہب باطل خلق فراندر رجوع و تدارک مافانه شروع  
اندوکی و سوم کلک اختیار بعض روایات اخبار در قدم نهاده اولدوغی  
طبق امتحان خلق قرانه واسق دخی سلوک ابدوب اول وادی بهادی  
اولان ضال و مظل معترالی المذهب ابن ابی داود علی القاسم بیکار محمد  
احمد بن نصر خدای جبارین قید بند ایله بغداد و سارا یه حصار و اول  
بابه باز بسته جل المنین اعتقاد لری اولان اوردن استغفار ابدی فی  
سه احدی و ثلثین و مائین جزور و مطابق واقع بحال صد و اید  
جواب مستطاب و اثقی اغضاب ابدوب قتلنه بالذات بهشت  
اندو کندن ماعد اسند حکومت بر قرار اولدوغی مدنه جسد منور برین  
سروار و ز اندر که رخصت و برمدی محافظه سنه تقیین اولانر با سدر لر  
حضرت شجک لسان فصیح الیه سور بسین تلاوت اندوکی اخبار  
انتمش در اما ابو و آو و نسائی حضرت نیک استادی عبدالعزیز محمد  
الازدی دخی و طنندل بند امین اید مجلس و آنقه احصار اولنوب  
استنطاق اولدوغده انطاق الی الیه جالاعباد اللہی مبتلا اندوکلوز  
ماده و ز سالار انبیا حضرت اکا همی اندلر یون و کلکی اندلر و بو معترالی  
ایله مذہب ابن ابی داوده توجیه خطاب ابدوب اولدوغی خا خا خا خا

ایله در بو رد جواب اید بیک با حضرت سید الانام حضرت علی  
الکرام سوری ماد قری اوره با بو مرتبه ایتام سنه لازمی و بیک و اثق خند زمان  
مجلس در قیام و شیخ در بوری مظهر صوف کرام ابدوب معترالی کرامی  
در کا هر زرد و باب فتبی سد ابدی عی عی خلافت و آنقه  
اتقاب جوده قلم اولنق اقتضا اید بعض امور طهوری کتب نوار کجده  
نوض اولنمغین کبیت سبک سیر خامه به اول وادیده رخصت جولان  
امکان اولدی مستقیما مد هوشن جرحه مرک اولوب بری  
جعفر سیراب شربت خلافت اولدی سنه مدت خلافت سنه شص  
مدت عمر سه نصاب کامل فضایل و طبعی عدله مائل اولوب  
ظلم به داد و دین محنت و طایفه علویه به محبت ابدی سخا و کریم  
علم اولوب زمانده فقرا حرمین محترمین ذل سوالی و حسن حاله بید  
وایت دعا و مدحتی ترتیل انتمش ایدی پیام انتقال واصل اولدوغی  
نیجه ایام کوس نشین دار ماتم و دامن چین دکن اندوه و غم  
اولدیلر در که واثق اسیر سیر مرض ایکن دار کخلافه ده مجتمع اولان  
مهر و نجین بعد حصول العافیه الی سنه دخی امتداد جبات بی ثبات  
تعیین انتمش ایکن او بنی کونده بر تو نور وجودی مضحی اولغین اول طایفه  
سود سواد وجه حاصل اولدی اسلامی ملتزم اولدوغی امتحان خلق  
قران و نغی امکان رؤیت و سائر اعتقاد باطل ارباب اغتراله ضرب  
قلم ابطال و بو مضمونده اطراف مالک نامه لارسال ابدوب مظهر  
دعا و ثنا اولدی می سنه اربع و ثلثین ارباب سقا القاسم اظهار  
بعض ال الیه تراب و مشهد منور امام حسین خواب ابدوب  
جوانده اولان خانه و کاسانه لر زیر و زبر انتمش نه سهام و شنام  
اولدی می سکه سکانه مشعر و مؤید واحد بعد واحد سیر برار خلافت  
اولدی ایکن بر لیغ ولایت عهد زقیم و هر برینه بر افیم حکومتی منشوری  
تسلیم اولندیکانی من بعد خدمات دیوانه ده استقام اولنوب



دفع التباس ایچون لباسلری تغییر اولمق اوزره قانون نامه تحریر  
 اولدی فی سنه **•** شمع اقبال و دودمان آل صفاد یعقوب بیگ  
 ابرارنا و اهنام ایله فروزان اولوب عموما کشور خاسان لغیر  
 بلاد فارسده فرق سنه دزد مدت پنجم دولتری رخت از اولدی  
 فی سنه **•** برکیچ انش سید اولوب نیجه خانه و غار یرمنان  
 ضایع اولدی فی امیر اندلس عبدالرحمن دولت ای بقار عالم فای  
 دوگردان اولوب فرق بش اولاد و کور میانه **•** نام اولی  
 وارث سیر سردری اولدی فی سنه مدت امارت سنه  
 مدت عمر سنه **•** صیحه سیکین ایله نیجه رهاک خاکه حنف اولدی  
 فی سنه **•** احمد بن جنبل بغداد و سیر سرتان جنانه خان اولوب  
 صلوة جنازه لرین سکر نوز سکرین **•** کسکه نک جهنوری شفق  
 علیه جهنور فی سنه **•** افطار مصر طوط اسامندز اون بطمان  
 وزنده طاسلرا غوب بنده بر طوط غار و مافعی ایله مکان اخه  
 متحول اولدی فی سنه **•** جنت مشام دار الحلافة اولمق اوزره اول  
 صوبه شد خوام غنیمت اولوب ایکی ای انده اقامتد نضکره فتح  
 نیت سککنه و منع قدم **•** دینه سامرا طرقة نوبک طوط و علم  
 اولدی فی سنه **•** عصر ذنون المهری مصرده متوجه مشیت بهشت  
 جاودانی اولد فی سنه **•** برکیچ ترتیب بزم انش ابدوب خوا  
 حذ ایله اداره جام کلغام ابدکن اوغلی محمد سنگ غدری ایله  
 وجودی شکست **•** و مشیطتی و مدبر دولتی منتصر میر مجلس طلاق  
 و کله کرم روسنگا جند روزه دولت **•** اولدی فی شوال سنه سبع  
 و اربعین مدت خلافت سنه مدت عمر سنه **•** ابتدا تشفع ابد  
 متوکلدر جمع صند بن زن دوستی و ساهدیرستی ابدوب شهید  
 و صالندن سیرین کام آرزو اولدوغی دورت یک عدد بستران  
 مه و تاریخ واحد و دار السعاده ده مجمع اولدوغی مجمع جمهور اولان اوزره

زمانه خلافتده مت اهدون سیخ خاتم اصم و سیخ النوا ابو عیسا مازنی و سیخ  
 موصلی الذبیم کنج لحدده مقیم اولد بر یوسف اوده اتفاق اتحاد اوزره  
 اولد کرده مکروه انراک اولیای عهد مغر و موبدون و همناک لغیر  
 رجاریله اسملری جوبدن ولایت عهددن محکوک اولدی فی منتصر  
 علویه بی عطای کریمه ایله مسرور **•** و قبر بر نور امام حسینی مهور ایدو  
 زیارت حضرت شهید کریم آیدین دیرینی اجبا ایلدی فی **•** سیخ  
 کش بر مقتضای حکمت حضرت منتقم جبار و سنما به عوددن بهر  
 دار اولمق مقرر در مدت خلافتدن التی ای تمامنده سیمو مارطل کریم  
 مرک ایله مست خواب **•** و انراک طرنگیر اولغین عم زاده بی  
 احمد بن محمد بن المقصم نیل نصاب فرمان فرمای برکه کامیا **•** اولدی فی  
 سبع الاخر سنه مدت عمر **•** و ادیب شیخ مرهب اولوب  
 عارف اسرار معارف **•** اوقاتنی مهما اکن عدل و انصافه صارف **•**  
 ولدی **•** دیرین انراک بی دین تلقینی ایله سنغین مغر موبدی کفنا  
 قند جس موبد ایلدی فی سنه **•** العلوی کوفه صر ذروه خروج عروج  
 ابدوب آرزمانده سلاف صاف شهادت برله افتاده خاک  
 هلاک اولدی فی سنه **•** وجودی سری سقطی باغ شهودون برکنده  
 دست قهر و هراولدی فی سنه دست تغلب انراکده سنغین بزین  
 و انراک کونا کوز اذیتلیدن و لحن **•** اولوب معینلندن برکیچینی  
 شیخ انعام ایله اعدامه اقدام انمکین اولج اوبان خلیع العذر قصد خزار  
 ایله دار الحلافة بهر هجوم ابدوب سنغین ناجار بغداد فرار **•** و انده  
 طرح اساس فرار **•** ایلدی فی **•** انراک و خامت عاقبت کار دن  
 و همناک اولوب مات خاطر مستعیندن از الة غبار رنجش و انگسار  
 باینده غیر واحد اندکری مراجعت و سامرا به نقل ارنده کوسر و کلری صورت  
 نیاز مندی و مسکنست مغیر اولغین کرفنا رکید سنغین **•** و کنج جلد  
 سنلای اه و این **•** اولان مغر سنه آرس بر خلافت یناهی ایدو



الی یک قدر شکر شور و شرا عدا و ولوی سرسکر بود ایل محاصره  
 بغداد و تسمیر سابق اجتهاد و اندیل بعد ایام و زبر و شیری محرم بن عبد  
 بن طاهر عذر و جانی ایل ستمین محلو عابره جانی بنده محض و کوب  
 قبول عام ایل خلافت معتز و نون نام بولدی فی محرم الحرام سنه ۳۵۷  
 خلافت سنه ۳۵۷ بعض امور ایل بود و اثره استبداد دور او کوب  
 نخل و جو و ستمین و فی برکنده دست فیه و کین اولدی فی شوال ۳۵۷  
 عمر سنه ۳۵۷ عالم بالاخبار و عارف بالاثر و ادیب چمن بذر عطا  
 مانل اولوب جو و سخالی رتبه انصاف در سرحد اسرافه ایشدر مش ایدی  
 انچه عسکری و زکی لقب علی مادی بن محمد جواد ترک جامه ستعار  
 عمر نایب دار ایلدی فی سنه ۳۵۷ و حنین و مقوره عسکر اداسنه  
 خزینده ادایه مساعده اولوب الی یک النون نقصان تبیل  
 جمال اولمغین بی ادبان اترک بی باک دار الحلافه بهجوم ایدو  
 توفیر اذیت کونا کون و خجیر و ن صکره معتز جبار خاگره دین  
 و ابن واثق محرمی جانشین اندیلر سنه ۳۵۷ خلافت سنه ۳۵۷  
 مدت عمر سنه ۳۵۷ کنج اخفا اولان مادریا مهران معتز فیه نام منجوسه  
 بر ایدن صکره دست بختی سنه ۳۵۷ و شوب بیچاره معتز الی یک  
 النون ایچون نقد جان روان اتمش ایکن زیر مهر ملکنده اون اوج  
 یوزیک زر سکوک کامل البیار و اولقور و فی جواهر و مصفا  
 قیمندار بولندی قیما اید و سرکش ان اترک دست نظا و لایزه  
 زبون اولوب اوضاع سفیهانه و اطوار مغرورانه لری نخل و اثره سنه  
 بیرون اولمغین بعضیکر اعدا اقدام ایدوب بهجوم عام ایلدو  
 وجودی بر باد داده و احمد بن المتوکل کنج مجس در تحت خلافت  
 بافتاده اولدی فی رجب سنه ۳۵۷ خلافت سنه ۳۵۷ مدت عمر سنه  
 غایت تشیع و دیندار و متورع و برهن کار اولوب بنی امیه ده عمر بن  
 عبد العزیز و رع و تقوا ایل شهرت یافته اولش ایکن ال عباسه انکا

معادل بر ملک عادل ظهور ایدو کنه همیشه خون و لال اظهار و رابع  
 عمر بن اولمق رجا سنه هموان بدل نقد بنه اقتدار ایدردی رحمه الله  
 اعوام سلطنت ام دنیا ایل تحصیل نام و کام ایدو احمد بن طولون حکومت  
 مصر ایلدو کام اولدی فی سنه ۳۵۷ و حنین و اون برنج عسکر  
 متوجه دارالانش قدس اولدی فی سنه ۳۵۷ حضرت و قضا مات سنه  
 حسن مجتبی مات سنه ۳۵۷ حین سید الشهدا مات سنه ۳۵۷ بن العابدین  
 مات سنه ۳۵۷ محمد باقر مات سنه ۳۵۷ جعفر صادق مات سنه ۳۵۷ موسی کاظم  
 مات سنه ۳۵۷ علی الرضا مات سنه ۳۵۷ تقی محمد جواد مات سنه ۳۵۷ علی زکی  
 سنه ۳۵۷ حسن عسکر مات سنه ۳۵۷ محمد مهدی رضی الله علیه و آله و سلم  
 حقه معتقد و افض اولان رای باطل طیه صحتن عاقل اولوب  
 شواهد النبوة و بوندر مقام قطبیه قدم نهاده و اون طغور سنه اول  
 مسند غنیه و اوداده اولد قدر صکره غم راحت اباد جاودانی  
 انمش در دو کما سنه فلم بدایع رقم فطال اولش در کتب نوار بخند  
 ایام خلافت معتزده روگردان عالم فانی اولد قری زباز و ده براعه بخند  
 اخرو زمانده ظهوری منتظر اولان مهدیک نام بدرار عبد ایدو کل مقور  
 اولوب مادر لری جهنم ال عباک مشتمی اولغانی ابن عباس در خوریدر  
 عراق و حجازه بلای فط و غلا استبداد و ب بر کین بخدی بوز الی النونه  
 صاملدی فی معتز او علی جعفر بعده برادری موفق ایچون مشور و لایب  
 عهد بخیر ایدوب هر برینه بر کشور حکومتن مفر قلدی فی سنه ۳۵۷ جامع الحج  
 سلم نیس بوری روگردان عنوان جیات بی ثبات عالم صور لری  
 فی مدت سانی بایزید بطاکسیه سربا سنا خانه خا مان اولدی فی  
 منظور دیده النفات مامون اولان خواسان اسد بن سناک نوح و احمد  
 و یحیی و الیاس نام اولادی ایدو استعداد و اودا و بر لمر رتبه تعیین  
 ظهور بولوب خواسانده اساس و ولید بر یافو با اسکا م بولدی  
 فی سنه ۳۵۷ حکم مصر احمد بن طولون و مشق و طرکوس و حمال و قنص و حلب

ابتدا دولت  
 سامان



والطایفه ای دست دیگر اندل تخلص ایدوب قوت بازوی سیرکلا  
برله بنیان دولتی ز صیص ایلدی فی سنه اربع و سنین موفق برادری  
مهری معتمد مورنه بسط بد استیلای کلی ایدوب خلیفه یک ضرب  
دست فهری زبول اولدوغی لحاف شکر ابر طولون نام ولی عهد  
موفق قلم و حکم اولان مالکدن خطبه دل استقا ایلدی بنابرین موفق ایل  
جوانم بغداده ابن طولون مظہر سب و دشنام و خروج غیر الطاعه  
نمیل بدنام اولدی فی سنه ست و سنین معتمد برادری موفق  
زخم ستم و ازارندن جانندن نیزار اولغین بعض مصالح ملک اقصا بله یک  
غیبتی غیبت یلوب ابن طولونہ النجار جاسیل طرف مصره اماله الحام  
و بعض اعمال موصله ضرب خیام انتمش اکیمن بیم شخته سیاست  
موفق برله عامل موصل اسحق خلیفه صوری به سدره غیبت ایدوب  
ضوری کمال ذل و هوای ایلد طریق مراجعت عطف عنان ایلد غایب  
ثغور مالک سلامیه دن طرسوس و زربنه هجوم ایدن بوز یک قدر  
عسکر نحوس روم برده سیلا انتمام اولوب اکثری قطره تیغ سترند  
کزار و صنوف اموال و ادوات حب و قتال دست سلا میانه قرار  
ایلدی فی سنه ابن طولون باغ عالمدن دهنه عدمه رخال ایدوب خانم  
ملک مصره علی ابوالجیش حاروبه دست تصرفه انتقال ایلدی فی سنه  
قلعه باغ بناسی اثر معتبر ابن طولون رنکی و علی التمش یک قدر روم  
خنده قوللاری اولوب سارا حجت بولسوق اوزره ایدوکی محقق در  
عام حسن و حسین و مانین حدودند ملوانی بصره ده شعله اشک زبانه  
کش ظهیر اولان علی نام بد اختر که اکثر عسکری زبکیان و سودان  
اولمخله صلا ازینج عنوانه شهرت یافته اولمش ایدی بصره و اهواز و واسط  
دخی بعض بلاد اسکلی برهنده صدمه غار و ناراج و اموال نامیلین  
حدیک فهد و کینه اماج ایند کدنه سکره اول کشوره سراسر بسط بد استیلا  
ایدوم احتیاجه تحق اینک کینه فخره نام بر صهار استوار طرح و ایجاد

وامام نوهری نقلی اوزره اوج بکدر زیاده عسکر شور و شرع ایدو  
ایدی لعین مر نورک عنو و طغیان معتمد خلیفه یک و اصل سمع  
شعوری اولیجی دل عهدی و برادری اولان ابو احمد موفق عسکر لغین  
ایدوب اول مرد کربن اتهام تا میلہ اعوام محاصره دل دور سنه  
نامنده ربسلری اولان ملعون ایدی اولان بد شرادی و شجاعت فوادی  
ایله گرفتار دام شمشیر اوکو مر ملک اولد فوری اطوز کو هیده یک  
استغای خواسیچون انداخته جاه سحر اولد بلر الہ آلا آن دیار بونده  
امام تا میلہ رفعت مکان علوش بولان فاطمیون سرقری اولان  
مهدی ظهیر ایدوب امداد امتداد سنین شهر ایلد اول فلبم  
عظیم سخر ایلدی فی سنه امیر اندلس محمد عازم طرف ملک محمد اوکوب  
یسری مندر و جانشین ایدر اولدی فی سنه دت انار شته مد ستر  
صاحب السنن ابوداود و سجستانی و حافظ محمد مباحه الفرونی سبر  
سربستان جلانہ خا مان اولدی فی سنه معتمد باهرا احمد بن الموفق  
بعض امورده یدری رابنه مخالفت اظهار ایلکین محنت و بند زنده  
گرفتار اولدی فی سنه حسن سبعین امام نسائی طائر روحی خطا رقد  
برواز ایلدی فی سنه سبع و سبعین موفق سر نهاده و سواده مرض و فقر  
ایکین درنده کرک اجل نچیز نه سینه ناتوا اولوب اوغلی معتمد باهرا کینج  
تنک مار مجب در خلاص و یدر نارخ د اولدوغی رتبه و الای خلا ایلد  
دخی شرف اختصاص بولدی فی سنه عام مر نورده نقش صفحات  
غایب ابام اولیا صورت هول اینک انقطاع نبل مبارک پریشانی  
عقل و شعور ایلدوغی نارنج مرات الزمانده مسطور در سواد عاقد نه طایفه  
طایفه فاطمه ظهیر ایدوب ناره شرو شور لر یوما فو با افافکیر و یوز  
سنه به قریب بدینکاه مسلمانک دود آهی برده کش روی مهر ضیاستر  
وماه منبر اولد شمس نارنج ابن مهدیده مر نورک ابتدا ظهوری  
عام اربع و سنینده اولکی اوزره کشیده رشنه سطور در نارنج ابن جوزی



و ذمه پیره اول فرقه ضار وادی ضلاله هادی اولان محمدی بن  
 ورافضی بدایتیک سیم فرمط و باجمیان بن فرمط اولدوغو و سیم  
 اولوب این وردی نقلی اوزره قهر قاطعوانده تقار اقتضای اندکی اوزره  
 اثرینه اقتضای ایدنره قهرامط اطلال قبه سبب اولش در فیه جیات  
 معتقد مندا اولوب برادر زاده سی معتقد باعد احمد سیر اقباله سابه  
 اخلال صالده فی رجب سنه مدت خلافت سنه مد عمره معتقد  
 حلیه فضل و معرفت ایدله پراسته اولوب لکن زیاده فی پرست همیشه  
 مست ابدی صاحب السند امام تردی سیمه انقاس منبره حیاتی  
 عقد و احسن ختام اولدی سیمه پنجم اقبال صفایه فرق ابکی سنه افتاد خوش  
 اولش لکن متواری سحاب زوال اولدی سیمه نهمه دولندی  
 یعقوب بن لیث الصفار و خاتمه سی برادر عی و او کو کرمان و فارس و بلخ  
 و اهواز و نیشابور دست استیلا رفیعور اولدوغو و در که عرو  
 منورک قاصه مهمات مطبخ النور ستر کردن فراز کف اندازه تمجیل  
 اولنور کن بند بلا به کفرار اولوب بغداده حبس و تکبیل ایدله ندیل  
 اولدوغو بعد مد غفلت زندانبان بر تبار نمان حسرتند جان ویردی  
 و ختم حاروبه قطر اندام سرای خلافت خدمت سر کوریکو اول اقبال  
 اوج حسن و جمال مصر و بغداده انتقال ابدی فی سنه چهارم  
 اولان تکلف و صفت تجر حوصله اقتدار حاتم سخاوت کنه کجایش بر اولد  
 بیرون اولوب مطبخ الانده بیک عدد التوز حارون اولدوغو کشیده  
 سک غایب ایام اولان فرائد اخبار عجیبه الاطوار و ندر داخل ستر تنام  
 بغداد اولدوغو شب بر طبع اول خله نشین نار او کنجه هر بیک اند  
 غیرت را در زنجیر بر شمع ضیا کتر ایدله دور بتوز پرستار بر خار  
 دام و در میان خدمت ابدی فرمان معتقد اوزره مکه مکرمه دار اند  
 هم اولنوب ساحه سی حرم شریفه الحاق اولنق ایدله شریفه اند  
 چهارم و بیست و نه خداوند کاس المنیه نوش اید و جیش نام صغیر او غلی

انوار فی دولت  
 صفایه

سیر بر ملک بدر پیره قهرامه بی فی سنه اول صبی نابالغ بی او بان خلیج  
 العذار عسکر هجوم ایدله اسوده ممد لحد اولوب بر قاج کور شهر و بار  
 دست عمارت او باشانده کفرار اولدوغو صکره برادر بی بار و نه خلوع  
 بوش سلطنت و طبع نام غلام کی مدبر و دام بردولت اولدی  
 فی سنه پنجمین فراوانی امطار سبب طغیان عارتدن صکره کوفه  
 خابنه غریمت و انده خلیفه عسکرین برده سبب هزیمت  
 ابدی فی سنه نهمه حجاج عارت و نزاراج ویکار بیکه زیاده  
 مسکن نیر تدبیره امام ایدوب نکرار سیاه درگاه حلاله زینب  
 ساز اولدوغو صف قالد ریسری زکریه و اکثری بازده کتبه  
 اجال اولدی فی سنه مکنفی امان و نیویه دن نایوس و متوجه خاب  
 قدوس اولوب برادر سی معتقد باعد جعفر اولن باشنده تخت  
 خلافت زینب و فروردی فی ذی القعد سنه مدت خلافت شهر مدت  
 عمر سنه حاکم اندلس مندر اقتضای امر ضروری ایدله ترک ملک صور ایدوب  
 برادر سی عبد صاحب سیر کلاه اولدوغو مدت امارت سنه مدت عمر  
 سنه روایت منوره نقل این وردیدر لکن تاریخ نو بریده مدت حکومت  
 مندر پنجم ابکی سنه اولشدر معتقد ریداد قواد ایدله سند خلافت منقصل  
 و راضی باعد عبدالمن المعتر اول رتبه متصل اولش لکن رور دیکر نیک  
 خواها طر فین بایستنده بید اولان اشوب و غوغا نیر و شمشیر و ساطیده  
 منقطع و سر رسنه حصام معتقد زکراخت خلافت فرار ایدله اوزره  
 منقطع اولوب بیجا عیله بعد لا خفا کفرار دست و شمشیر جان  
 و تریس برده عدله نهان اولدی فی رجب الاول سنه تقریباً او  
 سنه در زیاده مدت افریقیه ده علم افراز حکومت اولان بنی الاغلب  
 اولادند زباده اهد زمانده دعاة علویه اول بارده ظهور و نیجه  
 مرتبه ملک و استو بدین صکره اول منکوبه دارد بارندل دور ایدوب  
 کشور منور سی کند شجر بند و دل جان زیاده اللهی انش کهریت غریبه

اندک بهر دولت  
 علویه و افریقیه



سینه اندلنی شسته و بقیه اول جوالیده اوله قزاق و بقای مدایع استخراج  
 ابدن طایفه علویه تک اولی سلمیه کاندن عبید در صحت و نسب  
 و خلافت اوله رسته قبل و قال کوشه مقراض طی و اهل ابله کسسته  
 اولتی مناسب واقع اهل کدر دماغ جانشه نوی از روی خلافت و زمان اولو  
 علوی همتی محرک امضاع غیبت اولغین اخضر خلای اولان ابو عبید  
 المشرقی نام یکسسه لی سر ضربیدن خیر ابدوب بیعت ابله دعوت  
 نافذ ابدی اول مرد اکاه متوکل علی المدغم راه ابدوب که مکرمه ده حجاج مغایه  
 بسط اندکی مفسد ماخلط استخراج اول جانب غیبت استاج انبکین مشرفینک  
 و بار مغربن یوما فو مالوای استیلا مانل اعتلا اولوب علم شوکت ابله غلب  
 شکست و فطر استوار حشمت و اقتدار لر یست اولدر زیاده الله  
 خلیفه طرفدن مال و رجال برله امداد اولتی جاکسسته افتان و خیران غم بغداد  
 ابدوب قدسه کلک کون سوادی بی بقادون قضا و طر و عالم عقیایه سفر  
 ابدی بواجاری انتشاری خلیفه طرفدن تقید و تفقد اقتضا انبکین عبید  
 منکرانه هینت ابله سلمیه دن برسم تجارت مصروف غیبت ابدوب اندن  
 طر بلوس مغربه بعد سجمه سه به وادی اندن سر نهفته سی شکار اولوب برای  
 بند و زندانه گرفتار اولغین ابو عبید قوراکاهی اوله کراهه دن سجمه جانیه  
 سیاه اراسته ابله حرکت ابدوب تیغ همت و اقدام ابله حاکم اعظم  
 و مهد لقب عبید اللهی سند نشین اقوام ابدی شسته تدبیر ابله افتار و بار  
 مغرب قلم و حکم ممدی اولوب افساد حد ابله ابو عبید مد تقیر علف شمیر  
 زهر ابدار و مذکر و قهر جواستار اولدی بی مظهر فیوضات الهی جند بغدادی  
 هنر تری غوطه خور لجه ناقرباب رحمت نامتاهای اولدی بی مقتدر و زبری  
 محمد بن جاقا سؤقه کیرستان شرب خمر و اقدام نهی اهنده اتمام ابدوب  
 مخالف شرع مظهر اوله کمال بقدر سنوی بشبوز یک التولوق بدعتی رفع  
 ابدی بی شسته و بنور و جبر کوه بلند بطریق کشف زمینی خرق ابدوب برنیز  
 طهور ابدن صونجه محور قلعه و قریه لر غرق ابدی فی شسته حاکم اندلس عبید

روضه آمار صر فایله ریاد واده اولوب متعدد اولادی وار یکن کشته تیغ  
 غدری اولان اوغلی محمد کبری عبد الرحمن کل باغ اقبال ساعده نسیم  
 فضل و اجمال برله شکفته و خندان اولدی بی مدت امارتته مدت عمر  
 خلفای عباسیه طرفدن نیابت موصله متصدی خدمت امار اوله عبید  
 بن حمدان بن حمدون نحر یکت نخت اورن برله اوازه کوس عصیان بند  
 انبکین بر مدت جس و تکمل ابله ندلیل وینه توجب حذا جلیله رله نجیل  
 اولوب نیجه ماه و سال انک بعد اولاد اخفا و تک نجم اقبال افتاب  
 تاب اولدی فی شسته ممدی اوغلی قانی نافذ خدمت سرع کری ابدی  
 اسکندریه و قیوی شمیر قهر محکوم اتد کدن خلیفه طرفدن مصر مان امداد  
 کلن سیاه اراسته و درباش جلا دتی ابله افتان و خیران جانب مغرب  
 کرزان اولدی بی رجاء حب و قتال ابله پرباد تکرار طوف مهدیدن اسکندریه  
 اوزرینه سلاط اوله کشتن بان کوه بیکریه دستمایه طغوغ و اندلنی شسته  
 وقت غروب سقف بیلکوز اسماندن زمینه صیحه سهکین ابله برکوب  
 حشان ساقط اولوب موصله مخالف عاده نهر و جله منجد اولدی  
 فی شسته دشمن دین مخاذیل مشرکین دست تطاولدی دامن حسن حال  
 سلمیندن کوتاه انک بجز ممدی ساحل کرده مهدیه نام متین قلعه بی  
 بناد احکام اهنده صرف نقدینه اتهام ابدی بی شسته و بکر باره ابن المهدی  
 مصر جانبیه بحر ابراسوق سیاه ابدوب خنیت و خیران برله طرف مغرب  
 روگردان اولدی بی سیمع و تلمنا نه حلاج لقب شیخ حسین بن منصور بغدادی  
 وزیر حاکمین عباس افسادیکه شسته شمیر ریاد اولوب سیرین اوزره  
 دار و جسدین احراق بالنار اندلنی شسته شمع قدس سره و امطه بصرتی  
 اولوب اول بدی کون سل سیف بسی و غارت و سکا نه انواع حشر  
 اندلنی شسته احدی عشر ابوطاهر فرمطی بعد العود قطع طریق حجاج بیت عتیق  
 ابدوب بغا و تاراجدن صکره پس مانده لر اول بریه بیر نف و مانده سوخته اتش  
 جوع و عطش اولدی فی شسته عام قاتله و امطه کوفیه دست تقدی و دراز

شته و حلال  
 منصور



واولی دینار مسلمینه ابواب اذیت و جفای باز ایدوب یک  
 بشیور نفوذ بکمر خلیفه یک فرق یک قدر عسکرین منظم و سردارین  
 دانه هشتید منعدم اندکند صکره سال آئین نگار خلیفه عکیده  
 مطارحه قرعه التمام و اندر فی آوارج صحرای انهرام اندر فی سینه  
 اربع عشر اول ملا عین نگار فروه خود عروج ایدوب بلاد فراتیه  
 خانه بختری کبی و بران و اموال و ارزاق مسلمینی رفت جاربوب  
 بنما و ناله اندر فی سینه میان و بلیانده اسفارین شبر و نه نام  
 اوج خود عروج ایدوب مایچه علم قبایل جاهلی هر سر و ماه اولی  
 فی سینه **مقندر** هموان شرب راح و اداره اقداحه مشعوف و ایما  
 همیشه استیفای هوای نفس مصروف اولوب منظومه حل عقد  
 امور جمهور مدخله مشوان و خدام ایدوختل النظام اولغبین خلع اولکون  
 برادری محمد قاهر نجم نجی اوج خلافت زاهر اولمش ایکن عسکر سینه و  
 اولان اختلاف کلمه بوم نالده کوکب اقبال مقندر تکرار لامع اولغه  
 سبب اولدی **طاهر** حاله قاهر کی کناه اولغبین کریان جانشین  
 دست نوض کوتاه اولوب سد الباب الفتنه بختی مکر مامور مقندر دانه  
 ستور اولدی **رئیس** قاطعه ابوطاهر بوم نزدیک ده ابخی بدی بنور نفر  
 اشقیبا ایدو علی غفله دارالامن حم الله واصل اولوب یکی واقاتی  
 اونوز سیکندر زباده مسکما علف تیغ تلف اندکند ماعداجنه برین برزخ  
 مبارکه القاه و استار شریفی حق و باب معلای جنای قلع و حجر اسوی  
 وطنلری اولان اوجو نقل ایدو ایدو شهرت زفریه به ابقا ایدو کی  
**امیر** عاق بکرم ترکی استر و ادجر مکریم ایچون الی یک التوز بندل اتفاق  
 ایدوب ارباب کوفه و اتفاق اللندن خلیفه بحال اولدی **مرویدر** که او کرم  
 جرجه و ارنجه فرق عدد شتر سر مست کف اندر خاک هلاکه و شوب  
 بکره ایکی سینه در صکره اعاده اولند قد بر جازه ضعیف ناتوان کمال  
 کمال سرعت و استعجال ایدو مکنانه ایصال ایدو بغداد و ده باد عادیون

نشانه ریج شدید و زان اولوب طرف سماندن زمینیه بی نهایت  
 کون قوم باغدی فی سینه **جله** الملک دولت اولان مونس خادم ایدو  
 مقندر سینه اشتغال یافته اولان ناره سامان سوز و حشت برین  
 ایدو تکبیر اولوب مونس ضارقه و کین ایدو توجه موصل و اندل  
 سیاه کینه خواه ایدو بغداد واصل اولوب مقدر ترتیب صف  
 نقد جبات مقدر منیع اتلاف اولدی فی شمول سینه عشرین مدت خلافت  
 سینه مدت **عشره** مقدر بندل اتفاقه اعتراف ایدوب مدت خلافت  
 به جاطق از یک کره التون اتلاف انتمش در سال ببال قوا و بن  
 محترم و حجاج ذوالابتهماجه بی کم و کاست راست و جیوزا و زبش  
 یک دور بتوز الی التی فلور و لغور اسلامیه به دور بتوز طق بر و بنار  
 کامل ایدو صرف اندوکی تاریخ نور بدین ثبت جوید اخبار اولش در عوام  
 خلافتده مشاهرون صاحب مسند ابوعلی و محمد طبری و زجاج النوی  
 و ولی صدیقی اشتباه بنان حال مهان ضیافتخانه رحمت حضرت ایدو  
 متعال اولدی قاهر تکرار دست خلافت سینه استوار صالحان مع العشر  
 فحوی صدا حواسی رونما اولدی ایام ابتلا و ده ام مقدر طرفین مظفر ضیوت  
 نوازش و اکرام اولمش ایکن اول تک حرام حانه اسایله مقابل ایدو  
 مقضای خبث طینی اوزره حرکت نقد نقیر تمیدی و بدیر که اول بد کهنه  
 مادی مقاومت اولان خاتون خنده اندوکی اذیت کونا کون و نر ماعداج  
 کوندر استعجال مال خیال ایدو باغندن اصوب بکرم بشریت ضنا حاجت  
 مضاندر و روی و موسی زولیده می نجاست آلود اولور ایدی خنده  
 و دمره **بعد** عام اول مخدره عصمت کزین عازم زهنگاه خلد برین ایدی  
 فی سینه **نفس** خنده قاهر دن ایدو مامور اولان مونس خبر او اصل  
 سمع شعوری اولوب قاهری دخی خلعه وار و بر و یکی اخباری انتشار  
 گرفتار دام حسن ندیر و طوطی شبر شبر اولوب مقدر مقصد بدین خزان  
 ایدو اولدی **انتقال** دولت خلافت خلافت اندک اکثر ایدو سیاه نجین



بن مکتفی خلیفه اولی تصریح ایدوب اول بیچاره غم قاهر بندهم اخضر و بوسه  
انے زجیح انش ایکن مونس ایلده هر زبان اتفاق اولوق جمالنه وجود و  
محمدی جاییکی دیوار میانده جیس ابدی یه گرفتار ایلدی نه دیاله دنگار  
سکار ماهی ایلده نقیش ایدوب یه نام بر متوسط الحال کس نه کس اوغلی ایکن  
طبرستان و امغان حکما حد منده اولوق کرخ یکی نامه اولان عماد الدوله علی  
مسعوده اقبال زلی برله لوی شوکت مستعلی و اصفهان و ارجا و کار  
و سایر اعمال فارسیستولی اولوب رایت علوهیمی ملک شیرازه و فی  
سایه انداز اولدی فی سینه تاریخ نوبدرده طرف سلسله نسب بویه کنگره  
طایق نسل بهرام کوره باز بسته اولوق اوزره مسطور در و بدر که تسخیر و الملک  
فارس شیراز حکومت استعداد عماد الدوله به طراز اولدقد و طایف مقرب  
عسکرا و اسنه خینه ده مسعوده اولمقی ایلده ابدان لشکر زبان کسنا  
در از آنکه کلند از دارالاماره ده سیرکب حاقبه او تور و ب ندرک کار  
انکارنده ایکن ناکاه بر مار سوراخ دیوار دن خروج و سقف خانه بیرون  
ایلدی اول موزی جانه و ریشی دفع ایکن نفقده ایلده مامور اولان فراسلر  
الموضع معموده صعود ایدوب سوبو جیت و جوا بد رکن دست  
بیگانه ابر شمع ملا خطه سیله نهان اولمش اون صندوقه ظفر بولدیک  
نقد و جواهر دوزش کره بوزیک التون در و ملرنده مخون ایدی روز  
دیگر ملوک نه سب لباس یکدر یک یکنه سزای خدمت نه معین اولان  
ترزی با احضار اولنوب اول باده عماد الدوله دن صادر اولان خطابه  
فهمه عارضه سی اولاصم مانع اولمقی اسطیجیم نشا امیر سابق بعقب  
بو بنده ده انجن سکر صندوق ابداع انش در کند و ختمه ایلده محتوم و کلند  
نوار ایدوکی نام معلوم در دوبوب حسب الامر احضار ایدیک اوچ کره  
یوزیک زر کامل العیار داخل فذلکه شمار اولدی زبردست بیدار واده  
مقهور و میل آتشین برله دیده سی بی نور اولوب کنج زندانده مجوس  
و مشاهده شاهد دولته نایوس اولان احمد بن لغتر بند بلاد ازاد و صل

عوس هزار داماد خلعت برله دلش د اولدی فی حمادی الاولی سده مدت  
خلعت سده شهر ناخلف راضی قاهر کاهواره سفک و ماکاری و جمع  
مال نجبه انکاری اولوب قبیح سبست و فساد شریریدن ناشی ظلم و بیداد  
تخانی انحراف رحم اولمقی منتقم حقیقی و فی اول تاریخه دگ خلفا مبتلا اولدی  
محنت سبیل ایلدیل ایدوب کمال فقر و احتیاج استیلا ایلد و امعه  
عارسؤال اختیار نه محتاج ایلدی ابق دریدیر تو نور و خود لری نابود اولدی  
لقب عبید علی ممدیده مدوش جوعه جام قنا اولوب پیری پیری  
ممدی صهارک نوش اندوکی ندیر صغیری اوزره برسنه اخفادن صکره  
اظهار و سیر حکونه فرش بساط استقرار ایلدی فی مدت حکومت سنه  
مدت عمر سنه شام اخشید لقب محمد حکومت مصر ذات الاحرام ایلد اکر ام  
اولنوبالت دمشق و ضمیمه راتنه عنایت اولدی فی سنه لفظی صطیح رستان  
اوزره شهر فرغانه پادشاهیه لقب اولو معضای شهنشاه دیکل امیش الامار  
ابن رایت دولت یادر هوای دنیا به مغور و ملا خطه و حامت عاقبت غور و  
دور اولمقی لایتی دکل ایکن ضرب دست سطوت قاهره ایلده خطبه ده نایاد ایلد  
توسن اقبال پنج روزه بی زنجیر زمام حکمت رام و عرض ناموس طایفه ایلد  
ایلدی فتنه اطراف بلاد علی طریق الاستبداد وضع بد استیلا ایدوب  
نقل و نوا جیسند ز غیری برده خلیفه حکمر جاری اولقدن قالدی فی الدوله ایلد  
دولته بی نصیب اولمقی ضرب شمشیر ایلد کرمانشاه جاسنه حکمت ایدوب  
فصله کرمان اولان حیرت فربنده پانها ده اولدوغی وادی غزوه ده ضرب شمشیر  
خونش حکم کرمان ایلد درخت وجودند زید بترسی منقطع اولدی فی  
الدوله لقب شهنشاه ایلد لقب ایدوب عامه کی باج مرصه تبدیل دست  
امارتند تخت شاهی به نجوب ایلدی فی سنه رایت چراغ افروخته سی ایکن  
زبان کش عصا اولان حاکم وسط حکم زکی آنک جبک ایدوب بای بناتی  
درنگ اولمقی کنج اختفاده از و ایدوب حکم حشمت و افرو ایلد داخل شهر  
پنجاه و علی وجه التکمیل منصب ابن رایت ایلد بر مراد اولدی فی سنه



الدوله برادرى عماد الدوله شقيقه فراز رايت غنيمت اولوب اهوازى  
 بنده کند شخير ابلدى نه قطع طريق حج عتيق انکين اونه بدى سنده سندن  
 برو اهل اسلام اول فریضه لى اقامت مکن اولمش اکین توسط مصلحتون  
 ابله حجاج کرام قرامطيه ادا باج و خراج الترام ابدوب احرام بند غنيمت  
 حج بیت الله کرام اولد بزنه سه راتق بس برده اختفاد نرونا اولون  
 رها و قنبرين و عوام حکومت مشوريله اول قطاره والى و بعد عام ديار  
 ستمه تنولى و لدی کى سه اون طقوز ذراع ارتفاع اولو سنجينه  
 بغدادى برباد ابلدى مسافر اقليم عدم اولوب برادرى ابراهيم  
 خلافتن مقيم اولدى فى ربيع الاول سنده مدت خلافت سه سهر مدت عمره  
 و نفقات و عطا با و جرایا و خدم و حجاب و ذرا و قوالی و خلفا متقدین رسم  
 و آیین اوزره اولان اخر خليفه راضى ابدور واسطه ابو عبد الله البريدى سال  
 بى ملتزم اولد و غنى کار سالده اهل انکين کوشمال انکون اول جانب  
 توجه رايت غنيمت انمش ابدى و مانش قناده یاى ثبات بر بدى عرض  
 و صفحه ضميرنده صورت فرار شقتش اولو حکم ارباب فسادون بعض قنابل اکراد  
 اوزرينه سبکسان غنان مسارعت اولدى انلاری افزاننده صحای  
 بریشالی اندکدن صکره انلارون بر صبی نابالغ نيزه جان تاييله سرشته  
 جبا منقطع اولدى جانی غالمه سی مندفع اوليخچ بریدر کاشنگان حکم  
 ابله متوجه درگاه خلافت اولوب طوعا اوکرها منصب محلول موصول  
 اولمش اکین کوزنکين کوزيلی صدمه قهری ابله مقامنده زایل و اول رتبه کوز  
 اکین و اصل اولدى نه شام ابن رايق و غنى سايه هيبست بر بدی زوانده  
 قوی دل اولمغين جمع اجناد و غم بغداد ابدوب صدمه قهر و کين ابله  
 کوزکينی سندا مارتن طرد و ابعاد ابلدى نه و غنى اقدام اوزره قيام  
 و سپاه راسته ابله طرف بغداده اماله لجام ابدوب خليفه و ابن رايقه  
 باری مقاومت اولمغين اختيار ترک دار و ديار و جانب موصلة فرار  
 اند بزنه شتمه حاکم موصول ناصر الدوله س حمدان خليفه معدن تلقى بالاکرام

وابن رايق مستحق اولد و غنى وجه اوزره اعدام ابدوب سايه رکاب  
 خليفه طرف بغداده عطف غنان و دورت آقدر اول کشورده مالکانه  
 فرمان فرما اولان بر بدی و سکين برين ابلدى نه ناصر الدوله بر بدی  
 استبصار جاسی و بعض امور التجار سيله دار اختلاف بغدادون دور  
 و ضبط و ربط امور نظا اهما مندن مهجور اولوب موصول و نواحيه بند برين  
 اقامت ايتکين مترصد فرصت ظهور اولان تورون ترکی ذروه خود وجه و غنى  
 ابدوب سايه هيبست بر بدی و جار با شراي رتبه قرار ابلدى کى  
 اذيت کونا کون تورون دائره تملکدن بيرون اولمغين بعض مصالح  
 اقتضا سيله اول شراک بغدادون واسطه جابنه حرکت خليفه فرصت  
 سيلوب مرغ جان آشبانشا شاخ رامن امان اولمق رجاسنه  
 اولاد و عينا ابله عازم موصول و ناصر الدوله حومه جابنه و اصل اولدى کى  
 رئيس قرامطه ابو طاهر دين غزم مضيق سجین و لدی نه متقى بعد مدته  
 بنی حمدان نه استشار شغال ايتکين اختيار اهون شيرين ملا خطه سيله  
 نوردنه مکتوب سال ابدوب اول بد پيمانده جانته خط امان اکر قناده  
 صکره بين اقدام و احجام طرف بغداده اماله لجام ابلدى نه محرم الحرام شتمه  
 مقدما کمال اضطراب و تلاشيدن ناشی امير مصر احشیده و غنى حالندن  
 شکايت و خدمته و عوبه متضمن جامه نامه و جو مش ابدی رتبه ضرب خيمه  
 نزول اولد قن احشيدى حد ايد ابله وصول بولوب توجه جانب  
 بغداد ماده سندن فسخ غنيمت و طرف مصره توجه رايت نهفت  
 ايتکين خصوصنه اندوکی ابرام متيج حصول مرام اولکيو خايائى ابدوب  
 تورون ملعون سنده نام مقام خدمت استقبال و استيعمال  
 ابدوب شفاه نبيل برله تقبيل رکاب و بعد التزول مظهره چشم جابنين  
 ميل آينين ابله خراب ابلدى نه صفراول کراهه متقى به کناهی همراه ابدوب  
 بغداده و اصل اولد قن مستکفی با بعد بغداد قن المکتفی بالدى جالس بر  
 خلافت دستکهاى ابلدى نه مدت خلافت سه سهر متقى غایت مشرع



و دیندار و رضای الحلی تحصیل طلبکار اولوب اول مرد کامل فیضه ظل  
 زائل و مشرب رخاوت و نبویه خشن و خاشاک ایله متکدر و منفعل و کل  
 ابدی برادری ناصرالدوله و سیف الدوله علی حلب و حصه مستولی اولو  
 و مشق شکار گرفتار مضیق حصار انتمش ایکن اخشید هجو بیلد جوبار وادی  
 فرار اولدی بی **خاین** بی دین تورون بدابین مصر و غا غلطید خاک  
 هلاک اولوب کاتبی شیراز **ایدا** دار باب قننه و فساد ایله مقام مارته  
 وضع قدم همت ابدی فی محرم **ششم** پیام مرک تورون اهور زده ابن بویه  
 مؤالدوله بی قرار و ارام ایدوب بوغره اقبالی اغتنام و طرف بغداد  
 عطف زمام بیکران اقدام ابدی بی خبر قرب و وصولی خلیفه شیراز  
 کشور وجود لرینه با استیلا حیث رعب و هراس اولوب اختفا  
 مؤالدوله دخی داخل بغداد اولند قتل صکره خلیفه ظهور و طوعا و کرها  
 مؤالدوله تسلیم زمام حل عقدا مور ایدوب انک طرفند ز مهات  
 ضروری سی ایکن نعبین اولنان بشریک در هم بویه ایله قناعت کرن  
 اولدی برایدن صکره مؤز بو مرتبه دخی استکنار و خبث درون اظهار  
 ایدوب بی سبب ظاهر مستکن بی زربفت شکای غلندن خاک ندلته  
 تنزیل و مظهر صنوف امانت و تذلیل اتکدن صکره سر و بار برهنه  
 برکشان نکبت خانه سنه کورتوب میل اتشین ایله بر و جش جاک  
 و دار اخلافه بی چاروب یغما و تالان ایله پاک ابدی فی جادی الاخر  
 سیم مدت خلافت **سوم** مطیع باعد فضل بن القندر صورتا  
 اشغال خیر خلافت ایدوب خلیفه حقیقی مؤالدوله ابدی تاریخ فرموده  
 وجود لرندن طلعت خلافت انشاع اوکونیرده عبارله روز روشن  
 دیده لرینه شب و بکور کور بنن قاهر و متقی و مستکن شهر بغداد و موجود  
 ابدی **طریق** اسماندن بغداد سکانی سنکسار اولوب بمضیلر  
 بررطل عکوزنده اولقی ابدی نهاییه انسان و حیوان هلاک اولدی  
 بی **فاسم** علوی مهدیه ده صدمه مرک ایله مقهور اولوب و علی **منصور**

و صل شاه ملک ایله سرور اولدر **ششم** مدت امارت **ششم** مدت  
 عمر **ششم** **امیر** اخشید غم ملک جادید ایدوب صغیر و غلی ابوالقاسم  
 سند حکومت قائم و تدبیر امور زمره طواشیدن کافور نام سببا خادم  
 اولدی بی **ششم** **سیف** الدوله شکا کند نخیره رام انتمش ایکن  
 کافور اخشید یازی سواران مصر ایله کلوب سبفک شمشیر سطوتن  
 شکست و لوای جلادند **یست** ابدی فی **ششم** **مظهر** قننه و ستم  
 روزگار اولان هر مخلوع ترک جامه جبات مستعار ایدوب پیرا کفن  
 اختیار ابدی فی **ششم** **بعض** کتب توار بخند سال ارتخالی الی اوج اولق  
 اوزره مرسوم قلم نعبین اولش در عمار الدوله علینک دار الملک فارس  
 شیرازده جارا رکان وجودی مهدوم الاساس اولوب خون نعمت  
 اولاد ذکور دنی نصیب اولغین حکم وصیت برادر زاده سی عضد الدوله  
 خسرو بن رکن الدوله حسن خلعت حکومت شیراز ایله اغاز اولندی بی  
**مفتکف** کنج و غم اولان مستکنی دخی طریق اقلیم عدمه وضع قدم ابدی فی **ششم**  
 قوامطه حجر الاسودی بکری ایکن سنه موقوف دامگاه جس اندکده صکره  
 برشته تمجیل و وجه توجیهی وجه ام القویه توجیه تخیل ایدوب بحد  
 نقالی اول بار سفر کرده مغاننه واصل و دولت و صل ام القویه نامل  
 اولدی فی **منصور** علوی مهدیه ده دائره هستیدن دور اولوب و غلی  
 مؤالدین اهدای نیم معد مرکز حکومت فرار ابدی فی سنه حدی و اربعین  
 مدت امارت **ششم** مدت عمر **ششم** **سیف** الدوله کچد امعش نباسنه  
 صرف همت بل همتا ابدی فی **ششم** **دریا** کسکسار زراع جکوب جبال  
 و نلال بیدا اولدی فی سنه ست و اربعین صدمات امواج زلازل الحاقا  
 جمله سکان و اطرافنده بوز الی عدد معمر قریه ایله مظهر قننه حشف اوکوب  
 ری فربنده بر فریه بشن الساعت بین السماء الارض معلق طور و قدر صکره  
 مستور تراز حجاب اولدی فی مؤالدوله موصل و نصیبی ناصر الدوله جبر  
 دست تصرفند انشاع اتکدن صکره برادری **سیف** الدوله رسامان



مال عظیم او اانشک شریطه الله ایم ابدی می باشد امیر مصر او القاسم و بن  
 زبر زمین اولوب برادر علی جان بن اولدی می باشد **رب مصری**  
 بعد القفول بر وادی به نزول ابدوب اول کیچت سبیل برله جگه دای  
 رحمت حق وصول ابدی می باشد ماوراء النهر ده کفار که نامی بوزیک  
 خوکاه شمول بر تو هایت برله و اصل سر منزل سعادت اولد بلر فامده  
**فی حاکم اندلس** عبدالرحمن امری سکنای دنیا دن فحیت سری بقایه  
 منوجه اولوب او غلی حکم مستنصر وارث ملک یدر اولدی می باشد  
 شمس قهر بدت عمر **حدندل** لقب ابوالشوالب عبدالعبد بن عبیده قضا  
 بغدادی مؤدوله نام نزل لیدند بر سر سینه ایکی بوزیک در همه اترام  
 ابدوب کردن بسته طوق لعن و دشنام و کرده مکروه رشیانه  
 امام اولدی می **دستور** روم حلبه هجوم ایدوب پنجه بام سکن  
 قضیق و بعد تنجی طغوز کون سب و غارت و قتل و اسیریه عصبانه  
 جمعیتین تفریق اندک نه صکره شهر و بازاری احراق بالنار و غنایم به  
 ابدوبم و بار کفارت و کی تاریخ ابن الوریدین کشیده سک سطور اولان  
 امور دند در **مشهد طترم** قضا بغداد حدندل مؤول ولوب احکام سجنه  
 مطروح طاقه ابطال اولق ابدی خذول اولدی علیه بایستحق **مؤالدوله**  
 ابدیه بوم عاشورا شهید دشت کربلا یاس و ماتم ارکاب انواع قوما  
 ابدیه رعایت اولمنق بدعتی پیدا اولدی می **شاه** **مؤالدوله** حمدیه ولایت  
 ارمندن بکر می بشنای شنده ظلم نظر بر برینه متصل جمیع اعضا کامل ایکی  
 شخص کتور و بکره او قاجوع و عطشری متحد اولوب بری زن و پست  
 ساهیرست ابدی می **بعد بام** بریک درخت وجودی اسبب  
 رسیده باد خزان مرک اولوب تغیر بده حال اولمنین از زمانده بزرگ  
 سخل کجا کردان اخوانه شکست بولدی کلب عقور دستن بر نور  
 مقدما مصیصه محاصره ابدوب خانبا ائب اولش ابدی ملک  
 روم نفور به حدش مغمور ابدی هجوم ایدوب الفتح سفینه وجودی کوا

ملک ناپود اولند نه ماعدا ایکی بوزیک دن دست بسته سیر  
 کونوردی الاله حکم و الامر فی **شاه** **اول** منجوس طرسه و فی صول  
 سکنانه ابدوب سکنانی جانشه نو بد امان ابدیه صاری داخل قضیه  
 اقتدار ابدی می **شاه** **ابن** **خشب** علی ساغ و وجودند زاب جات  
 ریزان اولوب کافور **خشب** نشود ارضیه های حکومت مصر اولدی  
**فی** **شاه** **مؤالدوله** نخل وجودی بغداد ده سوخت صاعقه عدم اولوب  
 او علی غالدوله بختیار یدری مقامنده ریشه استوار صالیدی می **شاه**  
**کافور** **خشب** ید عالم عدم انتقال ابدوب ابن **خشب** علی او علی القفا  
 احمد دون سن بلوغ سایه انداز سر برکت اب وجد اولدی می **شاه**  
**سيف** الدوله احمد انی حلبه واصل رحمت رب و کوا او غلی سید  
 الدوله ابوالکاشف مقام امارت قیام ابدی می **عصه** الدوله کرانه  
 عنوة و سجنانی صلی داخل خطه ضبط و شجر ابدی می **مقی** **مخلوع** ماه  
 سیرج السیر عمری کوفار خسوف مرک اولدی می بدت عمر **شاه** **کافور**  
 انتقال ابدی مصر احوالی مختل اولوب ارکان دولدن هر بری ضرب  
 کوس استقلال سودا سنده و شکین ولایت مصرده هرج و مرج پیدا  
 اولدوغی اخباری مهندیه متوک کوشکداری اولیحق روجی نژاد  
 جوهر نام قانیدی عا کرا پنجم شمار یله اول کشور می مستخر انکه تسلط  
 ابدوب بحد خبر فرب و صولیه لاف زنان مصر جو بای سمیت  
 فرار اولمنین بی اعمال تیر شمیر فتح و شجر ابدوب قاهره مغیره بکانه  
 وضع اساسل حکام و اقطار شایسته می دمی زمام حکم فانه رام  
 ابدی می **شاه** **طربلو** **شاه** **شام** دخی اولن سکر منبر مقوی اولان خصار  
 بنون سر پنجه قهر کفار و جنص البسی کوفار غلب نار اولوب  
 اطراف شام ایکی امضرب خیام ارام اعادای دین اولد قدن صکره  
 تمانت حصار یرده کش روی رجا اولمنین مخا ذیل مشرکین غنائیم  
 بی شمار برله دبار نکبت مدار برینه کند بلر **سيف** الدوله ملک فرغوبه



نام بنده روم جزیره سی حلب شبهه استیل ابدوب محدودی  
تندر بدل بدری کورخانه سی اولان میا فارینه نفی واجلا ابله اکتفا اولدی  
مے سه سک روم دیار سلان متکرار هجوم ابدوب انطاکیه و  
وش حلبی بند کند شنی اندکند مکره فرغوبه الترام ارسال مال سنوی  
برله حلب و حص و حوا و اول حوالید مستولی اولدوغی حصون و قلاع  
وست تعرض کفار دن تخلص ابدی مے سه و امطه سنا مرکزایت  
شومی اندکدن صکره بی سرو پایان خشیده انطاکیه فوشت قلب  
تخصیل و زمام راجله توجهی طرف مصره تحویل ابدوب عین شمس  
نام مقام مغاریه ابله شمشیر بازی به آغاز اندکند تیغ جلا و تدری  
سبف خطیب بی کار اولوب کمال انگار برله جانب سامه فرار  
اندیلر مے سه مغر قلم و حکومتی اولان افطار سخطین لغیبتند صکره  
ضرب کوس رجب ابدوب همعنا غوا حشام داخل و لتساری صر  
دات الالهرام اولدی مے سه موی در که مغارخانه سند اولدی  
ولی شمار شتران رهوار دن یک بشوزینه خاصه ذهب عین تحویل و نور  
مطیع و رند کرک مرض تلخ زبونی اولغین حل ثقیل حلا باطوع فرق  
سکریاشته اولان اوغلی طایع اند عبدالکریم تحویل ابدی فی ذالقعده  
سنة ملت و سنین مدت خلافت مے سه شتران نام خلافت مطیع شتر  
شیخ تبلی و حکیم بولنصر فارابی و مولف مروج الذهب مسعودی و صاحب  
ابن جبان و مولف کتاب الاغانی ابو فرج اصفهانی و شاعر ماهر ابو الطیب  
المعتز غم طریب ساری سرور اندیلر مین مختصر صیده نام مغر علون باز و خط  
اولوب خلفای عباسیه سنی لغا اولدی مے سه و امطه رایت شونکت  
کبر ابله لوی نام و کام رفع ابدوب حاد و قطیفه دکن تعقیب  
و اکثرین نصاب جباتدن بی نصیب اندیلر مے سه بختیار تسویه بعض امور  
ایکون اهواز جاتنه رایت افزای غنیمت اولوب انده برام خور  
سبیلده و یلم و ازاک میانده انش حب و قتال شرو بار و عسکر

وصلت  
بصر

ازاک

ازاک نار و مار اولغین بوخربار و بغداده وارد اولیجی سبکتکین نکی اظهار  
توان و تاب و دار بختیاری شیشه غارت برله خواب ابدوب  
مطیع و طایع کرها همراه و دار امکا بختیار اولان واسطه طرفه سوق سپاه  
ابلدی مے سه و عام قلدن مطیع التمش اوج بکشنده ارجعی نداسی سمیع اولوب  
سبکتکین دخی خوش صربای عدم و مؤالده ازاد کرده رندم افستکین  
انک مقامنه وضع قدیم ابدی مے سه اول شیشه انکین واسطه قنده بختیار  
ابله الکی کول ابراز ناد کارزار و هر مرند صف دشمنی رخنه دار انگار ابدوب  
و آل فارس غم زاده سی عضد الدوله بالذات امداد ایملین منزه ماطف بغداده  
فرار ابدی عضد بختیار خلیفه استصحاب و تعقیب امرند بک رکاب  
شتاب ابدوب انکین منزه دایه و مداین میانده تکرار پرده سبکاب  
فهر و کین اولدی مے سه الدوله بختیار ابله شیوه معاملتی و فانی اختیار ابدوب  
اوج آیی بختیار و اولادنی اسیر بندلای زندان اتمش امکن بدری رکن الدوله کین  
تهید و تحویل مے سه مقامنه ابله سبک ابدوب غم جانب فارس ابدی مے سه و امطه  
مصره بزرخ بیای اقلیم عدم اولوب اوغلی غریب سبک بر یوسفی اوزره جلوس ابله  
مکرم اولدی مے سه مدت سلطنت در کچه مدت عرشه مذهب مغر فضل و کجاذ  
مائل اولوب اهل سنت ابله جندان الفت و اتحاد ابدی امارت بورد فضل و ادب  
ابله متخی اولوب صفت ماحد وجود و سخا ابله موصوف عدل و داد و رشده و  
ابله معروف ابدی انکین صدمه امتزاج ابله اقبال و خیران شامه واروب  
بخت و اقبال طرفکین اولغین حصار و مشقی افتاده دام اغوش شمشیر ابدوب و بخت  
بامد طرفندن تخلصنه نامزد اولان قانچوهری قرامطه امداد یله منزه ماعقلنده محاصر  
انتمش ایکن خد مال مان برله قانچوهری مرغ جانی قفص حصار دن ازاد ابدی  
بویام خوش و اصل سمع غیز اولیجی بالذات غنیمت و رمله قنده و امطه و انکین  
سیلی حور امواج هریمت ابدوب بوزیک التون جعل ابله انکین سی  
ملا طلاق خد امان خیابان جبات اولدجه نغم فراوان احسانه سیر ابله  
معهده غریز طرفندن صغله ده مقصدی خدمت امارت فتح حسن سینه بکند انداز ضبط



و نیز خیر اولوب بجه حصاره دخی ظفر سیر اولدی می **کین** الدوله متواری کنج هزاره  
 محضه قید جیرون ازاد اولیجی از روی ستمشاق هوای ملک بغداد و ماغنه فساد  
 و بیروب اول جانیه سوق کتابی ایلدی اهورا فزیده کریمت کش کیرودار  
 آتینداج بخیار سوخته نار هزیمت وانکسار و طرف بغداده سبکساز عنان  
 بکران قرار اولوب محضه بصره و دخی نیجه مالک مالک اولدی فی **غیر** و امیر  
 اچیش اولان اواسحق بلا ولد خوش سبک سیر جاتدن فتاده اولوب جبین  
 خالده افتاب استعداد و استبمال رحشان اولان بنده زیر خیده سی  
 سبکتکین مولای مکاننه نقیب اولدی می **عالم** اندلس مطموره نشین عدم  
 اولوب ده ساله اوغلی **هشام** مقام امارت قیام ایلدی می مدت امارت  
 سه مدت عمره لقب محمد نام وزیر جلّه الکک اولوب هشام کنج اندو  
 کنام و منصوران ناطقه هشام اولدی رتبه استقلال بوجه ایل  
 ایدی که دارالاماره بیچس رجالدن کند و دن غیری بر فرد کبر سوب بکر مبدن  
 زیاده اعوام وزارتنده هشام بوزین بر کسنه کورفت در حقی سنه ده بر کره  
 مسترمانه کنک اقتضا ایلد هشام جواری حرمه برسد کبر و ب متکرانه  
 بیست ایلد کوتر کتر ایدی اما سده ثغور و محل عقد مصالح جمهور و افاضل و داد  
 و تطیب و تعمیر عباد و بلاد و حسن سیاست و توفیق حق ریاست  
 امورنده زره قدر قصوری و لبوب ولی نعمته غدر و خیانت و بدوکی امویونه  
 تیغ و زنجی وادی عدمه را همون ایدی مستولی حلب فرغویه کشتراز  
 فساد و بنک زمان حصادی کلکین بکجوز نام زرخنده قوی شقه فزاشفاق  
 اولوب اول بد اخلاق ضرب دست استبداد برله مولاسی مسند حکومت  
 تنزیل و قلمه ده جس و تکبیل ایلدی حمصده معتکف کنج غلت منتر صلوع  
 کوکب دولت اولان سعد الدوله شریف الکک حلب رجاسبله جانب  
 شبایه نجوبک سمند غیمت ایدوب بی تکلف ملک موروثی شریف  
 و بکجوری حص بالینه تلطف ایلدی می **س** قبایل عضد الدوله جهان افروز  
 و کوکب طالع اثنا برون و لغین بر حمله کوه انداز برله کشور عراق و مضافا فاده

الوب بختیاره بدل نوال و نیجه مرتبه و عده احسان ایلد خوشحال  
 انمش ایکن بی اختیار شامده اقامت قصد یل ضرب کوس رجیل ایدو  
 ابو تغلب حمدانی تسو بیلد کزیند فنیخ غیمت و نمینه ادوا کارزار ده  
 بدل نقدینه امت ایلدی بواجبار عضد الدوله نک کوشکداری اولیجی  
 بر ساز و سلب عکرم تب ایلد اول صوبه اماله لجام ایدوب قصر الحسن  
 نام مقاده بختیاری منظم و مغلوب و دوشندن جانیه جاسلو  
 ایلدی فی سنه ابو تغلب بزرگین فرمانی اولان قلاع و بقا اشراج کج  
 عضد الدوله اول کشوره سوق لشکر ایدوب ابو تغلب بیجا صحرای  
 به سر و سامانده اواره اولغین موصل و مباحارقین و دوبار مصر و ریمه  
 و امده عضد الدوله نوابسه تسلیم مضاج و سبله انجاح ایدیلر می **س**  
 خلافت کمال ضعف اولغین عضد الدوله علی خلافت العالم بغدادده ضرب  
 نوبت سایه ایدوب خطبه ده نایاد اولنمغه مرض اولدی می **س**  
 فخرالدوله علیه من مقدم بختیار طرغه نوعا امداد احتیال ایلد خاطر مانده اولو  
 تحت تصرف اولان ری و همده فی سفینه مؤید الدوله بهار زانی ایدو  
 فخرالدوله طوک دیالمدن شمس الکک قابوس درگاهنه التجا ایلدی فی  
 سنه عضد الدوله دخترینه علی بندر غبت اولوب بازوی شوق  
 کمال قوت بولدی فی سنه عضد الدوله به اید اولان تخت و طرف  
 اید الی الله رطل بغدادی وزند بیکاره بهر شمامه غنیر کلدی فی **س**  
 و طرستانه مالک محضه بهر بلخی اولدی فی سنه تسلط استبداد  
 و امطه نام اولوب اعوام استبداد جری طغقان دورت  
 اولدقد اول طایفه طایفه کنام وادی عدم اولدی می **مصر** غنائی  
 کشور شش نام حکم رام ایلدی فی سنه و بدو کزیند بام حلا  
 برکون و زیری بعقوبه رحلت مسماتی نزار کن ایدوب وزیر  
 صورت امثال اظهار و لکن حالیهانی ظهور سبب ظاهر تکاب  
 متساق خط و تر حال و اتعاب رجال و اصاعت ماموجب نه اولدو



استخبارت ایدر غزوه و دیار شام که اسام نام بر میوه خوش مزه اولو  
شندی موسم اوزاک ایشمن مقصود و انحق ایکله شین کام اوزو اولو  
لا غیر دیور و جواب ایدیکک وزیر امره امثال استیجالیان بهانه سبله  
خانه سنده کلوب شامده کنه کش بر حامه ابله حاکم شامده نامه و جر  
اول کپوتر نامه بر شمشکام و اصل شام اولوب مضمون مکتوب  
وزیر یعقوب معلوم حاکم اولیحق شامده مصرون کلمش اوزیکر میدن  
زیاده کپوتر لک جناحینی التینه بر دانه تمام رس کراس بند ایدوب  
علی التهر اول کپوتر لری مجلس قفسد از ایدر قبل الظاهر حمله سی  
سل مت مصره و اصل اولوب ایکپوز فرق قدر کراس بر طبع  
ابله حضور غزوه و اصل اولیحق وزیر ستوده ندیر فین سنایش و  
اولوب سبب شمشکام سفر شام اولوب یونادریه قریب  
بلکه یوندر غریب بغداد و خلفا عباسیه و وزیر یک بعض اولادی  
ستازاد وزیر زاده مجلس مطایبه و مفاکمه ده شمشکام حوی با وادری  
مد حنده فرط افراط ایدر بر مرتبه که تکذیب و ضحکه استنداره نمودی  
اولور وزیر زاده کمال انفعال برله بدری حضور بنده واروب اظهار  
خون و طالع بیان واقع احوال ایدیکک وزیر عا همت حکام اطراف  
نامه لکوندروب وقت موعود موعود و دروازه دمشق شامده  
باب دار اسامه وک رعایا به هموار ترتیب ایدوب ابله واحد  
شیرین و ایدر بر سید حموی شام دست بدست واصل مجلس  
خلیفه زاده و فرزند وزیر بار عارون ازاده اولدی تاب و توان  
وناب ملوک حکام اولان عضد الدوله ملک دست حشمت و قدری  
بر نافت روز بازوی اجل و جده شمشکام رضوی جواری محل  
اولوب اوغلی صمصام الدوله مرزبان خلعت سلطنت ابله جلوه  
ساز میدان غوناز اولدی باهر کینه به و سنایه افتخار روزگار  
اولشدر و کرمان و حوجان و طبرستان و اصفهان و همدان و بلاد

بیجان و کشور فارس و عراق و عمان و موصل و دیار مصر و دیار بکر و غیره  
حاط خط فرمان ایدی الدوله جو جائزه نقد جان غنیم اجل دستنه تسلیم  
ایدوب فخر الدوله کند ی بدندن اشتراع اولنان بقا فید ما مؤید الدوله  
نقد فقه اولان حصون و قلاع ایدل شلم ایدلی فی سیه اهور تر فیه  
شیر دل برادری صمصام الدوله اوزرینه سلیم غدر و جنف ایدوب  
خزده امان ایدل اطمینان قلب وید و کدره صکره قلعه شیر زده مجوس  
و امید خلاصه نایوس ایدلی فی سنه ست و سبعین عذار ایدوب  
بر مقتضای کینه کداری روزگار سر نهاده مرض موت اولو بعض قزاق  
سوال فاسیده بیچاره صمصام الدوله ملک دیده محنت دیده سنی میل  
اینین ایدل به نور انکب یحون الحاج الاستیجالی محمد شیرازی نام فرست  
ارسال اولوب در عقب افتاده خاک سباه و برادری بهاء  
الدوله خسرو فیروز صاحب سر بر و کلاه اولدی فی سنه شمع و سبعین  
العباس احمد القادر بامدین استحق بن المغندر بعض رباب حصد غز  
واف ابله خلیفه دن قصد ایدل استشاره تمکین بطیحه به فرار ایدوب  
حاکم بطیحه مذهب الدوله علی ضیف مکر می مقدس اکر ام تمام ایدل تنقی  
ایدلی فی الدوله خبث جیلنی مقتضای اوزر حرکت و خلیط طبع  
باللهی خلع و حبس ابله تنگ برده حرمت ایدوب باللهی بطیحه  
احضار و تخت خلافته اجلاس ایدل اظهار کمال اقتدار ایدلی فی شعبان  
سنه احدی و تمانین و ثلثمائه مدت خلافت سنه شهر احوام خلافت  
طایعه مشاهیر دن شیخ الحنفیه امام ابو اللیف سمرقندی و ابوبکر ازازی  
و شیخ الشافیه محمد القفال الشافعی و شیخ النحوی سمرقانی و شیخ العوبیه  
خالد ازهری و مولف دیوان الادب ابوالبراهیم القادر مقصد صدقه حرام  
انتم در وانی طلب سعد الدوله و فین وزیر زین اولوب اوغلی  
ابوالفضل جانشین اولدی جانی سنه فائده جوهر سنگ ستم و ازار  
روزگار برله شکست بولدی حاکم غننه سبکدین اوغلی محمود بخارا



سلطان نوح سلطان طرفند خلعت حکومت خراسان بر له تشریف آورد  
فی سده اربع و ثمانین غریز با به علوی مضافا مصرون بلیده اقلیم مدح  
نویست اولوب حاکم با جرم منصور اقبال پنج روزه دهر ابله سرور و  
فی رمضان سده ست و ثمانین مدت سلطنت سده ستر مدت عمر  
قائم و عاتق اسلام ابله جندان تقید و ایما اولوب بنجه مدت سلطنت  
نام بر نصرتانی دینی وزارت مصرده و منش نام بریهودی بدایینی  
وزارت ابله استحکام و استخدام اشکین بعض ظرفا رفته شکایت  
صورتنده طایفه یهودی نشا ابله و زمره نصاری سلطوری ابله اعزاز  
ایدوب سینی سکه تدبیل ایزد ایدیکون سویله اولسون و بتعدد  
کاغذ لر رفع اشکین محذور و زوری ازاله ایلدی **سبک اشکین** خاکدان قناد  
وامن جین اولوب کوجک اوغلی اسمعیل حکیم و لایت عهد تخت  
سلطنت غننه ده کلین اولش ایلکین برادر مهتری محو و مقام خضام  
قیام و اعمال شمشیر خون شام ابله اسمعیلی حکمه رام ایدوب  
غننه تحکما هند شاه اولدی فی سده **فخرالدوله** ترک ملک و مال  
و غنم درگاه ایزد و ابله ایدوب جارساله اوغلی مجدالدوله رستم  
سیر ملک موروثه وضع قدم ایلدی فی **فارسه** مجوس و مشاهد نور  
وضیادن نایوس و لاه صمصام الدوله برادر غداری شرف الدوله  
استقلال الدوله اولاه اختلال اثنا سنده بند بلادن ربا بولوب دیگر  
برادری بها الدوله ابله مقام خضام قیامد نه صکره حکومت فارس ابله  
ارضا اولمش ایلدی فی سده **خلیفه** مخلوع طایع با عد که قادر سر بنده مکر  
اسوده ظل بیان امان ایلدی اقباب جی غار بک کوکچ تنک  
و تار خارده متواری اولدی فی سده ثلث و تسعین مدت عمر  
جامع ملوک سامانیه اولاه عبد الملک سلطان ترکستان ابله خان دست  
قهرند اسیر و سیر ملک ماوراء النهرده سلطان محمود سبک کلین حاکم  
اولوب برادری اسمعیل سلطان هزاره کرد وادی بی سر و سکا و عاتق

انقض دولت  
سامانی

نغز فلک بر له عازم ملک جاودانی اولدی فی سده خمس و تسعین و ثمانیه  
اسانی ایشان اسمعیل بن احمد بن سادات ششده ابله احمد قتل سده ابله  
نصرت ششده ابله نوح مات ششده ابله عبد الملک مات ششده ابله اخوه منصور  
مات ششده ابله نوح مات ششده ابله منصور جامع ششده ابله اخوه عبد الملک  
مات ششده **خراسان** و اکثر مالک عجم و ماوراء النهر حوالا کاه رحش فرمانری  
اولوب کرسی مملکتی بخارا ایلدی **افندو** خلاف معهود بزراع مقداری قار  
یاغوب بکر کون فرار ایلدی فی سده ثمان و تسعین و یار ایلده اشوب  
ظهور و دور بش قهر سیه بدیهه **شاه** ایلک کره مسند حکومتد دور  
ایدوب دفعه تالنده کنام وادی بی ایشان و ابن عمر **شاه** حکم اول  
دیارک بطریق التغلب امیر عالیشان اولدی فی سده ثلث و اربعه  
مدت امارت ششده مدت عمر ششده بها الدوله اقباب عمری و اصل درجه زوال  
اولوب برج جلالده اوغلی سلطان الدوله مرقا کا اولدی فی **والتی** حلب  
ابو الفضل بالغ رتبه بلوغ و خورشید دولتی بر فروغ و ابله ایلک  
بد حال و لای لولوف زمره دعوی استقلال اولمش ایلدی سلطان  
مصر حاکم علوی شاهان هندی و روزه کلوب حلب شهر بهالی هر جمله شکار  
سیرینجه اقتدار ایلدی فی سده خمس **فیلو** ابو الفضل نوبت حکومتده بوسه  
زباده زمان فروزان اولاه شمع دولت حمدانیه مرده و بوک و بار اقبالی  
سموم اوبار ایلده مرده اولوب ملک و مالری دست دیگرانه انتقال ایلدی  
**اسانی ایشان** ابو الهیجی عبد بن حمدان اخوه حسین ابن اخیه ناصر الدوله  
حسین بن ابو الهیجی اخوه سیف الدوله علی ابله ابو الفضل موصول و دیار  
ربیع و دیار بکر و سنجار و حلب قلمرو حکمرانی ایلدی و **استولی** اندلس  
علویه دین علی نام صاحب خروج با شریک زبوه ده چوکان شمشیر خون فشان  
ایک روز التمش سکر سده دیر و دیار اندلسه در حشان اولاه اقباب دولت  
احمدیه مشکف اولدی فی سده سبع مدت امارت سده مدت عمر **شاه ایشان**  
عبد الرحمن استولی علی اندلس **شاه** و مات سده ابله هشام مات ششده ابله حکم



شسته ابن عبد الرحمن بن شسته ابن محمد بن شسته ابن متذرب شسته اخوه  
عبد بن شسته حافه عبد الرحمن بن شسته ابن حکم شسته ابن مؤید بن  
غاب شسته ابن محمد بن شسته ابن محمد بن شسته دیار اندر شسته اقباب دولت  
امویه غوب ابوبیک مر اقبال طیمه نو عا طوع ابوب اول طایفه دوز اوج  
یدی شسته فرمان فرما اولد قذز صکره امویه دن دورت نفکسه فی اوج  
اول کشورده شستان آساجلوه نما اولدی بوندن صکره شسته نما و عشرین  
داربعانه حدودنده دولت عبادیه ظهور ایدوب اندون اوج نفکسه شسته  
اشتغال خیر دولت و اقبال ایلدی **حاکم** بامر عبد بر شتب تارده آیین دبیری اوزره  
خوسوار انجق بر یکا بدار ایل اطراف شمرده گشت و گذار ایدر کن با بود اولوب  
بر قاج کوندن صکره غریبی مجروح و کما مانند کهنه لباس بر کوشده مطروح بود  
بی شسته احدی عشر مدت سلطنت شسته مدت عشر شسته فط سخی ایل شهور  
و شفق دما ایلد کور اولوب همیشه اوضاع و اطواری نادر بر ایدم  
کنایس و تکرار عاده و بنا مدارس و در عقب ترتیب و رعایت علما و از  
مدت بنه اناری قتل که افعال متنافسه به مصدر هم ستیان ایلد مختلط و هم  
رافضیان ایلد متحد نه مسلم صحیح و نه خود ملحد طایفه ترکیب بر شخص عجب  
ایدی زمانند و مباحطه طوای اکیوز التمش و غرضی بوز ذراع بر ماهی کنار جوق  
بنجه ماه اصل و مباحطه همان سباط نعمت الهی اولد بلیز قایم مقام اولان اوغلی لاغر  
از دین اید علی بستان صبا و ملا و لغین غم سی ست الملک دورت شسته  
حکومت ایدوب ضبط و ربط و حل و عقد و خدانه حرکت ایلدی امور خفیه  
سلطان الدوله واسطه غایت ایدوب برادری مشرف الدوله به مقام  
نیاسته اقامت انتمش ایدی ابام غیبتده مشرف الدوله اظهار حقوق حقوق  
ایدوب سلطان الدوله یاری مقابله و لغین اهواز جانبده فر ایدوب  
بعد عام توسط نیک خواهان مصلحت گذار برله سلطان الدوله فارس  
و کرمان حکومتلر یله قناعت کزین و مشرف الدوله سلطنت عراق برله کاب  
اولدی بی شسته عجم بر کشتی اید که خال جمال بیت مکرم اولان حجر الاسودی

ایله اورو ب حرات سفینه تابرداری رخنه دارانک را و لغین سیم خام ایلد  
البتام و برلیدی بی شسته سلطان الدوله شبر از ده عالم عدمه بر جل اولوب  
مسند حکومتی اوغلی ابوکا لبحار مر زمانه منتقل اولدی بی شسته خمس عشر  
محمود غنوی بوندن اقدم باله قیادی کره دیار هنده تحریک طوع و عالم اید  
هر سفرده بعونه کما نعمت فخر برله غود میسر اولش ایدی بو کره دخی کشور  
هنده عسکر جلوب اولن یکدن زیاده معمور قریه و قفق اولان سومنات  
نام بت شهرینی عنوة شتر شبر اقباب تاب و اول ضم مضمت مقدار  
جامع غریبه عتبه باب ایلدی بی شسته مشرف الدوله بلا خلف کنام  
وادی هلاک و تلف اولوب برادری حاکم بصره جلال الدوله فیروز خلیفه  
طرقندز اشتر ایلد داخل بغداد و وصل شد سلطنت برله نایل اید  
فی شسته نواحی بغداد و نهمانیه ده عظیم چهار طولو یا غوب هر بی قنطار  
بغدادی یکدی بی شسته سلطان محمود غم دار اخلو ایدوب حسب الوصیه  
کوبک اوغلی محمد خان باشش نشین غو تمکین اولش ان کن اصفهان کاه اولان  
بیوک اوغلی مسعود و خاتم اولوب ایداع عسکر ایلد یدری مقرنی احوان  
و برادرین مظفر صنوف اغان ایلدی بی شسته احدی و عشرین صلیب  
تواریخ اولان غو ایدند که سلطان محمود بر سلطنته صعود اندوکی ست  
اشتمال خلاصند قلم و حکومت غنویان اولان بعضی ملاوده معدنه ایدر  
خالص ظهور ایدوب هر سنبی نهایت زرباب کامل العیار و اصل غانه  
خانه عامه اولور ایکن و بقعه جبات سلطان محمود العواقب ختم خاتمه  
ایردوکی یا مدع بوم تبدل الارض غیر الارض نموداری زلزله سبکین ایلد  
اول کارخانه مهدوم اولوب طرف سلطنت آل سبککینه بایه فوت  
اولان مال موهوم معدوم اولدی قادر با قدر و برله سفر دور داز اولوب  
اوغلی قایم بامر عبد عبد تاج خلافت برله سرفراز اولدی فی ذی الحجه شسته  
مدت خلافت شسته مدت عشر شسته غنور قادر بامر خلیفه دل کاه اولوب  
بذل و انعام اولمن ایلد نفس بیداده اطرافند کدبان بی سرو با اصحاب



تاج اولشدر هر کجی کند و چون احضار اولند طعام در نثیله گفتا ابد و  
نثانی معکف کنج ازوا اولن فقرایه اتفاق اتیک شمیمه کیمه سی ابدی زمان  
خلفند مشاهیردن صاحب التفسیر ابوجیان و مؤلف کتاب مستدرک  
حاکم و امام علم حدیث دارقطنی و مؤلف کتاب قوة القلوب ابوطالب  
و شیخ العربیه ابن جنی و مؤلف صحاح اللغة اسمعیل جوهری و مؤلف مجمل اللغة  
ابن فارس و ابن بواب خطا برزخ بیای اقلیم بقا اولد بکر طاهر علی علوی  
عالم بقایه رحلت ابدوب بدی باشندده مستدرک ابوتیمم معذکن  
و بیستم سلطنت اولدی فی سنه سبع و عشرين مده سلطنت شدند  
عمر **مؤلف** قدوری ابوالحسن بغدادی و اجداد آخره غنیمت  
ابلدی فی **سنه طوف** اسامندن قطر جوز جانده اجداد رسیدن بنتم  
بوز الی بطمان و زننده صاعقه نزول ایدوب سلطان محمود فرمایند شمشیر  
و خنجر امثال بعض اوقات حرب و قتال با یمن ایچون امتحان اولدند  
بر ارات کار کردی **حکام** علوی قاضی خراب و ابطال ابدوب  
اعمال صنوف اعمال و بدل مال ایدوب رخصت اعاده به جمال اولمش ایدوب  
بش یک مسلمان اسیری اطلاق اولمش اوزر نعیمه اذن و بدی فی **سنه**  
**آفتاب** اقبال خانده ان سلجوقیه قبض نور ظهور اتمکه آغاز ایدوب ملک  
خراسانده ناصر سلطنت عنوان ایدوب نکور اولدی فی **سنه** احدی و ثلثین  
اول طایفه نیک منشای دیار ترکستان اولوب جدا اعلای سلجوق ملک  
انراک بیعودن و همناک املغین دار اجداد دیار سلیمان بخت  
و بخارا و زاسنده بر صحرا ده خطر حل **آفتاب** ایدوب همیشه کفار سئل  
شمیر غایب کار ایدوبش ایدی کندودن صکره اولادی ارسلان و بکابل  
و موسی و فی تمام مهام جهادی پیش نهاد ایدوب بکامل نشو و نشو  
صهبای شهادت ایدوب غم ملک بقا و میدان غاده طوق یک و داود  
و بیغون نام اوج فرزندان چند بقا ایدوب بعد برهمن از زمان ارسلان  
بنایعلی از ربا جانده و نخل و اولاد بکامل خراسانده خوارزمه منتقل

اولوب خوارزمش ایدوب غدر و ترک مراعات حق جواز ظهوری ضروری  
طرف مرده شد رحل ارنحال اقتضا ابدی تحریک طمع خام و امید اعتنام  
ایدوب مسعود بن سلطان محمود او کروی غارته نعین ایدوبکی عسکر منظم  
و بوزر نعمت فتح و ظفر ایدوب منظم اولوب طرفندن بومعالمه مکرر و دیوان  
قضا و قدردن منشور حکومت اکثر کشور خراسان ایدوب بحر اولغین  
نیا بوزر طوقل یک نامه خطبه قرات اولوب برادری و آودا  
فرزنده مسعوده مقابل و تاد ظفر و خوانده سیم وزر نائل اولدی تاریخ  
نویسید بولطیفه غیبیه عام ثمان و عشرين شهر رجب الحرامنده صورت  
طاشی ظهور اولوب قرات خطبه مرده اولق اوزر بر ایدوب صدق  
اولشدر به حال مسعود صدقه انعام ایدوب افغان و خیران غنیمه و ایچون  
او غلی نمود و دی سبل درود سلجوقیه سندن نامزد ایدوب کندی رسم  
دیرینکری اوزر مشنای هنده نوجیه لوی غنیمت ایدوب اثنای طبع  
عسکر غزیه بلای خلق و جبه کرفار اولوب برادری سلطان محمد حسب  
الوصیه ستمی اولد و فی تخت ساییده علی کره منبر قرار و او غلی احمد حل  
و عقد اموره ملازم اولدی فی **سنه** بعد بام اول خلف بی رخصت پدر  
عبد مسعودی کشته شمشیر تلف ایدوب بوبیام مویش مرده وصل  
اولیجی اول صوبه اماله لجام و بعد الحاربه عمر محمدی و احمدی طعمه شمشیر  
انتقام ایدوب غنیمه جاس و رنگ سایه اولوب فی **سنه**  
بوزان سکر سنده یا برجا اولن بنای دولت دیالمه نوبت حکومت  
انوشروان بن منوچهره صرصر خنابرله منهدم و بومدنده صدقه مرک  
ایدوبی نفر زمانه فرماندهم اولدی فی  
اسفار بن شبرویه اکبر قواده مروارید و شمشیر ابنه طاهر الدوله  
بهستون و عم شمس لکابوس ابنه ملک لکاموچهره ابنه انوشروان  
دارل مقدامیرایه سمط سطور اوزر ابتدا ظهور لری دیلم و ختلان  
اولوب بکان بکان رخی و طبرستان و دیور و همدان و قزوین و جرجان و ابهر







حوالیده بجه قلاعی اعلام اسلام ابد معور ● ایدوب کرسی سلطنت  
 رولق ووزره مراکش بنایلدی فی ختور یوسک انبای السنه مؤید  
 در بطین ملین عنوانله مذکور در ابراهیم بعضی موجبات بخش خاطر  
 اقتضا سبله جانب هدانه توجیه لوای عصیان ایدوب برادر می طفل  
 سپاه کینه خواه ایدول طرفه تحکیم رایت حکت ایلدی فی سه  
 بهادالدوله خدای بیا سندن رئیس ازاک بسا سیر بی لقب  
 که ارسلان مقدما خلیفه ایلد بیکرنج صدور تنهای ظهور اولان ظهور  
 اولان بعضی امور اول بدتراده سرکشی و عداوت باعث اولوب  
 واسطاط افنده هرزه کرد بیابانی سروسامان ایدی ابراهیم جانب  
 هدانه تحکیم قدم عصیان ایدیک موصله واصل اولوب منازع  
 وضع بدتمک اندکده صکره طفل بیک غنیمت بیوب بخت  
 الی یوز نقد ارباب شور و شر ایلد بیت بغداده سبکان  
 عتنامه بکران مسارعت اولندی و خلیفه بی مهارش نام معتدی  
 ایلد عانه و حدیثه جانبته تغریب ● و بغدادی نیشته غارت  
 ایلد تحریب ● ایدوب رؤس مبارده سلطان مصر منصرف  
 علوی نامه خطبه اوقتد قدح صکره ز غنیمه بغداده مستحقین بغیان  
 دینه واسط و بعضی طرفه سوق شکر فخر و کین ● ایلدی قبیله  
 داود سلجوقی وجهه عالم عده توجیه علم توجیه ایدوب زیر فرمان  
 اولان کشور خراسان اوغلی الب ارسلان انتقال ایلدی تحسه  
 طفل بیک برادر می ابراهیمی رسمی قریبده بعد الانهزام کفر ایدوب  
 بغداد و قعه سنه سب اولد و عزیمت ز بود و جو کای شمیر  
 خنبار اندکده صکره طرف بغداده اولان بسا سیر ای تابعی منوار  
 کین قرار ● اولوب مهارش خلیفه ایلد عازم بغداد ● و طفل  
 بیک و سار لری مش ایدد دیداری ایلد و شاد ● اولدی فی  
 خلیفه اولابو کونه امتحان الکی و نایا عیانت ماتا هر مظهری

اولیجی لیل و نهار قیام و صیام مداوم اولوب سر نهاده و سادو مرکب  
 بالش را حقه باش قومش در دست غارت ایلد در احوال فخر انباشت  
 حسن رضا ایلد کتور نردون بهاسبله ایدوب اول ایدد برزده روی  
 عتاب کو سترمدی بسا سیر طفل بیک طرفه زار سال اولان عکس  
 شمیر سر نیزند راه کریندن بولوب جمله مال و عیال دست غارتگرانده  
 یریشان ● و کلبه بی دولتی بیشکاه درگاه خلافت غلط ● اولدی فی  
 ملک رحیم یدد مجوسا بفرخ بیای ایلیم بقا اولدی فی فرج ایدوب  
 مؤتده نفرجهگاه عالیدن نابود اولوب برادر می ابراهیم نایل کنجینه مقصود  
 اولدی فی سه دختر خلیفه ایلد طفل بیک میمانده شجره ثابت الازدواج  
 ثابت اولق ایچون طفل بیک طرفه زار اولان نیاز و رجالات خلفا  
 اولق ایلد بر مدت قبول فرین و رضا اولمش لیکن ناجار مساعده  
 فی سنه اربع و خمین سال میان ساحل جلیله ده حصن برقی ایدوب دام  
 جده و ترفیر اولق قضیه ایلد اول نوعوس مناع و صلته بر شری به طلبکار ●  
 و کفار روم بدل مال عظیم ایلد خیدار ● اولمغین بعد المرایده قرار داده اولان  
 نمن سکو تسلیم و حصن رفقی تسلیم ایچون کلان و جیوز نفر کافی قتل و ایلد  
 افقا و قلعه بی بدی استخفا قلنده ابقا ● اندیلر طفل بیک کرسی سلطنت  
 اولان زبره کهنه سقف جهاند زخت افقا قالدیروب نعمت اولاد  
 حصه مند اولمغین برادر زاده سی و آل خراسان الب ارسلان کشور عافه  
 و فی سلطان اولدی فی سه میان ملوک سلامیه ده عنوان سلطان بر ایدوب  
 نغین ظهور بولان بادی سناره سپاه عضد الدوله در سلجوقیانده جد  
 اعلا ملوک یونانیانده اولان شهاب الدوله قتلوش ایلد طفل بیک  
 اقتضای بعضی امور ایلد ناره بغض و عدوان شراره فشان اولوب بیام  
 انتقال عضد الدوله و اسل سمع قتلوش و لیجی شهاب اساری جانبته  
 یرتاب ● و الاستیلا اطاقند اولان معور قریه لری نیشته غارت  
 برله خراب ● ایلدی بوکار ناصواب دنم الب ارسلان خبردار اولیجی



رکاب غمگینه وضع قدم همت ابدوب ریحی فرسوده سترانه  
 جنگ اندر سپاه قتلومش بی سپهر راه اندام **●** و شکر کور  
 بسبب ظلم هر موی که کاهده افتاده خاک انعام **●** اولوب حکم در  
 عضدالدوله چشم حسرت مکن **●** و او غنی رکن الدین سید  
 بدری مقامه مکن **●** ابدی محسنه قتلومش تاریخ آن  
 شجوه ده اسرائیل بن سلجوق اولادند **●** اولوب تاریخ مولانا  
 ادریس بدلیده اسلم بن سلجوق احفادند **●** اولوب  
 او زره مرسوم فلم لغین او مشد **●** روایت ابن شجونه مختصر  
 عاقل و ملق کورینور ذریا نظر رسیده مطایفه اولان کتب  
 توار بجزه سلجوقک اسلم بن و موسر و میکائیل نام اولادند  
 او غنی اولو و غر کور مشد **●** و الله علم و ذریا صف نظره نام  
 الملک بغداد و مدرسه مؤسسه نظریه بناسنه  
 وضع اساس ابدی فی سینه عضدالدوله دبار کف و کرجه  
 سل شمشیر غرا ابدوب تعداد و شماردن افزون غنائم کونا کون  
 ابدوب ابدی فی سینه کتری اسلم شاهی صاحب غنمه ابریم  
 بن مسعود داماد ابدوب بنارنده اولان بناین صوری اتحاد  
 معنوی به مبدل ولدی فی محض صنع خدا بغداد و رحیم مادر و  
 دو سر و دختر هویدا اولوب صفحه سیما بکون کرد و نده شکل  
 قرند و نور بر اختر ظهور و اولان کچه ساهره غنمه فیض نور **●**  
 ابدی فی سینه خراسانده بر مولود قدم نهاده ساخته وجود اولو  
 قلم قدرت برله صفحه جنب بمینده لا اله الا الله و جانب بارند  
 محمد رسول الله باز لش ابدی فی تاثیر تعاقب زلال برله نیجه جبال  
 راسبات برارند زابل و دبار مصر و ارض فلسطینه بن جاهده میاه  
 روی زمینده سائل او کور و با طریق ابریز یک مرحله ده جزوین  
 کوسری بو حال وقت زواله دک فتمد اولوب بعد الطهر بحر عظم

صفحه سنده شکل مظهر انجمن گرفتار دام طبعه خام التقاط و اغنام اولان  
 نیجه یک آدمی غریق نیجه عدم ابدی فی سینه ارض فلسطینه نابز لرزه  
 ستمکن ابد مکنب رمله منهدم **●** و تحت الروم اکیوزدن زیاده صبی  
 منهدم **●** اولوب اصحابی دخی صبیان ابدی بحال و لغین ولدین رسول  
 ابد بر یک سینه بولندی فی سینه ریب و زینت و حسن صنعت ابد عدم  
 المذلولان اولان جامع بنی اتمه تک نقش و نگاری اصوات انش  
 برله مشوش اولوب بعض مرتبه در دیواری دخی رخنه دار اولدی فی سینه  
 استیلای مخط و غل ابد مصرایک حالدی بریش اولوب سکا جزین  
 تحریرینه امداد و نه قهر بدینملری اظهار حجازیه ده خطبه خلیفه بغداد او قونماغه  
 بادی اولغین بویام شاد و صولند عضدالدوله شریف مکه و ایا کومینه  
 او نور یک سکه از نیجه ارسال ابدوب سال سال او نه یک فلوری  
 ابضا الترام ابدی فی سینه عضدالدوله الب رسلم هجوم شیرزاید  
 و بار بکر و حلب حکم فرمانده رام ابدی فی سینه کلب روم و امانوس  
 ابکی کره بوز یک عسکر محوس ابد و بار سلامیه به هجوم ابدوب عضدالدوله  
 متوکل علی الله فلک اون بش یک نفوذ لبر و لا و ابد خلاط فرزند مغالبه  
 و بنیاد مشاجره و مقاتله **●** ابدی فی سینه عون غایت بزد و بحال فرین  
 حال سیاه اسلام اولغین شکر و فضل ان سپهر راه اندام **●** و اراکون  
 افتاده و ام بلا **●** اولوب عضدالدوله اظهار شوکت دین مبین کون  
 اول شک بی دینی نیجه اتمام خدمت باز و ابد استخدا بر صکره الکلی سینه  
 مالک سلامیه طرفه کتج نظر اتمک او زره عقیده یونند و میناق **●**  
 و دخی بعض حد ماکله او اسمی الترام شرطیه اطلاق **●** ابدی فی امیر الامرا  
 دولت عضدیه التمر خوارزمی اتمام ابدی اعا ویدر رمله و قدس اشاع  
 اولوب تمامه ظفر میر اولدی فی طرف ماوراء النهر و عضدالدوله بخبر  
 سمنه غنیمت ابدوب جانب اخوه عسکر کذرا تمک اچون نه رجول کنار  
 ضرب مطلقه قرار نمش ابدیکه یوسف نام بر دوزار ستاد خبانت



برآمدن سبب است احضار اولوب اول بد کمر ضرب نکاو بر سر  
 ابد عضد الدوله کی افتاده خاک هلاک ابدی فی ششده مدت سلطنت  
 مدت عمر **عمر** **فرزنده** فرزند اختر جلال الدوله ملک شاه زبور بر  
 وکلای اولوب وزیر ستوده تدبیر نظام الملکی مسند وزارت بدو تقریر  
**مصرده** اترک و عبید میبایند اشوب و فتن بدید اولوب نبی  
 اکبر قوا و الدوله طر فیکر اترک و لغین زوجه عبیدنا امیر اطرافه بر شاک  
 و ناصر الدوله مصرده مشار بالبنان اولوب ستم علوی کنج از واده  
 مستور و ملکنه تصرفدن مجور اولدی **تغلب** ناصر الدوله بر  
 استیلای بلای قحط و غلابر اولغین صنوف خراش اموال براد  
 و آوده تلف اولوب مالک بر حجره منجر اولدوغی مطابق واقع احوال  
 ابدی حتی جامع از هر ده ادا صلوة جمعه کچون صاحب الدیوانند بر  
 استراستعار اولدوغی مقرر در **مرویدر که** مدت غلابدی سینه  
 ممتد اولوب بر رغیف الی آتونه و بر کلب بش و بنار صائنا  
 انویای بنی ادم ضعیفای غلابد اولد بلر اللهم عافنا و سائر المسلمین من  
 سخطک یا اکریم الاکرمین **ناصر** الدوله سلطنت مغویه ابد قناعت کزین  
 اولیکو تبدیل خطبه سودا سینه و فی مبتلا اولغین و کز نام فاند ترک اصری  
 برده ده جوکان **شیر** و وجود بدو و متقلبه بنی حمدان دین و بار مصری  
**تظیر** ابدوب بعد ایام اولد فو تحصیل رتبه استقلاله دل داده  
 و طریق عتوضه لاله پانهاده اولدی **شیر** صاحب القیصر امام قشیری  
 نسا بور غم طر سراسر ای ملک بقا ابدی **شیر** عمر فاروت بن  
 و آو ابد حمدان فرزند محاربه ابدوب بعد الاسر دائره شهر و نه نابود  
 ابد **شیر** و جلد بغداد خلاف معناد و توز ذراع زیاده اولغین بوز سکر  
 زیاده خانه خواب و قباب و مساجد و جوامع مبارک آبد جباب  
 اولوب مانند طوفان نوع خلق عالم گشتی نشین اولدی **مرویدر که**  
 ابکی هفته جوامعه صلوة جمعه کچون ممکن اولوب علی ظهیر الی طیار ده

امثال فرمان خدا اولندی سواحل شام حکامند امیر انجوش بدر ایچا شمس  
 رجاسید طرف بگردن صحره کلوب دگری و سائر مفتری غوطه خوار و بار  
 عدم ملک و تاثیر حسن و تدبیر اصابت بدیدر ایلد اصلاح خارج فخل ملک  
 ابدی فی ششده **خلفه** قائم بامر الله عبد الله طومار عمر ناپایداری پیچیده دست روزگار  
 اولوب مشهور خلافت عافدی **مقتدی** بامر الله عبد الله نایب معنونه اولدی  
 شعبه **شیر** مدت خلافت **شیر** مدت عمر **شیر** قائم وجوده اصابت ابد **شیر**  
 علاج ملایم اولق اوزره اقتضا ابدوب سر کران شراب خواب اولد قد  
 عقد مخل اولغین شربانند ز جوبان ابدن دم باعث ضعف قوت و قوت  
 ضعف اولوب راه عدمه وضع قدم ابدی زهد و تقوا **شیر** نذر  
 راد عقبات **شیر** ابدنوب **شیر** حوامدن بر هر کار خلیفه دیندار ایدی  
 احکام خلافتند مشاهرون مفسر امام ثعالی و امام بیهقی المحدث و صاحب  
 الاسرار **شیر** ابو زید و توسی و قاضی ابو الطیب الطبری و شیخ الفلاس ابو علی  
 بن سینا ترک جهانی فانی تدبیر اعتبار نوروز ماهجه علم نورانی نیز اعظم برج  
 خفته در حشمت اولد قدن صکره اون بش کون و روزنده اولق معنود  
 لیکن نظام الملک ارشاد بده ملک شاه افتاب عالمنا برج حله کجول اندو  
 ساعت سقده تبدیل ابدی **شیر** و بیکر بار ششبه شامه بدل اندو کی تقدیر  
 اهتمام منتج حصول مرام اولوب خطبه علویه او خطه دن منقطع اولدی فی سینه  
 کج الدوله ششش برادری ملک شاه اذینر شامه سنوکی اولو **شیر** و بار  
 عدمه و الی ابدی **شیر** احدی و سبعین و اربعه ملک شاه ابد برادر  
 شهاب الدین نکش بنیلرنده اوله معاد او احتکاف صداقت و ایتلاف  
 مبتدل اولوب بعض شروط اوزره عقد مصالحه اولمش لیکن شهابتکار  
 کافرن وادی عصبان اولغین بعد الاخذ ملک شاه شهابی اعدا اقدام ابد  
 فی سینه ثلث و سبعین ششش طسوس و بعض حصون حلبی بطله  
 کفار دن اشراع ابدی فی شش **شیر** بن قطلوشن نظامی کیدل بندکنر  
 نسخ ابدی فی سینه و سبعین **شیر** سعد اضر ملک شاه احمد سحر سینه رده











افتاده غلاب اضطراب اندک در صکره فتح محمد بن برود و در توز تیش بدی کاسه  
منار انوار دین اید بر رونق اولان مقام لازم الاجرام باه و تعالی غنوة دست  
استیلا شکر کند و شوب بدی کون تیغ خونبار در کار اولین با کز مسجدا  
یتیمش بکند زباده اغوة مسکین غانم ضیافتخانه خلدین اولدی فی شعبان ۹۵۰  
فانادانا الله راجعون **اعمال** ملک ابراهیم اولان کنج خلک محمد بن ملک ه برادری  
برایق الطاف شاه سینه منظر اولوب همون بخشش و ترقیاتی عشرت  
ومات مراتبند افزون بکن بر مقتضای ساده ولی ارباب خشت درون سوتید  
ترفع رایت عصیان ابدی **برکیار** او کسافی نادوب بکون تو یک سینه غایت  
ایدوب بود ارازم تصور دن زباده اید و کی منک لایق نایا جارا صفهان قانیه رو  
کردان و اندر فی مشاهد صورت مانع اید توجه سمت خورستان اولی  
اندن بغداد و اربوب نمیه ادوات قتال در صکره سیاه ارسته اید تصدیق  
بدخواه ابدی الکی برادر همدان فرزند ترتیب صف مصاف اید یک برکیار  
شهر با غم خراسان ایدوب اندر فی برادر کتری سحر اید اناره غبار حوب  
و قتال و صورت هول انگیز اندر مشاهد سبله طرف جوجانه عطف غنان  
استیصال ابدی **۹۵۱** قدام اوزره قیام و محمد و عسکین همدان  
حوالی سینه برده سبلا اندر ارم ایدوب سرور دشت و غم بغداد ابدی  
فی شعبان محمد سیم جان ایدو انجن جوجانه فرار و شفق سحره تبلیغ پیام استغفار  
ایدوب بعد اجتماع هم زبان اتفاق عازم کشور عراق اولد بلر اول خلدی کبار  
یستیمار بدن زبونه بد حال و عالم عدمه مشرف ارحال اولوب اصحاب  
لوعا تحسن ملاحظه سبله اولان توانی جانب غنی بغداد کیم مشر ابدی محمد و سیم  
داخل شهر سبلا بغداد اولد قلنده استیغای نقد جبات بی تباد غم متقاطعی  
اجل طارمه سینه فراخ اولمق بکون اعدا آورده جندان ایتام انیموب جوامع بغداد  
سلطان محمد نامه خطبه او قد قدن صکره حصول مراد فواد برله جانب واسطه رایت  
غایت تحریک اید بر **استیلا** اید علوی غوة جباتی مصرده شام مانه بدل اولو  
او غلی **۹۵۲** احکام منصوص بیخ سار تحت شاهین متکین و حل عقد جمهور

این مهر بچیش افضله متعین اولدی فی شعبان سلطنت شمس درت غر شد  
**برکیار** بعد ایام و سواده احتضار دن باش قالدروب برادر برین نقیب وری  
فرزند محمد اید سباب کارزار ترتیب ابدی **۹۵۳** سبکبار جنب اصفهان  
فرار و دست تصرفند اولان صنوف اموال برادری بد استیلا سینه  
قوار ایدوب نکرا رجوی فرزند ترتیب ساز اولد قدر زم زم برکین  
ملک هم شرب خطل طبیعت اندر ام اولد قدن خیر خواهان دولت سلجوقیه و قنیه  
هر بری بر کشوره فرمان فرما اولمق اورره الصلح سید الاحکام اسانه استیلا  
وید بر **۹۵۴** خلدی فرنگ حاکم بری صیقل نام لعین طرسوس و علی و حسن کرد  
و انحال حصه متولی اولوب طرطوسی محاصره اتمش بکن جانب انب اولد بلر  
فی شعبان **۹۵۵** توسن بدرام جاتدن افتاده اولوب زمام حکومت شام  
الذکر الدو شدی **برکیار** اصفهان متواری غمان خانه فرار اولو بر ملک  
بیخ لادو علی ملک شاه فرار اتمش بکن بر اید صکره سلطان محمد برادر زاده سی  
کشت ای تحت شاهین متکین و مقتضای قیامت اوزره منظر کرام و تحویل  
ایدوب سندا استقلال حوش حال اولدی فی شعبان **۹۵۶** مولا مادر سی  
بدلیس اوزره سلطان یونان و اوو عالم وجود دن نابود اولوب برادری فتح  
ارسله تحت سلطنت صعود ابدی **۹۵۷** خیمه سبلا بر طرطوسی سکاخی تکرار  
کفر مضیق تضیق ایدوب اول خلدی سنگ منقح ایاک برله سر و بار  
حصار وجودی افتاده خاک اولدی **۹۵۸** طرطوس شام دورت بش دفعه حضور  
کوفه نام اولوب بود دفعه تکرار کفر و ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب  
اولان کبیر عدم مساعده روزگار اید کناره باشماغه مجال اولوب حصار  
امداد ایام محاصره اید جانلندن بیزر اولمق عوس کشور عرب و لکن اول غنة  
دشوار کیر دام جنگ شجره فز که دو شدی فی شعبان **۹۵۹** و خیمه سبلا **۹۶۰**  
دخی غنة و صیدا اصلی دبار کفره ملحق اولدی فی شعبان **۹۶۱** حلب طار فنده  
بعض قلعه مدافع اشراع اتمکین حاکم حلب رضوان و نوز ایکی سکا تنو خط  
امان اولوب صور و شیز و حاکم دخی نزل لایله تحصیل امن خاطر و فراع بال



اندر بی شش **حجۃ الاسلام** امام ابو حامد غزالی بشت باز منصب خجالی ثباتی  
**حاکم** موصل بود و در جمع لشکر با معدود و ایدوب طبریه فرزند عسکر فرنگ  
 ابله جنگ و قتل و اسیر ابله ساحه فسیح و سالی با لشکر جنگ **ابلدی منصور شاه**  
 عود ایدوب صحن جامعده کز کن بر باطنی بی دین زخم خنجر سرتیزی ابله فرغ جان  
 غزیزی غم شاد خسار و ضعه خلد برین ابلدی می شسته **حاکم** رضوان متوجه قیوم  
 عدم اولوب او غلی الب اسکا اسسند حکومت جلده وضع قدم ابلدری  
 شسته **الب** رسلانی رقاچ خواص علما نصاب جاتدن بی نصیب ایدوب  
 برادری سلطان **حاکم** سرور و کلاه اولدی می شسته **صاحب** غنچه مسعود  
 متوجه جاسم بود او غلی اسکا اسسند **حاکم** سارا اولادی مبتلا می شسته  
 بند و زندان **اولدی** می اخق بهرام نام برادری بر طوقی ابله راه نجانه مستدی تو  
 سلطان خاکناس **سبحه** التیج **واند** ایدوب **ابلدی** سعی و تدبیر سحر موافق ایدوب  
**حاکم** ایدوب بعد الحی ایدوب اسکا طرف بنده فرار و بهرام تخت بدین  
 قرار ابلدی می شسته **سلطان** محمد سجوقی احیام جاتی انجامه ایدوب او غلی محمود  
 تخت شاهای ابله مایه اولدی می سده احدی عشر و خف مایه **حاکم** سنانی سیاتنه  
 غالب **وهر** کس ایصال نفعه طالب **بادشاه** و او کرا اولوب تخت  
 بدیده اولان جمع بلاد و کوس خرابیه ضرب قلم ابطال و عجزه و بزرگستانی  
 حاکم سلطان بر له خوش حال **انتمش** ابدی بد بر امور این رضوان لولونام  
 خادم دست او با نشان عسکرده منعدم اولوب کشور جلده شور و زلزله  
 ابله فرنگ طرفدن احتمال برین قصد بد غایب سسی سدا کونر و سالی دولت  
 رعایت خرم و اجتناب تقدیم **وزیر** حاکم دولت جلده صاحب مار وین ابل غازی  
 تسلیم **اندر** می **حافظ** حلیفه بغداد را شد طغوز با شند ابدی که بر جاری  
 اقبال ایدوب بوام غریب موجب استنواب بعد و فریب اولدی می  
**خلیفه** مستظلم بود متوجه درگاه آله اولوب او غلی ستر شد ایدوب منصور  
 فضل جایگیر بر خلافت اولدی فی شهر بیع الاخوانه مدت خلافت شسته شد  
 عرشه **سلطان** ایدوب مکارم اخلاق **و حاکم** و اشفاق ابله موافق او کوب

نهر ساندن محبت بذل و لواله ملک **خلیفه** کریم شان اولمبن زمان  
 نظام ایدوب سرور و شاد و عیبت اولوب بر فردک دانسته دست نوص و راز  
 اولمبن ابله درگاهنده و بان کله و شکایت باز اولی ابدی بدت خلافت  
 مشا هر د خطیب نبریزی و مولف فتاوی طبریه علامه شاشی و ذی بصر  
 علما میل طرف عالم بقا انتمش در **سلطان** سپاه بی کران ابله هند در جاب  
 غنچه عطف عنان ایدوب بهرام شاه سلطان سحر طغوز مکرر انظار ایدوب  
 اولمبن هنوز صف کارزار استوار اولدین **سلطان** انک طریق فرار عسکر  
 دست اقتدار نه افتاده **و خاک** هلاک رونهاده **اولدی** می **سلطان** سحر  
 زاده سی محمود ابله سی فرزند بنیاد جنگ و ستم **و محمود** غم راه کریر **انتمش**  
 ایکن تدبیر نیک ایدوبان طرفین خطبه **حاکم** نام سحر اسم محمود تقدیم اولتور بدت  
 ماعد اعمو ماک موروثی محمود دست نصر فنده اولمبن وزیر باعث اصلاح ذات  
 البین اولدی می **حاکم** حاکم شریفه حضرت خلیل اسحاق و یعقوب صلوات الله  
 علی بنیا و علیهم و علی سائر الانبیاء و المرسلین جان کس کوزون نهان ایکن بدت  
 سلمینه فیض نور ظهور ایدوب **حاکم** و مطهر لری هنوز طری و تازه مشهور  
 بدیده اعتبار حصار اولدوغی معتبر اند **و سوم** بر ایدوب روات اولدر می **عقرب**  
 فرزند ملا عین فرنگ بدین ایل غازی **ایتما** بمله و سوم دست جلا و جی بدت  
 اولوب سک بی دین متغلبه نظامیکه و بر قاچ متغیر دخی علف شمشیر غوات ظهور  
 اولدی می **حاکم** **امیر** **حاجویش** فضل مصدوره اوج عبار طیار اندر نوج زهراب شهاد  
 ایدوب جمال و بغال فرق کون فرق کچه علی الانصال و ارمخلفه به نقل صنوت  
 اموال ابلدی می **حاکم** **تایر** زلزله ابله رکن بانی متر لزل اولو حسن نظام اوزر  
 مایس و احکام اولدی می **مقدم** حاکم طلب ایکن اجابت دعوت رب  
 ایدوب **انتمش** فرزند ابلدی عواد الدین زنگی و آلی موصل اولوب **انتمش** غری  
 طرفدن ضمیمه و آله اولان واسطه حکومت ایدوب **سما** عی جیکه سی ظهور  
 ابلدی می **حاکم** **بدر** بدین فتنه ساز حصار دور و راز و نصکره حصین  
 صورتی شمشیر استیل مغوری ابلدی می **حاکم** **ثمان** عشره زنگی **سلطان** محمود

ابتدا و دست  
 انابکیت



در کاهنه انتساب ابدوب بصره حکومتیله کاباب اولدی فی **سنة**  
 خوارزم شاه محمد عالم عدیه توجیه طوع و علم ابدوب سلطان بن خورشید  
 زمام حکومت خوارزم اوغلی **سنة** مستلم اولدی فی **سنة** احدی و عشرين  
**اعظم** ولایات اولان شکیکیه عراق ضمیمه عاده الدوله اولوب موصل حکومتی  
 دخی اکانیبن اولدی فی **اول** **سنة** سنده ایل غازی ترک ملک  
 بجازی ابدوب تداول ابادی چیدن **هج** و **هج** ظهوره بادی اولغین  
 کفره ترک طرفدن هجوم اولندجه بدل ایل **سنة** سیانت اولاد عبال ابدوب  
 ابدی ناکه سلطان محمود جانشین منشور حکومت شام ابدوب عاده الدین زنگی  
 حلبه اوغوب ایلسی رجاسیده انده خطر حل و قرار و اساس ملک  
 مانل اندرس اولش ایلکن استوار ابدی فی **سنة** دمشق م محصور  
 کفره لنام اولش ایلکن هجوم چند شهابی بی قراری کفار و سبب  
 ترک حصار اولدی فی **سنة** عاده زنگی بعض امور اقتضا سبله موصل جانب  
 حرکت ابدوب ایلان غلبه زنگی حلب ایلکن ترضیق ایلکن  
 تقریبی ایلان ناچار ایلان سلام مطف مدار ایلان اول محاذیل عقد مصالحه  
 رام و اطراف جلده اولان زالی دخی بیننده اقامت ایلان ابدوب  
 بوجیه کرده و اسل سمع زنگی ایلان شکر انوه برله صوب حلبه ترک  
 رکاب شتت و عسکر منجوس لاکر کفاری صدمه شمشیر انتساب برله  
 غلبه خلاص اضطراب ابدوب قتل اسرا بیهوش کنی مهور  
 و موجدی سرور ابدی فی **سنة** موصله طرف سماند زم برابر سرج  
 کون نابان و زمینه انشرفشان اولوب اصا ایلکی خانه و کا  
 یکس خاکستر اولدوغی عقود ایلان نام ناربکده مسوم فلم بغین امام عینی  
 فی امر با حکام اعد علوی باطنیه زخم خنجر عذر ایلان اولد عازم ملک محله  
 اولوب ابن عمر حافظ عبد المجید بن ابی قاسم بن المستنصر جاکیه بر سر  
 اولدی فی ذی الحجه **سنة** مدت سلطنت **سنة** شهر مدت عمر **سنة** تاریخ  
 ذهبیده مظهر در که جنور آمر فاسق و فاجر منکران ترکب جاهر اولو

رافضی ناباک ظالم ایلان باک ابدی سلطان محمود همدانده ترک عالم  
 ابدوب اوغلی اوغلی داود ملک محمود سلطان اولدی فی **سنة**  
**عین** القضاة همدانی نام عزیز صاحب تمیز اقتضای جذبه الهیه برله  
 وجوه محذرات اسرار تصوفدن برده برانداز اولغین ظاهر حاله بنا  
 حل اراقه دمنه افنا ابدوب صلب اولدی فی **سنة** وزیر ملک مصر ابو علی  
 احمد بن فضل کمال استقلال پیدا ابدوب حتی خطبه ده نام حافظی کند و  
 اسمنه تبدیل و خزانة دار السلطنة دن نفایس اموال نکبت خانه سینه  
 نقل و تحویل ایلان ابدی برکوز همدانده کوی و چوکان او بنار کن باکوی  
 چوکان او باشان اولوب قهر الدین صنوف اموال مع زیاده حفظ  
 خزینه سینه انتقال ابدی فی **سنة** برینه بهرام نام ارمنی تلویث سینه  
 وزارت ابدوب حافظ به فرجام **سنة** منظر سبب و دشنام اولدی  
**ع**م داود مسعود و دست سلطنته برادر زاده سینه فراحم اولمق مقصدیله  
 متوجه طرف همدان و صدمه قهر ابدوب کردان اولو بعهاده استیلا  
 ارز و سبله اول جانب میل و صاحب موصل ایلان زنگی طلیعه مجمل  
 ابدی ایلان بغداده قریب ایلان اندر مقدم وصل شاه خنجر بغداد  
 برله برادر اولان فرمان فرمای کشور فارس برادری کهنه مسعود سلجوق  
 طرفدن نصیبی نهم اولوب موصله واصل اولمق رجاسینه کمال استیلا  
 برله نکرینت کلدکد و زرداری نجم الدین ابوب مدکار لینی ابدوب معابر  
 مصوب سلامت گذار و بوجیه مقابله سنده نجم الدین عاجلا و آجلا  
 مظفر عواطف بهشت ابدی مسعود بغداده بغین ایلان عسکر سخر دخی  
 او کشور سخر ایلان ایلان خنجر رایت حرکت اندوکی  
 استماع اولمق خنجر جاردفع صائل ایلان ایلان برادر جنت توافق و اتحاد و  
 اولوب مسعود سلطان سلجوق و بیهامه اولمق وزره داخل بغداد  
 فی **سنة** و سلجوق رجال حرب و قتال برله سخری استقبال استیلا ابدوب  
 دینور فرزند تقابل صفین واقع ایلان خنجر نهمه طفه نامل اولو استیلا



اندوکی برادرزاده سی طفل تخت بهمانده سلطان و کندوسی غم خاست  
ایلدی بی **دستبرد** و خبر سیر بدیدار آید و آواره صحابی برین آید  
ایلدی سایه لوی استیلای بخودن میدان جا او یحیی عمر مسعود ایلدی  
اجتماع ایدوب بالاتفاق خطه عارفان جانب بهمانه سوق لشکر منصور  
و هنوز حلیه استراحت ایندین طفول مسند شاهیدن دور اندیزیم  
نکلی فلاح اگراد جمید بی داخل حوزه حکومت ایدوب حصون هکار به  
استحسانه دخی بسط جناح بهمت ایلدی فی **شبه طفل** بعد الانعام بلاد  
جیلی مقرب بر غواحتام انبش ابدی اندک رفتار دام اجل او کو مسعود  
اول دبار حکومتند طغول بدل ولدی فی **شبه مسعود** مقدما مسته شدند  
کند و حقدن بر حسب مقتضای حال صورت نمای پس برده ظهور اولان  
بعض امور اقتضا سیده خلیفه فاطمه زهرا و کو دغدغه اشتغال حب  
و قتال دین نوعا فایع بال حاصل او یحیی درو شدند مضمر اولان کینه دیرینه بی  
اشکار و مبدل کارزار ده خلیفه بی **شکار** ایدوب برادرزاده بی  
و آواز بر بیاندن نرفیع رایت عصیان ایتکین انک لوی شوکتی کسکونه  
اول جانب سوق سیاه و مستر شدی دخی مجوسا همراه ایلدی اگرچه  
ارتکاب اندوکی کارنا صواب مسعودی سرسار و عمر سلطان بخودن  
خاکبای مستر شده رو مال اعتذار ایدوب مکر و اوار اختلاف به اعاده به قرار  
و برش ابدی لکن حکم نقد بر خلا فکیر تدبیر اولمغین مراغه حوالی سی ضرب خنام  
ارام اولدقن حلیفه مجوس اولدوغی خوکا هده طائفه و اغیه باطنیه دن برنج  
شقی کراه الله نهاه اولوب او غلی راشد بامد ابو جعفر منصور تخت خلافت  
ایلدی مسی و مجور ولدی فی ذی القعد سنه مدت خلافت سه مدت  
عمر سه سنه شد شجاع و مہیب و نصاب علو همتدن با نصیب اولو  
السنه مورخندن کمال فصاحت و بلاغت برله مذکور و معرفت حسن خط  
ایلدی مشهور و زمانه خلافتن مستاهیر دن صاحب المواقف فی السنه الامام  
البغوی و مؤلف الاقبیه العجم مؤبد الدین طغربی و مؤلف مقام ابو محمد قاسم

جوزی اختیار ازوای کنج فرار اندیدار خذارد والدی چون راشد و آود عقد  
عهد و میثاق و بو خصوصه زمکی دخی بهرمان اتفاق اندکری سوز  
کوشکداری اولمغین فضا ناگهنگی بغداد و حواله او کو ابکی ای محاصره و انحراف  
ضرب کوس سلطان و خلیفه و آود اواره صحابی بی سرو سامان ایلدی  
سنه کرسی خلافت فرمان فرامان جا او یحیی عمر راشد مقتفی لامر اید محمد  
ابن المستظهر کنج ازوادن ظاهر اولوب قبالة خلافتی امضای قبول عام  
برله طرز اولدی فی شعبان سنه مدت خلافت شهرت بسیار خلافت  
ساعده اقبال برله ساعد مال مقتفی به سایه انداز اولار دن التی کون  
مقدم پرشب بر طبع حضرت سلطان کشور عجم و خطه عرب صلی علی  
علیه و سلم عالم خوابدن مقتفا به توجیه حسن خطا یوروب با فخر غریبه  
مشور خلافت سکاستم اولجقدر سلوک سنن تحسنه ده بکا افتقا  
ایلدی سن یوریا بر تقرب و لغزینی مقتفی ایلد بلفیه سید و لشکر عباد الدین  
نکلی معرة النعمان و نیک جنگ نقبلندن اشراع ایدوب عفار و ضیاع  
اربابنه سلیم دم احتیاج روز معاد ایچون زاد تقدیم ایلدی فی سنه شذو  
الذهبده ابن جوزی نقش جو بر بخبر انمش در که ایل بغداد رمضانده تکمیل  
نکلین ایدوب اول و آخر شده جو سعادده غیم بوغیکن او نور برنجی کچه  
هلال شوال عرض جمال ایلدی فی حصن نجد و باناس و حمض دخی ملک یاز  
عماد الدینه مخلص اولدی فی سنه راشد و آود و از بر بیاندن اجتماع اندو  
استماع اولمغین مسعود بندادون کوس رجیل و ازه سن بلند و اول  
جانبه بیک سمند ایدو دم النیام بعد الانعام داود سبکبار جانب  
فارسه قرار و راشد اصفهان فرزند کند و اتباعی شمشیر غزری ایلد  
اختیار کنج ازوای قرار ایلدی فی مدت عمر سه و بد که راشد ساحه  
وجوده سبیلینی مسدود و رود ایدوب اطبا خلافت آیین یعنی افتد  
سوزن زربن ایلد حل محل اولمش ابدی خوارز میان جراح افروخته سید فاضل  
اولوب محمد اوسته همواره ولی نعمت زاده لرینه تسلیم و انقباد و از



خوئی سبب ابدی تن و ادنی غاده سلوک ایملین سنج براق دفعه کشور خوارزم  
سوق لشکر ابدوب تنه هر بنه نشیده بازه سراغ از انک ابدی عفو و صفه  
منظره اولور ابدی اول ناسازگار تنه بی آهنگ عصانه شعبه از زیاده  
ایملین سلطان سنج ترتیب استیسا سوز ابدوب اول جانبه توجیه رایت  
حکمت ابدی بزم زمزم تنه رطل کران هنریت ابدی مست و حرا و فتنه  
نام فرزند دلبندنی افکنده روی تراب ابدوب اول کشور معبری برادر  
زاده سی سیمان شاه بن محمد نقولین اندک در صکره غنا تاب و اجوت  
ملک خوارزمینه مالک قدیمه متقل اولدی فی سنه دارمحل افکنده  
برخواره سنگ مصلی به وضع اولوب مسلمانان نه بخربند اولق اوز  
ایملین حریف ظریف عطف انداز اولوب تقدیم جودشای جناحدان  
وحاضر اولان اخوتیک نازینی ادا ابدی فی زنگی ایملین سگانه خورده اما  
دیرو ب صبط و سلک ملکه ربط ابدی در صکره اکثری صلب و خوار  
و عوامدن لعن و دشنام جلب ابدی فی دمشق شام محاصره  
بذل اندکی سعی و اقدام منتهج حصول مرام اولوب جن عودده هزار زار  
وزور ابدی شهر روزی کند شجره مرام ابدی فی سه زیب و زین خلوت  
عباسیه اولان قضیب و بیره شریفه بنوبه علی صاحبها الف صلوة و الف  
تجه مقدما کر میت همکامه مشتر شد همکامند سحر البند و شوب  
حالبه مقفایه و اصل و وصولنده اهل بغداده سرور سینه حاصل اولدی  
فی سنه سلطه خوارزم تنه سیری انتقایی چون ششم ساعدا همام  
و او حیوز یک قدر کفار خطای دخی بواورده فرمانده مرام ابدوب کفر  
بی کران ابدی غم خراسان ابدی فی سنه ماوراء النهره صف مصاف کرب  
اولیچ باور الله لی سنج و عکری بیده سبلا ب و انهم ام حتی کوه  
ترکان خاتون افتاده دام اولوب کشور خراسان بازده لشکر غارتگر  
تاتار و بوسید و دولت ناستوار کفار ترک خطا و ماوراء النهره  
برقرار اولدی زنگی قلاع اگر او همکار به دن اشب نام قلعهی تخریب ابدوب

اکا بدل عماد بنی نعیر و ابا ابدی فی سنه حاکم ملا طبعه محمد بن دانشمند اتش فایه  
سند اولوب او کشور سلطان یونان زمین مسعودین فلج سجوی  
فرمانده سنج اولدی فی سنج خاتوننی بشیور یک اتون فدیبه ابدی سرورن غلبه  
صکره طرف خوارزم سوق لشکر ابدوب تنه مقام اطاعت تسلیم فی  
ایملین سمت رجوعه اما له جام ابدی فی سنه آو دین سلطان محمود سز  
مفتول بولوب قانی معلوم اولدی فی صاحب الکشاف جار الله علی ابوقا  
محمود الرحسری جوجانیه بغداده غم عدم ابا ابدی فی عماد الدین زنگی ضرب  
ششم برله و بار بگری شجره ابدی فی ربابه دخی مدید استیلا ابدوب جاب  
مشرقی فرانده اولان خیمه قلای دخی جنک تقرب فرنگدن انشاء ابدی فی  
صاحب قونیه فلج ارسل سلطان مسعود دست سلطنده زبون اولان  
خلیفه مقتنی رجاسید امداد ایچون غم بغداد ابدوب بیچاره رفیق نام صغیر  
منواری زیر زمین و قونیه خند او غلی مسعود یکین اولدی فی مقتنی بی  
سبب ظاهر برادر ابوقا و سارا قاری کچ زندان نهان ابدی فی سنه  
قلعه جعفر محاصره سنه بر کچه حصار وجود زنگی سنگ منجیق غدر خدام ابدی  
مانل انهم دام اولوب جسیدی رفقه نقل اولدی فی سه فرزند غر الجودی  
نورالدین محمود بلانغ شهبای حلبی آغوش ملکه لوب سهرتری حاکم  
شهر روز سبف الدین غازی موصلت هدر و صلبه مشهور اولدی فی تقریبا  
طفان سنه و بار مغرب رایت افراز امارت اولان فرقه ملهین لش نفر  
والی سنولیدنه عبارندر لوای استیلا ری شکست بولوب دولتری متفرض اولدی  
فی نورالدین جنک استیلا فرنگدن اوج نامدار حصار استیلا ابدی فی سه  
المان قرانی و رافطی دن شام قصد نه لوای نخوست النواجر یک ابدوب  
امتداد ابام محاصره منتهج حصول مرام اولدی فی سه شمع اقبال و دومان غوزیه مد  
نفس ظهور ابدی فی سبف الدین غازی بلا و لدرک مسند حکومت مجادی  
ابدوب برادر ری قطب الدین مودود سرخوان نعمت نبل مقصود اولدی فی  
نیل مصر زاده قند و مرقا بونام محمد ک طریق امد شدند اولوب خلق عالم



یاد کل خون و علم اولدی بو حالده حاکم مصر حافظ عبد المجید اظهار صورت  
 اندوه طلال اولوب سبب سوال ایدن خواصه جفره متعلق بر کتاب  
 کوستردی بازگشت که اذا وصل الی الباب الحیدر انتقل الی امام عبد المجید فی الحقیقه  
 همان اول خلاصه عازم عدم اباد اخذ او کو توبت سلطنت او علی طایفه  
 ابو منصور سمیعله کومل ایلدی بی مدت ششده مدت عمره محمد بن زکی حاکم  
 محاصره ایدوب انده محصور شکر منصور اوله زکی خلیص اکون کل صاحب  
 انطاکه برنس نام بدو چاق مقول و عکبرن مخدول ایلدی بی صاحب شفا  
 قاضی عباس مراکشره سیر و تاشای رباض بر جاض جنازه روان اولدی  
 بی شجاعان فرنگدن جو سکین نام لعین نورالدین ایلد جاک ایدوب حکم  
 اقتضای قضا اول غازی سرافازی مشاهد صورت هول انگیزه زیمت  
 ایلد و لشک انتمش لیکن طایفه ترکمان سخت کمان تسلطیده افتاده دام  
 وزیر دستند اوله غنایب و عیش و اغاز و غل با شروغل خالده و دخی بش النجا  
 معتبر قلعه از آباد نصیب اهل سلام اولدی بی شکره دبار بنده برابر  
 خونبار زمینه قطرات شاد ایدوب اصابت اندوکی بر لری تاثیر دم هونک  
 بقم ایلدی بی اخذ قدیر بر لری جو سکین قضا ستر قادن اطلاق اولوب شام  
 فریده نکون رجفه مار اولدی بی شکره سلطان مسعود و اثره هسبدن  
 مسعود اولوب دل عهدی و برادرزاده سی ملک شاه مالک بر و کلاه اولدی  
 بی شکره مسعود باد شاه کرم بردار رعیت نواز اولوب مال حومه دست  
 طمع دراز از اتمز ایلدی زوال اتنا جاتی سبب اقبال شمس اقبال خاندان سجوقیه  
 اولوب فریبده اول خانواده ده بر ششده بار سندن شاهیده کما هو حقه فرات نمرد  
 سلجوقیه اصابت ایدن ضعف با از دیاد فوت خلفا اولتی ایلد اندن صکره  
 سلطان نامه اولاندر خلفا در کاهنی سجد کاه روی نیاز ایدوب حتی دار  
 باب التوبه او کندن گذار اند کلرند ایلرند از انوب شفا و تبجیل ایلد عینده  
 تقبیل ایلر ایلدی رکن رکین دولت اوله امیر خاص یک ایکچی ایلد ملک  
 بیکناه اسپر بند و بلای طایفه و برادری سلطان خورستان محمد بن محمودی نایل و

سلطنت

سلطنت و جاه ایدوب لیکن سلطان محمد اول غداردن کند و حقدن  
 دخی قصد بد استشعار انکمن جلوسک ایکچی کون دست ششده سیاسته  
 تسلیم ایدوب رعایت شرایط خرم و اجنباط تقدیم ایلدی بی مقصد با ششده  
 مرسوم عامه بیان اولد و دخی اوزر کفار خطا ما و انهم ده خطر حل و قرار  
 انکمن قذما اندن مقیم اوله اتراک غنا جازک دار و دیار و بلخ و خوار  
 اقامت اختیار انکمن ایلدی والی بلخ قاج اول طایفه بی تکلیف عینف  
 ارجال ایلر قاج مراد ایدوب صورت عناد مشاهد انکمن مشهورانه  
 اوزر لرین واروب منزه مار فرار مبتلا اولدی بو خیر استماعه کج  
 دخی عکبر حکوب اتراکک اعتذار استغفار و بذل مال ایلد عفور جا  
 اندکری چشم و کین بخون کین انکمن ششده و قتال اشتغال ایلد  
 عکبر سوخته نار انهم و کند و کفر دست اتراک نام اولدی  
 بی شکره اول شهباز اوج غنا ز شکار دام غریبان و بچن صورنا اکر ام  
 اغازنده و بنقه فوت انیموب اما غار کتان خورسانده اوج ای کشت  
 و گذار لری ابا منده کند و له همراه و اول معامله دن بیجان سجوی دوشده  
 ایمن داه اندیلر و بد که کشتی ملک خورسان اوله مرده وضع قدم شوم  
 اند کلریده اکبر ادا و غا اوله ز بختیار استنزه افسدیلر مددی کند و نه نیک  
 رجا ایدوب سخره دوار الملکدر نیک قبول اتمز دیور و جوا ایلدی یک بختیار  
 و سائر بی ادیان طبع الغدار فتنهای استنزه اواز سنی بلند و دل  
 بیقرار سجوی نار غیرت و عاره سیند انکمن علی روابه سر بر ملکدر زندول  
 و مبتلا الی اقد بر خانقاه حجره سنه دخول ایدوب پشت و باز نه دست  
 بی بغا دنیا اولدی بی اندک مدته اول مخا ذیل قتل و بسی ایلد نجه غریزی  
 ذیل ایدوب کمال حسانتی جهنم راه و دستاندن ماعد قلع و حصون  
 و خواست خراب و خانه و کاشانه را شیان بوم و غنا اندیلر بی  
 کرا و ادا سخره دن موبدای یک بعد اسامح کین جنول و از و ادن ظهور  
 و اول مغرور لری اکثر بلاد و دور ایدوب اطراف بر ششده اولاندر و



بجان مکانی که ملک ابدی بعضی مکن نوعا ابادان اولغه بوزطوندی  
صاحب مؤنه بهرام شاه کچ کرده مقیم اولو اوغلی خسرو شاه نامل ملک عظیم  
اولدی مے مدت حکومت ششمه مصرده عادل و بزرگامل بعضی خلف مینا  
علف شمشیر علف اولو هر امیر الکلسن غلب وادیسیم وجهه طلب تمکین  
بر ساز و سلب الی یک قدر عسکر فزک عسقل وخی محاصره ابدی سکانی  
باشنه نیک ابدوب اخکار اول و باری ظلام کفر و ضلال برله بد حال اندر  
علوی وزیر عباسک مصر طاعت بوسف ثانی محبوب عیدم لک  
نصر نام فرزند دیندیک گرفتار کند زلف مطرا واشفته قد و لچور و دی  
زیبایی اولوب شام و سحر مات جمال الکا جلوه کاه نظری ابدی عباس  
بو معاظه دن زعمیه جاشا عار و بانس لاجن اولغین نصر تو سطله طافری  
تنها نکبت خانه سنه دعوت و زرب اسباب صباوت ابدوب قتلنه  
اقدام و تهمت قتل ظافر ابدی کناه بوسف و جبریل نام یکی برادری دخی  
اعدام ابدی مے محرم ششمه مدت سلطنت ششمه مدت عمر ششمه حکم  
انحصار بر سر شاهیده صور تاج ساله فخر نصر ابدی نام اوغلی قرار ابدوب  
عباس مقام خدمت انا یکیده قایم اولش ایکن والی منیه طالع فخرم اولغین  
نحسن قصد نه عازم شام و ولوده شیخ فزکی گرفتار ابدی کنام اولوب  
خزان و اموال و نصرنا خلف و سائر اولاد عباس مخا ذیل فزک جنگ  
استیلا سنه گرفتار اولدی طالع بزل در هم و دینار ابدی نصری دست گرفتار  
الوب جوا علی اچون سر دارده نعبین محل ابدی مے اهل شام کاه ضعیفند  
هرامده ملا عین فزک فرمانده رام اولوب عبیده و اما بلکه جاشا ارتداد  
ایله نجه امهات اولاد معسکر فزک التیاف قصد اند کلرند موالبی دامنگیر  
غیمت اولغه قادر اولر ابدی بنا برین بر مقتضای غنرت دین نور الدین  
قصد شام و حکامه حکمه رام بدوب بر کچه نهالی با ستر قنبره داخل  
وایچ قلعه بنحسن اولر حاکم شام مجیر الدین بعضی قلاع نعبینی ابدی اکا وخی  
نامل اولدی مے مجیر الدین محمود فزنده و میده دل و حصص و عدو دشمن

بالس نام محضر قلعه و بر لکدر مکره منفعل اولغین ترک داردیار اختیار ابدوب  
بغداد و ده خطر حل و قرار ابدی مے اتراک غنیمت بوری شمشیر سنبلا  
مقبوری ابدوب علما و صلی و سنا و اغنیای قتل و اسیر ابدی فنا اندر بر  
می ششمه خوار مرثه اتنر سافر دبار عدم اولو اوغلی ارسلان مقیم  
بر ملک اولدی مے ششمه سلطان یونان مسعود منوجه دار کخلو و اولو  
اوغلی غزالدین قلیچ ارسلان جبار باش نشین سلطنت کشور یونان اولدی  
مے زرب زبور تارنج اور پس بد لبیده مسطور اولر منبرج رایت اوزره  
ولکن تارنج نو بر بد مسطور صفحه مسطور اولر که سال تسع و سبعین  
و اربعه مانه خلافت سلبان قتلوش ساحه وجود دن مفقود اولیچ بر  
سلطنت مملکت رومیه ده بر سر سلطنت اوغلی قلیچ ارسلان قرار  
داده اولوب خمس مانه ده سل شمشیر همت و موصلی داخل حوزه  
حکومت ابدی سنه ست و خمس مانه ده اوغلی ملک موصی حاکمه  
نعبین و جادالی نام عدد و اوزرینه توجیه لوای قهر و کین ابدوب  
بعد الا انصرام جابور دن عبور ابدی کن بل ساحل عدم و اوغلی مسعود  
مسند ملکه وضع قدم ابدی فرق التی سنه بر سر ششمه ابدی مینا اولو  
ارایش کبابه نعبین اولدوغر اوزره عام احدی و خمبند و دغین زربین  
و اوغلی قلیچ ارسلان تخت سلطنته مکن اولدی سلطان سنج علی  
روایت اخوی دست قمر اتراک غزوه مدلل و محقق قالوب کمال ضرورت  
واجتناب اول سلطان عظیم الشان عثمان حصه غذا ابغاسنه محتاج شمشیر  
ابدی بر طریق لیه طریق نجاته مهندی اولوب دار الملک حوده و اصل لدر  
مے سلطان مسعود و اوزه وجود دن نابود اولدن بر جوامع بغداد و ده  
نام ال سلجوق باد او لنمفین سلطان محمد قصد بد ابدی جدا ندر غم بغداد ابدوب  
مدت محاصره و درت آراستاد بولوق ابدی قلات زات جهنم تخت  
بغداد یان استداد بولش ایکن مسند سلطنت دن تنزل ابدی تنزل اولر  
برادری ملک شاه جمع اجناد و غم زاده سی ارسلان شاه بن طغرل ابن سلجق



شیوه و اصل یک شوهر تادری حاکم ارایه ابد کز ملک شاه ابد نوافض و اتحاد  
 ابد و ب بالاتفاق قصد همدان اند و کلدی سمع سلطان محمد و اصل  
 اولمغین تقدیم بهم فاعده سی اوزن ناجار ترک حصار و اول جانیلغار  
 ابدی فی ششده و بار مغربین مهابت اقبال یوز سنه عا اولمغین طنبین  
 ولتی درجه زواله ابدی فی اصابت آفت انش برله اکثر دور و قصور  
 بغداد مختل و مشوش و لوب حتی دار الخلافه فی سوخته نار فیه فماری  
 اولدی فی ششده زلال برله حاو شیراز و حصن و حصن و طبلوس و النجف  
 و دخی شیه قلاع و بقاء انهدا معامل و لوب مکتب حماده بنمیش کسان  
 نوصیان تحت اروم هلاک و لشش اکیان اصابتدن بر سائله رواج  
 لازم کلدی فی سلطان سخر عالم عده عیقا سفایدوب بحکم خواهرزاده سی محمود  
 بن محمد بنو خان سلطان خاسان اولدی فی ریح الاخره مدت سلطنت  
 ششده مدت عشرت نه و ند و غنه و سرفند و خاشاک و طهرستان و کرمان  
 و بختان و اصفهان و همدان وری و ازربجان و ارمیه و قصبه سی کجه اولان  
 ارایه و عاق و موصل و دیار بکر و بریعه و جزیره و شام و حرمین و قندهار  
 خطبه و قنیش و اسنه سکه اویشن باوشه انجم سیاه ابدی دفعه ترک  
 غنه و ک کلاله طوغ طوغ فروعی باو اوبار ابدی ریشنه اوکسو شقه رایت  
 حاکمی هموار شمال اقبال برله کشته ابدی شیه جمال الدین از دی دول  
 منقطعه نام نابف لطیفند سلطان سخر زیاده شاهدیرست  
 و همیشه باو عشق مجازی هست اولوب بر محبوب شهادت کتب  
 متاع و صلته خیدار اولد قده شاهراه مجتهد مالک بدلی استحقار  
 ایدر کن صفی رخسار بادی طغنه بار ابدی رشک بنفشه زار او یقین اول  
 بیچاره ملک ساعه وجوده اولد و غن استنقال ابدوب اعدا افزوده  
 صرف تقدیمه ایتام اند و کنی نقش جزیده اخبار اولمش در مقتفی بیت حد  
 شرفها اعدتالی باب معلا جنابنی تجدید ایدوب صفحات زیرین و سیمین  
 ابدی نرین ابدی و باب عیشی تبرک کاندوبه نبوت اولمش ایدوب ابدی

فوت سلطانی

ملک شاه

**ملک شاه** بکوری سلطان محمد قلم و کاشانی و دخی نیجه محمود بر ریشنه غارت  
 برله و بران ابدوب خورستان ششده نام ترکمانی بداسینکاسندخ اشراع ابدی  
 فی ششده سلطان محمد اصفهاند و جوعه نوش مرک اولوب عسکر و ارا بیلند  
 پیدا اولان اختلاف ملک شاه قد و بیلد استلافه مبدل اولدی فی ششده خاسان  
 سلطان محمود دست پیدا کران غوده اسیر اوکوسیل انشین ابدی و بی  
 بی نور و مال مکرز مجبور اولدی فی قانز علوی نخل وجودی ساعه ششده  
 برکنده صرفه سپهر اولوب نهال قبا اعتدال عاصد لدین ابدی  
 بن الامیر یوسف بن یحافظه ابقان شانه باغ سلطنت و اقبال اولدی  
 فی ششده مدت سلطنت ششده مدت عشرت غنه و غنه مقتفی اب زلال روانی  
 حوض جبانه جاری اولوب اوغلی سنجید باهد یوسف مقام خلافت قیام  
 فی ریح الاول ششده مدت خلافت ششده مدت عشرت نیجه مدت نبرو  
 کلزار خلافت خا سبیلای اغبار برله بی رونق اولش اکیان بیم ششده هیبت  
 مقتفی برله دست نوض جانب کوتاه اوکورو ضه اقبال و جاه شاداب  
 و خرم و رشک آرایه ارم اولدی نصرته مشاهرون مغیرین عطیه  
 و مولف قانون التاویل قاضی ابوبکر بن العری و مولف ملک و نخل محمد شلالی  
 غم ملک حاو دانی ابدی ملک کلزار جباتی باو خزان ملک برله بیروده  
 اولوب نظام امور سلطنت بر قاج ابام نخل اولد قده صکره غم زاده سی سلطان  
 شاه بن طفل امداد سیاهی فرمانده رام و ابدی کز مقام انا بیکده قیام  
 ابدی فی صاحب غن خسر و شاه ترک تحت و کلاه ابدوب اوغلی ملک  
 ریح روزه اقبال مشرف الزواله شیفه و خنده اسنه اکونه کرد و نه و یفته  
 اولدی فی نورالدین هر شب بر طریقه اوج دفعه حضرت سید المرسلین صلی الله علیه  
 علیه وسلم جلالین عالم خوابده مشاهده و ولتنه قانز اوکوبه نظر اکی اشقر خسر  
 ایدوب باجمود و بی بونلردن نخل ص ابدی و یو توجیه خطا غت اصا یور مغیرین همان  
 اول کجه بکره نفر نوکر ابدی صوب مدینه باهرل کینه به نجر یک رکاب شتاب  
 ابدوب اولن التی کونه طینه خاک پاکنه روی مال ابدی و فقراء مدینه بی احضار



و بنده و هم و دیار ابد و ب تا که خاتم القالده حجه مطهره قریب بر باطنه  
 فرش بساط مجاورت آتش زنی حجاج مغایره دن مشار با نشان حضرت  
 ولد عدنان اولان بد کمره طغری بولوب مغربین سو سو جست وجود  
 صکره هر گوشه ده و قدر رحمت و صد حضرت سلطان کشور رسالت  
 طرقت بر سر داب بولندی تحریف و تشدید و ضرب شد بدایه لغتیش و تفتیش  
 وز غم فاسد لرحه جسد مطهره طغری بولق قصد نه دیار کفار دین کدش نصر اندر  
 تحقیق اولوب استیلاست ایله یسکه شاکه املاک اولند قدره  
 مطاف کرو بیان اولان حجه شریفه اطراف دن سطح آبه دکن نبرای ازاله  
 و اول خندق عمیق رصاص مذاب اساله ابدی شکر اند سینه می شمع  
 و خمین و خم سیمایه ملوک غوزیه دن حسین طرف غنیه سوق سیاه کینه  
 خواه ابد و ب ملک شاه بنده قرار و لها و ر نام شمرده از و اختیار ابدی  
 می و الی ولایت صعبه شاور ضرب دست قهر ایله سند و زار و صمود  
 ابد و ب بعد ایام خرقام نام امیر و لیر و احم اولغین شاور امداد و رجاسته  
 شاد نور الدین محموده التجا ابدی می ششمه عام ستمین و ثلثه حدود  
 ال بویه دن عضد الدوله اطراف بدین به بناند و کی حصار و بوار لر بنده بدین  
 ابد و بران اولغین سلطان محمود کا موجود اولان سوری معمور ابدی می شکر  
 و زواری بنجم الدین ابوب بعض امور اقتضا سبله برادر می سالدین شکر  
 اسفحان و ابابک زکی خدمت شتاب ابد و ب مال ملک جنتدن  
 منظمه توقیر و اکرام و امک عالم عدمه انتقالند صکره او غلی محمود طرقتند دخی سند  
 نشین احترام اولش ابدی شاور محمود درگاهنه وضع جبین نیاز ابد و  
 دفع معارض باینده امداد و رجای یک شکر انبوه برله شیر کوهی نقین ابد و  
 اول و دوزین شمشیر انتقام ایله خرقانی اعدام و شاور می مقام اول ایله  
 الرام ابدی می ششمه ش در بر مقتضای جنب طینت معامله بالمی مله ایله  
 مغایله ابیکر شکر کوه اخذ انتقام بکون بیسیه بنجر و شاور دخی مخا ذیل فرنگدن  
 استمداد و تدبیر ابد و ب بلیس اوچ آبی کفار و ام حصاره لدرند صکره

نورالدین

نورالدینک و بار کفار تو خنی سمو علی اولغین کراوان نوک ملکند نه حیات  
 قصد بد محاصره دن ال حکوب اسد الدین دخی طرف شامه اماله لجام ابدی می  
 نورسل شمشیر غریب دن ابد و ب حادی شجره ابدی می سلطه بونان  
 قلع ارسلا برادر می شمر شاه دست کفار دن انقبول انشاع ابدی می ششمه  
 بطن واحد دن دورت دختر تولد ابد و ب رحمنه بر ولد دخی بر ولد دخی وجود  
 ایکن باور لری غنم غنم عازم عدم اباد و بعد لا اموام نجیب نیات بنده نزار و  
 اولدی می شمشیر بانی و شد صمدانی عبدالقادر کیدلی قدس سره بغداد و خطره فاده  
 صفحه صفای قرای بقایه متوجه اولدی می ششمه شکر کوه تکرار و بار مصره حشمت  
 بیور و ب جیزیه و اسکندریه بی داخل حوزه ملک بند کدن صکره شاور نوک  
 امدادی بنجر بخش حصول مراد اولد و غنم شاده ابد و ب بعد الناس ال عظیم  
 ایله شیر کوه بدین جیزیه و اسکندریه بی سلیم ابدی می ششمه مخا ذیل فرنگ بیسیه بنجر  
 ابد و ب مصره دخی کند انداز طغری اولق ارز و سبله محاصر تمکین شاور جنگ  
 استیلا فرنگه دو ستمون و بومصره آتش و بروب عاضد و جلد ایلمی  
 قاهره به منتقل اولد بلی می ششمه مروی در که مصره الی دورت کون با نو دور و  
 یکم خاکستر اولدی قاهره دخی دست قهر فرنگدن خلاص مجال اولغین ناچار  
 اون کره بوز یک التون بر وجه استیصال و بوز یک سکه افزونچه حصول  
 سال سال استیلا اولوب جنط منافع حصار بکون شمرده کفار طرقتند  
 دخی بر ششمه قرار تمک از رن عقد بهادنه عاری بنی اختیار اند بلی می ششمه جعبه نور الدین  
 حکم و فرمانده مسخر اولدی می ششمه ش در سلطنه فرنگ سبنلای دخی سر بر  
 اولغین عاضد نور الدین شکایت نامه کوند روب رجای اوزره حسب الامر  
 شکر کوه طرف مصره اماله لجام و برادر زاده سی صلاح الدین خواه و نا خواه  
 ترک حضور و حضر اختیار کلفه سفره آرام ابدی می تواتر اخبار رزب و صل  
 شکر کوه کفاری مصره بی قرار ابد و ب و بار بنجر ست مدار بر نه قرار شکر  
 شام عضد طرقتند منظمه نوازش و اگر ام نام او کو لکنش و راقضار حد  
 و تقاضای نفس بدایه همیش شکر کوهی فاده و ام غدر اتمک ضمار و مقتضای





انفراض دولت سلطنت علویه  
وانتداد دولت ابوسید مصر

ایمان و سستی



اسمعیل غم طلب ابدوب و بارشام تکا اولغین ملک صلاح الدین  
اول طرفه سبک ز غنائی طلب اولو بجان بجان دمشق و حمص و حما و بعلبک  
و بعض قلاع دخی و سبت استیلا و راز و الغم زاده سی ایله نام و اندامه  
در وازه سنی باز ایله کی می شده اسمعیل صاحب موصل صف الدین  
استد ابدوب انکلا و ابدوب صلاح الدین کشورش مدین طرد و ابعاد  
فصدنه حافرنده ترتیب اولنم صف مصافده فتح فیروز صلاح الدین  
روزی اولو نیجه بام جلای محاصره دهر صکره شام ایله قناعت کرین اولوق  
اوزن عقد صلح اولدی بی بی ملوان محمد نیرزا استیلا صله نال رتبه علوشان  
اولدی بی صاحب الکراما البغایه شیخ قطیب الباز موصلی مرغ رومی و اصل  
اعلای علی بن اولدی بی بی فتح اعزاز خلعت استد و صلاح الدین طراز  
اولدی بی تکرار شیخ علی وجه طلب ابدوب بر قاج کونر محاصره و تقویت  
صکره زور زار ایله مشاده شاه ظفر میرد کل ابدوب کی تحقیق انکین ناچار  
طرف مصره توجیه لجام رجوع و مصر قاهره اطرافه سور و جبل مقطب  
اوزره قلعه و قبر امام شیخ فزنده مدرسه و قاهره بیمارستان بناسنه  
شروع ایله کی می شده عقلم فزنده مخا ذیل فنک ابدوب شک ابدوب  
بر فحوا ی الحوب سجال طرف سیاه اسلام آو آو صحابی انضمام اولدی  
بی شده ملک اسلام سبکونه جو عیسیا نه ملک ایله مست حاکم اولوب  
او غلی طول رتبه سلطنت برله عا کجاب اولدی بی مستغنی بامر احمد سن  
کار بان امنه لشکر غارتگران اجل هنر اولو او غلی صر الدین امداد خلعت  
خلافت بنایه برله مباحی اولدی بی ذی القعود سه جنس و سبعین  
خلافت سه شهر مدینه عمر شده نامی خلق مستغنی حسن و جمیع اوضاعی  
مستحسن اولوب جلایه سخا و کرم ایله راسته و زبور عدل و داد ایله بر  
ایدی صاحب موصل سبف الدین غازی ترک ملک وجود ابدوب و سبتی  
اوزره برادری غالدین سعود انک مقامه قیام و برادر زاده سی مؤالدین  
سبزه خیره ابن عزتو جیبی ایله اکر ام ایله کی می شده اسمعیل ملا و لد متوجه

درگاه رحمت و سکاه رب جلیل اولوب یعنی اوزره غم زاده سی  
سعود نیل حکومت طلب برله برادر و انک قراغی اید برادر صاحب  
سبحار عماد الدین زنگی و صل شادش بهار برله دلش اولدی کی می شده  
صلاح الدین غم شام و موصله لجام ابدوب بعد الحاصره خایبا  
ارتحال و حصار سنجاری شکار دام اغوش وصال ایله کی می شده  
صاحب کرک از ناط نام لعین گرفتار دام خیال خام اولو طرف مدینه باهر  
الکینه به سوتی سیاه کینه خواه اندو کی حورانده ملک صلاح الدین منفکر  
اولغین خرم اوزره نائب مصر چندیان نازی سوار الفار ابدوب  
منوره به یک مظهر راه فاله قدغه ابر شید بر او جیوز دنگ کافر ابدوب جمله سی  
دست بسته اسیر ابدوب بر قاجن ندیج مناده ماعد مصر قاهره ده سیف  
انتقام ایله اعدام اندولر بی شیخ احمد شکار و برادر او اولدی بی واحد  
بعد واحد مدخل خالد و غیشاب و جالب و نصیبین و رقه مسخر تیغ ظفر  
بیکر صلاح الدین اولدی بی شده صاحب حلب عماد الدین سنجار  
ورقه حکومتن تعین ایله کی می شده دولت غننه وید غننه دن بر طرف  
اولوب اول کشور غننه بان بد اختر دست قهر نه سحر اولد قهر صکره  
بیجاره ملک و تحصن اندو کی لکها در نام حصن حصین دخی کند انداز شجر  
اولوب وائنه و تب امان ایله افتاده دام و بعد ایام اعدام ابدوب  
بی صاحب غننه ملک و جیانغ حیاط مرده اولیجی و جیوز التمش شمس نه  
سند بر و پیا اولان بنای دولت غنویه بونک هلا کیده مردوم اس  
اولدی لکن کامل نام بارنجی ابن اثیر قلزن بحر اولدوغی اوزره خاتم نسب  
نامه غنویان خسرو شاه اولوب او غلی ملک شاه هنوز نال دولت  
سلطنت اولدین بدیر یله مبتلای بلای اجوت و بعد اغوام انکله  
رفیق طریق اخوت اولمش درانی ایشان سبک کنین ظفر شده  
ومات شده ابنه محمود شده ابنه سعود و صل شده ابنه مودودت نه  
شده عم عبدالرشید قتل شده و فرخات بن سعود شده اخوه ابراهیم



شده ابنه مسعود و پادشاه ابنه الب اسلم خلق شده اخوه بهرام شاه  
مات شده ابنه خسرو شاه مات شده ابنه ملک شاه ارتحل و پادشاه شده  
و بجمعه **شده** ابنه بی دین ارناطه از اخذ انتقام بچون صلاح الدین کرکا  
محاصره ایدوب استحکام قلعه امتداد ابام اقتضا بتکلیف اطراف سوخته اش  
منب و عمار ایدوب نابلسی حراق و سکانی گرفتار قید اسزفاق ایدوب  
فی **شده** بوزان قلع اسلم بر فرمانده اولان سبوس و افسر امیری قطب  
الدین و قونیانی عبا الدین کچموره و ثوقانی رکن الدین سلیمان و انقربا  
بی الدین و ملاطیسی مولان الدین قیصر شاه و ابیستاق مغیث الدین طغوزله  
و قیصر ایدوبی نور الدین محمود و نکسار و اکستیلی برادرزاده لرین سلیم  
ایدوب کچ فرغانه مقیم اولدی فی **صلاح** الدین میافارقینه وضع بدتمک  
ایدوبی **شده** بیلوان محمد غم ملک محمد ایدوب برادر بی اسلم عثمان  
انک قلموز خان اولان جیل و همدان و اصفهان و ادربیجان داخل خوزه  
نکک ایدوبی فی **شده** **رسل النجین** ابو معشر بلخی کوکب شیه مرج بنبرین  
اجتماع ایدوب حکم فلان کون طوفان عادی باد اندر باد صرصران  
اولمقدردیو اخبار بتکلیف اهل بغداد وقت معهوده نمود و دریای خضت  
خدا به انتظار اوزر ایکن زمانه منتظرده بر مقتضای حکمت الهی کچ صبر  
و کل برک کبابی تحریک ایدوب یک قدر باد وزان اولیو مبناره لر سمع  
و فنادیل ایدوب ترین و شعرا نیچ کونلر نقد و قلم برین مصروف بهیچون  
اندلر **ملک** صلاح الدین بهیچا به صبری اولان طبریه شیه توندن فعله  
کتور یک از وسيله اول صوبه تحریک سمند و قلعه می کند محاصره به  
بند ایدوبی بو حالده نماذیل کفار خند دار و بیجی اشغال قضیه یکدست  
و هموار جمله سی مستعد کارزار اولوب طبریه فزنده اش جک و پکار  
شهر بار اولدی فی **شده** **عون** که قرین حال سیاه طغوز دستگاه اولغین  
صف مشرکین برهمزده هرج و مرج اولوب مدار استظهار لری اولان  
صلیب الصلیوت نام موضع و مجوهر علم حاج بیک و سردار لر بر اولان بدکمر

وارناط لعین و دخی نیچ سران لشکر مشرکین دست اسلم مبانه گرفتار اولدی  
بفتح مبین اسان مورخینده و قعه خطین عنوانیده مذکور اولوخلل حب  
و قتالده اتوزیک کافواش فبابه سیند اولمقدردیو بندکمند  
اولمشد سبق عهد واقع اولغین ارناط لعین قتلده صلاح الدین بالذات  
مباشه اولوب مردانده نائل و شقای صدر چهل اولدی حصول نامول  
بر طبریه صحرا سنده ضرب چینه نزول اولوب همان اول کورنم خرومان  
ایله حسن حصین طبریه بعده جمله مضائق و عکا و ناصره و قیساریه و نابلس صیدا  
و بیروت و جیل و عسقله و رطه و داروم و غزه کی صلی کی غنوه اشیا به آرام  
اهل اسلام بی اول مرکزین طرف بیت المقدس توجیه رایت غنوت  
دین ایدوب بجایه دین طغوزین ایدوب محاصره و محاصره اولان التمش یکدست  
زباده جنگ جو بان زنک برله کمر ایکی کورنم مشاجره اندکدزم صکره مصلحت  
وقت اقتضا سبله دستمایه نازک مفقود و راه کیزمسد و اولان طایفه  
رجاز را و زره حمله انما سیدم اولوب طقس برسند دین بر و بوزن سیر نیچ  
اسبیلای مشرکین اولان مقام لازم الاحرام محجه تلک و المنه آبادی اعادیدن  
اشراع و تسلیم اولندی فی **رح** **شده** **اتفاقا** غنیه دن اول سنه شمسیه اول  
سنی غنیه و اول ابام اسبوع برکونه مصداق اولوب شمس قمری دخی  
بر بر جلد بولندی بی **صوری** محاصره ایدوب حصانت حصار و توانی اطمار  
سبیله خردی عکا جاننده مالک الجام هفت ایدوب ابام شتابی انده تمام  
اول ربیع بدیع الاثار و غم شام ایدوبی فی **شده** **تکرار** رفع لغوی  
غزا ایدوب جیل و لازقیه و صهبون و برزیه و بقراضی و بعد العود و صفد و کون  
قلعه لرین مرکز رایت اسلام و برادر بی ملک عادل کرک و شو یک  
نام حصار لری کند شجره رام ایدوبی فی **شده** طغوز لام برادر بی قزل  
اسلم تحت تصرفه اولان بعض بلاد مدید استیلا اشکین اسلم درگاه  
خلافته رفع رفته شکایت ایدوب استمداد ایدوبی خلیفه طغوزین ایدوب  
دارنم جلال الدین نام و زبرهنوز قزل اسلم ایدوب اجتماع انجمن همدان فزنده



طفول ایلده دوچار اولدی و ده عسکر خلیفه نظر عاراکار اولوب  
 جناب وزیر اسیر اولدی و امان ایلده سحر اولان قلاع سکائی وزیر دست  
 اسیر میانه اولمقدن اظهار نفور و غم صور ایدوب اول جمع انکسور  
 کثر نریه مغور اولغین عکایه گرفتار دام حصار ایدیلر فی ششہ منات حصار  
 و کثرت مستحقیندن ماعد اصلاح الدین و فی مجاہدین نظرفرین ایلده اول حصار  
 ضرب جناب ارام ایتمک بدت میصره ایلکی سنیہ قریب و عاقبت الامر  
 بحکم قضا و قدر اول حسن حصین کفار خاک ره نصیب اولدی فی ششہ منات  
**صلاح الدین** قتل و حی عکایه دام طمع کفار مبتلا اولمقن لجنه اول حصار  
 بست کره اندازہ برله ارض کا جملہ ایدوب سر معمر رطله بی و حی خواب  
 و جانب قدس تجرک رکاب ایلدی و مساعده نقدی طریقه اولغین  
 نزل سلاطین مقدما طغری دست بستہ اسیر ایدوب مقیم مجس نیک و ناز  
 انتمش ایدی روزگار کینه گذارانی و حی گرفتار کنج غار ایلدی فی ششہ منات  
 با قریب یار و عکایه فکده قلوب عسکران کماکان و بیان فالحق اوزره اوج  
 بیل اوج آمدت یعنی ایلده عقد یوند مصالحه ایلدی و بر سر سلطنت ملک  
 یونانندن نزل و کنج غلته اختیار بتل ایدوب قلع اسیر طواری ارام جہان  
 طغی کرده دست با و اللذات اولدی و صاحب موصول مسعود او علی  
 نور الدین سلطان مالک دستمایه اقبال جاہ اولدی و ششہ ملک  
 صلاح الدین ایشاده متوجه کلشنسرای ملک بقا اولوب اهل سکر ارام  
 آلامه مبتلا ایلدی و مدت سلطنت ششہ مدت عمر ششہ اول سلطان  
 علی بن مکان برکت ثانی اسم ایلده مد العرفضا صلوة محتاج اولکورتک عجات  
 اتمک واقع اولشد کرزیده مالک مالک لیکن مالکی راه جہادہ مصروف کو  
 عطایای کرمانه ایلده مالوف اولغین جن استقالده قرینہ سندن فرق درهم  
 و برالتوندن بغیری اسم مال اطلاق اولنور بر ششہ بولمقد و فی حیرت فرا عقل  
 و شعور اولکن امور و ندر شکر اید مسجده الوفور حوازم شاه الب اسیر کنج  
 خنده نهان و کوجک او علی محمود خوارزم سلطان اولیجی برادر مہتری علا

نکش و عوای استحقاق و تقدیم وضع قدم ایدوب عاقبت مجتهد و اجاد  
 و نبل وصل شاه ملک ایلده تحصیل مراد فواید انتمش ایدی محمود و فی بر فاج مرتبه  
 ملک اطر افندہ استمداد ایدوب برادری ایلده ترتیب صف مصاف  
 اندک نر صکر جاس نادر ایدی برله عدم آباد و غیبت ایلدی و قول رسلا  
 مقدما سیر نیچہ نرہ شیر اجل اولیجی طغول کنج مجسندن خلاص اولوب ایلده  
 کند انداز استخلاف ایلدی ایلدی مہلوان محمد او علی نظرف الدین اور یک  
 خوارزم شاه و دین استمداد ایدوب اولدی فی لشکر کران ایلده جانب ایلده  
 عطف عنان و طغول بر خاک هلاکده نهان ایلدی فی ششہ طغول جازہ  
 مرکه سوار اولیجی دبار روده اولانندن ماعد دولت سلجوقیه متفرض اولوب  
 اول کشور سر تا سر خوارزم شاه استخر و حکومت او علی هندو خان مقرر اولدی  
 انجی برادر او علی خوارزمیان النذہ اسیر اولوب بتوز اوان بخش خاندہ اول  
 و فی سمرقندہ لغت جہاندر سیر اولدی و فی ایشاد طغول بن بکان بن بک  
 سلطان بن ششہ ابی احمد عسکر الدولت ششہ ابن ملک ششہ ابن محمود  
 مات ششہ اخوه بکبارق ششہ ابن ملک ششہ ابن محمود مات ششہ  
 ابن محمود مات ششہ ابن داود و خلع ششہ ابن مسعود مات ششہ ابن اخیه ملک  
 خلع ششہ اخوه محمدات ششہ اخوه ملک ششہ ابن ملک اسیر ششہ  
 ابن طغول قتل ششہ و بک ششہ اسامی نقش صد و سطور اولنر سلطانیندن  
 ماعد انسل سلجوقیه منتفی اوج و دورت نفوذی مانند خواب جبال ایل چند روزہ قتال  
 و جارباش نشین سنجہ و جلال اولوب لکن قناب دولتر بنور و اصل  
 درجه نصف النهار اولدین مسکت زوال ایدوب اسم و سطر اسندہ  
 مذکور اولمقین عدم شہر نریه بن اندک تفصیل حواجمده مفضلانہ تجمل اولدی  
 خلیفه لشکر راسته سال ایدوب کرسی ملک عاق غم اولنر اصغنا و ایلده  
 و فزوس و زنجاد دست سبیلای خوارزمیاندن استخلاف ایلدی فی ششہ  
 صاحب سبواس قطب الدین برادری نور الدین ششہ شمشیر غدر ایدوب  
 قسار ایدی افادہ دلم ششہ ایلدی و صلاح الدین ہم غوش حور عین



اولیجی میرمن ملک افضل نورالدین علی شاه سنده غواخت مدد قرار  
 داده اولوب دیگر اوغلی ملک عزیز عثمان تحت بوسفیده متکلم جلده وال اولوب  
 اوغلی ملک ظاهر غازی بنده شهاب حکومت متعین اولمش ایدی برادر حاکم  
 کرک سیف الدین عادل برادرزاده سی افضله شاستم ایدوب اکا صرخه  
 طلعه سی تسلیم ایلدی فی **سنة فتاوی قاضی خان القاضی الامام الاجل ابو الحسن**  
**نوح الدین حسن** الاوزجندی فروزنده قنبل حیات بی بنائی سک عذبه  
 بدمه ایلد شکست اولدی فی **خوارزمشاه** علا الدین گمش مقصد ایلد غم  
 بیدار ایدوب همان صحرای سنده نصب خدام اندک کج بی حکام بکرمی  
 علی التوکل باغمن ایلد بولای ناکه شاه آلی عباک نعوض سودا سنده دوشمن  
 مبتلا اولدوغنه جسم ایدوب عثمان ارجعت اولدی فی **وآلی کشور خراسان**  
 هندو خان غارتنگ و مارفراده نهان اولوب برادری قطب الدین محمد  
 سلطان خراسان فی **سنة صاحب الهدایه** امام برهان الدین علی مرغینانی  
 و مؤلف بدایع الصابغ احمد کاشغری در بای رحمت رحمت اولد بکرم **غدار**  
 سیمکار قطب الدین دائره وجودون مفقود اولوب قلم و حکمی و کشوری  
 و آلی توقار کن الدین سحر ایلدی فی **سنة خوارزمشاه** ایلد ملک خطا سنده  
 آتش عداوت و شقاق اشتعال یافته اولوب علا الدین طرف ماورالنهر  
 سون شکر و ضرب دست قهر ایلد بخارانی سحر ایلدی فی **غریز مصر**  
 بربر برتری ایدوب اوغلی منصور محمد وارث ملک بدری اولدی فی **سنة**  
**عادل** صورت انابکی ایلد مصره داخل اولوب بعد عام تحصیل سند فرماندهی  
 و استقلال و منصوری بطریق النفی جلبه ارسال ایلدی فی **سنة علا الدین**  
 گمش و اربقایه مرخل و خاتم ملک دست اما سکاری قطب الدین محمد قنبل  
 اولوب بتمنا لقب علا الدین ایلد لقب ایلدی فی **رکن الدین** ملک  
 اولدوغنی ماکله بغایت کزین اولوب آثار ایلد اجانب معانیه اقدام  
 و واحد بعد واحد فتنه و کسار و اما سیه و ملاطیبه شیخی نتیجه مقتدا  
 سعی و اهتمام ایلدی فی **سنة اوج** سنده محاصره ایلد انقره فی دخی غوش نصره کو

صاحبی محی الدین دانه قریب امان ایلد فتاده دام اعدام ایلدی فی سینه  
 ستانه اول دخی التی کوندن صکره کند ایلد بند اولوب صغیر اوغلی قلیج  
 ارسلان جالس برادر ایلدی فی **صاحب** قونیه غیاث الدین کنجش و صاحب  
 ملک بن بیضیب اولیجی شاه اندن قسطنطنیه به واروب تنسم بادوا  
 منتظر ایکن رکن رکین بنای وجود رکن الدین مهدم اولدوغند اکاه اولد  
 بی توقف راه غنیمت ساک و مع زیاده ملک موروثه ملک اولدی  
 فی **سنة قونیه** قسطنطنیه سی رومدن انشراح ایدوب التمش سنده مانده  
 نکرار روم استغاره انمشدرسم کنجش و تحت شاهیده قرار داده اولیجی  
 طریق جهاده رونهاد اولوب ضرب شمشیر جلالت برله دست  
 استیلای کفار و انطاکیه بی انشراح ایلدی فی **سنة ثلث ملوک** ماورالنهر  
 خوارزمشاه علا الدین محمد کفار خطا دن شکایت نامه کوندروب عز  
 انقباض و رجای اعانت و امداد ایتکرم بالذات حرکت ایدوب  
 بحکم بقدر دخی و دون برخطای انده اسیر اولدی فی **سنة کند و ایلد**  
 رفیق طریق فلاکت اولد مسعود نام امیر ارشاد ایلد انک خدمتکاری لمن  
 اوزره حرکت ایدوب بعد عام مال فذیه کتر تک نامیده راه نجاته ممتدی  
 اولدی علا الدین مصحوب سلامت دار الملکنه و اصل اولدوغنی خبر شست  
 اثری مسعودک معکوا اولیجی واقع حال دن خطابی بی دخی اکاه و انکله غم راه  
 ایدوب لدی الوصول عواطف شاهانیه موصول اولدیلدی فی **سنة صاحب**  
 التفسیر الکبیر امام فخر رازی طی مراحل وجود ایدوب واصل سر منزل دار  
 مخلود اولدی فی **سنة مؤلف** تاریخ کامل جافق غالدین علی بن انیر  
 نعت جیاتن سپر اولدی فی **سنة ملوک** غوزیه اولد غیاث الدین محمود  
 خوارزمشاه ضرب شمشیر قهر ایلد غلطیده خاک عدم اولوب تانی کشور  
 خراسان بی شایع علا الدین محمد مستم اولدی فی **اول** طایفه تک محل سکون  
 و ارجوئیه مجاور بلاد غوزدر که مدینه سی فیروز کوه نام حصار در حکم حق حوار  
 ملوک غوزیه طرفدن هواره محمی و معی ایکن گذارش بربر بخیر اولدوغنی فز

انقض دولت  
 غوزیه



عام سبع و خمسين و خمسایده حسین اظهار حقوق حقوق ابدوب  
کشور غننه جاننده عنان توجه امانه و خانوادہ آل سبکبند من دولت  
سلطنتی از امانه ابدی بعد ذلک او را طایفه کک کوکب اقبالی بواجب  
عالی اولوب عموما قلم و حکم سلطین غزنویہ اولانہ مالک و بعض بلاد ہند  
مالک و لشکر و رفتن جلیل سلطنت و خیل اکین اشاعت میراث  
حسانہ ناشی کبی حرکت اتیکر و لندی حسن و ولد و بنکہ سزا و محلد  
دیوان و روی تار بخندہ جو براف تجر اولش را عوام سلطنتی سرت  
ستیند تجا و ابدوب افراد اادی مرتبہ عشرتدن ترقی انیشدر  
**کچھ** و طرف استا بنولہ شکرش اسلام اولوب حکام کریت ہرم زمین  
جام شہادت بر لہ شہد کام و او غلی غالدین کیکاوس میر مجلس عز  
واحتشام اولدی فی شنتہ صاحب موصل نور الدین رسلنا  
نعت رحمتہ نائل اولوب او غلی غالدین مسعود سیر حکومتہ مسعود ابدی  
ہے کیکاوس بعض موجبات بخش خاطر سبیلہ غصا و صاحب رض و م  
طفل از زمینہ سوق سپاہ و شمشیر غدر ایلہ تباہ ابدوب او غلی  
رکن الدین جہان شاہ وارث ملک بدری اولدی فی سندنہ عشر کشند  
کچھ و اولانہ گور استا بنولہ شکر فی نام لعین بر طریق ایلہ کیکاوس اسندہ  
مجبور و لشکر اکین بدل مال و فد بعض قلاع ایلہ کربانہ جانن بنجہ تیغ سیادت  
اشراع ابدی فی شنتہ خوارزمشاہ سندن کرمان و مکرمان و کشور غننه  
و طالقانی ستر حکم شمشیر ظفر بیکر ابدی فی شنتہ قزوین و زنجان و قم کاٹ  
و ہمدان و اصفہان و جی قلم و فرمانی ابدوب خلیفہ ایلہ بنیرندہ واقع اولانہ  
راستل حشونت امیر بغداد طرفنہ عنانہ زغریت و لقی اقتضا انہشین  
عقبہ ہمدانہ بلای طوقانہ مبتلا اولوب بالضرورہ لی ہمدانہ جانبہ و انہ  
توجہ اولدی فی شنتہ سلطان کشور عرب ملک عادل شام و ہندہ  
مفقد صدقہ خوام ابدوب سیر ملک دمشق و او غلی ملک معظم عسبی  
مربع نشین و دیگر او غلی کامل محمد تحت مصر و جالس سند غر و مکن اولدی

فی شنتہ صاحب موصل غالدین مسعود غم دار اخلد ابدوب او غلی رسلنا  
حکومت بر لہ کامران اولدی ہے فی شنتہ روم کیکاوس بواسدہ عقبہ کچھ لک اولوب  
طایفہ و مجوس اولانہ برادری علا الدین کبکاوس سیر بر ملکہ جلوس ابدی فی شنتہ  
خوارزمشاہ سمرقندہ و اصل و لیجن اول شکامہ اقلیم عظیم چین وہ خوج و ذر و  
کچھ و بنجرہ و وچ ابدی بنکیز خان ایلہ احد ہما اخو نصر فندہ اولانہ کشورہ کچھ نظر  
ایتمک از رزہ مصاطح و لشکر اکین حاکم انداز چند من کلن تجارہ دست تعدی نظر  
ابدوب خصوص جزیرہ جنکیز دن زجر و تعین و حاکم اندازی و اموال مضمونہ  
تجاری ارسال کبکفی متفقین نامہ فتنہ انکیز ایلہ وارد اولانہ پیام آور جوابی حکم  
قضا و قدر زبان تیغ خونفش ایلہ و بر کلین سیر نامہ تبار کشور ما و انہ  
میل ابدوب اولانہ اندازی بعدہ بخارا و اکثر بلدان ترکستانی ضرب شمشیر قہر ایلہ  
شخبہ و سکاخی اہلاک و ند میر اندیز فی صاحب موصل نور الدین رسلنا  
بنای وجودی اندازس بولوب برادری ناصر الدین محمود و وچ ہائیندہ سند  
اقبالہ اجلاس لندی ہے **فرنگ** و مباطی محاصرہ ابدوب خواہ نا خواہ بند کند  
شخبہ اندک ز صکرہ فتح مصر بندیرندہ اولد قری و اصل سمع کامل و لعین سندنہ غور  
ملاحظہ سیرہ منصورہ بی معمور ابدی ہے پیام مویش و مباط کوشکزار ملک  
معظم عسبی و لیجن استیلای فرنگ احتمالی سدنہ کچھ ہرج و باروی قدسی تجرب  
ابدی جنکیز فتنہ انکیز سمرقندہ و فی بنجہ زن استیلای اولوب سیباہ کینہ خواہ  
ایلہ مازندران اعمالندہ خائن اموال و اہل عیال خوارزمشاہ بناہ بردہ اولد فکر  
ایطال نام معقل صعب المتکا جبطہ شخبہ و اذغال ابدی فی شنتہ جبار مویش  
تقا خوارزمشاہی بی قرار ابدوب اطراف مالکدہ دیک و جہان کشت  
و کدار ابدی رکن جنکیز باندہ او نور یک قدرت تار دولت آباد نام صحادہ اول  
بر کشتہ سدرہ کربنہ و بنیاد و ب و ستیزہ اندیز بر قاج حوالہ  
راہ خلاصہ تھدی اولوب بکچہ مازندران میانندہ ہر جزیرہ وہ آرا کچہ و اند  
ستر بیماری بہ اسیر اولدی مذ بر طبیعت نمشبت امور بدندہ قصر  
و باغبانہ تقدیر فیاضہ جاتی سد ابدوب اول شہر بار بلند اقتدار کفن و نمشبت

ظہور جنکیز



برهمنی ایلد و فن اولندی فی جنور خوارزم شاه محمد اعظم ملوک خوارزمیه اوکوب  
 اعداد اجنادی دور بنوز یکدر بنجوا بنش در قلم حکم اسکا اولان مالکدنه ماعدا  
 ملوک اطرافدنه دور بنوزه قریب شهر شهر فتح و تسخیر ایدوب کمال کلفند  
 جمله آلات نوبت خانه سحری وضع و مجوهر ایدی نهایت نچیزندنه و آب سلاخی  
 اولان ضرب نوبت یجکانه لی اولادنه ایدوب کندوسی آیین اسکندری  
 اوزره انجن وقت طلوع و غروب آفتابده اوزره کوس و غیره عالمگیر ایدوب  
 تاریخ و صافده کتیده رسته سطور اولدوغی اوزره خوارزم شاه محمد سنور  
 نهانخانه کور و لیجی اوغلی جلال الدین در بادنه خوارزمه اندر خاسانه واروب  
 غم هند ایلدی قند بار محاصره سنده اولان لشکر مور شمار تار علف تیغ تلف  
 ایدوب دستمایه حصول برده نوبته وصول ایلدی فی شله نقل فروردن  
 منظم اولان اولدر که ایام محنده جلال الدین یدری ایلد رفیق طریق فداکت  
 اولاش اوله اما بعض کتب نوار بنجده جلال اول خلاصه نوبته ده تحت نشین یونین  
 اوزره مرسوم خانه یغین در علی کلا التقدیرین جنگیز کراه کرسی ملکات خوارزم شاه  
 اولان جوجانیه و مصفا قوری و مانندران و قزوین و همدان و عربنیش بور و هر  
 و سایر بلدان کشور خاسانی و طلقان و ازربجان و اراغنه و در بند شروان  
 ولایت کر جستانی کن بالذات و کن رسال لشکر کفر و ضلال ایلد بخیر و بیانی  
 چیز امکا دن خارج مرتبه ده نخب و اما اذیت کونا کوم ایلد نخب ایدوب  
 وقعه قند بار کوشکداری اولیجی اکی دفعه جلال اوزرینه لشکر غارتگر تار  
 ارسال ایلدی فی بعونه تعالی و صل شاد ظفر جلاله میر اولوب قیمی  
 کتب نوار بنجده مجر اولدوغی اوزره جنگیز کتولی خان نام فرزند حرا بی  
 هوایرستی فرسوده شمشیر کلویه اولغین جنگیز بالذات نوبته جانیه سوق  
 سپاه کینه خواه ایدوب جلال طرف هنده قرار ایلدی عسکراناز سهند  
 کنارنده ایریشوب نایار هول جان ایلد وقت زواله و کسیر در ستمانه اولدوغی  
 صحره جلال حکم خوار اولاد و عبالی اعدامه اقدام ایلد دفعه مجر و حقوق عار  
 و سبکبار نهی کدار ایدوب انجن دورت یک آدم ایلد هنده واصل

و سکان نوبته صدنه قهر جنگیزی ایلد مادر کل اولدی فی خواند امیر نقش جبر و جبر اندر  
 حبیب التیزام توار بنج معتبره ده جلال الدین سنده اولان احوالی انداخت وادی  
 اجمال اولوب انجن جنگیز بر قهر و کین تمامی ایران زمین بر و بر اندک نه صکره خوار  
 انتقال و اولادینک ضعف حالی معلوم اولغین کشور هند و سلاخی و نوبت  
 اینک لیکن اولادندنه جفا ای و او کانی انجین ایدوب صوب موغلتانه عطف  
 عمان ایلدی اول بدنه اولد فرمان جنگیزی اوزره حرکتی پیش نهاد سنی و اجتهاد  
 ایدوب ولایت کران و غوغینی بر آتش دود ایدک نه صکره نه سچون کنار  
 در بای عسکر جنگیزه و رود ایدوب و یو کاشته خامه نوبت انیش در علی الدین  
 سراسر شهر نه وضع اساس مصون الاندرس ایدوب حبیب و احکام ایدوب  
 بدل نوبته ایتام ایلدی فی محاذل فنک منصوره لی محصور ایدوب هر چند که  
 اقتضای مصلحت وقت ایلد کامل طرفندنه محل عرض ابن دولت بعض نرو ط  
 اوزره عقد صلح رغبت کوسر لیدی مقید اولکونوغی مفتح صلا اولان قلعای قدسی  
 تسلیم صکره تعمیر سوری انجن او حیور سک التون تسلیم اولغین تکلیف  
 غنی ایلد کار صلح عقد تعویق و تسویف ایدوب تا که بر روز فیروزه عسکر در رجعت  
 بجیره محله دن مجیم فنک اولان جانبیه کجوب بی ملاحظه حسن عاقبت کار نیدن  
 بر مقدار ایدوب بر نیل مبارک رخصت بیخ بولجی زیاده طیفانی زما اولغین سد  
 ممکن اولیجی مرتبه جاری اولوب دیبا طرفه گذار احکامند اولدی نایار کفار خاک  
 قرع باب بناره اغاز ایدوب دیبا طی مجانا تسلیم صکره انجن جانیه طاقان  
 الدین فی صاحب موصل ناصر الدین محمود خلع خلعت وجود ایدوب لباس  
 حکومت موصل بکانه لره دوش ایتامنه منتقل اولدی فی شله **اسانی این**  
 عماد الدین ربکی شله مات شله ابنه سیف الدین غازی شله اخوه قطب الدین  
 مودود شله ابنه سیف الدین غازی شله اخوه غالدین مسعود شله ابنه رساله  
 شاه شله ابنه مسعود مات شله ابنه رساله شله ابنه مسعود مات  
 شله ابنه رساله مات شله اخوه محمود مات شله و احکامه **کوک**  
 دولت انابکبه موصل نه ماعدا شام و حلب بلکه دیار عبده درخت نر اولو لکن ایتامند

بناسیوان

انقاض دولت انابکبه در موصل



زمان اقبال و تعدد رجال و عدم تداخل یکا مکان و نافر زوال آفتاب عز  
 و رفعت شان بوسلحه به منظر اولمغین سارلری احوالی خلال سطورده مذکور  
 اولمغین ایلدکتفا اولندی معتبرانده تعیین اکثر روات اوزده جنگی غایت عمارتدن  
 رشک کارخانه چین بلکه غیرت ازای بهشت برین اولمغینجه کشوری کسریه  
 و بوم و غزایه اشیا **اندک** در صکره پسر مری جوجی خان دست فحاشه ارسال  
 و کندوسی وطن اصلی طرفه نوجیه رایت ارتحال **ایدوب** اول بارده ضرب  
 کوس محالفت و عناد ایدوب خانری طوعا کر با سر نهاده خاک طاعت و انقیاد ایلدی  
 بی **شسته** خلافت ناموندر بر ولباس قامت موزون ام القراجر بر سفید کون  
 ایکن خلیفه بغداد ناصر اول بیاض جامه لی سواده تبدیل ایدوب الی آلان بو طرز و سلو  
 مسلوب و لمشد در **شسته جلال** خوار می هندون کرمانه اندن اصفهانه کلوب  
 خورستان و بعد کسور از بریجانه سنولی اولدی بی **شسته خلیفه** ناصر پسر نعمت  
 سیر دنیا بی بقا اولوب اوغلی طاهر ایدوب محمد سر خوان نوبت خلافت اولدی  
 بی **شسته** مدت خلافت **شسته** مدت عمر **شسته** بی بد مذهب ظالم تند مشر اولوب  
 تنکیر و متیج متلون و مشهور ایدی خوار زشت ایدوب مقصد و ایدوب معامله دن و لیکه  
 اولمغین جنگینه مکتوب فتنه ایکن کوندروب اول طرفه عطف غنای غنیمت سبب  
 صوری اولمش در این همه استدر ارجا اسلافه میره اولبان دولت امتداد  
 اعوام خلافت ایلد ممتاز اولوب کن آخر عمر دن بلای غایبه مبتلا اولدر عصر دن  
 مشا هر دن سید احمد رقا و مؤلف روض المائت امام سبیلی و صاحب الفتاوی امام  
 عثمانی و مفسر البقا و شیخ القرائط طبری نزل در الانس قدس و لمشد در  
**خوز** **شسته** که جیان بی امام اندن تغلبی خلیص ایلدی بی **شسته** طاهر ایدوب  
 درگاه رحمت دستگاه آلهی اولوب اوغلی **شسته** ایدوب منصور تخت خلافت  
 ایلد متیج و مباهی اولدی فی رجب **شسته** خلافت **شسته** مدت عمر **شسته** سی  
 عادل تنقی روشن دل اولوب مقاطعات غیر مشروعه بی ابطال و اجای سنت  
 عمر بنی نتیجه امال ایش ایدوب رحمه الله **شسته** ایدوب خلیجی ایلد ولایت خوارزم  
 و دشت قبیاق و مملکت آلمان و روس و بلغارده فرمان فرما اولمغین جوجی خان

بیر خاک عدده نمان اولوب با تو نام پیری پیری مکنده خان اولدی بی  
**ملک** معظم عیسی شاه ساری بقایه خرام ایدوب اوغلی ملک ناصر الدین فی آود  
 و آلی و مشق اولدی بی **شسته** زبانته انش قمر آلهی اولمغینجه ملا و مشهور خطادن  
 تنکیت نام **شسته** پسر فرزند منطقی یعنی وجود بد بودی دایره مشهور دین منشی اولوب  
 یعنی اوزده بردخت سیه سنده دین زبر زین **واند** عازم اسفل  
 س فلین درکات تحین **اولدی** بی **بکم** وصیت اطراف مالکده اولمغین اولاد  
 واجفا و جمع اولمغین بر سنده زباده مدت سند خان فرمان فرما در کاک اولوب  
 بعده بر سنج جنگی اوزده زب فکر و راست و عقل و کیا ست بر لبه اولمغین  
 اوچینی اوغلی اوکما چالس بر سر خان **و جمله** اقارب و اجانب مطیع فرمانی  
 اولدی حبیب السیر بد و فتنه محاربه جمال الدین اوکمای خان عصر دن اولوب توبی  
 خان بونک زمانده خنق انقه غلطیده حفره نیران اولمغین اوزده مرسوم قلم  
 تجر خواند ایدوب **شسته** طو نهای مینا عکاده لنگر فرار صالو سور حرا صیدابی تعمیر  
 اندیلدی **شسته** قیصر روم علا الدین کیم قبا دار زر بخانه و کش کرک و کماح قلعه نیر  
 شیشه شمشیر عدا جتهد ایدوب اطراف شهر از بخانه بر خضار استوار  
 بنیاد ایلدی بی **اولاد** ملک عادل بنلر دن اتحاد اولمغین سلطان مصر کامل مساعد  
 قدس شریف تکرار دست سنبلی کفار کفر اولدی بی **شسته** اوکمای خان  
 کلوران و قراقرم خشنده فرمان ران اولمغین ماکا بران و توران و عراق و ازبک  
 سر عسکر تعیین و اربال بنده استیصال ایدوب سلطان خطای التون خانک  
 رفعت رایت عصیا منعکس اولمغین لواش کتنی کسکون اول جانیه نوجیه علم  
 و خان خانی سرگردان بیابان نهیمیت **ایدوب** بی کامل ناصر و اوده کرک و شوبک  
 و بعض قلاع و بفاع و بروب **شسته** و حکومتی برادری ملک **شسته** خلیص  
 ایلدی بی **خوز** **شسته** نام بر سنده محاصره دن صکر دست نواب ملک **شسته** اولمغین  
 اخلاطی سنده دام شجره و ایا سنی طوم شمشیر ایدوب بی اول ننداده اخلاط  
 فرزند ملک اشرف ایلد ترتیب صف محاربه و التمام و صدقه حدانکی اشرفیای  
 بر لب میل کر بوه انمزام ایلدی بی **شسته** صاحب ارض روم جهان شاه بن طغول

ملک جنگی



جانب خوارزمش و ده و کینجا و طرف اشرف اولوب جلال صدره انتم  
 ابلدی عال و لیجی جهان شاه غم زاده سی کینجا و نیجه سنه گرفتار وارض روم  
 و سار قل اشرا و مدار اولدی بی جلال خوارزمی شهر با خبره واروب مقدمه  
 بجیش تا نار از ریجان حدوده و رود اندولی اسموعی و لغین اصفهانه اندر آمده  
 فرار ابلدی بریده روی قبول کور میوب ناجار النجا ابلدی یک بر کوشه پیدایک  
 رجاسنه از کینه ابله هرزه کرو و بار اگر او ایکن کرد نایاک الله بنایمی وجودی  
 ممدوم الاساس اولوب قهر استوار دولت خوارزمیه اندر اس ابلدی بی  
**اش** ایشانه محمد بن انوشکین ظهوری شه و مات شه اینه اشرا ب شه  
 اینه ارسنه مات شه اینه سلطان شاه محمود شه اخوه علا الدین موش شه  
 اینه علا الدین محمد شه اینه جلال الدین قتل شه و بجه شه نظام التواری سطور  
 در که جلال الدین متواری کنج ناکور و لیجی غیاث الدین محمد نام فرزندی ظهور و  
 شیراز اطرافند بر فاج کوزنک و ناز اند کدنه صکره بعض ملک و ماوراء النهر  
 قهری ابله بار سدن سبکبار اولدی نیجه سندن بر و نکلک ملک بونایه اولان  
 فونیه اطرافنه وضع اساس او ندر حصار استوار علی اصل نظام قرین اتام اولدی  
 می شه علی روایه ابواثر معتبر می اون سکر سنه سنده سیر و ایشدر کینجا و  
 فرمان اوزره عسکر ظهور شعار سنبو بدنه دست نیجاق طرفنه گذار ایدوب  
 سفداق و کلی نام حصار لری فتح و شجری و روس و لابین حاروب شمشیر الظبیر  
 ابلدی می شه علا نب وخی صمیمه مالک کینجا و اولدی می شه او کتانی خانه  
 طرفند نه نیچو نام سکر سکر تا نار ابله و بار روم و وضع قدم شوم ابلدی می شه  
 ثلث و ثلثین **ملک** اشرف دولت جباتی بر طرف اوارب زام  
 حکومت شام بر اداری صالح اسمعیل سلم اولش ایزن ملک کامل مهر دن کلوب  
 صالح اسمعیل بعلمکه ارسال و شاکسک ملک اذخال اند کدنه صکره بیانه عمر  
 کامل شامه تمام و او علی ملک عادل ابو بکر سطر مصر ذات الاهرام  
 اولوب بدار زاده سی ملک جوادیوش نیایه و الی شام اولدی می  
 خمس و ثلثین علا الدین کینجا و ترک عالم کوزوف و ایدوب او علی غیاث

انواع دولت  
 خوارزمیه

الدین

الدین کینجا و مالک مالک اولدی می شه کینجا و نصایب علم ملک مالک و ملک  
 عدل و داهه ساکت یا شاه و بندار رعیت نوانه شهر بار حاحم شعار مکارم  
 رد و اولوب اوقات فاضل البرکاتی هموار کار طاعت و محدثه صروف  
 و همیشه تنبع مائر و انار ملوک نصف سلوک ابله مالوف ابدی سلطان  
 العلماء برهان الدین و فرزند ارجمندی شیخ جلال الدین محمد روی الشیر مصلحکار  
 و سپه سعدا خری سلطان ولد و شمس الدین تبریزی و صدر الدین قوایمی  
 سلطنت علا الدین ده موجود اولوب جدا جدا طین ان غنایه شیر  
 مختاری ارطغرل غازی کینجا و وعظنده دیار روم و شریف قدوم ارزانی انشدر  
**ع** صالح نجم الدین ابوب بن ملک کامل و مشق و اعماله ستولی اولدی بی  
 و بار مصریه و دمی مدافع انتزاع امک رجاسنه ابوب حاکت ایدوب ایام  
 غنینه صاحب بعلمک صالح اسمعیل و مشق استیلا ابلدی می شه **ع**  
 شریف او نه بر سنه جنگ تسلط فکده ماوی عبده اصنام اولد قذنه صکره  
 صاحب کرک ناصر آو و اهنایله تکرار متوایل اسلام اولوب کفار عاده اندر  
 دیوار حصاری عوضه تیشده هم ابلدی بی ابوب بر مدت غم زاده سی ناصر  
 داو و نیجه سنه کفار اولد قذنه صکره خلاص بولوب کندولی اعدام قصدی  
 و ادب سنه وضع اقدام اید بر اداری عادل و درینه بلغار و یلبیده عادی کفار  
 ایدوب بی منافع مهر سطر اولدی بی **صاحب** فضل و بی و کتبی شیخ فی الدین  
 عوی حضرت لری شامه غم و روضه دار اسلام ایدوب صاحبچه نام مقدمه اسوده  
 کنج فرار مغفوت مدار اولدی بی جنکیز بد کمرک ایزن سیری اولوب ماوراء النهر  
 و بلاد بغور و کاشغور و بدخشان و بلخ و غزنین و تاجیکان آب سنده وک نیجه مالک  
 مالک اولان جفای خان و ادنی عدیده ملک و لو اخلاقی احوالده انتظام اولش  
 کف س نه توضی مناسب کورلدی می شه او کتانی خان تکه گاه قدیم منزل  
 کلوران و قرقه قریب غلطی ص خاک هلاک اولوب سیری کبک خان حد و  
 بلاد روس و روس و بلغارده بولنغین دفع مواقع ایدوب کلنجی اداری اوج و  
 سنه قدرت منصدی امر عظیم حکومت اولدی می شه **خان** فرور زیور



صفات جمیع و ساطع پسندیده ابدار است و طایف محاسن اخلاق و کرم و شرف  
 ابدار است اولوب قلم و حکم و فرمانده اولاد اسلامیان آسوده حال ظل  
 امن امان و جلیله و بران اولاد مالک بنوک زمانه معموره اباد و اوشدر  
 مستقر منصور مست صهبای خلافت ایکن به جود مرکب ابد و خور اولوب  
 او غنی مستقر با بدعت نشوره جام دولت نافر جام ابد و سرور اولاد فی خاد اف  
 انشاء مدت سلطنت ششده مدت عمر ششده مضمون الولد سربیه مرات حسن  
 حال مستقره رونمون اولوب والد کثیر الحامدی اثره افتخار و اعمالند  
 اند خلفا از شنده اقتدار انتمش ابدی مدرسه مستقره بغداد اول خطبه  
 نهادک اثر معتبر بدر عصره مشاهیر و در حضرت شیخ محی الدین عربی شاده و شیخ  
 عربی الفاضل مصرده و شیخ شهاب الدین سروروی بغداد و ده و شیخ الحقیقه جمال  
 صبری و مولف متن مفتاح علامه یوسف السکاکی و مؤلف الفقه الخواجه معطی  
 مرغ جانلر شهاب ز شافع سارباغ جهان ولدیه زهره صالح اسمعیل شمس الم  
 دو نیم و لغین طبریه و عقله و قدسی دخی کفاره ایشار عارنی اختیاری ابدی می باشد  
 کینه و ن کینه و تار ابد ابراز ناد کارزار ابدوب مشاهده صورت انتمام  
 ابدی علامه ابرار و اولاد مخصوص لائرتا تار کرسی مملکت بونان قونیه کی گرفتار  
 حصاره ابدی به قیصر و م ساسال ال ان او اسمی بلنرم اولوب است  
 تغلب تار دوز و بار رونی بخلص ابدی به عقوبه ایمان نام تار بخت عینی قلون  
 صفی لغین اولد و غی اوزره بدل صلح به یوم هزار و دینار کامل العیار و بر سبب  
 و بر سبب و بر سبب شکار ابدی سلسله مصر نجم الدین ابوب شمس ساعد  
 ایتام و ظاهره و ده جیش کفاری اواره صحای انتمام ابدوب قدس شریف  
 و غره و سواطی چک وجود ابر با کفر و ترکد نیاک و اول باری انوار منار دین  
 بین ابدی تکرار تاناک ابدی می باشد عر مور شمار تار غم بغداد ابدوب  
 یعقوب ناجیه سنده مشاهده روی نهیمت برله و دینار بول انکیز گریزه غایت  
 ابدی به شمس نجم الدین ابوب ضرب دست قهر و انتقام ابدی به شمس خطبه ابدی  
 به عقله و طبریه دخی جنگ استیلا و ترکد ز اشراع ابدی می باشد سلسله

مهرک

مهرک موفول و مجوس اولاد ملک عادل مشاهده و دیدار ابدوم اللذ ابدیه جانه  
 نابوس اولدی می باشد کبک خان خرم و جودی سمرقنده سوخته انش مرک  
 اولوب علم زاده سی منکر خان جالس سیر خان اولدی می باشد سبج و اربعین  
 خانم زوریدری اوکتان خان کبی انشاء و اسم مکارم و در محبت کتری و شانه  
 نوال ماحم و رعیت بیوری ابدی مذکور اولوب ککن و کتای حب و دلا  
 اسلامیان موصوف و کبک خان خلا فیلد معروف ابدی فرنگ تکرار  
 قصد دیبا ابدی خوب و اجتماع اند و کتری استماع اولمنین ابرار ابدوب  
 بی ارتکاب کلنت کارزار اول حصار بنه کفار بنه کفار اولدی می باشد سلسله  
 مصر ملک صالح ابوب و دوشندن خلعت جیات مسکو اولوب او غنی  
 معظم نور انشاء صاحب سرب و کلاه اولدی می باشد ابدی به صکره نور انشاء سران  
 سیاه اندن شربت شهادت نوش ابدوب ملک ابوبک ام ولد ی  
 سحر الدرام زن وادی سلطنته کانر ز اولدی می باشد و سلسله مقدمات  
 کفاره افتاده اولد و غر اسکو اوردی بنه استیلا از دین مسلوب اولدی می باشد شجره  
 اوج ای تلویف دست سلطنت اندک ز صکره انابک عسکر مصر غالدین ابیک  
 ترکانی تسلطن انتمش اکبر اتفاق عسکر ابدی یک بنه رتبه انابکی به تنزیل و اثر  
 موسی بن یوسف بن کامل سعت سلطنت برله نیجیل اولدی می باشد قطره رشته  
 طمع و نیک بخت اثر معتبر متوکل اولاد سور معرود و بیاط خوب و لوب اکاف  
 منشی نام قلعه بنا اولدی می باشد جامع احادیث شریفه مشارق امام حسن صفای  
 بغداد و غرق در بای رحمت رحمانی اولدی می باشد جنین و بار بینه ارض عدنه  
 بی سبب ظاهر انش ظهور ابدوب بر مدت برقرار اولدی می باشد ایک  
 ترکانی تکرار جالس سرب سلطان اولوب اشرف موسیقی غر ابدی و منشی  
 بلای غل ابدی ابدی می باشد طایفه ابوبیه دن تحت مصرده فرمان فرمانده  
 رک افوی اشرف موسی آرا می باشد ملک صلاح الدین سلطان  
 ششده دوات ششده ابدی ملک غر زات ششده ابدی منصور محمد طبع ششده عمه عادل  
 مات ششده ابدی کامل مات ششده ابدی عادل طبع ششده دوات ششده ابدی صالح ابوب

انقاض دولت  
 ابوبیه در مصر



ششده توراتش به اشرف موسی خلق شده و بهر کجاست اول زمره دن ششم  
 و حلب و سایر بلاد مستولی اولانگر تریبیری نامضوط اولد و غنچه ماعدا  
 ایرادی نظولین لائل اولمین نوصند کف نه قلم اولدی **ایک** شجره الدری  
 اغوش کماحه الوب شجره شجره وصالند متغ اولدی **ششم** خلیفه طار  
 ناهمواری اخباری منکر خاک کوشکداری اولمین صورت ضبط حکومت بران  
 ایله برادری هلاکوبی رسال و کندوسی نفقور چینی تدمیرتد بیر ایله اول جانبی بط  
 جناح استیصال ایلدی **هفتم** بانو خان جانیه جات الکاک اولق اوزره بناند  
 سزای نام شهمده سلوب دست قمر هادوم اللذ اولوب برادری برک خان  
 ایک مکانده مکیک و ولایت نوفیق برک سکت طریق سلام و دین  
 اولدی **هشتم** تانارنگار دیار رومه هجوم ایدوب ازرنجان فرزند  
 کبخر و ایله جنگ و نبرد کاهی قیصر روم بکشته ننگ **نهم** اندیلر آخر کار  
 کبخر و سبکیار فرار ایدوب خزینه و خیام و آلات و اسباب حشام  
 بکسر نصیب تانارنگار اولدی **مؤلف** مؤلف تاریخ مرات الزمان بوسف خوجی  
 ویرتو آینه جاتی مضحی اولدی **عناث** الدین کبخر و کجینه و جودی و دین زیر  
 وزین اولوب اولادی غالدین کیکاوس و رکن الدین قلی ارسلان و علا الدین  
 کیکاو و توافق و اتحاد اوزره و ساده سلطنت استناد اندیلر **عقد** بودند  
 صلح رجاسته علا الدین هلاکوبی شاهانه ایله درگاه خانه کبدوب جودی  
 بهانه ایله ایک برادر ششامدون مقاتله بیر ترقی ایلدی ضرب دست قمر ایله  
 غالدین قونیه تختی هنده مستقل اولوب رکن الدین کبخر مجده نوش  
 او و اینن ایله قناعت کزین اولدی **ششم** شجره الدری زوج ایک زرافه  
 تعلیق نظر غبت انک نه منبله درخت وجودنی ساعده وجود و دن قلم ایدوب  
 تسلط انمش ایک نور الدین علی بن ایک مساعده سپاه ایله نوسن تند  
 لجام سلطنتی حکمه رام و برادر نر صکره شجره الدری بدری انتفا کونیه عدم  
 ایلدی **خادم** حرم محترم نوی نویطی ایله احتراق واقع اولوب بار ایدوب  
 بعض منیر نوی و سقف مسجد ریعت محرق اولدی **دین** باهرت کینه فرزند

حرم نام مقام خدیجه نقش پیدا اولوب **عشر** روانه اوج ای امتد  
 و انافنا اشتهالی شمد **اولمین** جبال و قلال رصاص مثال نداب اولدی  
 اشرط سعادتم اولان ناراحتالی ایله خلق عالم برینش و درهم اولمش کینه  
 شهره قریب اولد قدح اب رحمت الهی برله منطفی اولدی **یازدهم** غم  
 درگاه خانی ایدیز علا الدین ازرنجانده متوجه ملک جاودانی اولوب **شده**  
 اولان امر ایدیلر خانه ابصال ایدیک دیار رومی نیک اندیش نیک  
 برادر میانن تقسیم و هر بریک اومنه آل تمنا لوبرین تسلیم ایلدی  
**شده** هلاکوبی اوج سنده ایران و تورانده کشت و کدار و تکمیل  
 کبر و دار **اندک** صکره شجره کسوره عاق قصه ایله اول جانبی عنان عزیم  
 اطلاق ایدوب دار بخلاف بغدادی برمدت محاصره دن صکره ضرب  
 شمشیر کین برله برنکین فرمان و برهفته ده اقل متیقن اوزره سکر گره  
 یوزیک مسکما صدر نشین روضه رضوان **ایلدی** فی این شخده  
 شمشیر انشبار قرق کون درکار اولق اوزره و سوم قلم بدایع نکار و خلیفه  
 محافظه ناموس و عاریکون دار بخلاف فی ادوات کارزار برله نصیب ایدوب  
 نقد جان شارب برله متاع جاش ایدوب خود ایدوب اولش ایدی لکن مقدمه مسکن  
 روافض اولان حمله کرخ مستعصم اذنبه دست غارت سینانده برن  
 اولوب خاین بی دین رافضی بدایین وزیر این علقی بوسیدله احصار  
 عیض انکین صلح و رجاسی نهانه سیدله معکر هلاکوبیه جقوب جانیه خطا  
 الدفنه صکره و ختمه خلیفه بیسر هلاکوبیه عقد نایله مستعصم و ایک اوغلی و جود  
 ایل بغدادی هلاکوبیه شیکش ایدوب جمله سی سرکران سلاف شاهنشاه  
 اولدی مدت خلافت **شده** مدت **شده** **عصر** سنی پاک اعتقاد  
 ناشد عدل و آو خلیفه و بندار **شقی** ویریز کار اولوب لکن غایت ساه  
 دل جمع مال مال اولمین وزیر خان الفاسیده او تودیش بیکه زباده عسکر  
 این قطع ایدوب دولت خلافت ضعیف نوی سنولی اولدی عصرین مشاهد  
 شمس لامه کردی و شیخ النوان بعین و مؤلف کافیه و شافیه این حاجت و لطف



مفادات طلب این بطار متوجه سمت دار فرار اولد بک مستعصم و الکره  
رحمت ایزد و اجمال انتقا بیکه شمس قبال ال عباس منکشف سحاب زوال  
اولوب اوج سند بط دولت متاخلافت نوز دیده دست تقدیر

**انراض خلفا عباسیه در بغداد و اسامی ایشان**

عباسیه یونس بن اسماعیل پسر خواجه منصور مات شد ابنه مهدی مات شد  
ابنه هادی مات شد خواجه یارون مات شد ابنه امین قتل شد خواجه مأمون مات شد  
ابنه خواجه معصم مات شد ابنه واثق قتل شد خواجه متوکل مات شد ابنه  
منصور مات شد ابنه عمر متعین قتل شد ابنه معتز بن متوکل قتل شد  
مهدی بن واثق قتل شد معتز بن متوکل مات شد ابنه خواجه معصم مات شد  
ابنه معتز بن متوکل مات شد خواجه مقتدر قتل شد خواجه هارون قتل شد  
ابن خواجه راضی مات شد خواجه متقی قتل شد متکفی بن متکفی قتل شد  
مطیع بن مقتدر مات شد ابن طالع قتل شد خواجه فاطمه بن محسن بن مقتدر  
مات شد خواجه معتز بن متوکل مات شد ابنه مستظهر مات شد ابنه  
منصور قتل شد ابنه راشد قتل شد ابنه معتز بن متوکل مات شد ابنه مستظهر  
ابنه مستظهر مات شد ابنه ناصر مات شد ابنه طاهر مات شد  
ابنه مستظهر مات شد ابنه معصم قتل شد واکمه و مدینه خلافتهم  
مروید که زینت زب و دولت خلافت عباسیه اولاد برده و قضیب  
مستعصم ابدی هلاکوی لعین فرمانی ابد احق اولوب رمادی و جلیه  
الق اولدی اول بن بدین الی ای قریب مدته زبان قلم طرف رفیع  
بیانده عاجز او بیچ مرتبه بغدادی بخوبی در رکاب انواع شایسته و ابد  
شخصه نعین ابدوب بلاد جریبه طرفه سوز شکر شمس الاثر ابدی علی  
روایه کافر انعم علی شمس سباست هلاک و ایلد اخته جاه جهنم اولوب  
نقل اخ او زره کمال فقر و فلاکت بر لبه ای قدر زمره میقم کنج ذل و هوای بند  
خلف انقب بر باد واده نقد روان اولدی علیه باسختی صاحب کر ملک  
مصدور و عام سیر و نین و سمانه حدود و نده استخلاص قدس از بند

جمعه اظهار تمشک این سنده حدی و اربعینده صالح اسمعیل اول مقام لازم  
الاحترام کفاره سلبیده و آود هنر زبان انفاق و لیمین بختی برشته اولوب بنده  
دار و دیار بند و اور و مشا هده روی اقباله بنده مجور اولد فخر صکره طول  
و مخزون و طعن طاعون ابد شام و بنده طرف مصره مه امانه ابدی فی  
**۵۷۰** سلطان مصر نور الدین لالاسی سبف الدین مظفر قطره در و بر داری  
ابد نفوذ مباطون نفی ابدوب خلعت سلطان ابد کندوسی جاسم سنده کاروانی  
اولدی بی شکوهان مقدمه کما شسته جانیه بیان اولدنی او زره نفقور جینی ضرب  
شمنه کین ابد شکست اینک یحون اول جانیه توجیه رایت حرکت انتمی  
بعض قلاع انرا عدن صکره صدمه سنگ مخفی قبا برله حصار وجودی مهدوم  
الاساس اولوب پیام فرور ملکات ارانده برادر کی قوی لای خاک و اصل  
سمع شعوری اولیجی دست فائده قرار و مقام معارضه ده اولاد اقبال طوعا  
اوکر هاداره سلبه کنور مک یحون بدل نقد بنه اقتدار ابدی می شفه  
**۵۸۰** هلاک حطب و حما و حص و شامی کند شجره رام ابدوب سورین زیر  
و زیر و ضبط لای یحون بر رخنه مقرر ابدی بی ملک مظفر قطره اسلام  
ابد غم شام ابدوب شخته و مشق کتفا ابد عین جالوت نام معاده  
تربیب صف قتال و کتفا و عکر تاناری طغی شمشیر استیصال ابدی  
بی زبردست استیلائی نامارده اولاد بلا غریبه نعین نواب و حصول  
نامول برله طرف مصره خجک رکاب ابدوب صالحه به یک مرحله  
قالد فده صالح ابوب مالکند فیما فی الاصل بیس بند قدر نیغ سر نری برله  
متواری کنج فرار اولوب بیس سند سلطنته قرار و لقب ملک طاهر  
ابد لقب اختیار ابدی بی پیام اکسار نامار هلاکویه و اصل اولیجی تکرار  
عسکر کوندوب حص فرزند بعونه اول کرده مکروه و خ صدمه انگار  
مار و مار اولدی بی فخر عقل و شعور اسرار عنوانه شمشیر بافته اولاد خشن  
کورنی ملک حور سنان شمر نام شردن ظهور اندکی حظ طمعه بنده بطور  
در بی مستنصر با لقب احمد بن محمد مصره خلفا عباسیه و زنی هلاک

ظهور سحر

ظهور خلفا عباسیه در مصر



محمدک فرزند فرزند اختی اولی اوزره انبات نسب ابدوب عمو اهل  
 مصر کردن بسته طوق بیعت اولند فقه صکره ملک ظاهر پیرس ایداد بده نشین  
 خلافت رجاسته غم بغداد و اثنا طر فقه بدر قتیغ لی دریغ تانار ایداد مبیل  
 جانب عدم اباد ایددی بی ستمه غالدین کیکاوس مست بیداد برله دروازه  
 قنیه وفادی باز و برادری رکن الدین فلج ارسلان بر فرمانده اولان بعضی  
 بای توغوز دراز ابدوب هلاک ایداد بده رکن دولت رکن الدین رکن الدین  
 کیکاوس رفاقت نخوس برله علایب دن تکرار سنا بوله وار و جمله ملک  
 دست تصرف رکن الدین قار ایددی بی ستمه راشد با ایداد اخاذ  
 درجه سابعده حاکم با ایداد لقب احمد نام کسند ده دخی مصرده خلعت پوش خلعت  
 اولوب قلعه جیلده نغین محل اولندی بی ستمه تکرار لعلین غالدین بریدر صدر  
 نشین سنا ختام اندکده صکره خدمتده اولان احرابی اسناد قصدید ایداد مبیل  
 و کیکاوسی قلاع عوبیه دن بریدر جس ایداد امانت و تدبیل ایددی بی ستمه  
 لعلین بد سرشت و بد خو هلاک و مرغه فریده مصر و عامده پوشش جو عه هلاک اولو  
 اوغل اباقا وصل شاه ملک موروث ایداد فرحناک اولدی بی ستمه جد  
 نایاکی اعمال سلا سدر ثلث نام قلعه ده متواری مطمون خاک اولوب فرینه  
 عالی قبه بنا اولمش در دیو اخبار الدول نام کتابدن مسطور صفحه سطور و اول کشتی  
 بی دین حسان و عاقین و اذربایجان و بلاد فارس و دیار کمر و بلاد روم و ارمنیه  
 کبری و ارض روم و اذربایجان و سبواس و دخی نیجه مالک مالک اولش ایددی  
 غنیدر که قاضی بیضاوی نابختند هلاک و اخو غزنه عامه بند اسلام اولی اوزره  
 کتاب طراز ابوان نجیق اولش در واد علم بحقیقه برکت خان مشعل نوربانه  
 ایداد غم اقلیم بقا ابدوب غم زاده سی منکو غردن جانی قلاوه خانی برله غزنه ایددی  
 بی ستمه حسن بن سبک خاں جنور متعدد مدارس و جوامع احیا ابدوب  
 زمره علما هموان مظهر احسانی اولغین در کاهای خط رجال رباب فضل و کما  
 ایددی رکن الدین فلج ارسلان و بری معین بیژانه الفاسبله قونیه ده سکن ایداد  
 تانار سرگرم باوه شهادت ابدوب صورتا اوج بکشد اوغل غیا الدین کجی

هلاک هلاکو

یدری مقامه اجلاس و حقیقده خلعت سلطنتی بیروانه به لباس ایددی  
 پیرس ساز و سلب برتب عسکر ایداد غم شام ابدوب با فارقانکده و  
 نواص و دخی بعضی قلاع کفاری شمشیر و داک برله شمشیر ایددی بی ستمه شند و ایددی  
 ابن جوزی کوهر کش رشته بخبر اولمش در که شاه اولده و ملک مشلی استماع اولمش  
 سبل کلوب باب الفوج اوکنده عادتدن سکر ذراع ارتفاع انبک ایداد ایداد  
 مالی و قنیه مرز غلیم نرب ایددی بی ستمه ناظم ملک اللال شنوی جلال الدین  
 و صدر الدین قونیوی رهان ملک جاودانی به عطف اندیز بی ستمه  
 انشین و سبعین اباخان البستانده معین الدین بیروانه لی احضار ایدوب  
 کله و دولتی غلطیده خاک نذات ایددی بی ستمه حسن سبعین ملک ظاهر  
 پیرس شاه شهبستان عدمه خاتم ابدوب اوغل ملک سجد محمد برکت  
 سرخوان نعمت سلطنت اولدی بی ستمه غایت متورع و متشرع اولوب مفاطحه  
 حمدون بهر یوم هزار دینار حاصل اولور کن ضرب فلم و ابطال ایددی رحمه الله علیه  
 غالدین کیکاوس و دیار غنیده و ارفابه رحلت ابدوب منکو غرد خیر بی خلا  
 شرع مطهر کیکاوس اوغل مسعوده تکلیف انبکین مسعوده سبکبار فرار ایدوب  
 ابغاخانه النجا ایددی بی ستمه سلطان کشور غوب ملک برکت خان خلع  
 و کر که نفی اولنوب هفت ساله برادری ملک عادل بدرالدین رسولش مسند  
 سلطنت ایداد توقیر و التمجید اول مقامه نربیل ایددی خیر اولند فقه صکره ملک  
 منصور قلا و نه صدر سعاده ملکن و برکت خان که کده لید نشین اولدی  
 بی ستمه منکو غرد شعله وجودی دائره شهودون نابود اولور اوری نوا و ای جمع  
 انبالی فرزندان اولدی بی ستمه سلطان قلا و ن ابغاخان طرفه کشتی  
 حواله اولان سکن یکدم زیاده عسکر تاناری حمصه قتل و اسیریه تار و مار  
 و سردار لری اولان منکو غردن هلاکوی زخمدار ابدوب از مدنده جنور منکو غرد اول  
 جاحد زمره اولدی بی ستمه اباخان هلاکده مسموما ساجه مستبد معدوم  
 اولغین برادری منکو دار جارباشش خابنده قرار و اول فریق نوا سنج نصبتن و خد  
 بر در و کار و ولوب تامنی اسم جلیل احمد تبیل ایددی بی ستمه حلف کجی



و فیات الاعیان العلاءه شمس الدین احمد بن خلکان عازم سرستانه جانا اولدی  
چم احمد خان غیاث الدین کبیروی از بنجاده موقوف عمده تاریخ و بر سلطنت  
رومی مسعود بن یکاوس نامه بخیر ابلیدی فی جانیات مستعار غیاث الدین  
از بنجاده کشته اب شمشیر غدر احمد خان اولدی فی کشته احمد خان اظهار اسلام  
اینگین کفار نانا ربان شریک شریک کام شهد شهادت اولوب برادرزاده سی ارغون  
بن اباقا نویث دست خانی ابلیدی فی کشته سلطان مصر قلاون حصن  
حصین حرقی اشباهه شهبازان اوج دین ابلیدی فی کشته صاحب القبر  
موفق الدین احمد الکوشی روح روای و اصل باغ جهان اولدی فی کشته خان  
اعظم قبلائی خان اقلیم جنبه مخترع معمار همی اولان خان بالیغ نام شهیده صیده  
قدر و هرا بده افتاده خاک عدم و ولی عهدی اولان نیرسی بنمور خان جابلهش  
خانی به وضع قدم ابودوب اسمعی او الجایتو به بدیل فی کشته سبع و ثمانین  
قصر کشور روم طرفند امامه بجه سلطنت آل عثمانی اولان عثمان غازی به  
مشور بالست عنایت و کنوچی حد و بار و درهم و توغ و علم و خلع شاهانه  
و اسلحه طوکانه و اصل اولدی فی کشته سلطان مصر قلاون نور کسکانه  
فرک دست تصرفند مجوس و لاهن طربوسی شیخه بنیاد و ب فوق تصور  
الا و دام اغنام و اول سورموری لصلحه برده سبلا امتدادم ابلیدی فی  
غلا و بن زبون سیر بنچورنده کرک مرک اولوب او علی ملک شرف صلاح الدین  
خلیل نال چاه بلند و قدر جلیل اولدی فی کشته تقای بن مشکو قرتوری خالی طوقه ننگ  
شمشیر خورشید ابودوب سیر بنچانده کامران اولدی فی کشته ارغون خان مضیق  
حدوده نهان اولوب برادری کنیا نوشیر رازده مسند محلوله موصول اولدی فی ملک  
اشرف ابکی ای محاصره ابلید عکای دست تسلط فکند از تراغ ابودوب قطع طمع  
کفار لیون دیوار بن ارض و کا ابلیدی فی کشور وجود بدو در بنه لشکر عرب  
و هراس سبلا سبلی دانه فرک صید و بیروت و طرسوس و صوری و صوری  
تخلیه ابودوب آسمانه سرچین دیوار بن زمینه دک افتاده خاک و بعونه نعل  
سواحل شکا لوث وجود اباب و انرا کدنه پاک ابلیدی فیه کدنه و المندوز

سنة فرسوده بای استبدای کفار اولان اراضی مقدسه دن قدم شوم کفار  
زابل اولوب فر بعد اول باره ریش استوار صالح شد و درم سور مدوم  
حلب نمبره شروع اولوب کمال حصانت اوزره معمر ابلیدی فی شربت  
بالذات بخوبی رایت حرکت ابودوب روم قلعه بدی بطله کفار و درم خلوص  
ابلیدی فی کشته سالار محققین صاحب التفسیر قاضی ناصر الدین البیضاوی صدر  
ششین دار الهکامه رحمت رحما اولدی فی کشته ملک اشرف مصره عود ابودوب  
برکون کار شکاره مشغول اکر افتاده دام غدر خدام و انظار دفع عاجلا طمع بیخ  
اولوب برادری ملک صمد قید نظم امور جمهوره مبتلا اولدی فی کشته بن الدین  
کشتا نقیابا بر ملک مصره جلوس بدوب ناصر فی قلعه اچیلده مجوس ابلیدی فی کشته  
کنیا تو خان اتفاق احوالیه دیار عدمه و محل مسند غلام زاده سی باید و بن طرخان  
بن هلاکویه متعلق اولش ایکن باید و بنی برزیده برده سبلا شمشیر غدر  
و غازان بن ارغون صاحب صدر و اولو طرف دیوان از لیدر خلعت اسلام  
ابلید بجل و اسم نام شریف محمود ابلید بدیل اولدی فی غازان و ایه کبر کوهی ابان  
اولد و غی کوه دورت کره یوزیک نانا سر منزل سعادت اسلامه سرتدی اولد و  
نارنج مثلا ادب سب مسطور دراون بیکدنه زباده نانا غازان محمود خان شمشیر سبانه  
هرامنه اولمغین خانه کوچ طریقه کشتیابیه انجا ابودوب ساحل قوت اول وحشی  
جانور ره مقنعین اولدی فی کشته مصر و شام بیانده کشتا نائب سلطنت ملک  
منصور حاکم الدین لاجین به شریک خلع اولوب لاجین جانشین و کشتا  
حصن حصین سرحدده مکیب اولدی فی کشته قیصر روم مسعود ساحه وجود  
نابود و علی روانه بنج اقبال سلجوقیان سیه چاه و جلاد معقود اولوب  
انار و ایه مثلا لاری و مثلا ادریس اوزره برادرزاده سی علا الدین کبیرا و بن فواجر  
بن غالدین یکاوس تخت سلطنته جلوس ابلیدی فی کشته غیبر که مقدما عثمان  
غازی به سینه ثمان و ثمانین و ستمانه تاریخ بجله مورخ اولان مشور ابالت علا الدین  
کبیرا و دیوانه صد و راندکی مورا اولوب کتب نوار بخله اب اولان نارنج  
تخت سلطنت یونانده مسعود موجود اولق اوزره حرور و وجه توفیق و قیق کور بنور



و الله اعلم بالصواب **ابن قزوين** بر کچو خاص اصحابه اسب نکره میدان رفته نظر بخود نک  
و در آنه در کن است بازی خدام عذر کاره حرم ایلد شاه مات اولوب ملک ناصر  
محمد سالک مسلک العود احمد اولدی فی ششده **لوکب ابتدا سلطنت آل عثمان**  
رخش از دولت آل عثمان برج الشرفه رستک افتاب عالم اولوب زوسن شایرام  
بنا و لقب کر ایلد شرف یا اولدی فی ششده غازان خان حمص فریده ملک ناصر  
عسکرن آواره صحرائی اندام و ملک شایسته غزه به دکت فرسوده دست سبی  
و اغنیام **ابدوب** است رجوعه مال جام ایلدی به مد و شاده مساجد حکام  
ایلد بود و نصاری عامه و جامه ده کلف اند کلر نذر ماعد دستار سفید طرابانه ایلد  
اسب و رهوان سوار اولوب اسواقه راست کلر کلر فخرای اهل سلای  
بمال مسند خجسته ایدر اولد ایلدی آق تلبندی اصف و ازرقه تبدیل و در سواره  
اولق ایلد و ضلین تکمل ابدوب من بعد اعمال دیوانده استخدا م اولمتمی اوزر  
فرمان عاصد و ایلدی فی ششده مازنده بنی ادم رو جوش طيور حنی عقوب  
و مار و مور صور تنده طولی باغوب اول صورت عبرت اثری مشاهده ایلد نرسا  
کرای جبرست اولدی فی ششده خلدنه حاکم بام اقد احمد مرقدت نغسه جوارنده  
معتکف خلوتخانه غرار اولوب اوغلی مستکفی بانه سلیمان صدر ابوان خلافتده  
قرار ایلدی به امام فرطی و محی الدین نوری خطاط باقوت استعصم ابام خلافت  
حاکم بام الله ده غم دار استام ایلد نر مشا هر دندر ملک ناصر عسکر غازان خانی  
بیره جک فریده نهر ذات کنارند سبلی خورامواج لجه بیرشانی ابدوب  
اول کرده بنوهدن اقل قلیل ساحه سلامت واصل اولدی فی ششده کشف شمع  
جیانی مرحدده باد مرک مرده اولدی به غازان خان ری فریده سمو باغ علده  
متوجه ششده عدم اولوب برادری خلدنده محمد دست خاندنه و سآده  
کام اینجه انجا ایلدی فی ششده خان اعظم اوجا بنو سیراب زهراب هلاک اولوب  
اخلافی احوالده اولان اختلاف اول و ایلد نر انخافه بادی اولدی به **اسانی**  
جنگیز ملک فی ششده **اسه** اوکسای مات ششده ابنه کبوک بات ششده ابن عمه ککو  
مات ششده اخوه قوتلای مات ششده حنده اولجا بنو مات ششده **سلطان** روم علا ایلد

کعباد

کعباد دست بی داو ناره کرتار اولوب ساحه وجود دن معدوم و بنای  
دولت سجوقیه مهدوم اولدی فی ششده **انواض دولت** سجوقیه در روم و **شاه**  
**ایشان** و سبعمانه قونلش ظفر ششده و مات ششده ابنه سبله قتل ششده ابنه  
داو مات ششده اخوه ارسلان مات ششده ابنه مسعود مات ششده ابنه قلی ارسلان  
فرغ ششده ابنه کچر و غل ششده **۹۶** اخوه رکن الدین مات ششده ابنه ارسلان طلع ششده  
عمه کچر و ثانیات مات ششده ابنه کچا و سوات ششده اخوه کعباد مات ششده ابنه کچر  
مات ششده ابنه کچر و مات ششده ابنه غالدین غل ششده اخوه رکن قتل ششده  
ابنه خبات الدین غل ششده ابن عمه مسعود قتل ششده ابنه کعباد قتل ششده  
و **احمد** **۹۷** **ابن** اما اسبیل سندن ملک ناصر دلگیر اولمغین سفر حجاز بهانه بیلد  
مهر دن جقوب کرکه واصل اولدی خلعت سلطنتی دو ششده خلع ایلدی فی ششده  
**بام** فراغ ناصر عسکر مصره واصل اولمغین بیرس جاشنیکر سندن رفیع سلطنته رفیع  
ابدوب رکن الدین مظفود یو تلقب **ابن** ناصر دیگر بار رتبه ولای سلطنته  
طلبکار اولوب جمله عسکر مطیع و فرمانبر اولمغین جالس سیر سروری اولوب  
بعد بام بیرس ستواری مطبوره خاک هلاک اولدی فی ششده **صاحب** **النه** **حسن**  
الصفائی جلده تحصیل دستایه عرجاودانی و جیات باقی ایلدی فی ششده احدی عشر  
**نقیای** خان سمند جیاندن افتاده اولمغین برادر زاده سی اوزبک خان یا نهاده  
اوزبک خان اولوب شریف لطیف سلام ایلد شاد کام اولدی فی ششده **صحب**  
الوس اوزبک نسب خان بنویره مرتبط در اهل فنت مصر و شامه مقدما منع  
اولنر عادنری اوزره بیاض غامه صانمغه رخصت و برلک ایگون طرف میری به  
سال سال بدی کره بوزیک التونر ابصالنه متعهد اولوب سنوللر قرین  
حصول اولدی فی ششده **خسته** و عشره **خدا** **بنده** محمد سلطانیه تبریزده بر باداوه خرم  
عزیز اولوب اوغلی ابو سعید نائل و صل نوهوس امیه اولدی فی ششده **لوجه** **خدا**  
بنده صورتا محبت علما و صلحا اولوب حتی اصفارده و فی مدارس اولمغین ایچون مدرسه  
سباره نام ایکی خیمه تعین انمش ابدی لکن رخص ششده مذهب باطنیه زیاده  
مائل اولمغین اظهار بغض اصحابه بنو اجتناب ایتمز ایلدی بام الله شاد دبار مصریه به فاره



نما اكن عايشه قتل اولاد  
بر حقه ده كشته اند

مسئول اولوب اعمال مغلوبه دن ام القصور نام قبه غلامه مسلط اولان موشلوق  
پيدا اولان بيشه را وجوب بركم التاج ارب مصرى اولدى و وادى شامه سبل عظيم  
كلوب بركم بر سجد و بش مدره و سكر بوز طفت بيش خانه و فوق بيشه و اون  
بدى فرن و اون بر است با خواب اولدى در عقب نكر باو عا درج عاصف طهور  
رشتك بنای شده بر كنيسه اساسند قلع و جو هوا به رفع ايلدى بر طاشنه  
تلاشى كلبين مقدار زمينه نشاب كوتر ب بعد تارب او جارى انتشار اولدى  
في شامه خوره اندك ايكوز بكدن زباده جنگ جوان فرك هجوم ايدوب  
امير المسلمين ابو الوليد اسمعيل الخنق بيش يك مجاهد ايله غناطه قرينده مقابل اولدى  
عون غنايت الحلى سلايك بشت وينا همى اولمغن التلى بكدن زياده  
كافوك خاك هلاكه و شوب غرات نصرت سمات انواع غنايم واسيريه  
اولدى في شامه عشره كوك فرك بركم بيش بركم بى دين و ريدى  
نامنه اولان لعينك زب و بركم داخل زمره اسار اولوب شوهرى قدا ساردين  
عورتى بخلص بركم او نكر صدار فدا انمش اكن اظهار فوت سلام بركم بركم  
ملت سند دست روحه اولدى قاهره مصره خلق مشغول صلوة جمعه اكن كنيس  
نصار اهدم اولمغن فرمان اولمش در بونا كاه مز جانب اهد بر صديدا اولوب  
همان اولان قوصد نغرا سكر ريه به دك كنيس بيشه اندراس بر بركم  
الاساس اولدى في شهر ربيع الاول شامه احدى و عشرين دارالملك برو  
اورخان غازى كند فنج و شجره بند اولدى في شامه ست و عشرين و سبعه  
وزير ابو سعيد خان جوان مدينه منوره ده بر حرام كبا سنى انام ايلدى في شامه  
ثمان و عشرين شيخ القوا برهان الدين ابراهيم جعبرى روبراه جانب راحت ابادو  
اخت اولدى في شامه ثلثين ابو سعيد خان مسكوبلا ولد حدود دارنده غم رانز  
جنان ايدوب جدى سلطان به نقل اولدى في شامه ستمى ايشام  
هلاكو هلاك شامه ابنه اقامات شامه اخوه احمد خان ملك شامه ابن عمه ارغون مات  
شامه اخوه كنجاقو قتل شامه ابن عمه بايد و قتل شامه غازان محمود مات شامه  
اخوه خدا بنده محمود مات شامه ابنه ابو سجد مات شامه خان جنور فسر عمل علم

نقشه برود

بركه سرافراز

بركه سرافراز پادشاه رعبت نواز اولوب خلاف داب اسلا اوصاف شامه  
عدل انصاف ايله انصاف انمش ابدى لغت اولادون بى نصيب اولمغن قولى  
خانم اخاوندن اريا خان تحت از بيجا نده سلطان اولوب التلى ايدن صكره بايد  
خان اولادندن زور و خروجه و دوج ايدن موسى خان مباشرت بشه هبد و موسى خان  
وارث ملك ابو سجد اولدى في شامه خيره شامه شرو شرو نمور نمور سرقند قرينده  
دين كش اعمالندن خوجه الفار نام قريده نمره شامه وجوده و رود ايلدى هم  
اول سبب بركم بركم بركم بركم بركم بركم بركم بركم بركم بركم بركم بركم  
مادى جشندن بركم بركم بركم بركم بركم بركم بركم بركم بركم بركم بركم  
خليفه شكنى قوصه نغى اولوب لباس خلافت اخوه الباس اولمغى في شامه  
شكوه اخاوندن محمد خان كافر ز وادى عصيان اولوب موسى خان ساه ملك  
از بيجا نده طرد و البعاد و وصل شامه ملك برله بخلص مراد ايلدى في شامه  
وزير جوان بركم بركم بركم بركم بركم بركم بركم بركم بركم بركم بركم  
برقضاى خيت طينت سبب خول ايلدى نغى اعدام ايدوب اولجا تو  
خان دخترى سانى يك ربه و آلاى خانى يه از راى كوردى في شامه امير حسين  
ابلكانى كه ابو سجد خانك بر سر عسى اولوب بركم بركم بركم بركم بركم بركم  
جلا بر در مقام معارضه دن قيام كنجاقو خان خجندى جهان تپورى عنوان خان  
بركه مسند آراى ابوان اخشام ايدوب كشور عراق عرب و ديار بكرى  
بركه مسند شمس شمس حسن و تدبير ايلدى في شامه حسن جوانى دنى هلاكو اخاوندن سلكه  
لباس خاگره الباس و صدر حكومت ولايت از بيجا نده اجلاس ايدوب  
سببى كاتر و بركم بركم بركم بركم بركم بركم بركم بركم بركم بركم بركم  
مسئول قوصه نغى ايلدى في شامه بركم بركم بركم بركم بركم بركم بركم  
زائيد صدر خلافت برادر زاده سى واثق باهد ابراهيم مقيم اولدى في شامه  
ملك ناصر محمد طوطى طوطى طوطى طوطى طوطى طوطى طوطى طوطى طوطى  
مسطور اولدى في شامه حسن ابلكانى جهان نمورى استصاحب و طرف  
از بيجا نده يك رايه شتاب ايدوب اقتضاي بدلى و جين جهان

ابتداء دولت  
ابلكانيه



بنور ابد نصاب ظهورن محروم و مهور اولمغین بغداد و وارد قنن بنوری مقتدر  
 از اهل و ساحت ملک کند و سی اسب حکومت اجاته ایلدی **سید خان**  
 و حسن جو بانی بغداد جانشین مشهورانه رخس غنیمت سور و بیدار استیزه  
 صدره فر حسن الیکان بر له غم راه کز اندیدر **والث** با بعد ابرهیم مقام خلافت از  
 اولوب دلی عهده ی غم زاده سی حاکم با بعد احمد بن سکنی صدر خلافته نرفیع اولدی  
 می ششمه **ایکی** اید نصکره منصور قوصه منفی و انده کنج حردده محقق **اولوب**  
 شش ساله برادری اشرف کوجک بر رغو و اقباله صعود ایلدی **بی** اید  
 صکره خلع خلعت سلطنت ایلد اشرف دخی بر طرف اولوب برادری **صا**  
 کرک ناصر احمد جالس تخت غوغوش اولدی **او** **یک** خان ترک سلطنت  
 دنیایی بی بقا و غم ملک عقب **ایدوب** فرزند فروزنده اختری جانی یک  
 جالس بر بر برادری اولدی **خان** فر نور یا شاه رعیت یناه و شهر بار  
 مودلت دستگاه اولوب متورع و متشرع محب علما و ملاذ فقرا ایدی  
**ناصر** احمد مشاعل سلطنتدن ذمیده و کرکده کنج از و او غلته رخت کشیده  
 اولوب برادری ملک صالح اسمعیل غنیمت و قدر جلیل اولدی **می**  
 حسن جو بانی غوغوش غدر بله خاک هلاکه افتاده و امک مقامه برادری اشرف  
 یامنا ده **اولوب** سید خان بی نام و نشان **و** اشرف اتمی مقابله  
 خاتم نسب نامه هلاکو اولان نوش روان نام کس نه خان **اولدی** **می** ششمه  
**ملک** ناصر کرکده بعد الحاصره گرفتار دام اولوب برادری اسمعیل فرمان اوزره  
 اعدام **اولدی** **می** ششمه اسمعیل طرف ملک عقبایه محل بند غنیمت اولوب  
 برادری ملک کامل شجاع مصر و سلطان اولدی **می** ششمه **شجاع** مستطنته  
 زائل **و** اول بتیب برادری ملک مظفر امیر حاج نائل **اولوب** بعد ایا شجاع  
 عازم محله خاموشان اولدی **می** ششمه امیر حاج اشرف کوجکی اعدامه اقدام ایدو  
 کند و دخی نشانه سهام روزگار **و** برادری ملک ناصر حسن بر سلطنته بر  
 قرار **ایلدی** **می** ششمه **خلفه** حاکم با و آمد متوجه درگاه **اولوب** برادری  
 مقتضد با و ابوبکر بر افسر خلافته زبور اولدی **ملک** ناصر حسن محنت خلع

مخبر اولوب

مخبر اولوب برادری ملک صالح مقام سلطنته قیام ایلدی **می** ششمین  
 و حسن **نایب** خلفه کاشته فلم ستوده رقم اولان بدایع و قابوندر که طرطوس  
 شده بوزن اوج شوهره همیستر اولد قنن صکره بر مطلقه دن نشان اولان موضع منور  
 الت رجولیت نمایان اولوب **ماره** **ایک** **نر** و نیجه اولاده **یدر** **اولدی**  
**می** ششمه **نایب** شلال ادر بسته ثبت جدید بیان اولد در عل الدین با غنای  
 ملک جادو اطرافه تا اولیج دیار رومه ستولی اولان خان سینوب و قسطنطنیه و دخی  
 بعضی مصیبت عازی جلی ابن سعوده ارزانی کورب ماعد سنه بالکلیه بسطاید استیلا  
 ایلدی از منده اولد دخی متواری کنج عدم اولو نام و نشان سلجوقیان کنج صفیات  
 اوراقده قالدی ایا بعضی تواریخ ال عثمانیه نظر رسید اولد در که عام سبع  
 و سبعمانه ده علا الدین کعبه و غم عدم با و اندک او غلی غیاث الدین حنین  
 اولوب ظالم **یک** اولمغین ضرب شمش خواتم خدام ایلد فتاده خاک  
 هلاک اولدی **می** ششمه **نصاب** **نصاب** اولادون غیاث الدین بی نصیب  
 اولمغین التی آی شیخ مخلص شاکم کس نه لی تقویب تغلبا افسر و بر رشای  
 ایلد مایه ایلد قنن صکره اعد و سیاه بالاتفاق شیخ بابا البکس بالاتفاق عجر حرد  
 بقایا سندن نور الدین صوفیک پنج ساله فرمان نام فرزند **می** تحت نشین  
 سلطنت ایدوب مملکت یونان دیار فرمان عنوانه شهرت بولدی احوال  
 ال سلجوقیانی متعده اولان کتب مفادی دخی اولد که مضد بلای استیلا  
 جلیکرتنه انکیز اید کشور بارانده ظهور ایدن فتنه محصور که هر طایفه و طایفه  
 اجل **و** قوی و قصبای اربابند **اخلا** **ایتمش** **ایدی** **از** **اک** **ایراندن** **بر** **کرده**  
 دخی رببری نوره صوفی ایلد ترک دار و دیار **و** کفره دوساق تحت تصرفه  
 اولان ارناک جوارنده خطر حل قرار **ایدوب** نوره صوفی بر اولمغین فرمان  
 فرمانی قبیله اکبر اولادی اولان فرمان نام او علی عمده انما منده ایدی بیجه مشهور  
 واعوام مخاذیل کفره و ر ساق ایلد دار هم آ و امت فی وار هم **معامله** **سنی** **خبر**  
 کمند **شیخ** **یش** **نهاد** **اجتهاد** **اند** **کدر** **صکره** **بر** **تقویب** **و** **لغوب** **ایلد** **فرمان** **ایشان**  
 قلعه **سنی** **بند** **کند** **شیخ** **ایدوب** **مساعده** **بخت** **و** **اقبال** **بر** **له** **نرفیع** **آیت**

کفایت ظهور  
فرمانان



دعوی استقلال ابدی بعد اعوام دارد بنا و بدو و غلی محو چاشین بدر **اولو**  
 مرز و بوم روم بعضی عادی احوال بنای دولت سلجوقیه متر لزل اولدوغی ایاده خور  
 محو قونی بن اغوش نکلک المش کن عکس قضیه ظهور و شمشیر انتقام ابدی کنیدی و ابلی  
 برادری معموره استبداد دور **اولو** اب و جدی خدا ارناک محاطه  
 بذل نقدینه سنی و جدی بدوب محمود سن رشد و بلوغه بالغ اولیچ احوال فخره امور ملک  
 مددکاری ارشاد استعدا و بر کمال حسن نظام و بدوب کوباکه است اظهر  
 بنا شمس صبح و دلتی اولتی مرز اولاد و اخلاقی توابع مناشیده ابدی  
 عنوانی خبر انتم انتم ابدی افتاب کینی نام دولت عثمانیه عالم و عالم  
 فیض نور ابدی که حکام تجسته انجا مد کوب و وجود محمود افق شهود و دن بود  
 اولو ب نوبت حکومت اولاد نه متعل اولد قند صکره اندک زمانه خوشید  
 جاه و جلال سلجوقیان خط نصف النهار کالد نرائل اولو ب نجم اقبال فرمانباز  
 تکرار فونی نه حکما هند طعنه زن مرد و ماه اولدی و لکن دیار رومی بنامه قلم و حکم  
 و فرمان ایکه امکان اولوب هر قطر بر تخیله دست نعلنه دوشدی بود تیره  
 اوز که تیره و نوا چسند اصحاب اخیه دن ابدین اوغلی نام برتر ک ضرب  
 مظله نکلک ابدوب ملوک سلجوقیه احوال و نوکر لرند ز صبار و خان و مشت خند  
 و تکه نام اصحاب علو همت مساعده نقد بر حسن تدبیر بر له جالب کند و له نسبت  
 ابدی شهرت یافته اولد افکار وضع مکانی استوار اند بر و ابدی علم شرف  
 جویان ملک از بیجا ند کمال استقلال پیدا ابدوب خان نامنه اولد نوز و  
 سلب ساز و سلب وجود و کندوسی سند خایه صعود و نمش ابدی اتمام  
 استبداد اند انواع مظالم مرکب و جمع مال ابدی تحصیل و بالکب **اولو**  
 اول بد نهادک اواز ظلم و بی دای عالمگیر اولمغین شجره ملعونه وجود بدبودن  
 مانع شهود و دن بر کنده دست قهر انک ایچون خان اوز بکیان جانی بک  
 سوز سیاه کینه خواه و اشرفی نبر نبرده ضرب مشرفی بولا و نثر ابدی نه  
 ابدوب جمع اندوکی در هم و بار دن دور نوز قطار اسر و یک قطار  
 اشتر بار اولدی فی سینه ثمان و خمین بد که چه کرد و اشرف **ح**

ان مظلمه

ان مظلمه و جانی یک زرشخ حسن ایکیانی بنیاد و ده عازم عدم اباد اولوب اوغلی  
 سلطان اوبس کلاه شاهجی بر له سر بلند اولدی چه صاحب غایه البیان قوام الدین  
 اتقان مصرده عازم دار الضیافه رحمت رحما اولدی چه تاریخ ابن کثروه متقش  
 صفحه سطور در که مصرده بن خانو یک مدت عملی طفله کورن اولد قدح سبیلین  
 الخلقه نام الاعضا منبر ذکر و انشی فرقه فریب ولد وضع ابدوب لکن جبات  
 و مانع نبره نقرض و نهش در چه **حافظ** ابو علی و غلی بنیاد و ده عهد خلافت عهد  
 عطر منوکل عباسید نوادون بر یک عورتی بر جواب ابدی فرقه و له ذکر  
 القاب و ب جمله سی تبش اند بر و بونا بخند ابدی انتم در فحجان القادر علی  
 مانع جانی یک اشرفی بر طرف ابدی یک اوغلی سیری یک نام و سلطنت  
 افریجان و کندوسی حکومگاه قدیمی اولد و شت فحافه عطف غمان **ح**  
 ابدوب لیدی الوصول منصب جباتن مفرول اولمغین سیری یک اولد ج  
 محند رحیل و اخی علم چون نام بر فر و مابه تغلبا سلطنت افریجی ابدی نال  
 قد رحیل اولدی فی سینه خان خور کمال نصفت و فور لطف و کمرت  
 مشهور باد شاه عالمیت بر ای باب علم و فضیلت اولوب عهده  
 فضل کرام انک نامنه نیجه کتب نابعت و تجر **ح** حتی جامع کالافت نخ سوده  
 والدین التفاتانی و غلی بعضی مولفاتی جانی یک اسمی ابدی قدیر **ح** انتم در  
 اخلاقی احوالی نامضبوط اولوب اولدیده مکتبه سواد تعاب قلم و اضاعت  
 مداد و غیره بر شنبلی منج اولمغین جواد خانه سبک سیر طرف آخه امانه  
 اولدی **اس** فی ایشا جوی مات شسته ابنه ماتومات شسته آخه بر که  
 مات شسته ابن عه منکو نر مات شسته آخه نوادی قتل شسته ابن اخیه توقای  
 مات شسته ابن اخیه اورنک مات شسته ابنه جانی یک مات شسته ابنه سیری  
 یک انی چون نام مغرب احوالی و ابدی سلطان اوبس مکتو او یچی بر ساز  
 و سلب مرتب عسکر ابدی غم نبر نبر ابدوب دم استعال اش سینه و انی چون  
 فرمای جانیه قرار و سلطان اوبس تحت سلطنت افریجاند قرار **ح** ابدی  
 ح سلطان اوبس فرمای طرفه ارسال تدوکی عسکر صدقه انتم ابدی بد حال



اولین اویس عازم بغداد و حاجی جوئی تکرار وصل شاه ملک اذربایجان  
 برده و شاه آرد و اولدی می ششمه و آنرا نصر آورنده ثالث سلاطین کرین  
 آل عثمانی اولان غازی خداوندگار دست باری هستی همتاسی الله  
 ضامن ملک اسلامیه دن اولدی می ششمه و یکباره سلطه اویس  
 جانب تبریزه توجیه رایت حرکت ایدوب اول کشور ایلدی می  
 ملک صالح خلوع حبض قنادن اوج بقایه مرفوع و اولدی می سلطه  
 مصر حسن بنده زر خند سی بلیغ دست قهرند ترک جانده ایدوب  
 برادرزاده ملک منصور محمد بن امیر حاج خلعت پوش سلطنت اولدی  
 می ششمه و مقتضایه ایدوب یکصد رشتین رحمت رجا اوکو اوغلی  
 متوکل علی الله محمد نامل دولت خلا اولدی می ششمه و اوف معرب و آنرا  
 فاضل سیمین و مصنف معنی البلیب جمال الدین بن هاشم اعوام خلعت  
 مقتضایه غم ملک بقا ایدوب زمره فضل دندر ملک منصور اذیت خلعت  
 مغمور اوکو غم زاده سی ملک شرف شعبان بن حسن بن ناصر محمد قدم نهاده  
 سرسلطنت مصر اولدی می ششمه و محافضا بغداد خواجه حجاز اعلائی  
 لو آئی عصبان انکیر سلطه اویس او جانیه سونی سیاه و خواجه حجاز  
 علما و مشایخ بغدادی شفیع کنه ایدوب مظفر عفو و صفح اولدی می ششمه  
 شیر بد نهاد بنمور شعله آتش کبی ظهور و ولی نعمتی اولان سلطه حسینی  
 دایره هستبدن دور ایدوب قبه الاسلام بنجده برسلطنته  
 وضع و ساده استبداد ایلدر فی ستمه حدی و سبعین و سبعانه سلطان  
 مصر ملک شرف زمره ساد اگر ام سار دین قمار اولمن اچونز عامه لیرن  
 طراز احضر برله معلم اتک تیه و الزام ایلدی می ششمه و سبعین ظهور  
 اوج دفعه طرف خوار زمره لشکر جلوب دور دخی مرسته ده سحر ایلدی می  
 ستمه جنس سبعین سلطه اویس بر تو نور وجودی ساد شهود  
 مفقود اولوب اوغلی سلطه حسین فرمان فرمای ملک اذربایجان اولدی  
 می ششمه ملک شرف محل بند غنیمت سفر حجاز ایدوب خلا واقع خبر شفا

شایع اولمین مساعده کبار امار ایلده اوغلی ملک منصور علی ملک مصره متولی  
 اولدی می ششمه ثمان و سبعین بویام غنیمت و اصل سمع اشرف اولمین  
 حضور و ارام بر طرف اوکو طوف مصره اماره لجام قفول ایلدی قریب ایلده  
 اماره سیاه بن روی قبال کور حکمین ناجار و ایدوب عقلمنده اسیر  
 و نعمت جاتد نر سیر اولدی می ششمه متوکل سند خلا فند نرفع و ابن غم  
 معتمد بید زکریان ابرهیم نصب اولمش لکن قبول غامه بولنمفین اوزریش  
 بکره کوندن صکره خلعت خلافت تا مینه متوکل و دش ستمه دانه اعاده  
 اولدی می ششمه خلیل بن فرجه ذو القدر که شجوان طایفه ترکماندن اوکو  
 نواحی معش و البستان ده ضرب خیام آرام و کند و قبیله و غیره سندن  
 بریج یک اوکو و نانه آرام انمش ایلدی نائب السبانه مبارک شدن  
 کور دکی جور و ستمه نخل انیموب طایفه عصیان و وضع قدم و مبارک شدن  
 سوزاه عدم ایلدی می ششمه رئیس طایفه ذوالقدر به خلیل و اوزه  
 ظهور ملک صالح ملک سمع شعورینه و اصل اولمین حسب الامر حلب و شام  
 اول طرفه اماره لجام ایدوب خلیل حبال و قلاله حصن ایلده الدندن خلاصه  
 مجال اولمین ناجار مقابلیه قدم و بامره تقا ملک صالح عسکرین و اوزه  
 صوای انذار ایلدی می ششمه مساجد حلب شهربادون برنده صلحای  
 برینه صلوة فخره رابل شفا ظاهرا اقد ایدوب امام قوایه قرآن عظیم شانه  
 آغاز اندکن اول کشتنی بد بخت دهنه استنار بپ باز و هنر کوبه  
 اوضاع ایلده صور تقلیده سخریه به آغاز ایدوب امام سلام و بریک بفرمان  
 ملک قید اول شبر فی کمال شکل خنجره متحول اولد و غنی متضمن جلد بدو  
 مصره عرض و محرواصل اولدی دیونارنج ابن شحنه و غیره نر حور در می ششمه  
 ملک منصور علی دولت پنج روزه جیاتد نر بهجور اوکو برادری ملک صالح حاجی  
 شاه ملک ایلده سرور اولدی می ششمه و آنرا دن قدم نهاده سیر  
 ملک لاندک پیشری برقوق اوکو خاتمه شرف تاه دولت اتراک ملک  
 صالح حاجی در ایست ان ایک ترکمان ششمه و ششمه الله علی

کیفیت ظهور طایفه  
ذوالقدریه

انقراض دولت اتراک  
و ظهور دولت چاک  
در مصر



فطر قتل شد بر سر تات شد اسیر که خلع شد اخوه سولش خلع شد قتل  
 مات شد اخوه اشرف قتل شد اخوه محمد خلع شد کبشا خلع شد لاجین قتل شد  
 محمد نایب فرغ شد بر سر قتل شد محمد تالش مات شد اخوه منصور خلع شد  
 اخوه اشرف کو حاکم شد اخوه احمد فرغ شد اخوه اسمعیل شد اخوه جبار  
 خلع شد اخوه امیر حاج قتل شد اخوه حسن خلع شد اخوه صالح خلع شد  
 حسن نایب قتل شد ابن اخیه محمد خلع شد ابن عمر شعبان قتل شد اسه علی شد  
 اخوه حاجی خلع شد واکمل شد **سلطان** اویس اولادند سلطان احمد  
 جلایر برادری سلطان حسینی اعدام شد بدوب تخت تبریزه غوانوس  
 ایلد اجلاس ایلدی بی تیمور ایلد عظیم استامفور شمشیر شجره ایدوب منشور ایلتن  
 اوغلی میرانشاه نامه خبر ایلدی بی خلیفه متوکل استا و طلب سلطنت ایلد شاهی  
 محنت غول حبس اولوب غم زاده سی واثق باسد غرابوان خلافتد جلوه کرد اولدی  
 بی **سلطان صاحب** ظهور تیمور سیستان و ابله لشکر و حکم و فرمانی ایلدی  
 بی بغداد و بی سلطان احمد کند فرمانده بند اولوب تعیین شد قتل شد زکریه  
 طرف تبریزه غانیزه واجعت اولدی بی **شارح** الیه بایه صاحب العنایه  
 اکمل الدین مصرده عازم خلد برین اولدی بی **کشور** مازندران و بی سنجریخ بیلاد  
 نژاد تیمور بدنه ادا اولدی بی **خلیفه** واثق باسد معتکف کنج خارا اولوب برادری  
 معنضم ذکر بانبا دست خلافتد فرار ایلد کای **سه** ثمان و ثمانین مقدار خلیس  
 ذوالقدریدن حکم اضطار صدور اید بر دلا ند حرکت غبار عاری از ازله حاکم علیه  
 بر فوق بعضی امر ترکمانی نوید احسان ایلد فرمانده رام و خلیس سیف غدر و حیف  
 ایلد اعدام **ایدوب** ثواب حلب و شام سیاه بی کران ایلد ترکان افروز  
 سلطان ایلدی برادری خلیل سولی تازی سوران عربیه مقابل اولوب صد وجهه  
 برله بریشان **و** حوا و بهر سنان ایلدی خاک هلاک غلطان **ایدوب** بی  
 فتح و نسیم ملکات عراق و عجم و بلاد فارس حکم استدر ارج عنوان ظفر نامه تیموری  
 اولدی بی **سلطنت** بر فوق قدر خلع اولوب تکرار مالک قیدی ملک صالح  
 حاجی به تسلیم اولدی بی **خلیفه** متوکل تکرار صدر خلافتد زیب و فر

و بدوب معنضم کنج از و اتقا اولدی بی **سلطان** دشت طریق سعادتمندی خواجه به ایلد  
 نقش بندی خضر تر عازم سیر برستان جهان اولدی بی حاج اوج بر سلطنت  
 افاده خاک مذلت اولوب نایب رفوق اول مقامه قیام ایلدی بی **مظفر**  
 فیوض سبحی مولانا سعد الدین نقاشی متوجه دار الضیافه رحمت رحما اولدی بی  
**کاشف** هزاری خواجه حافظ شیرازی ترک ملک مجازی ایلدی بی **ما** هجره  
 حشمت تیموری دشت قیاقده لامع الاشراق اولوب اول قلمیده قدما  
 چار باشنشین ابران کا اولد فو قمنش خان جکیزی دم شتعال اثر حب و  
 ستیزه تیموری قته انگری میان زمانده جاد و معجز ایلد ستره محتاج انیش کنج  
 عکس قضیه ظهور ایدوب تو قمنش خان میدان و دانکیدن سمت بهر قمره رو  
 کروان اولدی بی **تیمور** بدنه ایلد دی تخیب **و** الیه سی نظره انواع بعد  
**ایدوب** مار دیندن ماعد عموما کشور دیار بکر می سحر ایلدی بی **سه** خشتین  
 احمد جلایر بی مجرد استماع پیام قرب تیمور ایلد و جلوه بدوب اول  
 کلب عقور بغداده پنجه زن استیلا اولد و بی منظوری اولیجی دشت کرداد جلوه  
 اندن مصره وار دی سلطان رفوق ایلد دیله تکرار جلوه کلوب تیمور ک جانب  
 دشت قیاقده توجیه رایت غنیمت اندوکی سموعی اولیجین طرف بغداده تحریک  
 رکاب مسارعت ایدوب تکرار مسند سلطنته فرار ایلدی بی **سه** سنج و  
 تیمور طرفند بر قوتد لا و کذاف متضمن کینوب نه بدید اسکوکلوب نامه رسان  
 اولد دورت ناتار توسط غنیمت بهر آید برله توسط اولدی بی **سه** شمع  
 و بعضی بر فوق خلیل ذوالقدری به اندوکی طریق غدر ایلد سولی به دخی ظفر بولون  
 زمام حکم و فرمان طایفه ترک ناصر الدین محمد بن خلیفه سلم اولدی بی **سه** بر فوق  
 لاحق رهروان عدم اولوب ده ساله اوغلی سلطان ناصر فرج مسند سلطنت  
 برله محترم اولدی بی **تیمور** دیار بنده سفر **و** اول کشور کی سحر **ایدوب**  
 سلطان محمود و ملو خانی کنام وادی بی نام و نشان ایلدی بی **سلطان** احمد جلایر  
 کند و به خلافت واقع قصد بد احکام ایلد ارکان دولت و مقربان خضریدن او نه ترک  
 قدر آدمی مسافر دیار عدم ایدوب بود و نبه ایلد شغای صدر کلکین الحق التی نفرو







و عاقبت الامر و آوای افلاک با نهاده **اولدی بحسب الوارثه مستحق**  
 بر سر سلطنت بموری اولان سلطنت غلبه استبداد اکاه اولمحق  
 ناجار کنج نخله قرار ایدوب ظهور الطالجه به جسم کوش اولدی اولدی  
 اوضاع اطوار خیمه ها نه اید سلطنت خلیفک ارکان سلطنته نائل اندام و امور  
 دولتی تحت النظام **اولوب رعایا و عسکر کند و دن متفر اولدی پس کا**  
 غم راه ایدوب خرد اید اول سرکشی فرمانده رام **و ابان ملک**  
 ماوراء النهری و زنده بندگی الف یک مبرزایه تسلیم و صکره صوب خراسان  
 امانه الحام **ایلدی فی شش ماه قریه یوسف** صورت او غلی میرد غنی تخت تبریزه  
 اطلس اندوکی یکا و اصل سمع احمد طاهر او یحیی مقدمه مامورده محبوس و لد قلمر چکانده  
 خنور میرد غنی تنی اندوکی جتند نه به حال بر مدت صبر و تحمل ایدوب عاقبت  
 قریه یوسف بعض مصالحه طلبه تبریز و دن ولایت ایزدجان غنیمی  
 حکامنده نفس آره فرمانده رام **و ملک مورثی استخلاص سودا سیله بی**  
 آرام **اولوب سیاه بنوه و کمال نکوت شکوه برله واصل و مراد**  
 دل اولان واصل شد بد ملک از سیاه کانه نائل **اولدی فی اویل شهر محرم شش**  
**ارمنجان** دست تعرض دراز اید قریه عثمان غانکه سینه عقد مصالحه اید اید  
 دن صکره قریه یوسف جانب تبریزه عثمان توجه امانه ایدوب سلاطین  
 شت غاران قریه منظم **و عالم وجود دن مقدم** **ایلدی فی شهر**  
 ربیع الاخر مقدمه کشته شمشیر غازی اولان سلطنت حبیبک ابان او جند  
 سلطان احمد یحیی یقین قرار اولدی قریه **یوسف** دیگر او غلی شاه محمدی  
 بغداد و اشترانده نامزد ایدوب بر سر نه دن زیاده محاصره اید کشور عراق  
 شاه محمد حیطه ضبط و تسخیر داخل اولدی فی شش ماه **مقدمه** ضرب نوبت  
 اید دردن شیخ محمودی و نوروز نام ادا شام طرفه نذر اواره بفرع صبا و جلیه  
 اسکان شش قنده و درین اخلاص قصبه سلاطین فرج اول جانب سو قیاس  
 و خلیفه مستغنی دمی همراه **ایدوب با مراد لک منظم** و صفی شریزه  
 رسم وجودی مقدم **اولدی فی شش ماه قریه یوسف** و ناخواه شیخ محمدی خلعت

خلعت مستغنی طار سلطنت اید نرین ایدوب طرف مصره توجیه است  
 غنیمت اید بر بدی ای تانده شیخ نور شریف سلطنتی کند وجود بد بود لیس  
 ایدوب مستغنی مسند خلافت در دخی طرد و ابعاد **و برادری معتقد اید و اول**  
 اول رتبه به اصعاد **ایلدی فی شریف جرجانی بودار و حشمت مداردن قطع**  
 پیوند تعلق ایدوب **روضة الانس** جهانی شریف اید فی شش ماه **مقدمه**  
 موبد شیخ فرحش و البستانه مستوی اولان ناصر الدین محمد و القدری به طریوس  
 و قیاس به شام بنان بدین دخی تفویض اید فی شش ماه **احمدی و عشرين و ثمانه**  
 خواجه محمد بار ساحل بند غنیمت حج بیت خدا اولوب مدینه باهره کینه  
 عازم دار القزار **و سکان بقعه شریفی بقیع اید بمجرار** **اولدی فی شش**  
**قره یوسف** ترکانه ساوغ غنیمت ایداری سرشار ایدوب نه جو غمرک اید اید  
 خاک هلاک اولدی فی شش ماه فرمان فرمای مصر موبد شیخ میکاه عالمه قدم کوز  
 حکم انحصار وارثت بر یحیی یا شنده احمد نام صبی که هوای نشین بوست  
 سلطنتی نوبت اید فی شش ماه **القی اید صکره انا بک ملک طاهر تاتار**  
 والده سنی عقد کاه داخل ایدوب دولت و صل شاه سلطنته دخی نائل  
 اولش اید شیخ آید مبتلای دادشاد مرک و لو او غلی ملک صالح محمد سلطان  
**و آوج اید صکره محمدی خلق اید ملک شرف بر سبای جو کسی صدر سلطنته**  
 رفیع المکان **اولدی فی شش ماه** فاطمه نام خاتون دن چار دست و اید  
 برخشی تولد ایدوب همان اولدم که هوای نشین عدم اولدی فی شش ماه  
 بر سبای و ملک و زره عسکر خیره قبره امانه سکان غنیمت **و سکا غوطه**  
 خورججه نهیمت **ایدوب قطار نه با ایدوب ملک خورججه ده دخی شمار** و  
 وصوله صکره قبول خیره و ایزد ام خراج کداری برله اطلاق اولمنق اختیار **اولدی**  
 فی شش ماه **خلفه** مغول سنین بر سر نه مصره مبتلای دامگاه اه و این اولدی  
 صکره اسکندریه به یحیی ایدوب انده طعن طاعون اید غنیمت اولدی  
 فی شش ماه **و ثلثین ابام طاعون مقدم** و یوما فو ما شنده **اولو قاهره**  
 عدم موتا بر کونده **القی یکم** تجاوز اید در شش ماه و بد که تسلا طرد اید و



صحراوه مطعونان هلاک و لشش بولندی ناکه بر روز فیه و رجعه ده محمد نام قوی بود  
 وقت عصره دکت جامع از هر ده همزمان اتفاق مشغولان ملا و قران عظیم نشانی  
 بوده کلبا مکث از ان شریف بر لکه شرف ساز اذان اول و چهار اول  
 کوندن بیا سورت طاعون منهدم و بر هفت تمام اولدین بالکلیه منهدم  
 اولدی **حصه** اسماندن قطرات باران ایلدی حدیثی فیه باغ و اسواق  
 فی محل سبز ایک دو شمش آینه و با خود قبض باران نیسان ایلد و  
 بولش چنه و دوندوی فی **شکه** موده مطلقه بر عورت حامل ایکن حملی کتم  
 ایدوب ایکی شوهره دمی هم بالین و ستر اولد فیه صکره مدت حل نامند  
 طغان اوغلان چنه سنده بر ضفدن وضع ایلدی فی **شکه** سلطان مصر سیای  
 غم افکنم عدم ایدوب اوغلان ملک عزیز یوسف تخت بوسنی به سیاه انداز  
 اولش ایکن او چنی آیده انابک ملک ظاهر حقیق ناج سلطنت بر لکه سرفراز  
 و یوسف مجلس سکندریه ده مبتلای جس دور و دراز اولدی فی **سنه** ششین  
 و اربعین و ثمانه خلیفه معضد بامداد و دجاک کریان خلعت وجود ایدوب  
 برادری سنگنی بامداد سلیما بر خلافت کادان اولدی فی **سنه** خرس و اربعین  
**شیخ** القوا ابن جردی و صاحب القاص علامه فیروز آبادی و مؤلف بدیه  
 ابن حجر خلافت معضد ده غم ریاض قدس ایدن مشاهیر علما دند زان **ص** الدین  
 محمد و القدری ساحة عدیه ضرب خیام ارام ایدوب سلطان مصر حرم طفره  
 زید و سندن اولان بلا و حکومتی غم زاده سی ملک سلیمان سلیمان ایلدی  
 فی **شکه** شاه رخ میرزا جود نوش جام قنا اولان اکبر اولادی الخ نیک میرزا حاضر  
 بولمغان اوغلان لطیف میرزا نیابت بر رککه کجوب حقوق و الدی ایدوب ضرب  
 قلم نیان و اظهار مخالفت و عصیان ایلدی فی **سنه** حشمتی نامه **ید**  
 و سیر میاند بر قاج دفعه شمشیر بر تیر خوب و سینه جلوه کرد و عاقبت  
 الخ یک میرزا خارج سوخته اول بدکهر تیغ غدیری ایلد و نهاده خاک هلاک  
 اولدی فی **سنه** ثلث و حشمتی ایدن صکره عبداللطیف باغ جناز نام سیر و  
 بعد العث شهده کلور ایکن الخ یک میرزا مخلصند زان حسین نام دلاور

بزره شکافته نشانه اولوب هدفت ناوک انتقام زمانه اولدی **سنه**  
 اربع و حشمتی **بیام** عبداللطیف انتشار یافته اولوب بخاراده مجوس و  
 میرزا سلطان ابو سجد سیر میرزا سلطان محمد بن میرزا میرزا شاه بن تیمورک  
 و اصل سمع شعوری و الحق اتفاق جمهور ایلد و لا بخاری بند کند شمشیر ایدوب  
 نایا سرقندی داخل حکم شمشیر ایلدی فی **شکه** سنگنی بامد غم عدم ایدوب  
 برادری قائم بامد حزنه و صل ساهد و بر لکه دشت و بر لکه دار السلطنه اعلیه  
 قسطنطنیه المحمیه ابو الفتح سلطان محمد خان شمشیر زمانه سخر اولوب اول  
 کشور نور اسلام ایلد و لدی فی **سنه** سبع و حشمتی **حقیق** سلطنت مصری  
 اوغلان ملک منصور غمانه فراغ ایدوب اون اوچ کوندن صکره باغ عالمک  
 کشور عدم خوام و شهر کامل قلمنده انابک بنان بیچاره عثمانی اسکندریه  
 زندان و خوب سبهاز بلند و از سلطنت کند و بدرام ایلدی **سنه**  
**خلیفه** قائم بامداد منصب خلافت منور و برادری سنجی بامد یوسف  
 اول مطلبه و اصل او کو قائم بامداد مجلس سکندریه کنج غلت اولدی فی  
**سنه** سبع و حشمتی **خلیفه** مغول قائم بامداد حزنه مجلس سکندریه حقه جانشان  
 محنت زندان خلاص اولدی فی **سنه** ثلث و ستمین **اینان** نوبه شمشیر  
 مرض موت ایکن زنجیر رعایت شریک خرم و احتیاط تقدیم و مسند جاده و کل  
 اوغلان ملک مؤیده احمده تسلیم ایدوب بشی آیده انابک ملک ظاهر  
 خوشقدم خلیل بر سلطنت و اقبال احمدی اسکندریه به ارسال ایلد  
 فی **سنه** حشمتی ستمین **ارسلان** ذوالقدری قصد زیارت سلطان مصر ایدوب قاهره  
 واروب مقدم خبر دی اوزن حشمتی تسلیم اندکی سینه مقابله سندن  
 مغرور شمشیر سیاست اولدی فی **سنه** سبعین **سلطان** مصر خوشقدم و  
 ایلد زان حکومت ایلد و القدریه ارسلان اوغلان شاه بد غم ستم اولش ایکن برادری  
 شهسوار سلطان روم و حرم ابو الفتح سلطان محمد ایدوب لکه ستر و ایلد ایلدی  
 فی **سنه** **سلطان** مصر خوشقدم و آلی ملک عدم او کو انابک بیای دست سلطنت  
 وضع قدم انیش ایکن ایکی آید بیای اسکندریه زندان کوفار و انابک

فتح استانبول



بر تقاسمند حکومت برقرار • اولوب دره معهوده تمامه اول فی مقامدن  
 زایل • و اما یک ملک شرف قابیای هر کسی عروس هزار داماد سلطنت  
 وصال غیر المثلثه نائل • اولدی ای شیشه دار خلایق بغدادده عصره قریب غنیم  
 و برق ایل بر رطل و بعضی در فخر زیاده بیاض طاشن باغ و آب و بی ادمه راست  
 کلد و کنی افتاده خاک عدم اندی و بوسه وی نایب خنده کاسته قلم بدایع رقم  
 اتمش زنی شیشه عمدت قلب تمور بدن اق قبولی لطیفه سنگ ریشی اولوب  
 مملکت دیار بکرده بعضی بر لره حاکم اولان قره عثمان شاهین میرزا زاننده دار دیار  
 بدر • و اوغلی علی یک و آرتک بدر • اولوب بر مدینه صکره اول و علی  
 عدم • ارتحال دیز بدستنده اولان ولایت اوغلی اوزن حسن یکله انتقال اتمش در  
 سال سالت حشمت و اقبال عالی اولوب قوه قبولی درون قوه بوسه سنگ  
 اوغلی میر جهان شاهی ضرب شمشیر فخر ایل خاک پهل که غلطان • و حکو مسکا ای و لکه مالکی  
 داخل خطه فرمان • ایلدی ای شیشه خیر و نور کور کانترا و سلطانه ابو سعید و اصل  
 سمع شعوری اولیجی مشهورانه حرکت ایدوب اردبیل قریب بر محل دفن کده  
 بعد الحاربه اوزن حسن قید کیده گرفتار • و متواری کنج شک و تار غرار اولوب  
 در حسن دراز فخر فخر لره سرفراز اولیجی و احد بعد واحد تاجی ملک ادربایجان واران  
 و کردستان و فارس و عراقین و کرمان خراسانه و کشمیر ایدوب بر پنج نشین  
 مسند کاوانه اولدی ای شیشه بدایت ذوالقدری سلطان قابیای امداد و بکرار  
 البستانه مستولی اولوب بر اداری شمسوار خلدنه امانه گرفتار • و درگاه سلطانه  
 ضمیمه پیشکش و نثار • ایلدی قابیای بدای اول شمسوار مضار کارزار انواع  
 سیاست بر لره اعدام ایدوب بدای بدخلایق بی نازع و مزاحم حاکم اولدی ای شیشه  
 اوّل حسن ابو الفتح سلطانه محمد خان غازی ایلد ترتیب بزم زنده اقدام ایدوب  
 صدمه انحراف افتاده • و وادی فرانچ یا نهاده • اولدی ای شیشه ناکوس بعین  
 قدس شریفه ضلالتگاه بهود کراه اولان بر کینه حسیه محمد ایلدی ای شیشه  
 سر بولغین بهود مردود اول کینه بعد اتحاد اتمش منع اولوب طرف  
 حاکم الشریعه تفصیل اولکند بی حجب خاسرین بهودی درم ارکان و نشت قابیای

بدل مال بر لره طرفداریه امانه ایدوب فلک خفاه و محض و لشکر لکن اهل اسلام قلم  
 سعی به تمام اوزن قیام ایدوب استیفاء و عوایه اذن سلطانه صدور و حکم  
 حده غنی ظهور ندن صکره اول واجب لاندی سیدی ممدوم الاساس اندی سیدی شمع  
 و سبعین اندک زمانده صدمه شمشیر غیرت صاحب شرع بر لره سرتکون خفته ناز  
 اولان و وادار کبیر شیک بهوده طرک کله و لغین بوماده ده احانت اغوش بدین  
 اولان مشیر کنی محل ناموس من مبین غایب امور ظهور ایدوب عافیت کاکیه  
 ممدوم تکرار عاده اولکند فاکلم مد العلیه القدری سیده یارنجی البف اولان عام انشین  
 و جنبین و الف خلافت و حی بومال منظر الملل قریب مصائب و بینیه وین برادر غیب  
 دار السلطنه قدیم برو سده صورت نما ظهور و لشدر الطاف الهیه و مامد  
 صداق اولدر که واقع احواله مطابق نقش بندی ویر بخیر و امانه عوانق و هر بر قمر مانع اویه  
 و امدد الوفاق انس اجمیل نام کتاب ارایش کتابه یوان بیان اولمشدر که امر نامشروع اعان  
 کینه مقرر اولیجی اسمعیل نام ستاد بنا مشهور ادا خدمت بنا اولوب اول  
 کبیر سالار انبیا حضرت برین علیه الصلوه والسلام عالم رویاده مساهره ایلدی و طرف  
 عالیه ندرنا اسمعیل سن بجا هر کون نخه صلوة و سلام ایدوب کس بهود مردود و نبی نشانه  
 سهام سبت دوست نام ایدو چکری کینه با سینه شمشیر ساعد اتمام امیک رو ایدوب  
 بور مال ایلد اول و اگاه سبت ایلد و یوب هر ندر کلوان ایلد مال ایدو ایدوب  
 بهود طرفه صورت اقبای و کوسه مدی • در آینه نیر زده بزبون سیر نیجه درنده کیک ایلد  
 بر سهری خلیل میرزا ملک بدر مستولی و امیک یقینی ایلد بر اداری یعقوب میرزا  
 دیار بکره والی اولدی ای شیشه تینین و ثمانین خلیل میرزا اطوار اهور ایلد بنظر قلو  
 انشکین استدعا ایدوب بر لره یعقوب میرزا ملک جلوب جند و حوی حد و دنده  
 ایکی برادر جنگجوی مقابله اندی بر انا مقابله ده خلیل میرزا کشته شمشیر اولوب یعقوب میرزا  
 و بیج نشین سیر سروری اولدی ای شیشه خلدنه سید یا سید سرزاده و سادیه جات  
 جاودا اولوب برادر زاده سی منوکل علی ایدوب عیون یعقوب نسل و صلح  
 خلافت بر لره فرین العین سادما اولدی ای شیشه در مصر وادار کبیر شیک  
 ندر میر یعقوب بن حسن ایلد بر لره جند ایدوب مندرم و ضرب شمشیر یعقوب ایلد



ساجد وجود و منعم او که در شش ماهی در باز سنجاشه رضا که آن  
 کجی سی بدنه منوره ده راس منابر به ریب به صاعقه نزول و تجید و تهلل  
 اولاد رئیس المودین شمس الدین اجل موعود حلول ابدوب سقف شریف مسجد  
 و خانه کتب و مصاحف ترفه محرق اولاد فاکم که شش ماهی شش ماهی  
 از سلطان باید بدو صدقه قبل از قیامت مقاومتی خم اولاد برادر سلطان  
 جم حکم اضطراب ترک محاطه ناموس و عار و سلطان مصر قایمای در کابینه  
 البی رسوایان اختیار ابدوب ضیف کرم سلطان جم قایمائی طرفه نظره  
 به شمار اولاد که به سبیل عظیم هجوم ابدوب تا خلقه باب معلای جفدی  
 فی شش ماه موشل اخلاق مسجد شریف نور سلطان مصر قایمابه وصل و بجن  
 استعمار اوند سنج اولاد بعضی که علی ام المرام فرین تمام اولدی فی سنه  
 شش و ثمانین **سلطان** روم بایزید خان ولی ایله قایمائی بنیله در عدوت قرار  
 اولوب طرفه نیمی رسوخه صاعقه شمشیر انشائیر اولدی فی سنه **شش**  
 برادر و جم **شاه** کشتورجم **پیشوا** اولاد شاه اسمعیل اردبیلی شاد صبری  
 عالم کون فاده وضع قدم ابدی فی سنه **شش** و **شصت** و **عشر** و **م**  
**شاه** و نظایر بزرگ زاده و حوم حاشیه سنده شاه شش ماه  
 عمرت ظاهر بویید بر انتساب دعا اندو که دعوی زور و سینه ست  
 و شصین و شصاه حد و دنده قاضی بغداد ایکن نقادین بعضی نقیسات  
 شهید شهید کربلا بداماننده اما واجد اوند موروثه بر سجده نایب  
 مشا به سبله استسعاد میر اولدیکه اسمعیل بر فضیل از امیده اصل خیره  
 اخو خطه برور قه قه الصاق و اولاد زور کاغده نسبتی مواض  
 انقراض برله منقطع النسل اولاد موسی بن حمزه بن الامام موسی کاظم  
 احاق **انتم** ایکن شاه اسمعیل حقیقت خالده اکاه اولاد و **ترویج** مدعا  
 بیکون بر سنج دخی بجز و انده زور موسی کاظم برادری ابو محمد قاسم اولاد  
 اولاد و زره تصویر **اندر** شد در خلاصه ها اخوه مخالف ایکی سنج نقبای  
 شش ماه سنده محفوظه ریبوسک قانور انتم در و اولاد علم اجمال غنیت

احوال ظهوری بوموال اوزر در که شاه اسمعیلک جدا علما اولاد شش  
 صفی اردبیل بر مرد زو به نشین اولوب بالواسطه حجت الاسلام  
 امام محمد غزالی در نقض ادعای غنیت انتم در بعد موثر او علی صدر الدین کاین  
 سجاده ارشاد و اولاد فی غم غمده ابا و ایند که هر صکره و زندی شش  
 علی بعد او علی شش ابرهیم مرجع اصحاب استر شاد اولاد شش ابرهیم  
 کجی کدده مضمون اولوب بر شش جنید جالس محراب مشیخت اولدقه  
 درگاه ارادت دستکاهی مبدلر گوش پوشنه صدر اهل فرید القانیر  
 اولاد بکده کشور عجم فرام و نا اولاد فریقونلی قره بوسف او علی امیر جهان شاه  
 زره و خوجه و جلری اندیشه سنده و شوب مرشد و ستر شاد اردبیل  
 اخراج و استکبار ارجا ایله زعاج ایله دیار بکره وار و قلنده کاه اولاد فی سنه  
 اوزر حسین بر علی یک بن قره عثمان امیر جهان شاه زعما مقدرین اکر ام  
 نام ایله کلا ابدوب حد کجی سکرم نام خواهرین جنیده و جلیم سکرم نام دخترین  
 او علی حیدر نروچ و بکو که نظر التفات ایله بازار روز کارده متاع اعتبار  
 ترویج ایله کجی زمان قاندر حب وطن علما اصطبار شش جنیدی دست  
 اختیار و نربوده ابدوب اردبیل طرفه تکرار نوبه مطبوعه است ایله  
 دامادی اولدغی حسن طویل استناد له لوا حشمت و اجبا عالی اولوب  
 اسباب علو جاکم نرب و انخس از نمانده جلیم سکرم کوکب زحل محل وجود  
 اسمعیل بدید اولد کجی جنید و اردبیل بدر اولاد شش حیدر جانشین  
 بدر اولاد یعنی سار صورت او غلبه الباس لازم کلمه کجی مرده سنده  
 فرور حوقه و دوازده امام مجتهد اولان ایکی ترکی نایب الباس ابدوب اولاد  
 بین الناس قزلباش عنوانده شش و کده بعد زمان مردم سبله در بند شیه و ان  
 یعنی طایفه کرجستانه لوا غرا نوبه ابدوب شیران جاکو کدیز بوی  
 از روی کشور گیری استشمام انکی بر روی غریبه سدر مانوت یکدی  
 منزل نبر سران نوا جرسند بین الفریقین سنج اولاد انش و بقتالده  
 جدر سوخته نار شمشیر صاعقه بار اولاد مرده سی مار و مار اولد و اردبیل او علی



علی دامن بعینه تشبث ابدوب خود بدربار طبله کربص اندر یو خبر  
اوزن حسن و علی یعقوب میرزا گوش و هوشنی تحکمش ابدوب دفع و غلبه  
و تشویش اچون غریب و علی برادر بر اچیم اوج دورت باشنده دیگر برادر  
اسمعیلی والد لری خدیجه بیک ابدوب صطخر قلعه سندج چهل نفر روی **ایقوب**  
میرزا سر مست جام فنا اولوب ابناء غنیز بر گره بایستغیر میرزا به  
و بر طایفه دیگر او علی سبب میرزا به اتباع انکیلین بن الفریقین واقع اوله تحکم  
و فساد قاضی ماضی الحکم حسام جوان آشفته خرافه افشا ابدوب سبب  
میرزا انک سبب جانی مضروب قلم ابطال و وثیقه استقلال میرزا به  
امضای صح البتله قریب احوال اولدنی است و شعبین و مانا به **خواج**  
ناصر الدین عبید الله احوال بر قنده غایم صفه صفا افراد اقرار اولدنی  
**انک** زمانده میرزا بایستغیر عم زاده سی رسم میرزا به معصود بیک  
قدم حسام اوزن قیام و ضرب دست ابدوب که از باج خواننده رام  
ابدوب بایستغیر اچار امارا اولدوغی شیر اناست به فرار ابدوب که  
رسم میرزا بایستغیر اطر قنده این دکل ابدوب که بد باجده مضمونی اوزن  
شیر و از شش بایستغیر امارا دنده اشغال طایفه سبله شیخ جبر و اولادنی  
مجلس صطخر دوز ازا ابدوب اول خلا لای بای سبب که حکمی استماع اولمغیر  
املاک اجدادی مرده سبله علی جناح الاستیصال رسال ابدوب که تاج و تاج  
بایستغیر مقتول و رسم میرزا نائل ممول اولو اولاد جبر که اگر ام  
نام ابدوب و سبله کوندروی **نوسط** خبر اندیش ان ابدوب سلطان بنیر خان و قاضی  
بینارین فروزان اوله اشن بغض و کین سبب که کین و وحشت عداوت  
الفست صداقته منبدل و که **مخروم** سکار مولانا عبد الرحمن باجو ع  
نوش ساغ جبات ابدوب اولدی فی سنه ثمان و شعبین **سلطان** مضر قاضی  
تحکام جام فنا اولو او علی ملک ناصر محمد میر مجلس سلطنت به بقا اولدنی سنه  
احدی و شعبان **علی** الدوله ذوالقدر طه نور و برادر بی بدست احد عکده دور  
ابدوب سبب و طرسوس آمد و سایر ملا و بابکره و فی تسلط و استیلا ابدوب

شان و شوکتی کمال رفعت و اعتدال بولدی فی سنه خلیفه متوکل ابا جمعی انجامه  
ابدوب او مستمسک بایستغیر صاحب مقام خلافت اولدنی سنه  
خروج مستمسک ابدوب اثره خلافت عباسیه تمام اولوب منزه ابدوب فردا اول مقامه  
وضع قدم انتمش در برابر انک زمان خلافتده صاحب قوا و هفت ابدوب سلطان  
سلیم عام ثالث و عشرین و شعبان شهر محرم الحرام کشور برینا سر مشرب ظفر  
بیکر ابدوب جین عوده مستمسک ارنزل عمره بالغ اولمغیر تکلیف رفاقت  
رضین فیه سبب لکن او علی متوکل علی الله محمدی مصدرن دیار رومه افواج دور  
مدت بدی قله ده جیس ابدوب از عیاج ابدوب سال است و عشرینده مرده خلیفه  
ابدوب متوکل اطلاق ابدوب تمام قابله مستمسک رحمت خضر و صل و سنه حشر  
و اربعین حدود دنده متوکل نصاب جیادنی کامل اولدنی عثمان نام لکی فرزندی  
اولوب بر مدت خزانه عارفه سلطینه دن همه مند و طیفه دار اولدنی **نواض**  
**دولت** عباسیه در **مصر** **ایشان** مستنصر بویق **سنه** مات سکه حاکم بویق  
سنه ان مسکنی مات سنه ان اخوه واسع خلیفه خلع **سنه** ان عه حاکم مات سنه  
اخوه معضد مات **سنه** ان متوکل خلع **سنه** ان عه معصم خلع **سنه** متوکل نایب خلع  
**سنه** ان عه واثق مات **سنه** اخوه معصم نایب خلع **سنه** متوکل ان مات **سنه**  
ان متوکل خلع **سنه** اخوه معضد مات **سنه** اخوه مسکنی مات **سنه** اخوه قاع خلع **سنه**  
اخوه مستنصر مات **سنه** ان اخوه متوکل مات **سنه** ان مستمسک خلع **سنه** و **سنه**  
**سلطان** مصر ناصر محمد مجنونده صد و اربعه اطوار کونا کون الله تغیر قلوب اعدا و سبب  
انکیلین بر کور صید کا هره شکار دام شمشیر خونبار اولوب خا ملک ظاهر قاضی و جاس  
صدر عالی اولدنی **سنه** و بی مرحوم واقعه نامه سنه مر قویک ذکر بعضی نکات ابدوب  
انتمش در **مقدما** مشار بالبنان خانه تغیر و بیانه اولدوغی اوزن که اردی بی نژاد اولاد حیدر  
رسم میرزا الطافه مظهر اولمش ابدوب سنه ثمان و شعبین حدود دنده بیندیده حکم  
اوله اسارا ستوار محبت رخنده دار و ارسال سیاه کینه خواه ابدوب علی قنبر جبات  
بی نبات نشانه سنگ فلاخن رسم روزگار اولوب بالظهور ابرهیم و ابدوب  
زبون و ذلیل کسانه فرار و بر مدت کینه مضافا تندر معدن رخص و الحاد لاجمان



نام خراب آباد حاکمی اولان میرزا علی سابعه سنده ارام و قور **ابدر** بر سر  
صکریه ابراهیم لاهجانه مقیم اولدن دل تنک و لغین پد رند نمور و ش اولان  
تاج دوازده ترک حیدری لی اسمیکه **سليم** و تغییر جابه و عامه بر ترک تاور  
و برادری نصیم **ابدوب** قدم بچید ایلد و جید و فرید عازم سمت سیاحت  
اولدی مال حالی نه اولدوغی نظر رسیده اولان کتب توار بخند کور لمشدر  
اسمعیل لاهجانه اقامت مدتنده مرضی فعال شینه ند حب باطل  
شبهه تعلیم صرف نقدینه کیا و ایاام ایدوب سن صباه اول و آید  
شیخ اولد مقدما بعقوب میرزا عازم اقلیم بقا اولد قدیه برادرزاده سی احمد  
پادشاه بن اغور لو محمد فرمان ده کشور روم سلطانا بنیدر هجوم درگاه  
النجا ایدوب فرین صنوف اغاز و افسر شرف مصاهر ندر ایلد سرفراز اولان  
بر قی سندن طلب غایتندن آسوده حال اولد قدیم صکریه حکومت رستم میرزا  
التنجی بلده اذن عالیک ایلد طرف اذربایجان سوئی سپاه نصرت نشاند ایدوب  
اب اس کنا رنده رستم میرزا ایلد بر برارینه مقابل ضرب خیام ارام  
انتمش ایدی که اعراف و اوزر با بیان رعایت شرط خرم و اجتناب نقدیم  
و بی از کما کلفه قتال و ضرب رستم میرزا بی احمد پادشاه تسلیم **ابدوب**  
رستم میرزا اقلیم عدم طرفه نوبک طوغ و علم و احمد پادشاه سبر ملک وضع قدم  
ایلک التنجی آید احمد پادشاه اعلا لوی عصیان ایدوب **سلطان** الندن جام  
فتاوش ایدوب **سلطان** مراد بن یعقوب میرزا مراد خدمت سلطنت  
اولمش لیکن غم زاده سی محمد میرزا احم اولمغین **سلطان** مراد شیرازه محل سند  
غیمت اولو محمدی میرزا تحت تیریزده مربع نشین سند غوغ و تمکین اولد که خرب  
استراحت انجمن برادری الوند میرزا زام حکومت مملکت ازربایجان شرع  
ایدوب محمدی میرزا اذنا خندان سلطانیده اندر اصفهانه وارد سی سلطنت  
مراد شیرازون صوب اصفهانه عطف عنان ایدوب محمدی میرزا کفر  
وانکله طرف تیریزه **ابغار** ایلک الوند میرزا رجال حوب و قتال ایلد  
استقبال استیصال ایدوب لیکن **نیک** خوانان طرفین دیار بکوردان و ارباب

الوند میرزا زبیر فرمانده و مالک عراق و فارس سلطنت مراد تحت حکومتند و  
اوزره اصلاح ذات البین اتیدر **منا** شیعہ اسمعیل رضی و محادده استناد  
فری اولد قدیم صکریه زام غیمتی لاهجانه زارد بیلد تجول ایدوب اب و جری  
حده سندن ترتیب سیاه ایدوب جبریدت اردبیل و ازربخانه اقامت  
ایلک **سلطان** **خواه** اوزره جمع سپاهدر صکریه طرف شیر وانه سفر ایدوب  
کشدن شیخ حیدر اولان شیر وانه شاهی طعمه شیر شمشیر انتقام ایلد **الوند**  
میرزا اسمعیلک شعله تشریف زبانه کش ظهور اولد و غندن لکشت راه ثور  
اولوب دفع محذور و نور چون نجوان صحرا سنده سنده جنگ و بکار  
اولدی بو کارون اسمعیل خبر دار اولیجی اول جانبه سبکسار غیمت کو  
هکام کریمت موکده التجا ایدوب الوند میرزا طرف ازربخانه و از  
عسکرین مانند زلف خطا و جین نار و مار ایلک **سلطان** **سمعیل** دفع مانع  
ایدوب یک غم تیریز ایدوب بے نارغ تحت شاهی به جلوس ایلد عرض  
موهومی تکمیل و خوقه و تاجی افسر و دیباچه تبدیل ایلد **سلطان** **مضر** فاضل  
خلعت سلطنت سلوب و خلع منکوب اولوب تشریف فرما  
نور و اسند و داد ملک شرف جانبولاده الباس اولد **الوند** **الوند** ایدوب  
دخی سند ملک مر ازالد و ابعاد اولوب طومان بای شرفی سر سلطنتی ایلد  
اولندی **اوچ** آئی نامیده طومنیای نفو اوج غوغ و اقبال س اولوب  
شرف فاضل غوغوزی نجم بخمی برج جاه و جلاده رشک افتاب کیتی تاج اولد  
حکمه ملک دولت حسین بیخ اولان نظام الدین علی شیر نو آوار دنیا اول  
محل ندر حلت اولوب ملک بقا وجهه غیمت ایلد **الوند** میرزا ازربخانه  
نکار رشک جمع سودا سنده ایدوب کی شاه اسمعیلک کوش گذار اولیجی  
بی توقف اولجانه عطف عنان مسارعت ایدوب الوند میرزا ده بای مقام  
اولمغین نابار بغداده اندل دیار بکوره و ایدوب انده جوغ جات ستار  
مرده اولد **سلطان** **آه** اسمعیل الوند میرزا محمد وین بر طرف ایدوب یک  
سلطنت مراد اوزرینه توجیه رایت غیمت ایدوب همان قریبده و تیریزه



صف مصاحب و سینه زن سلطه فراد غم راه کریز انکلیج تکلف  
 ملک فارس و داخل قزوین ابد و ب بعد کاشانی حکمت رام ابد و ب  
 و اکثر بلدان عراق عجم نصب نواب و حکام بلد می شده **سال سیاه** کینه  
 خواه ابد کینه کینه فرامی ابد و ب رعایای برانده بقره و اوزر لرین  
 باج و خراج بخیر ابد می **سال سیاه** سمعیل اربیلی جمع فزوده به کینه  
 از رنجانه کلوب که و مجدد از بنجه شفی و کراه اول مضل و ضاله پیر و طریق ضلال  
 اول که **سال سیاه** تمور شمشیر زن سلطان حسین با بقا امیر زن منصور بن  
 امیر زاده با بقا ابن عرشین بهادر بن نمور سینه نشین و سنین و غما نه حدود و نده  
 ظهور ابد و ب آل کورکان قبضه تصرفه بدر اولان و جوان و خاسان و دخی نجه  
 کشور رنجانه بدل نقد بنه حسن و ندر سیر ابد اکثر مالک ابد فزوده کله کلش  
 مالک حکمت داخل و بر قاج دفعه سلطنت سودا سبد بدری و زینه سل شمشیر  
 ابد ز سیری بدیع الزمان میرزا آهده ملک و اصل اولوب اتفاق امیر و کربل  
 کوچک برادری مظفر حسین میرزا امور سلطنته شریک و نوید بر ناصوا  
 باعث زوال ملک ابدی و فساد و بیک **اولدی می** **سال سیاه** خان الواس جوئی  
 شیبیک که ابو الخیر خاک او غلی بلاق سلطانک فرزند دلبندی اولوب سینه ناسده  
 شیبیک خان عنوانده نکور در لشکر لاکران اوز بیکان ابد غم خاسا ابد و ب قاج  
 دفعه جنگ و بیکارون صکره بدیع الزمان میرزا آقا برادری مظفر حسین میرزا ابد  
 جوجانه فرار و مظفر حسین انده نیت انکاف کین فرار ابد و ب تمامی ملک  
 خراسان قلم و حکومت محمد خان اولدی **سال سیاه** سلطان واد مقدمات سینه زن  
 عازم دهر کر بر او بیجن افغان و خندان بغداد و ارو و ب بدت حلب سینه زن  
 اولدی قدز صکره اسنود اولک باینده امداد و جابنه علای الدوله و القدریه التی ابد  
 اکا و امداد و نور عیون و اصل امداد اولمش ابد علای الدوله سیاه نامحدود ابد و بیک  
 ملکته ورو ابد و ب بعض قلعای زور بازوی جلادت ابد سراع انکلیج **سال سیاه** سمعیل  
 لشکر مور شمار بر له حکمی استماع اولمغین البستان جانب عطف عنان ابد و بیک  
 تعال صغین واقع واری ایکی کویه بازار کارزار قاصم اولوب و جیحی کون بعد العصر

ذوالقدر مقهور و لشکر سرخ سر زصور **اولدی می** **سال سیاه** سلطان مراد قاج سینه زن  
 دبارده فرار ابد و ب علای الدوله مشعل شمشیر سلیم جابر له غم ملک جاد و ابد کله اول  
 نامراد در دولت نواله رویال ابد و ب سایه لوای فلک فساد و بار ورم بهجت  
 رسومه قدوم ابد **سال سیاه** سمعیل صغین و ذوالقدریه ای صمدیه قهر ابد و بیک  
 صکره کشور دبار بیکری سخر ابد و ب زمام حکومتی اوستجا لومجوه تسلیم ملک  
 بغداد و هشت ابا و سلطان مرادون صکره باریک نام بر شغب بدستیک  
 دو شمش ابدی شهان اسمعیل لاجین نام سر صکره لشکر سرخ سر حواله ابد و ب  
 باریک جلوه فرار و ملک بغداد دست استبدای لالاده فرار ابد می **سال سیاه**  
**محمد خان** شیبانی طرف جوجانه توجیه رایت غمیت ابد و ب بدیع الزمانه ابد  
 معالیه به مجال اولمغین جانب آذربایجان امانه لجام و شاه اسمعیل سینه زن  
 حواله فرار و ارام **اولدی می** **سال سیاه** بدیع الزمان میرزا بخیر ابد **سال سیاه** سمعیل  
 اوزینه عسکر کلوب و دوشا بهجان قرینه ضرب تیغ سرخ سران ابد محمد خان  
 تبا و کشور خراسان سراسر مضبوط شاه کراه اولدی **سال سیاه** طهارت میرزا  
 بهر شاه اسمعیل ساحه شهوده ورو ابد می **سال سیاه** عثمان عشره و تسخایه مقضای  
 لکون طبعی اوزن بدیع الزمان میرزا ایکی اوج سینه اطراف ملکته سیر و سیاحت ابد  
 تکرار تبریزه عازم و شنب غازان نام مقام و قوطنه جازم **اولدی می** **سال سیاه** ابد  
 صحرای سینه شاه اسمعیل صاحب قران هفت کشور قائم سلطان سلیم ابد و ب  
 سافصف مصاف و لوب نصاب کوش و اقدام فیضی انهمزام و عسکر  
 منخوس الاثر و سینه زن لشکر طغرانجام **اولدی می** **سال سیاه** ابد  
 صکره عواصف و نور ابد و بیک شاه اسمعیلک نهال وجود بد بود و بیک و بار ابد  
 انشاد و محله نه باز و بینه تجرید اولور **سال سیاه** سلیم بار ورم بهجت  
 رسوم طرفه عود و سیر و قدز بدیع الزمان اکر ام و تقطیم بر له استانبول رفیق طریق  
 بعد الوصول و ورنجی ابد نشانه خدنگ طلع طالعون و اوردنه قیوسی خار جنده فزونه  
 اولدی **سال سیاه** فرامی هفت اقلیم سلطه سلیم غم دبار عجم ابد و بیک  
 اطراف می نیم سیاه طغز سگاه اولدی قدز علای الدوله ذوالقدری عساکر حضرت ناصر







حیدر رونق افروز سربزرگ کلاه و افایم سحر به باد شاه و کد حیدر سندان  
 ابوان شاه ای اولدوغی روز فیروز نوروز و بواشتمار بولوب مدی القهور  
 اول کور نو نام ایلدند کور در ایل سلطنته بنجه مدت کمال حسن حال اوزره اولو  
 حتی تاثیر دعا سبیل او جویز بیل مض وضعف پیری و موت خلق عالمه رفع  
 او کد بونفولدر حضرت صالح و هود علیه السلام عصر حشیده عالم شهود موجود  
 ابدیدر قور باد نخر اخرج در و کوه و استخراج خاصه عود و عنبر و بعد التجربه  
 نیل منافع و مضار دویه و عقاقیر و ایجا داد و آوار و کیر و اختراع نیمه و خوکاه  
 و تعیین مراتب رعایا و سباه و ترتیب زمین لجام و بنای خام و دخی جبر  
 قوی عقل بنجه غایب استباه علت حدوث و بقاء و کشف حکم استدلج  
 مدد العسر نهاده و سادده بیماری اولوب دست اطوار روزگار دینیک  
 نازموی ناجیزه شکن ازار بر تمکین و سوسه شیطانیه ایلد حاشا دعوی ماطله الویه  
 اقدام و کند و شکل نخوسنه اختراع اصنام و ابدوب و لنگر بر شش افق  
 ایچون اطراف بلاده ارسال و قرب و بعد کافه آنکاف و اضلال ایلد  
 بوجال اوزره بنجه ماه و سال مورند در صکره عال حشید در عادی نرا و صحرای کعب  
 بولوب سبب سبط الهی ایلد اول کماهی میدان کبر و دارده کرفار ابدوب سنین  
 سلطنتی التي و بر قولید بدیوز و اعوام جباتی یک و لشن ابدی که منشار  
 استخوان ماهی ایلد و نیم و لاشه سنده مار و مور و خوش و طبع و بر سبب  
 ابدوب و از نایج و تخت و رعایا به نخلدند نهاده تکلیف باج و خراج و بیک  
 صلب و قطع عضو ضربت قایز بانه و بونک اشالی انواع سیاسا اول بدوات خمر غایب  
 تاریخ این شخنده واسطه اب و جد ایلد نسب توحیحی ایه حضرت نه متصل اولد و غرور  
 مردود و صحرای طرفند و آلی عراق ابدی دیوز بانه زده بر اعدا و کور و لوب و بعضی نو  
 ایک شخص واحد در عبارت اولق حیفته طراز و اب و لشد راب جیل حضرت  
 غیل علیه السلام اعوام استیلای صحرای که خا مان خیابان وجود ابدیدر مشیق شام  
 بناسنه وضع اساس نر صحرای که سنده و آحاد اعدا و سنی عمری طی طبع غایب  
 ابدیک سرحد عقد سابع مایه و اصل اولد قن عین و بسار ایلد و شنده مار بهشت

برر لخم زاید پیدا اولوب ایچون بیل هر یوم ایلدوم مؤمن و هم ایلد کج و در راحت و نوم  
 کور و ایلد کد صغما کاه و نام ایلدک بیلانی قانقی طلب و غوغا و بیکاسی ایلد ابدوب  
 افارب و خوش و ندی کشته سیف جفا و لک در و مند لردخی و سنا زاله استغفار  
 و اختصار ایلد بیلد بر سانه و درفش معبود کاه و ده عازم سر و وقت ضحاک بدر دار ایلد  
 اصح رو با اوزن نیرد حشیده و بیم شخنه سیاست صحا ایلد کج خفا و باید ایلد  
 فرید و ان فرخ قور کاهند کاه اولوب سزاوار تاج و تخت اول شنده اوده جواتی  
 بادشا و دستبازی شمشیر قبال روز افزون فریدون ایلد بدیوز بیل هر یک سلطنت  
 اولد صحرای که نهر سالیلی تابه اند بیلر یوم جلوس همایون فریدون میان عالمیان  
 عنوانه تعین شاهزادگی و درفش بر پوست بوسید ایلد کاه مشغول کار ایلد  
 اولد قده اول دری ایلد باغی امنه اولد کهنه یل سدر شرار نار و در فصول ایچون شنگار  
 بند ابدردی و لولدر استغفار ایلد کد کور سر نیرد به آوزره ابدوب و اذ خواهر سباه  
 علم و اول سفر طفر اندر و عده دی جانلین بی نام شانه و وادی عدم و تکبر  
 سباه عجم خلقا غر سلفانی تر صیغ و ترینه بنجه خزینه تلف ابدوب عهد خلعت  
 فاروقینه ضمیمه اموال انواع غنیمه اولد قدیمین التجار و ان ایلد کد بوز یک در تات  
 کامل العباد و قور ایلد شد رفیدون و دخی نوری تعینی اوزر لشن بوز بیل و سکنای  
 جام اقبال ایلد خوشحال اولد قدر صکره سیرج السیر عیال بیکار کرفار عقد و بال اولق مقرر  
 اولمجن مقیمه با تقضای حسد و تقاضای نفس بدیده برادر لری سلم و نفوس  
 غدری مخفوری اولد از ابرج افقاب جمال و غیبه منوجیم حسب الوصیه بر راری جاده  
 و حلال اولوب بوز بیکر سنده زمان سلطنته و بلاء اسو حظل عدل و داد  
 اولد حضرت موسی و هارون و بوشع علیه السلام بعثت لری عهد سلطنت مؤمن  
 مصادف اولد تاریخ این شخنده فرعون ایلد طرفند حکم مصر و لقی ر قورده خطبه  
 روایت اولد در منوجیم دخی جانب اقلیم عده نزدیک طوغ و علم اندکده بری  
 نوز جانلین بدیوز اولوب اعدا اعوام سلطنتی نصاب کامل عشره به بالغ ایلد  
 نسل نوردن ظهور شمس سلطنته کستان اوزر سیاب بن پشنگ جنگ قنده  
 زبون و بی تاب و کشور ایران اوزر بیل شنه استیلای قور سیاب ایلد



ویران و خراب • اولدقن صکره منوجهر نیرسی زاب و یا خود در نام شمرده  
 نزل نقدینه سعی و کوشش جحداید جندی مکنی استرداد • و اجانبی برانداز طرد  
 و ابعاد • و عدل داد اید ملکتی آباد • ایدوب بخداد بریند بر شمر با سنده صرف  
 اتمام • و باغ داد و یونعین نام • ایدری سواد عافده کانه زاب عنوانده  
 اولان نیری اول حفر انمشد بر بعد اعوام آری و مندی بل راحت و حضور اولو مشغله  
 حل و عقد امور برادرزاده سی کرشاب ذمت همتد مجمل یکد اول کبر مشغال  
 خیر سلطنت ایندک نر صکره زام ضبط و ربط عباد و بلادی دست استعدا و کفبادین  
 نوزده سیدم ایدوب کندوسی تنهانشین کینج انزوا اولد بعض کتب تواریخین نام  
 کرشاب طمی کرده فلم اهلدر مصطلح قوم اوزیر روحانی معاسنه اولان لفظی کینج  
 و اکثر اولادی اسکرین مکررم اولفین سلطین عجم میانه بوطافه کینان عنوانده  
 شهرت یافته اولشد در قاید کیش کینان فرید و نکی افرید و نکل اطراق اولنوی طری  
 دخی سلوک قدم فلم بعض رواندر حضرت خرقین و السبع و اشتمول علیهم السلام زمان  
 عدل داد کفبادده ساحت شمرده موجود اولوب اول سلطانه علی الشان اولان  
 هدایت اید سلاک طریق ایلان و تصدین اولشد در مکنده نوزیکر سنده کدار ایدکده  
 دار الفراع ارنحال و سیر سلطنت فرزند و بانیروی **ایجاد** انتقال ایدری  
 مقتضای شهور بی شک اید بر دفعه مازندرانده و نایا میند اسیر دست دشمن اولو  
 مددکاری ایت صاحب فراع عالم نهمن رستم اید بند بلاد نر هابولشد در زمان  
 یککاوسد نر ملک یمن فخر شوهر یک حسن جمال قامت با اعتدال اید شهر آشوب  
 اولان شیاوش نام بهر بی میکرده دلدادده اولوب بند کندی طری  
 و آشفته روی غنبر نوزیاسی • اولد و نر خوش حوام دست ملاحتی صرفی اید  
 لطایف ایل برله افتاده دام اغوش • و جام لب لعلیندن سلاصاوش اید ملک  
 اول نر فاجره کرافساد و یککاوسک اید دروغی فروغنه اعتمادی • و زود  
 نقلی اوزر سیباوش لغو اوان غوطه ز نر دریای آتش سوزان اید برات ساحت  
 ذمتی نایان اولد قن صکره اقتضای عار و ناموس اید سیباوش رغالانف یککاوس  
 عدوی قدیم فاند اولان سلطانه ترکستانه التجابه مضطر اولوب اکاد آما • و ذکر اید

کجرو

کجرو و مبتلای دام که عالم کون و فساد • اولدی بعد زمان اول ترک سکره قضا  
 جیتی اوزره اظهار بعض درون • و خون سیاوش اید صفحه خاک سیباوش کون  
 ایلکین رستم طرف ترکستانه شیرانه هجوم ایدوب فراسیا برادر کیشوری  
 و بر قولده او غلی شیده به دخی طغنه ننگ جان سنا شمشیر خونفت اید کادکار  
 سیاوش کجرو و اشتمول اید خد متنه نازد ایدوب کبوتک و تنه نر کستانه سفر  
 اید کجرو طغنه دخی بدی بیل اول کشورده متکرانه هبت اید طرح انداز اسل و قرار  
 • و اعوام مهورده نامنده کجرو و مادر ی اید طرف ایدانه سبکساز غنان قرار •  
 اولوب روزه صلت نعم البدل شب فرقت و لیجی سنین سلطنت یککاوس  
 یوزد نر تجاوز انمش ایدری که سیر بر ملک کجرو و سیدم ایدوب کوش کین رحت  
 اید فراع اولد کجرو و غبت مزار عدل داد اید کلزار ملک شاد ایدوب بر قاج مرتبه  
 سطراره قریه کارزار در صکره قصر استوار وجود افراسیابی خراب اید اعوام  
 استلای افراسیاب و جیور و نر نر • و سنین عمری دور نوزده شانز  
 اولوب نیر و کمان اید مختر عاتد نر در حضرت داود و سیدم ایدم اسلام  
 جدی یککاوس زمانده سندیای ابوانه سینه اولو عصر کجرو و ده طه شوش جات  
 فایض البرکات اید کجرو و التمش سینه رونق افرای سیر سلطنت اولد قن صکره اید  
 راده سی و بانیروی **ایجاد** جانشین غزو یکن ایدوب در ویش نه کسوت اید  
 پایدای بیدای سیاحت اولد حضرت سلیمان علیه السلام عازم روضه رضوان  
 اولد قن صکره علی الاصح کدر اسب طرفنده حاکم یابل و سیر کجرو سوس الاثر اولان نر  
 لشکر کرام اید عربستانه مسلط اولو قدس شریف و شام و مصری خرب  
 و بنی اسرائیلی قتل و اسرایله مظهر صنوف تغذیب • اید کز ماز سلطنت کجرو  
 تقریباً نیش سینه کدار ایدوب استلای حوا • هر م برله نر عالمه خلوتخانه  
 عدم طرفنده غنیمت قریب و لیجی او غلی شت • شهر بار و کندی بلجده غلوت و انزوا  
 اختیار ایدوب اول حلاله ایلکین سلطانه ترکستانه ارجاسب کشور وجود کجرو  
 نر کنار • و صورتات جیاند نر نیاز • اید طرف بارگاه کجرو مارون کند و جاشا  
 نبوت غایت اولد و غن ادعا • و زعمی کتب سما بندر یوزند نام مجموع مترات



ایده توبر مدعا • ایدوب افریجانه از ناز و فساد • و بدین منجوس مجوس ایجاد •  
 ایدوب زرد است حکیم زمان گشت سبده شعله آتش که ظهور • و خلق عالم سوخته ناره  
 شود و شور • آتش در گشت تاب و فی بعد امتناع اول اطل من بهر مائل اولوب اعدا  
 بوز سینه تمام اولدقه مهمام مکی مقدما کرستم ایدوب کوشه کر مسافرانده عدم اولام  
 فرزندی اسفندیار و غلی اردشیر بهمن رای در سینه سباوش و گندی بر کوه بلند  
 ایدوب نوده اناره آیین آتش برسته به وزرش ایدوب بهمن بیدری انتقامه بختانه سفر  
 ایدوب رستم اول سکاده مقیم شهر شام عدم بولمغین برادری و بر قوده او غلی  
 و بعضی قاری هلاک و اول کشور بر تاسر جادوب غارت بله هلاک اولد  
 بهمن شکرانه طوفانخت نصر خراب آیدوب کی کشور ی سمور باد ایدوب موجود اسیر رای  
 از ایدوبی بوز او نه سینه جابالش نشین ملک اولوب شام جانی باغ عالمه شام  
 بوی قنایلیکن آیین بهل مجوس اوزره زبردست نکاحنده اولام همانام دختر ندان  
 وجوده و رود ایدوبک دارایی اگری ولی عهد سلطنت ایدوب داراستن  
 رشد ایدوب و سداوه بلوغ ایدوب تحصیل استعداد ایدوبه مادری هما سیر طکره فریاد فنا  
 اولد دارا طی مراحل طفولیت ایدوب سر منزل رجولیته بالغ اولدحق بونا غنایله شهرت  
 یافته اولام دیار روم اعلی سلطنت ختیه بنی محرم شهبان وصال آتش ایدوب اسناد عیب  
 بخرا ایدوب ایدوبه رسال ایدوب مدته حمل تاننده سیر و زقرنده مقدونه نام شیده  
 مشبه رحم مادر و از اسکندر مجلس شهوده جلوه کراولدی اسکندر تعلیم ایدوب شد  
 استعداد تحصیلند صکره مدینه الحکما آیتده ارسطایس حکیم در نجیل فنون ادبیه  
 ایدوب اوز طقوز یاشنده ایکن جده فاسدی برینه سلطنت کشور بونا اولدی  
 بیدری دارا و ان ایکی سینه قدر نشود و ارجام دولت نایب ایدوب اولوب عاقبت کار  
 سر مست رطل کران مرگ اولدحق او غلی دارا اصغر وارث ملک ایدوب بعد  
 اعدا غور جوانه و کیفیت باده کا ایدوب برادری اسکندر ایدوبیننده آتش عداوت  
 زیاده کش اولوب ایکیسی دخی توبر بر سلطنتند حرکت اند بر بر سینه بهر قریب وصل  
 قرینده اشغال آتش کارزار ایدوب که خلعت جیات دارا خنجر غدر جدا ایدوب جاک اولوب  
 اول کشور دخی ی بنار و محاصم اسکندر میر اوکد لکن اول دیار و ارام قرار بخار ایدوب

نصب

نصب کرده سی اولام حکام هر و اعدا ایدوب دعوی استقلال سودا به خاندن و شک  
 احتیاجیننده مناقشه پیدا سید را به یک کون اوستادی ارسطایس ارشاد ایدوب  
 بیخبر کیم نغز اولاد ملوک توزیع • و بونا ایدوب صکره سفر هند غنایله ملوک طوائف توزیع  
 ایدوب اکثر معانی هند و چین سحر شمشیر تدبیر و رای دینی • و بحر محیط دگ و بار  
 و کشور غلی فرسوده سیم بندش کر نصرت قرینی • ایدوب طقوز بیده بکر  
 دورت ملکیت سنج • و اون اوج صاحب کلاه و سیر ایدوب و ند بر ایدوب  
 اسکندر به مصری بنای ایدوب کفر خط در اول شهر شمشیر دلبیز رومی نثار اسکندر  
 ذوالقرنین ایدوبی ایدوب کینه طبری روایت اندوکی حدیث صحیح بهر ایدوب کدر بطول  
 والوض قطار رضی بهر کار و ایدوب ایدوب شهر زوره کلکده حضرت روح ایدوبی  
 تشریف سار صحن ساری عالم اولی از دوزخ توبیا ایدوب و توره سینه مقدم اعدا  
 ایدوبی بیل تاننده ایدوب آیتی یاشنده تعیین مورخین اوزره دافم و جلیل الود  
 حرکت شرک غلبه خفه عدم اولد اسکندر کشور هند جانیله نوبک رایت عزت  
 ایدوب صکره دورت سینه تاننده بیدوب طوائفند دارا اصغر او غلی اشک  
 ترفیع رای تعیین و ظهور و سائر برین سطوت قاهره ایدوب مقهور • ایدوب خواه  
 و ناخواه جمله سنی فرمانده رام • و اون ایکی سل ترفیع عباد و تعمیر طاده صرف نقدینه ایدوب  
 اندکده صکره دافم چین خاکدان فنا • و برادر اشکان وصالش ایدوب مال ایدوب و ا  
 اولوب تقریباً ایدوب بریمش بیده اول سلسله به منتهی اوزره بهر قریب کسینه شیدار  
 و جلدی جلدینه شنبه اشکانان دیوشه شت شعار اولد در ملوک طوائف  
 دخی طقوز نغز • و عراق مصر و شام و حجاز و یمن اول کرده انوهه مغز • اولوب  
 اعدا سلطنتی ایدوب زنده ایدوب کی قرار داده قلم تعیین مورخیند رعیت  
 حضرت زکریا و یحیی و عیسی و وقعه جرجیس و حبیب بخار و قصه اصحاب کهف و ک  
 طوائف اعدا هر ج و جنده ظهور ایدوب اول طائفه هموان تحصیل رضا خاطر  
 اشکانان شاه • و دارهم ادمت فی دارهم حکمنی و ایدوب غروب کوکب  
 بخت ملوک طوائف و اشکانان • و طلوع مرقبال ساسانیان • و ایدوب و کدو نر  
 ساسان اصغر و زنده اسکندر اولام دارا برادر زاده سی اردشیر برین بیدوب

در بیان ملوک  
 ساسانیان

در بیان ملوک  
 ساسانیان



و ضرب شمشیر ابد طوائف ملوک کشور وجود در دور ابد و ب ملک  
لوک و بنال و دو و کلند ملوک و کلان اردوان قتلنی اول طایفه یر فاخته نسخه  
استیصال ابد بعض مورخین ارد شیر نسل اشکانیانند در یوب  
بعض از ملوک طوائف در حاکم اصطخر ایدی ویشلر در بهر حال ارد شیر بر  
آرا چاه و جلال و لوب عدل و داد و بخش نهاد و ابد ذکر جمیل نخل  
و زمان سلطنته شهر مداین بناسنی تمیل ابد اوزر بخش نه نظم  
امور جمهور ابد بقید و ایتام ابد و ب کشتی طوفان زده عالمی کرد اب  
اضطر ابد در خلاص ابد کدر صکره او غلی شاپور جانشین و کندوسی دین  
بحسب منجوسی اوزر غم اسفل سافلین ابد موجود مذہب باطل نبوی  
اولان مانی زندیق شاپور زمانده ظهور ابد و ب شاپور و بی زندیق  
ابد شاپور و نور سیرت سنجیده بیری اوزر رعیت نوازانه  
حکمت ابد و ب تقاضا غم به آرام و ک ابد ترک نکن و تارک سلطنت  
اندکده پس هر چه غم به شین سیر جاده و جلال و حسن سیرتی ابد رعایا  
زمانده خوشحال او کد لکن از منده غم عالم عدم و فرزندی بهرام تخت  
حکومت وضع قدم ابد و ب بکر مرسته سیرارای ملک اولد قدر صکره  
ترسی و فی طغوزیل صاحب سیر و کلاه بعه فرزند هر شاه  
او کد اوزر سپه مرد و در صکره ترک تنگنا غور و جانشین او لجن شاپور  
هنوز مشبه رحم مادر در بدرا و لمغین نمکنده نوایب شر و شور ظهور  
ابد و ب شاپور بالغ سن رشد بلوغ اولد قدر صکره دامن ملکه دست  
نوم و راز ابد ملوک و بی طعم شیر شیرند میر و لاشه کشکاند  
و جوش و طبعوری سیر ابد ابوان مداین مخترع معاریط عایسی و لوب  
نیسا بور بنای دخی اثر حمت بی ایتنا سید پنجس احوال ملک عد و احوال  
شکر از بیت ابد بالذات غم کشور روم ابد و ب گرفتار دست و کمر  
چانه و محس جلد کاوده نیجه مدت مار افشده کبی سیاه اولش ابد تاثیر  
ند سیر و اندیشه بعض نده کان صداقت پیش بر لده سر منجه در نده کرک

اجلدن ارد و وعده عالده خصمند اخذ انتقام ابد فایز بنیاد اولد اعدا  
اعوام ملک عقد امنی متجاوز اولد قدر صکره برادری ارد شیرین هر خلف اولوب  
وست بیدار ابد بیده سر باده دولت سلطنتی تفت انگین برادر زاده سی شاپورین  
شاپور بکن بر بر غز و اقبال او کد سلفی اعوام اخلال اندر به حال اولان رعایا شاپورک  
اوزر سنده قدر زمان استقلالنده فارغ البال و لوب بعد لار تحال کرامات و کد  
مشهور برادری بهرام شاپورین شاپور ذوالاکناف دخی او کد سلطنته اوزر  
بر سنده بدل نوال عدل و انصاف اتمش اکن بیل جانب اعتاب ابد و ب جندی  
نعم تبر زهره شکار ابد افتاده خاک هلاک او کد پسری بر دوز و جانشین بید و قلم و خیر  
اندز بر اولوب بکر می سنده نواع فساد ابد تعذیب عباد ابد کدر صکره بر سب  
و شش کد می ابد علیطیده حفره مار و او غلی بهرام کور شاپور و لوب اول دخی بکر  
دورست بیلاد شاه و بر کور صید کا به شکار و بر پنج سب بسیار و مار ابد  
ابد کن بر جاده شاه اولدی او غلی بهرام بر بهرام سندر ای ابوان غر و جانشین  
اولوب اول دخی بکر کچ افتاده قدر شکار و صید و لمغین امور ملک و نت نخل  
النظام و بنیان دولت مائل اندام اولش اکن حکایت مشهوره نجاد بونان  
و تبر جاده حکیمان مؤبد و مؤبدان ابد خواب غفلت بیدار و اندوکی کارنا بونان  
بیزر اولوب غبت در رعدان و ابد کلزار ملک ابا ابد اعوام ملک تمام بکر  
اولد قدر جام حمام ابد مست و او کار اولوب او غلی و با غم زاده سی بهرام و با غم هر  
بن نیر وجود اوان بیدی سنده صاعصه های شهر باری ابد نشود دار اولش اکن قبروزین  
نیر وجود سکن عذری ابد بیانه غری شکست اولوب اول غدار دخی و ستمایه جانه  
به در دار او کد او غلی بلاش و درت سنده لاف زدن و عوای شاهی اولد قدر صکره برادری  
قبایل و قبروز جاسکند شاهی او کد اول خلالدن اکثر خلق با بعض فرخ قاست ابد وادی  
ضلاله وادی اولان خردک نام زندیق و ضل و ضلال دام اضلاله افتاده اولمغین کلند  
او بختی بیده هجوم عام ابد بند و زندان بلا سنده گرفتار و برادری جاسکند  
او کد بعد ایام حواری ابد ابد قبا و قفس محبس و تخلص مرغ و جان و ملک جاسکند  
عطف عطا ابد و ب ابد صکره بر برادر زاده ابد و ب ابد ملک فرق و درت



دخی اغوش سنجه رام **ابلدی** علوانی و بر قولن ارجانی دخی قباد ایجاد ایلند قباد  
 ملک هبیا طه در استمداده وارده ناکام و نامرادانده بر رخ بیای قلم تمام اولد و دخی  
 مروی در علی کلی تقدیرین او علی نوشتر و ان اورنگ و دیمه سلطنته زین و برین کو  
 فوط عدل و انصاف لقب سبب ملک عادل ابد انصافه سبب و کدر نین بی دین خردی  
 و اتباعی قریب شیر شمشیر فیه و کین ایدوب بالکیزر کونده سکس سکنی قنطره  
 بی در بغل گذارنده روی سلطنت قمر و عوب و عجم بکانه عالم حضرت بر صلی الله علیه و آله  
 اعوام سلطنت نوشتر و اندر فرقی سنه خم خا منده صحن شهود و طرازنده خلعت  
 وجود اولش در ابوان مدایخی توسیع و تجدید و مداین قریبده رومده نام شهری  
 تالیس و تمهید ایدوب ملک هبیا طه بی تدبیر و هند و سندی سنجه انبند  
 ملکند فرقی سینه نامنده و فتر جی ختم ختم خنام اولوب او علی هر طرمانه جاسر  
 و اوان بر سنده امن حال رعایا به دست بیدار اندر حادس اولدی بعده  
 سیرتی تبدیل و عدل و انصاف جور و اعتدافه بخوب ایدوب ضلالت اصاغ و اکابر  
 اندر تنو و انحراف انبکین ملک اطراف ناف ملکته وضع قدم و بواندوه و عجم  
 هرز انک و هیز عدم ایکه او علی بر و بر سر بر سر سلطنته غیز او کو بر قاج سنه  
 ارانت صورت رعیت نوازی ایلدی انک مضبوطا هر ملک اولان صنوف اول  
 کینایش بیدیر خوانه تحمل و احتمال اولقدن افزون اولوب قارونه مدایخی بلکه قارون  
 بوکته نانی ایدی فرهاد نامراد سداد وادی عشق و محبتی اولوب بنش نامند  
 کوه ستونده کاری باشه قیودی شیرین نام قنطره و زکار بر و بزرگ رشتنه علقه  
 از و اجندن منظم اولان اوج یک از و اج کوه هر و اوج سک انتظامده حسن نظام  
 بولش ایکه ملکند اوان اوج سنه صکره ظلم و بیداد و قتل عباد و ادب سنه وضع قدم  
 حتی او علی هر فری و وزیر شیرینی بر جهری مسافر اقلیم عدم ایدوب شیر و نیم  
 بر او غلنه دخی بایله نخی ایکه اما حق زمان کچدن مساعده ارکان دولت ایدوب بر سلطنت  
 سیر و بیه قارگاه و انک رای ایدوب و زبانه اولوب تخریق کتاب بخون  
 باب خواجه کاتبانند و کی کویز علی فضله لویه تاثیر دعای اجابت انمای سلطان  
 انبیا بر حضرت جبار منتقم از دین اول شستن بی باک مینو سیاست ایدوب ایلدی

الی آرمنده شبر و بدخی کنام وادی هک **و هفت** ساله اردشیر کام او علی  
 جاسر بر ملک **اولوب** بشن ایدوب صکره شیرین نام غز اول مصوفی بار سوز  
 سیکار و کند می سند سلطنته قوار ایکه بکری کونده اول دخی بهجوم عام ایدوب  
 کشتنی شمشیر انتقام **اولوب** ذکور دن نظم مور جمهوره قادر ظاهره کشته  
 سیر و افسر بر و بزرگ بوران نام دختر نینه سیر اولوب بر یکن سنده و اندر کشت  
 و کما یشتی محافطه ناموس دولت ایکه بیده شبنام عدم خرام و خوار  
 ارمی دخته تسلیم سنده و ایشام ایدوب الی آرمنده اول دخی صاحب خراسان  
 رستم اندر تجزیه زهراب قهر و ستم انبیکه فخره کاسره عجم اولان بزرگوارین شهر  
 نام کوکب پنج ساله پادشاه اولوب بکر مرسل انواع محسن روزگار ایدوب صاحب  
 و کلاه اوله قدر صکره عاقبت کار گذارش بیدار اولد و اوزر دانه وجودی طبعه سنگ  
 سباب عدم و زمام حکومت کشور عجم قویا دور و نزدیک و نایج خیس بولنی روان  
 اوزر بشیر بکر مبدی سنه مغفور دست استیلائی جو سبب ال ساسا او شکر  
 قبضه تصرف تاری سواران عجمه سلم او کد و مدح و المنه بشن انک قطار سلطین  
 اولان کوه مرشد زمانده انقراض ال ساسانیان و ک که ابن هفام روانه اوزر تمام  
 دورت یکسبیل ایلشده صحیفه صفای مطولاتن هیز و نکسار بیانی نام و نشا و  
 عصر و اوانی بیانده کاشتنه خانه تقیین مورخین اولان اسلوبه زینب و لغز توفیق  
 سلوب و لغز جوادش عهد سلطنت طبقه ساسانیان صفیات حرات الزمانه قلم  
 معجز قلم ابن جوزی اربابش بند کتبه ابوان بیام او کد و روش روایت اوزر بر اعده  
 اختیار عبد حقیر دخی نقش طراز حور مجرب اولوب سائر یک جمال احوالی ثبت جین  
 لغز انحن نظر سبد اولان صورت روایات متخالف المفهومه سمت صحته اقرب  
 ملاحظه اولان وادی سلوک قدم قلم ریش از قلم او کد و رسوم کلک بدایع بحار اولان  
 شهباز در ناعدا قبط و قحط و روم و یونان و بنط سربان طوکی که هر بر نجه مدت  
 مسند نشین ابوان شاهسی و افسر و سیر ایدوب متبج و مباحی و لشکر ایکه اوزر  
 ظهوری ایدوبه ناخواه ترک نخت و کلاه و عزم نکنا خاک سیاه ایدوب  
 در و شعور و اعوام ایدوب اکثر نیک نامی انجن بوی وجودی کی انرام مالا بزم ایدوب نایج



صفحات مؤلفانده موجود در هر یک اسم و رسم و سنی بیان و ادب نده کتب نیز  
خانه مشکین مدادی جلوه سازانیمک تکثیر سوادند از که مغادر و لمین طومار  
بیان حالک طمی کرده دست اعمال و کده مضل **باب در بیان احوال خاندان**  
**اسمان جهانانی جلوه سلطنت آل عثمانی رفیع الدروع اسلام و طوع و اخلا**  
**تقصیر مناقب عهد عثمان خان غازی رحمه الله علیه**

امام سبط نسب و الاحساب عثمانیان اولاد شیرین زار مغاری عثمانیه  
غازی ملتق الا بحر اجداد بهشت معاد یافت بن نوح بنی در بود و دایم عظیم الشانک  
ابتداء شراق افتاب صباح انچه ظهوری معتبرات کتب تواریخ مسطور و کده اوزره  
تواریخ زمین تا ورا الهندون اولوب جدا علایق قانی خان قبایل ترکیز بر فرقه ابدایان  
زین انتقال و حدود و دشا بهاندن ماهان نام شهر در حصار حل **ابدوب اول**  
ظهور ابدی از اختلال عظیم سبیل اندر دنی ارمیه و اخلاطه ارتحال ابدی مولانا شری ختار اوزره  
پوزیش سبیل قریب اول و بار حصار حل قرار اولد قدره صکره عام ست عشره و ستمانه خلده  
کشور نوردم ظهور ابدی غوامل شر و غور چکنیز فتنه انکیز ای سبیل اولاد اجداد قانی خاندان  
سلطان شاه اترک در کرد در بنه طوق اتباعی اولاد اتباعی ابدی از بر حاکم کرایت قرار  
و بعد مدته حب وطن عنان زبای رحش اجنبی **ابدوب مسکن** قید بینه عودت  
ایده قلعه جعبه جبرند کذر ابدی کن سبیل جور امواج نه فرات ابدی سبیل شاه شتی  
جانی تبا **ابدوب** وجود جعبه قلعه سی او کده و دبعه خاک سیاه او کده و واقعه جافه  
ظهور متعلقات و حوایه تاش و برو ب بر فرقه محوم مرقوم ایکی اوغلی اکت  
وطنه عازم **ابدوب** و بشیور قدر دیر دلا و رطل غازی و و ندر نام برادر ابدی کار  
و بار روم بهجت رسوم طرفه عوده جازم **ابدوب** فرما ز فزاکشور روم سلطان  
علاء الدین خد متند و صولکر عکرتا ناربدان کبر و دارد و سیاه سلطان اوان صحابی  
پریش ابدی حکم همکاه مصادف اولوب مقدما اعانت و امداد و عکس قضیه  
انتاج اسکر ب طاهر روم مقدم ظفر توامین اکر ام نام الله تلقی ابدوب نقطه انواع  
اغوان **ابدوب** ختام ارام اتمک کچور مکتند از انقه نوا جسن افراز ابدی **ابدوب**  
غازی بر قاج سبیل جوارن اولاد بار کفاری فرسوده سم مند غازی با ظفر سبیل

عام ثانی و ستمانه ده رحش جهاننده افاده و سکود نام مقام صفی خاکه  
رو نهاده اولوب **ابدوب** نام حکومت قبیله سیران سکانه بسانندز عمار غازی  
دست استخفافه مسلم اولیچن و الک کبر الحی مد بط لقه مضیه سی اوزره بهشت  
اندیشه سی جمع کفار تواریخ **ابدوب** و عصابه عصبیدن تواریخ **ابدوب** همواره  
شیخ سیغ رک صاعقه کردار حوینا ریدی **ابدوب** کول فربنده فرجه نام قلعه ضرب  
ششیر خور اشام ابدی و بران **ابدوب** و سکانی دست زده بغا کران **ابدوب** کول  
و فرجه حصار نکور این طوبالچ بلنده با مال شتر کرد کش نه بیت و انکار  
**ابدوب** و فرجه حصار داخل قضیه افتدار انکیز سلطان مراد علی الدین اکتفا و بن  
فرار طرفه در قرین نوازش و تحسین او کده علم زمین سر و شمشیر و کمر و سمند و بلند  
احسانه مظفر اند و کندنز ماعدا اسکے شهر و این او کده نشور حکومتی عنوان اکثر  
نام نایم غازی بر لزمین او کده فی سده سبع و ثمانین و ستمانه بعض کتب تواریخ بو  
ناز جلیله عام سبع و تسعین و قابعدن اولی اوزره بیرایه جبر و جبر اولشدر  
بیلجک نکوری اگر چه مقام صدا قده قیام ابدوب ظاهر منتهج مستقیم فرمایند  
بنات قدم کوسند دی لکمر عداوت و بنی ضرور برده کش و و صوری او کده  
خضوصا بار حصار نکورینک بنو لوف نام دختر بری یکیرین شمع شبستان وصال  
ایمک کچور تریب و لدوغی سور بر شر و جمعیت دعوت بهانه سبیل اول  
شهر باز بلند پروازی افتاده دام شمشیر خون اشام اتمک سودا خانمی شیر  
نهاد اهتمام اند و که خدمت قبا حاکم اولوب غماز غازی به محب خالص ابدال اولاد  
کوسه میخال ساطیتله و اصل درجه علم البقین اولمقین هر سال سلطان انتقال  
خلاصند نکور فرمود ابداع مستاد کرا اولاد صند و قلعه نخل شاعب خط و تر حاجی لک  
بو قدر دیو بیر زنان مغر بوش لباسند فرقی نفر مردان میدان هنر اضافه ابد  
حیدر و دبعه ابدی حصار ی بند کندن شجره ابدی فرود فتح سمع عثمان غازی و لحن  
ز نام رحش همه بیلجک فربنده موعدا اجتماع اولاد جاف و سیکار نام سبیل زار  
نخوبل **ابدوب** و نوای تار سور سرور و بی نغمه بیایمک نوحه کرانه تبیل **ابدوب**  
نکوری دزدار حصار کور ابدی فی سده سبع و تسعین و ستمانه بیس نگاه بار



بار حصار طرفه سوق سپاه ایدوب بر حصار ستانه ایدله قلعه شبنی زبکین  
 ملک الیمین اندکده صکره بیلک نکوری اچون نرین اولنم دخت شیرین شمل  
 مجله وصالنه اورخان غازی داخل اولوسلطان مراد و سلیمان شاه اول مجله  
 عصمت بناهدن انجمن افروز وجود ویر توانان مجلس شهود اولشدر  
 بروسه قزنده اولان نیکو فر کو بیسی ایک سرخه بدایات سلام هنوز  
 آرام کبر کوسته قرار اولدین اینه کول جانبینه الغار اولکونون بغا ایدله ضبط  
 و اول نواحی رفته سنجه ربط اولکدهم زبردست بلجوبانه اولان مالک لشکر  
 مور شاماناز سلطان اولوسلطان علی الدین اولی ایدله سنجه سبکدست نرین  
 و بو حصار احوال عباد بکر کون اولمغین بر مقتضای رعیت نوازی ریا نه عجزه وزیر  
 دستک نجه قزیده اکران دن تخلص اچون عثمان غازی مربع شبن برر سلطنت  
 و رعیت نوازی اولوب طور سوز فقیه نام عزیز جامع قزیه حصار ده اسم سبکدست  
 سیکه انعام خطبه بدیع الطار سجانی الصاع فرات ایدکده سنجه نرین  
 و ستانه منار لاری نارنجده نام نامی عثمانی رؤس شایسته عام فرور دزم او نرین  
 مقدم نکور اولکده سطور در بیکش ایدای اعا بدین تخلص وانی بقایات  
 اسکله نیایر تشید و احکامه نصیب اولکونون شمس ظفر سکرری اولان قلاع و قلاع  
 اولاد اجماد و انشاجت نهاده نقیسم ایدکده سنجه ایدوب و سبعمه کو بری  
 حصار اذن بغا ایدله غوش سنجه رام او کو اربن سکا محاصره ایدله تقیق اولوش  
 ایکن منانت و اسحکام بود فعه سم اخذ مالک لجام اقتضا ایدکده وادکده  
 و کسکل و کور کور ایدله قور حصار قزنده نرین ساز صاف مصاف اولوب  
 بروسه وادکده کور کور ایدله قور ایدای قور و کسکل کوری علق نرین قزنده نار  
 اولکده نکوری بیان امانه ایدکده اولوباد نکورنده بعض جاسنه سبکدست  
 ایدله انتزاع اولکونون موجب فرات جهان مطاع کده حصار مقابل سنده دانه هیتد  
 دور و حصار بر نور مضبوط عکس تصور اولکده حصار بروسه دخی بر قاج کور  
 اولش بکن ظمور عوانق مشاهدت هد ظفره عائق اولوب وقت اقتضای سبکدست  
 کز قارار مضیق حصاره سد باب خروج و ولوج اچون قیلوج و طاع جانبینه

بر رتین قله با سید اکتفا اولکده سنجه سبعمه و سبعمه درگاه ظفر و سبکدست  
 نیکو خاوردن کوسه میخال عثمان عاکر دلا ایدله و کردان وادی ضلال و غول  
 اسلام ایدله خوشحال اولوب لشکر و نکور و اقصر و کبوه و کور سبکدست ایدوب  
 سبکدست یزید ک حسن تدبیری ایدله سنجه یزید اولکده سنجه و سبعمه و سبعمه و سبعمه  
 صیدا و لک و لایندک رعا ارباب بتماره حصول اولکده و کوری باری قریب حال  
 حصاره مال عثمان غازی اولمغین رسال سپاه کینه خواه ایدله قیازی ویدر نرین و قیازی  
 و قوه ایلی محقات مالک محروسه دن اولوب اورخان غازی فرمای ایدوب  
 اشاعه مغازی اچون نرین رایت سرفرازی ایدوب وادکده سبکدست  
 سبکدست امانده حسن نظام ووردکده صکره بکار باشی طرفه نرین و سبکدست  
 لشکر منصور اولکده کور مغور نرین شبن رایت نرین ایدله عابد رباب  
 و توانی اولمغین نایار کوسه میخال تو سبکدست و نوزیک التونه جانب خط امان  
 الوب ترک وادوب ویدر وادوب وادوب وادوب وادوب وادوب وادوب وادوب وادوب  
 ست و سبعمه و سبعمه هم کوسه عثمان غازی ترک ملک مجازی ایدوب  
 بروسه حصارنده کوشه کزین خوتخانه فرار ایدوب اولدی ولادش تیشته  
 جلوس سنجه مدت سلطنت سنجه مدت عمر سنجه سنجه سنجه سنجه سنجه سنجه  
 قلاع و بقاعده نجه جوامع و صوامع اخراج ایدوب کونا کون اثار خراج ایدوب  
 انیشدر در رؤای شهوره اقتضا سبکدست ظفر فوضات متوالی اده با خراج  
 بالا خالو نرین و خراج سبکدست خراج سبکدست خراج سبکدست خراج سبکدست  
 پاشا اول عقیقه شمس رحمت نرین و دما ایدوب شهو مجبور و وادیشدر  
**تفصیل مناقب عمدا و خان غازی** و سبکدست و سبکدست و سبکدست و سبکدست  
 و عازم نه سگاه ملک بقا اولمغین سبکدست و سبکدست و سبکدست و سبکدست  
 یزید و بها اولوب هم اول انیمت استماله غازی خداوندگار  
 لقب سنجه ایدله شهرت بافته اولان مراد خانک کوک سبکدست و وجودی  
 جلوه ساز اوج شهود اولکده پشاسکندر رومی فیلسوفک تحکماهی اولان  
 مالک و سبکدست حصار که حالا از کیمد نایله شته بار بولشدر حصار امان ایدله

فتح برو

فتح از کیمد



فقیہ ازریق

95.

ابتداء سفر دوم

فصل کلیہ



بر پستان ما تم و ذوقی ایامه التمش باره که ابد و تونز یک شربلی دین ایشتر لنین  
 ساحل بلاد اسپه به لنگر استوار صالح موجب تلطم کوز خاف خون و انکسار اولی  
 غزاة ظفر سماء با جار روح بر فتوح شهنشاده بهشت معاد و استمداد ایدوب  
 بحکم ضرورت مقام مدافعه قیام اندر هر هوب شرطه امداد و التوفیق ایدوب  
 اول فریق ضلالت رفیع قدر از پیش یکدزد بهر نفوس خبیثه بر مدینه غریب بود عدم  
 اولوب ماعداد بار کفاره و از کجوز نوبه سکان مراجعت و اغواق با و بان شکر  
 اندر بیام انتقال شهنشاده ملک خصال ایدوب و از خاف خاف تر یک آخسته  
 و ایام موضو حکام ارتحال بویسته اولوب بدر بر زکوار و از کجوز نوبه وار  
 اندر ولادتش شسته جلوس شسته بدت سلطنت شسته بدت عروسته  
 دستبازی شمشیر صاعقه تا بر لبه شجره اولان ملحقات مالک محوسه سر نیجه  
 بقاع خیر ابقاع اند و کجوز نوبه ماعداد برو و حاج و با بخانه و عمارت بر نعمت بنا  
 ایدوب سنا ستر نام کنبی در سینه شکر درنی سینه نین و سبعا به  
 اولاد عازاد سنا عازاد و اولادش شسته و فاش شسته سیدمایا ساولادش  
 و فاش شسته سلطان قاسم نام بر فرزند دخی اولوب و فاش شسته سنا سنا  
 جایی فروغ اولادش در نصب و قایم عهد خلد و نیکار غازی سیر سلطنت عمار  
 ذات ملکی لشقا و رخا نیند خالی اولوب فرزند عازاد بر غازی خداوند کار جانشین  
 بر بر زکوار اولوب اول خلاصه مطلع جاه و جلالت کوب و ذری سلطنت درم  
 باید بدید و کندی سینه حدی و سنین و سبعا به اول سنا سنا شتمال  
 بدینه انقوه اخبر نام متغلبین دست تعلیم از اشراع اولوب عام قابله حاجی  
 ایدوبی و بمتوقی و داخل قضیه اتهام و اورنوس یک کشتی دار اسلام ایدوبی  
 خداوند کار حضرت مرید غزاة ایدوبی شمشیر جاکبری ایدوب جیب شکر جوار  
 و روم ایدوبی جاکبری ایدوب اول و از یکجذ دگ سانه لواء فلک فرساده و ای  
 فاضل کرم سنا سنا قانون ایدوبی بو نهفت همایون برو و قاضی جاند لواء  
 قوه خلیل منصب جلیل قاضی کرم ریل و کجوز نوبه غنوه و مسور صلی قاضی و سنا  
 و بر غازی و بابا اسکیه صکار و ضه اندام اولوب بر میر لالات هین درنه

فتح و عتوقه

فتح مقدس بخش اول که کور کور دل سازد و در ده سبیل کوه اندازد لشکر فیر و زنی  
 او کینه سد مانعت چنگ بود اسنح اولوب منزه محاصره و از آنکه هر صکر با بچه  
 علم عالم ایدوبی سلطان کجوز نوبه طفیلان مندرج رما اولوبین بر کجوز نوبه و کجوز نوبه  
 ایدوبی سوار و سوارده راه و از اولوب صمد سکان حصار طریق تسلیم وضع  
 قدم اندر هر یک اورنوس یک کجوز نوبه و از داری لالات هین پستان غریب فتح  
 ایدوب اول ایدوبی سردار و اندر غنایم بی شمار برله واصل در کاد سعاد و دستگاه و کجوز  
 قوه شمولار ستم انساب بدل غنایم بیست لال سلین ایدوبی حمنش لنتی حکم  
 شرعی سحر و کجوز نوبه و ایدوبی اول ایدوبی حوز حیطه اغنام اولاد اجناس اموال قیاس  
 قابدن افزون و قیامت تجنیم محمد زدون اولوب بازر روز کار و ده لغز جانه  
 ایدوبی لال از ان بر دلبر ماه یکیز نوبه کجوز نوبه بش عثمانی یه صانق و از ره قیمت نفین  
 اولوب اول نین ایدوبی و از ره نفس ایدوبی سلطان ظفر نوال حفر کجوز نوبه ایدوبی و سبعا به  
 ایدوبی صالوب لالات هین ایدوبی و از ره خطا و ایدوبی و ایدوبی و ایدوبی و ایدوبی  
 ایدوبی شجره رام ایدوبی سنا سنا و سنین و سبعا به کجوز نوبه سنا سنا سنا سنا  
 افلاق و کجوز نوبه و کجوز نوبه و کجوز نوبه و کجوز نوبه و کجوز نوبه و کجوز نوبه  
 و بار شرف مدار سلانه اضرا و قضیه ایدوبی سنا سنا ایدوبی و ایدوبی و ایدوبی و ایدوبی  
 سنا سنا و کجوز نوبه و کجوز نوبه و کجوز نوبه و کجوز نوبه و کجوز نوبه و کجوز نوبه  
 تحصیل اطلاع ایدوبی و کجوز نوبه و کجوز نوبه و کجوز نوبه و کجوز نوبه و کجوز نوبه  
 معکر کفاره و ایدوبی کجوز نوبه و کجوز نوبه و کجوز نوبه و کجوز نوبه و کجوز نوبه  
 توکل و مجرات سید کجوز نوبه و کجوز نوبه و کجوز نوبه و کجوز نوبه و کجوز نوبه  
 موجود اولاد جمع معدود ایدوبی و کجوز نوبه و کجوز نوبه و کجوز نوبه و کجوز نوبه  
 بر فحو اصدق احتوای فی قلوب کجوز نوبه و کجوز نوبه و کجوز نوبه و کجوز نوبه  
 زهر لری جاک اولوب استیلای لرزه اضطراب ایدوبی و کجوز نوبه و کجوز نوبه  
 عاز و اولوبین کجوز نوبه سنا سنا ایدوبی و کجوز نوبه و کجوز نوبه و کجوز نوبه  
 ایدوبی کجوز نوبه و کجوز نوبه و کجوز نوبه و کجوز نوبه و کجوز نوبه و کجوز نوبه  
 اولوبین حد با جمل سی متا کجوز نوبه ایدوبی اقتضای ایدوبی لالات هین طرفه سنا سنا

فتح آورده

فتح



اولوب شبرین کام شهد شهادت اولدوغی شهرت بولشد ریفا قلعه سی  
 محضر اولوب دستور بنماییده مفتوح و عسکر منصوره نظره اجناس مفتوح  
 اولدوغی شهرت اولاد اجماد سلطان سجد شهنزاده بلدرم بازید و یعقوب جلیه  
 و ساوجی یک سوختانلری ایچون احو و حکام اطراف دعوت و ترتیب جمیع  
 اولندی فی شهرت فر و اقبال برله روم ایلی جانبته تحریک ربابات جاه و جلال  
 اولوب جرمی شجره و خرم وجود کفاری سوخته اتش فیه و تیر اندیشی  
 و متوقه تکاب و هوای و فضائی دلکشای سنجیده میران استخوان اولوب  
 اول شهر دلیز برای تخت روم ایلی اولق ایلخوایه صبر لری و لشکر ایلی  
 منجول اولوب درنده طغیان خاصه سکن اولنان ساری بناسنه وضع اساس  
 اولدوغی شهرت هم بوسنه قتل اغاج کیمچی سی و یانولک و ایدوس و قزل آباد و سوز  
 و جبهه بولک جلوه کاه شاد فتح و طغر اولوب عام قابله فرق کلیسا و بکار صدار  
 و وزه قذاک شجره اوزره اولد لاشاهن اعتماد اولاسنده فوق بانه صوره  
 الا و هام افتخار و جامه لونام محاده لاس کوزله برده سیلاب انذار  
 صافی مفر شجاری بین بین ایلی فی سده انشتن و سبعین دست نایب سبی ایلی  
 عالم سلاطین کستدیل جانبته تنج و ایترازه آغاز امکن کوری طوغ طغر و روع  
 استیصال ایدوب حسب الامر اتم خیر برله اول ملکده کاکان والی اولدوغی شهرت  
 یندو عام فیروزی انجامده فرجک و انجور کوز بولونه و جلال بر غار کردن نهاده طوق فرمان  
 سلطان سرفراز اولوب سال انیده ده اهل اسلام بوری و قواله و درامه و خنده و روضه  
 و فرقه فیه و وضع اشیانه ارام اندیز سرف و حالکده مقدار کتاب اندوکی وضع  
 انجور اولوب سرتک بر و سرتک اولان ملکات دورت آریزه سیه طغر  
 و سرتک اولوب بهر سال الله و قیسم خاتم رسالیه و زره قبول عقد و منت  
 امکن حصه مند فضل عاطفت اولدوغی سرت و سبعین بوسه و خنده و زره قیسمه  
 ان داخل ملک ایلی سلطان عدو کش طغر کیش اولدوغی سرت و سیکولی حالکده بقا بکن و کل  
 و شهنشاه انجیم سپاه در کاهنده و یالیده انقاد اولو هموان حرکت سکونی برقی  
 و شهنشاه اولق شهنشاه خدام غنیمت مقام قطارنده شمار اولدوغی شهرت کیمیا و غنی

و سلاوه ناتوانی اولوب خاندان عظیم عثمانی ابد عقد مصاهرت اولان سبب  
 بقای دولت اولق ایچون دختر سعد ختری بر ستاران حرم بلدرم بایدن اولق امید  
 کزین ملکلی اولان کونما و سببا و وطوشانی واکری بوزی برسم چهار خنده درگاه  
 سلطان بنین نوان و باقی ایلی یعقوب یک بنده انقا سورلق اینده عرض ناز  
 ایچون اول پیر واجب کوفه اسعاف طمس ایلدغان اولوب ترتیب سورور  
 ایچون اصداد فرمان یورلدی فی شهرت و ثمانین حردیدر که اول و لید عظیمه ده ارکان  
 ایوان سلطنت بر حسب و سبب روضه شکش و شاران کزین روم ایلی  
 اقدی اولان اورنوس یک بوزر اس غلام سرو اندام عشوه ایلک و بوز کزین لک  
 خام لاویر لاند کونا کوز سبب و زین نجف و طرنت ایلداید بر شرف مصره  
 ایدوب قریب سنایش و نجیب اولدوغی صکر جلدی سلطان مصره ایدوب اول  
 کلن تازی زاد صاف و جبار اورنوس یک اعطای ایلد شایه از همت بیستار اولدوغی  
 دستار اولکونده و تیر بندیر وار اوج استغنا ایدوکی معلوم عالمان اولدوغی سورورده  
 حاکم فرمان علی یک ناز ایدوب پرتو افتاب انقا ایلد کلو شرتانج انبیا جن خورشید  
 رواج اندیز جیدای حاکم حسین یکدر باطوع و الرضا یک شهر و سید شری و بیلج  
 و فرقه اغاج و اسببارتلی اشترا ایدوب سیدیم شمن و قبض شمن اندیز شری شهرت  
 روم ایلی نبوتی ایشان سناسترو بولید و قارلی ایلی ربقه شجره بند ایدوب ناخضر  
 سلا نیکده اندوکی تیر بر حکم نقدر تنجیر بر اولدوغی عام قابله عاصی ارنود و لایتنی یازده غارت  
 ایدوب بر سنده دهم صکره بوسنه و هر یک ملکدین سوخته اتش جبار ایلک  
 حاکمیری ناچار طالب زنده اولوب اتم خرم خیر برله جانمینه نشان امانه ایدوب  
 فی شهرت و ثمانین ایل سعادت و اقبال برله روم ایلی جانبته تحریک ربابات  
 جاه و جلال سور بلوب شهنزاده ساوجی یک برو سبب حفظ سیده امور و لشکر ایدی  
 بوض ارباب فتنه و فساد اول سروانادی و عوای استغلا ایلدایدوب خنده  
 بیت سکا اشترا و اشقیابه توزیع و اول کنجی ریخی نصیب ایلدوغی خبر کزین و کل  
 طرانه کزین اقتضا ایدوب کت اوه سنده یدر و لیدر مساز همکار کزین و لایتن  
 او اراق جمیعت ارباب شفا مار و شهنزاده ای ادب کفرار اولشکن دایره ندر



فصلی

وضع قدم انیموب بلکه نغمه بی شکستنا فی بیخه سجد لرزاده اسکی استن میل  
 مردم چشمه سد سید اولوب منشا وجودی اولان سلطان سجد طرفه نظر اندو  
 حاکم حکم قضا و قدر فرمان بی درختان اوزن ناشاکاه و نبای بی بقایه ناظر منظره دیده  
 پرده حواله چکدی شش صوفیه نوبت غمره فرسوده ششم سمدت کفر مندا اولو  
 لکن تانی همه شجر حصار عقد ناخبره دوشش ابدی اتفاق موله قلوبم فن برده  
 ماهر بر لبه لاله و یو جانبدن فرار و صوفیه کورنگ خد من اخبار ابدوب مقام  
 اخلاص صبح قیام و صنعتی ابد اولان بابت نام انیموب کورنگ شکارده کوری  
 تنهاد و شوروب سوار اولد ششمه محکم بند ایکه و هزار کوشش و اهنام ابد فله  
 سر عکرا سلام اولان بلیان یکه تسلیم ابدوب بر نور کوری و سبله تسلیم حصار  
 ایکه می شش و شش و برین فرمان او غلی ایام غنیده موزانه حرکت ابدوب مالک کور  
 دست تعدی دراز انیموب فوجیه خواسته بر وجه نرا خواسی استغنا ابد و حصاره فرار  
 انیموب حلیه حلیه انشا شعا غلی ابد منظره عواطف حشر و ام اولد که فاضی عکرا  
 خلیل افشارای جهان ارا اوزره مقدا و زبر اعظم اولوب او غلی مولانا علی صدر علی  
 اولش اهر یک شجر فوجیه سیکش سلام اولوب بولون اجانب دعوت ضیانه  
 دار سلام انیموب منصب جلیل وزارت ابدینه او غلی اگرام اولد که سوده حال طل  
 انان اولان فرمان فرمان کوفه و بوسنه حاکم تاب نور قمر سوز و نیا شانی انیموب  
 سرف حاکم یکیکه مقام و حصار من قیام انیموب لاشا هین یکرم یک قدر کزین عکرا  
 ابد اول کشور بازده نالاکرام ابدوب سلسله کفر و زنی اثر لغا و عارت احوط اطرافه  
 یریشان اولش ابدی یکیکه کینه فرصت بین اولان سبک بی دین ناکاه سر عکرا  
 و سیاه اوزرینه حله سخت ابدوب اولان بخت علی الغفله احوط شیان رومی رو باه  
 و اکثر غلطین خلکیاه ابد لالات این هزار زور و زار ابد بخت ربع مقدار  
 عکرا ساحل سلامه اصال ابدوب اعدا انیموب در بای و غا شجر کور کور عدا  
 اولد که شش شجر امار المصلحه استبانول کورنگ بر دختنه علی بندر غبت اولو  
 ایکس دخی ششده لرحم فرقه اذواج ابد بر می درگاه رافت و سکا هی بدو غن  
 و سبله امن خاطر اساد این حکام بدین سلسله و اولان فرمان رای اولان است

فصلی

بیان دانه کسبه وضع قدم انیموب اولان ادبی تأویب احوط علی خیاخ الاستیجال وزیر  
 اعظم رسال اولو خور شیدا و ج سلطنت و اقبال و خبر بر جدم آخوه تجول بوی غفله  
 الملك قید کور اولان روسی بی بخت روم اعلی ادرینه تبدل ایکه و زبر دله کاه صفر  
 شمشیر و کاه حسن تدبیر ابد دشمنی بر داد و طرفه حصار لرزنده اناری کوفی دور و ضبط  
 و محافظه ارمند صرف مقدور ابدوب جائه انان و ملک اوزره یکبوی و سلسله  
 و سار نیز یکین فرمانی اولان طلاع سلم دست استحقاق سلطان اولدی فی شش مالک  
 محروسه جوارن اولوب اتمیت کاری ملک کفاری دیار اسلام اوت اقرار  
 ابصانه دلالت اولان لاس قصرنا استوار وجودن ممد وحم الاساس تنیک احوط سلطان  
 کازا و تقلد شمشیر دها ابدوب قرب وصول شکر بهادی فخره انظار اوزره فله  
 ضرب منظره فرار ایکه سنده اصدی و شعیان لاس بد فرجام هم مندرینه طلاع یام نفع عام  
 ابدوب یوزیک قدر کافر لرزای احوط استوا سندن اجتماع انیموب کوشش  
 یرد لان اسلامانه مقابل اولوب اعمال اوقات و قتال ایکه غا سناه کز  
 سخت بیوند و اکر حلقی سر انگشت شمشیر صاعقه ناخبره حواله ابدوب شعله حواله  
 تیغ سید ریغ و بد کفار و ام هلاک کور یکین بیخه سعی و اقدام لری شکست و انهم  
 اولوب جلاد جانی استقامت سلطان بدین تخلص جان ابدن اطرافه بریش اولد قمر  
 صکره کشته ارمیند بر مروج حرکت بدو جی ابدوب کتقی تلقین یاز بهانه سبله  
 شهر بارضرت شعاع یقین اولوب سلسله صبا شهادت نوش ادر دخی  
 لسته المبرور و لادش شش حلو شش مدت سلطنت شش مدت عمر شش  
 بلاد اسلامیه بی حد اینجه خبر اشد زور معاد کور اعداد زاد سورد قدر بدین ماعدا  
 برو سده قبلو جبر بر مشرف جامع و فوقا بنه سنده مدرسه و قریه عمار و باغخانه  
 بنا انیموب دخی سبب و سنین و ب نمایه کور دره مفسد اولام مسجد دخی انار کور  
 یکشده جامع و پستین بوش نام غر کور بر عکار اویه بنای ابدوب بر فولده برو سه صا  
 ایکه سرفیق سندن اولان جامع دخی انار کور اما شفا بنده کور اولد و اوزره ولد شش  
 سلطان بلد بازید نمید انیموب در اولاد سعادت نهاد سلطان بلد بازید و لادش  
 و فاش شش و فاش شش و فاش شش و فاش شش و فاش شش و فاش شش



وزیرای عظام کاشته قلم خوش رقم اولدوغی اوزره وزیر اعظم خلیل پاشا عام نمان  
 و نمانین حدود و غیره کشور عدم ایدوب علی علی پاشا خدمت صدر عظمیٰ ملکرم اولدوغی  
 تفصیل و قایم عهد بلدرم خانی سلطان منصور اللوا و غیره قصار جانقوا بقایا ایدوبیک  
 بسمه تری ای بلدرم بایزید سر بر سلطنته جلوس و وزیر آوا امر آتوبه و تهنیه بکجه ادا  
 خدمت دامن بوس ایدوب بیچاره یعقوب بیلی در ترم کرم کرم بکجه سندن  
 زبون و دفع قننه مو هو بکجه سلطان ل عثمانی برادرانی شهر ستاده کوندریک  
 قانون ایدوب علی خانی استیصال کجه فازه دخی بر سر یار سال اولوب قبوله و اولدوغی  
 جامع شریف مغایر سندن و فتن زبیرین اولدوغی لاس سهران ماله و اکلله علای لوی  
 شقا قده همکار اتفاق اولدوغی کفره و ضلالت کوشن ل کجه طرف طرف امر و امیر اسپاه  
 ار سال اولوب هر بر سر حد نفایس اموال ایدوب دولت نواله و مال انبیکر اول  
 مال کلایه و سندن ایدوب خیر ایدوب خیر ایدوب خیر ایدوب خیر ایدوب خیر ایدوب خیر  
 عمارت کجه وقف و تسبیل ایدوب اول سفوحه ایدوب بر بهانه آیدوب و صیاد  
 و منش و لایبدرین مضایق مالک عثمانیه دن معدود و حکومته سندن کانه کان  
 و امر انیسی ایدوب احتمال تقطع ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب  
 قوه طوره معدنی نوا سید و سار معادسی و اکثر مالک لاسی ضبط ایدوب غنایم شیار  
 بر تقبیل حاشیه سلطان و لاس مناط ایدوب محمد ارکان دولت عثمانیه اولدوغی  
 محمد اگر بعض کتب توار بکجه بدی بوز سکن بر سندن سندن سندن سندن سندن  
 نظار باغ عالم اولدوغی مسطور در انا غلبا کوب رحمت و جودی بوسال نیست ایدوب  
 ایدوب سندن و ده بعض نور ظهور ایدوب فرمان او غلنگ نکرا اطوار ناما و حرکت غیرت  
 اولوب بر مقضا منصب کشور بکر کربان و کجه علی و حمید علی ملکدین ضمیمه قلم عثمان  
 ایدوب اعلام عالیه خاقان قاده الملک فرمان اولدوغی قونیه قونیه قونیه قونیه قونیه  
 و سکاکی مشیخ متفهم سید سلوک اعتبار انبیکر اول شهر شهری ضبط و بوا اسکو اوزره  
 افشرد و بیکده و افسر و سار معطیات بلا و قونیه سلسله عکله بطا ایدوب و سار  
 شفعای ایدوب فرمانه لارنده و طاش ایلی ارزان یور و بکر حلق و بویه و سکاکی  
 رایت شقاق اولوب در عهد اندکی مال خیریه ارسال اندک اموال اوزره حرکت انبیکر

قلم ایدوب و صیاد و منش

ولاد علی سلطان

فتح قونیه

اولدوغی سونق سپاه کینه خواه اقتضا ایدوب قرب وصول ایات شهر باری  
 کوش کذار اولمچن اگر چه با سنجی مکرر اطلاق وانی و سید استدار محبت  
 و اشفاق ایدوب لکن درات کاجلای صور حصول مال اولدوغی زریب ساز اولدوغی  
 صف قتالده نیجه مقتدا تلم و تاز کندی بهره جیانه نایوس و او علی محمد بیک و قننه  
 بنوره دکن و نیر بر سر حصار منده مجوس اولدوغی ایدوب بقایای قبایل جنگیزه تنگ  
 قنیه و سبوس و توقات کاک اولدوغی قاضی بر بان الدین نام عالم بی علی بسته تار  
 عساکر طول اولدوغی و سلطنت اسنادیده تصدی دعوی استقلال استبداد  
 اولدوغی و اولدوغی طوط صابجوانی اولمچن مجود آوازه غم طوط خمر ایدوب ترک و آت  
 و دیار و خیرت جیالده و بار بکر و امینه کافره عثمانی بایزید سندن غم دار البوار  
 ایدوب اول کشور سراسر سخر اولدوغی سندن سندن سندن سندن سندن سندن  
 تنک و تاز زارده کین اولدوغی کمره بوفتح مین بلطوق سکر سندن کامیر  
 اولدوغی کفره کاشته صفحت بعض معتبره در قسطنطنیه حاکم اولدوغی کوزم بایزید نام سندن  
 طریق شقاق و لوک سلوک ایدوب مقدا افلاق و بویه سی دخی ایدوب بیکه ترفیع یا  
 عصیان اندکی نایان اولمچن زریب خواجه کجه علم عالم اراخلک زسا اولدوغی و غیره  
 مرک ایدوب سابق ایدوب و اصل اولوب بی تکلف قسطنطنیه و وکرده غاسده و عثمان  
 و دخی فتح طلاع و قصبات مضایق حیطه شجره داخل اولدوغی سندن سندن سندن  
 سنبویه زار ایدوب اولدوغی کندی و زارانی بویلق رجاسنه از زومند انعام سلطان  
 اولمچن سونق دین قبول اولدوغی لاس خواهر زاده سی ولین او علی و سید عرض محمودیت  
 اولدوغی کجه ایدوب شهر اشوبی و لطافت کاشی و اوج حسن و لاجل کاشی و سندن  
 بر ستارده حرم شهر باری قطارین شمار ایدوب شهر بایزید و اولدوغی اولدوغی  
 عشو و کارک و ام کیمو غیره بارش کفارا اولمچن بر ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب  
 ارتکاب ایدوب کی و اواره جام شراب نایه اقدام و بوس سید بر قاج ایدوب نظم امور کینه  
 کف نظر اهتمام ایدوب بایزید و این مظلومین عالم کیم اولوب حتی اموال رعایا  
 دست نقدی دراز ایدوب سکن نفوق قاضی بیدار سوزنده آتش ایدوب غضب و لطمه  
 مقرر اولدوغی کجه مجلس خاص سلطانیم جیشی لطیفه مشهور سی تقیید کفر قاری غدا



نارون خلاص اولوب هر بری چو قدر تغیر اولد قدر صکره بعض مقربین فی زمانه  
بیت المال مسکنده کفایت فضاه یخونه یقین اولد که حصه تحقیقده و اولد مقربین  
الجب و خورشت یارین اول مال امداد امر بعض مرتبه معزور و کثرت اخراجات اورد  
علما دین مشاخرین قلمزنجور اولد قدر کتب فقیه ده مطور در دو بسط اند و کتب  
مفقوله و مشروعه طرف سلطنته دخی وضع امصار خضت اولوب کتب حجت  
بکر و تجدید بیدی و عقد نکاحه او نه یکی در رسم نیست بکده بکر مقیم بید حکم شرعی اولد  
فی شمسه بدخواه دین و ندیک و فون و اما اندر نیمه یک مخا ذیل شیر کون ملک  
اسلامی بی باز ده قارت است یکنه سربانک ساحله و اصل اولد فکر خیری  
بر وجه استیصال اول جانبه یک بابات جاه و جلال اقتضایدوب غایله دنوره  
مندفع اولد قدر صکره سربانک و یکیشتر مضامینده دفتر مالک اسلامیه بقده اولد که  
**استانول** کوری مغا و متدن عجز و قصوری جهتم در هموان مقام فرمانبردار قیام و  
وامر علی دست اخذ در سالم ایکن کوروس فرایله نهالی معامله دین کا اولوب  
طریقند از ابواب حراست که استیلا و کی مرفوع یایه سربار علما و مقربین ادره جمع سیاه  
یور بلوب شهادت و حاکم سربانک سلطان اولد که شتر قطنین محصور شکر منصور اولد که  
فی شمسه **انگروس** قزالی سلطان محمد الاقبال شغال یخونه مولانا ادریس بایکدن مطور  
اولد و اوزره او نوزیک قدر عسکر ابله یکنوی قلعه سن محاصر ایدوب بوجیه کوه  
واحد جمع شهر بار کوه شکوه اولد که استانبول الی آخره ابله یکنیکن تقدیم اهم فاعده سیده  
عل و کون بر مدت تقیج اجل یور بلوب دفع صایل جانبه مائل اولد بلیک بولی و فزنده  
بحر اچا باج و بازار کار و زار راج اولوب تبر و شمشیر مشاهد ظفر از زو سیده سوخت  
و جوید با شکر محله فاعده النعالی یخونه از و شغال فزین حال سیاه جسته مال اولد که فزنده  
انجام بی سیر راه و امداد هم و عسکر اسلام نظره صنوف انعام اولد که شمسه **نصب**  
خواه طفرسات اولد که نعمت بی قیاس مقابله سندن تقدیم شکر و سیاسی و بدو  
جامع کیر نباسنه وضع و اساس یور بلوب مغرب درگاه حضرت باری سید الدین  
النجار و با خود شیخ حامد فسر ای ارشاد بده سلطان یک نهاد حضرت یک جام باده به  
جایزم و قبل الی الله را به نه عازم اولد که چون همیشه شمسه انکار شمسه بار سنانی

فی شمسه  
و یکیشتر

بنده

بنده شمسه انکار بیدی بو غار کس قلعه سنک و ست یانده کوز طحصار عنوانده  
شهرت سعار اولد که حصار بر سایدوب فزه و کبر طرفی سدا یکنیکن بکوز معزور کرد  
اضطرابه دو شوب طرف سلطنت و ارکان دولتی حدال جرج و نیاز نامه سنده  
سال سال رسم خراج او نه یک الزوم رساله به تعهد بی دخی درج اند و کندن اعدا  
نخله انعام سربانک بر مقبول محله اجماعی احکام اسلام اولد که یخونه بایکده و جامع  
و نصب قاضی و یقین امام یور لما غدرام اولوب قدرت تیمور به ظهور و رک  
زالال شرع مطر اول کشورده جاری ایکنه تر حاله و مدینه الحکما آتیه همت سلطان  
الانام ابله دار سلام اولوب قزاق منجوس کسور کور و سخت بد اسیر سندن اولد که  
بعض ایکنه زبر رسم سندن غایبان و دراز اولد که فی شمسه **طفر** انعام ابله امر ایکنه ابله  
اولوب کانقوی و بهسی و ملاطیبه و دیور کی و درنده و کجاک مالک عثمانیه اضافه  
یور لیدی فی شمسه **نما** عاق و **عرب** و تبریز قزاق اولد که سلطان احمد جلار و فرمانبردار  
از بایجان فزه بوسف تیمور صاحب ظهور سندن نیمه کس کس بایان فزانه یک جسته در  
دولت مدان النجا ایدوب مطر فزنده کوریم شکر کوریم اولد که فی شمسه **مقد** ملاطیبه شمسه  
تیغ صاعقه بکر اولد که تیمور مقهور شمسه از زنجار کجاطرین نام کشنی به مقام فرمانبردار  
قیام ایکنه تکلیف اولوب سرچ ربه انقباض اولد که صد رتن کله به دولتی کدی فزنده  
قنا اولد که یخونه یور لش ایدی تیمور به معامله دین لکشته راه شعور اولد که طور ابدین  
خارج بر کتوب فزوف ابله در بای غیرت بدمر فانی توج و ماده فتنه تیغ ایکنه  
کتوب بی اسلوب نیمه بوجانده دخی تند و تبر جواب نامه عتاب امیر اسال اولوب  
انش غضب تیمور با صدق فاذا هی تیمور و مقربین مالک محروس و نه سید اس خرب  
و دور یک مرد جلالی جبار فزاکدن دفن ابله تعذیب ایدوب ملاطیبه به نیجه استیلا  
دراز و اول کشوره ابواب جویدی باز ایکنه فی شمسه **بجده** حلب و شام طفر  
عطف زمام ایدوب قدم شوط اکثر و بار عرب و دار الخلافه بغداد و معز شرف و  
اولوب سلال کشور سراسر مطر صورت جلال و سکا ریش از حال اولد که تیمور بد فرجام  
تخریب دیار سام ابله شغال اندوکی یامد باعث شغال از رفتن اولد که طمره تنی اعدا  
ایخونه اعلام اسلام از زنجار جانبه توجیه اولوب اول حصار و شوار کبر داخل قسطنطنیه



اولند قدح صکره سلطان احمد شفا علیه طهر من کماکان ابانته تقرب و لکن باند عیسا  
اولی ایچون زن و فرزندی برو سه بد نقل اولنم و بکده بر او کتبت **طهر فیند** بر دست  
راسلات تواری آشوب خیز اولوب در بای قدر و کین لجه بر ز اولرق کجی کجی  
انقره فرینده افشیل و اتراج ایدوب بسیار ی خون سبیل خون غیزت جیحون اولی بیه  
از قالدی که فلک فلک ترا موج طوفان دار و کیده سز کوز اوله دست و بکر اندن تنوع  
اولنم ایدین و صار و کج و سار ضایع ملک آل عثمان جنگا که بیم جانده طرافه بریش اولو  
بنمور بد نما و مرز و بوم روم هجوم اندکده شمع جعنه بر وانه اولنم ایدی دم اشتغال  
اتش حوب و قتال بر فحوی الحوب سجال نظیر اعدا فلک اولنم شمس طرف خصمه  
کوز کلین صف سپاه ظفر دستکار اولنم رنده رنده اترک اسکی سکر چایینه و تار  
عسکر دخی سردار سابق لری برادر زاده سی طهر من طرفه بیل کز ایدوب مرد و ایدان  
حوب و سینه سبب ضعف قوت و قوت ضعف او کدی چون ارادت علیه ایدی  
اولنم که انجیده سپاه اسلام غقاب کرد اب انمزم اولنم متعلق ایدی مقتدات  
کوشش و انجانی منج حصول ام و کسوة شقه لوی شوکت عثمانی صدقه با و خالفه بر ج و تا  
و بدم خاندن دست دشمن نازده موقوف سستد غیزت و اضطراب او کدی  
لسته اربع و کمانه اکبر اولاد کرا بیدر اولنم امیر سلیمان وزیر اعظم علی بابا و کجی غایب بیه  
جانبه عثمانی مراجعت اولوب خوانده موجود اولنم تقایس اموال معد و اید  
اورنه طرفه کفار و کجی سلطان محمد جلوسگاهای و لای انا سببه توجه اختیار و بکده مطعی  
سرگردان بیابان گامی اولوب عیسی جلی جوای سمت سلامت و موسی جلی الد  
ماجدلر با شنده بابت قدم مقام خدمت او کدی مظهر فخر ذوالجلال اولنم بنمور بد فعال  
الیه ایدن زباده انا طوبی ملکته اشاعت انواع شاعت ایدوب جن مرا جعده هر  
وارث قدیمه تسلیم اید نصیب ملوک طوائف و ایدنده روش سکندری بیکو  
ایلدی مزبوم روم دخی بدم بایز بد جلدین بکرا تنگ قرار داده ضمیر بنموری اولوب  
هموار صوری نوبه و اگر امه اتمام اید روی لکن اولنم شاه غفور بنمور کبی فرو با بر قدر  
ناز و منصب سلطنت و لقی مغره سی کوفته نفور ایدوب استیلای تب و تاب  
اضطراب یله عارضه خای محرقه به بستر اولنم و اولنم خلال بنمور بد فعال حمید ایدی بنمور

تجربک ریت غیبت ایدوب بدم بایز بد اصلح خراج اطرافت اتمر اچون ایدی  
طیب طیب بایز بد افشده فاش ایدی کرجا اول حکمت شناس طیب طیب طیب و تیدیده تقصیر  
انمیر اما تقدیر فلا فیکر و لغین انخاف مرا جکر قابل علاج اولوب بودار و حشمت مداردن  
ار خال و سرخی انس عالم قدس اتصال ایدنی شیعان شمش و لادش شمش و لادش شمش  
مدت سلطنت شمش مدت عزت شمش ان جلوس شمش ایشماله برو سه سحر نیمیلر ستمده  
جامع و مدرسه و عمارت و دار الشفا و باخانه با سینه بیل ایدی بی ایدی و ایدی  
صکره جامع کیه غنوا بیده شیره اولنم عباد و نگاه بی ایشنا ایدی ایدوب غیزت اب  
جوانه ان جیلان نام نهی عالی کمر اورن بنی جوالیده شیره اچو ایدوب روز و  
ایچون اوزنم جامع و عمارت و دیمتوقه و کونایه و بالیکسیرین جامع و اید شیره  
جامع و مدرسه و فقه فربه و عمارت ایدانم در برو سه فایضه مولانا شمش  
فزاری همونن کلک کجی اولنم و بر ما و ایدون شمش ایدانم کلک کلک نظر ایدان  
فی المدلوه لایم اولنم اول حاکم حاسم شمش ایدانم امضا قبوله سکر کوریموب و برکات  
ایلدی باعث جرح اولنم و افاده ایدیک بک بوکلام خدمت قطعاً مخرج اولوب سراسی عا  
یشی هنده بر جامع با سینه صرف بهمت و اوقامند حضور جماعه مداوت اید  
**رتیب اولاد کرام** ایدون لادش شمش زمان سلطنت بدم خانی و ده غم کلک و اید  
انمدر شمش امیر سلیمان و لادش شمش و فاس شمش سلطان محمد و لادش شمش  
و فاس شمش موسی جلی و لادش شمش و فاس شمش و جلی و لادش شمش و ایدی  
سلطان محمد و فرایدوب فزه نام دیارنن قدم نهاده بیدای عدم او کدی شمش  
مصطفی جلی و لادش شمش و افعه فاجعه بنمورین پس یرده خفا و سحر اولنم  
قاسم جلی نام بر فرزندی دخی اولوب حمی امیر سلیمان استانبول کوری یله با کده صلح  
ایچون بطریق الیهن سلیم اندکی بعض کتب نوارینج کما شنده خانه روایت اولنم  
عام جلوس صد و زارنده بولنم علی بابا مقامند اید اولنم سکر بنمور  
اوج حد و دنده و اید شمش و دیمتوقه و اید حق و علی ایدیم شمش وارث ستمک  
یدری اولنم تفصیل ایدانم کلب غفور بنمور افشده کله کده شمش غفور بنمور  
امانه وضع اولنم شمش و جیدر هزارنده اچو ایدوب حسب الوصیه حقد بنمور



ایصال کچون موسی جلی بی سلیم و وزیر شهنشاده می مطهر صنوف نگین یکدیگر بنیاد  
اسنلای تیمور بن بروسه و اطرافنی خاب و جامع کیده رباط و آب ایدر زوای  
سلطنتی محمد سلطان بنیری بلدرم خان روگردان عالم فانی اوکده و ایدر سوخته صاعقه  
فتر سحای اولوب جتر و خکاهی خیمه هزارا سانه کاه سیاه اولمش ایدی غافلانی  
اجلافی اولغین غرقاب کرداب رک اولدوغندم هجوم سبلاب هجوم ایدر تیمور  
این دلایل در کل اولوب هرزبوم رویدم رفیع قدم شوم ایدر اول تخت شرار و اوزه  
کوس رجلی عالمکده یک مقد طوفان جنگ و سینه زده موجر اولدغه کناره سینه  
توجیه باو بان غنیمت ایدر عیسی جلی بروسه اطرافنده پس برده فغان رونما اولد  
به فراهم مع نشین بربر ملک عثمان اوکده برده هجوم سپاه سلیمان ایدر تخت سلطنت  
برباد ایدر بفرمان دبارنه وارانمش ایدر سلیمان زوم ایدر ایدر یک عیسی جلی  
هوای سلطنته بسط خراج است ایدر بوحکامه قیده تکرار سیه ستوار صالک کشته  
موسوم بر اعن بیان اولدوغی اوزره تراجیح اقبال بلدرم خان امارت مایان اولدغه ارشاد  
تخت مادرزاده ایدر جلی سلطان محمد حکومتی جانی توجیه لوی شاه ای شهنشاده ایدی  
افق نایب سجانی و نه طلوع کوکب تخت ایل عثمانیه دیده کشی انتظار اولوب برده  
مصلحت وقت اقتضا سبلاب تیغ یول اولد و ایدر سبلاب هجوم ایدر ایدر و ایدر  
فره بجی و فره دولتشاه و قباد اوغلی و ایل اوغلی و امثالی دست تطاولین صداید رک  
اماسیه و توقاده صرف اوقات و برادر مهتر لری ایدر سلیمان ایدر رعایت مراسم  
و مکانه و مهاده ایدر ایدر ایدی عیسی جلی باوجود صوفی بر سر سلطنته شکن اولدوغی  
کوش کنار اولیجی بروسه جانی شدر جل غنیمت ایدر بولوب اولوب ایدر اوکده اول ایدر  
نخل از او هوای سلطنت ایدر بربرینه ووشدی میدان کبر و ایدر و ایدر و ایدر  
جوار محمدی ایدر صفایا عیسوی نار و ایدر اولوب جلی سلطان محمد فتح و ظفر ایدر معنای  
بروسه و اصل و دولته ای عالیه داخل اولدی بی شهنشاده فرخ اوزره  
تغش رحمت قرین بلدرم فانی شهنشاده موسی جلی ایدر مایان زاده یعقوب بیکده  
محموظ ایدی احضار نه فرمان سلطان ایدر ایدر بولوب بادشاه نهانخانه خاک  
خارده سنور و برادرین نظر غنایات ناخسور ایدر ایدر عیسی جلی مره بعد از وی و دفعه

جلو عیسی جلی

و فی شهنشاه موبد سلطان محمد ایدر مقام لچ و خصامه قیام و ایدر برنده غم کر یوه ایدر  
ایدوب عاقبت و بارقه مانده دائره وجود و ایدر اوکده بی شهنشاده عیسی جلی ایدر  
اوزر و اولدغه اتحاد اولدی اوزره اولان حکام اطرافه کوشمال مناسب حال اولد  
امیر اوغلی جنید بیک و کریم اوغلی یعقوب بیک از سر سلیم نهجه باهر البی انقباده  
رو نهاده اولغین بر مقتضای کرم عام حکومتی ایدر یکه کده لره انعام اولوب ایدر  
زور بازوی تیمور بیکه ایدر دست تصرف عثمانی ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر  
و ایدر ایدر بیک کیده بر لری سک نملکه ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر  
ایا سعادت و ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر  
ایا سکین شکر به شمار ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر  
ایا سیه به غنیمت اختیار ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر  
ایا سیه شجر کچون سیه کش اولوب ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر  
جلی سلطان محمد و فی برنجای ابادی ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر  
یکشهر حواسنده علی الاتصال الی کون طراد و نزال و بدیجی کوه سنار که اوزره نوقت  
طرفه ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر  
موسی جلی قلم و حکومتده خطبه و سک نام نامی محمد فانی بر لری ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر  
همیشه فزاده کردم جان اسمک عمودی عقود ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر  
معین اولوب قسطونه حاکم ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر  
افلاک کدار ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر  
جاده منقید را بعضی ستادان جایک دست کارگاه اخبار بود اسکو اوزره نقشند  
جور خیر اولد که بنور مغمور و بار و ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر  
ظهور ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر  
اناطولی ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر  
ایده بر قاج دفعه ترتیب صفوف دار و کبر اولوب عاقبت عیسی جلی نعمت جانده  
سیر اولدی ایدر سلیمان رفعت رایت موسی بیدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر  
سوق سپاه کینه فوا ایدر کندن موسی جلی اگاه اولیجی و ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر



اکنون اول بدینند قصد بد استعمار بله قطعه خاک سفید بار در حمایت حق  
 جارجا ابدوب انک مساعده سید ما به علم شسته و بار افلا قده لامع الاشراف  
 اولدی علی کلا التقدر برین میر سلیمان ولداده جام باده اولوب دل شنه زده عشرت  
 برست همیشه سر مست و کو کیفیت شرا بله ارتکاب اندکی بعض اطوار با هموار  
 نیز اولان روم ایلی امرای موسی جلی درگاهنه شتاب ابدوب بومایوما جمعیت سبایی  
 مراتب عدل و کبی ترقی و از دیابولدی بویام امیر سلیمان به ارام ابدوب روم ایلی  
 گذار یک مقدما خدنگ ساسوی جلی ستانه سینه طوغلان ارا دم مقابله ده روان  
 میدان و غاده کمانک اولجا بندن زو کردان وینه امیر سلیمان مسافه نه کریران  
 اولان غن موسی جلی سوار بجمل دیولید علی ابدوب خواص خدایه صوب انال  
 روس جالی آرمگاه و فیض انفس سحری خذه رس شسم روح اند ایله امیر سلیمان  
 بود کلو ظفر ابد قناعت کرین اولوب این دیرینی اوزره و لیران سبین بر مشان  
 یری یکر ابله واره اقتاد راجی کار شنبازوزی اندکی موسی جلیک کوش گذاری و لیج  
 و گاه کبریا نه حفر کر عو نه فتح فیروزی روزی و لقی ابدیده بها کن جمع سباه و غم  
 ابدوب امیر سلیمان عادت الو فدی اوزره ادرنه حماندنه برنن اواره جام کلام  
 ابدوب کر طلیعه بجمل موسی محلات شهره داخل اولغین اول شنه زده غافل خواب غفلت  
 بیدار اولوب سبکبار سنبل جانیه فرار ابله ککر و کچی کوی نام قریه هم عقیده لر سر  
 نجات ابدوب سرود سوری حیاتی شیون مانده ماته تبدیل و جسد نه برو ده  
 جد بزرگوار لر غازی خداوند کار فراری جوار نه نقل و تحویل اند بر نه و اصل نه بدت  
 سلطنتی سکر نه منجاوز و اعوام عمری او توز عدد نه متا هنر در ادرنه ده جامع عقیقه  
 وضع اساس ابدوب موسی جلی دخی تمانه موفق اولغین اول اثر خیر باد شاه نوید  
 جلی سلطه محمد زمان سعادت لر نرن تمام و عباد و گاه خواص عوام او کد توقات و آتیه  
 طفر نر مساعده روز کاره ویده دوز راه انتظار اولان جلی سلطه درگاه عاکسه  
 کشور نا طولی فرمان فرما دین کا ابدوب که مود خا و لیج ملک مور و لطر فنه بیک ماده  
 اجلال و برو سبک کاکان ستر اوزنک جاه و جلالت ابدوب سکاخی افاضه نوال  
 ابدو شحال اند بر نه الزبور موسی جلی واصل منتهای طلبی و لیج سلطه محمد ابدیده و کد

دفا بد طریق صدق و صفایه سکت و لیوب بر مجرد و اقباله لاف زنه دعوی استعمار  
 ولد و غننه ماعدا احوال و اعجاز بر بهانه ابله اصال ازیت و جفایه تصدیق حرکت عزت سلطنت  
 اولغین روم ایلی طرفه عثمان کبر سمت حمت اولوب انجو کر نام مقاده کصفین نکر  
 و قوه صفین او کد صد نه حله محمدیان موسو بلر بر شتاب ابدوب موسی جلی دخی برو کچیک  
 اولقی هو اسنده بسط فاج غیبت انمش ایکن رکابنده اولان بدی یک بقو قوی باند  
 فرار اولوب تکرار سربازان طرفین نیندرن پیام آوری نگاه تند و تیز مستی کرمیت  
 بازار جنگ و سینه او کد جون لشکر منصور فرار یلر تقییب ابدوب سایه لوانک  
 فرسادن دور اولوب پیرامن علم عالم اراده جمع معدود موجود ایدی حکم تقدیر عکس قضیه  
 ظهور ابدوب بر و ساجاننه توجیه لجام غیبت اند بر نه الزبور پیام غیبت برین از میر  
 او علی حکام فرصت یلوب ولایت ایدینه دست تقدی درازا سکاکی سلطه  
 رعیت نواز حضرتی اول بد فعاله کوشال انجون طوغ ظفر فروغی با تلوغ جانیه سایدان  
 ابدوب جنید یک توبه و انستغفاری و سید تقییل عفو و صغ حیل شنه زاری ابدی  
 می شنه شهر بار ظفر شعار حضرتی تکرار جمع سباه و رفیع رایت توکل علی الله ابدوب  
 روم جانیه گذار و رفیع و ادرنه طرفه ایغار اند بر خواطرا و ایمان طرف سلطه  
 منجه اولوب تقییل حاشیه بساط دولت مناطبه بهانه جو اند و کبری موسی جلیک  
 معکو اولغین روبرو اولدن مجتنب اولوب مسلک فراری نیش جوالینه وار  
 متعینان ارا دین اورنوس یک و امتا احوال شرف تقییل رکاب دولت نشا شتاب  
 ابدوب منظر صنوف نوازش اولد بر یوما فیوما اوراق اتفاق سیجیرت اولوب  
 اعمال لطایف استال و تلطف ابد شیراز تالیف قبول تکریدی موسی جلیک  
 منظوری و لیج ضروری هر چه بادا باد کویان صاقر نوا جیندنه جامور لوانام صحاده معرکه  
 هول انکیز حوب و سینه بید ابدوب بدل مقدور ادرنه اطمار رفتور اتمدی قتی اول  
 شنه زده سرفراز اجداد بهشتی معاندنه مودش اولان فن شجا عتده ممتاز اولغین بر قاج  
 دفعه میل و ماه سر مست اساطرف معابله لالت حمد رستمانه ابدوب بنجه مرد بند  
 اینی بر ضرب ابله بالا خانه ریندنه معلق زنه روی زمین ابدی لکن عدم مساعده قضا  
 و قدر ابدی سکر آرزو مانن بر کقوان دیده اشجار کبی نار و مار اولوب دربار و غاده

وجهه اختار ابدی  
 سلطان محمد حضرتی در قضا اولق



هر بری خشم و خاشاک ساکن را و از لکین نایار جوابی سمت سلامت اولوب هزار  
 صفت است این که گاه رستخیز اینیدن راه گریز شتاب بلدی و کمال خیرت  
 واضطرار بدین زمان اختیار دست قدرت اندر ساقط اولوب بر محل دختنا که بایستد  
 بند اولوب مانند منطقه البروج اطرافنی احاطه بدین عقب کبر لودامنه افتاده و فرای  
 ساطع اوزره زه کما اید برک کل آسافک هکله و نهاده اولوب نور ساطع محو  
 بقیه مشهور و لغت غالباً بود وضع سبب اولش در موسی جلیک مهم تجربه بی نام و کتو  
 کشته تیغ غدیری اولوب برادر راجع سلیمان داری جوارنده فراز اتمکین برو سبب ارسال  
 اولکشی تالنه احوام سلطنتی ایکی کتی سنده دین تجاوز و در تفصیل و قایم جلوسه **خبر**  
 سلطان محمد الاقبال بروجده استقلال کرسی نشین جاه و جلال اولو حکما ه ادره  
 و وجود بهبود کرایه زینت و زیب تمام بولد و غنی آبادیه امیر سلیمانک و ون  
 سن بدین مصطفی نام بر فرزند کی کچ خفاده و رونما اولو بعضی شقیاف ایدیه  
 بانوی جاننده ایفا ظفنه نایمده و اوزره اید و که استماع اولمغین دستاری  
 هست شهر ماری برله که کور بلوب اشین بیل اید مردم دیده سی علل اولو صکر  
 محصوله اکر کو بزرگلیک طیب و تسلیه و ووات خاطرین بخار انکسار دن  
 نوعا تخلیه اید بزرگ المانور این فرمان محرم یک رفعت رایت موسویه تخیلی اید  
 کینه دیرینه سن اظهار و بر و سه خلقنی بر آید نهاده و گرفتار مصیق حصارش  
 ایکن بر مست سلافة شهادت اولش موسی جلیک جنان سی منظوری الحق  
 شهری سوخته اش خدایدوب ضروری راه ادبار و فوارنده که اخباری  
 نقاب آسمان بروجده استیصال اول صوبه بوجیه نجیب جلال پوریلوب  
 افشرد و یکیشده و سیدی شهری و سعید اعلی ضام مالک عثمانیه دین اولدی  
 قونیه دینی محصورش کمر نصور اولش ایکن بعضی عوایق ظهوری روی سخره  
 برده تا خبر اولو و غنیه باعد این قریماک نوسط شفعا اید تموج دریای غوغ  
 ساطع جاسنه تضرع و بازی محک بجه عاطفت حسروایه اولو جانیک  
 ولایتین بند کند سخره انکس کچون اول جاننده تحریک سمنه اید بزرگ شمشیر بعد  
**قصه** الوطرقه اید او غنک کرا طوارنا همواری جبری اولطره امانه لجام

غنمت اقصا ایدوب نفقه صحاسی مضرب خیام آرام اولد قدده زجاج مزاجینه غاصر  
 اولک کسبه بایسته و جوهر ذات ملکی الصفا نری عوض لازم مرض اید شکسته اولو  
 طبیبان حازق قانونه حکمه موافق اندکری تدبیر علاج حصول صحت فراج اناج اتمدی که  
 ناظم قصه خسرو شیرین اولک کربان مولانا شیخی که علم و عرفانه مسلم طبیب عیسی دم  
 مساعده نجات اید مساعده دولت مساعده ندرت استعمل کسبیت حرکت و آرام  
 نبضه موافق اولوب قریانی بدفعه کسبیت اعمالند ندرت افعا و غلبه طالع  
 طبع مستحکم مثالم و مضطرب و کانونه در و ندرت نیران خفقان ملتب اولوب  
 بوعارضه نیک علاج بزرگ اید سی قمع مراد سودا و بیدار اجبار مطهره و زنه انکه معاین  
 و اشهر در و بونجین سبب انخوف فراج و نبین علاج ایکنه اناطولی ملک لادامی نیرید  
 یات که اصلاح فراج کلکده تا نیر تدبیر اصابت تدبیری مقرر بر امیر دلی ایدی فریاد که اید  
 هموان معالده شنای اوزره اولمغین کاسطه غنوری بعضی غنوم استیلا سر نهاده  
 و سادو رنجوری ایدوب بوجیه نکرده اید مرض غالباً حکام استقلاله پیوسته اولور  
 غافلانه حرکت اید فوت فرصت کار عاقلانه و کلک عسکر جمع ایدوب بوجیه صکر دن  
 خبر کمر و رودنه منظور اوله سر و بونیک خواهان نه نهالی کوندر و کی مکتوب ضرور سبب  
 اقصا سیده کار کرا اولوب بر امن شهرده ضرب ختمه و خگاه و احضار سیاه انمنش ایدی  
 بایند یات ناکه اول معکر منخوس الاثره سایه کستر اولوب محمد سکی او علی اید کفایر  
 و دست بسته بینگاه درگاه احضار انکین دار و خانه قدر ندرت فی الحال شربت غایت  
 ابر شوب اول هر سهر برج شرف سیاب کسوف انخوفی بر طرف ایکنه مقابل  
 خدمته بایند یات ابا الله رتبه وزارت بحاق اولوب بر مقتضای احترام خلق  
 این فرمان بدیهان و سبیل امانه اطلاق اولکدی شمس سمانه جنبی او علی  
 بدر الدین محمد که جواهر نرات کمالات علوظا هر اید عالمه فائض النور اولد و کبی نرات  
 انوار معارف التمهید اید و فی باطنی معمور اولوب مضابیل عبیه و علبه بیه شهرت شعار  
 و ایدام سلطنت موسویه ده منصب قاضی عسکری اید صدر نشین سنده اعتبار  
 اولش ایکنه قناب کیتی تاب وجود و محمد و می متواری حجاب سیاب معده و می او بیتی  
 فضل و تقوا سنده رعایه قدر کفایه و طبعه یعنی اید لطیف اولوب نهات از نیقده

خروج این سادو







مجول بحال اتباع ایدم مخلصان اتباعی نیز بر پیش سرگردانی ایدوب و دختر سانی ایدوب را آید  
 صح البتة بجلد شقی بد ذات جمع معدود و باله طی قری و قضاات ایدوبک بیغایه وارد قد  
 او کند جاری اولان مندرک طیفانی زمان اولین معبره و قوف و شعوری و لبوب و قفا  
 کرد اب جبرست واضطراب دلش ایدوبک بدل ال بد قاضی طرف شقا به ایدوب  
 انک رهنما غلبه بر وجه اسانی حرور و کلیسول جانبی عبور یکد شمر بار بند اقتدار و قضا  
 اولوق بیغایه سابه انداز اولوق قاضی فعلی جویجو سر داره تر ضیع ایدوب غار اولند قد  
 روم ای طرفه گذار و ادر نه تحکما نده قرار و ایدوب عقیق کبر لر زل غایج کچیه سنده فوری  
 ناکاری گرفتار ایدوب در نه حصاری دیوار نین مصلوب و جان مستعار  
 جانی بوا سلب ایدوب اولدی بی شسته ادر نه جانیه توجیه عایور بکوب  
 برو سه طرفی کافالین جید الله والی اولان کوجک مصطفی نام نایانغ برادر لری  
 و قرمان او غلر ایدوب و اضلا لید بر سه شجر سودا غامی دامنه گرفتار اولوب  
 اهل شهر دبار و مستحقین حصار مقام خصامه قیام انکین نا جانیس و حمان ایدوب  
 اذین طرفه عطف غمان و فرق کون محاصره ایدوب مطیع قرمان ایدوب سلطان  
 دوزمه مصطفی رایت شقا سنی سر کون انید که نه مکره انا طولی طرفه غم هابوب یورلو  
 اذین قریبه ضرب جنبه و حگاه اولند قد اول معصوم بیکناه و لا کانه ایدوب اریکس  
 نام شقی ناسباس ایدوب اصل چشکاه بارگاه اولوب کردن بسته طوق قرمان ایدوب  
 و والدی مرقدن مسمان جنبه فحانه رحمت حق عزوجل اولدی بی شسته اسفندیارک  
 بعض اطواری بی ادبی تادیب اقتضا اسکن بورل اوزرن جمعیت شباطین کیری  
 رجوم شهرام قدر اندازان برله بر شان و کندی سبزه کیزان اولوب  
 قشمو و کون نحاس مالک محوس به منضم اولدی شسته اسفندیار اطوار نا برنج  
 استغفار و سبله عفو و عنایت شمراری ایدوب دختر سعدا ختر نه حلی بند غبت  
 اولک باینده عوض اندکی تحفه بنا نظر توجیه قبول ایدوب غار یور بکول اول سور سرورده  
 اوج همیشه لرین قربانانند ابراهیم بیک و علا الدین بیک و عیسی بیک و ایکسین بیک  
 اولانند ابراهیم بیک و قاسم بیک و ایکسین دخی اعیان ایدوب بعضیلنه ناخدا ایدوب  
 شسته اقبال و زافرون سلطان محسن نتیجه نایید سبحانی ایدوبکی بدیهی الطهور و لغین

خروج کوجک مصطفی

منش او غلی ایاس بیک محمده منظور عین غنایاری اولوق رجاسته ایدوب و احمد نام  
 اکی فرزند بی سلطان ارجمند و کاهای خداسکنده انتظام و برش ایدوب بعد ايام میرالکس  
 لباس جنای جانیه ماته تبدیل و قبا و سیر هنی کیتا کفنه تحویل ایدوبک لا و فلال لک  
 و ایدوبی سلوک قدم اعتباری و منتش و یاری مالک محوس به اضافه یور لک  
 اولوب نهمت سودای استخفاف ملک بهانه سیده اول کچیه سنده ایدوب توقات قلعه  
 محبسه افتاده اولدی بی شسته ایدوب سنده یوز بند لا اولند قد مکره بر شخص کپا و فروش  
 بد کار لغی ایدوب با اولوب احمد کنام صحای لاک و ایدوب تکرار گرفتار اولوب و کوهما  
 سر خوان دار النعیم ملک جاد و اولدی جاکر و وادی غدر و کیدار میر او غلی جنبه غری  
 و ده صد و ایدوب اطوار فاق ایدوب شقاق انکیز مقابله سنده بر وجه منرا خواسی نهاده کفنه  
 میزان استحقاقی اولوق ایدوب سیه کینه خواه ایدوب اول شغال کیدار مکر و آل  
 او غلی فرو حسن ایدوب سینه در نه کرک شمشیر و سرتا سرکشور از میر و اخلا فضا شجر  
 اولدی لر بور میران روم ایدوب سنان یا شادار لکک ولایت لاس اولان ایدوب  
 دختر مالک محوس مدامد و اول ملک حیدر حکومی غدر مکره نفوذ و شوق  
 بلاد و اقامت فریضه جهاد با بند هل فرزند سلک کوجک محوس یورلدی  
 بی شسته و نا محیکه انطالک سنجری سودا سبله جواب و ارام اولوب اول خوشی  
 شکاری قید و صیده رام انکس از بوسیده نجه ایدوب بدل غدینه اهتمام اند کد مکره  
 بر روز فیه وزده شا بد طغی جانیه جانیه جلوه کرد اولوب اطراف حصار قدم  
 احتیاط ایدوب کشت و کدار ایدوب بر طوب طاشیله اعضا وجودی استلا اولوب  
 افتاده خاک هلاک او غلی ایدوب بیک کوفته باون هوان اولان ایدوب بر شسته جاد  
 بدرقه ایدوب برله قوبه جانیه و ایدوبکی لر بور سغرا شیل و لا اول طاش قلعه قایوبی  
 باینده نامر سبغه معلقه اولوب بحال نه قویان اول و نه وازه و نه کدار ایدوب  
 رانده نهار ایدوب روزه و ایدوب باران ایدوب کف آقون فره حصاری دانه لر نه تعلیق چشم خشم  
 اولانده کیری کیری ایدوب و جفا ایدوب اول دشمن جان طرفه نگاه ایدوب بی اختیار طلاق  
 زمام آه جانگاه ایدوب لر الهده علی الراوی زکمانه زجور علی صواسنده ضرب جناب ایدوب  
 ایدوب اول طرفه قطع طریق کاری و وار دین و صادرین ایصال کند انکاری

شجره ایدوب



اولی قریب او غلندر و دورت شتی بد کمر و ورتوز نفر همسان وادی شور و شرایله  
 روینه صفرا میر میرانی بوی کچ ایشاند بیری ابد افاده و ادم و کنام سبغله اعدام و ولوب  
 و دیار لری و بار و خالی و مضنون لایسین و لایسین اول و خاب ابادک حسب حالی  
 اولی که الزبور حیدر نام بر پیر ال جزوه عثمانی نجه سنده شانت و صانده عیدم  
 المانی و همسر قلعه طاق آسمان بر حصار ده که بکینه اضافی قوه قیاسی عنواند شتار  
 یافته ابدی طرح اساس استوار و بوزنه کفایت ابدی که زاده و زاده احضار  
 ابد و ب مکاید سیر بد هم حیر و دستبر فلک سیر سیزون این است حد و لغین شایان  
 جهانده سر فرو برده افتاد اولوب همیشه بلند پرواز اوج زرع و عباد ابدی باشای  
 و نور حیدر ک خواص خدا مندر طیفور نام خان بد فرجام بدل رهم و دیار ابد و ادم فوری  
 کفایت و انکاید زخمه انبار لری فاکستر خرم ناز ابد و ب بوند سیر اول حصار  
 و شوار کیری کند شجره بند و جدری نخته درگاه سلطان ارجمند ابدی فی الزبور حیدر  
 رونما درگاه شمشاد اسکندر در او یحیی مرات خاطر ی غبار انکار دز تخید  
 و محصول اربتاری یعنی ابد سلبه و لند جانیک و لابی دخی باشای و قوم حسن  
 ندیر که کشور روم ملحق تندز اولوب حالک اولان حین یک مقام سلبه قیام  
 انیکر اسم اکر ام و نو فیری توفیق و روم بلند ابالت احساند خانه قلب دریای  
 نوب اولندی می ستمه است بی امتاری عجیب و بنا و اولان ارکانه کوب بر شایسته  
 وضع اساس ابد و ب بوزنه شش و رت طاق اوزر کیمیل نیان و بر جانشه جامع  
 و عمارت ابد و ب بر قصبه طرح ابد و ب طرفه خونه بر محور قریه اسکان بورد  
 فی الزبور کرمان او غلی بقوب یک ترک جهان فانی و دست اخبرم زندگانی  
 ابد و ب حسب الوصیه اول و لابی مالک محوسه بر الحاق و تعلقات منظور  
 عین عنایت و شفاق تدبیر فی الزبور ششای بیکانه روش و لبق او غلی هموار بر خند  
 ایقانده کوشش اوزر اولوب و رت و دوشد کجه عادی دولت ابد نهالی عقد  
 خالی و کل ابدی رفوع بشکاه درگاه عالی و لغین ولایت لاس فرسوده سمند عسکر نیکی  
 اولوب جان اولای و کور جنگل قلعه سی مدکاری شمشیر سلبه سنج اولندی فی الزبور  
 وزیر اعظم ارجیم باشا خنده زب فضلی فرح قزاق اولوب خلعت وزارت عظمی مهدی

بنای جسر کنه

شماره کرمان

قاضی عسکر اولان بون بیل خلیل باشای ستر کور لری فی الزبور امیر سلطان یعنی امانه سینه  
 استمار اولان متوب درگاه حضرت باری سید احمد انکار جباری برو سده مقصد  
 صدقه خوام ابد و ب مفر رحمت و صدری زیارتگاه خاص خاص عام اولدی شسته  
 جلی سلطان محمد اولاند زب یوسف و محمود نام یکی شنده ده که جسم باد ابدی تقدیر  
 اینین ابدی غا اولش ابدی طعن طاعون ابدی دایره شمرود و زب ابدی اولدی فی الزبور الفتح  
 سلطان محمد علی حضرت لری طرازند و وجود و فروزنده مجلس شمسود اولدی فی رجب شسته  
 سلبه یک فرق کوبه بر او بجا محصور شکر اسلام اولوب جله اربعین تامنده فاون  
 بنما وصل نمای ابدی طفر میرا که فی الزبور ششم فضل شعاری و لانا شمس لری محمد انکار که  
 عثمانیه دین احلم اند اندک قلم مجر قمر حصاره طراز شایه فقا و جواب با صوب  
 منظر منطوق و علیه الفتوی اولش در صابت عین الکمال ابدی فاقاب عمر عزیز و صل  
 درجه زوال اولوب خط استوا دن سمت افوله شتاب ابدی فی رجب شتاب و  
 روانه سلبه و حوم و قوم سرامی فائیدن و ان النعیم جاودانی ابدی منتقل اولی حق خان و لای  
 فی الزبور العجم سنده آرای ایوان افنا اولش در خلق عالمه مذکر احوال روز رستخیز اولان  
 خسوف کلی صورت دهنشت انکیری ظهور و روز روشنی نمود ارباب  
 و بکورا بد و سب افق سما و نجوم زاهر ظاهر اولدی فی الزبور شش لری سینه فی رجب  
 عسکر طفر فی الزبور سنجوس و عاصی ارغود و یارنی فرسوده فعال هلال مثال ابد و ب  
 بعض اسفار ده گنده و مقدار راند زباده اسیر سینه زنجیر نقد بر ولای ادرنه و السنه  
 انامده و ادیه نامیده کور اولان جامع لامع النوره طرح آسکس اولوب بر عمارت  
 عاوه بناسید ادرنه کانه کانه ماعدا و اردین و صادر بنی مسفر و نفت بی منت آند بر  
 فی شسته لوا میرده قلعه سی و طرافنده اولان معادن سیم خام مضافات و اسلام  
 اولدی فی شسته شش زده سلطان محمد و علا الدین بیات سستری بکون سرتب  
 سور سر و اولوب بعد الحاق علا الدین بیات اما سیمه خاغه توبه رایت ابد  
 ابدی فی الزبور سرتب لوی جهاد و توسیع بلاد بکون جمع اجناد و یورلق و اولدی اکون  
 مقام طاعنه اولان حکام اطراف و فی ذر بکرممت و الضیافه و عوت اولمغین  
 و لبق او غلندر ایچی او غلندر و لای و بوده سی دره قولی ایچی او غلندر و لای و بوده سی دره قولی ایچی او غلندر

نوشته سلبه

ولاد ابو الفتح

نوشته اناری

صوفی کلی



اولیجی صوبه دیداری سید پادشاه جسر بنده فخر علی صابری و لوب سلطان  
سمندره نوزد سلطان و لوب او غنی مستقر بر حکومتی اولان سمندره و اور زنیه توجیه  
بیورلدی فی شش و الیه قول انکرو سوارا بدوب بر آید زیاده محافه  
حکمر اول حصار استوار اگر چه فرده امان ایلد داخل قبضه افتد اولدی لکن فخر علی به  
منش لا فطر و احم و افعال و لوب آرزو سید در دولت نواله و جلاله استیصال ایندست  
حقنه صد و اربع غدرک شامی ظاهر ایدوب ایلی دفعه عسکر اسلام هدف ناک  
انزوم اولدی حتی نکرانکسار سید فرمان او غنی اظهار توان و ناب و واک  
مخوسه به افعال خسارت ششایدوب پنج مهور قوی و قیامی ما وای خسارت  
اینگین پادشاه هم سباه فرمان داری توبه به دار بجه بازده و اگب فیروز عوف  
ایدوب کمال حد نوزد و لایست اسلامی خلاف رسم آل عثمانی غارت ایدوب  
فرمانی باین رسم دیر نیی وزیر نکرانکسار ایدوب فرار ایدوب فرار سلطان و سید  
عفو و غایت خسروانی ایلدی فی شش **نیز** زاده کریم سلطان علاء الدین کسینی  
عمری هنوز عقده نالشیه واصل و دایره نصف التیاز خط مشکی ری کاس  
اولمشر ایدی امکسبه ده بر رخ بجای اقلیم بقا اولوب سر و سرده بجای قوبالا  
بر و ده جد مجرای جوارنده سباه انداز فاکت فرار اولدی فی الزبور و لوب او غنی  
نیکسیر ذال انکرو سوارا غنی گشور و سی صوفیه به دکت بازده لشکر مخوسه اینگین ایلدی  
در بنده و غلبه غالب مؤمنین رفته رفته مشرکبه سده راه کنز ایدوب فرستیده  
سر نری مقدمه مهر نامه شعور اندک کن مکره بنفش در بنده عقیقه لکین کین وقت بنده  
دام کانه دو شوب نیجه افسری سر و نیجه سرور بنده و ده بی تاب و ذوالری  
حتی شوهر خواهری وزیر عظیم برادر می محمود بیگ دستبسته سید اولوب ذال غلبه  
کفاره گرفت اولان اسارانی سلیمین مقابله کسند و لوب او غنی لک ایلی اطلاق  
و بر قوله خود سمندره و فی نکرانکسار احسان ایل کردن بسته طوق استرقاق اندک  
فی شش سب و اربعین و غایبه مشام جان سلطانی به بوی غالت و زن و دختر زانی  
اسبب رسیده خوان اولوب مشاغل بلاطی و نیای بی بقا ایل تفسیع اوق  
صحنه اولان مخافه جبهه غای حراست بال افعال لری اولمقین شنده و رجه

نوزد و لوب لری سلطان محمد چارده ده ساله سرسلطنت و قبل از اجلاس و فعلی فخر علی  
ابن سید و سب کده و لوب بر فاج مرقبان حضرت ایلد بالکاه شنده ده حال تبارک و تعالی  
کوشه کرنی فلوخانه نبتل الی الله اختیار بیور و ید فی الزبور و عام بحث و افع  
و مانع اولوب خذف قرب الشرفدی هنوز سن رشتد و سده بالغ و لوب او غنی ایدوب  
کفایت بجهت جوی جوش و فوشش ایدوب سکه نیک زده پوشش بعین ایلدی  
حاکم مخوسه بی بازده خسارت ایدوب نیکبول طرفه غایت اندک لری خبر  
و شش افری این سالی بی آرام اینگین الحاح و ارام ایلد بیفوله شش غالت فخر  
و صحر اولان سلطان وادی نکرانکسار فاطمی امور جهوریه رام ایدوب بعد فتح نوزد  
علی آلت اندی ایلد به بل مکان اندک بون جادی الاخر شش طوری که صحر اسنده سربازان  
طریق اوان جام تیغ خون اشام ایچون بزم زمی بن ایدوب مطرب مجلس بیخ  
مخالفه نوزدی اینک جنگه مرا غازی ایدوب بیخ ایدوب موجب غلوه کتایب فیروزی  
و اقب انخلان ایلوب سلطان محمد الاقبال سابه رکابنده ایلی فایز قوی و بعضی ایدوب  
کارزار غلبین ذال انکرو سوارا یک طالع مخوس برله موزدانه و ارگاه سلطان حلا ایدوب  
صف سباه اسکان خوق و نیجه و دلبه صدقه شمشیر ایدوبی خونه غنی ایدوب عسکر  
موجودین بقین اولیجی قوجه جفر نام بریکوی دلاوری اولد و بی ضرب شمشیر ایدوباره کوه بهانه  
سرکوب ایدوب شمشیر ایدوب سیکر ایدوب سده سیکر ایدوب اس مقلوع سر بنده به مرفوع  
اولوب منظور خنده کفار ایلدی بازوی مفا و مکر بر تا فتیه نیجه ایلی ایدوب میدان کبر و دار  
ایلی کونک مسافیه دکت لاشه کفار ایدوب دشوار ایدوب کدره رجب فتح نامه ایدوب ملک اطراف  
اسیر لاس الی بخش ایدی بکرمش نوزد انا و زور و جوشش پوشش اسیر و فی سلطان کوه کوه  
ضعفای عرب اولیجی صورتش ایدوب یک سباه کدای جبر اولد و ایدوب  
این غما و عکسی ترجیع بند منظومه نخبین و رؤس نابری و القاب سلطان الی بیرون  
ایله نین اندیکر خیره معورن موره یک اوج میل طرف بره اولد و لوب او غنی ایدوب  
کفار بنا اندک لری سنگین و دیوار و بش قلعه که کزده حصار لری نامیده شته باروشد شش  
اهتمام غرات اسلام ایدوب دوم اولاس اولوب عسکر ظفر انجام اندک لری غنایم  
فاسر بسد نوزد و زاده کتر نوزد هر یک ایدوب اسیرک فیمتی او جیور فخر ایدوبی شش



ششده سید سلطان یار بنیدر خلوتخانه رحیم مادر دین خرویش یور بلوب و صفه یار یار  
 عناصر و وج ایک کی ششده غم هما بود نظر مغوی یور بلو غاصی ار نو لغد نه انی صارد و  
 اول یار ششده مواضع داخل قبضه اختیار اولک فی المیزور شد کاشنه بسف بی جیف اولان  
 زال انکروس جانشینی حزب نمونیند نه اختیار رجاسنه دبار کفاره صدای استغفار  
 صالوب فقه باغیه ششده کین یکدست و هموار سغده کارزار اولغین سلطان احمد  
 حضرت دخی اوازده کوس غیمتی ابر یوندا بدوب کوس اوده ابکی کون ابکی کجه بر وجه  
 اتصال نش حرب و قتال کرده آهنگران کبی فروزان اولکده حکام کرمیت حکما ده  
 ابکی بان فرسوده شمشیر و ابکی دخی اسیر اولغین با سقاوت کفارست اولوب  
 میدان جنگده مضیق هول ابکیز کریده آهنگ اند برنی ششده ششده اوده اوج ششده  
 نام جامع رصیف المارکان و قربنده بوی یوز انچه ابده بر در سه علم غافز بنیانی نمید  
 ایدوب فرزندان احمد رای سلطان محمد ایام سلطنتکرده اکا قریب بر در سه دخی ترفیع  
 و اول و طیفی ابکیسه توزیع ابلی طونچکن مرده ندر بر سر و کجدهشت ابکون  
 مدرسه دارالحدیث بنا ایدوب بر در سه ده جامع و مدرسه و عمارت ارکانی  
 بنده اند بوز ششده شهر یار کامکار حضرتی نغم ملک دینی بی بقادن سیر  
 و بود امکا رنج و غنا ده بابنه اولغون و لکیر اولوب روح بر فتوی ادرنده  
 و اصل اعلامی علقین و کجینده و جرم مسعودی بر در سه ده دقین زیر زمین اولدی  
 محمد محمد و ولادتش ششده جلوس فی ششده مدت سلطنت ششده  
 مدت عمر ششده بر در سه ده جامع و ادبه و مدرسه و عمارت و معلم خانه و تابخانه  
 و ادرنده جامع حرا دبه و عمارت و جامع اوج شرفی و مدرسه و مدرسه  
 دارالحدیث و معلم خانه و تابخانه و مولوی خانه و ارکانه کوبه بسی و انده جامع و عمارت  
 اول بابی شاه اول اکا هک انار خیر بدر ترتیب اولاد و سعادت  
 سلطان علا الدین و فائش ششده سلطان محمد ولادتش ششده و فائش ششده  
 سبک احمد حلی و فائش ششده کوک احمد حلی و فائش ششده حسن و اورخان نام ابکی ششده  
 دخی اولوب حاجی والد الکثیر الحار دنده صیغراتک طایفه مستعار غایب اید و ادرنده و اکجدهشت و جاک  
 عظمی نکرده و از مندر انکار مخام و زارت عظمی کر اهریم بنیا اولوب و فائش ششده و فائش ششده

مفتیس

تفتتاح في عهد الوفاة

سیر بر سعادت نصرانی عثمانی با با جلوس سمیت مانوس محمد خان بر له شرف بدین راه ولو  
کحل منجی مبارسم سندر بهوکر دور و ربعون اعتبار روز کار او کفن محرم شده قرانی با کارک  
نکر اطوارنا همواری اول طرفه غم ظفر خوم سید باری اقتضا بدوب اقمته معسکر سلطان  
وهر اولدق اول بدینا نک طاش ایندیز نیاز نامه سی درگاه عز و احتشام واصل ولو  
وسیده شفا ابدله مظفر غفور سلطان در بادل او کفن فی الزبورنا **علی امیر الامرا** سی نفقه ده  
وضع و سادو قرار اشک رسم قدیم اکره مفرات اباندر کو تا بهیه ولقی مختار طبع شهید  
بلند اقدار او کفن فی الزبورنا **استانبول** تسخیری همون سید ضیاری و لغین بو غار کس حصار بر  
بنایه صرف امانت ایتا ابدوب دورت آبدو بر قوله فرق کونده کبیل نیان  
رصف الارکان یورلدی می شده اوردنه ده یکی سزای بیگانی بوسان مینت آلمان صوت  
نا اولشد راول بهار خسته ناره جوارنا مدار بر له ترفیع رایت توکل علی الله و غم راه کور  
وصال غیز الکا اغمال شاه جهان و لکن استانبول طرف بدون محصور لشکر منصور و  
چی رسع الاول **شمار** ظفر شعرا جانب بخورن صید کور کفارتیه روز کار خدیج سلطان  
او کفی زنجیر ابدله سدا شمشیر ابدی اعمال صنعت جوار انقال کس حصار و غلط اوردنیز فقر قوسنه  
روبر به مردان حرب و قتال ابدله لایان شمشیر کرا ایصال و کتوبید لان شکر کینه اظها  
قوت دین مبین او کدر فزین فی توفیق التمشیش کور بر او بحر القینقی او کتوبام محموده شده  
اکر قوسانیند زباغ ظفر کو لکر کشفه و خند و رونق روضه اسلام صد خندان او کدر  
بچه جمادی الاخره کور مقهور و مخلص مرغ روح رجاسنه نوبستوک یو ابد کرکن بسان کمانده  
بنم جان ابد مطروح بر جوان مجروح اندر زطل کران حرک نوش و بی بغضی تضاب یک  
غمی فراموش ابدوب دست اخر بر زم زندگانی ابدی بر مقتضای ریاست جاپدرن  
دینی انما ایا کور اوج کون اذن بغاصد او لو ب بوم را بعده بیم شخته ریاست ابدوب  
اشام منخوا به نام و شیران اسلام کوشه کبرارام او کدر **سوم** خانه بغین ابدوب  
هبوط ابو البشر آیدر صلی الله تعالی علیه وسلم بش یک الای یکی سنه و در نوح اسباب  
عز و احتشام و ملک خاق فرمانده رام زند نام بر باد شاه ارجمند استانبول  
بناسنه وضع اساس مصون لاندلس ابدوب سورانی نکبیل و سایر مشائره نقد

کتابخانه ملی افغانستان

فتح مشهور

張







و فی و سورججه نام صاری ضبط و اطرافنده اولان معادن سیم خام سبک مک سلطان  
انامه ربط و ادوب انکروسته تابع طراد و راحه بی زنجیره بند و انواع غنایم  
ایله سکوبن تقبیل یانه سیر سلطان احمد ایکنی المور سمندره شجره سینه سلطان  
بلند همت حضرت قری صوفیه جانبیه جو یک سمت رغبت اندکری اولان بجهده صبار زوری  
دست تسلطی مقنوری ایدنه بوسنه خاکسک سموز او یمن مفتاحی تسلیم ایدر عشق  
رعابن تقدیم ادوب بوسفر جلیل الاثر تقبیل عوما و لایست لاس نصیب سلطان غفور استیلا  
اولکنی شسته سرکده شسته جبهت قزاقی عقول شسته ادم اولان سلطان جیم صحرای جهان  
خانیه بدوضع قدم ادوب بر مدت بزم عالمه نشوده و ارجام زندگانی اولکنی صوفیه  
لشسته هنوز کوفه فخره نک جنگنده اولان اناضول نقده اشک جنگ سحر سلطان غفور  
قزاق اولوب بونصفت و مایون عوما و لایست قسطی شجره ایله تکبیل و اسفندار  
اولی اسمعیل کی کمال اکر ارم و تجلیل برله فخره جانبیه نقل و تحویل اندر المور استان  
راستان بند لاندن جین یک حکومتی اولان قیون لرحصار مسعود روزگار ایله  
ترکمان قره عثمان باندیری نیرسی و زین حسن محمد سبکدسته کزفار اولدو و حاکم و غیر  
ستار اولوب یک حمله ایدر داخل حوزة اقتدار اندکده صکره کوه بلغار و زیندر طبرزون  
طرفه بلغار ادوب انامه بد فتح و شجره و ارام خیره ایدر عابالی بر لنده بقدر اندر  
بی شسته شیخ الاسلام مولانا فخر الدین ابو سعید صدقه خرام ادوب مولانا شمس الدین  
احمد الکوادی مشککات فی خاص عام اولدو که جبار بونانیه و ندر لندو بار کفار ایکن دار  
اسلام اولوب اول خیره دن سع و صوامع ساجده و جامع اولدو که شسته سلطان  
ظفر مصحوب اسکوبه واروب محمود باشای بوسنه جانبیه نادر خدمت سرعکری  
اندلر و زنجیره تدبیر او فی و بر قاج قلعه بی شجره ادوب بوسنه قزاقی خنده انامه ایدر  
درگاه عابیه ابصال اندکده فرمان دریا استبصاله متعلق اولدو که شسته عام خورده  
جامع شریفی با سینه وضع اسباب لوب سکر سینه تامنده ادا و فیضیه قیام و کتو  
دارس ثمان و سایر تهاوت و فی اعوام خورده خلا اندر قرین اتام اولمشدر با یک و فوج  
و یاولی ایضا بزم ملک سلیمه و ندر اولو هر سبک و آلتها اشیا انایان اولمق  
ایله بزرگ و بها اولدو که قرین ابریم یک دار و نادر بزرگ اولادی اسحاقی استیلا

ولایت سلطان  
بزم

فتح طبرزون

فتح مدلقو

بنا جامع و مدارس

فتح و تات  
هر سبک

جانشین بدر اولش ایکن درگاه و ارجام دستگاه بلنج اولان دیگر او غنی بزرگوار ادا  
سلطان ایدر شمشین ابوان کاوگا اولوب ایکن نایار حسن دراز استانه سینه  
قزاق و دبار غریبه نقده جان نادر ایکنی شسته عهد سلطنت و او فایده شسته قدر  
سلطان بر لنده مودم الاساس اولان کره حصار لری کفار فزیک تکرار ایک و تراشیده  
سبک ایله وضع قدیمه شجره و دست همدرین کردوس شجره دامنه حکم اندر  
خبری و اصل سمع اثرات اولمقین مجملات و یات ارسال و در عقب اول طرفه بالذا  
تو یک راجاه و جلال اولوب شاطر بقده خروده فتح استیلا ایدر نام توجه عاصیه جانبیه  
نوجیه سورکده شسته باشای کشور کشت قارلوانی امیده شهور اولان المانی عدد مسمو طلعه لری  
بند کند شجره ادوب و خورده موره محافظه ماما اماند صکره حسب الامر مدلی به سلطان اولان  
سفای شجره کنی ندر با و فو کین ایله شکست اشک کچو طونما ایله کلیسولندن دریا پیا اولو  
بر وجه اول خدمت و فی ادا اولکنی المور و زال محوس انکروس ازور بنش سکانی تقبیل  
اندکی بیا رفوع بایه سیر سلطان اولمقین محمود باشا سیه کش اسیم اولوب اندک زمانده  
طی اهل طریق و جمیعت شیطانی تقبیل ایکنی شسته ارناد و دلا یازده سیاه طغور سکا  
اولوب زینش سبک سیر شمشیر اش فشانده بروجه ایدر رخای عنان اولدو که اول کشورده  
من بعد مقام کچ و ضما ده قیام ایدر کینه فایک و اشتها مارا امکا خوات اسلام اولمق  
بیان ملکده ایدر صان نام قلعه با سینه صرف همت به همت سورکده شسته جیم و فو  
بیر احمد طور ایدر خورده و اوج کستافی به بروج سبکین همای بخش و اقبال ایدر بار فرمانه  
سایه اندر اجلال اولو متاراع و فغی تقدیم و منشور حکومتی شمراده سلطان مصطفایه  
ایدر لری شسته قونیه و لارنده و ندر استنبول برسم خانه کوح ارباب صنایع و اصحاب  
بضایع نقل و لوب کالاماره اضاحه شندن بیوک و کوچک فرمان عنوانه شهرت یافته  
اولان محله ده اسکان اولمقین المور و مقتضای شرب سلطنت و زین محمودیات دن  
خلاف عرضلر بعض امور صدور یکندر سر حسیه فاطم طراری و لمقین بعد العود خورده حصار  
منزلنده او ناغی باشنه بعلوب مقام صداندر ندر ابعاد و صدر وزارت استحقاق  
اصعاد سورکده المور سلطان جیم فطیحه حکومتی نادر اولو اولان جانبیه طوع و علم ایکن  
فی شسته سلطان بنده نواز و عدد و سور حضرت قری غریبوز فتحی هوا سینه رفع لوی غرا ایدر و

فتح قارلوی

بنا ایدر صان

شجره قرین



رنبد و لای و زارند و صکره کلبی سنجای غایت یورین محمد و یس و فی طونما اول  
 طرفه اما رسکان غایت سکنین نجایام با دینش در بر او بجا افرایع انش افش ان  
 قلعه سکانه یام باس و در با اصالده اهل انیموب غایت افرایع ابله سربازان  
 عرصه و قاع اول سرکشی کند سخت یونند شجره بنده اند بر غایت خارج سوخته و زار صاری  
 نام بر بر غوغا که خوره حکما جدا و دوزخ معاندند پس مانده اولان صوف اموالی انده ابداع  
 انتمش ابدی دست نوض عسکر جاردن بی آزار اولو خانه خاصه اکون ضبط اولدی  
 فی الزور **سند** ای یوان صاحب قرانی وارث با استحقاق بر سر سلطنت آل  
 عثمانی فتح کشور عرب و عجم سلطان سلیم کا هم حضرت یک که هر وجود  
 سعادت را سپیده زبون کند ان شهود او که کنی شده جای صعب النال بعض قلاع و بلاد  
 اختفا ابدن بقایای فرمایان و طایفه و رساق و سائر ارباب شقایق استیصال اکون  
 عام ماصیده روغن محمدیسا و بوسه و زبر اعظم سخی است ارسال او که تو هم اکن دامن  
 بلکه دست نوض اعدا در بی آزار اند که صکره افرایع بعض ارباب حرف طرف  
 استانبول سوق او که حال اماره سبیده شمرت یافته اولان سکانه اسکان اولدی  
 فی الزور قبله غای خاطر خطیر سلطان عبدالیه و بارش خیری طرفه سر زده اولمین کرد احمد  
 سیه کش او که قلعه سکا طلب گنه و سبیله خاخ و کا اولان فلج سلاطین و سلیم  
 مفتح ای که در دولت و اصل اولد قجه کلبه سنجای غایت اهل و لشکر بعد ایاام با سبب کرشی  
 عرب مصره قار و اولاد و عیادت و بکرانج ترک عارنی اختیار ای که کنی شده  
**سلطان** جم اکون جمعیت سورخان ترش و کندی شده و زار اسحاق پاشا غایت کرن  
 کنج انزوا اولو محمد و پاشا نابا صدر صدارت اعتلا ابدی فی الزور مکان فتنه فن از و حسن  
 مساعده اقبال چند روز ابد عاقوب و عجم لوی استیلاک به انداز او که جانشین  
 کسری و جهم اولق وادیسندن دم اور مغه اغاز انتمش ابدی بر بوزلاده تیغ سرتیز دین کر زاید  
 سیر احمد و سائر اولاد و فرمان انک شمعنه جمع اولوب کر به کنان دست اشک ابدی پاک  
 کربان تکمین انرازم لایلمزم ادا و بیل با قاطع فتنه و فاد ابدوب نوقاتی خرمه انش سوزان  
 و جمید و فرمانی ویران اندر و شنه زده سلطان مطلق اطلوی غازی بر اطله افش و یکشیری  
 بسانده ارباب شر و شور راه کر زمر مسدود و اکثرین صحرایه مفقود ابد و اولدی که

ولایت سلطان  
 جلال

محمد با و زور  
 سن

طوفند سر عسکر اولان غم زاده سی یوسف میرزا بی نجای سبیلان ابدی سیر بند با ابدی  
 حسن و رازک بود که وضع ناسازی بر اندک سلطان غازی جلالین محک او که اسکاره  
 کدر یورلدی بی شکره و وضع قدم اولد قرح روم ابدی سیکر کیسی خاص مراد که طلبه  
 طوفند سکا اولو احوال سن طوبله اطلای تحصیل اکون بر اکی منزل مقدم کنمش ابدی را که  
 نمر فوات فریده بعض خیال دامن ابدی که در خردار و بخت غور جوانی و نشو و کار ابدی  
 ابدی اولو که بر و اکتد و در بار سیاه دشمن در و رنج سکر کو که کان شمشیر خون بر نه و رنج  
 افسری غلبه میدان جنگ و سبیل و اندک صکره تیغ امواج صفوف اعدا ابدی غوطه  
 در بار عدم اولو که بر سبیل علمند اولان روم ابدی عسکری اصاقین الکمال ابدی ریش  
 و رنج متعین امیر لیکر کفار بند غدا و نکال او که بو خبر کرده و اصل سمع اشرف و بخت  
 انده صفاحات خاطر برین بر طرف ابدوب ریات جاه و جلال سرستان صحرای  
 جانبه توجیه یورلدی با سیر و حوالی سندن اسکی و بد نام مقام صورت شکار و یقین غایب  
 اولوب میرزا تیغ و سنانند روان اولان جو خون از قالدیکر ریح سکون کشتی اوج  
 زده کرد اب انقلاب سرگردان ابدیه دم اشتغال انش مالده حسن و رازک مدار  
 اولان فرزند که ستری کوز برین باشی شنه زده سلطان مطلق فتنه لری شمشیر خونیا بی رازک  
 سنان و بیک و غلی و غولی محمد شنه زده سجد سلطان با سیر جمله ای ابدی مضیق سبیل  
 فضا کر زده غلطه اولوب صفوف سیاهی برهنه ده اضطراب اولش اکون  
 ساید رکاب سلطان اولان فوقی سکانند هنوز بر خطوه حرکت انیموب بر خدمت جلیله  
 جناحی برین ابدی شنه زده کان و اعدا بوزند طمو و اندکی اول طویل عوبک منظور و یقین  
 غلبه هراس ابدی ساسل صطبار انکاس بودوب سمت تبریزه رجوع نهوی و اندک مانده  
 طی فصاحت و فری ای که کنی ریح الاول سوار دشمن از و حسن انک طریق و ابدی پاک  
 ترکمان بیک دست و هموار راه هر عتبه غایت ابدوب میدان جنگ در هزار محنت و جانور  
 جمع اندک شمار کسار سلانته جیدی مرید که دار و داد که هر تفری شکر اللفظ جمع مالیک لوجه  
 تعالی ریه قدر ازاد اولسون یورلدی ابدی اعدا در قبه محوره فرق یکسری بالغ اولش در کثرت  
 اخلافت زاده سبیل نقیب کر تخکان ترک و اهل و فز و اقبال ابدی حکم سلطنت  
 طرفه توجیه مطیعه جاه و جلال یوریلو با هجه لوار سلطان افق فره حصار شر و فریده لامع افق







وفا سے مشا  
حسرو

عین

عین اعتبار اول باب سمت و احدی یک اعلام اند بزرگبوز و قندهار و گوارا جاری نام  
مقام مضرب و ثاقب جوز انطاق اولد قده آواره کوس رحیل اولد قده عاکیله اولوب  
رباط کهنه سف غالم فاندن سرای بغیم باودانه ار نخل اولد قده رح الاول و لا اول  
خلو **شده** مدت سلطنت **شده** مدت عمر **شده** استانبولده کلکله تو بقدر مستغ  
جامع شریف و ابواب جهان عدد و پنج مدراس ثمان و سکرتمه و معلم خانه و عمارت  
دوار النفا و بانجان و خواص فی سطنطپده جامع و مدرسه و عمار و شیخ و فاذ و بنه و  
جامع بنایدوب ابا صوفیه و امساکنجه و پیری بنت خیرالیه عبادتگاه اینشدور  
سلطنته بایزید و لاوش **شده** و فاس **شده** سلطنته مصلو و لاوش **شده**  
و فاس **شده** سلطنته جم و لاوش **شده** و فاس **شده** اسانده کامقام  
مولانا احمد الکوری و مولانا صالح الدین الشریع بخواجه زاده مولانا محمد الشریع **شده**  
و ولی الدین زاده احمد یاشا و حضرتیک زاده سنان یاشا و فحل علما و بنجار  
صدر شین و سنان تعلیم **شده** اولوب نهایت خواجه یک نزهه صالح  
نزهت عنوان رفیع **شده** استانبولده جامع و مدرسه سی اولان مولانا محمد  
الدین و اصل و او اخو محمد سلطنت محمد خاندن نزهتگاه خلدیرینه منتقل اولد

مشاور اسلام

مولانا احمد الکوثر زنده مولانا فتح الدین البحر و مولانا اسماعیل بن الکوثر و ملاعب  
و مولانا محمد الشهبز خبیر و دست پیرای ابوان ز رفیع الشان افنا او کد بیان فہم بحر  
رفقہ عقد کث مشکلات خلق عالم اول شد روزی عظام خلیل یات ملک  
محمد یات علے سے اسماوات اعلیٰ سے محمود یات غل ثم مل سے  
فرمانے محمد یات مل سے جلالت الہیت ارباب فضل و عرفان اولان مدارس  
نماز رشک اور بجا ہفت آسمان اول یحییٰ مولانا محمد الشہبز بزرگ و مولانا مصلح الدین  
القطانی و خطیب زادہ و مولانا محی الدین و قاضی زادہ مولانا فاضل و مولانا  
علاء الدین الطوسی و سونی زادہ مولانا حسن و حضرت یک زادہ احمد یات و مولانا  
عبد الکبیر محمد اب نشین افادہ تعلیم و تلقی اہل بین العلماء حائز قصب  
السبق امتیاز اول شد روز



توضیح و تاریخ عهد سلطان بایزید اولی

ابوالفتح سلطان محمد خان رباض رضوانه خدا مان اولوب والی مصر و قیصر  
وزیر اکبر و اخفایر جاسد صورتی صاف مزاج و سینه استقامت علیه علاج اقتضا آید  
و بواسطه توان جانشین عطف عثمان را جعت اید و بنگر او و او لایق اوز و اسباب  
سفر و صنوف عسکر اول مجله ابقا اولکدن گن تر سر بسته آشکارا اولو طایفه کجاست  
سمت مخالفه توجب زمام اقدام و روز بازار سفاقت و لغین بیوت  
برودی غارت و وزیر اعظم فرما چو یثایه اعدام اندیل اول حکامده روش  
صنوی اعلام لوی فرماندهی اید و ارث تحت سلطنت سلطان بایزید  
جانب دیگرک فرزند ارجمند سلطان قورقود جدا جدا رخ نموده بولینوب  
خلافه بر سر سواد شجره بکن ابدلش فلک بیونقته نوعا شکیب اولندی  
بر قاج کوزم صکره جلوس مینت مانوس بایزید خان و سیمایه امن و آنا اولوب  
اولوب استیغول محافظه سند اولان وزیر اعظم بایق اسحاق پاشا  
خلعت وزارت ابد تحصیل کاران الکه در رسو الاول **لشعه اعظمی لوی**  
شوکت بایزید خان قونیه ده رفیع رایت حکومت ابد سلطان جمهر پاشا  
و وزیر هم اید و بایق خلافتد بیرون و بر و سیر بدست استیلا و از  
ابدا توسط مصلحت گذار از ابد صلاح و آلبین مکن اولمغین نهیر کیشهر  
کنارنده تکیه بحین واقع اولو لایق عفو یک جیانشیند قامت اقامت  
ختم و اکثر سبها هر کشور عدم اولکده فی ریع الاخر **بهمونی طالع بد**  
و بخت ناهوار ابد سبکبار قونیه جانشیند فرار اید و والد و اولاد انتصاب  
و سلطان مصر قانیای استانه سنه تحریک رکاب نشای یک قونیه صحرا  
برکز اعلام علیان اولو فرزند ارجمند لری سلطان عبدالعزیز قونیه مغنبدن  
فره مانه نقل اولکده **سلطان** جم قانیای طرفه نون با بصورت الا و اهام کرم  
اولوب ادا فریضه حجه الاسلام مدینه صکره تجربه تجرب وادینه وضع قدم  
وجود مجنده جو کس و نازی برله دبار روم بجهت رسوم طرفه تحریک علم  
اید و ب قونیه اوز رینه کلمش اکین ادای فظه مقام مدافعه ده قیام کجاست

خود سلطه  
جم

و اشتهار بابت خطوبات حرکات منوبه ابدیهت بر هیبت بیج و تا کجاست و کن  
رشته اعلی عقد و اضطرار اولو در بان روم ابدی جانشینک سوادای و سوسه  
و ساسبله سلطه جانشیند ابد لجام استیصال و بویاده رودس عاکدن استیلا و کجاست  
حواصند بر قاج کجاست ار سال ابدا بعض کتب نوار بچده و کجاست انفره نوار جیستند  
بیم رزم مرتب اولوب جام آمال جم سنگ دبار ابدی کجاست انکسار بولد و غی و غی  
م رسوم قلم نویسنده کجاست اخبار اولشدر بهر حال اول ششده و کجاست اقبال طایفه  
امور در بهجور و سک و درست پیمان رود سک عهد و پیمانده و اولوب  
انوز قورقود جاسد کند و کی کرد اب نافع اب و ربای تحفته القاد و گرفتار دام کام  
نهنگ بلا ابدا کجاست جواد الاخره سنه قصه کوتاه دست استیلا کجاست گرفتار اول  
ششده ازاده کردن و وزیر بخت و از کون قدر و ستمند همکار و بخرج سینه کجاست  
طالع ناهوارنه جانشیند اولمغین و عده امروزه فردا ابد دست اعداده او نه اوج سنه  
کوی جویکان به سرو سا اولوب مرغان شکار بچده سنه افتاده اولش تدرک است  
از دوشترک فرجه فرام اجتنابنده ابکن سکور قیوسی فربنده جامع و بدر سه سی اولان  
قوجده مصطفی پاشا که اولان بچده قایوچ پاشا بدوز ابدی دلاک سهر و روی کجاست ناهوارنه  
و سر تراش جیشده ششده خد متنه و خوله حضرت بولو عام ششده خد و دنده زهر الود است  
استه ابد صفی وجودن نابود و سد ضیافه حیات محدود ابدا کجاست خازنه سی دبار سلاطین  
نقل اولو حسب الامر بریده جدی سلطان مراد خاری جوارنده و فین زبیرین  
اولکده مصطفی پاشا و فنی بر وفق خواطر خواه سلطان خلافت رضای سبحانی لغت زاده  
اولوب اول ششده حقه ارکاب اندکی امرنا صواصورت خراسانی را بجلال ششیر  
سید فایده مشاهده اید و ب جسدی فریده ملت و خواریده طلعه و غایه پوی  
و حورش و حوش و طهور صحابه اولشدر بعض مشا بر کتب نوار بچده ششده و کجاست  
روز کار بخت نشین ملکوت روم ریم بایا بچده استیلا کجاست گرفتار یکم فرجه کجاست  
اهل سلام ششیر شفا و سبیل و لمن طایفه خلافت و اب ملت سید  
ریم بایا اوز رینه سوزی سپاه کجاست خواه اید و ب اول ششده و کجاست اقبال  
قدره انتزع اکین اجتناب فرور ریم بایا اشد زبیل طهور اندکی مسطور در افتاد محال



ایله بود و دامن ابد پسمانده بجه خدمات برورده سی سبق ابدی کدک احمد باشکسته  
 شمشیر عذر او کدک سلسله و ذرا عظم اسحق یاشا کرک بنو ککش ضعیف پیری برجه  
 گرفتار او کو خواست طاهره و باطنه سلسله فتور کلین نقاد خاصه کفینی ابد غزلت کزین  
 و منصب صدارت عظم برده او و باشت کابین **او کدک شمس** **اورده** ده جامع و در  
 و عمارت و دارالافتا سلسله صرف است بی همتا و بر بگو بعد خرس بنین کمال نظام  
 اوزن انما نه فرین او کدک شمس فرمان فرمای ریح مسکوبه حضرت اعلای لوائی غرا اچون  
 غم هابو بر سور مطوب طغوز غرا طره ابد کلی و اوان الشیخ کونده آتی کرمان ضمیمه ملک  
 ال عثمان او کدک **افکاران** قریبه سنده موجود او لاه نفوذ اجناس یقین قیاس او کو خاصه  
 سلطنته عابد او لاه مال غنمت اورده و وضع اساس سور و قدری اینیه خبره کفایت  
 ایله **حاکم بغداد** حصار افکارانه در دانه کند سنجده بنایک سودای قیاد امانه گرفتار  
 اولمغین ابکی سندی در بی عک کر طفره ماثر بغداد و لایتین بغا و لاه ابد و بران ابد  
 کنجایش بر بر حوصله آرزو اولمغین افزون غنایم کونا کون نصیب لشکر خسته اثر  
 اولدی **سلطان** قایتیایدن مالک مصونه الک لکده القای تخم فتنه و ن و تصدیق  
 جم سلطان غیر واحد ادا و اند کندن ماعدا و بعد اخوی آنک طرفدن رنجش خاطر  
 دریا مفاطر بایزید قیایجاب ابد بعض امور صدور با بکمن فرمان بر میرا فوره کوز  
 یاشا سرحد مالک محروسه ده اولاه قلاع سنجیده با مور او کو آوند و طرسوس  
 و وفی بر قاج حصار داخل قضا افتدار ابدی می **سلسله قایتیای** طرفدن از اشراج قلاع  
 رجاسته تازی سواران آهوشکار اول جانبه عثمان بر بر ابدلار اولمغین انا طولی  
 ملک لاداسی اسکندر علی احمد یاشا سردار اولوب کریمت همکانه جنگ  
 و یکارا نشندن یاشا مرنورک کریمانی دشمن چای سنجده فتاده و اول حصار رفا  
 تسلیم بر نهاده **اولدی** می **سلسله** بعد عام قایتیای یاشای مظهر صنوف نوازش  
 و الطاف ابد و اول سبله ابد منهل غدا ب کثیر الرغام عفو انعام از اعتراف  
 رجاسته در دولت نواله رسال کدک می **سلسله** و ذرا علی یاشا سیاه آراسته  
 ابد بیک رایت غنیمت ابد و طرسوس و اباس و سیه کند از سنجده  
 و اوند فرین عوب عسکر بده موکه افروز دار و کیر **اولدی** می **سلسله** احد طرفین

فتح کالی افکاران

اخره غالب اولمش اکیلی ایجاب موجب اکیلی جانب دنی اهنک طریق اوبار ایدو  
 عسکر ب فطامه ابد طمی قضبات و قدر اندک در صکره سیاه روم فوارین  
 خبر دار اولمغین بجوع فغری ایدو اوندی تکرار دام سنجده رام اند بکرم **سلسله**  
 محمد سلطنته خواجده عده فاضل عسکر اولاه صاحب لانا ارجلیله عده المنیرین خواجده  
 مولانا صالح الدین برورده مفتی مشکل کت ابکمن غم تره ساری ملک بقا اکتد  
**عالم** ربانی مولانا شمس الدین احمد الکورانی مضیق جهان فایده نر نصیحت ساری  
 رضوانه انتقال ابد و ب اثر خیزی اولاه جامع مطبوع و لیدین طرفه سبکبا غنا  
 مساعت او کو کسسته مهاد و خلیج الفدا لارند و مکده به دک یازده غارت  
 و سکانه اصال خست اندک در صکره دار سلطنته جابنده عسکر انجم شمار  
 ایدو سردار نقیب اولکده و کو شکدار کر او لیقن راه اوبار و جهه غنیمت ایدو **سلسله**  
**است** مبدای فرینده کوز کور مرز نام کنی غایت مناشندن مخزن بار و ایتند  
 ابدی صاعقه نزل ابد قبه سی طانی نه روانی آسمانه وصول بولده قدر صکره قل طره فرینده و پاره  
 و و شوب اطرافه بریشان اولاه سارا جاری دورت محله فاکه کت ابد  
 الی یک قدر نفوس سکر محله خاموشان **ایله** **صدق** کلانه اعتماد اولمغین بعض  
 نقاد نه سموعه که کا طوبخانه فرینده جو به جیلر تکیه سی نام مسیره عام او کدک در باور  
 طشره کور بن اثر بنادست **قضا** ابد ابدل نظر دند بعض **سلسله** شنده کانه  
 اچون زینب سورخانه اچون فطرات بر نو بهار احسانک نصارت بخش حدائق ال  
 عالمه او کدک **تولش** و شاه سلطنت عثمان طرفدن قایتیای ایدو بیلده اولاه غیا کدک  
 آب و ناصح جمیل ابد لاله سور لوق رجاسته نیاز نامه دار و اولو حب سندی رای بوان  
 افتا اولاه مولانا بن الدین علی العوبه دخی علاقه حبیب ابد محک در بای عفو و حسن  
 اولمغین نامو لکر قرین حصول او کدک می **سلسله** شنه ما اجموه صدق و صفا و خال الکلین شنه  
 مصلح الدین صطفی الشهبان الوفا حضرت بر بودار و حشت مدار و کشتن آری بقا به محل  
 غنیمت اولوب زاویه زر فرینده خط و حل و قرار ابد بر **سلسله** ابدی طرفدن قلع  
 نسیم و غدی محک اعلام عاقلستان قاقا اولوب صوفیه وار لکده اولان  
 تبدل او کدک **سلسله** و اصل اولمغین غنا غم سکا دبار ایدو اوزرینه بخول او کدک

وفات شیخ وفارده



کز برده مملکتی ضبط و شجره در عیال از ارام خیزه برانده بقبره او کندی **ششم** عازم شهر  
 عثمان سلطان بیلک خان خضر خری طرازین خلعت وجود و خواننده سخن بشود اول  
 رأس بیه عاشرده اجای دین بدین شرفی احراز بده اول علی الصفا عازم او کندی **ششم**  
 تاریخ بیلکده اکثر خاوری اسپانیه والی تخت بد استیلا شدن اول کندی بید نام ملک  
 واسع و آل کشور خیزه و زور با اوزره علوم ربانیه و فایق الاوان قولون نام مرد بسیار  
 بر قاج بیلکده در ریج اید طریق وصوله مندی اولدی نمیش اکی مندی بر بیلکده فزینش عالم  
 واد مزی خیزه اول کندی و آند مزی شهاب با اخلاق بهیمیه بی ازاله و در عیال  
 مال بیلکده حدود السنة المرفوعه **ششم** کشتی نام شیخ الاسلام مولانا زین الدین  
 خضر خری عازم شهر بیکاه خلیفه برین اولوب فضل زاده مولانا حمید الدین بانشین اولدی **ششم**  
**صدارت** و در مزی متقاعد فاضل مدانی مولانا مصباح الدین بیلکده عظم دار النعم حاد و  
 بیلکده المرفوعه و **ششم** کشتی نام شیخ الاسلام مولانا زین الدین بانشین اولدی **ششم**  
 افتاده و ام الام غل اولوب بعد اسطر ترجمه سی بازده بر اعنه بخبر اولدی و وزیر ابراهیم  
 تصدی حل عقد امور جهمور او کندی **ششم** عازم سلطان ابو الفخره اول سنه و زمان  
 خلافت بازید فائده سکر بیل عار بالش نشین ابوان صدرا اول کندی مولانا علی القضا جلیس  
 صفا افزای رحمت برورد کاری او کندی **ششم** طرف بر و جانب بکودن عک  
 نصرت نام از سال اول و آینه بختی قلعه سی جنگ بیلکده ای فکده مزی انتزع او کندی **ششم**  
**سلطان** محمد الاقبال خضر خری و فی اول جانب بکودن ربابات جاه و جلال پور شد ایدی  
 مرده فتح انا طر بیلکده استقبال انکین شکر الله نعم او رنه طرفه توجیه نوع و علم او کندی  
 جصار خیزه بر اشی انسابت کزنده خیزه و در اولق اچو مزی شهاب خلیج کوطر فقه بر زمین قلعه  
 بناسنه و زما عالی شرف صدور بولدی عهد سلطنت محمد فائده مظهر فخر سلطانی  
 اول کندی خلیل استیک اول حکامده او رنه فانی بولیان او علی ابراهیم پاشا که بدری بکشی کا  
 و فی **ششم** و غل اید فزاید دولت کزین کچ ندلت و خواری اولوب حتی استاد  
 ایام به نوایه تحصیل نفقه عبال سدایه جوع اچو مزی اولین منزل طریق رسمی علم او کندی **ششم**  
 رتبه سنه رجوع ایدی بیم شخته فخر و کین سلطانه اید زمره مدرسین رجاسنه ساعده و  
 مبعده اچو مزی ناما جار اول وجه اکتب اول کندی خدمت احساب عاری بنی اخبار اید

دولت سلطان  
 عازم

ظهور یکی  
 و نیا

طرف سلطنته اول کندی نفور و اعراضه حکام صاحب غرض نمیش اغراضی و فی منضم اول  
 اسناد خون به نیمه ایام برود و به بار خانه ده اذیت کونا کونز بیلکده اول کندی  
 بلا و مزی با بیلکده شیخ عارف حاجی خلیفه ارشاد بده با سیه ده و دولت باب بکلیزین  
 النبی و انتساب ایدوب بعد بکلیس عام تبعین و ثمانه مانه و در و هم اکی باضحک کندی  
 و الا سید صدر العلماء و بعد مده اول و وزیر و ثمانه مانه و در و هم اکی باضحک کندی  
 روبراه عدم اول کندی خلا لده کنا به ابوان بکلیزین مزی کل فح اول کندی مزی محمد بن عود اید  
 مسیح بانشا و وزیر اعظم او کندی المرفوعه اول سال فزنده فائده سلطان محمد الاقبال او رنه و  
 سفاین مرفوعه و انینه بختی بمانده قبت شیب اول بهار خسته نامده مرفوعه قلعه کا  
 اکی ارحاصره و در مزی عتوه ضبط و وزیر و ن غادم علی بانشا بر سبیله و فز صلی  
 سک بکربط او کندی **ششم** کشتی نام شیخ الاسلام مولانا زین الدین بانشین اولدی  
 اولوب خزینه بیت المالده مضایقه اولین طونهای بهانونه ندر که اچو مزی خلاف عاده  
 رعایا به غیب عوارض تکلیف او کندی کفاری پیرامن جصار و در دور و صدای فزینش  
 فشا مایه و بران اول کندی بر ابراهیم **ششم** عازم سلطان ابو الفخره اول سنه و زمان  
 اید صبا بیک اقدامیده و راج ضبط شجره ده اندراج بولدی **ششم** دست برای ابوان  
 اول کندی مولانا حمید الدین ابن فضل الدین بحسینی بو دار و درون ساری سر و طرفه شتاب  
 و منصب رفیع الشان مزی فتوی جواهر فضل و تقوی بر اید حسن کاد اول کندی مزی مولانا  
 علا دین علی اچو مزی بید انتساب ایدوب اول فاضل معادل سفر جده بولمغین شتاب  
 شرف وصول مزی و لکجه مستفید ک جواب باصوبی مدارس شان ارباب بک زبانه  
 فخر مدایع فخریه حواله او کندی **ششم** عازم سلطان ابو الفخره اول سنه و زمان  
 فور و در بیک عقد و حسد و القای قرین بدایه ترک و بار و فایتهای استانه  
 النبی عاری بنی اجنبه ایدوب بر مزی مزی مزی مزی مزی مزی مزی مزی مزی مزی مزی مزی  
 و هزار خجلیت و شرمندگی برله ابالکاه قدیمی جانیه عازم او کندی **ششم** عازم سلطان ابو الفخره اول سنه و زمان  
 زلال اید نیمه دور و فصور سر منزل عازم مزی صدر مزی دور او کندی **ششم** عازم سلطان ابو الفخره اول سنه و زمان  
 فرار و لغبین شهر بار بیلکده اقدار اچو مزی ساری سلطانه باغچه سی فصا سنده رستاقیه فائده  
 بنا اید مزی **ششم** عازم سلطان ابو الفخره اول سنه و زمان

فتح مطوان  
 و زون

استاد تکلیف  
 و عوارض



وقوع شایسته  
قولی

رایت حکومت ابدی غم مکرر سلطان احمد رضا غنیمت رخصت و بی محبوب بولایه  
تبدیل و نگار محمد و در بنو طو بری بک کعبه بنقل و تحویل بوردی کی شایسته که ای شایسته  
شیطان قولی لقب حسن خلیفه نام راضی به دین کند و ابدی شایسته رکن دینی و شایسته  
اوزره او نه یک قدر اثر ابدی رشتنه جمعیت بنده تاب و بدوب بهب اموال  
و توفیق اهل عیال ابدی کونا به حد و نه و رود اندکده انا طوبی امیر الاخره کوربا  
عوضه و غم کر فکار و عبره لاناظرین کونا به حد و نه و رود اندکده ابدی و بدوب و کوشور  
سرنا سر زبرد زبانه کوربا کونا به حد و نه و رود اندکده ابدی و بدوب و کوشور  
ایکدراج ملکه عارض اولان صنعت و فتور از که سبزه المنی سودا سبزه عطف غم و حجت  
و استانه دین و وزیر اعظم خادم علی است ابدی و بدوب بعد لاجتماع مطهره خلا اولان  
ارباب ضلالت کنار سلاطین محقق ارزو سید قیصر به جانشین بوبک رکاشاب  
اند و کلا استماع اولمغین علی شایسته بیکار الفار ابدی و بدوب کواکب جاز نام مقام تقابل  
صفین واقع اولمغین مقدس و اقام سردار طریقه اقدام و سبزه جانشین اندام  
اناج ابدی و بدوب بقایا ارباب استدرج شاه درگاهنده سر نهاده خاک سجود و کمال دین  
و خوار بر لرزان و برانه لرزان بود اولدیلر خادم علی است لگشته نام صحای عدم غنیمت  
هر یک و غنی احمد ایست و وزیر اعظم اولدی بهر زمان اظفار و معمور و وجود سلطان بهر سوره  
اولو حاکم قوی دست فلک فتور سیر امور معطله کشور بهر دین اسرار زبال فراغ  
و مهمه اصلاح فراخ ملکه صرف و مانع ایتمه وقت مساعد و لمغین و کلار دولت جور و نمند  
رخت راحت فضا سینه رعاد و نه برده سبلا ب اضطراب قالمش ابدی جوی  
اشک چشم بر خیز و بران ساز اساس دولت روز افزون اولد لاجرم سبزه توفیق و غم  
طرز و نه ابا سینه سبزه امان اولد سلطان سلیم قاهر حضرت کی همبته کار و خدمت  
ملکه ز غار غباری زاله و بدکار تی تیغ الکس کوربه ابدی عادی دین دولت فوئدر  
اسلم اولوب بیم شمشیر بیلری بر لک تخت جانبرنده اولان عجزه وزیر دستار  
اسو حیرت حال خوشدلی و اطمینان ابدی و زاری که رکنم و اخفا سیکه تور برده فضا اولان  
اختلال احوال عباد و بلاد درگاه حشمت و جاه بالذات داده و اعلام و افزه عالی بلی ابدی  
فتنه و ف و اهرنده شمشیر ساعد اتمام اینک بهانه سبزه استخاره به استخاره به بدل

ابدوب

ابدوب کعبه طرفه کدار و اسنان راستان جانشین ابدی ایتمه اناسکاران بر سلطنت  
مانده اولان خاندن غرض سدرین صورت حقه راست ابدی شاه جم جبهه کوربا و زده  
جمع سبزه ابدوب مسافه مابین یک مرحله راه قالمش اینک توسط مصیون بر شخص  
عطیه آلهی اولان خلعت عهد سلطنت شهادت کاندیز برینه الباس و لیموب بک غنیمت  
فرقه تقدیر حواله و لنتق اوزن رشتنه انکار فضل قرار و بر لیکیدن ماعده سمنده سنجاق و کور  
رایت کور سمنده اولمغین بایده صد و زو اعالی باعث کشفکی غنیمت االی اولد قمر صوره که امانده  
ظهور ابدی شایسته قولی نام کلا محمد و لی دفع لاجون لوی فلک فرسای سبزه ابدی و غم و غم  
سبزه ابدی و اسلطنه جانشین بوبک و لیموب بوجو کت نتیجه سی سوق ارکان دولت  
ابدی و غم و سبزه کور اوزن کعبی سلطنت شهادت سبزه احمد و زافت و کند و ز غم و غم  
شبن غلالت اولمغین امان غالی سلطان سلیم در دین سبزه صبر و سکون سبزه ابدی  
هنوز ضرب خیام و سکون و ارام اندک ز غم نام قصه و نه اوان یک سوار خیر نکالده  
کلا و ریز و ساز مسرتار غای غم و کلمه تقدیر مستغالب غنیمت جوی فور بنده کلا و غنیمت کور  
نامبره شهنشاه با فقه اولان مقام بدر بزرگوار کور و زان ایتمه امان خارج طور و استهوار  
و ککب نتیجه سی طوق بهر غنیمت و سبزه ابدی و غم و غم جانشین نوجیه رایست غنیمت  
اولد فتنه بوزار ناصوا از کلا سلطان جم جبهه ابدی و بدوب قبله نای ندر بر لک سبزه  
سلطان احمد حقه صد و در ابدی و غم و غم لاجون لوی فلک فرسای سبزه ابدی و غم و غم  
فوزر شهنشاه و لار بهر شاره بر لک طلی مراحل ابدوب مال به نام بهر شهنشاه و لار  
سلطان احمد و ن شایسته سلطان سلیم و غم و غم سلطان سلیم و غم و غم  
ظهور ابدی و غم و غم سلطان سلیم و غم و غم سلطان سلیم و غم و غم  
اطهار صورت عباد و سلطان احمد طریقه اولان کلا دولت خانه لبرین انفا و عباد و لاش  
فساد و کجی سبزه سلطان و وزیر نتیجه ندر و کسونا جاسوق قاند خشت و خیر ان بلیه برادر  
سلطان محمد سلطان شهنشاه کور کلا ای اولان فرمان و بار نه نوجیه سمنده و اجبت سبزه کوربا  
کعبه سمع اشرف سبزه خانه و اصل لیمو حکام شدت شهادت سبزه ابدی و غم و غم  
سبزه غنیمت ابدوب و غم و غم سلطان سلیم و غم و غم سلطان سلیم و غم و غم  
کعبه ابدی یک کعبه و غم و غم سلطان سلیم و غم و غم سلطان سلیم و غم و غم







سفر کشور  
م

دوخته بر بند وجود را و افکار ده بر کنده دست قدر و زکار اولدی توبت مستد آرا  
و جم ابدن شاه عجم اسمعیل بر تفضیلک لوث وجود بدو بدند از اول کشور تطهیر  
نیت طبع خاتمید جمع سیاه کینه خواه اولو طرفت سکدان گذار یورلدی می خوشم نشد  
بعد طلی الماحل ابراز زمینده واصل اولیجی بی کم و کاست شخب راست یوز یک نبر آیین  
بر له ایکی آر قدر زمان عدوی دولت و دین ملکته کشت و گذار اولو اولیج عاریت  
کزن غار اخفا اولمغین مغربان خدمت مبر مبران فرمان اهدم باشا بر تفرید عسکر سربان  
عود و رجاسی مقدیاتی تربیه اقدای کند و به اعدا شنج اولو صوفی کجه نابکار باله دعا کاتب  
بعد بقعه السالک بله لباس زنانه و کسوه صوفیانه ارسال و سران سیاه طوفکار  
طافند زنی خجیریم خذالیم سلطان سلیم بله زهره لر بر و نیم اوله و غنڈن شکستمن  
فرز و نامد را بصال اولمغین اول شنج الفن بدعت و ضلال تصور خیال محال ابله  
کنج کر زدم ظهور و نرفیع رایت غفور ایدوب سلطان محمد الاقبال بله خالد زار  
صحرانده مطارحه فرقه حب و قال ایدوب رجب نهکا که بر و دار خاند  
صد مظهر بشار ابله و بار بکر و کورد شمشیر خا و سنا جالو اوغلی محمد خان اولاد  
و اتحاد هلا و کند و دخی رحم شمشیر ابله افاده خاک اولوب والی مشهید محمد  
کمانه و صدر و وکیل السلطنه عبدالک و فوریج باشی و بغداد و خراسان و کجه بر و ده  
و متاعا کجا و بوندر اشیا کجه عده خا و سنان بار سرون سبکبار و بوطر فز دخی مبر مبر  
روم ایلی حسن باسا و مور سلسله مکی و نیجه احراندار و سربازان عدد و ککار فارغ دار  
القرار اولدی ایلی بوسه طبل الاثر کجه جمع اولنار اون یک عرب بر و دم اکره  
مضیق عده وضع قدم ایدوب اول کرده انوهر نبر متفلس محال تفلس لوک شاه کراه  
نقوبت سیاه کجه نوسو سوک بوا بد رکن توفک ابله باز و سی دست خا و سنا  
یک کار و الم زخم ابله کشته راه قرار اولوب اضطرار ایدیکه علم تایی لوی مهر  
غارب اساست اوکو سمت سلامت بر شک قصیدله غنایه انکجه وجهه کر اوک  
بر قاج خطوه کنه دین ماره کوه یاره سی ندیری کی خطا ایدوب بالای زبند زبونی نشد  
افاده و قطع روز کار کنج رفتار ده یاده اولش ایکن حزام بر تنکی سوار اوکده و سار  
هوار ی شاه سلیم وانی نقشه تقدیم ایدوب سر هوار سی فرسوده شمشیر

غبار

غبار دین و خوه سی زبار نگاه شیعان بدین اوکده صدقه قدر سلامت ایلد و راق  
جمعیت سرخ سران ریش از اولیجی داخل قیضه تملک اولم صنوف اموال دین ماعدا  
باید قرار اولم طرا خط سیدل استصحاب اندک کار اهل عبال سحر دست غارتگران  
اولوب حتی شاکت با جلی تا غم نام زن عشنوه کار و با خود اکامعادل رنجوبه  
بر رخت کار و دخی گرفتار قید سار اوکده شایه بی انتباه اول کجه فوط خافه ایلد طبع مسافه  
ایدوب صمد خط تبریزه وضع قدم و اندند دو کر نده تجرک رایت جور و ستم  
ایکست هدیغ رشت غا اولیجی سلطان منوچهر لقا و حشر جانب تبریزه کتاب  
فروری عواقب یور و بمرده امان ابله سکانی آسوده بستوانم و اطمینان  
ایندلیر امر مشهوره سرخاب نام مغان طفوز کون نصب لوی غ و اقبال ایدوب  
یک نفوذ رباب هنر بطریق خانه کوچ و بار و دم بهجت رسو و ارسال یورلدی  
سکره اول بهار حبه نامارده کاکشنگان و کاکش اتصال کجه قره باغده فسلق  
اوزره و یک ربات جاه و جلال یورلش ایکن مرند نام مشهور و لیسنده و طاق جوز  
نطاق اولد فح و زبر اعظم هر سک اوغلی احمد یاش و و قه کین اوغلی احمد یاش و طایفه  
تجیکیکه کجه جد بلری دیار و مودود اولمغین اوزر همزمان اتفاق اولمغین اول ندیر  
ندیر عقده ناخبره و دوشوب دلخواه سیاه مساعد یورکده و بعد حکام کجان بافت  
تقطقه اولم و زرا منقول و بر قاج کوندن سکره و و کین اوغلی مقبول اولوب  
سنه باسا مقام وزارت عظمایه اعلی ایلدی شجاعا خط و زر خالد بعث سیاه  
ایله یابیر و عنوة و بکنی صلح فخر اولوب منشور بالی نیجه ضمام ابله مبر خور بختی محمد غا  
نامنه زقیم و زمام خدمت محاطه سرحد دخی ایکن کف کفایته تسلیم اوکده  
فی رمضان اما سیده و طر حال و قرار اولد فقه اول بیج بدیع آثار ده بنده اندر ضمام  
اولمغین اوزر فرمان جهان مطاع صادر اولوب صنوف عسکره مشا تعین و کت  
فی شوال سفح حبه اثر و مظهر ایدن خدمات شایسته سی مقابله سندن مشهور  
اوغلی علی یک نظر غیاث نا حضور اولوب عاجل قیصره و نور اوق سنا غا ایلد  
لوی شوکت و اقبالی غا اولدی فی الزور شایه اما سیده و افاتلر نیت خیر غا  
ایدوکی شاه شیعک معکوا اولمغین درگاه سلطان نامه حرکات شیعده سندن ظهار

فتح ایدوب



نذامتی متضمن و استعدای عفو زلی تحتوی خراعت نامه ارسال ابدوب البیجلی  
 جس ابدوب روی رجاستند در وانه قبولی بسته و طهر امانی شکسته اندیکه در  
**سید** سحر زده رس قدم سلطان بهار اولد و دم کاخ قلعه سی بنجری ایچون زکا  
 غوغته وضع قدم اولوب بوم وصولن شایه ظفر مجلای حصوله جلوه کر و حصاره  
 بولان سرخ سر طغه شمشیر صاعقه بیکر اولدنی ریح الاول لشکر بنجی کشتگان  
 کاج و بار بکر امانیسته باعث اعتبار اولوب سر نهاده خاک انقباض و لایعترک و بیکر  
 و جیت کزک غوغه نایت قدم مقام شایه فرما بیدر اولدنی ریح الاخر و لغت  
 حاکم الدوله خاندان اندیون از آل عثمانی زبیره خوار خون است اولدنده لرزه یکن  
 اباسه جو اک نه یکیده سالک وادی خجانت اولوب حاکم عثمانیه به اچاناد  
 توفیق دراز اتمکه آغاز و مقدامکاشته خانه عباسی عامه اولد و اوزر دست  
 نفاق برله در وانه شقای باز ایتمش ایدی غیرت صاحب قرانی استیضانه  
 استیصال اقتضای تمکین میر میران روم ایلی سنان یاشا و مزبور علا الدوله بیک  
 برادر زاده سی این شهر سوار حسب الامر ایغا را بدوب ول بدستک سر بوی  
 ایش نوک ستان ویزر دستنده اولد فلاح و بقا ضایع ملک آل عثمان  
 اندیکه جادی الاوما **سیده** ده وضع و ساد و ارام اولد و غوغه شکاده بیکری  
 طایفه سی این برینلر اوزر نغمه اشک کستانی به سر اغار و بر بهایه  
 معلم سلطان مولانا عبد الجبار و وزیر بری یات خانه لرینه دست توفیق دلاز  
 اتمش اید حصول مولان اول طایفه غیر طایفه بی حرکت ویزر اسکندر یاشا و صدر  
 اما طوی تاج زاده مولانا جعفر و سبکمان باشی اندوکی خور اولوب بنجی شمشیر بیکریه  
 مبتلا اولد و بی جادی الاخر غلط چندین بلا طایفه سی مقابله سنده وک ترسانه راکو  
 هر برینه رایج الوقت البیشر یک عثمانی خراج اولد و غوغه و فخر و بوانیده درج او  
 فی السنه المذوره **تبریز** نه غمانه انکیز خطه روم بهجت رسوم اولد فکر جنگام  
 اسمعیل بد فرجامه طوعا اوکر با ما برجام مقام انقباض اولد ملوک و حکام اکرادی  
 حسب الاقتضا کاه خوینف و کانه طیف ایلد و رکاه رافت دستکاه سجد  
 کذا عبودیت ایتک ایچون مولانا ادریس بدلیسی رسال پورش ایدی جاب

بنجریه  
 بنجریه  
 بنجریه

مولوی اول خدمت علیه او اسنده برزده و امان همت او کو ارمی و اشی  
 و سوار ملکرین و عابد و کسب و بدیس و چیز زان و چیزه عجم حکام و بونکر  
 استیکر مرشس نفر ارایه ریفه اطاعت بند و جان و دل نه بنده سر افکنده سلطان  
 ارجمند استیکر فی المذوره **ایلی** اندیکه بهار کثیر الحامد در دولت نواله روی نفع و  
 سو حاکم کوری دمی مولانا مزبور ک بنجی سنی شکوری و لوق کاشته فلم حوش  
 رفتم بعض روات اولدند و **استا جالو** او علی برادر سی فزه خان مشاهیر  
 استخلاص اید ایلد و مولوب متبادره جانشین محاصره و لشکر بیکر حسب  
 حکم هایون بنیغلی محمد یاشا و مینه صغری میر میران شادی یاشا و بعض احوال حکام  
 اکراد ایلد و زلبا شکر و امن حصار در طرد و ابعاد و بدوب مولانا ادریس و  
 اکراد و زلبا شکر و امن حصار در طرد و ابعاد و بدوب مولانا ادریس و  
 سباه بیلدنده او بیکر اولد و نایره اختلا و شقاق عود با بر حکام اقتضا اید و  
 مار دین نکار زلبا شکر و امن حصار در طرد و ابعاد و بدوب مولانا ادریس و  
 شمشیر خونیسته کرفار اولد و **میر میران** فرمان جنر و یاشا و ادریس و  
 اولوب خجوت قلعه سن بنجی و کما شکر کما زلبا شکر و امن حصار در طرد و ابعاد و بدوب مولانا ادریس و  
 فوج حصار فربنده صولجا بن شمشیر ایلد کوی کله فزه خاکروان و اون یک قدر  
 سر باشن خاکه غلطان ایلدی مار دین نه اعدا عمو و ابریک و کورد ستان  
 اولد فلاح بر طریق ایلد و دست تغلب سرخ سرانند از اشراج اولد و ملک سنجار  
 و موصل و میان قلعه و اوزر و بیکله معروف اولد و باهاها فلم و حکم فرمان  
 سلطان کشور ستان اولدی ای ایلد و **شکر** قدوه ساد و ادریس و  
 مغرب درگاه بیکر ایلد و **بیکر** سره خضر بیک روح بر فوج جادی  
 عارج معارج علیین و جد و مظهر کرا و بیکر کیشکانه کچ شایگان و فخر  
 اولد کفره المذوره **صدار** روم نه منقاد مولانا عبدالرحمن المذوبدی عازم  
 ضیافتخانه رحمت سردی اولدنی شجره کیشکانه کچ شایگان و فخر  
 رخن طلب و لوب ککن تصور مزبور جنبه بعد طهر و اشک بیکریه ایلی  
 موجب اولد و انبیه سوئی کتابی از لحنی مناسب کور بیکرین طاهر و ابریک

فتح خجوت

فتح موصل و دهها

سفر دیار عرب











استند و مرض اول هر یوم شوم و قار و آرام اقتضای ابد و ب ایکی نامند ترک  
 تنگنای دنیا و غم فستقهای بعضی یور و بکری شوال و لادش و سله جلوس شده  
 دست سلطنت شده دست عرشه نهان است طوبی مثل لدر و خواجه وادی کمال  
 اوله فده نادر و ابالت طرز و اولو سرف ساز تحت همان اول و باره همیشه  
 کاری کوفه و مشرکین و رخصه و طبعین غلف شمشیر و کفر زنجیر انک ایدی و سلطنت  
 بهوار و نجبه انکار شمشیر اجنادی میدان جهاد و ده جاله و طبعین زمام رخش است  
 بهشتا بر بعضی آثار خیر با سینه اماله یور سوب انجن صالحه شامع جامع و عمار  
 ایجاد انشود

خواجه که مولانا جلیلی در که دبار عرب سفر نه استانبوله فقول یور  
 و مشق ده مصرعه در حال انکه

ما ندیم اسم شورا سلام اوله اعوام سلطنت قاهر و زنده مونا  
 علا الدین علی کجا حضرت شریف ساز مسند ابوان شیخ الاسلام اید و زاری عظام  
 مصطفی یاشا صلوات الله علیه هر یک اعلی احمد یا عا و عیسی سنان یا شانات  
 می شانه یونین یا شاکل شانه پیری یا شاکل شانه انقبیل خواد شانه عید سلیمانی  
 پیام انتقال سلیم غنچه ده کوش کذار و ارث بر سر سکه و لیکن کرخی کرش  
 سگای سلطنت طرفه تحریک ریات ظفر ابات اید و ب مسند افروز حاکمان  
 و کبر بندگیندان تحت عرش اولدی فی شوال شانه و بزر ستوده ند بهر جلوس  
 سعادت مانوس سندن خیر و لیکن استانبول جانبیه عطف عظم سار عیادت  
 بوم ثابنده ابوالفتح جامع مصلای جنازه سلیم غانی اولدی و الی شام اولو کسر  
 نایخته و مانع بهوده هوس جانیر و غالی بیم شحنه سبانت سلطنت سلیم قیامت زائل  
 اولیچین نهادنده اوله شرف و فساد ایظهار اید و ب عانه اقلیم شامی غایب تحت  
 شوی کجی باب اندک نه صکره سوار و پیاده اودن بش یکده زیاده اشرا ایلده طبعیت  
 شتاب یکده بوجه کرده استاگر دون نشانه و اصل اولیچین فرهاد یا شاسر و اولو  
 ذوالقدر به حاکم شمسوار و غنی علی یک سر عکرا بر شمشیر دامن خذره شهبابه دست  
 استیلای اعدا بر کمر حفظ ایلده مورا و کده و کجی بر بران حلب فرجه محمد یا شافیه

و بزر اعدا افره بدل نغینه اجتماعا اید و ب صوصا کرنده و دومان شمسواری علی یک  
 صده حمله رستمانه ایلده منظومه جمیعین بریش از امکین شایان با و کومان ایلده و کردان  
 اولو ب شانه وار مثلر لیکن تکرار اقدام اوزره قیام اید و ب ظاهر و مشقه مصطفی  
 السلطانم مقامه سردار ایلده رتیب ساز صنف کارزار و کده مقابل مصوف نقل  
 سیوف اولیچین روز جنیت شایان تحول شام بریشان اولو ب جانیر و بزر  
 عازم شمسواری و کدی صفر شانه نیمه جلوس رسم مانوس لیکن انکروس قوالی درگاه عالی  
 محمودیت نامه ارسالنده اهل اوزره اولو ب بلکه مقام لچ و ضامده قیام لیکن  
 اقل کرکش بد روز کاری با کران سردنر سیکار انک نیلده بالذات مبارک است  
 خد مت دین مبین اولو ب اهرای تحت و اقبال ایلده و بار کفان تحریک ریات  
 جاده و جلالت سور که در جهاد الاخر بود و بن شجری ندیری ایلده نه صاوه و دین عبور سنگ  
 راه اوله کور دین استخفا لیکن بر میزان روم ایلده یا سار سال یور بلو ب لچ  
 کوز اتمام سباه اسلام ایلده اول کرکش کند شجیه رام و کده شعیان و بزر خجسته ندیری  
 بر محمد یا شافیه باغ و شجری ایلده مورا و لوب اول فله سنگین نیاید و حضور شکر منصور  
 و اکام مقابل نمون نام قلعه فتحی عنوان ظفر نامه و بزر مورا و لش ایدی شهنشاه سنان  
 سیاه خنری بودین جانبیه سوق کنایب اولمنق نیلده سرم اوده سنده کذار یور شکر  
 لیکن ولایت اتم الصواب بر لفتح غنیت و بلغا و طرفه نوجیه زمام است  
 یور و ب زمره میرامنی مضر با و طاق همایونز اوکده پی مبرور و دیوار و اکر  
 صصار کوه انداز عکرا چاره یار و اکر صورت و لغوب فتح و ظفر عنوة مرات  
 ظهور ده جلوه کرا و کده در مصار بکر کو ندر زیاده ایلچ قلعه سکا مقام عباد و ده قیام اردو  
 صبح و شام عکرا ظفر انجام ایلده انک جنک اندک نه فکره یای شاکر و درنگ اولو ب  
 نایار طالب زمره را و کده در مورا بلاد انکروسی ایلدی فتح نایار کدر سایه سعادت  
 بر ایه سلطنته و شحال اولیچین اردو ایدن فراج کذار ره دار اختلافه بدی قله جانی سکون  
 نقیبن اولو اول مقام بلغا و بزره شسته شمرت ایام محاصره سکندر و مختصر قلعه فی  
 داخل خطه ملک الیچین سلطنت ظفر فرین و کده ایلده بلاد شکار دیز اولو ب اولیچین  
 لشکر را اولیچین بود و بن شجری و فال ندیری و فت اخوه ناخبر اولو ب طرف

خواجه باغ و







اولدی فی الحال انکروس لاوش نخوس امانت عسویه ابلاغ پیام نفیر عام انجمن بدی قران  
حک هفت و ربایا شکوفه و ضلال ابد و ب بوزاللی یکدیگر زیاده و عسکر نخوس الانبر  
مهاج صوا سنده مقابل لشکر اسلام اولد فده مدمات سنی و انجمن شکست و انجمن  
اولوب لاوشک و فی نخوش و آخانه واران حوزة نیرانه مسلم اولدی فی الفقه و  
مضمار کارزار و کینه مسلیم انجمن بوزاللی نفیر غار نایج شهادت بر لبر بند اولوب  
مشترکین بوز یکدیگر زیاده سرب سعادت جوکار تیغ سربز ابد خفته  
انجمن دوزخ اولد در بدرقه سرور و استیلا بر لبر صوای مهاجرت بودن جانب نفیر طعن  
بوز بکوا ایسی استیلا ملک جاه و جلاله استیلا انجمن بخوام و محاصره سند حکومت  
کرمی ملک انکروس محض شرف یا بوسل کد فی ای کجه اون کوز انا متد صکره انکروس الفیه  
درگاه عاید صداقت اوزن خدمت ابد و ب حقه و عدر کیم سبق کرم ایدر اردان  
اولوب انوس از لای یوریلوب بیت الشرف سلطنت طرقة عطف عنان رجعت  
یورک فی المیزان بعد العود اتنا طرقة شک راه راست روان جاده مستقیم ایدر اولد  
یکدیگر و تن و باج نام قلعه رضائیم ملک ان غلام اولد بوسل جلیل الان غم طوف خرم سوزنده  
یاده روده کشف بیت الشرف حایت و لای عجزه و مسکین تف و تادم و کین بیدار  
بدایند از این و لای کجه خدمت حیا فطبه امر کار گزار موده نفیرین یوریش ایدی  
کرم سربز شرف ایدی وجود مسعود از نر متی و لیق انا طوبیده ذوالنور او غلی و حاج کتار  
اولوب انرا استیلا بر لبر از نر فرصت و جلاله حرکت ابد و ب دل سربز حرکت  
باوقته ابد شعله جواله و ش و اثره ملک برانش انشدر کین فساد بندوست فضا بشیر بر  
اولد م فاسد لبر روان ابد و ب اصلاح فراج عالم ابد کی سده و لای عجزه غم و بار روم  
● و علما عسرون تحصیل علوم ابد و ب طریق ارباب رسو سلاک صکره  
سمت صلاحه و اصل اولق از نر سبله دلیل راهبر عازم راه بر ممالک اولد فخر  
نام شخص قدم جلاله و ادوی ضلال و فسق و فجور انرا ابد جلال اولد کاش از جیب  
جناب سید سودا سنده املین شمشیر عریض شریعت محمدی بر حواله کردن جان اولد  
و یوان سلیمانیده بکر بوده جوکار تیغ بران و کد سده بانوش حقه ظهور ایدر بندنوار  
حسانه نفیر قرالی فرزند و شریک انجمن سبانه سعادت بیدار کوا فلک فرسا اول کشور در دور و لیق

زیر کلمه شغاف ظهور ابد و ب صورت بام و شهور و بندل سنا انجمن ابد بودنی بند  
کند شجر انجمن اعلام علم سنا غایت نماید سحانی برله نجره و اهتران آغاز ابد  
قلعه بودن محصور لشکر منصور و کد فی الفقه سده بام محاصره دن شیخ کونده حفظ  
وامر حیا فطره و قصید بطله ابد و ب سلیم منجی کدوره و سبله نایج انجمن بام  
حکومتی کرا باقوشه سلم اولد و کدوش ترا کوشمال کجه نایج طرفه حرکت رایت جاه و جلال  
یورک بکر بر کوه سوار میدان جهاد و غوا شیان سار قلعه قاف قدر و قضا  
اولد شاه باز بلند بر دوزخ و ظفر شکار دام اقدام ایک رجاسیله فخر و آرام  
اولوب دل حصار سیمه مدارک جابجا در دیواری نیر و زبر و دیواری ظفر کدوش  
جلوه کر ● اولین حصار یلر آید بدوزخ عفو و غایت سده سنده اخلاق  
اید و ب تیغ فرمانه سلیم کردن او غار اندر نجره ابد ملک سلا مینه بیانده علاقه  
اولد و بطله نفیر متعصر و سوبه اموری سفیر اولمغین تجلیه و نظیر و تریم و نفیر ابد  
تعبه اولمغوب مصحوب سلا و از السلطنه جانب غنائم رجعت اولد لری  
ریج الاخره اشاده محاصره شهر طونه اوزن فتح اسکندر اولق از نر شهرت  
باقه اولد جبره و کد نجره و آلا ایلان فاسم و بوده نام مرد مختار سرباز لای ابد  
غاز نکران اولوب و کدوش معمر فاطره عاشق مهور کی سرحد عازم صد حله و اولد  
از آملر سلطنت سلیمان سلیم و سلطنت مصطی و سلطنت محمد رعایت سنت  
خاندان کرم بکر کرم جبرنده هوشمندان عالم ● و رشک انداز دارا و جم  
سور سرور شریک و لندی فی الفقه و کدوش کدوش بودنی الی کون کرفار مضیق  
حصار انجمن ابد سندن یکی کجی باش زاده محمد یک سندن غازی ابد بر شیب  
سک نادر خنوب و خسران سر کردانی اندوکی اخباری حرکت سنده نفیر  
اولوب لوی سرباسی نصرت انوار استیلا هوای و غار جاسنه صحر  
و بیابان نوز و اولد رمضان سده سندن محله الاقبال ابد و لای خسران مال  
ارای میدان حرب و قتال و لای اجتماع صیدین نور و ضیا و تقابل و بور و صبا  
محال اولد اولد یوم شوم قلعه قاف اختفاده هم شیانة عنقا اولمغین و نوز  
زیاده قلعه سحر معمر ملک نیر سیم سنده خاکه برابر ● اولمغین ابد کفا اولمغین سیر



سعادت مصر طرفه امانه لجام قفول و لندی فی صخره و جمیع عهد سلطنت ابو القحود  
موسوم قلم بدایع رقم اولدوغی اوزره مسکلی کر کلشن فایده نشانه دست احکام سلطانی  
اولش ابدی خان جنور عام سعادته حد و دنده دائره شهود دن نابود اولوب کبر اولد  
اولن حجر کرای منصب محلول امانه لجام قفول و لندی فی صخره و جمیع عهد سلطنت ابو القحود  
شمس غدری ابد فاده خاک هلاک اولوب غازی کرای نام صیغره غلی التی اقدر  
غنوده مسند خانی اولد فدر صکره اول کثوره طهور ابدی اخل کالی سبیل طعوت حکومت  
اقلیم قریب اولاد اعما مندر سعادت کرامت استعداده نکر کورلدی بر فاج سینه  
به معارضه و خراج اولدیده حاکم اولد فدر صکره سعادت کرای ابدی برادر اسلام  
کرای بنده انش قنده بالاش اولوب اول کلی برادر ظاهر کفده اهنک جنگ ابدی  
فلوب نام نایل اسلام اولمین زمانه خا اکا سلم اولوب سعادت کرای بن  
سایانه وزعامت ابدی رعایت اولد فدر صکره و لندی فی صخره و جمیع عهد سلطنت ابو القحود  
زاده مولانا رکن الدین عازم ناشاکاه غلبرین اولدی فی الزمره بکلیس حاکم کدر نرفت  
واعانت حق ولی نعمتی بر طرف ابدی و بکریان عصیانده باشن خرمین شمشیر  
و نیشین حد و دنده شمشیر قوی نام محمد انبای بغایا سندن اولوب شمشیر با غنایه شمشیر  
و انبایه فرمان جهان مطاع ابدی اولاد بیک بنیسی حکومت شرف اولد فدر صکره  
بیم ضرب صولجان قمر ابدی لزان و بوجن بوجن کریان اولوب عاقبت به  
النجایه و اندر امداد رجایه انش ابدی عسکر ای ابدی بنیسی از زبده کلوب اولاد با شاف  
سیاهی ابدی ترتیب مصاف شفاق غلاف اندکی دم سرکش ان بدیهه کله لر کدی  
فریده عدم اولدی ریح الاوشیه مادر بهران والده سلطان غم حرم سرای روضه رضوان  
اکثره السنه الزمره شیخ الاسلام کانی سا زاده احمد فندی حرم غم دار اسلام  
و خارج سلطانیه ده امیر بخاری زاویه سی زنده اخبار مقام ابدی و بکلیس حاکم کدر نرفت  
استان قضا سندن منفصل مولانا سعاد الدین عیسی خلیفه بیک دست استخفا فدر  
مسلم اولد فدر الزمره قمر احمد مأم اولد بر نور تاریخ جلند در وزارت عظمایان  
متقاعدیری با شاف فدر روضه الصغار فایه متقاعد اولد فدر الزمره و ان کثوره  
حاکم فدر مطاع اولاد امیر و الفقار که الجا ضرورت ابدی شاه که اهنایه اوزره اکیلی شاد

استعداد و دین طریق صفا اولوب درگاه سعادت و سنی به عرض انبیا و انجیلین  
وسایل سبکس اعمال شبکه اقبال ابدی فندی شیخ و امیر و الفقاری اهل کدر نرفت  
انیشن ابدی بویام بی نظام و اصل سبع اشرف اولمین ندر کرم مهام سفر جلیل الاثر  
ایچون وزیر اعظم رکاب طغرائه سندن مقدم طب جاننده نوجیه مطبوعه نوجه املک فیه  
ریج الاخر انا و روم در روح بیک نام غازی ضرب شمشیر جهانگیر ابدی و بار خیر نرفت  
شیخه تقدیر سعاد اولد فدر صکره سمندر کرم عنان جاننده فاده اولوب برادر بی شرف  
بیک جانشین غلبرین و کلشن ابدی بو خلاصه مساعده بخت خدا و ابدی نهجه عبودیتی  
بیش نهاد ایدوب اولن سکریان قادر غلبرین دولت نواله و اعمال انجیلین اولن شمشیر  
در بای و غایب و انش خدیویه کادران اولد فدر صکره و لندی فی صخره و جمیع عهد سلطنت ابو القحود  
حسن تدبیر ابدی مدد سید ملک عراق عجم اذربایجان و لکن فکده وان بند کندن شیخ اولدی اولن  
سردار جلیدن عنان انکیز طرف خطه نیرزا اولوب اخلاطه و عادی و لوز و سلطان و خیر  
داخل حوزن شک اولد فدر صکره تلاطم امواج افواج سیاه برله سعاد با و نیرز و بای موج انکیز  
اولد فدر صکره و لندی فی صخره و جمیع عهد سلطنت ابو القحود اولن کدر ابدی عاقبت  
حفظه خطه سبیل سیهوده تصبیح مال القاب رجا اولد فدر صکره و لندی فی صخره و جمیع عهد سلطنت ابو القحود  
نام مقاده بر فکده سبکین بنیاد ابدی خضر و سیاره سیاه خضر ی منوکل علی ابد  
کلیس ابدی خیر و شاه عجم تادیب بنیله طرف سکدر کدر ابدی و بکلیس حاکم کدر نرفت  
کدر قیام رکاز بیک برله اول صحای نمودار لاله زار ابدی محرم الله قطعه منازل بریلو  
اوجان بیلا غنده سردار ابدی ملا فاکر ندر صورت مرج البحرین بقیانایان اولد فدر صکره  
صحو اولد فدر اذربایجان فرسوده نعال لاله شال ابدی یک طمی منازل اولوب شفق علم عالم  
ایلی سلطان امانی بغداد سیاه انداز امن امان اولد فدر صکره شاه کراه طرفدن جا اولد  
کدی محمد خایم جان ابدی آهنگ راه کبر انیشن بولنمین کنشور ب بی انجب مالک  
اسلامیه بلخ و سلطان ابدی و بن سبک رونق حورنق اوکده خداداد  
کدی برج اولیاد شاه نادر ابدی در رس مغنیب مولانا مصلح الدین بیک اری نادر  
خدمت فضا اولدی و الی مصر خادم سبیل با شاف علی التوا اولن سندن حکومت  
کدر کدر صکره حسب الامر اصلاح احوال عدل و یمن بر تعالی بدفعال ستمی اولد و

فقداد



بعض بنا در عهد به استخوانی چون طو کما به سوس حیدر سنده غنیمت است  
 خسرو باک انکب مقامه قیام بکند فی شعبان بغدادی الهی آفرید را قناری هکسانه  
 حله و شهریان و اشکافه لرو کورستان و واسطه و شمشع و جابر و قطیف و بجرین نام  
 او کله روزه قناب شهر بایر جم جناب برله شرفیاب اولوب بصره حاکمی را شد و فی  
 مقام اطاعتده قیام بکند ساید لوی فلک فرساتیرزدن و در ولایت شاه فتنه انگیز  
 کینج کرزدن ظهور یابد و نیز سینه سینه بنیاد جامع مشاجره بعده وانی محاصره اندکی  
 دارالسلام در نجفک اعلامه باعث اولوب روگردان وادی رعب و هراس  
 اولان شاه طهماسب طرفند زباله و قنوجو ایم ریخته باز آمد لروار و اولغین بظ  
 نظر قبول اولوب در گردیدن استنبول نوجیه عاید لردی می محمد شمس **سلیمان**  
 با شاه زندون خود ایدوب بند حکومت بصره بکین او کله در رسع الاول لشکر  
 وزیر اعظم ارجیم با شکاف قناب جبار قنار عفته زوال یعنی مرات حسن جالی  
 و شکستنده قدر و جلال اولوب با سناش جانشین بنده اقبال او کله فی رمضان  
 و ندیک فرانی ظاهر درگاه عالی به مطیع و فرما بر و باطن اعادی دولت ایدوب  
 ایدیم شرب شقای مضمر اولغین اول شافقه سوز صیفه لابن جواد برک ایچون  
 سفدما یک نور سکن باره قادر غه فیودان خبر الدین با سنا و سردار لطفی با سنا ارسال  
 اولوب طرف بر دین رفته اقبال برله بالذات نجفک ریات جاه و جلال  
 او کله فی ذی الحجه لشکر قیام کردون قیام اولونه فریده طعنه زن قناب سیه سیه  
 اولغین طو تنای هابون و فی اول محله واصل سکر فیروزی اثر اولوب اولیه بقدر  
 اتش غارت صالقی ایچون ارسال او کله فی صورت شمس لطفی با سنا و خبر الدین با سنا  
 نامور او کله قدر خنده مساعی جمیده لری ظهور اید کدر صکره کور فوز استخوانی ایچون اول جان  
 نوجیه با بان غنیمت و لقی با هجده اوطاق آسمان نطق دنی کور فوز مغالبه سنده لاسی  
 او کله فی ربيع الاول قرن اوج کور کور فوز شکینیه محاصره اید غنیمت و اول ماهه بوز  
 فرق باره معمر و در نجفک اول و کله قدر صکره فصیح نجف و شتابان برودت  
 و دوشوب مدت سفر و در با منقعه اولغین ظهور فتح کلی وقت اخوه تاخیر اولونه  
 شهباهای راز اوج سلطنت اول مقامه از اشبان قدیم طرفه نجفک قاده مراجعت ایدری

غالبه فوز

فی ربيع الاخر اوجی منزله صدر بن فاضلین محی الدین افندی و قدری افندی معزول اولوب قاضی  
 استانبول ابو السعد افندی رومه و قاضی مصر جوی زاد افندی انطولی به اولدی و وزیر اعظم  
 اباس ایضا مضیق کر قنار قنارون سخت برای بقایه رحمت رحلت جلوت اصف نام  
 مولی لطفی با سنا این حاتم و کالت کبری او کله فی السنه لوزره صدر **صدیق** رودر متقاعد  
 مولانا عبد الواسع مناع دولت دنیای بقایست یازن استغنا اولوب مجاورت  
 خدا ایکن نامل غنیمت ایدی اولدی فی الماور النعمان و بوده سی ستره بقای کلین و نایچ کون  
 مشغول اولونه خواجه اتصاله اهل اوزر اولد و غنیدن اعدا اعادی دولت علیه بر لوز  
 کلیم خفا و معاملة شنائی اوزره اید و کی بودض بر شرف مصر اولغین سنده سبک بر حجه  
 ارغای غنان غنیمت اولوب با سنا اسکله سنده لطفی الیخو طوف و سکه ایدری فی  
 ربيع الاول السنه خاوم داو و با سنا سخت بو سنی به نر اکور بلوب اون ایکی سنده نر اید  
 حاکم مطلق القادر لردی فی ربيع الاخر اول لیدین بد آیین سکن یکدر نر باد و شکر بخش الاثر خاوم  
 ایدوب بوطن ان نام صعب لرو و در بند و لیکر منصور عبورنه فالفت حکم سودا  
 دامنه و شمش کلن صورت باز متجمله شکال نام ایکیکن بر کجه نیک و نه نام سکر کونست  
 اثر نر نر اید اولوب نظام جمعی بریش ان اولدی فی کل اعبا مصا اول کشور ستر مالک  
 محروسه بر معان اولغین تنضم امور ایچون حسب العاده و بوه و ده مضرب اولوب طرف  
 تحکامه اماله لجام اشوب زرین سنام یور لردی فی جاذر الاخر بر رفته دولت و اقبال برله بو  
 سفر طویل الاثر و نر جیه ریات جاه و جلال یور لردی حسب العاده فیودان خبر الدین  
 با سنا یوز الی باره قادر غه اید محافظه روی در بایر غنیمت تمش ایدی و بد کینه نایچ کربت و کرب  
 و کالونه و امثالی بکر و شیش یاز معمر و خیره سر حد عمارت و آباد ایدن صدر حله دور  
 اولد قدر صکره ایند بخیتی مغالبه سنده کفارک اید و جیوز باره قادر غه و یوز باره قلمونه مقابل  
 اولوب بقونه تکا یوز باره قادر غه و جمله بقوندر اخل سامی شجر اولد و غنیمت بیعت شری  
 وار او کله فی مفتی الامام سیدی افندی منوجه سیر سربستان خان اولوب صدر **طیلس**  
 جوزاده شینج محمد افندی منصب طلی اید اید تحصیل رتبه علوشان و سربندی اید کله کرب  
 کرب صاحبه کجرات و احکامات مرده ماه سلطنت ستم با سنا به نر و بوز یور لردی  
 نه یوزت که اولدک شاه آو آو نایچ سور سور لردی بر با صید فیودا اید طارحه فرقه

غده بغداد

و بو تقریب و لغوب اید و بزرگ کالای  
 اعتباری نر و بوز







ابدی اعلام اسلام اول طوفان منقطع اولوب طغوز کون محاصره نوبه ایلده  
 تکرار مایل مان اولدو که حیب اعاص میر از رجا سینه مساعد اولنورده اشرافیه دیار  
 بحر قضا بر مکی حواله اولمش ابدی غم و کاشان و اصفهان حد و فارس دکن و بران و حجاب  
 و صفی ت دیوار نموده غای کارخانه چین اولان سر ابدی شبان بوم غای اندکن  
 صکره کون بسته طوق فرمانبرداری اولدنه غار و کردستان جابنه قرار ایدو  
 احو کار برادر غداری نینغ خونیزدن قرار کبر بولدی حاکم مصر و لو دیش امام ابوالبیت  
 خاری جوارنده قرار ایدو بسم علی باینا منصب محموله موصول اولدنه ریح الاول  
 لسته و اقبش کبریه کشور عرب بدینه جلده بسطط ارام اولنوب اولان  
 خجسته نامارده لوی فلک فرسانکرا تخته و ایتزان اغاز ایلدنه جاذ اولدی صحای  
 ایدو مکرر سلطان کبر الحامد اولوب شاه کما ایک قرار کماهی محموله اولمغین شتر  
 و حضورش مکرر منصوص بکون طرف رومه عود اولدنه فی شوال رباب صبت کبرین قطب  
 زمان کز صلیح الدین دائرة وجودن مفقود اولدنه ریح الاحواله تفریاسنه  
 و اربعین حد و دنده اسلام کرای خان بالطوع برادری صاحب کرا به اولنق اوزره سید  
 خاندن نزل و سیل طرف نابت و بتل انمشن یکن بر قاج سکره الم افراق  
 حکومت دشت بیجا تخیل انمبوب صاحب کرا به اندکی قصد کرد و غدر کند و عاید  
 و بعضی نه خدای با شرنبله روان جانی را که اولمش ابدی فخر و ستم  
 وزیر ستم ایدو صاحب کرای منصب خاندن معزول و دولت کرای ابن مبارک  
 کرای بن منکلی خان اول مغانه موصول اولوب صاحب کرای دادخواهان استان  
 دولت اشبانه کلور کن مبرغانده کند و دن ستم دیده مبارک کرای مبر را صومعه  
 شمشیر غیری ابد قطره جانان فدا ده سبیل عدم اولدنه بده زاده لوی استغاک  
 بعض مرتبه اتباع فرماندهن اشاع و اصل سمع هجابونه اولمغین روم ایلی بیکر یکجی پیش  
 ارسال اولنور اول بیکر نیر دستنده اولان بجوی و لیوه و بیکرک اشالی نجه فلاح  
 اشاع اولدنه صکره بر قاج کون طمشوار دخی محصور سکر جارا اولدو عدم مساعده غدر  
 و انبیکر اولمغین مغزاده متنبوب اولان بارده و دولت ماردون سیاه ظفر  
 دستگاه ابد و وزیر احمدیادجی ارسال اولدنه سیرامنه قلعه طمشوار تکرار محارر حال

حوب و قتال اولوب هزار سنی و اقام ابد اول سر کشی کند سنجده رام اند بکر جاذو  
 منصب جلیل القدر فتوایون متقاعد اولوب برو سه ده متکلف کین از و اولان  
 مولانا قادی بر رخ ناستون موقوف لاهوتی ار حال ابدی شبنامه شبنامه  
 شبنامه سی محک عن حجت صاحب قرانی اولوب ریتو افیا حال و سوز  
 تاب جلال ابد و بار شرفی غرق نور نار انبیکر چون هزار دیدید سلطان ابد اسکدر  
 عبور و کشور بارانه سوق عکر منصور اولدنه فی رمضان شبنامه شبنامه  
 عقده بعضی باب غرض نرببانه کلمی مقدمات نزو برینج انجاف ضمیمه جان  
 کشور کبر اولمغین محارر حل حکومتی اولان اسیب دن استقبال بابات جاه و جلال انبیکر  
 ستم استیصال ایدو باری کلی فریده ان ابوک نام مقاده محرز شرف تقیل و ان حال  
 اولمغین طومار غریزی پیچیده دست قدر روز کار غدار اولوب برو سه ده جبهه  
 سلطان مراد جوارنده روزانه خاک غزار اولدنه فی شوال صد جیف کد و ستم و اجل اول کل  
 بستان سلطنتی و مانع عالیه بنو بخش راحت و لدین جیده و هزار و ریح که سنگ  
 ستم زمانه اول بیل کلستان خلافتی شت خسار وجودن و بدیده ایدو ب صد نه قهر  
 و ستم ابد اول هر سرافراز روضه غور نار افاده خاک عدم اولدی ایل کن یک خون  
 ناحی ارافه اولمغین مکر و افند در ستم بایسادن ناشی اولمغین غلغله نو عاجی و بر بلوب  
 در در سر و زار تبع الکراه فاح طمشوار احمد باینا مبتلا اولد کسان با تف غنیمت مکر ستم  
 تاریخ مال ارکا اولمش صلی شامدن بعضی غره کرا مدن منقولدر که سلطان سیدم خان  
 سلک رجال اللهده منتظم ایکن صد و در جرم و کناه شبنامه سلطان صلیحی فطره  
 سلطنت کچون قتل و اعدام اقدامی نزل ستم مستقطه نزل و قوای تصرف  
 روحانیه ستم نزل و در شد رکن اخراج نده طلبا رضاه اسدال ضعف  
 بد و نادریستی ن ابد اختیار اند و کلمنا عب سفر کستوار کفر نوب اولوب اعاده  
 اولدیلر دیو سوز و دیر شبنامه بی نظیر سلطان جها کبیر بوسفوده هر کاب سلطان بلند  
 ابدی جلده افامتری ایا منده نهال فطوبی شالی کلزار عالمه بزرگنده سبلا عدم اولوب  
 جسدی استبانولده شبنامه سلطان فخر زاری جوارنده دفن اولمغین کچون ارسال اولد  
 فی کج و دکلین زاده محمود یاسانامه حکومت فخره اولدنی حرم الله اول قش حاکم

شهادت  
 سلطان



استدراجت و اسبش و نوب خنجر و ریح الانار غم خنجر ملک کذا را ندی دم کشویم  
صوبه مالیه جام اشهب بک خرازم او کندی جاذرا لاد و روم ایل بیکر یکسی محمد باستانی  
اقامت استعدادی شریف و زارت باده زین او کندی رجب روان صحابی را کاه  
بارگاه ششم و جاه اولد فده شاه کراه طرفدیز سرحد مالک محروس به اصابت  
کزند خرمجا بک سنده اول منبع شور و شر و خان و سلطان ملک سرای و باغ و دریا  
کزک بختوانک و می محمود و ابادان اولاد خانه و کاشانه لری جغد خرابه نشسته است  
اولوب غارتگران رخصت و بر یک یک بیکر کوکک برانش قنایله فاکستر اولد فده  
صکره قشلقن کوکوز ارض روم کنگدی شعبان ارض روم بیکر یکسی موسی باستان فده قشلقن  
ساعده و اتمام شش بیکر و کی اساده اختصار فضا و زره اولاد کوکوز بیکر یکسی  
کرفزار اولوب اول مرد و لیر نعمت شهاب و دیز سیر اولمش ایدی روم ایل بیکر و سبکان  
وزیر احمد باستان ایلد رسال او کندی محمود و لایق خنجر و بو معامله باده عدای دین مبین  
زهیپ اولد فده سرحد مالک محروسه و توفد و لند و غنچه شاه شهاب طین  
سیاه کانونه در و نده نش اضطرار انهاب بید سطران موزون جرم و عصیان قلم  
عفو سلطان ایلد ضرب و لنین رجاسته درگاه سلطان ایلد یکی دفعه باز نامه رسال بیکر  
ترقیه رعایا طریق کون صلاح ذات البین جانیه بل کوسر و ب دلالت قاعدون  
بر لده غارم خنجر اولد بیکر و ریح خنجر ابرو غارم ابرو اسی صالح باستان و بار فارسی شجر  
اند و کی خبر بهجت اثری برداشته با نخت شهباز و او کرا و لیدی ایلد بیکر نور سلطان سجد  
خزمری سندر زکشی مکانی سلطانده بیکر اولد فده باده روم بیکر دن بر فرد باده بد روزگار  
مقدار غم قلم بقا ایلد سلطان مصطفی بیکر سنده و بیکر سولی اشقیانی اضلال ایدوب  
لهب فساد استعمال و بیکر روم ایلد فده سحر و اوردنه ده بیکر اولاد شهباز کز  
سلطان بیزید بیکر و سبک بیکر بیکر ایدوب اولد فده ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب  
استانوله وصول اولد فده شفی مریور دست کردن بسته درگاه ششم و جاهه و اصل  
اولوب فرار کاهی سردار او کندی مصداق و بیکر باستانی ایلد موجب بخت زهراب  
سیاست ایدوب صدر و زارت رستم باستان اعاده او کندی فیه الفقه اسکندر باستان  
بوسناچی با شریف خنجر و الی فاهمه مصر اولدی فی ریح لاد فیه الفقه باستان سبک ایلد

برهنه زل زل متادوی اولوب بیکر سنده لروا بیکر ریح و جانب خلیج و طرف بر دین بعض  
بروج و جای و بوار حصار سنده و لنگه باعث و با و اولدی فی ریح صدرت انالطین  
مقدار مولانا محی الدین محمد الشهاب المصلوب جانب بی نماندن موزول و کله طغوز روز  
الی بیدی جاذرا لاد کسند سنده سنده بی ایتنا کر با سنده وضع اساس سور و قدری جامع  
و بعد لطیف تمام اولوب او اکر بیکر سنده اولدی فی ریح لاد فیه الفقه باستان سبک ایلد  
محی الدین محمد دار السلطنه و ریح شبنم سنده فضا و مجلس محفل حکم و امضا بیکر غم خنجر  
دار السلام و استاد لری کمال ساراده مرحوم جوارنده طر حلقه و ارام ایلدی  
ریح شمس صاجه خنجرات خاصکی خرم بو خطبه فنادن و لیز دار السعاده بقایه خرا ایلد  
سبکاه جامع سبکاه بیکر اختیار نزل و قرار بیکر فی شهباز لاد فیه الفقه باستان سبک ایلد  
طایق بند روان اسما اولاد مدارس رفیع لک سبکاه حسن نظام اوزره انجامه ایدوب  
جانب غریبه اولاد خیفه لک جنوب سنده مولانا شمس محمدین خرم و شهاب سنده  
قندی زاده مولانا علی حجاب نشین فاضله و اقامه و طرف شرفین اولاد لک بیکر سنده  
زاده مولانا مصطفی و بریند و فی ماضی زاده مولانا شمس الدین احمد باستان خدمت تعلیم ایلد  
استفاضه استفاده اولد بیکر محرم شمس سنده سلطان بیزید کوناهیه ده اعلا لوی  
حکومت ایدوب بیکر سبکاه بیکر و مقب و دن شنده سلطان سلیم کوناهیه بیزید  
اولوب بو معامله دن سلطان بیزید استقام بوی تبید ایلد بیکر جمع الکر ایدوب  
سلطان امثال کمر ستردی لکن ماسیده و ارد فده استصواب باب اتفاق ایلد علم اوزار  
شفاق اولوب احصار ادوات کارزار ایدوب صکره اون بش بیکر زباده اشقیانی  
راست عصیان و فونیه طرفه عطف عثمان ایلدی و فونیه صحرای سنده ایلد برادر و ایدوب  
نخت و افضای رفایت بخت ایلد کمر ستر سبکاه شوب و جنگ ایلد بیکر سنده  
مشاطه خوده کار و عون سبکاه بیزید بیکر کلاله شهاب سلیم خانی اولدین ایلد شوک  
بیزید ایلد شکست و سکر بیکر زباده ارباب شفا خاک هلاک است شکر  
و ریشتم موزارت حکومت رومان اولدی ایلد سلطان ایلد بیزید و فیه الفقه باستان  
اماسیده و ارد فده درگاه مکارم و سبکاه بیزید و ایدوب رضای سعادت افضار  
سلطانین ثابت قدم اولن اوزره عهد و پیمان متضمن نیاز نامه کوند و رب هنوز جوا







شیخ محمد افندی لشهر بکر حکیم علی عازم شفاخانه دار النعیم و صدر میری خوان حسان  
 رب کریم او کفره در نجف رفت حیف آن طبیب اهل دکان تاریخ انتقال بدو  
 جاکو و مضار غازی سلطان غازی حضرت غازی خلیفه آن در صفا دل برده طی مراحل ادب و ب  
 ماهجه او طاق جوز انطاق قلعه اسنوار سکنوار برارنده طعنه در مدهاوری او کفری محرم  
 لشکر مانت حصار تادی ایام حصاره اقتضا انجمن برای تانده واروشی داخل قفصه  
 اقتدار اولوب ایکی کون صکره باروت خزینه سینه اصابت آتش ایلخ قلعه دخی بکر  
 و رعایا و امیر قهر نمبر او کفره صفره حصاره ده و زبر بر توپا انهمایله  
 کوله نام قلعه دخی ضامن مالک اسلامیه دن او کفره بجا دخی سبیل اندر شنت آه نصرت  
 دستگاه حضرت اسنلای ضعیف میری و اسنلای در بای ناگه مکرری زبون اولد فخر  
 ماعد کشور وجود مسعودارینه آغاز ترک نماز ابدی اراض عارضه رخبر دخی امداد انجمن بوم  
 فتح کجی سلطان غازی حضرت کمرک ملک مجازی ابد و ب مرجع نشین جابرانش دار النعیم  
 بکریم اولدی زور دکر دیوانخانه ده سیایان انده صدای غم زوای کوس شادمانی غنفل  
 انداز طاق زبر جود طاق اسما اولوب درون او طاق بند روان ده محرم و مغفور  
 بیج غنفل اولدوردی خیمه عسکر ارا مدار بار کمار اولوب سیاه اسلام و کفره نام  
 اردر با و غنفل ای بیج حصار ایکن بود واقعه فاجعه شک شیع و طعموری باعث غلظم  
 امواج شر و شور و لجن و زبر صفت آرا صدر اعظم محمد باستانا سب حال نجبه دادود  
 و فخر و نوازش ایله کتم و اختفا مانعی امام ابد و ب کونا هیده علم اوز حکومت اولد و لی عهد  
 خلافت شهنشاه جوان بخت سلطان جابدرینه نهانی نامه عباسی عامه ارسال و پیام مقدم  
 همایوندرینه انتظار اوزره عسکر لغیر حصار و ناراج و بار کفار مثالی اشغال اشغال ایلد و سحر طبل  
 الا زده غم طفر خرم یورلد فخره قیودان ییالده باستانا نمیش باره قادردی ایلد روز در بایه شمس  
 ابدی سازده وار و فخره صورت اطاعتده ایکن فرصت دوشور و کجی خاندن نهان اولد  
 اداسی انقباض صور نمبرینه اعتماد ارا زنه القوم قیودان ییالده باستانا شهنشاه سینه کلد کلد زده  
 جمله سر اخذ و زنک تانده اجل و رعایای برارنده ابقا اولوب بقین خفقان او کفره  
 فی ۹۷۲ بونجه بهجت اثر و اصل سمع اشرف سیکما اولدین اول مسند رای ابوان  
 صاحب زانی طوف دار السلام خرام ابد و ب دیباچه طفرانه عهد سلیم خان اولدی

وفات سلطان  
سید

فتح خانی  
ساز

اینگر

اینگر سافزین کلدی ییالده باستانا بکر و لاوتش شهنشاه علوش شهنشاه در سلطنته در ۹۷۲

**بیان تبار سلطانی علی الذات**

جامع تبریف و دار کعبه و دورت مدرسه مؤسسه و دار الشفا و مدرسه طبیه  
 و معلم خانه و عمارت بر لغت و تاجخانه و الک کبر الحامد لر و حیوون جامع و مدرسه و عمارت  
 معلم خانه شهنشاه سلطان محمد و حیوون جامع و مدرسه و معلم خانه و عمارت و تاجخانه و شهنشاه  
 جهابگیر و حیوون طوب خانه به مشرف بنشیند اوزن جامع فاکه کلدی خرم سلطان ایکن جامع و مدرسه  
 و معلم خانه و عمارت و دار الشفا کعبه معظمه ده دورت مدرسه و بر منار شام  
 جامع و مدرسه و عمارت جسر صطفی بایسانده جامع و عمارت و خان و رود و مدرسه  
 عالیه بنا انمشد در و قیاس کلدی اولوب برینه حکیم علی غنوا نیده مشهور عالیه اولان  
 مارالدر شیخ محمد فخر کلدی جامع و زوایه طبع یور و بکر بنده ده امام اعظم و همایم اکر حضرت  
 و قطب صمدانی شیخ عبدالقادر کلدی حضرت غازی و قوتیه ده محرم اسرار نبوی جلال الدین روی حضرت  
 ارواح شریفه لر کلدی نفع خبر اختراع یور شمس در قدس شریفه ضحیه بهار کلدی ایکی و لانی  
 کاشانی ایلد تبرین یورلدی یوک کلچیه کوبه بسی دخی اول شهنشاه ایلد ایلد حضرت بنکسر  
 فخر معمار است سحرانار لر بدر حکام خلافت بار و بنده کلدی مکره به اوج اولان آب تاب  
 و اعینه نقیبات دهر رفقه ایلد محاسن خراب و اول ایچوه متواری ظلمت تراب  
 اولش ابدی نمیر مجرا و بنده کعبه معظمه به اوج اولدنی فی ۹۷۳ مالک محوسده صفا  
 کلدی سلطنت فایده و فزونی حشمت کلدین بنا و جایا یوز دین زباده اوجا ابد و ب  
 ایلد صادق اولد کلدی اول صدقه جاریه لر بوم الشور و سبله نل شرب طهور و لیل و نهار  
 ماعد افخر و حکو متکرده بنا سبیل بجنب مرور ایکن بونجه قنایه و جور احدا و معمر و  
 زما نه سلطنت باهره لنده مسخر شیخ ظفر کلدی اولد مدرسه و فلاح ده که ارباب بختی باند  
 اوجوز التمنش ایلد و کی رسیده نصاب تصدیقه اختراع یور بکر اعا و خیرت خارج  
 حساب غنرات و نادر ترتیب اولد اکر سلطان مصطفی و لاوتش شهنشاه و فاس ۹۷۲  
 سلطان محمد و لاوتش ۹۷۳ و فاس ۹۷۴ و فاس ۹۷۵ و فاس ۹۷۶ و فاس ۹۷۷ و فاس ۹۷۸  
 و فاس ۹۷۹ و فاس ۹۸۰ و فاس ۹۸۱ و فاس ۹۸۲ و فاس ۹۸۳ و فاس ۹۸۴ و فاس ۹۸۵ و فاس ۹۸۶ و فاس ۹۸۷ و فاس ۹۸۸ و فاس ۹۸۹ و فاس ۹۹۰ و فاس ۹۹۱ و فاس ۹۹۲ و فاس ۹۹۳ و فاس ۹۹۴ و فاس ۹۹۵ و فاس ۹۹۶ و فاس ۹۹۷ و فاس ۹۹۸ و فاس ۹۹۹ و فاس ۱۰۰۰ و فاس ۱۰۰۱ و فاس ۱۰۰۲ و فاس ۱۰۰۳ و فاس ۱۰۰۴ و فاس ۱۰۰۵ و فاس ۱۰۰۶ و فاس ۱۰۰۷ و فاس ۱۰۰۸ و فاس ۱۰۰۹ و فاس ۱۰۱۰ و فاس ۱۰۱۱ و فاس ۱۰۱۲ و فاس ۱۰۱۳ و فاس ۱۰۱۴ و فاس ۱۰۱۵ و فاس ۱۰۱۶ و فاس ۱۰۱۷ و فاس ۱۰۱۸ و فاس ۱۰۱۹ و فاس ۱۰۲۰ و فاس ۱۰۲۱ و فاس ۱۰۲۲ و فاس ۱۰۲۳ و فاس ۱۰۲۴ و فاس ۱۰۲۵ و فاس ۱۰۲۶ و فاس ۱۰۲۷ و فاس ۱۰۲۸ و فاس ۱۰۲۹ و فاس ۱۰۳۰ و فاس ۱۰۳۱ و فاس ۱۰۳۲ و فاس ۱۰۳۳ و فاس ۱۰۳۴ و فاس ۱۰۳۵ و فاس ۱۰۳۶ و فاس ۱۰۳۷ و فاس ۱۰۳۸ و فاس ۱۰۳۹ و فاس ۱۰۴۰ و فاس ۱۰۴۱ و فاس ۱۰۴۲ و فاس ۱۰۴۳ و فاس ۱۰۴۴ و فاس ۱۰۴۵ و فاس ۱۰۴۶ و فاس ۱۰۴۷ و فاس ۱۰۴۸ و فاس ۱۰۴۹ و فاس ۱۰۵۰ و فاس ۱۰۵۱ و فاس ۱۰۵۲ و فاس ۱۰۵۳ و فاس ۱۰۵۴ و فاس ۱۰۵۵ و فاس ۱۰۵۶ و فاس ۱۰۵۷ و فاس ۱۰۵۸ و فاس ۱۰۵۹ و فاس ۱۰۶۰ و فاس ۱۰۶۱ و فاس ۱۰۶۲ و فاس ۱۰۶۳ و فاس ۱۰۶۴ و فاس ۱۰۶۵ و فاس ۱۰۶۶ و فاس ۱۰۶۷ و فاس ۱۰۶۸ و فاس ۱۰۶۹ و فاس ۱۰۷۰ و فاس ۱۰۷۱ و فاس ۱۰۷۲ و فاس ۱۰۷۳ و فاس ۱۰۷۴ و فاس ۱۰۷۵ و فاس ۱۰۷۶ و فاس ۱۰۷۷ و فاس ۱۰۷۸ و فاس ۱۰۷۹ و فاس ۱۰۸۰ و فاس ۱۰۸۱ و فاس ۱۰۸۲ و فاس ۱۰۸۳ و فاس ۱۰۸۴ و فاس ۱۰۸۵ و فاس ۱۰۸۶ و فاس ۱۰۸۷ و فاس ۱۰۸۸ و فاس ۱۰۸۹ و فاس ۱۰۹۰ و فاس ۱۰۹۱ و فاس ۱۰۹۲ و فاس ۱۰۹۳ و فاس ۱۰۹۴ و فاس ۱۰۹۵ و فاس ۱۰۹۶ و فاس ۱۰۹۷ و فاس ۱۰۹۸ و فاس ۱۰۹۹ و فاس ۱۱۰۰ و فاس ۱۱۰۱ و فاس ۱۱۰۲ و فاس ۱۱۰۳ و فاس ۱۱۰۴ و فاس ۱۱۰۵ و فاس ۱۱۰۶ و فاس ۱۱۰۷ و فاس ۱۱۰۸ و فاس ۱۱۰۹ و فاس ۱۱۱۰ و فاس ۱۱۱۱ و فاس ۱۱۱۲ و فاس ۱۱۱۳ و فاس ۱۱۱۴ و فاس ۱۱۱۵ و فاس ۱۱۱۶ و فاس ۱۱۱۷ و فاس ۱۱۱۸ و فاس ۱۱۱۹ و فاس ۱۱۲۰ و فاس ۱۱۲۱ و فاس ۱۱۲۲ و فاس ۱۱۲۳ و فاس ۱۱۲۴ و فاس ۱۱۲۵ و فاس ۱۱۲۶ و فاس ۱۱۲۷ و فاس ۱۱۲۸ و فاس ۱۱۲۹ و فاس ۱۱۳۰ و فاس ۱۱۳۱ و فاس ۱۱۳۲ و فاس ۱۱۳۳ و فاس ۱۱۳۴ و فاس ۱۱۳۵ و فاس ۱۱۳۶ و فاس ۱۱۳۷ و فاس ۱۱۳۸ و فاس ۱۱۳۹ و فاس ۱۱۴۰ و فاس ۱۱۴۱ و فاس ۱۱۴۲ و فاس ۱۱۴۳ و فاس ۱۱۴۴ و فاس ۱۱۴۵ و فاس ۱۱۴۶ و فاس ۱۱۴۷ و فاس ۱۱۴۸ و فاس ۱۱۴۹ و فاس ۱۱۵۰ و فاس ۱۱۵۱ و فاس ۱۱۵۲ و فاس ۱۱۵۳ و فاس ۱۱۵۴ و فاس ۱۱۵۵ و فاس ۱۱۵۶ و فاس ۱۱۵۷ و فاس ۱۱۵۸ و فاس ۱۱۵۹ و فاس ۱۱۶۰ و فاس ۱۱۶۱ و فاس ۱۱۶۲ و فاس ۱۱۶۳ و فاس ۱۱۶۴ و فاس ۱۱۶۵ و فاس ۱۱۶۶ و فاس ۱۱۶۷ و فاس ۱۱۶۸ و فاس ۱۱۶۹ و فاس ۱۱۷۰ و فاس ۱۱۷۱ و فاس ۱۱۷۲ و فاس ۱۱۷۳ و فاس ۱۱۷۴ و فاس ۱۱۷۵ و فاس ۱۱۷۶ و فاس ۱۱۷۷ و فاس ۱۱۷۸ و فاس ۱۱۷۹ و فاس ۱۱۸۰ و فاس ۱۱۸۱ و فاس ۱۱۸۲ و فاس ۱۱۸۳ و فاس ۱۱۸۴ و فاس ۱۱۸۵ و فاس ۱۱۸۶ و فاس ۱۱۸۷ و فاس ۱۱۸۸ و فاس ۱۱۸۹ و فاس ۱۱۹۰ و فاس ۱۱۹۱ و فاس ۱۱۹۲ و فاس ۱۱۹۳ و فاس ۱۱۹۴ و فاس ۱۱۹۵ و فاس ۱۱۹۶ و فاس ۱۱۹۷ و فاس ۱۱۹۸ و فاس ۱۱۹۹ و فاس ۱۲۰۰ و فاس ۱۲۰۱ و فاس ۱۲۰۲ و فاس ۱۲۰۳ و فاس ۱۲۰۴ و فاس ۱۲۰۵ و فاس ۱۲۰۶ و فاس ۱۲۰۷ و فاس ۱۲۰۸ و فاس ۱۲۰۹ و فاس ۱۲۱۰ و فاس ۱۲۱۱ و فاس ۱۲۱۲ و فاس ۱۲۱۳ و فاس ۱۲۱۴ و فاس ۱۲۱۵ و فاس ۱۲۱۶ و فاس ۱۲۱۷ و فاس ۱۲۱۸ و فاس ۱۲۱۹ و فاس ۱۲۲۰ و فاس ۱۲۲۱ و فاس ۱۲۲۲ و فاس ۱۲۲۳ و فاس ۱۲۲۴ و فاس ۱۲۲۵ و فاس ۱۲۲۶ و فاس ۱۲۲۷ و فاس ۱۲۲۸ و فاس ۱۲۲۹ و فاس ۱۲۳۰ و فاس ۱۲۳۱ و فاس ۱۲۳۲ و فاس ۱۲۳۳ و فاس ۱۲۳۴ و فاس ۱۲۳۵ و فاس ۱۲۳۶ و فاس ۱۲۳۷ و فاس ۱۲۳۸ و فاس ۱۲۳۹ و فاس ۱۲۴۰ و فاس ۱۲۴۱ و فاس ۱۲۴۲ و فاس ۱۲۴۳ و فاس ۱۲۴۴ و فاس ۱۲۴۵ و فاس ۱۲۴۶ و فاس ۱۲۴۷ و فاس ۱۲۴۸ و فاس ۱۲۴۹ و فاس ۱۲۵۰ و فاس ۱۲۵۱ و فاس ۱۲۵۲ و فاس ۱۲۵۳ و فاس ۱۲۵۴ و فاس ۱۲۵۵ و فاس ۱۲۵۶ و فاس ۱۲۵۷ و فاس ۱۲۵۸ و فاس ۱۲۵۹ و فاس ۱۲۶۰ و فاس ۱۲۶۱ و فاس ۱۲۶۲ و فاس ۱۲۶۳ و فاس ۱۲۶۴ و فاس ۱۲۶۵ و فاس ۱۲۶۶ و فاس ۱۲۶۷ و فاس ۱۲۶۸ و فاس ۱۲۶۹ و فاس ۱۲۷۰ و فاس ۱۲۷۱ و فاس ۱۲۷۲ و فاس ۱۲۷۳ و فاس ۱۲۷۴ و فاس ۱۲۷۵ و فاس ۱۲۷۶ و فاس ۱۲۷۷ و فاس ۱۲۷۸ و فاس ۱۲۷۹ و فاس ۱۲۸۰ و فاس ۱۲۸۱ و فاس ۱۲۸۲ و فاس ۱۲۸۳ و فاس ۱۲۸۴ و فاس ۱۲۸۵ و فاس ۱۲۸۶ و فاس ۱۲۸۷ و فاس ۱۲۸۸ و فاس ۱۲۸۹ و فاس ۱۲۹۰ و فاس ۱۲۹۱ و فاس ۱۲۹۲ و فاس ۱۲۹۳ و فاس ۱۲۹۴ و فاس ۱۲۹۵ و فاس ۱۲۹۶ و فاس ۱۲۹۷ و فاس ۱۲۹۸ و فاس ۱۲۹۹ و فاس ۱۳۰۰ و فاس ۱۳۰۱ و فاس ۱۳۰۲ و فاس ۱۳۰۳ و فاس ۱۳۰۴ و فاس ۱۳۰۵ و فاس ۱۳۰۶ و فاس ۱۳۰۷ و فاس ۱۳۰۸ و فاس ۱۳۰۹ و فاس ۱۳۱۰ و فاس ۱۳۱۱ و فاس ۱۳۱۲ و فاس ۱۳۱۳ و فاس ۱۳۱۴ و فاس ۱۳۱۵ و فاس ۱۳۱۶ و فاس ۱۳۱۷ و فاس ۱۳۱۸ و فاس ۱۳۱۹ و فاس ۱۳۲۰ و فاس ۱۳۲۱ و فاس ۱۳۲۲ و فاس ۱۳۲۳ و فاس ۱۳۲۴ و فاس ۱۳۲۵ و فاس ۱۳۲۶ و فاس ۱۳۲۷ و فاس ۱۳۲۸ و فاس ۱۳۲۹ و فاس ۱۳۳۰ و فاس ۱۳۳۱ و فاس ۱۳۳۲ و فاس ۱۳۳۳ و فاس ۱۳۳۴ و فاس ۱۳۳۵ و فاس ۱۳۳۶ و فاس ۱۳۳۷ و فاس ۱۳۳۸ و فاس ۱۳۳۹ و فاس ۱۳۴۰ و فاس ۱۳۴۱ و فاس ۱۳۴۲ و فاس ۱۳۴۳ و فاس ۱۳۴۴ و فاس ۱۳۴۵ و فاس ۱۳۴۶ و فاس ۱۳۴۷ و فاس ۱۳۴۸ و فاس ۱۳۴۹ و فاس ۱۳۵۰ و فاس ۱۳۵۱ و فاس ۱۳۵۲ و فاس ۱۳۵۳ و فاس ۱۳۵۴ و فاس ۱۳۵۵ و فاس ۱۳۵۶ و فاس ۱۳۵۷ و فاس ۱۳۵۸ و فاس ۱۳۵۹ و فاس ۱۳۶۰ و فاس ۱۳۶۱ و فاس ۱۳۶۲ و فاس ۱۳۶۳ و فاس ۱۳۶۴ و فاس ۱۳۶۵ و فاس ۱۳۶۶ و فاس ۱۳۶۷ و فاس ۱۳۶۸ و فاس ۱۳۶۹ و فاس ۱۳۷۰ و فاس ۱۳۷۱ و فاس ۱۳۷۲ و فاس ۱۳۷۳ و فاس ۱۳۷۴ و فاس ۱۳۷۵ و فاس ۱۳۷۶ و فاس ۱۳۷۷ و فاس ۱۳۷۸ و فاس ۱۳۷۹ و فاس ۱۳۸۰ و فاس ۱۳۸۱ و فاس ۱۳۸۲ و فاس ۱۳۸۳ و فاس ۱۳۸۴ و فاس ۱۳۸۵ و فاس ۱۳۸۶ و فاس ۱۳۸۷ و فاس ۱۳۸۸ و فاس ۱۳۸۹ و فاس ۱۳۹۰ و فاس ۱۳۹۱ و فاس ۱۳۹۲ و فاس ۱۳۹۳ و فاس ۱۳۹۴ و فاس ۱۳۹۵ و فاس ۱۳۹۶ و فاس ۱۳۹۷ و فاس ۱۳۹۸ و فاس ۱۳۹۹ و فاس ۱۴۰۰ و فاس ۱۴۰۱ و فاس ۱۴۰۲ و فاس ۱۴۰۳ و فاس ۱۴۰۴ و فاس ۱۴۰۵ و فاس ۱۴۰۶ و فاس ۱۴۰۷ و فاس ۱۴۰۸ و فاس ۱۴۰۹ و فاس ۱۴۱۰ و فاس ۱۴۱۱ و فاس ۱۴۱۲ و فاس ۱۴۱۳ و فاس ۱۴۱۴ و فاس ۱۴۱۵ و فاس ۱۴۱۶ و فاس ۱۴۱۷ و فاس ۱۴۱۸ و فاس ۱۴۱۹ و فاس ۱۴۲۰ و فاس ۱۴۲۱ و فاس ۱۴۲۲ و فاس ۱۴۲۳ و فاس ۱۴۲۴ و فاس ۱۴۲۵ و فاس ۱۴۲۶ و فاس ۱۴۲۷ و فاس ۱۴۲۸ و فاس ۱۴۲۹ و فاس ۱۴۳۰ و فاس ۱۴۳۱ و فاس ۱۴۳۲ و فاس ۱۴۳۳ و فاس ۱۴۳۴ و فاس ۱۴۳۵ و فاس ۱۴۳۶ و فاس ۱۴۳۷ و فاس ۱۴۳۸ و فاس ۱۴۳۹ و فاس ۱۴۴۰ و فاس ۱۴۴۱ و فاس ۱۴۴۲ و فاس ۱۴۴۳ و فاس ۱۴۴۴ و فاس ۱۴۴۵ و فاس ۱۴۴۶ و فاس ۱۴۴۷ و فاس ۱۴۴۸ و فاس ۱۴۴۹ و فاس ۱۴۵۰ و فاس ۱۴۵۱ و فاس ۱۴۵۲ و فاس ۱۴۵۳ و فاس ۱۴۵۴ و فاس ۱۴۵۵ و فاس ۱۴۵۶ و فاس ۱۴۵۷ و فاس ۱۴۵۸ و فاس ۱۴۵۹ و فاس ۱۴۶۰ و فاس ۱۴۶۱ و فاس ۱۴۶۲ و فاس ۱۴۶۳ و فاس ۱۴۶۴ و فاس ۱۴۶۵ و فاس ۱۴۶۶ و فاس ۱۴۶۷ و فاس ۱۴۶۸ و فاس ۱۴۶۹ و فاس ۱۴۷۰ و فاس ۱۴۷۱ و فاس ۱۴۷۲ و فاس ۱۴۷۳ و فاس ۱۴۷۴ و فاس ۱۴۷۵ و فاس ۱۴۷۶ و فاس ۱۴۷۷ و فاس ۱۴۷۸ و فاس ۱۴۷۹ و فاس ۱۴۸۰ و فاس ۱۴۸۱ و فاس ۱۴۸۲ و فاس ۱۴۸۳ و فاس ۱۴۸۴ و فاس ۱۴۸۵ و فاس ۱۴۸۶ و فاس ۱۴۸۷ و فاس ۱۴۸۸ و فاس ۱۴۸۹ و فاس ۱۴۹۰ و فاس ۱۴۹۱ و فاس ۱۴۹۲ و فاس ۱۴۹۳ و فاس ۱۴۹۴ و فاس ۱۴۹۵ و فاس ۱۴۹۶ و فاس ۱۴۹۷ و فاس ۱۴۹۸ و فاس ۱۴۹۹ و فاس ۱۵۰۰ و فاس ۱۵۰۱ و فاس ۱۵۰۲ و فاس ۱۵۰۳ و فاس ۱۵۰۴ و فاس ۱۵۰۵ و فاس ۱۵۰۶ و فاس ۱۵۰۷ و فاس ۱۵۰۸ و فاس ۱۵۰۹ و فاس ۱۵۱۰ و فاس ۱۵۱۱ و فاس ۱۵۱۲ و فاس ۱۵۱۳ و فاس ۱۵۱۴ و فاس ۱۵۱۵ و فاس ۱۵۱۶ و فاس ۱۵۱۷ و فاس ۱۵۱۸ و فاس ۱۵۱۹ و فاس ۱۵۲۰ و فاس ۱۵۲۱ و فاس ۱۵۲۲ و فاس ۱۵۲۳ و فاس ۱۵۲۴ و فاس ۱۵۲۵ و فاس ۱۵۲۶ و فاس ۱۵۲۷ و فاس ۱۵۲۸ و فاس ۱۵۲۹ و فاس ۱۵۳۰ و فاس ۱۵۳۱ و فاس ۱۵۳۲ و فاس ۱۵۳۳ و فاس ۱۵۳۴ و فاس ۱۵۳۵ و فاس ۱۵۳۶ و فاس ۱۵۳۷ و فاس ۱۵۳۸ و فاس ۱۵۳۹ و فاس ۱۵۴۰ و فاس ۱۵۴۱ و فاس ۱۵۴۲ و فاس ۱۵۴۳ و فاس ۱۵۴۴ و فاس ۱۵۴۵ و فاس ۱۵۴۶ و فاس ۱۵۴۷ و فاس ۱۵۴۸ و فاس ۱۵۴۹ و فاس ۱۵۵۰ و فاس ۱۵۵۱ و فاس ۱۵۵۲ و فاس ۱۵۵۳ و فاس ۱۵۵۴ و فاس ۱۵۵۵ و فاس ۱۵۵۶ و فاس ۱۵۵۷ و فاس ۱۵۵۸ و فاس ۱۵۵۹ و فاس ۱۵۶۰ و فاس ۱۵۶۱ و فاس ۱۵۶۲ و فاس ۱۵۶۳ و فاس ۱۵۶۴ و فاس ۱۵۶۵ و فاس ۱۵۶۶ و فاس ۱۵۶۷ و فاس ۱۵۶۸ و فاس ۱۵۶۹ و فاس ۱۵۷۰ و فاس ۱۵۷۱ و فاس ۱۵۷۲ و فاس ۱۵۷۳ و فاس ۱۵۷۴ و فاس ۱۵۷۵ و فاس ۱۵۷۶ و فاس ۱۵۷۷ و فاس ۱۵۷۸ و فاس ۱۵۷۹ و فاس ۱۵۸۰ و فاس ۱۵۸۱ و فاس ۱۵۸۲ و فاس ۱۵۸۳ و فاس ۱۵۸۴ و فاس ۱۵۸۵ و فاس ۱۵۸۶ و فاس ۱۵۸۷ و فاس ۱۵۸۸ و فاس ۱۵۸۹ و فاس ۱۵۹۰ و فاس ۱۵۹۱ و فاس ۱۵۹۲ و فاس ۱۵۹۳ و فاس ۱۵۹۴ و فاس ۱۵۹۵ و فاس ۱۵۹۶ و فاس ۱۵۹۷ و فاس ۱۵۹۸ و فاس ۱۵۹۹ و فاس ۱۶۰۰ و فاس ۱۶۰۱ و فاس ۱۶۰۲ و فاس ۱۶۰۳ و فاس ۱۶۰۴ و فاس ۱۶۰۵ و فاس ۱۶۰۶ و فاس ۱۶۰۷ و فاس ۱۶۰۸ و فاس ۱۶۰۹ و فاس ۱۶۱۰ و فاس ۱۶۱۱ و فاس ۱۶۱۲ و فاس ۱۶۱۳ و فاس ۱۶۱۴ و فاس ۱۶۱۵ و فاس ۱۶۱۶ و فاس ۱۶۱۷ و فاس ۱۶۱۸ و فاس ۱۶۱۹ و فاس ۱۶۲۰ و فاس ۱۶۲۱ و فاس ۱۶۲۲ و فاس ۱۶۲۳ و فاس ۱۶۲۴ و فاس ۱۶۲۵ و فاس ۱۶۲۶ و فاس ۱۶۲۷ و فاس ۱۶۲۸ و فاس ۱۶۲۹ و فاس ۱۶۳۰ و فاس ۱۶۳۱ و فاس ۱۶۳۲ و فاس ۱۶۳۳ و فاس ۱۶۳۴ و فاس ۱۶۳۵ و فاس ۱۶۳۶ و فاس ۱۶۳۷ و فاس ۱۶۳۸ و فاس ۱۶۳۹ و فاس ۱۶۴۰ و فاس ۱۶۴۱ و فاس ۱۶۴۲ و فاس ۱۶۴۳ و فاس ۱۶۴۴ و فاس ۱۶۴۵ و فاس ۱۶۴۶ و فاس ۱۶۴۷ و فاس ۱۶۴۸ و فاس ۱۶۴۹ و فاس ۱۶۵۰ و فاس ۱۶۵۱ و فاس ۱۶۵۲ و فاس ۱۶۵۳ و فاس ۱۶۵۴ و فاس ۱۶۵۵ و فاس ۱۶۵۶ و فاس ۱۶۵۷ و فاس ۱۶۵۸ و فاس ۱۶۵۹ و فاس ۱۶۶۰ و فاس ۱۶۶۱ و فاس ۱۶۶۲ و فاس ۱۶۶۳ و فاس ۱۶۶۴ و فاس ۱۶۶۵ و فاس ۱۶۶۶ و فاس ۱۶۶۷ و فاس ۱۶۶۸ و فاس ۱۶۶۹ و فاس ۱۶۷۰ و فاس ۱۶۷۱ و فاس ۱۶۷۲ و فاس ۱۶۷۳ و فاس ۱۶۷۴ و فاس ۱۶۷۵ و فاس ۱۶۷۶ و فاس ۱۶۷۷ و فاس ۱۶۷۸ و فاس ۱۶۷۹ و فاس ۱۶۸۰ و فاس ۱۶۸۱ و فاس ۱۶۸۲ و فاس ۱۶۸۳ و فاس ۱۶۸۴ و فاس ۱۶۸۵ و فاس ۱۶۸۶ و فاس ۱۶۸۷ و فاس ۱۶۸۸ و فاس ۱۶۸۹ و فاس ۱۶۹۰ و فاس ۱۶۹۱ و فاس ۱۶۹۲ و فاس ۱۶۹۳ و فاس ۱۶۹۴ و فاس ۱۶۹۵ و فاس ۱۶۹۶ و فاس ۱۶۹۷ و فاس ۱۶۹۸ و فاس ۱۶۹۹ و فاس ۱۷۰۰ و فاس ۱۷۰۱ و فاس ۱۷۰۲ و فاس ۱۷۰۳ و فاس ۱۷۰۴ و فاس ۱۷۰۵ و فاس ۱۷۰۶ و فاس ۱۷۰۷ و فاس ۱۷۰۸ و فاس ۱۷۰۹ و فاس ۱۷۱۰ و فاس ۱۷۱۱ و فاس ۱۷۱۲ و فاس ۱۷۱۳ و فاس ۱۷۱۴ و فاس ۱۷۱۵ و فاس ۱۷۱۶ و فاس ۱۷۱۷ و فاس ۱۷۱۸ و فاس ۱۷۱۹ و فاس ۱۷۲۰ و فاس ۱۷۲۱ و فاس ۱۷۲۲ و فاس ۱۷۲۳ و فاس ۱۷۲۴ و فاس ۱۷۲۵ و فاس ۱۷۲۶ و فاس ۱۷۲۷ و فاس ۱۷۲۸ و فاس ۱۷۲۹ و فاس ۱۷۳۰ و فاس ۱۷۳۱ و فاس ۱۷۳۲ و فاس ۱۷۳۳ و فاس ۱۷۳۴ و فاس ۱۷۳۵ و فاس ۱۷۳۶ و فاس ۱۷۳۷ و فاس ۱۷۳۸ و فاس ۱۷۳۹ و فاس ۱۷۴۰ و فاس ۱۷۴۱ و فاس ۱۷۴۲ و فاس ۱۷۴۳ و فاس ۱۷۴۴ و فاس ۱۷۴۵ و فاس ۱۷۴۶ و فاس ۱۷۴۷ و فاس ۱۷۴۸ و فاس ۱۷۴۹ و فاس ۱۷۵۰ و فاس ۱۷۵۱ و فاس ۱۷۵۲ و فاس ۱۷۵۳ و فاس ۱۷۵۴ و فاس ۱۷۵۵ و فاس ۱۷۵۶ و فاس ۱۷۵۷ و فاس ۱۷۵۸ و فاس ۱۷۵۹ و فاس ۱۷۶۰ و فاس ۱۷۶۱ و فاس ۱۷۶۲ و فاس ۱۷۶۳ و فاس ۱۷۶۴ و فاس ۱۷۶۵ و فاس ۱۷۶۶ و فاس ۱۷۶۷ و فاس ۱۷۶۸ و فاس ۱۷۶۹ و فاس ۱۷۷۰ و فاس ۱۷۷۱ و فاس ۱۷۷۲ و فاس ۱۷۷۳ و فاس ۱۷۷۴ و فاس ۱۷۷۵ و فاس ۱۷۷۶ و فاس ۱۷۷۷ و فاس ۱۷۷۸ و فاس ۱۷۷۹ و فاس ۱۷۸۰ و فاس ۱۷۸۱ و فاس ۱۷۸۲ و فاس ۱۷۸۳ و فاس ۱۷۸۴ و فاس ۱۷۸۵ و فاس ۱۷۸۶ و فاس ۱۷۸۷ و فاس ۱۷۸۸ و فاس ۱۷۸۹ و فاس ۱۷۹۰ و فاس ۱۷۹۱ و فاس ۱۷۹۲ و فاس ۱۷۹۳ و فاس ۱۷۹۴ و فاس ۱۷۹۵ و فاس ۱۷۹۶ و فاس ۱۷۹۷ و فاس ۱۷۹۸ و فاس ۱۷۹۹ و فاس ۱۸۰۰ و فاس ۱۸۰۱ و فاس ۱۸۰۲ و فاس ۱۸۰۳ و فاس ۱۸۰۴ و فاس ۱۸۰۵ و فاس ۱۸۰۶ و فاس ۱۸۰۷ و فاس ۱۸۰۸ و فاس ۱۸۰۹ و فاس ۱۸۱۰ و فاس ۱۸۱۱ و فاس ۱۸۱۲ و فاس ۱۸۱۳ و فاس ۱۸۱۴ و فاس ۱۸۱۵ و فاس ۱۸۱۶ و فاس ۱۸۱۷ و فاس ۱۸۱۸ و فاس ۱۸۱۹ و فاس ۱۸۲۰ و فاس ۱۸۲۱ و فاس ۱۸۲۲ و فاس ۱۸۲۳ و فاس ۱۸۲۴ و فاس ۱۸۲۵ و فاس ۱۸۲۶ و فاس ۱۸۲۷ و فاس ۱۸۲۸ و فاس ۱۸۲۹ و فاس ۱۸۳۰ و فاس ۱۸۳۱ و فاس ۱۸۳۲ و فاس ۱۸۳۳ و فاس ۱۸۳۴ و فاس ۱۸۳۵ و فاس ۱۸۳۶ و فاس ۱۸۳۷ و فاس ۱۸۳۸ و فاس ۱۸۳۹ و فاس ۱۸۴۰ و فاس



الشيخ محمد بن قايغ محمد سلطان سليم خان ثانی

سلطان بستان نشان عاشر سلاصن ال عثمان حضرت بیک روضه نصفا  
جنانه ارنی لک خبر عبرت اثری انا طولی حافظه سیحون جمع سیاه و کونا به سه قریب  
بر مغز آوده ضرب خیمه و درگاه ابدن وارث اورنگ و بهیم سلطان سلیم حضرت بیک  
کوشکداری و لیکن اولش بهاز بلند بر و از اوج اقبال مستقر بر برجاه و جلال طرفه نوبک  
شبهه سنجال ابدوب شباسار تخت سلطنت او کده فی ریح الاول **ع**  
**ایات** مایون هنوز از یک کج سکون اولدین بوم رابعه سلطان جدید بدرقه نخت  
سید برله معسکر طوزان طرفه تجرک لوی فلک فوسا ایدوب فردوم بهیت رسولی  
برله وار بجها و لغوادر تسک و رارم ذات العاد اولدی **ع** و فیه وصول ابا  
سلیم فانی سکنداره اعمال لطائف اچیل رله فری سکر کون سر برستی اظهار انهن  
و برستوده ندیر نعم البدل حیات جاودانی اولیق تغور سلامیه مورنه کمال انتظام  
و سرحد منصور احواله حسن نظام و بر و کده نضکره اواز کوس رجلی عالمگیر اولوب  
لغواده از شرف یابوس و اوا خدمت نهینه جلوس یکدی فی ریح الاخر **ع** عتین  
مکان حضرت بیک نماز بنه شاه و سیاه حاضر و صغیر و کبیر خیمجون درگاه ملک قادر  
اولد قدیم صکره جسد مطهر لری در قدمنور بنه ارسال اولوب بدرقه غوا اقبال برله وار

جانبه سوف کنایه یهودی نبوت سلطه جنت مکان شهرت نبوله وصول  
بولیون فاضل مکرم شافعی الذهب نقیب الاشراف سید محرم افندی امام بنده خواص  
وعوام کرام صلوٰه جازه ادا شده قیام بدوب بیسکاه جامع لامع النور رنده غرق  
در بای رحمت رب غفور اولد بلرخی جاذی الاخر **خا** سلیمان سکا سلطه جدید ولایت  
جنت سجد بر له سمندره صحرا سینه سایه انداز سعادت اولجهری روز فیروزه  
صدیقین فاضلین جاد افندی ویروز افندی هممنان سلطه بلند مکان اولوب برقی  
ولوب ایلد غالباً شیفه بیل و مجتبی اولد قری دختر ز نام ام انجاش قصه منی  
شکر قصه اطلال سوزشام اقداری باغش نگر سر حشمت مشرب عالی  
اولوب منزله کلند کده اولمخدره عصمت باب رعایت خاطر خون غل ایلد نظیر  
اولد بلرست جام اقبال پنج روزه اولد خواجه علی افندی صوابدی اوزره  
قاضی قاضی زاده احمد افندی روبرینه مصرون مغول حسن یک زاده و بر قاضی  
معلم زاده اناطولی به و برینه کوتا به قاضی منزل جلی و کداس نبول صول سیر اولوب  
دولت فایده و شوکت باهره ایلد دخول کونی زنی و بخشین کون بیکوی طایفه سی جکلن غن  
و نوشین سلطه سلیم طبع حضرت نیک دل و غلبدین تخدیش نبش اکون صنع جیل ایلد  
معامله سیر لوب کهمان و جهان خوان حسن زنی عام انعام رنده حصه یاب انصاب  
نام اولد بلرجه منور اول عصرک مصطلح اوزره سکنیک قدر بولم طایفه سی که شته ایلد  
سجاده اولد قدر قیام منزله اولد صنوف عکردن عمارت در هر صنف خدام  
درگاه شهنشاه در کند و جنسی و فزینه قید اولوب کوباکه نه بخره و رود اولد  
در بار بے پایان ایلد موجود **ب** بلکه شته ایلد عالی زاده سلطه مراد حضرتی فاعده  
صا و خان مغنیب ده علم افزان امارت ابدی که فرزند سعادت منداری سلطه خد  
کوهر نایدار وجودی قدیر بلوان شهود اولوب یدر بزرگوار و جد عالمی خداری  
قرده قدوم صنف مکرم ابد ساد و خرم اولد بلرجه دی **الف** قصای عراق و عبده افغ  
منشع نام ملک واسع حاکم اولان ان علیا مطیع فرمان اکبر بیم شخته بیت سلیمان  
نیجه سندن تخلص کربیار ایدیک جاده مستقیم طاعتند انحراف ایدوب بصورت  
انواع صناعت اشاعت اندکند صکره موقدینه اطراف اندوکی برداشته بیجا



جناب خان سلیم و لعلین بغداد بکریگی سکنه را شایسته فرمان جلال است و صادر اولوب  
شعشع بنیخ بران ابد ملک مشعشع منور و اول کشور سر اسر سحر ابدی شایسته  
والی مصر محمود و شایزاده ظلم و عدلی به تصدی ایلیکن دانه تفنگ ابد بود و امکار ریج و عناد و  
مفقود اولوب و وزیر اعظم سابق اباسن شایزاده سنان اول مقامه رو اگور لیدی  
**مردار** اناطولی بدین متاع عبد الکبر هم زاده محمد افندی بقیم دار النعم کرم و کرم واری  
کرم و جاه و علم طهماس طرفه زن پنهان جلوس مینت مانوس بکونروان حالک شاه قوی خان  
در شمس سنده تقبیل حاشیه بساط دولت مطایلدی بی ورا انکروس طرفه زن و بی ایلی  
و اصل اولوب بخورن زلف بابوس و کرم **مغرب** الحفره السطینه سباوش اغایوک  
میر اخور لعل منصبی ابد اولین بایه سلیم وزارتیه یا نهاده او کرمی در القصد **نام** زاده مطهر لک  
جیان منده مکن کین کین ولد و غنم ماعدا قول باغده سی و بی دست کسافی برله رده ابدی  
**جاک** و یکدیگر یکدیگر نه هلاک ابدوب ظهور نواب و فن ابد ملک بی محتاج  
فتح جدید اولدوغی معروف سن سنان سلطه سعید اولمغین جشن یکدیگر کلمی و زمره اعلی  
عکام یا شایسته والی اولوب بر بران شام لالا مصطفی یا شایه و بی کفایت مغداری مصر  
عسکری ابد عکام یا شایه ابد و کونر سردار بقین او کرمی و اول کرم **خدمت** سر عسکری کندی  
تقویض اولمغین یا بنده حاکم مصر سنان یا شایه کاندکی تبریر موافق بقدر اولوب مصطفی  
مصر و کرم و عود ابدی سنان یا شایه مصر و بر بران بغداد اسکندر یا شایه جانشین او کرم  
سردار و درت یک قدر کزیده عسکری ابد جانب بر درن طرف بنه خوجک رایت غایت  
ابدی فی رجب عثمان یا شایه و ساحه ملک بی غار فتنه ال مطهر و ان نظهر و دست  
نظر فتنه اولانجه قلاع شجر ابدوب باب نام حسن تدبیر ابدی تش فساد و بی خاد  
انیش ابدی سنان یا شایه کرم و وصولی مملوک و ایلیق بو خدمت جلیله نصیب و کرم  
اولد و غنم سر عسکری کونر در و ننده اتش حسد سنان سوز اولوب کندی و بقدر اوزر  
اندکی متکسرات خا طری اولمغین طوفان بلا موج برز اولان و زین مقدم کعبه ال با دلا  
اسنان فخر ال با طرفه عازم اولوب کناره سلانه وضع قدم ابد بر سنده و زین  
سنان یا شایه بنده حاکم مطلق الحان اولد فتنه صکره ابالت بن بهرام یا شایه با نعام کونر  
سنان یا شایه حکومت مصر ابد کرم طرف قاهره به عطف عثمان عسکری ابدی بخرم سنده

سوار و رخا

از در خان نام و بران قلعه فتنه فزه و کز منته سنده بکوه و رود ابدن مندر بنه خندن  
ایکی میل قدر بر خرق اولمغین ابد مرج البحرین بقیان فحوا سی باب و منجاری سلایه عسکر  
ارسالی سنان اولوب و راسته اولان اعدا ملک شجر و اسکندرانه در بای  
طلعتی و بار کفاری انوار دین سنان یا شایه بنور مکن ابدی بروا سنده بر شرف و بصر اولمغین کف  
یکدیگر کیمی قاسم یا شایه بر صدر بقو قوی ابد رسال و بوضوح صده سر عسکری ابد بکیمت  
است صادقه اولمغین کونر فیم غالی محمد کرمه خلع خضر وانی و نانه هابون سنان ابدال  
بعد طری المصل اول جمله و اصل اولد فتنه حسب الامر خدمت لازم به مباشرت اولمغین ابد  
سر حد مالک محوس کند و ملک شاک و راسته سنده اولدوغی بقدر بر حد سنان یا شایه  
استیل اندکی کشور و بی فخر و حکومت عثمانیان اولان دلا بنه نظم اولمغین خوندن خاندن  
صورت خیر خواهدن زینب ابدی مقرر و فریب منج خود یا به شکام اولوب  
عسکر اسلام صحابی سید کیمی بر برین زلف و نانه دوشندی نیجه ابام اب تاب ابدی و سنان  
منواری غایه ایچ عدم اولمغین شکر حضرت اثر صمد مریک چین دستنده بونان  
قطرات زلاله ابدی ز طیب سنان ابدوب اول صحابی باب و عافده نصف زاده  
عسکر کرم او کرمی بن عثمان بن صفحه سمانه بر برین منقابت مروه آه چشندن ایکی جسم  
نورانی یا شایه اولوب فیض انوارند شیب نار نمودار نهار و زباده حرق و کل ابد  
اوچ کونک مسافده جلوه کرامات نظار اولدی فی محرم سنان یا شایه ضرورت ابدی  
راه قضا و بعض قضایه با شکر خدمت حکم و امضا اولمش ایکن صدرین فاضلین سنان  
افندی و جوی زاده افندی یا شایه بر برین زلف و نانه ملاعب مدرسی اولوب طغوز بوزرق  
التمی خلا الله مدرسه خاصیکه قرین تمام و جلوه نای شصه حسن خاتم اولد فتنه اولان  
و کشتن صاحب جمال شهادت عایه ابدی عقد عقد علی شکال اولان مولانا مصطفی الشیبه  
ساعده بخت و کشاده کی طالع برله قطران طوی ایچ اولان کونر صدر رفیع القدر و بایه جوی  
زاده مرحوم مخلوندن صدرت روده وصول ابدی کوکب منجی عزت بدر اولوب  
نیجه عوام میان علما مدین مانند مثل سنان و از اولان دعای مشهوره اسباب سبیل  
کرم و زینر سنان و طغوز بوزرقی سکر و دنده غل و نقبتش ابدی و درهم  
اولمش ابدی فحاة ترک تنکخی جهان و غنم سنان یا شایه ابدی فی رمضان فاضله قضیه اولد کرم



رسم پاشا ابد و وزیر جیدر پاشا بیننده بر سبب آوده سنده انش زاع التها بیه  
 حق و صواب جیدر پاشا طرفندن اولدوغی چندین مولانا ای جزو انشیج مسقیم سکوت  
 قدم قلم حکم و امضا انکیکن وزیر اعظم مقتضای قضایه تعلیق سمع رضا انکیوب جاده  
 و حضام اوزره قیام و بعد از ان قیامتند اقدام ابد اسم اذینی انامم ایکنیجه انام  
 معزل مولانا احمد القاف با دین شاه دکن جامع ابو الفتحه و دیوار خدمت انقیشت اولوب  
 هر سو مفتش افندی جناب لری استظفر ماراند و کوری دیوار صفی اندین مرسوم قلم علی و اوقات  
 بولمنق ابد از رده خاطر و در انش اولور ابدی بود التها و التي مولانا ای جزو انش طهارت قبل  
 عصمتی ظهور ابدوب مانند صبح صادق رو سفید و کشاده جبین و سواد وجه شمسای  
 نصیب وزیر و زاریین اولدو و نیکو فرج جزیره قبرس که اسنادان فرج ساحت یعنی اوزره  
 داره سی دیویر میل و نیکو سرسانه جاری اولان اناری غیرت همچون دیشل  
 اولوب قلاع منعی شتم و عقل دراک ادراک کنده محاسننده یاد رکمل در حالک اسوده  
 کشف معادنه اولان ملوک کفار دن ایکن دی عهد خلافت سلطه سلیم خمری شرف ناری  
 تخت سلطنت اولون مقدم مصفا هر دن اسطل عامر لینه اهد اولان خول طایفه  
 روز کارنا هموار ابد قبر سه دو سوب اول غدار سبان خاصه بی طوبه نکه حکیم انروزن  
 انمش ایکن سیم شخته سبب است ابد فراغت اندکی باعث اغراضات خاطر شنه اوده عالی  
 بنار اولوب هموان اول جزیره دی داخل جزیره انشیج اسک سمیر خمری ابدی جار باش نشین  
 سیر سوزازی و لیحق تقدیم اهد سنی اعماله نکره اول نیت خبر نالی قوندن فضل کنگر  
 ایکنی اول وزیر یار یار و قیودان علی پاشا ابد برار سکک دورت باره قادر غدا اول  
 موده و بوز بتمش عده و فرس و مایا ابد بوز بکر دورت باره قادر غدا اول  
 اولوب عمو مانا طوکی اسکر سکک سکک سنده اجتماع ایتلر پاشا ابد فرما جه طایع  
 صد و بولدی فی ذال قعد اسکله سی جمع سفابن طغوزان اولوب کرسی ملک  
 لغوشه نام حصار محصور کمر منصرف و کدی منصرف مجاهدین دن ایکن اربعینی یکم کوری  
 کون غره فتح مبین ابد کامین اولوب ایکنی کوز صکره کرینه خلی استیمن ابد داخل قلع ابدی  
 بعد ماغوشه نام معقل صعل المنال محصور کمر منصرف و کدی منصرف طغوزان اولوب  
 اقتضا انکیکن یار یار طوکی همایون ابد غم درگاه محمد الاقبال ابدوب مصطفی پاشا ابد

نظر دار

قطب وار کزنده قرار ابدی بدی ای فامنده غره امان ابد اول سرکش دخی نیکند نیکر اولو  
 بعد الاستیمن ماغوشه حالک ساری سلبی طوبه شمشیر اندکی واصل درجه علم انقیشت  
 اولغبین نام امانه خط بطلم جکوب اول غدار سبککار مقتضای رب است کفر نیکر  
 تیغ سبب است که الی قبر سلطه سبب سلبیم تاریخ فتح جزیره جزیره سنده سبب  
 و غیرین عهد خلافت دنی انورینده والی شام معاویه بعث اندکی سیاه اسلام ایتلر  
 بنهاد تاریخ و الهی سنده سبب الی یک سکک اونیجه الزام خراج اولوب حتی معسرک نظر  
 انزده موجود در حال کجیدن معدود اولان صحابه ام حرام نیت الحان رضی الله عنده غم  
 شستار و ضمه رضوان انکیکن طوزله نام مقام و بنین قبر بنور و وفور رحمت و صد لری  
 الله انامه قبر العوز عنوانیله نیکو اولوب روضه سی زیارگاه و دست و دشمن  
 و وجع و مایه باب نواب و محسن اولمش ابدی برقاج سال مردن صکره ارسال  
 مال فرور قانونی معطل اولوب نابا سبب سبب نمان و غیرین و ثمانه حد و دنده سلبین  
 ملک شرف بر سبب ای خمری ضرب شمشیر فوت قاهره ابد نالی جزیره نیکر و کمانی  
 سنده نیکر فرور و نیکر شمشیر ایکن بعض فقرات و اختلال احوال خلافت کمر متکلفانک اولو  
 بوعام خجسته انجاده سلطه هفت اقلیم جناب خان سلیم کمر ابد اسلام اول  
 مجاهدین دین وضع و اسبانه ارام انکدر صکره ادرنه دن موزلک افندی مجموع جزیره  
 قاضی ماضی حکم اولوب قائم افندی رو و دس مقتضای محل افندی دست ستمخانه مسلم اولی  
 سلطه سلیم مکان حقیر ابد پیدنده حق رضاع بابت و شجره خلافت اخوت ساحت  
 سینه لنده نابت اولوب و انب سامینه علمیه قطع کرم عنان غنیمت ایکن انشاد  
 استعداد خدا و ابد صحن مدرسه سنده نیت یازن اولان و غده تحصیل رتبه و جاه  
 و عزت کزین اولان الشیخ العارف ابد بسکطاشی ایکی افندی حضرت عازم خلد برین و اصل  
 اعلای علیین اولدنی کج صدارت اناطولبدن متقاعد جعفر افندی طبار و دخی خسار  
 جنانیه و راز ایکنی سه بهار خجسته انارده رسم و برین سلبین کزین اوزره طو نمان  
 همایون تدارک و احضار اولوب سردار یار و یار و قیودان علی ایتلر بوز سکک  
 باره قادر غدا ابد جانب بکره ارسال اولدنی جزیره موره مقابلنده واقع و نیکر ذال انام  
 کمالونه و کور فرور و دخی بعض خرابر و مدسکر ابد دوم اعلی مائل سمت بر جمع لی حکام











تجارت مرده است و سکه بوشنگانی بی باقون هودج شین رحلت اولوب سیر  
سرتان خانه خاوان اولدی دی القعه دولت کرای خان غم اقلیم عدم اولو محمد کرای خلعت  
خان ابد کرم اولدی اباوی اعادیدن کند بر شمسک چون ارض روم ایلیسی کند و مالیده  
اطرف شده سوریکه طبرکارا دن عا اولوب دستبازی بنه اتهام ابد اسی  
واقدام اندیردی چویم شده است که ایاک فقط خوز ملکته قصوری جسته و بار غم  
انظام اولو هر کوشه ده بر فتنه ساز ابراز ناف ده اغار اندکی ارض روم سیکر کیسی  
خسروایت طرفه نمودن استاخذ الاقبال ولین فاج قدس لا امصطفی است خلعت  
سرداری ابد موقوف و حرب عسکر ابد و راه سفر اولدی بی سول شده صدارت  
اناطولیدن متاعه خشی استاقدی ملک محوس وجوده صاحب ظهور قوی دست  
ضعف پیری و هر م استیلا سیده سیاه قوی محاطه فاعه تدر فیض اید و حبصا  
خیل عکبر راج اجل اید و اب و کله جلد صحرا سنده خیام و رفع اعلام اولد و کون  
طوفان خان و امام قوی خان و استا طغوز خان و سلطان بک و درت بک قزاقان  
مع کطفوز اید و سواد ای خادامه کرفار اولد و کله معلوم اولین سردار با و قباله  
سرواده وادی کبر و دارا و لغدین تعنف و استیکار و اسکندانه او ناعنده قرار  
ابد و ب بر فاج سیکر کیسی ابد اید و ان بش سیکر زیاده سرخ سرافاده خان ملک  
و نیجه عده لری بسته کند فکر اولدی فی جاذبی لاف صفا سیاه و سنده اوله احرار  
کور جید فاری او علی و بکله موقوف منو جهرت بد طوفان سبانه بکوه اولد و کوش  
ایدیک جلد بکله ناعاده بر فتنه اتباع اولوب تاج خورشید رواج اسلام ابد شد  
اولدی شمسک زو اقبال سرتان کاه کوب سنده اوله تغلس چانه سوق رایت رخال  
اولوب حاله او و خان شاه که طرفه فرار انمش بولمغین جلد اوبعلیه بی سارغ ضبط  
اولدی کای احرار کور جیدن الک سنده نام امیر و لیر تغلسده و بزرگشور کبره کلا اولوب  
عرض انقیاد اولد و ایل مرام اولدی فی دار الملک و لایت شردان اوله شمسک اوزرینه  
عطف عنان غنیمت اولوب حاله کراس سیم جان ابد من بخار اسه بازار کانه بکسل  
جبات چند روزه ایچون کنار سلا منته سارعت انمش بولمغین مانع و مرام قبضه  
نخیر ایلوب اباد و زلزله و زرد و غلی غنایا س به سرتا کور لیدی اچوم خند شفا عا کور

سکون و ارام اولمغین صوب مشتابه توجیه مطبوعه غنیمت اولوب ارض رومده خط  
رحل فرار اولدی رصا سوار کبره سیاه ابد و دی شاه تغلس اولمغی او غلی قوت  
حمزه میزانی او توبیک قدرش کونجوس لایزه سردار اولوب ارض روم و فی نیجه خان  
دست ابد شبروان اوزرینه حواله ابد عثمان باشا وجود عسکر ابد استیلا ابد  
غناست اسلام و امداد نام مانند نور و ظلم مقابل اولد و فزنده اوج کون اوج کجه علی التولی  
سیاه طرفین جنگیده کلا اولد و یوم رابعه فریم فانی برادری عادل کرای شکرتا صبار قنار  
ابد و مرقا بودن کجوب سیاه اسلام امداد ابد شمسک صف عسکر سرخ سربا مال شمسک  
منصور اولوب جمع اندک شمار طریق توان مهندی اولد و عسکر فانی صد و رحمت سردار  
عادلک اوزر ارض خان و کله سنده باغ ابد و ب غنایم بی شمار ابد و بار غود لرن کبیده  
فرصت بین و لایزه قزاق شمسک علی الفضله و کبرین لوب عادل کرای کرفار و عسکر فانی ابد و کله  
قزاقان نشو واده غور ابد کرای شمسک بی کلوب بود فتنه کرایان شمسک اصد و سرخ سرخ  
ابد و مرقا به جمال ولیمغین غنایم باشا و رند شمسک طرفه غنیمت ابد و ب مشت و شست  
جید رانه جبر اندازیده و مرقا طلسمن فتح و ملک طایف تان ملک تانک تدرین کسر ابدی  
فی محرم سنده قطر اناطولی صدر تدر منقصل ایکن ابد امد کرام فص سیده اکر ام و لایزه بر بد  
افندی کله کمره ده احرار مبد کفن و داعی حقه لیک زن اولوب معلومه جوار و اهر  
خدیجه کبره و فین خاک عطر ناک اولدی فی الزور و ان بش سنده قدر زما صدر کاف و زار  
مریم شین و کورای زترین و دند بر کبرنی رن طراز شاه ملک و لایزه جبر ایدین و برین  
اوزره ابدی دیو ابد کین بر جوف و دیوانه اندن شربت شهادت نوش ابد و ب  
احمد یا ساجاس سند و کانت عظمی اولدی فی شمسک سیر میران روم ایل سبانشا  
خلعت وزارت عنا اولدی فی القعه سردار مصطفی باشا ابد اسی طرفه  
اسناد اولن انمال و تقصیر ایت اطراف ضمیر منیر باری اولوب  
خلعت سرداری فاج بین سنان باشا قامت استاده ابد و بر کیش  
شریف اولدی فی زری القعه فی الدین نام نجم سندا سعد الدین افندی  
صواب ویدی اوزره طو کانه اوست سنده جاه رصد اید و ب سیکر  
انیش ایکن حوا افندی معشر خندری استیلا رصدا اولن دولت ابد و



مقرر اوله کشت در دیو بر شرف میره رفع اندو کتری اویق غرق و قناعت و  
باعث بطلان اعمال اولدی فی ذی الحجه محمد خدا بنده شکیبانش قمر و کین ربکاسنه  
در دولت نواله مقصود سلطان ارسال ابوب ب محرز شرف رویال عتبه جاده جمال  
اولد فده جواب نامه سی مصلحه موقوف عمده تا خبر و اهال اولدی فی صفر و عظیم  
احمد شاه غم ملک بقا ابوب ب محرز شرف سردار پشیمان شاه ارسال و نصب  
فایز متعبد بر سر دار سابق لالا مصطفی پاشا اجلال اولدی فی ربیع الاول لاده جمال  
لایزاله افتاده عشق از دوزخ کجاک افتاده افندی خضر نیک نهال وجود مسعودی بر  
خاک فایز افغان اولدی فی صفر مشکک قاضی زاده افندی غم زهنگاه ملک بقا  
ابوب ب سابق صدر روم اوله نقیب لاشرف معلول زاده السید محمد افندی تصدی  
خدمت امشکاری منصب فتوی اولدی فی ربیع الاول خواجه بودی نابینا و دستار بریده  
کنده خلی و قلع و اعتبار و بر و ب طنی نهاده خصوصاً اعیان صاحب اغذاده و ستار  
و خان و مغلوب زنان اوله بی نواله ک و سخاک غامه لایله اناس مغز اولعین نام  
میمونکش ایتامیله قرضی حوقه طایفه به تبدیل و شکل منو سکر بوست مکتوبه خول  
اولدی فی خرداد پاشا حسن غامه حکومتده سپه پاشا به خلف اولدی فی جادو و صدقات  
اناطولید منقصل افخ زاده مولانا محمد بن نور اید بام و شکر اولدی فی القعد و  
شیخ الاسلام نقیب لاشرف معلول زاده افندی اختیار از و افتاده ابوب ب صدر  
روم ایل اوله جوی زاده محمد افندی دست ییری سند افغان اولدی فی ذی الحجه جمال  
خلوری تیش و غوش الی به جیش اکن و زانیه سی تقیض اولدی فی الزور شهاب جوان  
بخت سر و ارنج و تخت سلطان محمد خان افغان اچون زینب سوره و سر و اولتو  
اللیش کون کونا کون سبر و تاشا و بسط طمازوق و صفا اولدی فی شمس  
اواخر سوره رسم قدیم و هر بر قند و شور و زنج بکچری ایلد سیاه بینده ناکاه عبده  
و غوغایدا اولوب بزم سورتیخ و غوغه سر و سیخ اوکته نهید سورتیخی ایلد پاشا  
طلب صلح اچون کمار غم و کاشان خلک ارجیم خاک سینه بلند مکانه نور سوری شول  
سردار سینه پاشا دخی کند کبد اید به ستار و میغده ده غالت کزین کچ خول از و  
اولوب بیاوشن پاشا صدر اعظم و وزیر فرهاد پاشا سردار دبار عجم اولدی فی القعد

وزیر ابرهم پاشا مشهور حکومت مصر ایلد او چانه نوجیب رایت غنیمت بکدی فی صفر  
لاخر القعد و جاده پاشا طرف روانه روان اولوب فتح و تعمیر و اکا قریب بعض  
اولدی لری دخی ضبط و تسخیر ابوب ب مشای رض روم و عطف غمان و حاجت  
ایکدن شیعانه بانوی حرم ساری عصمت والده سلطان هوج نشین رحلت اولوب  
سلطان سلیم غم غاری جوار زن خطه رحل و اقامت بکدی فی القعد سکرارده جامع و مدر  
و دار الحکمت و عمارت و دار الشفا بنا ابوب ب از خبر بر رقامت با استقامت شکرده  
سرواز خلعت مارتن ایلد غار اولوب کرسی و بار صار و خان اوله نقیب به سابه  
اندان امن و امان اولد بلدی ذی الحجه وزیر کشور کشتایات و مفاوید شیر و از به ایتام  
نور و لیق نیو انار مراد کی اظهار و اول قطارده اون بدی قلعه ک مفاصحن و اطر فضله  
اقدار ابوب ب ولایت شیر و اخیمه ملک عثمانی اندک ز صکره وزیر جمعویات سی  
ماز خدمت محافظه شیر و ان ابوب ب کندوسی دست نیجا قدر غم درگاه سلطان  
افاق ایلد کعبه داخل اولد فده خان فریم محمد کرای مقدم شیر و ان سفره بالذات امور اچون  
فرمانه اطاعت از استکبار و صورت مخالفت اظهار ابوب ب برادری عادل  
کرای سال ایلد کفای اندکدن ماعد کصد و رادن سردار عسکرتا رارس خان اولدی سینه  
ایلمار اید کلزیده بعد العود عادل کرای کرفار قید اسار اولد و غندن عثمانی است به غنظ انصار  
ابوب ب زنجیه اخذ ثار قصده عسکر مور شمارتا ایلد کعبه بی حی صر و عثمانی ایلد او توری  
کون بنیاد مشاجره ایلد خانک هیک ناموس سلاطه اید باعث نکدر بر حشیمه خاطر  
سلطان اولوب قوبنده غالت کزین اوله برادری سلام کرای خلعت اغاز طراز  
خان ایلد شریف یورلدی فیودان ایلد رض قریبه و اصل اولد فده ده دکاری عون باری  
و دستبازی مهت شهر باری ایلد بر خانی به جلوس ابوب ب محمد کرای ره کرای قلم  
عدم اوکده عثمان پاشا طوئنا ایلد محار حل امان اوله درگاه سعادت و سکاه و ایل  
ابوب ب حذامتایسته سی مقابلک سنده منظر صنوف انفا سلطان و بر اید صکره عین  
لطیف و زار عظم ایلد و صدر ییری کاوا اولدی فی جادو لافده لافده خراسو علی شکر  
طول ایل اوله محمد کرای خانک حب و سینه زان سنده بعض اولد شقا نهادی عاصی غلام  
کیز انتمش لوی ز غم فاسد و حال اندیشی و زنج استر و اد ملک موروث قصده نهاده







فوت میرزا  
مخدوم

جلوس خاص  
عماس

۱۰۰

२०२



تشریف ساز مطلع شود • اولدی فی جاذبی لافیه حلقه روم تاریخ سال اولدی بر قطعه  
صدارت منافع دکه بی زاده مولانا محمد باقر ترک و غنچه جهان غانی ابدی فی الملبور در فوج  
اناطولید من مقدم و اوج دفعه فی احوال عرض قاضی بکری اندک بر صکره دار اسطوره  
اولاچی مشای محمد اخدی غم نهنگاه ملک جادو ابدی فی رجب قاضی محمد زینب مجوز بکرم  
تخلص ایدوب اول بچار لری بولیدر و دره مبتلا اتمک بعد الصدرا مولانا فی نور  
اثر غنچه کوریدر بر بازاران غنچه بی نهاده احوال به جد صنایع صنایع اولوب نتیجه کلاه  
کرفار شکیخه نه سلطان در اول قدز صکره بر عزم بازگشته انده بولوب خدشکاری برار  
برگوشته ده اختفا • و طلال لیل اسدال دلیل اندکده اول اموالی بعض برارده اختفا •  
اندوکی ظهور ایکن شهنه سبست بدست سلسله مبتلا اولدی فی جاذبی لافیه حلقه روم تاریخ سال اولدی  
مهند سین غنچه اوزن نه سقره اید صبا بچه کوله باینی که التی یک ذراع بر در خرق اولدی  
نقدیر جاذج دکرندز استخوانه نعل خطره نقب جکلمک مغر اولمغین وزیر سنده باشا  
بالا ت مباشر کشف اولوب تدارک لوازم و مهمام امرنده اهتمام آتمش ایکن بعض  
ارکان دولت لغرض رکاب سعادت انتباه عرض اندوگری مقدمات و هیبه  
نتیجه نیدر تاثیر اولوب اول بدیر صابت مال ضرب فتم بطلال اولدی فی جاذبی لافیه حلقه روم تاریخ سال اولدی  
کنج جاک اولدی زباد اوغلی محمد خان شاه عباس طاعتدن روگردان اولوب الوند حاکم الکندر  
رجانه سبله درگاه سلطان نامه وضع هیبه عیوبت بکده آخو قیوسی فرنده اولان  
فهریه قصور که ناسنه سنده باشا باشر اولدی و غنی جند انکانتا بشه نور در  
معارن سمار طوار اتمایله قرین اتمام اولدی فی شعبان اب در باده اولدی سلطان  
بازید کوشکی مقدمات علی شایا سنده نه جید آتمش ابدی در انت نظر انوار اسکندر  
دار درده محو کورینوب سنان شایا محمد دانا سبله مورا و کده فی جاذبی لافیه حلقه روم تاریخ سال اولدی  
رورق وجودی در بای عده نابود اولوب میر میران ارض روم جباله زاده سنده  
باشا اول رتبه و آلا به سزا کورلدی فی رمضان اب سنان شایا محو کورینوب میر میران قبرس خادم  
احمد شایا والی ولایت مصر و کده سنان شایا سنده وزارت در ابعاد اولوب صدر  
صدارت و زرا اید فرهادت اسعاد اولدی فی شوال ارض روم خلیف نوینی کوریک  
نقدی رندز رف رفقه شکایت ایدوب و طه لینه کلک ایکن امر شریف رسالت

ایدی اول حکم همایون سبب ارتقه خون اولدی استماع اولمغین طایفه بکتاب  
ارض رومده اولدی بولدی شری فریق ایکن امر شریف کورلش دیو غروب و اجتماع  
ایدوب به ابدانه اوضاعه اقدار فرهاد شایا سنده زواله • و سبب اوشن شایا سنده  
کوکب اقباله • سبب اید فی جاذبی لافیه حلقه روم تاریخ سال اولدی  
فتوادع مغول اولوب صدر روم زکریا اخدی سنده اقباله موصول اولدی فی رجب  
تبریز قولدی امول شرت و فساد و معاد اولوب همیشه بر فتنه ایضا کیم بشک  
اولمغین محاطی اولدی وزیر جعفر بایش بعض قلا بوقلمن بهانه سبله سیر و نه جوتوب  
اطرافنده اولدی امر اگر اودن استمداده جمع اجناد ابدی بعد کرارانه کوشته  
بوم و مصلوده تربت اولدی و دام و دانه احتیال در غافل اولدی بکر جندز رسم درین  
استقبالی حقانیک بشوز قدر کشتندری طمعه نهنگ حال اول باری در خار ازاری  
یرکنده دست شمشیر قهر و ندیر اید فی شوال • کزین ازوا اولدی سنده زاده محمد  
اخدی صدر صدارت روم اغلا ابدی فی صفر اشلیمه کجری موایی کمال اسلم و کتو  
سیاه علوفه سی شایا شایا نیکل اولمغین شری طبله ناقصا تکلیف اولمغین امیر و قدرار  
طمعه شمشیر شیار اولمغین اوزن اصرار لری وقت اصفوان قریب اولمغین ناکاه  
بی قریب فرجانبه بره اورک شقای صدای سید او کو طرف شمر بایر در اناشت  
اولدی اعتقاد بده صغیر و کبیر شایا سنده اوزن هجوم ایدوب نتیجه سی غنچه زخم خود  
و نتیجه لری دخی مرده اولدی نار سلا متهمه جقمق رجاسته باب معل جابه شتاب ایدز  
سیاهه قیو اوره سنده اودون عیوب لری سدره اولوب نتیجه یک دوم  
ترجم ایکن بوزادون بدی نوشقی بد کمر مال شکر کورلش فنا اولوب خروج علی  
اندکری جندز بر موجب حکم شرعی اداب اسلام اندر قصده مرع او کولاشته  
در بایه القا اولدی فی رجب الاول سبب اوشن شایا سنده خلع خروانی مانه شادمان اولمش ایکن رونه  
و بکر نقب کرا عدا کور اولوب سنان شایا شایا شایا سنده بالاخانه وزارت اغلا  
ایدی حاکم کیملاه احمد خان شاه کراه زخم ستم و زارندز و مارندز به قوا • و عازم در و  
مدار اولوب درگاه مکارم دستگاه سلطان افاق سقط الرأس موالید لطف  
واشفاق ایکن طالع دوز و بخت دار و زما سعاد اولدی و غنی جندز اول مهمان غز غلوشانه







زاده حسن پاشا و نیکه امان مار و عسکر مار رسد با چوچ قنده ایدامور اولوب صومعه  
 حمل غارت دین ایدام نظام جمعیت منبر کین ریش نه و اکثر طوطی شیر شیر از قش  
 اولک ایدام محاصره دن التمش دور دین کونده برج و باروی حصار دین صدای لاله کنگره خان  
 آسمانه یوسته اولوب ضایع مالک سلاطین دن اولک نه محمد شنه اولج اولد  
 با ایدام محمد قنده دنی مضبوط ایدام درگاه عا اولدی فی الزبور قومان سکا دنی بکر کون  
 گرفتار مضبوط حصار دستیز اولوب بارجلاد کمر نقش و صفی ضعیف رنده صورت  
 خبیث منتفش اولمش کن روز فاسم قریب دیو بکنا شبانه رسم معنادری  
 اوزن جاده عناده سلوک بکین سر رشته تدبیر عقده ناخبر و شوب سمت شبانه  
 عطف عنان غریب اولک دنی ریح الاول بخا رباب حقوق نامنه اولک حرایه استغفار  
 خواجه بنده وسیله تحصیل ایدام اولور اعتقاد ایدام بیکار ایدام صبر و قوت زلزله انهدام  
 و دیوب جنگی یکبار طوطی نهنگ شیر از شبانه دور و نند اضمار اندکی فکر فاسد  
 عصیان اظهار ایدام جوارنده اولک حکام کفره ایدام بیکار سبک قدر شقی بدتر از جمع  
 اولوب بر کوک و اروشنی خویب و سکا گرفتار دو شاخه تنگیل و تعذب اولک  
 طوطی بالینده اولک نیجه معمر قصبات و قوای سرحد عارنده دور ایدام فی الزبور صاحب  
 کاه اولک اشعیت شنه روز کار صحرای غریبه بغداد و بوده سی سینه قافه بخا ایدام  
 هم عنان وادی ضلال اولوب حال نظام نفور سلاطین موی زولیده هند به آساده  
 و ریش ایدام اولدی بوخله زبور بر و افسر سلطان ایدام و خضر نریک زجاج فراخ رفت  
 انزاجری سنگ حوادث روز کار کار ایدام رخنه دار اولوب قندیل جات بخت  
 دست فلاحن نه سیه در مهر ایدام شکست و اول سلطان عیبن مکان روضه ضوئیه  
 حواری جنان ایدام دست بدست اولک فی جاذبی لاولکته ولادس شنه  
 خلوس شنه مدت سلطنت شنه مدت عمر شنه شنه زاده ایدام قنده الکک  
 طار و خان اولک مغنیه ده علم افزان امارت اولمش در مدینه منوره و امانت السعاده  
 مستوره بر مدینه منوره بنای ایدام مغنیه ده جامع و مدرسه و بناخانه و دار  
 و عمارت و معلّم خانه ایجا و زاور و زعماد ایدام در اولاد عالی زاور معدر حلب کنگره  
 ذکور و امانت یوز ایدام حد و کوهر نایک زبور صفی خاک اولک اول در درج سلطنت

کنگره باج خلافت نه مفتوح و اولد قنده اون طغوز نفور شنه زاده موجود ایدام حکم کنگره قنده  
 و قضا و نبغه جیبا کنگره اجل میر جم ایدام کنگره شاهی بود در سلطان مطمن ولادس  
 سلطان بایزید ولادس شنه سلطان غمانه ولادس شنه سلطان غمده ولادس شنه بود در  
 شنه زاده ملک خدمت بقیتکده نوز عافندی ناخبر ایدام اعداسک کنگره قنده قبل النظام سمت  
 میل نر نظام و بنا دن کشیده بیام اولمش بر بکر مدی نفور خضر خلف ایدام و حده  
 وجودی ذبور لافته صحرای اولیا نر بکانه بکانه رباب مناصبه مناسبت کنگره نر  
 اولک معلّمی غنیه

ابریم افندی ایدام که سال جلوس در بر سینه مقدم عالم عده ایدام ایدام صحن مدری  
 سعد الدین افندی خدمت علیه رینه انصال ایدام کوه را فرها دکنه و لعل را بر دین یافت  
 ترتیب و زرای عظام محمد پاشا شنه احمد پاشا شنه سنا پاشا شنه  
 سبا و نر ساعل شنه عثمان پاشا شنه مسیح ساعل شنه سبا و نر شنه  
 سنا پاشا شنه زها و پاشا شنه سبا و نر شنه سبا و نر شنه و ما شنه  
 شایخ اسلام حاکم افندی شنه شنه زاده افندی شنه معلول زاده ایدام شنه و ما شنه  
 جوی لافته شنه سحی شنه و ما شنه سنا لومعل شنه زکرما افندی شنه

نقصیه حواریت عهد محمد خان

خبر انتقال سلطان فتنه خصال معیناده شنه فزان رایت امارت اولک فتنه سعاد  
 مند سلطان محمد خان فتنه رس موهبه سلطنت و اقبال و لحنی طرف تحکامه تحکامه قاده  
 استیصال ایدام رسم مانوس و زره جلوس واقع اولد فی جاذبی لاولکته و الف  
 وزارت شنه ایجا و زاده اولک سردار سنا پاشا دست استغفار اندر قائم مقام و پاشا  
 بدامانه انتقال ایدام و لا ایدام دنی منظم سک دزرا اولک فی جاذبی لاولکته و الف  
 سردارک بعض اطوار ندر دیکر اولوب کندی و شنه تعین ایدام طم شوار و بر صدر  
 و حست قریب جانیبه عناناب و اجعت اولمش ایدام فلاح اولک سندن بیکجه بخا معلون  
 شنه چون ایدام و بکانه نیم جان ایدام اسلک فرار و ما لک نهضت کفر ایدام  
 فی الزبور بخا ترفیع رایت حصان و حقوق نفیبه طهار عقوق سنا پاشا ایدام میر میران  
 سلطان بخت ایدام بوده ایدام رسال اولمش ایدام فی الزبور بخا ترفیع رایت ایدام فلاح



وقال واقع اولوب جو تشش سبل عسکر انداز اینه کردون اولدوره بامه تنکاسک مقرر  
منظره فر و انهم از هم سر عسکر غوطه خور لجه اقدام اولغین لعلین و تنک غوطه خورند  
اولوب روجی تشش سوزان ابله و بران و سکان قتل و سیر ابله بر شانه ابله  
فی الجبل **کشتنی** بزور با تبا عندن دورت یک شتی زراد سلسله جابنده ابقا و انتر  
فساد اوزن ابله میر لوام صطی یک مخا و بل مشر کینی دور باش تشش خور و کین ابله ساحه  
مکند نه دوز ابله صرف مخد و ر ابدوب تیغ سر بزدن ابله راه کر بزدن ابله اعدا و احو  
واصل سر خدمات و کل ابدی فی رجب **زمره** سیاه کقاق اولمنق شریطه ابله و کین  
حافظه سنده اولان قتل او غلری انعام خدمت ابدوب استغفار اجرت رجاسته  
به صدور رخصت خاک دزگاه محمد و اقباله ر و مال و وزیر عظم فرادیات به عرض  
اند کلنده بحاله الوقت دلخواه برینه مساعده اولوب سنان یا با اتباعی فی اول غلبه  
اتباع ابله کین نتیجه خوب و اجتماع علی فرادیات به زهراب و ک انشرب اولمنق رجا  
بر طریقه غبار فتنه به سبکین ممکن اولمنق استارت سکا اوزن کجوی و سبکی  
اغار ابله اول استیقا و رتیه اولوب بوجه سراجا ابله ابله فی شعبه میر علم  
سابق قور دیات مساعده ارکان دولت ابله مصر حکومت غنیمت ابله فرادیات  
و بار افلاق جابنده توجیه رایت سر عسکری ابدوب ابراهیم یا با قایم مقام اولد  
فی شتی بزور میخال دین هم ملکه ندر استمداد و بوز یکد زباده شکر منجوس لائر  
اعداد ابدوب عموما طونه و فوره ذکر ابله ندره اولان اسکله کرو وارش قلای  
تخوب و ابله سنی مبتلای صنوف تعذیب ابله فی رمضان بعد طلی الاصل سردار  
اور و سبجه و اهل اولوب کوبری بنا سینه بذل نقدینه سعی و اجتهاد ایدر کن ابله  
و تعصیر و سوندیر اسناد ابله سنده زار تدن طرد و ابعاد و مغلو و غلث  
کدین کین از دوا اولان سنان یا شار ابعاصد ر صدارته اصعاد اولدنه شوال وزیر  
اعظم حسب الامر سردار و ابراهیم یا با سنده قایم مقام برقرار اولوب  
سنان یا شار و بار افلاق خربک رایت اثنا استراق ابله فی الزور و دین اوزرینه  
صوله سکانه ابدی کرانه روم ابله محظوظی اولان حمایات زاده حسن یا با شیرانه خا  
اولوب بعونه تکی اولان یکد زباده اشتر مشر کینی غلیظه خاک هلاک و تنک

فردا ای دبی سیر کند ترک ابله فی فی القعه کندی بوبان فرادیات و انهم  
ملک اولوب کار نه انعام و کینه وجود عقد ریسان ابله برین ختام ابله کین  
ارسال اولمنق ابدی کندی وصول ندر ابله کون مقدم فرادیات سکر اعدا و انهم  
خوبه و سار هم سفری اناطولید ندر مغول سا طور جو حج یا با بر سلیم و کند  
سیکار در دولت داره غنیمتی نصیب ابدوب نامعه و بولد ندر صحر اکر دیان  
نور اکر مرغ جان فرادیات افتاده دام انتقام اولدوغی سنان یا شکر معکول و کین  
اولان یکد معسکر ها بونده بولان ندر هم کین ندر خدمت استرداد و دبعه روح  
و حاده حواله ابدوب سوق قضا ابله راست کلدره ر کاج کین سیم و زرناسی و ان  
نریب اسکا ابله اولان بقلی جمع ماله مشغول و کندی لجن ابدی دم ابله هم تنک  
ابدوب خارج شهرده اولان جفت کلنده وصول اولدنه در کج بهر رخت و جانور یک ابله اول  
دیزر شبر جنک کین از دوا ابله ای اختفا اند کدر صکره شیشه اندیشه ابله اعدا غدر ریت  
سمنه وجود و حاد اماره کار اولوب ابدی قله جسد ندر مرغ روح طرف شیشه  
قدیم بال انشام شوق اولد قصبه ابله ابله به سال کجه قریب تر به سی و اردو استرغون  
مصور طابور کفار اولغین ابله ابله نام سر عسکر ابله مغاوده قرار و زره اولان وزیر زاده  
حمایات اولان جانبه عطف عکاز مساعت ابدوب دم هیجاده سیاه اسلام مشهور  
و کفار تمام مقهور اولمنق مغر اولمنق ابله موجب روبراه فرار اولغین ابله میر  
دوغی نجر امداد ابله غنوده بستر شهادت و بنده و فو کاه سیاه بهر زده دست  
غارت اولوب حصن استرغون نتیجه سبیلای کفار کرفار اولدنی الزور بکر شر  
نام شهر فزنده سیاه روم مصر هجوم ابله میخال شوم بانه آتش قتل مشغول  
بافته اولوب صفوف لشکر سلام صده انهم از هم ابله رخنه دار اولق اناری نایان  
اولمنق ابله صده ناید الی ابله جمعبت مشکین بدآیین بر شانه اولوب نصاب کامل  
فتح فیزی غزات تلخ سمانه روزی اولدنه الزور بهر زده ندر انانق رجا اولد  
بکر شنه قله بانه صرف همت و بعد لا تمام و بار افلاق یکد یکد ابله سا کور  
محمایات بر عنایت اولدنه محرم سده معلوم سکا امداد مولا مسعود الدین شاکر بودک  
خند و غلبه نصیب کین نام اولوب طرف سلسله ندر بر شانس و دست انتقام سکا ابله



نوازش اول منش ابدی والده سلطان سو قبله مقام اولده اعاده اولوب کمال اول  
 مقصدی امر عقد خل اولدی فی الزور محافظت شیروان خادم جعفریات حسب الامر خاک  
 استنار فخله اقبال و بحال ابدوب خدمت سر عسکر ابدوبین جانبیه ارسال اولد  
 فی صفر منجالی فخله خزان سرحد کشور افلا فده زغوشته یه واروب نکر جمع سپاه  
 اوزره اندکی منعکس لافین صدمه جمله سردار ابدوبین دخی رخت قرار فالدوب  
 سنان یاشاک دخی اطرافه حصار بنا سبله تحصین و دوزار مستحقین اندک صکره  
 عود ابدوبک عاقبت نوریته ظهور و خدمت محاطه به مامور اولان غایب معروض جانده  
 دور ابدوب رایت همتی بکشت طوغندی چون سردارده مقابله افتداری غدی  
 کفاح مدارا مستظهار اولمچون هزار زحمته بید دخی حصار ایاق بالار و اور سخی  
 جانبیه نوجیه خوش سبک برقرار ابدوب کوری به کله کده انوزجه خانه و طوبار  
 و خیمه و خگاه و اکثر سپاه کچمین رعب و هراس سبک سبله سردار طرفه کدایکین  
 منجالی کاشته لری ابر شوب عسکر خسته اثر دن نیجه کسه سوخته شعله شمشیر  
 و جمله آلات و اسباب و بیکو ک فله می نیجه شط کفاره کفاره اوکده ریح الاول  
 سنان یاشاک آتج وجه اوزره اندک باعث نکر در حشمه خاطر سلطان اولوب  
 ابالت شام نامبله صدر صدر تدریز طرد و ابعاد و لا الحمدیات علیا اول مقام اصلا  
 اول منش ابدی لا امین اولد و دخی مرض حال شیر نیجه صدمه سبله و نیجه کور منسند جانده  
 زایل اولمچین کرک باران و بدده سلطانا خامسار تبه و آلا و زار ت عظمایه تقا  
 ابدی فی الزور شاه عباس بطریق رهن درگاه اقباله ارسال اولدی برادر زاده می جدید نزار  
 بخت نهال قامت با اعتدالی صرصر نهر دهر ابدوب ففاده خاک هلاک اوکده ریح الاخر  
 غازی کرای رجاسبله بغداد و بوده سی اولان ارمنه منجالی هر کور عسکری و ندر رضوان  
 بر حمله و حکال شهباز همتیه شکار و جمله تابعی علف شمشیر خونبار اوکده فخله اول  
 رجاسا افلاق درگاه محنت و اشفاقه مننه اوغلی اردل بوده ده لقه محل کور ملک راجیه  
 اندک لری بنابر قبول ابدوب از اوکده فی قضا حاکم شهباز موعول طور سوز زاده عید  
 افندی حکومت سلا نیکه موصول اولش بکن بربرک زاده رکاب هابونه بعض  
 و سلا ابدوب صلا نیکه رجاسنه رف رف ابدوب خط شریف ابدوب کار از اوکده لکین

روز دیگر علی السحاب کسی دخی و امن بوس سلطان ابدوب دیوان کبوان ده اجتماع ابدوب  
 هر کس سبابه کندی حیرت و انتفال و بربرک زاده نامل آمال و طور سوز زاده موقف  
 ششدر زاده و طلال اوکده منجالی منکب و لد و دخی وضع کتا خانه دهر ندر مستغفر  
 درگاه سلطان اناه مکرر اعتراض نامه ارسال ابدوب و بوده لقی نه کند و به عتاب  
 سوز بلق رجاسبله بوبار و در عابال اندن محض و می نظرم ای حسن باشان و عذر  
 کوندر مکن المصلحه مسئولی جلوه کردات قبول اولوب اختلاف بلوغ ارسال و تبلیغ کند  
 می رمضان احوال سرحد فخله نظام اولوب اختلاف ارکان دولت سبیله سردار ابدوب  
 خدمت کور ملک محال اولمچین سنان یاشاک دسا به جهانده اکروس بغری الف و اول  
 غرای غرایه اغوا ابدوب لوازم و مکاندارک و انام اوزره بکن بدست محل معلومی  
 نام ورتبه وزارت سبله بهیمت عا مقام اولوب حسب الامر سوز طر شکار  
 اشغالده شتعالی ابدی سلطان بلند همت حاکم رایت فراز غمت اولوب  
 ماهجه علم زرین اقباب درخش داو و یاشاک سندن عالمه نور بخش اوکده فی سوال قضت  
 سرای درنه مغرب ختام آرام اولد فده قاضی خواجه زاده اسعد فندی قضا استابل  
 ابدوب اکرام اولوب وار سلطانده قائم مقام اولان خادم حسنات همتی و والده سلطان  
 شفاعتی ابدوب سلفی افی زاده عبد الحکیم افندی جف الفلم و ادبینه وضع قدم انجمن ندر  
 قرار داده و اسعد فندی اناطولی بایه سی اعتبار بدنه وجه قبول زاده اوکده فندی  
 دفتر دار فخر مغول شریف است اسفروان لا هرام حکومتیه مقضی الام اوکده فی ذی کجه  
 اور و وی هابونه بدرقه دولت روز افزون برله طی دشت و هامون ابدوب اگری  
 نام قلعه بیرمنه مرکز اعلام اسلام اوکده فی غرضه و ارون حصار اون برکونده ضرب  
 شمشیر ابدوب اخل بر نیجه سنجر و برهفته صکره ایج قلعه دهر صدای الامام عالمگیر اولوب  
 مددکاری فضل باری برک حصار ندارد اسلام اوکده فی الزور اول نشاده خطوان سکاکی  
 کفار خاک روانه فریب ابدوب دام تیغ خون شاه افاده ای بکن اگر سنان مندری  
 قلعه دهر حقیق بولطول فده قصد انتقام ابدوب خطوانیان بلا سینه مبتلا اولد بر نیجه حکم  
 ایچون شاه طر فخر نادر خدمت سفارت اولان حاکم اردبیل و الفقا فخر سنان بولط  
 وصول اولوب قائم مقام سنان سلطنت قاهره به سنان اسکو اوزره مهانوازی



ما من آنکه ایام بدی فی الزمان را که بدین یکی مترادف و دراز فوت نام بر صجاده و ال انکروی  
منجوسک بر طابوری اولوب بدی نفر سر عسکر و فصل ال بدایه و جویز یک  
سک و وزخی اجتماع اندکی استماع اولمغین همراهی بخت و دولت برله اولجانه  
نوبکس عظم غایت یور بلوب سیاه کفر و ایمان مقابل و نوره های و هوئی ترادف  
آسمانه و اصل اولک فی ربيع الاول اول کون شایه نظر حکم فضا و قدر طرف اعداده جلوه  
کوبنوب بستان و موصوف صف عسکر جوار رخنده دار اولمغین بعضی دلان ارکاسلنت  
سلطان غازی خیا بدینه حاشا تولى عز ال خف راهنه ولالت ابدوب خواجه سعید  
افندی چار جهت عالمه و لوله انداز اولک قصیده طمانه رنده بیرایه سک نظم ستانده  
در بنفیدون استفاد اولک و اوزره نشیت اقدام اقدام اید رضوض طبع برله مات  
تا بنک قلب یک سلطان بدین غبار او با ازله و سلب و بود خدمت شایسته  
مقابل سنده شایسته و ذکر خیر خصل و جلب ابدی روز دیگر دم اشتغال اش  
حرب و قتاله دجی بدتر صورت هنریت مشاهده اولنوب خیمه و خگاه سیاه  
بازده کفار خاک را اولد و غنچه با عدا خونه عا رصند و فکر او ستنه حاج سیر علی و بکلر  
ایک در بای لطف الجوج شانه و جیوش سر و شش عی جو شانه اولوب جنود و مجرور  
ما آنکه نصره خض ایداد ارباب و جواد اولمغین ال سبب ظاهر رسته انظام کفار عقده  
دارا نه احم اولک بر ساعده یوزیکر یک قدر نفوس خیمه ربوه و ده جولا شمشیر خون شام  
اولک بوفتح و طفر ظهونه سبب صوری جفاله زاده سنان یا شایک سقا جیده سی  
اولمغین روز فتح فبروزی کجی خواجه افندی القابله و وزارت و شام الصدر  
آرزوی اولوب بعد العود فرق بش کونده صکره اورنه فربنده والده سلطان  
شفاعت نامه سبله خاتم و کالت ثابا ابراهیم یا شک پیدمانته نسیم و منشور  
ایالت شام جفاله زاده مانته رفیم اولندی خواجه افندی و خرمقا مندر استا اولک  
ابرهیم یا ساطقند زخم خیمه کونایکون ابله درون رخون اولدی مقدمه طوفان جویز  
اولد فده روح عالم قوه القلب آدم حق بکر داب اضطرار فوب ساجل سلا ابریکه خاتمان  
فرار یک زعامت و تبار دست و بکرانه و شوب خانه لری مکررک و لاجت و دولت  
برله دار سلطه جانیه عطف عظمه مراجعت اولک و سیر سیکما و وجودی بهیو و کمال ابله

رونی بهر اولدی فی جمادی الاول و صدارت رود و متعلقه سنان زاده مولانا علی افندی محمد علی  
بک و و نهاده درگاه خدا اولدی فی الزمان غازی کرای خان بوسفر جلیل الاثره رکاب  
سعادت انتاب بدینه انتاب فضل جهاده نامور ایکن نهاده اول شرفی احوان استعد  
اولمغین جاده انقباد و دزد و اولوب برادر کهنری فتح کرای سکا نوکیل و دولت  
جلیل شایسته نبیل ابله اول و شیر صولت شایسته فخران نهان اولانده شایسته  
رسمانه حکمران ابدوب دین و دولت کمال حربه خدمتی ظهور ایکن و وزیر اعظم جفاله زاده  
ایمیل خوان حسن سلطان بدین نوا که بر صند خا اولوب رعایت حق اخوت خط  
سبله بعد الامتاع حکم جهان مطاعه اتباع ایمن ابدی ابراهیم یا مقام صدارت عظمه  
کار فرما اولمغین جفاله زاده به امانه خان قلمی ملک فریدم ابقا و نمکین ابد و فتح کرای معنری  
فی بر طابق ابله خلاف رصا و وزیر آیین خطها بوزن خصل ایکن کرایا موازفه  
طرفند زخیران اولوب ناجار حکم شرع شریفه مراجعت ابله کفه فایضی خطها بوزن  
خطی الکفا و نقیده ایدامش ایکن مفتی مولانا اراتی دبار غده اعما و طفر الو حکم شریفه و خط  
تعلیم اولمغین بعید و کلد دیو غازی کرای طرفی نقوبت ابله خلق دخی و سنوس تکلیف  
عینف اولک و ناجار حکم قضایه رضا و بر و کده اول بجان هنوز حیره سزا قبول روزگار  
ر سار سیوی آرزو اولدین شیشه وجودی سنگ ستم برادر غازی ابله کسار  
بولدی بو کونه بایه اندوه و طلال اولور بعض احوال تخدیش شمع خفا اندکجه و لیس حرمیک  
وافقه نامه سنده اول مانع معمر با و ان ابدی دوزجیع منظومه سطوره اندکی کلمات  
حکمت شایسته کلوب روضه تحفه و عا ایکن اولان اخذنا رجا سنده کفار خا  
طرفند بعض قلاع قصد اضرا جباری انتاب بولمغین ساطور جی محمد یا شایسته و کو  
عسکر به جد ابله سدفوز سلا به ایکن نوبک لوی فلک فرسا الکفی شوال طقا  
مراحل ابدوب سرحد مالک خود سه به و اصل اولد فده فله بانق سکا تنک درون  
مانند سودا اول عاشق سوخته نار حبت حصار کفار ایکن مددکاری سمت سرداری ابله  
زخم سینه جی و حله به مهم فوج ابریشوب سفای صدر حاصل و ارزوی دل خواجه  
برونی خاطر خواه جمل اولدی فی ربيع الاول سه مقدمه دار سلام اولش ایکن  
بر طابق ابله دیار کفار اولان تا و صهارین نام حصار روست تغلب مشرکیندن



استیلا و لوب اول مقارنه تکرار مجاهدین دین وضع استیلا آرام ابدی می  
المنور قومان آله سنده اول طایور ابله لشکر منصور بر قاج کون تقابل ظلام  
ونور کی محابله و بنیاد محاربه و مقاتله ابد و بوالی بوسنه زیبا کی حسن  
آهک ابله استیصال رباب کفر و ضلال و فتاخره تاخیر او کند بودینه عود و کون  
استرغون استیلا غم اوزر جزم اولمش حکاک روز کار اطراف سهل  
و جید نو تو زده الاس سوده یا شیده ابد و ب فو ت نایم بلکه نار حایمه  
عمل مانده اولمقین فلقه واس شجره ابله کتفا اولوب غم ششای بنواد  
اولکده زنج الاخر شامده عایشه نام بر خاتون مدت حملدن اوج ای فامنده  
نوالا یکی سر وضع اندکدن صکره بر جراب القاب ابد و ب شن اولنقد  
نام الاعضا نام بر باب نعمت جنان اونی یکی ولد رونما اولکده در کرای حاجه  
مقابله سنده نظیر خراسان اولد و غنچه شبر بار بلند اقدار خضر و زهره  
الضیبه اولوب سر وزارت خادم حسن یا شایه غایت اولکده والد  
صفیه سلطان با سنده نوجیه زمام احمب بی بهمانا اندکی مدرسه بنور موسسه  
اولدین عاقبت مدرسی صاری کر زاده قاضی طیفی فندی به نوجیه اولکده جامع  
سورن انعام اولندن عقد مجلس درس عام اولکده در جب شیخ الاسلام بنام  
ناده محمد افندی عاشای زنه نگاه دار اسلام خرام ابد و ب خواجه سعد الدین  
افندی مفتی انام اولدی فی شعبه کاتب بکنا شیا محمد افندی یکی فیو مولود خاتون  
انام ابلکده والد سلسله ابله سلسله بناسنده بدل نقیده همت  
اندکی جامعک خواس سنده مباشرت اولنقن ایچون ارکان دولت حاضر  
اولد فدی ساعت حدود که صدر اعظمه نسبت انعام ساعا ایدی سر  
پستانیان فرهاد اغا شمشیر قضا اس حسن یا شایه حواله اولوب بدی فلقه  
حیس و بوم نامنده قید و بنادون اخلاق ابدی فی رمضان خواجه افندی موفقه  
مسند وزارت جراح محمد یا شایه ارتقا ابدی فی فلقه یانی نارسه تله مخرف اولکده  
وز خبان بر شب تارده زخیره عیبه ری نامیده در و این نحصار کلکوا غا جان  
هوی طوب ابله اینن قیو پی شکست اینکین اول حصین مقهور دست بندی

منزلکین

منزلکین اولکدن شوال حلاله زاده مقصده عمان بی یا یکه احسن سلسله موج انداز اولکده  
فیو رانلق رتبه سبله اغاز اولکده وزیر حضرت یا شایه قامت بالاسنه خلعت حکومت  
مصر البکس اولکده میر بران فرما نی مدت سفوده اولوب ولایت کاه اولمقین لارنده  
سوخنه نامنه اوج بکدن زیاده اشفاق کریم شفا دن رونما اولوب نایره تعبیری  
زبان کس و شران فشان اولمش بکین با ملکات ایزبان اتفاق اولوب و سبک  
شمیره اقباب اشراف ایل ظلمت وجود ارباحلاف و شقایق ازاله و بوی فو ت  
شکرت کونلین ساله ابلکده فی ذی القعدة بانوی عظیم الشان والد سلسله  
جامعه وضع اس اولکده محم سده ایدور که بر صاحب همت ظهور ایدو  
اول اثر لطیفی انعام عنوان ششور اعمال ری اوله صدارت رومنه صکره دولت  
یچ روزه دنیای بی بغایه پشت یازنه استغنا اولوب برو سده دولت کزین  
ازنوا اولکده والدی و سبد قره جللی زاده مولانا حاسم الدین فندی سنی عربی کثر  
اعمار امت روحه نصیانه و اصل اولش ابدی که مصحف شریف اغوشلنده کنایه  
نوجه اوزر ایکن فحاجه انتقال و محفل قدس ارحال ابد و ب حضرت ابرقوس  
سره انجیل حاضر دانی با سنده متواری خاک فنا و خوشه چین و فرود عا اولد  
غرق رحمت دریاست بار بخیال لعین و دین فاطمی اولکده حافظ احادیث ابله صورت  
معامله صداقت کو ستر و ب اول در و مندا سیر بند غفلت انگلنده صکره بر کون صاحب  
دولت جناب بیک خاک ابله ربه رو باله مرض اولوب بوم موعود ده یا شایه محمود  
بالسنده منصوب اولکده اوطاق ابر شیم طناب مطلقا عوده انواع زینت و زینت  
توب و برو ب بخیال کنایه بدی کشتی به مانند زورق بهلا اعدا انتظار اوزره کرک  
زرکارده و ارامش ابدی که ناکاه سیاه دشمن قننه فن خلافت مول سمدن نامنه  
اوزره هجوم ایدو بی ساز و سلب سیر و شایه نامه اولکده عسکر اسلام سلسله  
انعام و سر و جاندن ماعدا اموال اخصا نصیب کما شکیا بخیال بد فرجام اولدی  
صفه اول خارجیه انارده سردار بلغادون رد اول ملکیتی قصد بله رفیع رایت جهاد ایدو  
بیکرک نام منزله بوز یک قدر عسکر ابله غازی کرای قاضی عسکری فیروز می اثره و اصل اولکده  
خاندانم فلقه بر این ارامگاه سیاه اولد قده داخل قضا شجره اولوب کما علف شمشیر







دنیا اتحاد و الفت اوزن اولیغین تبریزی قلمی جعفریایا اولان بکارهای جمله متعلقه بکر فکرا کنند  
 سخت بپوند و خنده درگاه سلطان ارچند ابدوب بدی قلده جوس بوده مدینه  
 اسلام ابدانوس اولکده ریح الاوتنه خوجاوت سوخته ناز قدر سجال به حال اولکده برکوی  
 قلعه سی محمد و ابدوب درگاه محمد و اقباله و کمال ابدی و زبر خاسن پیشی حسن است  
 با شریک نصیح سکه اولوب التوز یوز بکری به غوش سکنه تنزل اولکده به با و با  
 حرد رس قدم سکرانهار اولیغین سردار رفیع رایت غنیمت ابدوب اوسک  
 بیدنک رسال اولکده رجال حب و قتال اهما جمله بوبو فوج نام حصار قبضه اقتدار  
 اولکده صکره فائز جانی غنائم کینه و سارعت اولوب مترس خدمتی اوابه سیاه  
 فکک طبلکاه و سار صحنه عسکر سکر کور کافری لایزال بلانش افروز کبر و اوار  
 اولکده نوم ناسعد طابویر بکرت جلا دگر شکست بولوب اهنک راه و اریکین  
 حصار بلور فی اچار طاب زنه ارا اولوب حصول ایاول ابدی لغزاده عود اولکده به جا و لاوی  
 به شهر و اوعوام سکر اسلام سرحد تک خوس و انکروس منحوسه و دشمن دین فادیل  
 مشکین ابدانست و کربان اولوب ارا و سیاه و بار اناطولی کافکین بلنشی فساد و  
 اولکده هر دوزا و بر کوشده دامن رعایا بدست نقدی و راز ابدوب اسباب نظام  
 اموال فقر اکسوی غنیمت بوی موسی سارینش و درهم دامن خاطر به سیر راه عدم  
 اولدی جمله دن ساقا بعض ابله تصرف اولکده حسین با سالی گذشته خلا لکده اناطولی  
 عسکرین روم ابله به سورک و نقیش مجایف اهنک نامده احرار لوب بانه اشتیادان  
 مفت خوار بیجه با بکار جمع اولق ابدانره سامان سوز جور و بید انا فانا نشند بولوب  
 دو آه جهره ماهی سیاه ابدکد لک حوالی سبوس و نوقانده عید بکلم نام فیه یازیک لقب  
 بر سکا بولوب شیشی دخی اکنه فساد انا ارا ابدوب حکم جنبت اکی شفی فتنه ساز وادی  
 عصیان سلوکده و مساز و قران خشین شکل نخوی اناطولی سکاکی قلوبند رعاب  
 اندر اولکده بواجبار ملاجم و اصل سمع شرف و لیغین سکاکی سازاده محمدات عسکر  
 لغین اولوب عینتاب فربنده تقابل صفین واقع اولکده جلا ایلر سینه زار و بر طریق ابدی  
 روه قلعه سنی داخل قبضه اقتدار ابدوب نیجه بام محاصره و تقیضه صکره فیه یازیک  
 انجام کار دین خردار اولغین کند و فدا اولق رجاسنه حسین با سالی جوجا سرداره سلیم

فوج

ابدوب استانبوله وصول ابدی قلده جلا و قدر سکا و هر یک کوه جمله منرار نه عرض ابدی  
 فی رجب صدرت رومین متقاعد سکا الشواباتی اقدی غم نه نگاه بکلیت فی  
 ابدی رضانه ساری سکا به محرم اولوب اول خرم ارم مثاله اربابینه و امان طاقین  
 ایصال ال شوته واسطه اولکده به و کرا قاری فایم مقام جلیل با سارینده طاقینه  
 خجرت سرتن نه نرجع زهاب ابدوب جبهه سی نیجه امامت مبدانده  
 افاده خاک نالت اولکده صکره غدا اژدور زبانه کش تش اولکده اوانش  
 براوغی غم دهنر بول اکنه خوره نیران اولوب بری قبول طوق امان ابدی غنیمت کربان  
 اکنه مخلفاتی طرف مبریدن نظیر طاولوب جوار هر و عقار دن ماعد خالص متفنجان  
 قبستی بشیور بوی بخا و ابدی کرا ماده سنده قائم مقام جلیل با سالی ابدی به هم اولکده  
 طواشیدن حافظ احمد با سالی جالس سنده کالت صدر غنیمت اولکده فی شوال صدر صدر  
 رومین منزلت انا احمد اقدی سمان دار الضیافه رحمت رحمان اولدی به بیم شنه تنیه  
 سکا ابدی ام نجایب نام فاخته سرت و اختا ابدوب خرا انا رفیع اولدی به  
 سکا مشهور بهار صحن کلاره ضرب خیمه زار اندکی دم اولق سردار مقابله لغزاده  
 غیرت جاد رنگ دوار و لشن ابدی که جانب اقبیعم عدم تحریک طوغ و علم ابدوب  
 اول خگاه سینه شنبه خیمه زار سانه گاه اولکده فی ذی القعدة سکا استانبوله نقل اولکده  
 شهراده جمنده و فین زبر زین اولکده فایم مقام پیشی حسن است و سکر  
 رتبه لرین ارا ابدوب براهم با سالی متروکه سی اولکده عایشه سلطان دخی انا وادی اولدی به  
 محرم انشته سکا با و ز علی غانمطه عواطف علیه سلطان بنده نواز اولوب خلعت  
 حکومت مصلحه انا و اولدی به حسن کاذب طول شانه زانه سفر عود و  
 بدکهر که یابانه ابرشده ربوسنه تدارک بهانه صرف اوقات اولکده اول بهار و سیاه  
 ارسته و اسباب تجل کاسته ابدی حرکت اولیغین ابدی به سکا انا وادی  
 موهبه انا جبهه تدبیر اصابت تدبیر شیح اسکانه سید اولغین خواه ناخواه بدقیر  
 آه ابدی غم راه ابدوب اول اشتیاقه صنع انا اقدی جابلرین سنده فتادون دور و اول  
 رتبه ابدی صدرت رومین موعول خواجه زاده محمد اقدی به سرور ابدی به صفوره یازیک  
 جوم سکا مشهور بول و انا کاه رها و دن رها بولش اکنه رقتضای طبیعت بدو اقتضا خضران

نویس برهم



ابن تیمیّه عیسیٰ بن ماری و انش عتو و طبقاً بنی ابدوب اسناد اهل انصاریه  
محقق اولاد است با ناسا داده بر بنه منصب سرداری ابله موفرا و اولاد حلب انصاریه  
ابراهیم بن ابی قیس بر او کنده مشیت درشت قهر و کین ابله محفل ممکن بغداد و مغول  
محمد بن زاده حسن بن زاده سردار و ابله صاحب اسنده جلبد فعال ابله مکر آری  
کبر و دار اولوب شفی مریور منبر جابنک جابنه عطف عکاز و بعضی حال شافه  
بی جانته کرفت امان ابله فی ریح الاول شیب حسن بن ابله و دین استرغون سخاوی  
ارزو سبله و پراه غیمت اولوب اننا طریقه استونی بله و کز فای نه سبله  
کفرا و لد و غی خبر و حشت اشری و اصل و لغین فاعده ابله تقدیم و دین او ضایع ارباب  
کفر و ضلاله که استخلافه بدل تقدیم است و لغنی اقتضا ابدوب حکم قضا ابله  
امید جلوه کرفضای حصول ابله و غندم ماعد طابور جنگنده میر میران بودین و اعدا و سپاه  
نیجه منجین غانی شیرین کام شهید شهادت اولوب بی ستمانه طفر بله و ده  
مراجعت اولوب در شبعان قایم مقام حافظ با انا طولی ابا تله رفع او کتو ساغی حزن  
یات اول مقام نصب و کوفه فی القصد قره بابی النی ای جابنک طاعیر نه لکشته  
راه وادی کتا اولد قندم صکره عازم سیر القسقا اولوب برادر بد کهری دلی حسن  
سر عکر شور شر و لغین سردار ابله و قافله تریده ترتیب صفوف کارزار و جابنک  
نشانه نشابه هریت و انحصار ابدوب جلد سبک با تجل حاشا حتی روضه جنت شیب  
اندکی خر خفا و قی نصب اعدا و کندی فله و قافله مقیم کنیز اولوب اولد فی ذی حجه  
قافله و قافله و کوفه و قی مقهور اولوب بر کوفه سردار سردیوان حصار دین جابنک  
گاه ابد کین گاه بر تفنگ دانه سی خرغ روضه دام حرکت و کوفه و قافله و قی مقهور اولوب  
نه محرم الله اول بهارده سردار کتا استونی بله و قی اولد و قی کون محاصره ابدوب  
بعونه تعالی اول حصن حصین مالک محوس به بلخ و دیگر باره انا دین مبین ابله  
بر رونق اولد فی ریح الاخر منصب و آت صدارت و زرادن منفصل سبا و شایسته  
سنداری یوان ملک بقا اولدی فی سح غریور بودینه لکند کده استرغون و قور انده  
کتابیک قدر کاف حاضر و سردارک عودنه منتظر ابدوبی مفرایکن خوش آمد  
کولو القاسبله سر عکر بار دایموب دیار و دی غارت فصد بله و دین صکره کافر

استیلا کند شجره بند و بودینی انش محاصره پید بند و کی بیام خوشی طریقه  
کذا و لند قده تخدیش ساعد سردار ممکن با لغون رجوع و بسته استخلافه شروع ابله  
بر دست محاصره و نه صکره استیلا قسط و غلا ابله توقف و ارا مکران او کتو میر میران  
روم ابله لایحه بیاسی بودین امداد ارسال و نگاه حسرت ابدوب ک طرفه شتابه ابله  
جام استیلا ابله فی جاذبی لاولی بمنه قلا و دت عکر جوار و کثرت اطار بودینی  
ابن کفار خاک رگالی فرار ابدوب اکثر طوب و آت جک و انشوی زیاده و بار  
نکبت مار رینه گردان اولد بر نه جاذب لافره منخال خسران مالک خرمن وجودی ش  
قنار له با بود اولوب فلاق رگابا کما کان مطیع فرمان اولد بر نه خارج با سبله بد کتو کتو  
اولاد نازلی لقب صاری عبد الرحمان زند قه و محادی ابله اولوب ساغی بدی قله و قی  
جوکان شمشیر خور فشا اولد کتو کتو محمود یا شافا مقام اولوب ساغی بدی قله و قی  
بدل اولد کتو رجب ای کون صکره خواجده زاده محمد قندی خدمت فتوادن متعالی و کتو  
مقام شجاعت سلاویه به ناسا صنع امد قندی متعالی و لدی به قفد با نوقا ده حسن ای  
غرم اقلیم ایدیک طو شبدن خادم ضر و یات دفع غایله اشیقا ابله امور اولوب  
عکس قیوم رای عظیم اولغین مقدا و اینه بدی نتیجه برادر و کتو بدی بو الفضولان سپاه  
جاریت مملکت بسط به استیلا ابدوب جلا احوالی و کلائی دولت لغرض با به سیر سلطنته  
انها اتمر الالبه و خصوص بالذات شهید کردون و قاره عوض اتمر لازم در دیو اقدام اقدام  
اوزر قیام ممکن خواه نا خواه یا د شاه جم و جاهی باب معلا جناب سیکاهنده  
سیر علای یوان بلند کتا اند بر مجمع و زراد علادون اولد ابله بالست فقه و کلائی و کتو  
اهل و محرم از ارکان سلطنت اتمر کتو کتو کشور انا طولی سبب اتمر اولوب  
هر یک جای کار کار و سائر ره باعث اعتبار اولد مقرر و دیو اتمر اتمر  
معا ایدیک ضر و یات کتو کتو اتمر رشوت ابله کتو سبب سلطنت سبب  
اولد قری کوچ و قیو اتمر غرضه اتمر و اتمر السعاده اتمر اتمر اتمر و نهاده خاک هلاک  
اولوب بدی قله و قیوم و اتمر قائم مقام سابق ساغی حسن بن زاده صدارت نهاده  
هراده به به سیر سلطنته عرض اند کتو کتو اتمر خطوط شریفه ابله موشع کتو کتو اتمر  
ابر و دمت و ستمنا امور سلطنت و زراد اتمر اتمر اتمر اتمر اتمر اتمر اتمر اتمر

در میان











اولنوب کجای ابراهیم پاشا حکومت مصر ذات الایرام ایله اکر ام اولکنده **حافظ**  
احمد پاشا دن وزیر مخوف الضمیر اولمیش اودا اراری سوبله قایم مقام اولمیش احتمالن  
سدر کون ابالت بوسنه ناسبله در دولتند دور ایتمک بذرل مغدوراید و بکچن  
بعض شفعار کاسبله ندرک سبب اسفاید بجه بر قاج کونر خارج شهرده بوکوشده  
توقف و ارامه وزیر اعظم رام اولکنده فی ذی القعدن **عکس** فتنه انگیزه تریزونی نجه بر لری  
داخل قضیه افتداز و در اکر فتنه مضیق حصار اندکی اخبار موحتی سی نقاب  
ایکین جفاله زاده اسکندر کداریا بدوب اونیم یک فدر یکجی ای ایله کجایک صابوخی  
باشی و علویجیایر و غائب روعوما اناطولی عسکری جفاله زاده ایله سوخچیه ماکورک  
فی ذی الحجه وزیر اعظم دخی دیار انکرو سه سپه کیش اسلام اولوب داود پاشا جابرند  
نصب خدام و سردار کاسبله قایم مقامی خدمتند صوفی سنازیم قایم  
المدی فی خرم سده خواجه سلطان **مطهر** فی سوبله خلاف ضای علی پاشا عادم **حافظ**  
احمد پاشا قایم مقام و بر سنده قدر زمان محنت و اختفایه بمنزل اولک صانع اولقندی  
نمائش شیخ الاسلام اولوب بشی حسن پاشا کجایک عایش سلطانده و برنوز یک  
التون مهربان کونر بجه محمود پاشا به ترویج و تعیین خواص وزارت ایله بازار اعتباری  
ترویج اولکنده **به صدرت** رودن منفصل اخی زاده عبد کلیم قندی غم ضایفخانه  
دار النعم ابدی نه سردار دیار بجم جفاله زاده سابع شهر محرمده اسکدر دن ضرکوس  
رجل ابد و بسطی مراحل و ظفر بولدوغی جلالی کاشته برین وایره وجودن رائل  
ایدرک و اخ شهر منوره سبواسه واصل اولدقد بدی بدین زباده محصور شهرک  
کراه اولک قلعه روان دام شنبه کرفار و میر بر آشریف پاشا بشلای کلا سار  
اولدوغی خبری سردار و عسکری فی قاری ایله کجایک فوزه کاش احمد مقدما مکتوبه دخی بدوز  
ارتجاع و انبا عبله سردار اتاع ابدوب جلد رایتلده موقر و مقدمه لشکر  
اولدی فی صفه ارجیه و بلغا و محط رحل قرار اولدقد سردار طرف انجیم عدمه تجرک  
طوغ و علم ابدوب مهربان اول کجایک معسکر فیوزی ازده بولان لار محمد پاشا  
دست استحقاقه سلم اولکنده ریح الاول بخدا ابالتی فوجیه اولکانه قاسم خواه ناخواه  
غم زده ابدوب ککن قبولده امتناع اوزر برده اطرافنده هرزه کرد ابدوی استماع

اولمیش

اولمیش حافظ پاشا به بل قایم مقام اولمیش ناسبله فزاده دام و بر تری طبعی شنبه  
انعام اولوب صابوخی مصطفی پاشا اول مقام ندر کور لری به خاطر و طبع با کورجی  
محمد اغا و بیوک مبر اخور طوغاخی مصطفی اغا باش فوجی باشی داود اغا تعیین خواص ایله  
وزیر قیام شنبه اولوب وزیر نالت کونر بجه محمود پاشا مقیم کجایک غزل از زاده اولدی  
فی ریح الاخر **مک** فلاحن غدر مصر بان ایله حافظ مصر حاجی ابراهیم پاشا مک فتنه  
شکست اولمیش وزیر کورجی محمد پاشا سبر بوسنی به ندر کوریلوب قاسم کوندر حکم  
در باد نوبت کجایک فی جادی لاولی **نقیب** لاشرف سید عبدالقادر قندی مقعد صدقه  
ابدوب خواص طوطی قاضی باوز محمد قندی مقام شریف نقابنده قایم اولکنده **سردار**  
بدرد بخت سجد ایله بوسن جانبیه سونی سیاه نصرت دستگاه ابدوب بر  
طریق ایله سنده و خطو از وایح شنبه و قد وار و جان نوزان قلعه لری **نقیب** اولدی  
فی ریح الاخر **حسن** حصین استرخون محصور لشکر منصور اولوب کجایک فی فکله اولک  
جانبه ندر و کلکله شروع اولکنده بعض غوائل ظهوری ایله فتح و شنبه و فست اخوه تاخیر  
اولنوب قلاع مفتوحه کمال استیقام اوزر **نقیب** و احکام اولدقد ندر مکره شتابا  
بلغاوه رجوع اولکنده فی جادی لافزه کوب سعد قرآن وجود غنایه خانی جلوه ساز اوج  
شهر و اولوب مساهده دیدار ایله بدر بزرگوری قبر العین سرور پاشا اولدی  
به دور قایم مقام صابوخی مصطفی پاشا انساد و ایله سرب زهرا قنا اولوب  
صوفی سنازیم پاشا جانشین غز و یکین اولکنده شنبه سردار محمد پاشا بعضی سلطنت  
مشاوره اولمیش کجایک علی خواجه الاستیجال در دولت نواله دعوت اولکونست الام  
خاک درگاه روبا مال کجایک فی رمضان فایز سردار شفاوه سجد و شهید سلطان محمد  
صحن سیری سنج و حشمت داره مسافره طر رحل قرار ایله فی شوال قلعه راوغلی و در سجد  
نام شقیله شعله آتش کجایک زبانه کش ظهور اولوب نابره سامنه سوز قعد لری ایله بدین  
وصار و خان و بران اولدوغی اخبار و اصل جمع بهابونه شهراری اولمیش حلیه لاشند  
منفصل نفوس پاشا دوش سغدادی خلعت و زارینه تریان **مک** و جلا اوزرینه سردار  
نقیب اولکنده **نقیب** باوز علی قندی زک مانی دیکای بجا ابدوب یکیشندون  
موزول امر علی قندی اول رتبه به موصول اولکنده **بوسنه** و البس و لانه کلک حلیه لاشند



وکتاب اولدوغی اطوار نامهور رخت اکلن ساسن صطبار اولوب رعابا و سیاه اولم  
 اند و کاری اجموم عام سبید عام ماضیه سردار طرفه طمشواره بنیدل و بویا باده آب  
 شهر ستان عدم بخوبن اولکده فی ذی القعدة بندر معزول اطراف بر دهن غم استنبول این  
 حسن بایک مشهور حکومت مهر استقبال اکلده فی ذی القعدة سلسله دار السعاده  
 ملک بقایه خوام ایدوب برادر احمدی سلطان محمد بن سنده بسط و سوده استراحت  
 و آرام ایدوب عام مزبورده مقدمات درت رود در صکره فضا بلده محرام ایدو اکر ام  
 اولنار فوشن بجای افندی معزول اطراف بخودن غم استنبول ایدوب بیایانده سوار  
 اولدوغی کشتی رهنمان فزنگ جنگله گرفتار اولغین مولای مزبور احرار بنده علیه شهادت  
 طلبکار اولوب مرغ و مرغی نفس بندن بر واز ایدوب هوای وغاده تحریک بال بریلدی  
 حل و حاشیه بنجره حدیث و و شجون مشعب الفصول اولنار دکان فزنگستانه ظهور  
 و بوسنه دیار سلیمیه استعال تش شروشو ایدوب ناره فتنه و ساک  
 وار و تچه از دیار بولوب و زبر اعظم کمار دیار انکر و سونجیه زیست غریبیک  
 ایدو مورا اولوب اول صوبه بخوبن طوع و علم ایدوب محرم شمس سنان باشا زاده  
 محمد بایک سردار و بارجم جلاله زاده به طرز جلاله ملاقات ایدوب جبراسام  
 ایا مشهور بلده و اصل مرام اولغین اول خود کام وزارت نامبله ستانیه دعوت و کتو  
 دیوانه وارد قدس سر هوا رستی ربوده تیغ خونفش اولکده ریح الاخر سردار مکررا  
 استرغولی محاصره ایدوب شهر کاملده و اروشی عنوة و بش کوندن صکره ایچ قلعه صلحا  
 فتح اولکده جماد الاول ابام محاصره ده بوین بر مهران بوشناق مصطفی بایک سردار  
 ایدو دیه اولن قلعه سی و بوسنه بیکر یکبسی خسرو بایک سرکار لغی ایدو بشو ایدو بند کند  
 شجر اولدی بر قضا غریب و نیه ریم بایان نجه ایدو کلوب قلع مفتوحده  
 بولنار فزنگ طایفه سی و اخل حوز انقباد اولوب عام احدی و الفده اولدوغی کبی  
 زمره سیاه ملحق و عواطف علییه به ستغریق اولدو مکر و مکرده فزنگ مشعب  
 اولوب دیار انکر و سونلی و بای تحمیری اولنار بر اغ و یچ شهر لنده قید والی  
 اولوب اردول مجاری خواه ناخواه فرمان برادر ایدوب فزنگ عنود طبعانی حدون  
 افزون و اولیکه فزنگ دست فخر لنده زبون اولغین بوسنه اولمده سلطان

نظرو دین

ابتدا نظرو دین  
میان نجه و مجار

افان در کاهنه عرض تحفه انقباد و مجاریک زاده لندن بوجای طرفه طمشواره  
 کند و راه حاکم نقین یورلق مراد ایدوب سونلری فزنگ قبول اولنار ایدو سردار  
 نامدار شغول حصار اکلن بوجای نجه اوزرینه سونق جال و ب و قتال و اوزرینه  
 زیاده نجه کافین گرفتار حصار خونی و نکال ایدوب اردل قلع ایدوب اکلن نجه دست  
 نعلنه ووشن و راد و توفای و قاشنه نام قلعه کراستخا و و روس مقطوعه و نقاش  
 قلع مفتوحه بی سرداره ارسال ایدو ثبات ادعای محمودیت و اخلاص ایدو خدا  
 بسنده سی مقابل سنده بوجای نظره صنوف عواطف اولدوغین ماعدا استعدا کا  
 اوزره اکر بیکر یکبسی بعض ایدو بر مقدار عسکر ایدو و نجه قالی بسط ایدو استبل  
 اندوکی اولور و بعض حصار لوفی استر دوا اولوب بدامانت بوجایه سلیم  
 اولکده سردار نظره شعار بعد الفتح استرغولی نجه اشتغال اوزره اولدوغی ایدو بر مهران  
 روم ایلی حسن بایک بولانده و سیرم استخا ایدو مورا اولنار ایدو انام مهمام حکام  
 صکره و زبر اعظم شاد و خرم سمت رجوعه مایل اولوب بوین حواله سنده و اصل  
 حسن بایک ایدو فزنگ و نظره ایدو عسکر فزنگی اوزره و و ایدو فزنگی لافره شهر با عالی  
 حتر فزنگ صید و شکار ایدو خیالیه سرانیه غم مایون یورو ب ندر سبکبار اوزره  
 جاننه گرم گرفتار ایدوب اول تختگاه قید در انجن بر هفته مقیم اولوب ابام اقامت لنده  
 انقبای سیاه ندر اینه بی حسن بایک نام سفارک بایک سیاست ایدو قتل و اهلک اولدی  
 مهرده متقاعد اکلن در و ولته دعوت اولنار حاج مصطفی بایک دار السعاده افغانی رتبه  
 والا سنده اعتل ایدوب مام مهران فزنگ سلطان بودج شبن راه فنا اولوب  
 سلطان محمد زید سنده سونر نهانخانه خاک ایدوب روم ایلی بیکر یکبسی غازی مراد  
 بایک نقین خواص ایدو غم در کاه خشت و جاه ایدوب منصبی والی بوسنه بایک حسن  
 بایک ساید ندر کوردی سنده جلاله زاده بعد طایفه اهل کشور نجه و اصل اولدوغی ساید مکره عت  
 کزین کنج اختفا اولوب نالشت کیمیا و عفا اولغین بریدن سپه و صحر ایدو بیابان  
 نورد اولدوغی صکره بلا طاعل و انه و اصل اولوب صنوف عسکره نقین شمس و فزنگ  
 رسم قدیم کند و سی سرحد و ندر ک سباب شمس ایدو تفرق سیاه باعث جمعیت  
 خاطر شاه مکره اولوب بر و اوان محاصره و بر ایدو زباده ایدو ایدو دست باجم ایدو فزنگ

سوادنه



ریش از اولان عسکر انداخته بر شمشیر و کل ایدی نایار سردار باله است جمع سپاه  
 و رفع غایت شاه اتیک بهانه سبله وان دریاچه سندن غاد لجواف و اخط جانیه  
 کجوب ارض روم و اردی و مشاده اولان سپاه و احار به سبل ارض روم و جمع و ملکی  
 ایکن پیام استنفا صالوب قدم سکر بهار انتظار اوزن و از آنکه سردار کانه  
 فرارند عباس جلد کار خبر دار اولوب وانه نظریه بولیدن دخی نامید و لغین هر قه بخت  
 ناسجید اید رایت نوجوی سمت اردیله بخولان کده اوزن بهار و سردار کجول و مرتب عسکر  
 نامدار اید رکاب همه وضع قدم ایدوب و بار عجم طرفه انوجید زمام ایدی استیوننده  
 جدید مشهور سرح الاخری و اخذ فوطه نام نزلده و جویان طرفین بنیزده اولان جوب و قتل  
 باعث روگردان اید ابرار قرض و ضلال اولوب فتح و لغت نصیب اهل سنت اولدی  
 روز دیگر شاه کاه عسکیرین و احاد بعد و احاد و ای ایدوب کرم ساز به کاه کبر و آرد  
 اولق از رومن طهار ایدی هنوز صف مصاف ترتیب و لندین ای شار و برز میر  
 ارض روم کوه سفرا و قرقه قاش و بعضی اید ایلان کاشته برین دن حار به استی  
 فشار اید ایلان کجول کلن اید و اردی خالابنه نوبک سندن و شمشیر صاعقه تا شرب اید اول کوه  
 مکروهر راه غیبتی بند ایدوب هر پنج ساعت مطار حه فرغ کار و زاردن صکره صف  
 سپاه سران شکست و ایدوب شکستین است ایکن اول و دین زار  
 ما چند مهر و مورقا اولق و الفقا رخنه الاینه بر جوب بعد ساعت ایلان کروی دخی شاه  
 الاینه النج و کربان جانیه خلاصی اندیز بهار اندرویی بدو کاری غونیه باری ایلانده دخی  
 لایق ناموس شهر باری جیش و حرکت ایدوب وقت غروب فابده منصور و نظفر  
 مائل سمت باب اید کجوب و قتاله شغال اوزن اولان عسکر نظفر بهر و غده  
 ریش از اولان کجوب نشا طین سپاه اید و کاه هر پنج یک کزیده عسکر کوندرو  
 سردار باند موجود اولان کجوبی و سلجور اید بر مقدار جنگ و بکار و صکره عسکر کجوب  
 الاثر شاه و غایت اجعت و لشکر ایدی بولده یا شایه راست کلوب عسکیرین بولون  
 و کندی و غنی خون کور کلن برافزوده هر و دهر و انیکه سی منصور کوسه دیکر کلن میدان  
 و غاده طریقه و جولان نشا سندن اید و اید اولان اسب باور فغانش عطا کجوب انیکلین  
 یا سبیلانند اولوب سردار طرفه ناکا اید و کلن راضیه فابین زاده

مصطفی ایش دخی گرفتار قید سال و التي بکلر کی و اولن سکر میر لوار بر بوه و ده جوب کاب  
 شمشیر خونبار و اولکد بکلم نقد بر بکونه ارض و روی ظهرویی ارباب اشوب و قتال  
 تشتت بال و ضعف حال اولوب من غایر اسه نقد ریح سودنی تحصیل طلبکار و بشت  
 النعش آسار و اید اولد بکونه آب روی عسکر ریش و حاکم حیره میر شرف  
 و سار امر اگر اوزر کوزان اولوب سار رک دخی اساس صبر و واکرنا استوار  
 اولش ایدی عبار سید بوش شام شال کشمیری سپاه ایدی بزدوش اندکی و دم نایار  
 و سپاه استیلا جیش عب و هراس و هجوم و اینه شنجونه شاه عباس اید  
 جاره جوی خلاص اولوب سبکبار طرف وانه جانیه نیرت کراه دخی اول کونیه و اید  
 سپاه نیشاده اندکی رستمانه حمله اید زهره ناک اولوب نامید و صلح  
 نظفر کلان واره ارغای عتا انجش ایدی روز دیگر معسکر سردار و کزیده نیشیم جوب جوبی  
 عسکر ارباب ضلاله اید یک باور انیموب کندوب صید کجوب ترتیب و لغت  
 دام و دانه و زیب اولق اعتقاد اید هر جانبی جست و جوبه سوبو جاسوس کوندرو  
 بعد تحقیق انجده و نتیج کونیه اورد و کاهه سانه خوست صالوب پس مانده اولان طرف  
 و تلبه اموال اید کس اما کالال اولد سردار وانه واصل و لیجی حب الامر لاکا فابود  
 زاده حسین باست و رت یک قدر و تب مکمل عسکرانده ضرب جنام ارام انجش  
 بولمنین جوشش سبل خون عسکرانند از اینه گردون اولد و غنی روز غم اند زوده  
 رشتنه صف سپاه اسلامه منتظم اولد و غنیز غضناک اولوب ضرب شمشیر  
 اید ایداده خاک هلاک و کده قدامت کاشته قلم بجز اولد و غنی اوزن نضوج باست خلعت  
 اغاز طرار عسکری اید ایلان و توفیر اولوب اناطوبلده انازه غار شرو شور ایدن ارباب  
 ضلاله سبیلان اموال و لشکر ایدی جمع سپاه و لشکر استیله غم ایدوب لو ایدوبین صحنه  
 طویل کجوب عسکر بد قبال صفین واقع اولیجی صدمه حمله جلا اید ایلان نضوج باست روگردان اولو  
 اناطوبلده در دولت نواله و مال و اناطوبلده قش فساد اناطوبلده جانبیه بالذات نهفت  
 بهمانونه محاربه و بومعوض عینه مجد و اقبال ایکن کلام به انتظاک واصل سمع قبول اولو  
 روز فاسد صکره قادر غده اید بر دسیر کدار و اوزن کونیه اول باری بر تو انقاب  
 ایدار اید غنی انوار اید بر برب بر و سیه سابه انداز جاه و جلال اولد قلدی



اولی که کونده میبشید و قند سندن بر وجه پانزده اید اطرافه بر شست اوله متعین طایفه  
سباه که تقریباً دورت یک قدر در جنگ او را بدین نصوص بایست واسطه کرد  
کرده و هم درگاه ایدوب دست او را بر سینه انداخته منظورین عاظم شهر  
او که اول غایت خواهد کرد بر کلهای نصیب و کورشته علوه که با تمام سید و کتوفنی  
او و دیات اید و نصف اخ نصوص بایست اید ظهوری مشتمل اوله محذور و کله فتنه مأمور  
اوله بر صوفی سنا یا شایست کزین صومعه از اولوب جعفر بایست قائم مقام اوله  
فی شعبه صدر صدارت رود و در مفصل بنابر زاده مصطفی افندی سیر کله بنابر  
او که در جغاله زاده مغلوب و منکوب و اندر بعد آمده کلوب استلای اندوه  
و غم اید اختیار سفر کشور عدم اید که در پانزده ویش غا جغاله زاده محذور و کله فتنه  
منصب رفیع است اید تحصیل رتبه کامران اید که در مصداق بار اناطولی برآمده هر چه مرج  
اولوب نقش و کلهش از و اما کلام و نشانه اوله و غده در ماعدا شاه شعبه نک حکما  
شعبه سی اختیار تعاقب انجمن الا هم فالهم قاعده سی و زره و وزیر اعظم اناطولی جانیه  
کذا انتمک مختار طبع شهر بار عالی تبار اولوب سردار چیدای علی خواجه الاستیصال  
درگاه محله اقبال رو بال انتمک ایچون مثال به مثال اصدار سور که در دنی القعه و انکرو  
هر سک ما بنایش بعونه تعاد دولت روز افزونده مشاهد و محسوس اوله فتنه ماعدا  
مقدار بر فرمانبرداره ایکن خاک درگاه چین فوسای انقباد اوله بوجای طرفه کله  
اصابت اید در ضعف و انکساری و مایه و از دیاد بولون اوزر اید و کی معک و المین جامع  
سالفه سندن اغافه و استیصال سندن اعراض یورلق رجاسته آزر و مندر صلی  
راحت بخش اولوب بعضی رتبه مقدمات گفت و شنید نمیداد و نمیشد ایکن سردار  
ظفر شعار عبده دولت مداح دعوت او کتو حاشیه بط دولت مشافذه لب  
تجیل اند که کند و به اناطولی طرفه غربت انقباض انکسار شت اوله مایه صلی است حکام  
و بر کله اوزره خدمتی و وزیر رابع مراد بایست به بنجل ایدوب صواحی سکران ضرب  
خام غدا حشام اید که در دنی کچ سردارک هنوز طرفت سکران که از بنجین خیمه رن  
ساحه وجود رفیع الارک با اید اولوب خاتم وزارتله فیودان در ویش بایست رفیع شت  
و قند سندن موزول فیک جعفر بایست فیودان اید که در محم شت سنا اید اوله شت

اقباله باعث بیان جانب راحت و فراخ مال اولوب بوسه تابخی با شبقه حقه ولی  
فما دیات نام طور عله در سیکانه بر دیوانه به توکل و کله و کله اوله بهار خسته ناره  
تا جیل اید که در صومعه بر عله تجر و کله و غی اوزر جغاله زاده مقدما منته و اندوه  
اوله قده غوغای و غاده بولندی و دیوانه ایدوب جانولا زاده جین بایست اید  
اقدام بنمش ایدی جلیده مستحله اوله برادر زاده علی سیک بوجان ظهور در نکشته  
راه شعور اولوب کند و به دخی قصدا و لند و غی صورتده نقص ایچون جلیدی تشبیه و احکام  
ایهام اید بوجن و اصل مع و او را در کراولین بایست جلب بعضی کله تا نظر انقباض  
طریق برادری اوله کله کچیک کچیک غایت اولوب یا شای فریور اید و فتنه جابلو  
زاده اید اندر حیدر نام شقی مباشرتله تشبیه و کله مایه لصلحه مشهور بایست جلب  
علی سیکه رسال او کتو طریق الاغفال استیصار فی کون ایهال او کله کله اوله در دنی سیکه  
طور مبوب جلیدی بعد از کله در فتنه صصار و نخله در زاده مال اید و طلبه اید  
ولایه زبون و زار ایدی مفتی الامام صنع الله افندی مایه مشیت عالی اید و غم کله  
فراغ و از اولوب مصطفی افندی مایه صدارت استیصار به غاده اولدی  
فی ریح الاول زارده متعادل کله مجرود بایست منصب جیات به بنانه مفصل اوله  
به شیخ الاسلام مصطفی افندی بام بیض جیات سلخ مایه مبتدا او کتو سلف اید و شرفی  
صنع الله افندی رابع صدر جیل انابه اعلا ایدی فی رجب سردار نامه اوله فرما و دیوانه  
و غده جنونه باعث انتخاب اوضاع کونا کون اولوب جمله سکر اوله مجنونک و ادب سندن  
از روه خاطر اولدی و غی جتند شمشیر حجت مردانه لری سیف خطیب ساعل زاده اولوب  
هر قطری برید و اذغانه خراب شیان بوم و غراب ایچون بعد الغزل از مدته حقیقه منصب  
منصب جمانه دخی موزول و علت سبب اید و وزیر اعظم در ویش بایست مغلوب اولوب  
شیخ الاسلام حسن ایهام اید موزارت بلخا و ده و وزیر و شش صمبر مراد بایست رسال  
و منصب قائم مقام اید نفاش حسن بایست ابطال او کله در شعبه ولایت اناطولی اید علی  
لوی شعا اید و اشتیاد از طویل ذیل کین کسکه سچین اولوب برادر به کوی سر خله اید  
شور و شر او کله فتنه اونی میر میران اناطولی و بشک جین بایست میر لوار صار و غان  
جامع بایست بشف فتنه برده سبلا اید و مایه و اسباب تجلیل اغنام ایدوب

نوشته  
افندی



مختص به سبب استیلا و ولایتی در مضامین او این است که بگوید که فساد و اهل  
سمع است که او بجز لصلحه شقی نبوده بطریق استیلاست سقراطی او که انقوه سنجانی  
مشوری است و انوب این فتنه در صورتی که ظاهر برده قیام کرده و جلیل القدری  
تقبیل و التام است که این معنای او زره غارتکنان صارد و فتنه انقوه جابنه عطف  
عنان ایدوب است و اولاست و ضاعده فتنه است و استشاره بکنین روی میدن فتنه  
ستادیه که سینه بکنند دست رو حواله اولد و فتنه انش غرضی بانه کش اولوب  
فتنه می صره و سکا ایدوب است و جوه ای که بعد ایام باس تمام ایدوبه صصار و کوتا به  
جانبین غنائی است و اجعت اولوب برو سبب استیلا سودا سنده اولد  
منکسل و لکن و زبر مصطفی است برو سبب سبب نامور اولوب محمد و نور  
منفع اولد فتنه صکره حسب الامر عازم درگاه جلالت و جاه او که **نظامت** قلاع و  
برج نام شهر باده جاس تخت حکومت او لا با تاس که مفدا گذارش بیدر اولد و  
اوز بر مقتضای زراعت رای حسن تدبیر سردار ایدوب عقد صلح طلبکار اولش است  
غالب حکومت اولوب با رفیقیم سرای شهر عظمه مقیم اولد برادر ابرگی نام  
ضال بود معالده و سینه انش غیبت اولوب رفیق میدی سودمند و لیکن ریم بای  
شکایت نامه ارسال اولد یک بی و یک تقبیل ایدوب شمشیر و ب و قنار استی  
ایدوب سلطان الکلی است و اخیر فرجی روی او ملق اوزر ایکن اول مغور و شعور  
عازم نیست لغز سقا اولوب میناس طرفه ز رسم دیر بیری اوزر سرای و التی تقبیل بر جانه  
ریم بای اجعت اولد فتنه اظهار کبر و کین و اکا امانت برادر کبرتی تعلیمه تقبیل  
ایدوب زعم فاسد بجه رعایت مانوس دین ضلالت این است که لکن زبور تعلیمه  
کند و نامه رفیق اولد مشور فرخنی برادر همتیه تسلیم رعایت ادب مقامنده  
قیام ایدوب سبب انک فرما اوزر بچ شهر نه شرایط حکومتی مراعی و تشیید اساس  
صلح اولد مسامی **اولد طبعان** جلالت نادبی و دواعی عیسانری هر جابنه نادبی  
ایدوب فتنه با فتنه انا طولی نیمه مدت دن بری اهلک و شش و الت  
فرع و اصل اسکر و زبر اعظم درگاه حشمت و سکا به عود ایدوب نامور اولوب بالضره  
بر وجه استیصال امور سرحد معمر کمال نظام و اتفاق ارا اوزر بکر سینه بدک مبانی

صلح است حکام و برودن صکره فلان ستم روزگار و غدر و زاری جفاکار ایدوب طوبه ایدوب  
و کاه بوسنه محاطه سی نامید باب مراد و ن طرد و العاد اولد خادوم کورجی محرابی  
تکبیل بعضی قصور بگویند و ده مقامه اقامت ایدوب داخل صلب عقد صلح اولان  
ایکی یوزیک خوش و بجه تحف ایدوب اصل اولد ایچوب استصحاب و باب دولتش  
شهاب ایدوب فی ذی الحجه خاک در اقبال روی مال ایدوب یک خدمتی مشکور و نظره  
عواطف محصور اولوب نامکو ولایتی خارا زار جلایان بدر و ارون نظره بجه  
دخی اولد زبر خسته بدیره تقویض اولدی فی محرم **حسب** الامر همام سقوط افری انامدن  
صکره ختام در کار نک سرداری اسکداری نمودار لاله زار ایدوب سند قیام مقامده  
برودن محاطه سنده کلن مصطفی است و ایدوبی فی ربیع الاول زبر سنده تدبیر فتنه  
دست شمشیر شکمل کلن اولد شمشیر ای جنی سلفه و نظایده اجتماع اوزر اولد بکانه  
و سوخته الشقی استی مناسب الحال بلوکلر است بلکه سیر نیخ خوینار که قنار و مقادبی اوزر  
بیشگاه او طافده حفر اولد قبوله کاشه لر بی سرشار ایدوب جای بید اولد  
یلغنه لر زانه و اوده شخص ایدوب سراج الدم محاذ یک خونلر بی که ایدوبک حلیه شهاب  
طی راجل اولوب رکلی نام منزله و اصل اولد فتنه اوده که مساز حکام فساد اولد خسته  
نهادی بلو و جوکان شمشیر خفته است و ایک ایچون بر مقدار عسکر ارسال ایدوب دم  
اشتغال تش و ب و قتال ده همیشه زخم و لشن بله نایدید و اوده موجود اولد  
اجناس و نقودی مطبوعه خادم خانه سلطان سجد او که فی ربیع الاخر **سک** نظره بجه  
زیب اولد فتنه جانولاد زاده علی بر مقتضای شقای انلی سرداری راه غمته صید ایچون  
بیاده و سوار و ق یک قدر سکر محوس الاثر ایدوبه معبره قاصی ستاد و کی استماع اولمغین  
عنان بکران توجه معبره فراسل بلو طرفه توجیه اولوب مصحوب سلا اولد که ده شکور  
گذارد که کو چنگل نام صحراده ضرب خیمه زار او که فتنه جانولاد اولی او انزلده عرش بکر  
ذوالفقار است ذوالقدریه عسکری ایدوبه سکر فیروزی اثره طبعی اولوب رسم قدیم اوزر  
فایده بخش مشور اولدی بقایای لشکر و رنده زور دن عبور ایدوبه او کون اول مقامده راجه  
اولد فتنه صکره سمت مراد عطف غنائی غیبت اولوب نه قنق کل رنده زار  
او که بدیره زبر نیجه زار اولد و غنده جانولاد زاده خیمه و لیکن کمال جبر است بلو کت ایدوب



اوروی حامون یو به نصف مرحله قریب اروج اوه سی نام مقامه سیه انداخته  
 اولدی اول کون جو خنده اولکله سیه باز لر مغدار سحر که افزون کبر و دار اولوب  
 و سیکاره متعینان خوب خاسریندن جنونک باشی نام بندر اود و بر قاج نور شقی دوز اود  
 خاک اهلک غلطی و سبازی میدان مردان زبرد گردان اود که صبحدم جاسیدن ارباب  
 رماح و سیوف ابله ترتیب سطور صفوف اولیچن همیزان عدد و سکار مضار کار اود  
 شیرانه خوام و خون شفق کون اشقیما اجنبه احشام ابله اول طرفی شام کبی  
 لعنهام ایدوب اجای رسم سبازی و جانشکاری اند بر روم ایلکی یکدیگر کبی ترکی  
 حسن باش و یکدیگر ای غافل انا اول کون حقا که خارج طوق بشر هنر کو ستر و ب صف  
 لشکر عدوی بد کمره رخنه رو بر دیر لکن دشمن طرفه کثرت جهنم اول کون فوت  
 طهره و کب باعث ثبات قدم جلاد است اولوب بالکله سینه صالینه مجال اولدی  
 ناکه سردار طفره مند سمند و بسند زدن نزل و صفحه خاکه وضع جبهه نذر ایدوب  
 فتح فیروزی اولق بر بکسند دست و عای طرقت کبر بایه بر داشته ایلدی و سر شک  
 چشم شکبار و کمال سکنت انگار ایدوب سوار اولوب سینه شتاب  
 و صف سیه عدوی که اده شتاب ایدوب سردار نصرت شعارک بوجیش  
 و حرکتی ایلک حاد سکر از د هفت سر اولوب خارج طوق بشر نذر نقدینه انهم  
 و شمشیر صاعقه بار لیم صید مرغ جان عدو بد دام ایدوب برونه نعلی ایکی ساعت بخوبیده  
 سوار و یاده بکر سیکر زباده ارباب کبر و کین نقش صفه زمین و سار بری کین فراده  
 لکن اولک این جانولا نطع جلاد فلکدن نشانه اولکله میدان نگاه ایدوب یک خواه و چاه  
 ترک ساز و سلب و کمال استیصال ایلد و غم جانب جلب ایدوب انده و  
 ایچن بر کچه قرار و روز دیگر فاند خولکله ایدوب سمت فضای رضی الله تعالی ایدوب خاوار  
 سردار خدمت عکر کدانی نفعت باری و اسند ز صکره راه کرای جانب جلب ایدوب  
 بدی کون کونک میدان مرکز اعلام سیه اسلام اولکدن اول شهر جب فرمان سردار  
 ایلد فاعه فیواری بند اولنو گوشه بکوش اختفا ایدوب اشتبا دز یکدن زباده کشتی ایچن  
 سباق ارباب شقا اولدی جانولا دزاده طرفه ایچ فاعه نقطه سنده اولکله خنای جمع  
 کمر ملوک باشند و دورت بشور سبک اوج کون مضیق حصاره کفر اولق ایلد

الان صلا سی بلند و تشبث اقبال افضال سردار جند اند بر روم ایلکی یکدیگر کبی ترکی  
 حسن باش خلعت وزارت ایلد استانه دولت طرفدن غنائاب و اناطولی  
 یکدیگر کبی ارباب حسین منصب محلول ایلد کباب اولوب ایاکلب و شکک  
 حسین باش ایلد کور لیدی یکچو بدن ماعد اصنوف عسکر ایلد اول بهار خسته انارده خدمت  
 سردار و بولمنق اوزره تعیین اولکله مشا رینه غیبت ایدوب سر عکر و خطایمیران  
 خلیل اغا داخل شمس سنان حلب لیدی شعیب مقدر ایدوب عسکر کما دار قونیه و ده بسطاط  
 قرار و دی ایلد قلندر و غلی و فزه سجد نام شفیق ک ناره سامان سوز نقد برن شکین  
 یکچو بر وجه ارباب حیدر سنجانه متصرف اولکله محلی محلی ایلد تعیین ایدوب علی جانک انجیل  
 هر فقه دن شخب و کزیده و مرتب سیه کینه خواه ایلد بر سبال ایلد فریغ اوه سنده  
 بین الفریقین اشتغال ایدوب تشرب و قتاله محمودیات سوخته مار مغرم و انکار  
 اولوب صدقه فهد هر یک صف جلادتی شکست و لوی ایلد کبی است اولک  
 بنابرین بد آیین فزه سجد و اشالی ملا عین ایلد سرجشان کبر و لکن اولق بر و سه جانیه طوق  
 علی حین غفلتین ایلد اسفل و اعلا ی و ایدوب داخل اسواق شهر و اول محوره نکت انکوش  
 مساجد و جوامع و معابد و صوامع ایلد اوج کوز اوج کچه دن زباده سوخته انش فخر اولک  
 فی رمضان خارج حصار و بولن نذر و رجال و طریقت و بلند از راق و اموال خوب خاسرین  
 دست سبیل سنده و شوب بول و اقع فاجعه نکر عید چکنیز خونریز و تمور مقهور اولک فاکلم  
 الواحد القهار بعد خواب البصره نقاش حسن باش سبکان باشی و متقا عیدین و کبار قولدی و چکه  
 ایلد طرف برون و خام بوسفت بانب برون ناز و خدمت دفع اعدا ایدوب  
 و آو دیات از یکمید و حضرت اسکندر محاطه سنده تعیین اولکله جانولا دزاده سردار دن  
 مشنه فرار ایلد کده برای قدر جلب طواف ایدوب بر طریق ایلد و در اول انانه  
 در مان بولمچن ناچار خاک در دولت مایه شتابه فرار و بر و ب هر چه با و با و کون  
 اسنم کمارم نشانه طوق لیدی برو سه بر قریب و لدوغی خبری این قلندر ایلد شمشیر  
 می صره بی اشتغال اندکی خلاصه مسموعی اولوب جبر و کراه ایلد حصار و اول مار و در اوج  
 اخذ انتقام وعدی ایلد ظاهر کند و بنایع و فرمانبردار انش کن بر شتب تار و سبک کت  
 غم زاده سی مصطفی یک ایلد یکک طرفه قرار و انده خاطر اولکله در غم ایلد غم درد و دولت







ایدوب اسلامیه اول کشور واسی تنک امکر اخذ مسلمین ناجار ذله بشیر کیندن استیمن  
ایدوب اطهار شعار اسلامیه بر مانع اولمنق نر طبله سال سال اول مال فراخ التزام و کمال  
مقاومیه سکون و آرام **ایمنش** ایدی بعد عوام کفار خاک را اول بارده کلیتیه رشتنه  
استقرار صالین اهل اسلام لشکرا و اخذت بر شش خدا ایدوب اقامت  
و عامه دین بین یکن بر زبنده معابد و مساجد پیدا اندیکه بر رک مجاول مشرکین  
سلمیندن و یکن اولوب یکن اهل و عالیه ملک اسلامیه به انتقال اسلم کلیندن  
اسلم ثقافت رواه یقینی اوزر الی کره یوز یک نفر موجود اول کشور دین رخت  
اقامت قالدروب ملک عثمانیه به ار خال و امر خاطر و صفای بال ایدوب انواع است  
مال حلاله اشتغال اندیکه سرور و فیروزی شعار و خوشبنده کوک میدان قیام نر ایدوب  
ایله ترین ایدوب مشاده اولان لشکر و امر ایه علی فراخ الاستیصال معک طغوز ایدوب  
ایکون احکام شریفه رسال ایدی می محمد **شاه اسلام** بنی خواجه محمد اقدی الی  
فریب سکنه غل لکالی به مبتلا اولمش یکن زلال غایت سلطان مجرای قدیمه جاری  
اولوب صنع اقدی موز اول مقام عالی به تابناج اقدی موصول اولدق مضمون  
**مشاده** اولان روم ایدوب سکرین و قول مواجین سردار ایدوب ایدوب و فتر و ایدوب زاده  
احمد یاسار روم ایدوب ایدوب خیمه رتبه وزارت اولوب جانب جلوه سوت طبله  
غزیت ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب  
ایرباب قصه و نریدون اولمین قلندر ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب  
منوف و انقه طرفه منعطف ایدوب کمال بطی و زیاده ثانی و افعال اوزره خط  
نحال ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب  
بوخبره اصل سمع سر عکر اولین ابن قلندر و بنا و ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب  
ناموس سلطنته باعث ترتیب صنعت و انکسار و جلا طرفه سبب فوت و بطلان  
اولدوب و غوطه خور بجا افکار اولدی باین همه که مشاده اولان عکر نوز رشتنه  
اجتماعه ناب و بر مشاییدی لکن محمد و رنور خدشته اضطراب و بر یکین جلوه  
موجود اولان جمع اندک شمار ایدوب توکل علی الله را به شتاب ایدوب جوای سخت  
مقصود اولدق ریح الاول قلندر ایدوب غلی قره سعید و انار استقامت ایدوب شقیما و نوز یکدن

زیاده هرزه کردان راه شفا احمد یاسار ایدوب اولان خزینه شکار بک سودای و سوسه  
فرسای ایدوب سبجه شمار بیل و نهار یکن سردار ک دفعی کند و لای قناده و ام شمشیر خون شام  
ایتمک ایدوب سبجه جلده ضرب کوس بر جل اندوکن استماع و کند و لای نسبت ایدوب  
سیاه اسلامیه قلند و ایدوب و کند تحصیل اطلاع **ایتمک** معیار نظر اعتبار زنده سردار  
جانبه سهولت کور بلوب کمال عجیب و غور ایدوب زلفت و سردار اوسته  
نوبک رکاب غزیت **ایتمک** کوس بیلانی نام مقاده قناتی فریقین واقع و برقی  
شمشیر صاعقه تاثیر میدان دار و کیده لامع **اولین** بخار رسم سنوار بر صرصر خرام روز  
روز روشنی نبره و شوشه افتاب ناب **ایتمک** اعلام اسلام دیده ایدوب خیره  
ایدوب لخته البصر و کیده یکدن زیاده ایدوب کیده کیده کیده کیده کیده کیده کیده کیده  
دشت و صحرا سیر **اولدق** فریق الاخر و سبای ارباب شفا ابن قلندر و قره سعید و  
نیز سر نبردن سر داده و آدی گیر اولان ایدوب یک قدر کراز ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب  
حلب و طبر لوس و سبوس یکدیگر یکدیگر او کیده کیده کیده کیده کیده کیده کیده کیده  
وضع قدم ایدوب خسر الدنیا والاخره و انغ ناصیه کالکر و ابران و برانه لنده ذل و پوز  
اوزره جان و بر یک مال لای اولدق **ایتمک** ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب  
حکامه نرمانی نقین چهند نر نقین چشمن جابر باش استقلال اولان طویل احمد و علی  
محمد کانش قشاده ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب  
جنگ آیدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب  
نصیب و بر رنور نرین اولوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب  
النده احمد بلوک باشی مد هوش و غده هلاک و برادر کهری مصطفی اول مقام به نر ایدوب  
فرخاک **اولمش** ایدی بوخبره جلده و اصل سمع سر عکر اولوب باله اول  
جانبه حرکت بهماندارک و احضاره شروع اولمش یکن قلندر ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب  
اولمنق اقدی ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب  
محمد و یاسار ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب  
ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب  
و خدمت فتح و استقامت ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب



سباه مرتب بدار سال اول که محمود است موصوفه اصل او یحیی قنبر بن بعد از او  
اولاد بلوک بن شیده و قول غار بن نهان نواز بن مکرند و باند و غی سمان  
اول که شهر ده بولان سبک نام اعدام و صیحه سرخ خانه او کندن ای قلعه حاره  
سند شمس عده هفتم **آید بویام سرور انجام محمود** و باند و باند و باند و باند  
کما سرت بله حرکت ایدوب اوائل شهر ریح نمانده حوالی بغداد و اصل  
**و مخلصانه جانشیناره فوت قلب حاصل** او که هر چند که حضور اولاد  
مفهور قلعه قاپو سنه باز ایدوب عکس طفره پره طوب انده عرض هنر  
**بدر جلد کوه انداز سباه نصرت شعار و بران ساز** اسنان استوار  
صبر و تارک اولوب شیران اهو سوار او کندن تخلیص سر و جان اید بجه نچاری  
خاک چاک غلغلای اولور ایدی قلعه کوب طوب لایق قلعده او کو سوار و یاد  
یکم سکنه زیاده اشقیاد اخل حصار اولد و غنچه ماعدا اخذ اولاد جاسوسه اخبر  
اوزر شاه طوقه در فرق یک قدر لشکر سرخ سر ایداده ایرشک اوزره اید  
مفورا و لمین توسط مصلحت گذاران اید و بنور مصطفی به خطه سنجی احسن اولو  
او افرشته ده اول خطه دیندیر لوث وجود اشقیاد و خطه اید و وزیر عظم  
دخی رکاب حمته وضع قدم ایدوب فرایلی بالذات نقیب ایدوب  
سیواسه قریب جیق اوه سی نام مقام کرا اعلام اندکده خرویه فتح بغداد و صول  
ایله داشت او کو سجد شکر ادا سنده قیام اید که فی جاذبی لاد طویل رفیل  
بر اداری قنبر را و غلی ایدادی قصیده قیر شهری حوالی بند الن یک قدر  
شغی بد کوا ایدوب اول ناکارک منزه ماواری خبری سموی او یحیی  
اکا الخاق رجاسنه جو بای راه خلاص او که دو اصل جمع وزیر و لمین ملا خیر  
بار و بکامی و خیمه و خوکامی و قدر در باقی بایستاید بسیارش ایدوب خلعت  
سمندک او کلین الملق ایچون سبکبار سمنده هواره سوار و بوش کون  
بش کچرا رام و قوا **او که فرقه حصار شرفی قریبده** دشوار گذار سیدی بوغارا  
نام در بند و فرایله مشرفی بولاد و اید سدره کربز ایدوب بهن  
عالم وجودی سرهوار سمنده ننگ و تار و بش یکدیز زیاده جاذبیک کلک لرن

بر بوده چو کاه شنبه خنجر **ایکده سر قطار** شرا یک قدر سوار اید و باند و باند و باند و باند  
اشا طلقه منظره منصور شقی جزو تعقیدن مائل سمت رجوع اولاد سنان سباه اید  
و چار و لمین هزار زوار اید و باند و باند و باند و باند و باند و باند و باند و باند  
انقره چهارمده خط قرار ایدوب غوغای و غار طرف و لایحه کشف و ارباش کوستر  
مشی ایدی اوراق جمیع جمع برین اطوار تار و مار و یحیی و چو دنده عنق جلادت  
قابض اولوب سمنده سرج السیر غنچه شد بر شک اهتمام **و بایر دعو اسنده** بد  
موبد سر واری تقبیل و التام **ایکده فی جاذبی لاد** نیم رزمه عدم حضور جتندن صدور اید  
تقصیر دن استغفالی تصنیف سطر اندکی معار بنر صورتا مقبول و بزرگوش بند بر اولو  
نهایت خلعت و قدر واری باقی بایستاید بالاس و لمین اید و غوغا خیره او که سر و اسعد  
اختر بوسفر جلیل الاثر و ده نوز یکدیز سمرست یکده عصا الوده رطل کران شنبه  
انش شمش ایدوب اناطولی کشور سر سمر لوث وجود شقاوت الود لرن  
نظیر اندکده صکره فرو اقبال اید و غم درگاه جاه و جلال ایدوب اشقیاد ان و رنور  
عده الای سیر فکر لوی بخت اید که مینکوس سنا بولده اخل و منظره صنوف نوازش و اشقا  
سلطان در بادل **او که در منظره صحای** بایر دون هنوز یکدیز بایست زلفت  
اولمیدین ایچون زیاده درگاه حشمت و جاه دعوت اولوب لدی الوصول کرا مقام  
و قدر واری به قیام انمش ایدی وزیر عظم صدر دیوان بلند ایوانه شریف ساز او یحیی ایچ  
مرتبه عوض فلیخص اید اول حدیثی سینه باقی بایستاید بهنجش اید که شوال طمشوار یکدیز کیسی  
جانبولاد زیاده اول بارده اظهار اندکی جلال بانه اطوار نامواری بییم جان اید و باند و باند و باند و باند  
اقتضا ایدوب صواب دید و بزر عظم اوزره روزه سمنده سمنده عدم اولد بجه  
فی القعه غم نده **سی مصطفی** یک خدمت حرم خاصه شرف اختصاص بولوب آداب  
معالیه ملوک عارف **چیتیدر دوزگار** سمت معارف **خندوم** به نظیر و لمین تاثیر نظر  
النفات سلاطین اید و باند و الای و زار تدن ماعدا شمله عظمای مصاهرت دخی و اصل  
اولوب یک فرق النی حد و دنده به جرم و کناه غوغا و تامل او که غنی اید و زیاده  
خطاط یکچیر یان خلیل انجا جانبولاد زیاده و قنبر را و غلی و قنبر لرنده اید و کی خدا شایسته  
مقابله سنده منظور نظر هابون **و نوارش و غنایت** به غایت معقول **او کو حافظ** سباه







وزارت احسان و بیرونی تحصیل رتبه کارانی اید می نویسی **کنور** رتبه داره و قال  
جانبند و بوسه طابور کله که خبری اوزری بیکر بیکس اولان مجاز و غنی علی پاشا  
مسموعی اولی حق حمله کرانه سی جمعیت کفار بهشت پرتی اولوب اوزر بیکر  
زیاده کششند و بدین علف شمشیر قرار دین اولدی مالک محمد سده بعونه  
سرکش کردن دم اور رتبه نفس قلمه و غنی مغر و لغین و آتش صنع الهی بسط مال  
سیاهی بسط سبزه از رنگ جن ابو فرین اند که دم محمد و ارکان دولت صدر  
اعظم و یارچم قصه یل صحابی اسکدری خیمه ای رنگارنگ ابو نمودار نقش منی اوزر  
ایدوب انجام مهم سفر خجسته انرا کچون برای قدر اول جای فرخ داده واردن  
هکره صوب راه فانه بچشم منصور و خدمت فایم مقامی ایلر سب کورچی محمد  
پاشا مورا اولدی فی ربيع الاول **سلامت** کرای فایان روگردان عالم فانه  
اولوب فاعلف محمد کرای نموده استعدا و لغین در دولت نوال سلطان  
ملنجیزدن جان بیک کرای سنده آری ابوان فانی اولدی **استاد** و خدیو بیکاه  
انام **استاد** ره های روضه مطهره عا سکنه افضل الصدرة والسلام و زوروری  
نظا قدوسا بر تختی هر جلوسه مصر کا فانه زنده بخد بر اولحق رسم مانوس اینج زاده  
ایتمام کچون بوعام خبر وزی انجا مده دارالملک استانبوله معمول اولوب **سلام**  
امنا کاروان ایلر سکنه رسال بورلدی فی ربيع الاخر **سردار** و عده و شکار طوطی  
ایرک حسن قلعه واصل اولده شاه شهابین سپاه طر فخر علی رجا ایچی کنو  
چون ایکی آیین مقدم ارض روم اوزر سبه ایکی عده فایان بیکر بیگ قدر رخ سرار سال  
اول اول کشتنر مشاهد صورت جو مزار بر سمت سلامت ابر شکر استیال اینکین  
شاه عباس القاسم تعلیق ریح اتمیوب جواب نامه حسن تا فخر و شوق  
و تحریف ایچون ایچسی و فی توفیق اولدی فی جای فی الاخره **شاه** مکره بنسرت  
بیکت بیگبان به منده سب ایلر بر سر اسنده ادب ده عقد رسته اضماع  
اندکی استماع اولینو رای او اسط ماه رجبده کرسی خلعت آذربایجان بر سره و  
فرس وصول سردار حسن و ایلر زمین عباس بر آیت کوسکدری اولیجی دست  
خاضیه و ادیه ده اوزر سبه فخر قلعه سنده مبتلای بند بلا ایزدی پاشای کنور کشتا

مقابل اولور

مقابل اولدن ریمده دل و حکو متکا می بازده سپاه کینه خواه اولور و غنه یک جان  
قابل اولوب نیجه شمشیر کلو کیدون تجلص کربانه جان رجاسه ساوی ایلر عیال  
علی پیش نهاد اتمام و سرخاب نام کوه بلند بر پیونده قرار و آرام اندکی تعیین  
و بوجه فر اوجوه اول که بر شکوهدن بر خطوه حکمت اتمیجی ایچین اولیغین قیل  
بهاره مکرر عود اولمن اوزر ششای آمده عطف عمان مراجعت اولکدن ششای  
قودان یاش نوروزدن صکره و آب قدیم آل غیا ایلر طو سنای حبابه ایلر غم و دیا  
ابدوب قبرس و کلرنده بشاره حربه کافو قلسونی ایلر ششای حربه و قتال اولش  
ایکین زیاده نورتنه ظهوری ضروری قصر دار زوی وصال انصفا الکره اعدای دین اولر  
ملاعین بیم جان ایلر فزکستانه قرار اینکین مصر کیدر غایب مصحوب سلامت کدرا ایلر  
ممن در بای خوشخواری ده بعونه تعالی مال بدنه بر فزده ضرر اصابت ایلر و کدنه ماعده که ایلر  
که دفعی امر کار آزار و ساطنبه بدی سکراره شیشه و فرقه سبه زنجیر ششای و ایکی  
بوزر زاده کافو اسیر اولوب موسم ششای حلونه قریب واصل استانبول اولر  
فی رمضان آمده اقامت ایا منده و زبیر اعظم داماد مکرطری اولر جفاله زاده محمود یاش  
روم ایلر ایلر نقل و تحویل اندی فی محرم ششای **شکر** سر ما غار زاده دشت صبا اولوب  
عسکران با بهار صحن کلراره نصب جنام اندکی حکامده مایه فخرگاه یاشای مؤبد  
من غناده و فی قضای فرخ قزای آمده رشک مهر ماه اولر **سبح** ریح الاول **سلام**  
نام ششاده رونق انزای کشتنر شود اولوب همان اولی غنجه وجودی سب  
رسیده تاب نموز فانی اولدی فی ریح الاخر صدر **سبح** روم و انصاف صدر ایلر  
انصاف ایلر قاف زاده فیض افندی راحت اباد عالم اخره رخت اقامت عکری  
فی حادی الاولی شاه عجم وضع قدم اندکی وادی عصیان سلوک کدنه اظهار اندم ایلر  
استحکام اساس سنوار مصالحه رجاسه سال سال ایکی بوزر بیکر جو برغام  
رسالی التزام اندکی سردار طر فخر در دولت نواله عوض و اعلام و کتو هنوز  
جواب رد و قبول وصول بولمش ایدی که وزیرار سطوت بهر صدر نشین بر سر سقا  
مصر رحمت رب قید اولدی فی او اخو نور انتفال وزیر معوض در دولت نواله ایچی  
اول خالده دیار بکردن مصره نقل و کتو عدم قبول اوزر هنوز صوب قاهره کانه







یاد بر سر و خواستارم شایسته است نامه ای که در شعبان کورجی محراب کمر و زور و زبانه  
نمزد خدمت محافظه ارض روم و نعم نهاده دیوانه صفا سندن محرم اول  
خواه نام خواه همان اول کون سکدار کنده بخش ایکنه نه بهانه خیر انفسیده امضای غایت  
رضت و بر لبوب سرانده از دایمک اوزن و نه سکا صا در اوله و واق شیکه  
بلده سینوی سوخته آتش آله ایروب قابلقین ارزاق و اموال و نسو و رجال ایله مال  
اندکی طوئه شایسته سرور اوله و نه سکا صا در اوله و واق شیکه  
نام غایب یک سکا اولوب بو غایزه بر او بجا اول ملائنه سدره کبر ایکنه سنی و اقام  
اندیکه غیب خاسرین ابراهیم پاشا بجومندن خبر دار اولوب بوعیکه کوزه دهنه و از ایکنه  
سودا سید طشره جقدیر ملا رخصیب نامار اولوب و ربا ده اولدی و غی ابراهیم پاشا  
شکار یکده بوعده سکا سینوی پانک مال و جانبری دست اشقیاده و خلاص اولوب  
انلاره بدل فراق اثر سنی گرفتار سار اوله ی صیدا و بیروت و اول طرفه اوله  
جبال منبج و اراضی منبج به نهجه مدنه برو سابه نخوست مایه سید صا کوب  
سال بسال در دولت نواله بر مقدار خزینه رسالیه اسوده حال کنج امر و خاطر  
و فراغ بال اولان معین او غلظت خیر فی الدین بر قاج سندن برو معاصر سن نفیر  
و متعده اولدوغی مال خاتم درگاه عالی به تسلیمه امر و زور و خود عهد سید ایچال و تافیر  
ایدوب قدما و اجبت ایدو که حکام نامه سر و فوئندن نیانی ایدر اولمش  
ایده می قیودان جدید اول بجا رده بکر سفیده هالوب سولوسکوف رگبیرین حبس  
و جوا بدست اول ساجد واصل و لجنی خارج و زور بوری دامن ملکه در و انجک  
ند بیری سیمبر بیری اولدوغی معین او غلظت خیر فی الدین بر قاج سندن برو معاصر سن نفیر  
متضمن مکتوب و ملته لم اولدوغی عالی بجا رده بکر سفیده هالوب سولوسکوف رگبیرین حبس  
و عناب و سوال و جواب تکرار نه مکره قیودان پاشا عفو و صفی طر فیه باطل  
اولوب مقبوضی اولان مال و هیا با ایدر و ز قاسمه سکا بنوله واصل اولدی  
فی رمضان هفت شبانه روز و سرور و ترتیب اولنوب سلطان دست  
نواز و دشمن سوز خیر تر نشیست که مکوه لری عایشه سلطان به زور عظم برانه فیض  
نور حضور ایددی فی سوال سلطان خلد الاقبال خیر تری ارکان دیوان بلند ایوان

ایله ادره جانبیه عطف عنان و قیودان پاشایه خافت قائم مقام بده صدر نشین ایوان  
ایروب بر فواقیاب رکابله ندر اول باری غرق انوار اندیشه فی القصد صدر  
غنی زاده نادری افندی رکاب سعادت استسبا به رفیع اندوکی نایبند جنت اباد اوله  
سلطان احمد بلده درنده و قدر دار ایکنه زاده احمد پاشا ایتمایله والی حلب و امک رفیع  
پاشایه نصبه سبب اولوب احمد پاشا اطلاق زمام آه و ادره به بده خیر  
ایدرک ایدرک غم راه ایکنه حاکم اردل نور غایور طمشواره فریب یوه و بانو نام  
حصار لری که نهجه سندن برو داخل حوزة ملک انجمن ایدری بادشاه انجمن سبب خیر  
ادره جافنه تحریک رکاب دولت استسبا بیور در فزندن زمره زان اولوب نیم  
نیم تیرناک ایله اول صدار درخ قصر ایکنه مصلحت او ابر صدار اولدی و جبره حاجت  
انری مانند با دسوی فیض سر و ایکنه محرم سبه بعد فضا الوطیر و اقبال ایله جانبیه سبب  
نوبیه نجیب اجلال و کلیسوی طرفه نوبیه ریات جاه و جلال بوری کوه حجت همای  
قائمه کبری فیخ روم ایلی اوله بولابده اسوده سبب پاشا شاه غازی مقرر حجت و صد  
زبارت روح رفو خندن اسندای همت بیور در فزندن مکره کلید البحر عنوانده خیر  
بافته اوله روم ایلی و ناما طولی حصار این سیه و هر مرزنده بدل صد قابله کتاب جود و قوا  
خیر بیور و بده بطی المراحل بادشاه و احامد سکا هکله خیر لری اسکا بنوله واصل اولوب  
جوهر شاهوار ذات کربلری یکیندن خبر تکرار نههره تاب و نور قیاب رکاب لری  
روشنایی بخش و بدنه شتاب اولدی رسع الاول صدارت روم و نه متغایر  
محمد افندی و بقیه جانی محمود ختم خاتم اولدی جاذی لآخوه فردوس معاد جدا جلد لری محرم  
سلطان و ادک بدی نفوذ خیر سکا خیر لری سکا بنوده بر در شرفه اولوب رای صوا  
نالی اوزره ارباب مناصبدر بر مناسب بنده رینه دستایه افتخار روز کار اندیکه  
فی رجب شاه نجم المیجینه اذن انصاف علاوه ساز الحاف اولوب متغایر خاتم  
دیوانه زنجی مصطفی خاوش اقبال نامه هابون ایکنه ایلی ایله همعنا رسال اولدی شعبان  
بلند سکا خیر لری بدرقه دولت روز افزون برله ادره جانبیه تکرار هفت هابون بیور  
کوج محراب استامزد خدمت سانی قائم مقام اولدی فی سوال منزل اول اوله فلورینه باغ سندن  
خیل پاشا کمر قیودان اولوب محراب ساید قانون اوزره خواص وزارت است



بوسه داده انجمن صدور از انصوح است همراه اولوب سابه حفظ کرده اند و در نه بر و مودل  
صکوه قام مقامه از عدا ارکان دیوان بموجب فرمان دارالنصر در نه جانیه عطف عناست  
اندر سلطه حسین نام شده ده حرامنده صحن برای عالم شهود اولوب از زمانه بنه  
نابود اولدی **۲** اوغلی امیر محمد الدین نکرار نقض عهد و بشاق **۳** و اعلائی لوی خلایف  
و شفاق **۴** ایدوب قدیم معناد اولدوغی استبکار و عدا و ادبسی پیش نهاد چندی  
اندوکی اخباری معروض در دولت نوال شده یاری اولغین صدر اعظم طرفه اولان  
بخش سید صفت سخا فی معنی و غلی تخت نصر فنده اولان کشور معروض و حق  
ایله سنانجی باشی حسن اغا عده ایمانه تحویل و محلوله ایله خاصکی حسن اغا تحویل اولون  
بوده اقامه ایچون می حفظ شام حافظ احمد یاسر در سیاه **۵** و حلب و طرابلس  
و اسکی کلر یکدی و اوج یک یکجی ایله زعفرانی اول و ایدیه اکا همراه اولدو و  
لجه معظمه به شرفها الله تعالی جاری اولان آب و نایب جراسی جای خراب اولغین  
سلطان جم جنب حضرتی بوسه متبینه ده نقدینه همت به استاصوف ایدوب  
اول علی بدلی دفتر حسنه درج انبک ایچون به حد مبلغ خراج اندر می نظمن ابراهیم  
شهر سنه عده نزارک مسکن ایدوب کنجی اول کشور و وضع بد استبل اسکر  
اقلم عظیم من ناوای شرور و فتن اولدوغی مفدا موقوف بایه سر دولت مصر اولغین  
مغولانوز بندر بخاوه قرار و زره اولان جعفریات ثانی مشهور حکومت من ایله اسفا  
**۶** و علو فیمین و بایله ایداد اولونوب یاشای فروری موفوری ایله  
احوان بر بن من ضبط و رسته کسته **۷** و لند و غنجره ادر نه ده و آور  
واوکر در کانه و اصل و مقبله ده جعفریات خلع فاخره و خسر و ای و نوازش نه سلطانه  
نایل اولدو از رینه بوسه و فی له فرائد فعالی طرفه زلمی بور کلدی سلسله یکدی  
ولی ابراهیم یاسک سموع اولغین ابالتجاسی سیاهی ایله اول جانبه عنا بر الفار  
اولوب صد نه شمشیر خونبار ایله جمعیت کفاری مار و مار یکدی **۸** کلر یکدی قره قاش  
محمد یاس اول جانیده مفدا کافرون البوب زمان فخره بر و علی حاله خراب **۹**  
کوشه سی شیهانه بوم و غاب **۱۰** اولان اوزن عدد قلعه یه ارشاد معارضه ایله  
بوسه معمود و اباد و مناسب بر رده اوج یاره قلعه دفعی بنا و ایجا و یکدی و نا عالی

شان

شان حضرتی اوج آید و نه ده استیفای صفای سیر و ناشائده کلر نه صکره بد رتبه  
اقبال بر لک صوب استانبول و باب جاه و جلال یک یک بر یلوب همعا خشن  
و کامرانی داخل و لشرای عالیشان سلطه اولدو محمد **۱۱** حاکمک رعایایه  
ظلم و تعدی حد دن افزون اولوب رکاب هابونه اول بر سر نه کونا کونا کجانی  
منضم رفع ایدو کلری رفته باز منظور عین و حمت سلطه رعیت نواز اولغین  
میر میران قانزده اسکندریات صد و یازده فایم عاوزه کلام فروری اعدام **۱۲** و  
غابوری اول مقامه اجلاس ایله شاد کام **۱۳** یکدی فایم کلا و ذات بهجه سلطانه  
بشکاش و قره بالی باغچری میبانه مانع اتصال اولان لجه بکر مانند حشده افلاطون  
بایده حکم هابون صادر اولغین خدام بلند مقام نیجه ایام بایده شاد کام تمام خدمت  
بر زده دانه ایتام اولوب اول مقامه حواله اولان کوه یکدی دریا به القادسیه  
ارض **۱۴** اندر یزید و زید اعظمین بقیه خاطر خاطر سلطه ایجاب ایدر  
بعض اطوار سفیر هانه و اوضاع جلایانه صادر اولدو و غنجره ماعدا سودای خام استغلا ایله  
سازار کاز اولی استغفال اندوکی جتند حقه بد کوی حد و دن افزون و واقع و غیر  
واقع جانتگر و اصل جمع هابون **۱۵** اولغین بوسه سنانجی باشی حسین اغا حسب الامر الکلی  
سده فاضله روح و بیچاره انصوح یاسر و غنجره و خشنه کله کله فیه انصوح  
ایدوب وزیر نانی محمد یاس صدر رشین دیوان سیکما اولدی می رضا خلیل  
محمد و رشتا طرف اولدو فیه صکره طوئا ایدر دریا به حقوب او ایدر نه باله خورینه  
اماله سکانت **۱۶** و اول طلمشکل نه فتنه همت **۱۷** یکدی ساعده روز کار یله دور  
کونده کدار **۱۸** و بشی کچ وقت غنجره محل خوریه القادسیه قرار اولون مقام مدافعه  
و خصامه قیام ایدر که از ان ایله طهره دک آتش کار زار فروران و نیجه یوز کافر خاک  
هلاکه غلظت اولدی باقی کیم شمشیر تبار ایدر طرف حصاره قرار ایدوب برج و بارو  
اوستند نهینه اودات جنگ و یکار ایدر جو که اول معقل عظیم و شیخی خلیل  
بایه الانقار **۱۹** روز کار و لوق موافق تقدیر و کل ایدی نایار خارج حصاره اولان از ان  
واموال من و رجال بغا و نکر **۲۰** و فری و ضیاع و فراع بر انتفاع سوخته آتش سوزان  
اولدو فیه صکره طلموس مغرب طرفه نواقی با دبان غنبت **۲۱** اولوننده متغلبه سفر







منصب جلیل یافت بیدار شد در سی سید و هم چنان که در کتب آمده  
مقام کورجی محمدیست و بون بوان ابو اندر صدر نشین و زرا بکن اینک زاده تر آید  
اتحادی نقب و فساد کار کرد و لوب خلاف عاده جوید که کسی کورجیست و بون  
افراج اید اول و زبر ستوده بدیگری از عالج اندکدن صکره بود معامله به سبب و کد اجبت  
نابل سبب او کد فی رجب بعد طی المراحل روانه واصل و لوب رسم قدیم ال عثمان  
مناسب جانبدار تر سر و وضع او لائق اید امر حاکمه و نصیبده ایتهم و تدقیق او کد  
فی غیره و معتمد بیکدیگر یکدیگر محمدیست روانه کلو کر طرف شاه که اید از امداد  
سویق مراند ارسال و کتایبش یک قزلباش راست کلوب بیدار جنگ  
ویر خاشده بر غده خان و یکدیگر زیاده تفنگ انداز بازندان عرض تیغ خونبار و کور خان  
و بوز قدر سرخ سرگزار او کد اغای مصلی غافلده روان عدم استیقام جتند  
چندان تقید و ایتهم محتاج و لوب بیک طوبی استصحب او لائق تعاب جوان  
بل فائده در دیولاک زرمیدان عجب و غور اولد و غنه سردار مغرور و لوب قلعه  
کوب طوبی کوزلده تقصیر و بوبله بر امر خطیری جفر عید اید کمال حبه سوندیر  
اولمش ایدی یکس قضیه ظهوری اید سر عسکر و انانک عقل و شعوری بر باد و لوب لکن  
ضروری موجود اولد طوبی اید هر چه با و اباد و کویان بدل نقدینه ناب و توان اید لر  
ایدی اشتغال ناره جنگ خلا اندر حرم جئات اغا و اندر تفنگ اید سوخته آتش  
فنا و لوب صاحب شدت شکوه اولد و غنه بنا صا مسوخی باشی جین اغا اول مقام  
قیام ایدی حال تابع صدق و اربع تش فشا اید دیوار صا عظیم رخند و اید و لوب  
سربازان روم هجوم اند و کی صورته طوبی کجا اید متلاشی اولد جدر نه استوار آه  
غومی سدا تمیجی حاکم روان امیر کونه و ساز کار از موده خانک معکو اولغین شاه طقدن  
استجازه دن صکره تسلیم حصار اید لم و بود و رت کونه استمال و ایتام معبوده  
خواب اولد و خلک کالاول احکام خدمتی اکمال اید و بوم خامده قزلباش  
جنس نظرنه حواله دور باش اید مقصدی جنگ ویر خاش اولد برونو عاقابیت احتمال  
اید رفاج دفعه بوش و لوب انکله بل وصال بد ظفره مجال و لوبین خندقه طوبی  
سور که مباشرت او کد عسکر سلام بامد نه که دک اقدام اید سور و کد طوبی و کد جتند

خسر لر انود و لا و کربی باب الشردن او غریب ساحه خدمتی کور شیدر سید کجی  
اید لر ایدی طلسم کل بند حصار فتحی حکم قضای قضا و قدر بر طبق اید میر و کون جار ایتام  
محامه دن الی بیخی کونده مشنای ارض روم مالیه لجام واجعت و کد فی او خوشوال  
فارص اوده سنده نزول و لیبی و کون ناکاه و زفران آید اول صحاده اولد جابر لر آتش  
دو شوب بالکزار و ست اخمالن بکن بوز قدر جتند کشتوز استوندر نه رانده جوا  
گاه عالم لاهوت اید فی ذی القعد و کجی بایان آگاه شاده خبری واصل اقبال و لوبین ستانی  
باشی حسین اغا جتند مساعد و اول مقام مساعد و لوب علی جراح الاستیصال کد  
جتند اثره ارسال او کد فی ذی حجه و بوز سوندیر و جتند تقصیر اید متهم و لوب قیودان  
خیل اید و وزیر اعظم و منصبی اید کوز جده علی است مکرم اولدی فی صولت و خال نام  
تقصیده بغیر استیجایی و جتند و ها تقاضنده بر لیسر حاده وجوده و رود اید و ب  
اطفانار عاریکون بر اید صکره بد و رودی اول غریبه آید اید اقدام اند بزرع ریح الاخر  
موقوف شمشاد انقلاب اولد ایلی برون فاسم متعینان ایتام اید بدی قلعه جتند  
افتاده خلاب جبریت واضطراب اولدی فی ریح الاخر و بزر سردار و بار عجم اولد  
محافظ بودین صوفی محمدیست صدر و بوانده نیات جانشین او کد فی جاذر الاخره ارض و  
جانشینا هجوم اید بکر موش یک قزلباش بد معاش اند اولد بکجی و لا و کد او کد  
اید مقابل و لوب لشکر سرخ سردن دورت بش یکنی افتاده خاک هلاک و بوز  
بسته قترک اند کد خبر بهجت اثری واصل سمع خدام سده عالی مقام او کد فی رجب  
جامع جدید احمد خان قزین حسن ختام و لوب اقا جمعه و جماعه قیام او کد فی شعبان  
قیودان علی است نور و زفر و ز و نه صکره طو نیا اید در بایه جتند و لوب قزنده صکره  
نام محمدن فالوریه جاننه مالیه سکان هلال مثال اید مبارغانده روز کار ناساز کار لطف  
برده و نه تقیه سر اغاز و سفینه لک هر ریمان ستونده او مارار غنوز کجی نواسا زاید  
افواج اید و لوب عتو طیفان امانا و اید و بولغین کشتید کاه دو و آه جانگاه کجی اوج سانه  
حقوب کاه اشک مردم بکانه آت قورعانه اینر ایدی جوتن طراح تقدر زورق املی  
همیشه ساحل امه سور بوب ریح تدبیر هموان فلک اید سر منزل مقصوده ابر کور مر  
لاجوم تابع صدق است اوج بوج اید طغوز یاره مکمل قورعانه سونکون و کد و نه نهاده



ولاد اسعد خلیفہ  
نظیر ابھیم  
خلیفہ الملک

ذنی نمز

افتاب جهان تاب وجود احمد کاتوتاری صاحب تراب ولوب اول مهر سید  
سلطان ابدۀ عالمیانہ فیض نور بجلی اتکله مجبور و لیکن فیض قرعہ قضا ایلہ برادر کتک  
سلطان صطفی تخت دولت بخت ال عثمانی به جلوس بدوب این دیبرین اوزر  
ترقی و انعام ایلہ هر صنف مقصی المرام اولش ایکن امتداد ایاام حبس و خلوت اولان  
ولایت و حکما هر از و او غلت ایلہ نس و الفت دیرو ب مشاغل بی طایل  
سلطنت ایلہ قطعا میل و رغبتکرا و لیکن اتفاقاً عاتہ ایلہ خلعت سلطنت تاه برادر



زاده لر سلطان عثمانه الباس و اول شهنشاه سرفراز سرباز و نازه اهل اول  
ترقی و بخشش ابله هر فرقه کما تطیب و نوازش یورلدی فی غیبه شریع الاول  
سیع و عشرین و الف دولت مصطفویه نقش جوهر خرد و ملاغه شایسته خیر  
و شیر بر از جلوه کرامات شود اولوب انجی فائز غر نصا هرت اولاد و آو د بات  
فیودان و سلطه فکلی و فکلی غاکوت مصر ابله رفیع الشان اولوب ایلچی بر  
فاسم بند و زنداندن ازاد و جواب نامه سی سردار و دیر ملک اوزر و اول جانب  
ارسال ایلد و اولاد فانی مقدما جانک کرایه از نایه یور بکوة علفه  
محمد کرا و نور الدین شاهین کرایه صورت خزان کوز بکین بر مدت آواره صحای  
اولد قدرند صکره شاهین کرایه عجمه و محمد کرایه درگاه لطف و کره طوغر اولوب  
عاجل سد باب فساد و اجلا رتبه فانی به بخشش استعداده انجمن صوابد برای سدید  
اوزره محمد کرایه بدی قدرده توقیف و تعیین جمیع مهات ابله تطیف اولمنش  
بعد ایلوس حضرت ابوب انصار بدی رسم نایس اوزر تعلقه سف بجهف یور بک  
خلق عالم خورشید جمال سلطان جدید دن اقتباس نور سردار بک ابله غم شاه  
شهنشاه نوجوان ابله کلر روز فیروزه اول کوناه بین اوزر قدرند شکر ابله هر ده  
جانب فرار و بر وادی فرزند بعد الحار به عقیده رنجیه کفران اولوب و دفعه  
رو دسده مجوس و آب و دیوانه ها بونده دستمایه جایتز نابوس اولد که زاده  
نیجه مدت و نبر خسته اولوب ایام مرض نامند رهنر اجل ساهنر کار با اولد  
نانه اولاد و او د بات انجمن ابله صد مد غل ابله جاه ذل هو انه غلک اولوب  
علی باش کار را فیودان اولد مهات سفرندار که چون بر مدت و بار بکرده فرار  
ایرو ب دل مارده اوزره کوس رحلی ظنین انداز کوش مهر ماه و غم دیار شاه  
کرام ابله فی جاذ اولاد و رقبه دولت تدبیری ابله خواجه عراف قدره فوجکانه  
سلف اوزره تعیین او د بات ابله توقیر و انجمن بکله فاضل ملک و طبعه  
ابله تحفه اولمنش ایکن حقوق سابقه بنگذار محک عرق عاطف شهر کار اولوب  
زمام حل و عقد امور جمهور و لانا نور مسلم اولدی فی جاذ اولاد و بر حسب فرمان  
اولوز بیک قدر عسکران ابله کف و ن صمصونه گذار ابله بوب سلما سده و علی روایت

دیار بکرده

دیار بکرده معرکه خسته اژده و اصل و صنوف اکرام و توقیر نامل اولد که تمام  
صونی محبات سلطان طفاک اختلال مانع مقرر ایکن عوض بر سلطانته اهل  
اولن سبب تلف خزینه اولد و فی ایکن سبواس ایلچی نوجوهی ابله توقیر و سر خدایم  
مقاصده و بزر اعظم سابق محبات توقیر اولدی و جیب نیزه فایضای سیاه  
اسلام ابله طارحه فرقه النعام ابله سودای کجاست اولد و اخباری انش  
بولش ایدی بنابرین لشکر موحیدین اول نیت خیر فائز ایلد قطع مراحل بدرک  
تبریزه و اصل اولد قدره فار جفا رقا کون مقدم نسا و رجال و ازرق و اموال  
ار و بیلد نقل و تحویل و خانه کوچ طریقه مکانیزین تبدیل ابله بوب سکا ابله  
اول کشوری اخلا انتمش بولند و فی مشاهد اولمچین خانه مقتضای حلیت اوزره ملک  
ولوک و دلیز کیزه سلوک ایدیز سر خستاران بنجا و غارت و اول کرده کرده  
ایصال خنارت ابله قصیدنی اظهار ایدوب سردار منعه قادر اولمچین  
ناچار هر صنفه عزت و مکمل سیاه ابله رقا ج متعین یکبار یکی و میر لوا همراه ایلدی  
فی رمضان نام صحاده صف شکنان میدان جنگ ویر غاش و دلا و لکته  
سدر راه کیز ایدوب بی ملا خطیریش و یس بر فرقه شمشیر سرباز ابله اشغال اتش  
حرب و قتاله و اکثری جمیع ماله اوس ابله بکر سیاه روم بهجو مندر و خجای اکاه اولو  
جایا ملکجه ایدین تعیین اتمش ایدی لشکر ظفرن کرد شمنه غافل نوز جلوه کری شاه  
مشاهد اولن اوزر مقدم بنجا و غارت و ایدینه وضع قدم ایدوب نازه کارزار شزار  
اولد فی قلیچ کیمکاه اولاد مشاهد ظهور ایدوب بهر حال مضار که و داره سیاه نازه  
نوز ابله رفقا طراد و نزال اولد قدره صکره بر میزان دیار بکر و طغی ایلد و ارض روم کلک  
حسن ایلد و فی نیجه میدان معرزی سربازی غار خون شهاده ندر سیر و میر سوادان  
اکا محبات اسیر اولوب کما کمنه مار و د عسکر و رود ابلد فی شوال موشش  
اندام سردار و عسکر ارام اتمش ایکن بلکان بکر و دار اوزرینه اول قنار بر شبر و کبر لقم  
ایکن بین اقدام و احجام و دیل جانب سو سیاه کینه خواه اولن صهای سرا و نام شوم  
مقاده ضرب خیمه و قگاه اولد قدره عفو ج اجم رجا سنده شاه کراه طرفدن قاصد وارد  
اولوب فضا و غل و بیم قرب شتاب ایلد مرات حال عسکرده نوما ضعف و فتور و غل



اولمغین واقع عالمه مجد و اقبال عرض اعلام اولوب ارض روم جاننده اماره ایلم کلد  
 فی بینه من فصل جعفریات هر سینه بوز بوک قدر مبلغه انرام اولن بزرگاه عظیم واس  
 قطع سن مفتاح حسن تدبیر مله فتح و تسخیر المدی به وزیر اعظم خرم والم المله ارض روم و طبل  
 اولدقه خان کریمه عطف علم ابدوب سردار یکجری اعا ایلد شتای توفاته توجیه  
 مطینه و ارا بکره در کجه صدارت روم دن متقاعد خواجده زاد و عبد العزیز افندی نهال وجودی  
 باغ شهود دن برکنده دست دهر بر فراد کیده غیل تقصیر ساد بله مسند و زارندن  
 طرد و ابعاد و اول صدره قائم مقام محمد ایشاک مراد اصعاد و اولتو ارسلاز ایشاک مملکت  
 روم ایلد باضا بطیکه و درگاه عاکبین اغایه انعام و ایکک منصبی ایلد بوک برادر  
 جمیدی مصلی اغا اگر ام او کیده صور شسته علمد سلطنت محمد خانیچ پادشاه معنوی  
 والده صفیه سلطان اسکی سر ابدیه بود ج نشین شاه راه فنا او کیده رسع الاخر شاه بنان  
 ایلد و کار علی سندن نام ایلدی کلوب درگاه سلطانیه بنجه تحف و طرفه ناعده بوز  
 حمل بر خام و دورت قبل کوه اندام ابصال ایلد کیده جاد الا و صدر اعظم از شاک  
 ایلد قوش ایلد سنی نام خانقا معمر ایدوب مالکانه وضع بد استیلا ایلدی قیوان  
 علی است عظیم و دنیا ایلد نازک ایدوب بروقت سجد ده غرم در بای سفید ایلدی  
 فی سواد الاخر بونه تعالی التي باره قبلوز الو ب استنبوله وصول بولدقه ایلکوز ایلدی  
 دوشلنده بر یکس بوزوش ایلد کشش درگاه خشت و جاه ایدوب خلق خروا ایلد  
 ماعده لنوز زنجیر است ایلد دخی توجیه او کیده معامله دوز وزیر اعظم سوخته اتش اندوه و غم  
 اولوب حضور هایلونه قیودان ایلد کیده آسوده خال ظل سایانه امان اولان و انچه دوز  
 دیو عرض اعلام و بابیوسلری دخی دعوا سینه مطابق شهادت زوره رام ایلدی  
 مقدمات حدیجه سی بد اولوب از زمانده ضرر کرکری طرف و بزره عالم و علی  
 انک مرتبه سینه صاعد اولد دخی غرق بیز به سلک بخیر اولور **تاج** فوخر  
 و خلیل فوج ایلد راه شرع شریفدن خروج ایدن اول بش محمد حسرتی افندی حکم اوزر اشد  
 سیاست ایلد اهلک و تدمیر و لوشت وجود بد بود لرندن عالم نظیر او کیده  
 فی شوال **ال** جعفریات موزول اولوب اغای یکجریان جمیدی **مظفر** اغا حکومت فایز ایلد  
 کار و اولدی فی الفقه **نصیر** سکه اولوب کامل البعبار جید جید اقیه و اولن غنائی ظهور

ایک کوزه

ایک کوزه بی کجه وزیر اعظم غل ایلد غل کزین کنج و غم اولوب قیودان علی است منصب  
 بصدارت عظمی ایلد کابین و خلیل است ایشاک انلاره جانشین او کیده محرم سینه  
**الح** علی است ایلد محمد یاسادن به وجه ایلدی کوزیک النون الی و غندن ماعدا ایلد  
 حلب ایلد ستانده دن طرد و ابعاد اولوب استیلا اندوه و غم برله همان اول سینه  
 زبون کشکیر عدم او کیده مقدمه بوسنای با شیلقدن منصب حرامه ایلد قیوان  
 رسته وزارت است ایلد تطیب او کیده صفو طلع فوج دن صکره صفی زمره کوم کرد  
 شمالی بعینه قلع ایلد قیضه سی است غنی بخش روح طولنده و ایلدی ذراع و غنده نورانی بر  
 سماویه شهید کامل جبروت ده خلق عالم بعده متواری بنام عدم اولوب کوباکر قلع  
 عثمانیه و در کار ایلدی شمشیر خواره سیاف روز کار آب و ناب و در دخی ریح الاح  
 اغای دار السعاده حاج مصطفی انامصره ارسال اولوب جوع خصوصی سلیمان اول رسته ایلد  
 اجمال او کیده جاز الاحمد بنده کار استانده بنفان و بوه سی عشر نام بد کهر عازم کوبه عصبان  
 ولد و الیه خیر بایه عتو و طیفان اولوب تراق اشقیاسیله همزمان اتفاق مالک سلامیه  
 ابصال کندن و اولکران و بندر قلعه لرین کند تسخیر بند ایتک از دوسبله نبروت  
 قریبه الی ایک قدر کار و خرب و اجماع اندک استماع اولمغین اوزی محاطی شیرینه  
 زار و اغا اسکندر یاساخت ایلد اوله بش سنجاق برک عسکر طفره بهری قلع و عیانت  
 کرای سلطان بکر میک قدر تاتار شکری ایلد سبیل قیبه سده نوبک جناح استیلا  
 و اوزر سکر کوز طابور لری او سنده اشغال نش حرب و قتال ایدوب بیک  
 و کانه قرق بیک کبر نایاک آغشته خور و خاک و سردار بیک اس نقطه و اوزر  
 قراک او کیده سعید قیودان خلیل است اول بهار سال سجد ده بوسیفده صالوب  
 سواحل سلمیه ده بر مقدار کشت و کزاردن صکره بعض اهل و قوت است و بله است  
 خلعده قزل الما و بیکله شهر رومیه کبر اید و درت مرطه قریب اسپانیه به نایع مانقود  
 نام قلعه سنکین نیاد طرفه توجیه ریات توجیه ایلد بر سر علی جن غلقه نایله اول حسن  
 محصور جاهدین اولوب ایلک ساعه بخور قدر زمانده وار و دخی ضرب شمشیر خور  
 و ایلد قلعی غرزه امان ایلد و ایلد قیضه اقتدار و صنوف اموال غنائم ایلد شکر  
 بر بار او کیده رمضان ترا دق فطرات مطا برله نفس شهید و اطرافنده انهار جاری

وزارت  
علی است

اسکندر یاسا طابور  
بوز و دخی در

فتح مانقود



و طبعاً سبیل ابدی نیز در نیمه عاری • اولوب خلج فطرت و راسته اولان  
 قاسم پاشا جامعه قدر قاسم پاشا و اول در جبهه البقیع • و جوارنده اولان  
 حامد و رجال من احسان دعا جاه کن نیزه لند ز سبک ایلده قید لار و زینه عوج اندک  
 شهید و دیده عبرت بین • اولکجه پاشا • شاه کنی نیاه خضر قری بالذات لرجانه سفر  
 نظار و زوری مقر اولیجی دار السعاده انما الله اولان سبک ایلان افا بدکدر و سباه انما سبک  
 به سابقه جرم و کناه شهزاده خوانجت سزاوارنج و نخت برادر کهنه لری سلطان خلعت  
 شهادت ایلان غایب ابدی ابدوب و اولداجد لری سنده نقیبین مکان ایلان صفر  
 انکه لکن غور جوانی و نشت جام سلطنت کاه ایلان ایلان کتاب اندک لری کار ناصوا  
 نالی خیر اولوب مترصد طلوع کوب قبیل اولان شهزاده اراده نک اول حالده درگاه ایلان  
 سوز و کدرا ایلان رفع اندکی رفته باز نه یوز و نه نیمه بخش اولد و زیاده سوم خانه سحر ساز  
 اولونجه عمر افندی و زرا عظم و خدام جرم و علما اعلام و شایخ کرام ایلان اندکی بار و  
 معاطه تحمل دانه سندن برادر اولغین خفته خنده لری سبک ایلان ایلان ایلان ایلان  
 ساقط اولش ایلان بوم نانی شهادت محمد فایده نک و منظور عین اعتبار سلطان اولون  
 ایلان و نخت مساعد ایلان و لکه رتبه به صاعد اولکجه حضرت کامله صدائیه فقنا سبک  
 اخوشاده روی در با سرتاینج بسته اولوب بر قاج کون علی حاله قرار • و نیزه  
 صفه پشای اوزره اسکدره کداز • اولکجه ریح الاول نام بجزیه احدی و عینین و با  
 حد و دنده بناد و اودا و غیره صورت عبرت از مرآت روزگار و شهید و عین  
 اعتبار اولوب کفه دبارند ز بهار و قطار ایلان بخار سنبل و وصول بولد فدی ضبابی  
 افندی مرحومک العظیم از احوال الاول و ایلان و الا و آخر نام نایمده کشیده رشته  
 سطور اولان فایده غایب امور دند و زرا عظم علی است قدما سبک اولد و غودا شایسته  
 آسوده و خمه کاه فنا اولوب سبک سبک با شیلقد ز جفان و زرا راج حسین با ساد صر  
 و زرا اولکجه ریح الاول اکثر سینه قزان اشفا سبک ایلان اتفاق اولوب سرحد  
 اولان بعضی فایده احوال و احوال سبک سبک استفاق • ایلان لری قزاقی نه بر لک لکجه قز  
 و اقبال رله اولان جنبه نجربک ربات جاه و جلال • و محاطه سنبل خدنی ایلان صر  
 مغول زرا حدایت ایلان • یوزکده فایده اولان لری اولان استجلاب و عابر لار و قز

شهادت  
 سبک

در یاد و کده و غیره

بخت

مقربان کوه بین تلقینی ایلان و زنده ایلان لری عمو مارفع اولوب کسر خاطر علما اندر و بزرگ  
 بکر منی منزله اولان نه زبانی کما زنده رفیع لوی ملک فرسا و لیلی کون روم ایلان  
 قلا و زبوسف پاشا ایلان سبک ایلان ایلان ایلان ایلان ایلان ایلان ایلان ایلان  
 عجیب اوزره آلا کور ستر در شنبه اول منزله ایلان طوی ایلان ایلان ایلان ایلان  
 ایلان غا و ارباب بنامی ایلان در بای سبک شهر باری به رود آساجاری اولکجه سبک  
 و امر افندی مسلسل الورد اولد بکر کوری ایلان و لیلی و سباه ایلان ایلان اولون کونه  
 اول منامه ایلان سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک  
 عکس و نظار هر دو افندی بکر ایلان کون منزل منور و قار و یوز و لری قلا و لری  
 رد و سبک قزاق سبک ایلان اولوب قزاق ایلان ایلان ایلان ایلان ایلان ایلان ایلان  
 اسبانی معبرند ز جور و لند و غی کون اوزی بو غار زنده ایلان اولان بکر بکر بکر  
 قزان شیفه لری کون و سبک ایلان کون کون سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک  
 اولکجه روضه مقدما اولن کزبان قار غه ایلان محاطه روی در بایه ارسال اولان  
 کف و زمر مغول محمد ایلان افندی اشقیای قزاق سبک سبک سبک سبک سبک سبک  
 و قتاله اسیر دست تقدیر اولان ایلان ایلان ایلان ایلان ایلان ایلان ایلان  
 نظار سبک ایلان سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک  
 به اول حوالده بر حکم قلعه نایمده توجه لری سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک  
 اول خدمتی ایلان بزرگ داما ایلان ایلان ایلان ایلان ایلان ایلان ایلان ایلان  
 الا زنده هر کاب سلطنت بلند جانب اولش ایلان ایلان ایلان ایلان ایلان ایلان  
 ایلان ایلان اولد فقه مزاج لطافت امتزاج سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک  
 ایلان ایلان ایلان ایلان ایلان ایلان ایلان ایلان ایلان ایلان ایلان ایلان  
 مرض حایل ایلان طرف رجوعه بایل اولوب سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک  
 شهر سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک  
 زبکبار دند زنده اولوب دست غار کزبان ایلان صر ایلان روم و دوشن نظار  
 فیض ایلان سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک  
 راحله طلایی حدیکه ایلان سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک سبک



اندک در صحرای حکم جنیت افغانان زحل محل حشته را دوت به علت موافقت بنگین  
 بر عید عیسی بکن قطع مراتب مدارس و مناصب ابدی که شریف افندی یکی مخدوم  
 و شی بیله صدر اناطولی اولش بری کمال افندی مهر آقایی درجه زواله بر یک قطره  
 روم صدر بیله رفیع القدر و کلف وجه امام ایکن اوج سعادت بدو اولوب  
 منشور صدر است انکوفضا استنوله مخدوم قدسی افندی به ارسال او کند  
 مخدوم رفوزایه بر قاج کون مقدم حاد بانی ظهور یله رنجور اولوب بوم ثابته غم  
 ملک جاودانی انتمش ابدی بر سر خنده رسانه و حوکم لغشی اعناق رجال اوزر  
 ابد و جب بوجال عبرت مال مذکر قصه و هم زحم سهراب او که بوجنر و اصل  
 اولنجیه امام ایکن قطره مصالحه ملا علی قیام ابد و جب و حوم قدسی افندی رتالی  
 معوض درگاه عالی اولنجی حکیم باشی موسی افندی کلیم خراج مال منحل اولان منصبه محل کور بک  
 بس اول قاروق کسرت فی الاسلام عکس قضیه می شود دیده امام او که روده  
 و رود اولانده فزاق اشقیاسند بر فزقه اول مقامه قریب برغان الهی و کبر  
 کرده دخی مقابلده اولان بینه زان فرایله شمشیر کلو کبر نیجه سندن تخلص کربانه  
 جان رجاء اندک موقوف جاه و جلال ابصال اولمغین بر حسب فرمانه در مانزه  
 شیران غانه دین غارده اولان ملا عینی غدا ب و خا و بینه زان فرایله رجب  
 خاسر نی ضرب طوب تش فشان بلیه نیجه شکنجه زبانه جیمه تسلیم اندک  
 خان فریم جان یک کرای عسکر مور شمار تارایله معکر جابون عابنه غانیر الغار  
 و بولده اولوز یک قدر تفنگ انداز فزاق اشقیاسی ذوال طابورنه النحاق قصد بلیه  
 صحابه اولان قدرند خبردار اولوب واقع کادگاه غایه انسا و اول کازانی  
 بر شایه ایتک بکون بر قاج ضرب زن رجاء ایکنه خواجه عمر افندی دار السعاده اقا و انسا  
 مدبران امور دولت روز افزونی و سنایه تجربه و از مون جنگ طابوری بایک  
 طفلانه قیاس ایکن فزاق بر طرف اولنجی بادشاهمه ککله مطاحه قرعه رخا و جنگ  
 ایلسونر بوفانه مخورانه رد جواب ابد و جب بلکه ارات صورت عتاب  
 اندک بالظنون و خان و خا راه غنیمتین صدایله بقید و فخر ابدی باب شرد شور  
 دست فشان سرور به مانع و فاحم طابوره و اصل و اجتماع کثر افکاره سبب

ثوب قلب و لشکر جواره باعث ضعف دل اولوب امام مقابلته تهاوی و لغه  
 بادی اولوب غایت اول قران خسینک حکم کونه ظهور ابدی و کی غریب نقیض  
 صحابف سطور او که بعد طعی المراحل منزل مقصود و اصل اولوب له قرالی اصناف کفره  
 ابد و جب بن نام حسن حصین فریده اعدا و اندکی طابورنه مقابل رفیع رباب اسلام  
 و سده ملک اعداده نصب جنام نربا انظام او که کون او اسطاسلام  
 خیر کشور کشت بی موره کما یمنی انعام و نیجه امام التشری لاکش خب و قبال شغاله  
 بالذات قیام ابد و جب طوب و انه لریله طرف دشمنه بیام مرک ارسال و ضر  
 بزمردها سندن فنا کما یمنی ابصال ابد و جب و آن جنگ ضرب شمشیر و زخم تفنگ و تیر ابد  
 اول اساع طابوری بر سودا زده اعدایه سورای مورات تنک ابد و جب استیلا  
 و بدو ابد کفار خاک ریدان در انده سوبه سطور صفوت و مقابلته صفوت  
 انکدر بر هر کار و سیفوله شبن یرده دیوار اندک قلا و ان بوسفات خدمت دفر و ان  
 حسن ایتا بدل و مخولا سفا بدن و زرد او دیا ایتا روم ایلده بدل  
 اولوب بکر کونند صکره قلا و نه ایتا به بازاره پاشا منصرف کولده وارض روم ایلده  
 انعام و اول ایتا به خوار دین کلن باقی ایتا کذا خلعت دفر دار ابد اکر ام اولدی  
 لکن تحت کما حظه اولان بشارده محمد افندی کرب لرب که زوجی غنیمت و الد ماجد و بار بکریا  
 ابد کله رافند حقان فکانش علی ایتا به فضولیجه تسلیم انتمش ابدی آئی اسند و اد کلن  
 اولوب هر فوج بطریق المصادره مالی انان بچار به راست کله مسلمان مالک کندی  
 ایسه غم دکل هلم نیم کی سنگ حلاک المشرور و بوسلیت بخش اولور بدی قلا بون  
 فز قاش محمد ایتا سیاه ارسته ابد معسکر خجسته اثره و اصل او که هنوز طرف شمرند  
 نیم حکم التفات ابد فوش دل و واقف احوال خارج و داخل اولدین سوق و زبر  
 اعظم ابد و رایدن خط طعی موجب طابورن هجوم ابد و جب اول و زبر دلبه میدان دار  
 و کیده اظهار سر غیر اید که در صکره شمشیر ابد و جب شیرین کام و عسکری و اوزه نایدان  
 انهم اولوب و زبر اعظم زنجنه نال ارام او که کلن همان اول امام حسن ایتا اعلی  
 رجال و ب و قلا و نقصیر و اهل سنا و بلیه خدمت درگاه ابد و جب ظهور  
 استعداد حافظ دیار بکر و لا و ایشا مسند و الای صدر عظمایه اصعا او که ایتا



بودین سحر کنعان اغایه عنایت اولندی فی ذی القعدة میر میر آن آو ز حیاتی  
 فرمان شهریار کردون وقار و وزح طورلی صوبیدن گذاریدوب دل جانید کفار  
 طابورند ابلانغ بیام دماریمک ایچون ضرب خیمه قرار تیش ایدی بر شب آرده  
 اشقیای قراق علی غفله اسلا میانه برده دلانه هجوم ایدوب اول اوراق معیت  
 و اتفاق نربازان روم متفرق اولانغ قریب اولمش ایکن قان غریب زاجه دار اولو  
 خوش آتش عکاشه شمشیر خونی کرم ز قمار و لجه البصره شعاع نظر کی  
 واصل حکام کبر و دار اولدی دل مرد سر فزاید حمله کوه انداز ایدوب ایستای کفای  
 شکسته و علم شوکندین ضرب دست قتل و اسیر ایدوب  
 غوطه خور کرداب اضطرار اولاشنا و ران بحر شیعی واصل ساحل سلا  
 ایکن فرق کوندن زیر آتش و ب و قاتل فلک پیوندد و غار صکار کار و زار ایدوب  
 طریق شعاع بصیر و نور نور بند اولوب نیجه یک خار بر علف شیر شیر  
 و لاشه زنده و غلام هوایه و وحوش صحای سیر اوکده اوج دور کونور  
 بر که خود مبارزان زور آور میدان هنر طابور کفار شیرانه هجوم ایدوب مقدما  
 سعی و اقدام نتج حصول جام اولق صورت کورینور ایدی لکن ارکان دولت نشانه  
 داد اندر برینک عدوی جان و سن دشمن سلطنت ال عظمی اوکوب دریای  
 موج زوب و سینه غوطه خور اولان عکس بوزند فتح و ظفر سیر اوکده و نقد خیر  
 سردار مظفر عواطف علیه شهر یاری اولق احکام ایدوب عقب سپاه ناز و روز  
 ارسالده تصور ایدوب سعی و کوشش و زره اولان دلا و لره طرف و آور  
 داد کرد و اعان و امداد و محاربه طهور و تکیه ناچار ز قافکار دوزخ و زور نشانه  
 و اسواق طابور دوزخ متفرق اولان زره شیران غایبه اسلام سالما خیمه های دونه ملحق  
 اوکده شتاب ایدوب ایدی اول جلد دوزخ مطهر است راده طیار فحمیات بر کوب  
 طابورده صفوف مخالفی ضرب تیغ و تبر ایدوب خوق و خادیل شیر کینه نیجه  
 دریای خونه غرق ایدوب بی حدال غنیمت واصل دست استحقاق بر انداز  
 حوض دین حتی قرائن ضال مطیعان بر نعمت بخیر نصیب جاهدین و امش  
 ایکن عسکر اردوی اشکک ایدوب حصول ممول سمت رجوعه امانه لجام اولوب

محمد شاه خدای متعالی سنده رفته ایلتی ایلده بکام اولدی بی ایام اشتغال زره الحامه  
 نیست ایتام غارت پیشکان نامار ایدوب محو و دشمن بدکار خواب و بخت  
 ری نوحه کاه بوم و غراب اولوب خصوصاً قان تمر سر ز اشتر آشکرین و بن  
 قهر و از عاج و بوز یکد زباده اسیر ایدوب ایلدی چون از دست بی علت  
 اول وقت ارباب کفو و ضلال استیصاله متعلق و کل ایدی مقدماست سعی و کمال  
 نتج حصول امل اولوب بیام قرب و وصول شاه وی غان ربای دست آیم  
 سپاه فرخنده بی دلمین ذوال طرفدن اطلاق و بوده سی را اول ساطیکه عرض اولان  
 تحفه محقره الطاعت و امتثال فرمایند و نقد مغشوش استیصاله منظور عین قبول  
 اولوب سمت رجوعه امانه لجام سورلدی فی غیبه فی لجه لکرام بر رفته انجیل ایدوب  
 و تر حال اوکده زار انصار در نه فرق کوندن زباده مضرب سرافقات جاه و جلال  
 و اول نامه و بار بکره نقل اولان محافظت نام حافظه یا شامحلولی نوجیبی ایدوب طوفانی  
 باشی مرتضی فافین توقیر و اجل اوکده می محرم است حافظه روم ایللی داود باست  
 از زمانه صدمه غزل ایدوب خاک مذلت غلطام اولوب هنوز بلغزاده و زار و زره  
 اولان کفایت باشار دوم ایللی به تبدیل و مقدما ایلالت سبواس نوجیبی ایدوب تمجیل  
 اوکده صواد اخو شهر نورده رفیع رایت حاکم سور بلوب عاشقانه رابع اولان  
 بای تخت استنبوله وصول و رسم قدیم اوزر عظیم آتای ایدوب ساری سرور و زبانه  
 دخول سیر اوکده و ان کاشم سبانی باشی سیر محمد افان خلعت حکومت مصر ایدوب  
 اولوب و عشت نقل اولان قلاون بوسف باست متصرف اولدی و غی ارض روم  
 ایکن ارباب بازه یا شایه ابقا و توقیر اوکده اقباب کیتی ناب سیه سلطنت بر تو باشا  
 خانه دانند بر دختر سواد خیره بر تو نظر انداز رغبت اولوب بر آیدن صکره شیخ  
 اسلام اسعد افندی یک دفعی برورده حجره عفت بر کبریه رینه دره النج از دوزخ  
 اولدی بر ریح الا فحشین یا شایه کشان زبنده لب و ریا دانه باسنه ایتام ایدوب  
 مولوی خانه فین حسن خام اوکده نه جاذب الا و حکم نقد بر قشغیر رسته فتح و تسبیح  
 عقد دار ناخیر اولدی و غنیمت پادشاه جم جاده خضر لری دلکبر بلکه اهل انقصیه کردن  
 باشی و لقی اعتقاد ایدوب حلیه منور الضمیر اولوب اول کرده اینو بدین اخذ انتقام دشمن

تذکره  
 عثمان



داوید بن یحیی آیام گیت افکار جلاله اندکدن صکره اخکار کردش روز کار گذاردن  
 غافل و بجزیه و ازین طوار هر دو نذر ذایل بعضی مغربان حضرت و مجربان  
 حضرت و حرمیان اسرار سلطنت القابله ام بد غنیمت حج بیت الله  
 احوام اولیق نامیده دولت مشاهده مدار بهیت شعار لرزیدن به نصیب اولاد بایان  
 طبع الفوارنا و بپسور لوق فکار اولوب حسب الامر خدمت نربا انظام نذر  
 مهانه شمشیر ساعد اتمام اندک صاحب کلمه اولاد ارکان وجهه نوجه سلطانه  
 مانعت یکمدر کون کهنه و معتبر عسکر نکر الحاح و بار شمشیر بار بلند اقتدارک  
 امضای غنیمت اقدار ندر غیر بر ندر به نینج اولیجن عمو علما و مشایخ خواه ناخواه  
 حضور شهنشاه مکرمت دستگاه ارسال و انوار و ساطعیه باینه سر بردوت  
 مبره و مضمون اول اوزره عرض حال ایصال ایدوب بوتیر برده فقره علمانی از در  
 تحقیر و تحریف و تحذیر دن اوزر که بر معنی صورت بدینر ظهور ایدوب بو معالیه دن  
 طوئهای جابون ایدوب اول کون غنم سفور با ایدوب یکجوی دخی خبر دار اولوب ضرب  
 دست اقدار ایدوب کبر قوم قیوسنه نباشد ردیلر بو ندر دن صکره زمام رز  
 و قبول عواقب امور بلا خطه سندن صدر حله و در انشر اینجه اسیدلندن و شوب  
 خواجه عرافندی و وزیر اعظم دلاور شاه و دختر دار باقی مایه و استنبول قاضی خواجه  
 زاده خانه اردستانه نالانکران و روز دیگر خلیص مرغ جان رجاسنه خرم ارم  
 نظیره التجا ایدوب دلاور شاه و دار السعاده انکار ازاده سی طلبکار لر ایدوب صحن ساری عرصه  
 عاصانه نشان اولد سسولاری و اصل سمع قبول ایدوب بقا فتنه و فساد  
 بادی اولد فکر جتندن انکارک مانع سازدک سبب امتداد جاتنه باعث  
 اولیجن کشته شمشیر سیاست اولد بر بانه نضر و نیاز کرسطان سزافواری عباد  
 اوزره اصرار مودی اولد دخی جالده بر کوندن صکره یکجوی غاسی اولاد اسافل خدام  
 طغیان باشی دلی درویش دلا ایدوب سلطان عظمی مردم دیده کپی فلوت نشین و  
 سوبدای دل عارف ساغرالت کزین اولد دخی حکاندر نمایان اولوب شیخ السلام  
 اسعد فندی بانه عا حاضر اولاد علما و مشایخ و وجوه عسکر طوعا اوکر کار کردن بسته  
 طوق بخت اولد بر بو خبر جبرست اثر ندریش ساعده عثمان خان ایدوب یک ندرارک

دانات رجاسنه دلاور شاه و دار السعاده انکار غنم سر و جانرینه تسلیم اندک  
 دم ایکسی دخی کلام وادی عدم و بعد فرا بصره بو معالیه جابون ایدوب  
 فساد عباد و استکبارده اصرار اوزر باعث بنا قدم اولوب اولاد و ساد و لا  
 دستگاهی برادر زاده سی طرفدن کردند و ضرر صابندن صیانت یکونر حسته لر محصور  
 عا به ایدوب اسکی سر برده و آله لر ی صغورنه اندر اوزره مسجد نفق و تحویل و لکن بو وضع  
 کتای ایدوب موسی سلطنتی تنک و نکیل اندر فی البوم انهم بر شهر رجی لغو دلیل  
 بر دین اسدال ذیل ایدوب یک سلطان عثمانی بار عکاد عوت ایدوب مواجده لطف  
 و انعام ایدوب هر برینه تعظیم و اکرام و اسنیه اکمال و اصلاح ذات البین رجاسنه صدر  
 رودن منفصل کنده سلطان فندی بانه اوزره مسجد ارسال ایدوب جانندن قدیم ایدوب  
 جدایع و اسباع اصحاب نذر مرها و سنبل علی و حکیم موسی و انکار ازل و اسافل خدام  
 و جاهل صدر صدران کلام اولوب سدر دخی اندک کلام ایدوب لفظ دخی رفع اولمق ایدوب  
 فلس حرمه محتاج و کند لره متعلق آج اولد فکر عباد بوم اولد عسکر ایدوب صغور جابون  
 واروب و اخذت رسالت اندک کزین یکجوی و سبب یک بو کونر ایدوب ندر  
 اقدارینه سبب سرک نر یکبار ایش خیر اولد دیو جین جین ایدوب سر جنبه کبر و کین  
 اولد فکر جتندن بعد البوم طرف سلطنتن لطف و احسان ظهوری دکل جان خفته و شکر  
 ایدوب مولانا فرخوردن اوزره مسجد و ایدوب نمر اولد و غنک خان اوزر حرکت و سلطان  
 مصطفی به تجدید عفت بیعت ایدوب صدارت روم ایدوب خطی ایدوب مجلس ارم وین  
 اخوت و ارجا خانه سی جاتنه ایدوب لجام ایدوب کل الوجوه ایدوب دانا وجود و ستانه  
 ندرارک مخفود اولد و غنندن سلطان عثمان اقباقبالی زوال و کوب بخی عقده و مال  
 بولجا غنه استغلا ایدوب اول کجه ندره اعقاب حیرت و اضطرابه ندر یک دست  
 دیا ایدوب صا حریف و زریک روزه حسین استغلابی ایدوب آیین و برین عوف  
 اوزره جوار طبعیه یکجوی انکار سینه التجا ایدوب دام تطیف و اکرام و دانه تضعیف  
 رقی و انعام ایدوب مرغ دل و اواره خدامی صید تنک رجاسنه ضابط یکجوی ایدوب اوزره  
 مسجد کوندن دی انکار ایدوب استیصال ایدوب حاج کیناش کو یکلرینه نیاز کونر بسط  
 مقدامه آغاز اندک دی دم حاصد و جی مشایخ عدیه روار ایدوب بیچاره یک تن و بانی



کشان کشان افسرای اسواقند و اثر و بود وضع غریب عبرت شعار برنج  
نوبت روز کار میانه مثل سانس او که چونکه اول سلطان هم جناب افسرای  
رباعی شهاب ابدی مثل غرض سلطنت بالذبحانه لوب باقی او که را با صوب الی کبریا  
سنوبه الاقدام ضرب و نادیب اقدام انهدی اید اکثر عوام جگر سوخته و اول  
هر سیاه فبالک زواله جسم و خسته ایدی اغا سرانیده اید کلرند خردار اولان  
اثر او اثر ارسیل کوه اندازگی اول جانبه افوب حسن باشایه اغا فوسنده طوطی  
شعبه استصال سلطان غازی عثمان خلا سر فزای ذکر کبفنی کدر خواطر اسلوب  
ناخوب اوزر عم کمر مسته اصال اندر سلطنت هفت اقلیم نظرها بسته  
محرورین داور بلند اختر تعلیم و زراعت علم نامه اولان آود مردود تدبیری اوزره  
یدی قله مضیفده گرفتار اولوب اول نزه شیرین زار دار و کبر بعد العزمت  
شهادت سیر و مرقد منور بدر کا کهری فزنده ارا کبر او که چه مرور و او که  
شهر غنای تاریخ سال شهادت در صد جفت و هزار درین که صدر یرای اوزرک  
جاه و جلالت و زینت افزای عمارت دولت و اقبال اولوب سیر بدو ک  
رنج خارندم بیمار و جام سردار کسارند خردار اولان دره الناح اتمه افسر  
یاد شاه جوان بخت که هنوز کاستان غازی بنفشه خیز و رخ رنایداری مجمر غنیر  
حاشاک زبر اولمش ایدی بر مقتضای حدیث سن و سال و غور ساعده و  
واقبال بعض مرتبه اقدام اندک امور پرورده لغت باب و جد کراولان کوربانان  
مغذرا اولوب دشمن دین و دولتمند صدوری پیرامن خاطر کداری انهن بویله کز  
ناصو ادوست صورت اولان بدسیر غرا کایدوب کرد باش روزگار مرد و مانیکه کانه  
انکه ز استکفاف بدین بادشاه معلل بارگاه شک و خاک و خس و خاشاک خواجه  
اولدی اللهم رحم ولا ترحم من لا یرحمه و لا دس اندک خلوص اندک  
درت غرض اندک سلطنت از اولوب بعض انیه خبر ایجاد نه موفق و لشکر در  
سلطان غرام شنوده لری شریف سازد بهیم شود و او کوز نام فزیده آسوده شد  
حد و لشکر عوام دولتمند اسعد افندی شیخ الاسلام و خواجه لری غرض اندک  
خل و سده محمد باستان غرض علی باستان نامی حسن ساعده و لا و باستان قس که جین باستان

طرف الطاف الهیه دن خلعت سلطنت آل عثمانی مکرر سلطان مصطفایه راز  
اولمق ترقی و بخشش اید هر صنف کرا زوارش و کوز رخ اولان علمایه اید فخر نیک  
انیش سلطنت انفسله غور و ابقا سورلدی شیخ الاسلام اسعد افندی قبول  
بعقدن سر برچ اولمقین کرد نه نهاده حکم غلظت و از و او کوز صدرت رویدن متقاعد  
یکم افندی دست یرای ایوان افتا اولدی فی رجب و قه کونی معکف کج اختفا  
سلطان مصطفایه راز اولان طوغا نجلدی در ویش کند و به سلطنت اید و  
عابه به معاد اخل و او رت سجد و اخل اولمش ایدی علی اغا شیرین کام شهادت  
اولمق اولان وجود یکم لری غامی اولوب اغا سرانیده موجود اولان اجناس نفوذ در  
وضع ختم نیک بکین فلس احمد محتاج بر فقر دون و دنی ایکن ساعده اقبال اید ان غیر  
صاحب جاه و طلال بر دولتمند غنی او که و قانم مقام احمد باشا و دفتر دار باقی  
و صدرین فاضلین شهابیل و حکیم انبی موسی افندی و قاضی شنوده زاده کوله ابطال  
بر ساعده معتمد اولوب صالح افند رکون قاضی اولمش ایکن شمس افندی علی صالح  
ایله منصبی نبیل و اول مخدوم کرم تدبیل اید که معلوم غرض اید اما طوطی بنشیند  
یورلق طرف شهر باریده وارد داده اولمق محافظ دیار کرا حافظ احمد باستان آرسنه  
ایله مجل در اقبال رونهاده اولمق بایده ارسال سور بلان حکم بایونه امثال انشای جنور سینه  
رهواره نازبان استیعال جو الایدوب و قه ظهورنده استنبول و خوله اذن جید صده  
انتظار اوزره مال دیه نام مقاده وضع سکای آرام و وزارت مش ایدی انعکاس کاس  
ابطال سعی علی اید یک و زراعت علم نامه اولان داود خندان آل بر قیو جانیه ارسال اید  
در کاهدر ابعاد ایوان بر وجه استیعال العود احمد رانه است دایلمر و زراعت نهاد  
نزدیک مرگ کوز مصدر انواع فتنه و فساد اولد قدر صکره بهجوم عام کیم یان و سبها اید  
اراکمانی کج خمول اولوب مصدر موزول زره حسین اولمش ایکن یکم لری غامی دلی درم  
اعدام قصد بله غل بر وجه استیعال بر غار نام الطیه به ارسال اقدام ایدوب کیم یون  
هواداری اولندر و زره غلو و باقل در دفع الماره اتباعا سلسله کف و کوز ایکن کیم  
دور دخی کوفه منشور صدرت لفکله مطغی باشا و زراعت نفویم اید کیم منو غل اولوب







روشن عقل و ارکان یکانه و بوانه فقرای فضا ندن بر تظلمه نورنا سنده تقیر  
ایله خیره انجسی میان علامه سو بسو انقاد انجمن گفت و کوبه بادی و اولی و دیندن  
قد حاکم مصر ایکن صد و ریاض سبت حضرت سید سلیمان خصوصند و حامی فطنه  
ایکون اصاعت اندکی بیت المال سلیمان امرنده مجلس قبل و قال منادی اولوب  
دریش زخم ازیت و زربانی و نیک خواه دولت بدیوندا غمانی اولان  
کلیغه سیاه الحاق ایکیک آد خواهر عذر ایکن فریاد و جمعیت معروفه جامع ابو الفتح  
سید اوکته شیعاً شیخ الاسلام خواه و نا خواه اول مجلس حضار جواب  
سندون استفسار اولوب مفتی جابله را و اوکته فرع خاتم سیدما اولان  
مهر سلطانک حوز جانیدر بوسواله جوابه اقدام روشن عقلدن مجبور و سمت  
سلطاندن دور و در خصوص منوری حضورها یونیه بالذاعوض و اعلام و مهر  
ایده خنده برین تشریفه اقدام ایدوب بعد حصول الاموال سیف شرع مطهر  
اول واجب القتل مقتول اولق مناسب در دیو محراب جامعده قیام  
و معر شهر باری اولان اسکا را انجسی طرفه اماله لجام ابله حبیب علی اسکله جامعه  
اقرب و اسکا ره گذاره انسب ایکن بیهوده نسب رکاب و این سکه  
و اولق اوزره سلیمانیه جانبیه شتاب اولوب اغا سراینه التجا ایدره حسی  
شاه ایدن اعداد اندکی ارباب فساد و امنه فساد و بالفرد و اول مجلس  
بانهاده اولک صدر بن کریم ابن بسنا بجی افند و افی زاده حسین اب و معتمد  
اول شمع جمع اولوب جواج افروخته ای اولد قری شخص بوانه اوزرینه بردانه  
اول شرایدی فضا عا کردن جامعه اولان بجی افندی و شریف افند و سائر  
موالی و مدرسین و وجوه سیاه اغا قوسو جمعیتدن اکاه اولیو شیخ الاسلام  
اول مجلسه قیام و حضرت و برلر یکنه سبابه کدای ندامت اولوب مع ذلک  
تعاون علی التقوی رسته سناب و عزت سلیمانیه شمشیر آب  
و برده اقدام اقدامینه ضعف و فتور کلیدی جل المتین خصام فوسط شفعایله  
قبیل مغربه دک قابل انضمام اولیو حق العمد علی الراوی صدر روم حسین افند و حنفی  
خلقوم اصل افندن صکره کند و به مخصوص عبارت و اصطلاح ایدور و انده باز

و نوبت

و تعویذ و سحر ایله است کربنه بنی فرانسه سر غار ایدوب سب رسول افند اولان  
کراه اوزرینه سب سیف حست ایدر ایل سلا و العباد و الله کجایی و عد و استادیله  
هیک حرمت شریعت حضرت سید لانا اقدام ایکن حضار مجلس یکدست و همون  
حاشا اینته سوار اولوب شهنشاده جامع قریزه کشته ده لجام قرار و ارام اولدیر  
انامنه اولان قریه مطهری حسب الاشارة یکجوری و عجماندر بر ساز و سلب کرده  
انوه ایله سبلی ساجع علما و صلی اولان معبد قدیمه موجود جنک و سبتیز اولوب  
صحن جامع ابو الفتح سبابه انداز نخوت اوکده اختام قریب اولنر بنر خلقه جمعیت اولان  
وجوه قوم خانه لرینه مراجعت انجمنش اولوب اول تدبیرده فطیر و خمیری اولنر اقل  
متیقن اوزره اولن طقوزیه کناه صلوه مغرب او اسنه متوجه درگاه الیه ایکن ضرب  
تیغ و تبر ایکن حمره و بعضی خود محرابده و منیره متواری غیابه لجب عدم اولوب  
طرف غیایه و اولان سیر مطهره جسد برین القا ایله اخفا ایدر روح ایدر و هم روز  
دیگر اغا سراینده کرا عقد جمعیت اولوب و زبرد کمره تهینه فتح و طغردن صکره و  
العقد جمعیت اولوب اسم رسمی معلوم اولان فحول علمایه ترتیب اولنحق خواص  
مقد کلفت و شنبه تمبید اولوب بعد القیام و اللی بجی افندی و شریف افند و  
علی جللی زاده عبد افندی و مدرسینه نیدی سکندر و متصلبت الدین و رفاج قضاة  
بروسه و آخو دیاره نفی و اهل بلا سینه مبتلا اولدیر یکجوری اغاسی و سن و دولته ایدر و کی  
خدمت مقابلکنده مصر حکومتی ایله اکوام اولوب کتخا حسته جی علی اغا بطیکمان  
اولق ایله حکام اوکده اسباب اقبال و کثرت تابع و اموال برده شام تو  
کمال مرتبه عتو و طبقات اوزره اولوب حکامه سرفروا تیمم مجتنب و اطاعت فرمان  
اولو الامر و مخالفت شناعی ترکیب اولور لر انجمن بدی معون علی ایدر یلرند  
واقع اولان بعض احوال سبیلده بوسنه تنبه اودات حب و قتاله شمشیر علی تمام  
و خواه نا خواه محاطات م جمیدی مطهری است و فنی بوا مرده کند و لره رآم ایدو  
معون علی او سینه اماله لجام غیبت ایدر نام قصیده و ترتیب ساز اولدیر  
صف مصافحه افتاب شوکت و اقبال سبابه نهر غارب سحاب زواله نهار  
و صدقه قهر و در زما ایله اوراق جمعیت لری بریشام اولوب نیجه لر نعمت جانده



سیر و یا شای شام این معنی است که سیر اولدی جو کجه شای بنور دست  
 شایبانه منور اولوب بوجو کت قسری و مضار کار و زاره منوری خبری  
 ابدولی معنی اولونک معنی ابدی یا شای صدر نشین مجلس ارام و ضروری صدور  
 اورون استغفار و اعتذار مقامده قیام ابدوب نقد و جنبه نهایی نهائیک  
 و ناز و نوب و صنوف نوازش ابدی خاطرین لطیب ابدی هفته و هر صکره  
 یک قدر کجایا شاک مطیع زمانی ابدوب سرکش نه شادانه وجود و ان الله  
 و جوی خونین صفی خاک ساله ایتمک لیکن محبوب سلامت ارسا لیکن  
 و طغیانی است بر سندن بر و دیده دوز راه انتظار اولدی و غنی فرصت و منی غنیمت سبوت  
 هر بار کند و یه سنگ انداز اذیت و اضرار اولان بد کرداری اهلک و ندمر و خطه  
 و لیدر شای لوت وجود بدو ندرت تطهیر ایتمک اقبال مه جین تقبل شاک و تکلیف  
 خصما و حصول جمع امنه و اعل و رسوخ قدم عقد و حل ابدی و جگر کمال اولوب  
 بر حسب اقتضای حکم قضا در جبهه زواله قریب و لغین یونان الزمره سیاه اعلای لای  
 خلاف و شقاق اوزر همزمان اتفاق اولوب طر فکبر و زبر اولان کرده انو کجه بای  
 کند و جانلرینه امانه و اولان بخور خاری دخی سمت عداوت ساله و جاسنه بر روز  
 فرو زده حرم جامع سلیمانده عقد جمعیت و جلد و زرا و علما اغاسرینه دعوت  
 اندیز بر در ده خوان احالی اولان او طبع بشیر و انسا سیاه ایتا عدله صورت  
 امتناع کوسر مشرک لیکن کتخیر ابرام اغا سونی ابدی عوامانوسیه قنده ابدی زرخ انده  
 بوز بومر که مسند و زار تدن از الدی موده مسنده زمره سیاه ابدی متفق الکلام  
 اولوب همه طر فندم صدور ابدن مقدمات مواجید قریب ابدی و تصرفات  
 رقت خیز عکس جانیند زمره تک بعد ایلوم اول مقامده بقا سندن عدم رصا  
 اوزر نبات قدم دن اوزر که بر سندن به انتاج ایتمکین همام اولان جلد و خلعت  
 وزارت عظمی وزیر راج کما کیش علی یات به اباس اولوب مغول فخر دول کنج  
 شتر و اخلاوه هم شبانه عفا اولدی فی دخی القصد ابدی نهیب فنا شرب  
 سلطه طغیانی دولت و نیای به بقا به رشت بازن استغنا اولوب مقتضای طبع  
 غلت سندی اوزر نظم احوال ملکات ابدی تقید و تفر و تعاطی مهمام سلطنت ارمده

ایتمک تقیر اوزر اولدی و غنی جتد زمره کوشه و بر قنده ساز و زاره طلسم و سید اوزار  
 و حوصله استعداد بخاکمیز فساد اغار ابدوب رجا با احوالی زیاده اختلال و مزاج  
 ملک کمال مرتبه اعتدال بولد و غنیمت اعدا کاسه معنوی اولان نافسه العقل و الکده  
 ایکی کونده بر محاطه سلطنت ملاحظه سبک کسهای شریک زربانی هر طایفه تک سرب  
 بشیرینه انجوت و بیت لال سلیمنی دار کجوده دشمن و بن کجایی تلاف  
 ابدوب حکم لکن غلب صورت تک ظهوری ارباب عقل و شعوری و تک و جگر  
 و سیم و خامت عاقبت و زرا و علما و اغنیاء و فواید به سرو سامان ایتمک ابدی  
 لاجرم اتفاق ارا ابدی سلطه مطلق کرا کین غارت و انزوا و قوار ابدوب اسن و کرسه  
 شهادت کلام اولان برادر زاده طر فکبر و اوزر خاخر ختری سیر آری دیوان سلطنت و  
 شهر باری و دست سیری ایوان خلافت تاجداری اولدی و یه الیوم الرابع عشر  
 نرسه دخی القصد ابرام سینه اثین و لغین و الف سلطه مصطفویه ده کجی فندی میر به  
 بخش مسند مشیخت اسلامه ابدی و داودیات غول سید و جین  
 و الف سلطه لکله غول سید کورم اس غول سید کما کین غول سید

و ارش تحت و کین شهادت کربن سلطه اوزر خاخر ختری مرتب نشین جابر باش سلطنت  
 ال عثمان اولیق جمعیت جامع محمد خانی بهانه سبله برو سبه نفی اولان انشرف  
 علما و طر فینه عود ابدوب نظره عواطف علیه سلطه اولیق بایده صدور ابدی زمره  
 عابد عنوان الحامد نسخه کبرای سلطنت قاهره لر اولمش در روز و بکر سلطه  
 سعداخر ختری رسم و برین سلطین اوزر حضرت ابوب انصاری عرقه نور  
 قطب العارین اسکنداری شیخ محمد و اقدی خاخر دست شریک زدن فخر و شوق  
 اول وزیر و زستام سرور انجمن رعایت سنت خانه اقدام اندیز یکجریان  
 حبه جی علی غاصره والی و کتخیر ابرام اغا ضابط یکجریان در کاه عالی اولوب  
 از خدمت حکومت قاهره اولان وجود و شرف وصال غنیمت لال مخطوبه بدیع کمال  
 رز و سبک شتی سوار و صحر او سیاه و ریای خوشنوار اولدی و کتخیر با سابع  
 خدمت ظاهر ابدی سالی اسکندریه به لشکر استوار صلیبی غنی زمانده سانی قوه و طغیانی



طرفین روی بجایند و حصول مصلحت شود و ندای مهربان لادای دور باش ایله طرفین  
**اولوب** باجمل من آمد بر کتب آینه آه ایله غم درگاه کمرت دستکاهی ایله بی  
**جنت** ایشان سلطان احمد خان سالار تالان بر اوج جلوس اتفاق و خوتین سفری تدارک  
 بها خصوصاً باهم هرج و مرج دولت مطغویه ده اسلامی نالاکران ایله رشک عمان  
 و غیرت کان اولان خزانة شایه چون حبیب مغلانه دونوب درم و دانیار اسم  
 بی سبب و عطیة جلوس تدارکی فتحی مشکل بر مقام ایله بنابرین وجود بهود سلطان ایله غلام  
 اولوب نام انعام باد اولنمق اوزر عقد عهد اولنمش اکن طایفه بکنایه شایه ضابطری  
 تحبیکه بیامنه بیانی شکست ایله دوب خلا عهد و یشاق رسم نانوس اوزر انعام جلوس  
 طلبنده هیزبان اتفاق اولنمین باچار کارکان دولت سلطان ماضیه زمانه زبرو استعمال  
 اولنم آتات زرینه و بطریق استعراض اموال مسیمه دست قوض راز و اول  
 شوق حیل و سلیم ایله ستمده حص دار ایله برده مهر و ان مقصود بر محمد یاس  
 وزیر اعظم کماکش عزواف ایله شیر شمشیر غدا و فاند کیش و زار بر شیدا اولدی  
**شیخ الاسلام** محی افندی منصب فتوادن تقاعد و سلف صالحه اسعد ستمده افتاده  
 تصاعد ایله فی وزارت تدریج متقاعد خلیل است و کوبی محمد یاس اخلاف واقع اماره یاس  
 تحبیک ایله ستم اولوب وزیر اعظم سرانیده موقوف شمشیر جبر است  
 اکن برات و تملکین ظاهر اولنمین طلاق اولنم برده خمر ماه افساد و اوجاق اغارندن  
 قره مذاق قضیه ایله ابوب انصار بده بنانده که مولو خانه بایر بود اولنمین افکار لویه  
 هنوز رعایت این سماع انجمن برابغ اوزر رقص کنان دست افشان صفا و  
 زوق و سر مست سلاصاف و جود و شوق اولوب استیلا کیفیت سماع  
 ایله زبر و زبر و عیش و فرح ایله خاکه برابر اولدی که می فانی بیام اغایعین خواهر  
 ایله خدمت دیوانه بلند ابوانه اختصاص بولوب سید احضر و اغا منصب منحد  
 محل کولدی فی محرم که کزیده ستور اولان منبع شر و شور و مک وجود بدودی  
 از لاله اولنمین باینده صد و رابده زمان لازم لازم اوزر محلات سنبل سوجشت  
 و جوا اولوب هنوز بغای چند و زده عمر مانع طفر اولدی که **لش** اعوان و انصار  
 بغداد بهشت آباده ریشه استوار صا کو بعلیا حاکم مطلق العنان اولان بکر صوباشی

ایضا  
 افندی

بغداد  
 افندی

عام ماضیه فساد طینت و غبت چیلندن ناشی فتنه ایفا طنه اقدام و اتانندن  
 بعض اشقبالی تسلط ایله میریزان بوسفیات اقدام ابودوب اول کشوره  
 بی منافع بط بد استیلا استیداد ایله زهره در مرادون مشور باالت بغداد  
 تحبیلی ایچون محافظه بابر بکر حافظه ایستادون استمداد تمشیک درگاه سلطنتدن  
 سلیم یاس باغ خلعت حکومت بغداد ایله سعادت اولنم حافظه یاس ستم  
 سرعکری به اجلاس اولنم و فی پیام باردی بکر صوباشی به وارد اولنمین شاه عباس طغنه  
 عوض انقباد و اندم استدعای امداد ابودوب محافظه قلعه وجود و احرنه بذل نفی  
 مجبور ایله حافظه یاس اجمع سیاه و غم راه ابودوب مقابله بغداد و خیمه زبر قرار  
 اولنمین سهولت ایله بغدادی استرداد بجایند بر یقون آری سهوده انتظار ایله سر  
 جانم زبر نیاز اولوب بوخلالده شاه طرفند دورت بش یک قدر فزانی نام  
 حسین کله کلر خبری بکر اولنمین بر مقتضای چین و بدولی بای بنات و قاری نزل  
 اولوب بکر صوباشی به ابالت بغداد مشورین ارسال کند و سی حل سلا متبیر شیکه  
 استیصال ایله سردار طرفندن حکم سلطان و خلع حضر و این بکر صوباشی به واصل اولنمین  
 ارتخاب اندوکی کارنا صوبایند نام اولوب امداد کلن عسکر سر طرفند در آرد  
 صاری ستم و ابلانغ بیام دور باش ایله قزلباشکمنه و صد ایله بوجور و نه و دویک  
 بوغارنده معکرت به کمره واصل اولنمین اول به ندهب کمال غیظ و غضب ایله  
 بخادر تیز و تاز غیظه ارغای غمان مسارعت ابودوب بغدادی محاصره و ترتیب  
 مهمات شایع ایله اسباب محافظه و قصور و بازوی جلالت عسکره فقور  
 اولوب شاه پنجه دست صرف همت ایله طوفان سر و کل ایله کی موزاکن بکر  
 صوباشینک و کله و او عبدل انجاز حکومت بغداد ایله شاه شایطین سیاه فرمانه  
 رام اولنمین بر کیم عهده ایتامنده اولان امام اعظم در وازه سنی کشاده و دار الخلافه بغداد  
 یشکش شاه بدتران ابودوب اول قلم عظیم دست استیلا عباسی سبانه فاده  
 و قاضیه نورالدین افندی بکر صوباشی اهل ستمدن پنجه مودیک اعتقاد خاک فایه  
 روزناده اولدی و خبری خلق عالمه مایه اندوه و غم اولدی فی صواد آیل عهد سلطنت خاند  
 برو قلم و حکومت ال عیال جولانگاه رخس عرادی اولوب غلام عالی شهید عصره مصره







هلاک و کی و فی عجبیکر ضرب شمشیر ایلده افاده خاک اولوب خیمه و خوراک  
نصیب خلفه سات اولدی یام افترام کند و کند اسی چور کبره و اصل اوحن  
ابازه یا شایه کل اولق از و سبله خمان انکیز سمت کبره اولد و فی اجتماع او  
علی جناح الاستیصال کی یک قدر منتخب عسکر سال اولکونو نام خلد و اکی  
بکر ترتیب ساز صف مصاف و کلا اول حرکت کاهن چور بکر از آدم ایلد و  
نجات وضع قدم ایدوب سیاه ظفر و سگاه سالما و غاما عسکر فزونی اثره  
و اصل اولک نامدار و اربری تعقیب ایدر کارض روم اکی هر حله قریب  
زجانه صحرای سنده و اردقه توسط مصلحت گذاران ایلد بازه یا شایه یک سطر  
نادرست عیسای مضروب فلم غفو و اخلاص اولوب مصلحت و وفای سبله  
کماکان ارض روم ایلد ابقا اولکونو روم اکی یک قدر نوین کیمچی  
اولوب طرافنده اولد و فاعه و فی امر او حکام ایلد استحکام و بکر کبره  
مشتای نوقاته امانه بجام اولکونو محرم سده انده مدارک سفردار شرف اوزره  
ایک سینه وجودی در بای رهنه غرق اولوب معوزارت محافظ دیار بکر حفظ  
یا شایه سزا کور لری نه جمادی الاول بان یات دخی سفر ملک بقاده  
سرداره نهادار اولدی نه تعقیب لاشراف سید قاسم عبادی افندی رک  
جانه جیات مستعار ایدوب خلعت اخلاص طار نقابت ایلد یا طولی شریف  
افندی شریف اولکونو فغانی الاخر وجود مثل سنبلیله در بین راس مرک  
اولوب طمخینه مسک سیاهی فنا اولکونو رجب شکل کث اسعد افندی  
غرم طبر برای اقلیم ایدوب زمام امانت کبری افسان کبریا کیمی فدی بدو  
ارینه تسلیم اولدی فی شعبان سلامت قرین منبر خطابند ز قصر بقصور رتبه و قدر  
وزارت رفیع ایدوب بخی قبان عبد الکریم یا شایه منم اولد و فی مال اولد اسنده تغافل و احوال  
ایک صیده شمشیر بران ایلد افاده خاک هلاک اولدی فی فی القدر خشم و جبه  
نیک خواهرند کورچی چاک طهمورث خان شاه کراه طرفند از و رینه الی یک قدر  
سرخ سر ایلد خان خانان قار جغای و امیر کونه خان خواله و لغین سردار و نه استمداد ایدوب  
ایک یک قدر کبره عسکر ایلد ادا اولمش ایدوب اول مردم قدم ضرب شمشیر تمام ایلد

مختصر

مختصر ایکی دفعه آواره صحای انترام و بریت ایدوب بیحد یک تفک اندازان اندر  
و تیغ زان کسور ایراندز ماعدافار جغای و دورت بش عده خالف شمشیر خونا  
کله این سردار و ساطیکه تحفه در و لندار ایلدی نه محرم سده صدارت دوم در منتقل  
بستان راه محمد افندی سرای سردار وای ملک عقبایه منتقل اولدی نه قنودان ریاست  
قره خیمه او کنده بدی باره قادر غه ایلد و ج بوز و نه زیاد و قنای شایه رینه راست  
سمت سلامت بهر حال عدای دین خادیل شکر کن ایلد متوکل علی الله مقابل و مقابلیه  
منهر اولغین حکم ضرورت گذران شد بد الصوله کفار شیره انده هجوم ایلد اول کون  
باره نقالی روزگار کمال شدت اوزره اولوب امواج و سبک طمخینه لری بهر حال  
ایکیز با کفر قنودان یا شایه با شترده سی بر قاج مرتبه کفر رستمه کوسر و ب قردن  
زیاده شیشه یه اربابی ایلد نه تا قویا بدع منعم ایلدی سار قادر غه لری حصار رینه درانه  
حکمت ایدوب اول خادیلد از اقل فیل خلاص اولدی غرق بود عدم اولد و دن ماعد  
روی دریا در انان سیر ایلد کور کچینی انص اولد کبر کیمیل اولکونو سکان غیبت طر  
دار سلطینه تجویل اولکونو سجان غنم معزول اوز و نه سیاله اول کور بها و نه  
اولد شجاعت ماورزادی اظهار ایدوب فن جلادنده کوسر و کی هنر دوست  
و دشمن سنده مستحسن اولغین کلوا نام لیانه کلند کده مطلب علای اولد ز سانه کیم  
خلعت و الکامات بالاسنه سزا کور لری بیرام یا شایه مهر ذات لاهلرم  
نامل حرام اولکونو صف بر کیده جنت قاری افلی نام بر شقی رعایا ظلمه در صیانت ایک  
نقل باز کونه فریبی ایلد شعله افش کیمی زبان کشت ظهور اولوب ندرج ایلد و نه بش یک  
قدر اشتیاق به واسطه العهد اجتماع اولد و فی اجتماع اولغین و شک جین یا شایه  
سردار بغین اولوب مخفی صحرای سنده و لوله جنگ و آشوب فلک لاهلرم  
اولا آشوب اول جلایه صورت جلای و قهر الهی شایه سبله باب و صد  
جله ابطال ایلد مبداه و ب و قتالده افاده خاک جرات و اضطراب اولد و  
بعونه نقالی اکثر اتباع ابن جنت جهنم کیدوب اول دوزخی بد بتار و فی و کیمی نام  
کفر و مسقط الاراسی اولد بر کیده اشد سیاست ایلد مسلم سر سینه زبانیه مار  
اولدی نه ریح الاول حافظ یا شایه مقتضای طمخینه اوزره مضاج کلید نقد اولی ارکاب



کلفت حرکت واصل دست از زانو و او را عقاب بر تاج آید و بار کرده لاف زن  
میدان عجب و غرور و تمیز اسباب قلعه ستانی ابدی نهی بر امن خاطر نه او  
دانه سندن و اولوب انکاس کاس خلدن صکره هر حله ده دیده کفی راه  
انظار او چن بے نزارک او و است کار است آهسته رفتار به شلدی بو کونه  
ما خولیا از بد فرده فرمانبری و مصلحتی تشریف و اجابا شخص خیال شاه عباسی نشانه  
خندک هجرانک ابد خولف ابد رک قطع مراحل ابدوب روز فاسدن برای  
مقدم بغداد واصل او لیکن یکروز غلظت عالم صحوه کلوب متعش صفحه خبا اوله مکر  
و اندیشه به ضرب قلم ابطال و مها کن نزارک مانده است عجل ابد به حال  
بکبری غاصی خرد و اغا و بار بکر یکسری مراد با اقدام استصحا ب ابد کلا و شر  
بشر یار خورده طوب و الی التمش قدر بزرگ ابد قلعه آهین بنیاد بغداد و کلک شروع اولو  
مفتح الابواب جابندن و رفقه فتح باب اولو کجی با سنا اتمایله حله و مشهدا حمین  
دست استیلای سرخ سرانند نزع اولوب مقام صادم قیام ابد طوطی شیر شیره  
خون اشام اولدی بد فعال التمش یک قدر شکستل ابد مکر و باله کارنده ضرب  
منظله قرار ابدوب بر قاج دفعه سردار از رینه رسال ابد و کی تنکنا به مذهب مضین  
ستیزدن بعونه تعالی شهنشاه راه کر زاندر ایلایام حاضر ده دورت بش دفعه اوله  
بور بشلد و جای بقدر بامره تعالی کار کار اولوب استیلای بلای قحط و غلا و تعفن  
هوا و طهر و ضعف و رنجوری نیمه تاب و توان و تاب اوله و غنچه ماعد اول حد  
جلیله نشور دیوان از لند سلیم دست استحقاق حضرت مراد خان اولین اصحاب  
رای سید صواب و بدی اوزر بیک طوطی ابدوب بر حسب اقتضای  
تقدیر بی دستمایه فتح و شهنشاه اولندی فی رابع شوال انصاف است به خلعت  
سوز و در کسکرتل عثمانی هنوز سله تادیب مراد خان بر لشداد ب و بکو صوا  
نادر رینگ هر بری بر سردار و حل عقد امور دولته مدار ابد بغداد کبی بر خیزد و  
طغوز آیه قریب توقف و آرمه رام انکس حکاکه نادر سهر بار دست اقتدار  
کلجک بر خدست در جراه افه خیرا و بار بکر و ادیات حرد و بوانه مشرب اولو  
همیش طرف سردان سنگ انداز اذیت و زار اولین انا طریقه دریای

عقب حافظ با ش مو جرج و مراد با ش طوطی شیر شیر بر تیر اولدی فی  
فیودان رجب با ش یکیک طایفه سیاه قاتم مقام کورجی محمد با ش ابد مضمون منته  
وضع اقدام و به جرم و گناه اول و زبر سزوده ندیری اعداه اقدام ابدوب محک  
فتنه اوله رجب با ش منصب مخلوب تحصیل و میر خورشید غافق و انین رتبه سیده  
عرض مو هو منی تکبیل ابدی فی ذی القعدة اشقیای طوطی ابدوب شفا کبک با ش  
بنجالی صاری محمد غایب خا اعمال کوه بدن سی کون دیوان هایدوده سیاست و اجا  
مقتضای سیاست یورلدی یار قریبه بنا اوله قلعه به مقابل انا طوطی جابندن  
دفعه اکام عادل رطبه به رجب با ش وضع اساس صورت الاندر اس ابدوب حسن با ش  
انام و نعین مستحقین ابد تشبیه و احکام ابد فیودان با ش طوطی شایله  
قلعه بناسنه اشک اولوب روی دریا دیده باندن خالی اولین مکر کبک ندر التی باره  
برای فتنه کفار و قیام خیر سنده کفار اوله و غی اخباری و اصل مع اشرف شهنشاه  
بروج استعجال اوزر اکی یار قادری غار سال و ردوس استکمال با ش ابد و غی شفا  
ظفر قرائنه التی متضمن ابد جلیل ابدال اوله کجی بدین دین مخا و ل شکر کنی سو حسوت  
و جوابد رک کیدوب عیانت مرسل اراج ابد بر صباغ مانده قیام او غلی امانده  
کافو کیدر ندر ابد شید بلرمون یکیک کیلایس کتخا زاده حسین با ش بر قاج میل ابد و اولو  
ماعداسی کنارده بولنمین ملا عین نجون حسین با ش کورب آن منتظر اوله قدری نوسدن  
موزل ابدی با ش اولو ملای خطه سبله اول جانبه نجر یک مال استعجال ابد فیودانندن  
عبارت اوله یار ندر ابد حله دهن مقدم ابدوب مانند سیرج و اجدر بر برینه صا کد  
دم نمیس کسکام کاو غوطه خور کرداب عدم اولین بعونه شفاک ابد فتح و طفر جلوه  
اولو اتری رونما اولمش ابدی که حسین با ش دانه نونک مخا و ل نیک ابد شید  
و ارباب جنگ باروی جلا دترم امارات بخور و نور بدید اولو اول نهم خورده  
شکار نیم مرده جو یای سمت سلامت اوله سار لری سردار برینه با ش راه نزار  
اولوب الد قری شافان سلیمه دهن خضر ابد بلرمی با ش و غیره بومعا کله ارا قدر سیر  
ابدوب و د کیدر حسین با ش با ش نیکه التی عارن دفعه کون استه رفتار برین  
کور غرا و لجن و تیریه و ارد قدر صکره لمانه کلوب بی مزاج کیدری قبضه تصرفه ادخال







استقبال بدوب خدمت رکاب سرعری عالی جانب ابدتوقا و اردو برهتا  
 سوندار کی کچھ توفا تہ ایکی ایزیب اقامت نہ صکرہ ترفیع لوای غنیمت اولوب  
 سیولسہ وار دقدہ مغنیہ سبناغہ منصرف اولان حاجی باشیہ صورت اسناد اہمال  
 و تقصیر ابدہ و حقیقتہ سبب سابقہ بخش و انوار ضمیمہ ابدہ جو م و کناہ تہا کہ  
 فی الواقعہ **خانہ شاہین** کرا ایکٹ ابدانہ حرکتی اکسٹم کو حتی اوئے ایکی یک فرق  
 استیقا ابدہ کفہ ہمارہ اندکی خبر اردی در دولتہ واردا و لغین جانبک کرای خان  
 کرا خلعت **خان ابدہ** و دو سال محنت شتالہ ہمارہ عوام طوطا ابدہ  
 اولوب محنت سلطانیہ ارادت علیہ سبجی معارفی ابدہ جانبک مربع نشین سند  
 خانہ **و محمد کرای** و شاہین کرای اوارہ تہ جہرت و برشت **اولدی** ہے  
**موت** عود دند نہ صکرہ وار یک اوارہ دستندہ حرکت مذہبی یہ اوارہ مکرہ التی ہر  
 محمد کرای خانک **الک** نتیج اولوب شاہین کرای نہ سدادہ وادی کنا اولدی  
 ابدہ یا شامقدا اوزرینہ کرا سر دار تعین اولند و غنم خبر دار اولوب مقادمت  
 اقتدار اولوبی غنہ وار و برکین ناچار چور بکری شاہ شاہین سیاہ کوندوب  
 ارض روم رسم حق القدوم تسلیم شریک اول بدزدادہ استداد اتمش بخش خان  
 نام سرعری ابدہ اون بدی یک قزلباش ابدہ ابرشک اوزرہ ابدہ کے ترجمان اودہ  
 واصل سمع سرعری اولغین علیہ جناح الاستیعال بعض کلر یکیلر اسال اولند و عقب  
 سردار دخی سبکار الفار ابدہ ابرشک کوشش **و** و بعونہ تھکا دروازہ فتنہ اجتماعی  
 سند **ابک** میر میران قرض سفارسات دخی بوکار دہ خبر دار اولغین رجال و ب  
 و قتال ابدہ کے خانہ استقبال استیعال و مضار کارزادہ اودات جنگ و بکار  
 اعمال ابدوب ضرب نمبر ہندی برلہ سکر سرخ سری برشت **دوہم**  
 و خانہ نور ی تحفہ وزیر اعظم **ابک** **قلعہ** ارض روم محصور شکر تصور اولوب  
 مشاہدہ و نصیفہ کما بین اہتمام و تہ قیق اولغین قرقچی کوندہ مضیق حصار کفراری  
 تحریک حلقہ در استیمال آغاز ابدوب اول عیایت خواہدک شنبہ باز  
 مستندانہ لری سمع سمع رضا و قرب قبول ابدہ **و** **موت** **موت**  
 کامل عرواوان **باید** بود وقت و چند زمان قطب دایرہ وجود اسکداری

خانہ شاہین

نہایت حلاوت  
 و تہا

شیخ محمد **افندی** حضرتی روضہ رضوانہ روان اولوب جان کبی کوزوں  
 نہاں اولدکے رجب الاول سردار کشورک نمبر و احکام و تعین تحفظین ابدہ سرقدامورہ  
 حسن نظام و بردک نہ صکرہ ابدہ یا شایہ استیصال بدوب در کاہ جلالت و جاہ  
 طرفہ تحریک رکاب شتاب ابدی روم اعلیٰ بکار یکیلر اسال سر دار دہم استیعال  
 قصد بدایدوب بعد طی المراحل کوندہ نام منزله واصل اولد قندہ شب تری بدرقہ  
 راہ قرار و کمال خرم و احتیاط اوزرہ وطنی اولان بالیکسری دہ طرح اساس قرار اولد  
 ہے **صلحت** وقت اقتضای اوزرہ سردار الباس با یک طرفہ اغراض عین ابدوب  
 تہا دام و دانہ اغفال خاک ستارہ مجد و اقبالہ رومال استیعال ابدہ از کوندہ منزله تہا  
 دولت سنی و ہمت ابدہ تہا و قشطنی اوزرہ واردا اولان خط ہما بونیہ علیہ ظاہر اغوی  
 عام سیاہ مانع اولغین خبر و اکرا ابدہ غنم استارہ غنم استارہ استارہ ابدوب  
 ایکٹی منزله اوزرہ عالی صدور و متضم خط شریف ابدہ شریف دولتہ نائل و سر و چور  
 ابدہ محرابی سکدن واصل اولدکے رجب الاخر روز یکروزت ظاہرہ و حشمت باہر  
 ابدہ اوزرہ قبوسندہ داخل شہر و محرز شرف و امنوس سلطنت دہر اولوب  
 اشالہ مسرہ اولان مرتبہ التفات واصل **مظہر** اولدکے بازہ یا شاد دخی عمالہ الوقت  
 بوسندہ اوزرہ ابدہ **و** صکرہ لغین خواص ابدہ جالس صدر دیوان **و** اولوب  
 عام اربعہ وار بعینہ بدرقہ نمبر خبر فوئار ابدہ روم و اویات زہرہ سندہ طرح اساس  
 قرار **ابک** **یوک** میر اخوزار نو محمد افغان حکومت مصر توجیبی ابدہ کام و اولدی فی جاہ  
**عہد** سلطنت سلیمان دہر قلم و حکومت عثمانیہ اولان اقلیم عظیم من کا حیدر باشت  
 سوتدیری و اول کامدہ محافظ مصر اولان میرام باشت اہمال و تفصیری ابدہ کرنی ملک  
 صنعا باور بحیرہ دہر ماعدہ جملہ قلاع ابدہ امام جماعت زبیدیہ دست سبتکندہ کفرار  
 اولد دخی اخبار استماع اولغین امداد مصر دن فاضل یک بالست بن ابدہ صو  
 عدہ مالہ کما غنیمت ابدوب سمانہ دہر دخی اوج یک قول اوغلی اسال اولدکے  
 فی رجب قاضیات ساحلہ واصل اولد قندہ بردت اندہ اقامت ابدوب بقیہ  
 ملک دخی امامہ تسلیم نہ صکرہ و افع بال ابدہ در دولتہ لوالہ غنائب مراجعت اولدی  
 انانی کچھ باقی باشت کچھ سی محمد غاموز اولوب ایچ طوغانی باشتی موسستانی

اخوان















حسن انجا بکچری طرکیکه اولدوغندز ما عدا بقای عمر چند روز و قایه حفظ اولمغین تدریر  
وزیر تجریدر اولوب منظومه جمعیت کسته ناز اولدی اول کور کور حجب باشا سوتی  
حسین افندی رتبه و آلائی افتابیه اعظم و سلف پهلوان شرفی اجله بلکه افتابیه استر  
واختفا ایدوب منصب صدارت روم حشمی افندی به انعام و اطول  
قاضی سکرانی ایدوخواجده جلی اکر ام اولندی اسبوع سابقا حسین افندی عیسی اکن  
منصبی تحصیل اندوکی کور خیمه افندی بطریق نفی بر و سیر ارسال اولوب منصب  
صدارت ایدو غیر طلب برادر عالی کمر قره جلی زاده محمد افندی نایب تشریف و اجلال  
اولندی ۱ باشا معز و اتوقا و اصل و مقدما رض روم کیدر کن به جرم و کناه  
شمیر غدر ایدو تاه اندوکی توقات و قدر داری عظمایا شاهانه سنه نازل اولوب  
سر نهاده و سوده رنجوری ایدی که نادر خدمت محافظه و بار کراولان مرخصی باشا توقات  
او غایوب خسرو باشا به زهراب مرک اشتراب ایدی فی شعبه باشا نقیض کل  
حل و عقد اموره استقلال ایدو کسود استیجابیش نهاده انعام و تکرار باغظ  
فتنه نامه اقدام ایدوب بدل لایح حساب ایدو عموما یکجوری و سیاه جانیکه  
و فرمان پذیریری اولمغین ظاهر اسکر هجومی روکش نمیشد و رض فاسد ایدوب خواه  
و ناخواه موسی جلی در دمنده کد و سر اینده احضار ایدوب اوبله دله نازیری خرب  
خجرو تبر عکرا ایدوب به سرو آس افاده خاک هلاک ایدوب بدنا طعن افتبار  
ایدو کای خلیفه بیم جان باسنه مبتلا اولمغین بالظرف و سردا وادی اختفا اولوب  
سلاح از حلقی منصب محلوله موصول اولدی حجت و جو اولوب اوبش کوندر صکره  
اول بحاجه و فی انت میدانده یا سنه دام شمیر انتقام اولدو جمعیند زحمت  
رفعا و نه عدا و کی و قدر و از مصطفی یات موسی جلی حسن خلیفه نهالت اولق زبانه و  
عسکر اولوب نایار اولدی فی نایبای یشنه و اختفا اولمش ایدی سعی و اقدامه  
انعام اولوب ظفر میسر اولمغین وزیر و زرایین ساری قوسند جانیه جات و شند  
سلب و جامع جدید اوکده اولدو درخت جناح معکوسا صلب اولندی  
فی رمضان رجب باساک و فی سیاه جات بی ثباتی لبریز و کور و جان کفرانجه  
شمیر نه نیر اولوب مصروف وزیر محمد یات مسند اربابی اولدو و بولون اولدو

فی شوال جدید صاحب رای سید و در شید و لمغین تقویت طرف سلطنت  
یکجور دفعه کند و سر بنده و برگره و فی حضور پهلوانده عامه علما و وجوه عسکر ایدو عقد مجلس  
و شنبه ایدوب کاه و بکاه اجتماع علی الصلوات ایدو باعث ریش اسباب  
انتظام احوال ملک اولدو اشتغای سیاه ناره عالم سوز تسلط و استیلا یات  
شمیر شتاب ایدو لطف اولمغین اوزن عقد عهد و میثاق اولمغین بالاتفاق اولدو  
رستخیز ایدو کراسا بیسی نیت جود و ضبط و تجر و موعوضه یات سیر سعادت  
میر اولوب بکان بکان محضر نه کلنگ ایدو روضه ملک خار ازار لرندز نظیر اولدو  
سحران احمد غار حجب پاشا هو اوار لرندز اولمغین میدان دیوانه خاک  
هلاک غلطان اولدی فی ذی القعدة صدرای اعتبار رینور افسر فخاری اولوب بر و  
ایره لوقه فضا سنه منصرف اولدو شنبه افندی دانه وجود و نابلد اولدو و کفر  
کده لی مصطفی یات صد نه جلا و ساست ایدو کوشاری محضر و ارا اولدو افکار  
نام بره باشی محمور کورکی و ما خوبای ایدو علی الانس رساله خانه مقابله سنه صلب  
اولندی فی محرم سنه باساک تش فساد و اخا و کور نا طولی یکلی کیسه کویک  
احمد یات سر در تعین اولوب اول بداین ایدو الحمد نام مقاده اوج کور اذ آره جام  
حم فخر شام اند کد صکره در و سر حمار انزام ایدو باس بد فرجام فخر و خیران  
بر غه قلعه سنه و اوج آیت اختیار مشاق حصار ایدوب عاقبت کار غرزه  
ایدو خاک درگاه روم مال اند کد کفرانجه شمر شمیر خونا راولدی فی صفر ویده کار  
از موده نامه بعضی کار لر سو قیله نقیض زعامت و بنار حنا طبع شهر بار بلند اقدر  
اولوب وزیر حسین یات روم ایدو اول خدمتی ادا به مامور و عمو ماروم ایدو و قدر  
سلم دست لانت وزیر فرینور اولمش ایدی بعد الباشره صوفیه قطب وجودی  
مرکز شهود و نه بود اولوب بیرام یات منصب محلول اولدو فی ربيع الاول  
سال سجد بهارنده جانولا و زاده قیودان مصطفی یات طونما ایدو غم و ربای سفید  
ایتمش ایدی مقدم موسی جلی رجب باساک سر اینده انک ضاهر کده واروب اولدی  
کناه ضرب شمیر غدر ایدو تاه اولمغین خاطر و یا مفاطر سلطان جانولا و زاده به منفیر اولدو  
نوسفر و فی رانت باساک قلب یا کلری میفر اولمغین بعض امور صد و راندو کی چمتد

ان



بوستانی باشی جعفر افغان بود انق رب سیده اجلال و علی شایع الاستیصال اوج باره  
قادریه ایدارسال اولدی ردوس لیمانده سلف و خلف مجتمع اولو جانبدار  
زاده مخزون و طول بر قاج قادریه اید غم استنوال امک بکلیکی دی بوسفت  
زیاده ظلم و تعدی بر تعدی اندکی و اصل مع اشرف سلطان اولمقین عجلاله الوقت  
غل اید تغیر و کویک احداثا تشریف یالت شام اید توبه اولوب زمام  
حکومت اناطو کورجی محراب تسلیم و اول ولایت شمار و رعایتی تقبلی مشوری  
دخی وزیر نورامنه زقیم اوکدی فی ریح الفوی فدا بودین حسن یات مسافر اقلیم  
بقا اولوب ممدون معقول موسی یات نام و خدمت محافظه سرحد و کیکلی باغچه  
سمنده شبنم رحم مادر دین محض قدرت کامله الهیه جیده ایکی باشند و لد قد و در  
جاریا و چار دست بر سر بی جا صحن ساری عالم وجوده و رود ایدوب نمانت اید ندر  
سبب کدای جبرست و لدی در شفا لایند خلایق بویله بر مولود و کسباده  
دخی سجیده قاطع شهود اولدی دخی بعض ثقاته و اصل مع تبیین اولد و لدی بویست  
معزولا استنواله وصول بولمقین شمس یات اید مقتول اولدی فی رمضان معزایام  
فترت و اختلاله ظهور اید احوال و رجب با سایه مدار استظهار اولوب  
موسی علی و قعه سی کونکر اکتخا اولد کوسه علی غایبگی غایب اید کار و اولدی  
فی شوال تقریباً عام احدی و عشرین و الف حدود دنده فرمان فرمای اید غلیم هند اکبر  
ست آه اگره نام تحکامه ساحت شهود دین با و اولوب علی الوجه الاختصار و ار  
تحت شاهی اولد سلیم لاهورده بولمقین اوغلی خسرو به تکلفانه بر سر سلطنته قرار  
و تاسیس بنیان دولت یار بودار جاسنه بدل نقبینه اقتدار ایدوب بدر بنه  
اطهار حقوق و ترک مراعات اسم حقوق ایگه ایکی اید صکره سلیم شاه کزیده سیاه  
اید و اصل تحکامه اولمقین خسرو مقام مضاده قیام بیکر علو آتش وار  
و کبر فکاک اشره بیسته اولوب اولی خلف بد کردار فدا اید برادر  
خزم بیانیخه ناز قیام و حق اخوت رعایتده ایتام نام ایدوب خسرو و خلف بنی  
تلف و لغد غلبه شمس ایکن بعد ایام دفع فخرم قصد بله فی سوخته شمشیر انبار  
و سرحد هند اولد کرناک نام معقل عظیمه فرائی ایدوب اخذنا خسرو و ایکن سلیم شاه

طغوز سردار سیاه اولد و کبر بر اری بر ویزی دخی دم التیاده و ایدر استیصال اعلام اید  
سال است و نمین خلایق سلیم غلیم خاموشانده بقم اولمقین اوغلی سید بر سر شاهانه  
قرار ایدوب بشنجه اید مذهب باطل شیعیه میل اسنادیده سید سنان وجود و دل خواب  
ایاد عدم طرد و ابعاد اولوب اکبر شاک مقدما جرحه نوش مرک اولد و انبالا م قریه  
اوغلی باب نغمه زار جابر بالمش نشین ابوان فرمانبردار اولدی مساعی اسباب اقبال و  
کار اید و توبیک سن جوانی اید بخصیل خلوط نفایده مکب و انواع محراب و سینه  
مرکب شهوت یرست اولوب مهام سلطنت اید بقدر و غافل سفینه  
لا بعقل اولد و غنچه ناعدا خرم شاه مدار حل و عقد مور جمهور اولد اصف خاک و اما و لغز  
انک ارشاد اید کامل و سکر اید صکره بر سر علی غلیم اول یک قدر کزیده عکس اید و اصل  
اولوب با استغراب التردن و دین کزیده قرار و خرم شاه زریفت مشکای سلطنته  
قرار اید اول بر کشته روزگار کنا رسلا یقصد قدک صکره بر قاج محکمین کد و بید مردم  
و متکرانه بیست اید و غریبان صورت اید وادی سباحته وضع قدم ایدوب  
استیصال ملک باینده اید و در جاسنه خاک درگاه مراحم دستکاره و وبال اید فی شوال  
محض خونین ناشی اوضاع کونا کونی سبیل و لخواهی اوزر دخی اولمقین سباحه کنان  
جواز و بمنزله ابرار نه حقوق سوق قضایا اید اندن هنده عازم اولدی وار و قد اختلال  
ایمال مزاج ملکه وجود و یریلوب دائره شهود دین با و اید بیلر سر خور قره احمد اغا و  
ولایت مهر اولدی فی ذی القعدة سانی غلبه یات و اصل درگاه اولمقین غیر معلوم کناه معاکبند  
جزیره قبر سنی و اجل اولوب بعد است شهر مظفر عفو و عنایت شهنشاهی و استنواله  
عوده اید و در یقه تلج و بایه ای اوکد صاحب الصدرا یوان صدارت روم اولد گوهر  
بحر معارف و علوم برادر سعد ختر محمد قندی بودار و حشمت مدار و در یارانه سفر  
سفر ایدوب پیشگاه جامع ایل ابوب انصار ایدر مهمان سر خوان رحمت برورد کاری  
اولدی فی سادس شهر ذی الحجه و سینه بهارنده فیودان جعفر یات آق ذکرة حقوق بود  
اطریه و اصل اولد قد کشته بوغانده بخدای الحق اوزر ایکی حربه فیودان جزیره النعمین  
اول جانبه اید سکا غنیمت اولوب مساعده عنایت مرسل الراج اید بر صراح بکیز  
اوستنده دشمن کیزینه ابر شید بر مقدما ملک و ربای و غامز یات زاده عید الرحمن



برینہ جاتوب نایزہ کارزار شہزادہ بار اولیٰ خطبہ نہادند مہر معجل کون نقد جانتار  
 و دار السعاده جندہ قرار **اولدی** انک زخم خوردہ شکار نہ بودان با صابون  
 ضرب نمیشد شجره الش اکین دشمن کیستہ آتش و شوب قلیوندم باشدردہ  
 ابرنجہ قیالی و ترکستہ می محرق اولدی برینہ دخی یالہ کتجد احوالہ و لش ایدی بر مقدار طراحہ  
 قرعہ کبر و دار اولوب بعونہ لک فتح و ظفر مغرر و لیجن اولدی افت تارہ اوغریوب  
 کند و یہ دریایہ القابدن بخش کسن قدر کافون ماعدہ شہزادہ اولدی شہزادہ  
 بلند اقدار حضرت قندیلی باغچہ و وضع و سادہ اقامت اندکری ابادہ سلاطین نام  
 برستہ زارہ لری بستہ ساری وجودہ وضع قدم اتکین دل خرمی بلج اغانا ایدوب  
 برہفتہ جاور کلی فام سام ایدوب بوسا ہرہ غرابہ بت کسیر غلام اولدی و غنی دیدہ نور  
 فراشان دیوانی فضا و قدر اولوب سیایان زمین طباب افتاب عمود الصبح ایلہ  
 انراستہ اولنجہ عموما سائل رباوہ اولڈ و در و قصور شمع و قنادیل بلہ ترین اولوب  
 ہر شب حصار زندہ اکی بوزدن زیادہ طوب انور دی فی صورتہ لکن بوکولعب  
 و طہوہ اشتغالک در عقب کما مشاہدہ اولوب جب علی دروازہ سی خارجہ  
 مثل کورانیہ وارنجہ بکاب بطول عرض ربع شہر اول اور سوختہ نازقہ اولوب  
 اوسناد کار کاہ تقدیر نو ہوسان روزگار انشا لوق صنعتن کوسندی **بہ ہول**  
 مغر اللال خلق عاریتہ دور ہم ایدوب سوسو لخم گفت و کویدا اولیجن عقد زبا  
 عالمانہ ملاحظہ سیدہ وار اندوہ قنودہ خانہ در خوانہ دولتمندان زمانہ کہی شدہ اولوب  
 کاغذ شاف آساطر آفندہ ساری و حرمین محرمین و معدون ماعدہ عموما مالک  
 موجودہ بو حکم جاری **اوکدن** ربع الاول قنودہ نک دیار رومہ ابتدا قدم سلطنت  
 سلیمان خازندہ غالب عام سنین و تسعائہ جد و دندہ اولوب نیچہ شہور و اعوام  
 دیابست کاک تمکار بو الفضولان روزگار **تہرام** بالابر مطن و دستا ابلہ متواری  
 کنج اختفا اولوب اول مستورہ الیکبر کجہ زہ فاش سادریاہ القا اولنور ایدی  
 تاکہ نہر بجلہ شہ و کدا اشبقتہ روی زبکینی و فریفتہ بوی غیر بی سحر بر تجمالی ارباب  
 مذاک غدا جانی خاصہ مغلوب برش رجعتی و زبون افون قرہ حصار اولان  
 بارانہ مادہ الفوج حیات جاودانی **اوکدا** و ایل عہد احمد خاندہ در ویش شایا و او

بہ قدم قنودہ  
 رومہ

نصوح

نصوح باشا سدا بواب مساوی وغیت سبک بہانہ سیدہ قنودہ خانہ لری یساع ایدوب  
 اربابہ کسندہ روم وغیت تیمید لم بروخی توبہ نصوح اولوب دیور جای فتح و فتوح اندر ویدر  
 لکن اول بچار لک سوز و کندری ایلہ نصوح و نیاز لری کار اولوب ہر بریک کجہ فرو  
 دست شمشیر صافہ تاثیر اولد فجد را میداری کاشادہ بولمش **رعدہ** عام سبع و نشتین  
 خاندہ ر قنودہ کلک بدایع نکار اولدی و غنی اوزرہ شاہین کرای کہ میدان کارزار درہ صر  
 ہول انکیر نہایت و انک **مشاہدہ** سی و بران ساز اسناد صبر و قرار  
 اولوب اہمراہی نجت نامساعد سبتزہ کار ایلہ پانہادہ و وادی قرار **اولش** ایدی الی  
 بدی سہ ہرزہ کرد کو جہازار مذلت و خواری اولوب جانندہ نیزار اولیجن نیاز خاک  
 در اقبالہ بطوع و بوال ایدوب لصلیہ ردوسہ ارسال اولدی **یون** دشمن جابر بار  
 کین سرخ سران بداین نقطہ وجود بدیوی صفحہ شہودن بابود اولیق لکون سنی محمد  
 اولمق سلاطین کین اسلام بہ واجبات دینہ اولوب خصوصاً امام اعظم ہام کرم  
 حضرت یک فرار لامع الانوار لری برق سندن برو رخصتہ و ماجدین نیچہ سہ کفر ایدو  
 بنادہ ہشت آبادی قلیش بد معاش است تغلبدہ استر داد ابیک مقتضای ہفت  
 سلطنت و لازمہ علومت ایدی سبب الاسباب جنابک راوت علیہ  
 فتح باب ایدوب طرف روانہ سرخ سران اجمعی اخباری و اصل سمع شرف سہ ہر ایدی  
 رکاب شرف انتساب بد مقدم وزیر اعظم کشور قصد بدہ رفیع لوای غمیت و آن  
 اوزرندہ سرخ سرانی ازالہ دہ صکرہ مناسب ولد و غنی محمد سفر ہابونہ طفر مقور نہا  
 کما یغنی تدارک و انام ایلہ امور اولدی حسب الامر سردار طرف سکدار سہ کش  
 اسلام و ہر امرا شافا ہم مقام **اولوب** روم ایلہ محافظہ سی خدمتی جانیلا زادہ  
 اولدی فی ربع آلاخ و زیر بارک قدم قائم مقام دیوانہ وار و بی کون خلق عالم معلو  
 دکل سبب ایلہ سلطنت زادہ محمد شایا و جلالہ زادہ محمد و بوسفایت و مستاری  
 یات ردوسہ ارسال اولوب سر ایلندہ موجود اولڈ اجاس و نقود بر باد وادہ دست  
 صادرہ اوکدن **یاد** کہی نیانہ حضرت لری از نگیدہ دہ کس شیع عسکر اسلام و سردار  
 تحکیم صکرہ سمت رجوعہ مالہ لجام سوروب سکدار وصول لری کونہ جہر قتل  
 غیب لای ترتیب و اکی خطوہ رودہ برکشہ العاصیہ صدقا و اعدا ترہیب

قدم شہین کرای  
 ویش شد

سرداری محمدی



اولدی فی جاذبی الاولی قلعه و آن قصد ابد نرسد و بار بکر حافظی بر تفضیلت و میر  
ارض روم خلیل شاه به جوید و کردان وادی جنبست و خسران اولدی و فی خبری بولدی  
سردار و اصل اولمین سعای خاطر و سرور اولدی به ساری سوغ خسته از کجیون جلده  
خطه جل و قار و لنین اوزره اولان جنبه توجیه رایت غومت اولوب ایام فائده  
میر میران شهبانو غای ماسای کشته تیغ غدر و جف و خسر و ایت کتدی سبیل  
انغان طعمه سبف اولدی فی جاذبی اولی قلعه بکتابت شیه آیین و بریندی اوزره بی ادبانه  
حکمت اقدام و غلوی عام ایضا بطریق کوسه انغانی و کتدی ایکی آوا صحرای حسن و لام  
ایدوب سردار و فی قار بری بولدی رفق سودا سبله هجوم اندک زنده لجه غفرت عسکری  
موجیز اولوب قصد برین نه کند و رده و تجول و باقظاف و ده اقدام ایدیز فتنه  
اکتیزی نجه لری اقدام ایداده شرو شور و تقبل و اکتدی شهنشاه جم و جاه خبری  
سیر بر و سار و سبله غم راه ایدوب از نیقه و اربجای کون قاضی جوجم  
جیت و دستار بده و روان حصار و بردار اولق مختار لری اولدی بی بر و سار  
انداز سعادت اولد فتنه التی کون استبول طرفه نگه بر ضمیمه صفا سیمه اید بر بعض  
ار جیف اخباری انکاسیلد جانب برون سمت مراجعت شتاب یوریلوب  
غیرت افتاب اولان خورشید جالری ساری عامر سکا ننه قبض نور سرور اندوکی  
کیجه یک صبا خنده مفتی حسین افندی که مکرته به کتک نامیده سبکبار نفی و اجلا بلا سینه  
منزل اولوب سلف کربلای کیمی افندی مقام قدیرینه اعاده یورلدی فی رایج شهنشاه  
همان اول کیجه سنا بولاق جنبی اولان مخدوم ار جند لری سید محمد افندی و فی قهر  
تغریب اید تغریب اولوب بی با شرت اسباب دورا بواب محض سونق  
ایله باربران حکم و امضا بوضعیف کم بصاعده عمده ایتامنه تجمل و لکن بوشینه جام  
سرورک ظهور صداع خار غریبی آبی نامنه تا جیل اولدی افندی امواج کج و لاله  
نویک دست و با ایدرک کویک کیجه طله و اصل اولد فتنه غوشه ما دته نایل اولو  
حدائق سلطانیه دن فلورینه باغچه فربنده و فین زیر زین اولدی سده احدی و جنبین  
خامنه بعض احتمال ایله اتباعی بعدا استبدان بنش قبره اقدام ایدوب بی نقد و اهتمام  
انجن یکنایه من اید و فن اولش اکن آتیش خاکه نیک اندک لری صدر سینه سده ک

سفر و

بر روی باختری مفقود اولدی و فی مشهور اولوب دعا و ثنا ایله علی کاله اول مقارنه ایت  
و تکیس و سنگ فرار نفسی اید مکانی نجین اندر نور اید صریحه حطب خرون  
و طول غم استبول ایدوب قیو جیلر کتدی اسی نضوح بایت اراده انغانی بولور ایدوبنده  
استقبال و درگاه سعادت و سکاها اصال اید بی شمشیر خونبار ببطامقد  
اغداره رحمت و بر سوب کتدی و فی رفاق کون افتقادن صکره ایتک مضیق  
فنا ایدیز انغانی بازار کوبی نام مقارنه افتقا اید فی جنبه آلمیه اید و خرم وجودی  
خاکستر اولوب نیجه یلدر وادی نکلنده نکل اندک زنده فوق سنده و صکره اید  
قیان بر کتبی قارگاه ایدیز و عارف اید صبا جلی محمد و ده سنی غری غفده عاشره مشا هر کت  
سر و بارینه غم طریق عدم و اول کتیب ساحه سنده غالت خانه طحده وضع قدم  
المدکی باغچه سنده سردار محمد ایت طرفه ننه بانسده با شرت اولان قصر  
حوب طرح و خوش نا اناه قریب و منظور نظر تحسین ناظرین اولد فی شجیان  
قرال له حمیت فتنه و فادی ریشه ایدوب هموان طرف شهبان اید اقدار ایت  
و انقیاد اوزره اولان افلاق و بغداد و بوده لرینه سیک انداز اذیت اولدیز خالی  
اولمین سلطان دشمن شوز و دوست نواز حضرت لری اولان بد آیین سوخته آتش  
قهر و کین ایدوب دار و دیار بی تخریب و مدار استظهاری اولان رعیت و عسکین  
تغریب ایتک کیجه بدر قه اقبال روز افزون بر لدر اندر نه جاننه توجه همایون ظفر قوت  
یوروب کتدن ایت کار فرمای سندن فی قایم معا اولدی فی ناسخ سوال صحرای  
نازگاه مضرب سرافات جلال و جاه اولد فتنه غروف و اید قیو جیلر کتدی اسی سال  
اولوب حاز قصب سبق مضار علم و ادب سید صحنیغ سبب نقیب لایزال  
علا شیحی افندی قضا کتدی که نامیده استبولدیز طرد و ابعاد و انقروی سید محمد افندی  
رتبه والای نقابته اصعاد یورلدی فی ذلعه کتدی نایندیز شکایت اولدیز اورنه  
بوسنای کیشی اولان جلا و بدیزها و تمام خدمت سیاست ایچون ارسال اولمش  
ایدی وارد فتنه مقام حکومته نائب جدید بولوب جانی به بدل اولان کتدی شهبان  
ایکجه قیودان جعفر ایت بوسنه سینه ده طو ثنا اید فتنه و کزه نامور اولمش اید بیام  
بات با شرت اولدی و فی خدمت ادا سنده عجز و قصور اظهار ایدوب ظاهر احوست

افندی قصب لاله افندی



بودند طلبکار و اولین جعفریات نام مقام اولی نامیده اند و دعوت و قبول و قبول  
منصبی میرا خورشیدین انانیه عیادت اولندی جعفریات و ارند اسکله سندن  
یعقوب بنشاشت و جود صفای درون ابد و روی جهان و اصل و یحیی برام  
است مقامه ابقا اولوب محافظ بودین خدمتی جعفریات به تعیین او کنگه درجه  
**شاهان** بلند و از طبع عاقله یاری له والی کی محقر شکاره تجرک شهبال غبت  
ایمن استکشاف ابد و ب خصوص مقدمات اول جانب استی اطوار ذال الجوز سال  
اولی است این انظار فند و ذالک زبان عاقله صورت کمال الحاد و امثال اخباری موصوف  
یانه سر بر دولت مصر اولین واقع حال مقصدا اولی صلح و باقیال خدمتی مدتی است  
اولوب روم الی زغا و ارباب بنامند و سارون الشمس یک قدر کز عیادت  
اول صوبه رسال و مستقر تحت جانب توجیه البونجه و جلال و یورلدی می محرم  
مقدار دوسه سال اولی و زرا فرین عفو استکشاف اولوب و اقباله  
عوده مرض اولی درجه بازه باشا شیر شیره غذا اولوب محرم غازی مراد است ابد  
همچو ارزا اولدی می استنبول قصاصند منقصل رجب افندی اریه لغی اولان  
قره فریه دن بعضی و او خواهر رکاب سعادت است به نایبند رفیع رقع استکا  
ایکین نصیح و عوی و ترجیح جانب صدق مداد و مقدم منار رجب ساقه نفی و جلال  
ایله مظهر خطاب تری العجب اولدی قدر نایب حضار اولوب برات و می  
اشکار اولمش ایکین صدر بنک خلاف کبر کی ایله اطل بایده صدور فرماز یکین سنه  
ناخبر او کندی رجب الاول است این انظار اولی له ایله اصلاح ذات البین و محافظه رعایا  
طرفینی متضمن صلح راحت بخش عدا و ب ایلی اید درگاه مجد و اقباله و بعال ایلی  
در ترضی است و فی بعد الاسترضاء تقبل حاشیه بط جلال است اید و ب ایلی  
اولی روم الی محظوظ جانولاد زاده و وزیر مظهری است ابالتکاهی اولی صوفیه به توجیه  
سمند غیبت استکشاف جواد الاخر سرانیده احترام واقع اولوب استکشاف  
شهر شهباز غصنفر و اولی کنایه سردار مقول اولدی در **صدارت** روم در  
مقاوم جشم افندی نامت کاه دنیای بی بعد از کف نظر غبت اید و ب دیده  
دور روضه جنت اولدی بهجا و روزگار لغی حق کردار تلکیم زهر مار شیر خوار

اولی در **صدارت** استکشاف اعتبار به نقیب الاشراف ایکین حسد و بنهاد اولی  
دارالامین حرم الله حاشا اجل اولی علامه شیخی افندی بحر قلم و معارفی امون  
در بای رحمت برورد کار اولوب اولی کوهر کان علم و عرفان حاکم جده مود  
مسئور اولدی و فی خبری حقت اثری دل اجایی سوخته انشالم واضطراب  
ایکین در **رحمة الله علیه** فکرم شکیب اولدی و فی اوزر که وزیر اعظم بر سنه  
مقدم است و ادبند و فتح ملکات عجم مهاتنی تدارک و اعداد و احوال اناطولی  
جانبه گذار اید و ب نامور اولدی و فی خدمتی جلیده بی تصور ادایه بدل مقدور  
ایلی بوجانیده و فی مهام قلعه کیری و لوازم کشورستانی بموجب فرمان سلطان  
قدر کعبه و زیناده حاضر و آماده اولدی قدر ضربه شهرت به انجم سیاه خرنی  
بعد الاستخار روان شیرین بندگان است و ادای ناخبر اولمش و تبریک اوزر  
ترتیب طوع و علم یوروب جنمهای رزنی رکن ایله صحرای اسکدر نمونه  
نمای نقش اثر نیک او کدر فی شهر مصاعفم جابون مقرر اولی غنای کرای  
خارج حال جود و اولمین منصب غازی کرای او غنی عیادت کرایه از زرا یور  
فی قائم مقام سیرام است استنبول محافظه سیده نامور او کدر ترضی است سفر  
قائم مقام اولدی شیخ الاسلام محی قندی حسب الامر الکابو سفر جلیل الاثره  
اقبال مثال ملازم اولوب رکاب شرف شتاب اولدی بر روم الی  
محظوظ جانولاد زاده مصطفی است عکرمور شمار برله اسکدر ادره اولی  
همایون و اصل و عواطف علیه بنان اولدی اسکدره سکا سکا  
کو کب بختی مشک اولی ایله غای یکین درگاه عا اولوب کتخ اسکدره مقرر  
اعمال بایشلی خدمت سیده سیده ابقا یورک ماه شوال در رقع عرو  
برله نفقت همایون واقع اولوب عمو عالم مال دیر نام مقار و ک خدمت  
شیخ ایله مشرف اولدی بر **زین** منزله بر صولکامانده اند و کی احوال و صولق  
باشل و زریک کلیدی جباب جو بار شمشیر است او کدر فی شوال **زین**  
نام منزله امام سکا اولی افندی رعایت خاطر کون سیده سیده  
و اما سید بولش جلی به خلافت قانون شکاف فقه ادرنه قضا عیادت یورلدی

مک



سیدی غازیده انطولی بکری که کورجی محمد شاه خد متذد اوله فرزه بکزه او علی نام اردوی  
 هابونه احصار اولوب بار سرون سبکبار اولوب **بولو او** نه منزله فرمانده معزول  
 طوطی حسن شاه مقدمه زمانه حکومتده رعایا به اندکی ظلم و تعدی سبب کفر و سرکشی  
 شمشیر خونبار اولدی و ایلچاخی روز فیروزه کورجی محمد شاه انطولی عسکری بلیه  
 رود اساور بای شکر حضرت اثره و رود او بکده فی الفقه **سی** نه منزله فره اغاج  
 قاضی نامنه ملا فخری جرم و گناه کردنه نهاده حکم شمشیر اولوب فراری اول یار  
 خفته زار نگاه اولوب **قید** خانی نام منزله فرمان امیر الامرای اوله جلب علی شاه  
 رعایا رفع رفته شکایت ایکن بر سو و ازده سی طوب جو کانه تیغ بران اولدی  
**والی** شاه کوکب احمدیات جبال شفیقده منکن شهاب و غلری نامنه اوله  
 دور زمان بدنه هی استیصال کورجی اول جاننده سوق رجال ایدوب قلع بقاعده اوله  
 بدنه شهاب ایدانه شهاب ایدنه معن او علی میر علی عسکرین یرشانه و کندی  
 علف شیران ایکن بدری میر فخر الدین زهره تراک و ترسانک اولوب میدان  
 جنگده تیغ تیغ هنوز خونبار اولدین جیل شوقده پنجه نام برغان و آراکده احمدیات و شی باز  
 جانشین کچی اوزرینه سوزیلوب بشنه همه الرجال ایکی تانمانده اول غارتک واره  
 طرف بالا دیر روزنه اجاغبین بخلص مرغ جانده جسته جوب نام صوب مغایره التجا ارد  
 بر اینده صکره کند و غفلت وجود دیر نیزار و نایا طالب زنه ار اوله احمدیات  
 اول فوج کسکارک برده سنده اوله صیدا و بیروت و صفد و جبال شوق و شقیفه  
 بسطید تسلط و استقلال و کندی در دولت نوال شهر باری به ارسال ایدوب  
 صحرا کسکارده ضرب جفته وار سوزله و غی ایدوب و اصل مسکر جفته اثره و بونجی  
 باطنی او طبعی اکامفر اولش ایدی اور دوی هابونه حضرت معزودنه از آله ایدوب خط  
 قطعی حاجاب وارد اولغین قائم مقام بیرام شاه ادا خد متذد شمشیر ساعد ایتام  
 و جفته سی اوج کورجی است میدانده مشهور دبد انام ایکن فی طی مراحل اولوب  
 قونیه به واصل اوله قده عهد سلطنت محمد خانبه فتن شهاب بدنه استیقا باکاسند کورجی  
 غمناکه و قفه غمناک خانبه صوباشی اولوب مرحوم مرحوم اورتی مسجد دیر قله به  
 کونور دکلر فخر عرابیه بیکه میرش بکده اول جالده خارج طور ادب نیجه اقبال و افعالی

مال غازی  
معن

محمد خانبه برشته اقبال داغ بر بالای داغ اندوده و مال اولش ایدی علی روحی روس لاشتهاد  
 رفته جلاده تسلیم رفته انقاد ایدوب اطوار کوجیده سی خواستی استیقا بکده قونیه ده  
 پنج روز اقامت انشاند کفر و شمشیر سیاست اولتی ایدو ای مقتضای ریاست  
 یورکده صدق مقالنه اعتماد اولوب بعضی باریان بورقنده نفاذ دیر جاری نام مقام و وضع کای  
 آرام اولد قده ایمنه رخاوان جوهری زاده تهمت شرب و خمر ایکن کفر خاوشان  
 اولوب بیشکاه بارگاهه جسدی انداخته خاک سیاه اولد و غی لیل بریده  
 بر کشته ابله و طاقی کردون نطق او کندی کذا رقتنا ائکده مشاعل التها بده و مشعل  
 خوابده اولوب عالم اغیار دیر خالی اولغین رفیقیم به اختیار میانده لوله و کجای حقیر  
 کشت تیغ فخر اوله بیجای به به قریب فروزان اوله مشعلده اشغال دکل و بوضع  
 غریب علم ریشانه ایکن دیر بونقل تیرد قیصر صحرای سنده نصب لوی فکری سا  
 اولد قده و قضی بایشان الفاسیلده ایجاب موجب قاضی اوله بر سوی کوک دسل  
 زاده احمدی سرت سلفه شهادت اولدی فی **خان** معزول جابک کرای  
 استنبوله وصول بولمچی اور دوی هابونه وارد اوله حکم جهان طاعه بنا عابو غاصاره  
 ارسال اولوب بر اکی ایدنه صکره انده حقیقت انده دین بر زمین اوکده دیر تفری  
 بایشان ابله از میر قاضی توفیقی زاده محمد افندی بیلنده سابقه شقاق و منافره اولغین  
 زحمت و اظهار بغض و عداوت ایدوب وجود دینی دانه شهود دیر نابود  
 اند بر **صحرای** سیواس مضرب اوطاق آسمان نطق اولوب بکر مرکون اول مقامه  
 طرح اساس اقامت یورکده **فارس** بوم وصولده سحر ایت و طغی غا و زینا ای  
 حرم هابونه سلطان بدنه حقوق عمو مارکار کاز دولت خدمت تهنیه او آسند بدار  
 اند بر **دی** محمد نزل بر نوره معزول بیکر یکیدون کسکی علی ایت اور دوی هابونه و  
 اولوب مقدمه سلوک تدوکی و ادنی شفا تعابکده سنده مظهر فخر سلطان دهر اوکده **ارو**  
 ابنوه بستایان حدیقه خاصه دیر بر سفید اوز و فر و امل خطه سنده اولوب حکام  
 اطرافه خط هابونه نامه تحویف و تطبیعی متضمر جط و لبر کبی مزور کاغذ اربصال و بطریق  
 کینه مالی مالامال اندکی موعوض در اقبال اولغین اخذ اولوب منزل منورده  
 سر هوار سی بوده جو کانه تیغ خونت نام اولدی سردار محمدیات بخش اوله سفر بغداد

فوت قاتل کرای

وزارت بخوار  
ای

عجیبه



بهائی اعدا و یحون جلد نه غم و بار کرا دوب نامور اولدوغی خدمت بر سنده صرف اوقات  
انیش ایکن سلطان بلند مکان حضرتی روان جانب عطف غافل اید جکری اخباری  
تغایب بنگین مجددا ارض رومده و فی لوازم و مهم ندر کی ایکن محافظ ارض روم  
خلیل یا شایه روجه سنجی حکم شریف ارسال بدوب دولت روز افزون ایلد غم جان  
خبری اصل اولین عکرو فی او اطرفه خربک سمند غنیمت ایلد منفراتند کذا راند و ک  
دم کتخدای بوبان شاهین اغاوس طبعه خلیلانی فی رسوده شمشیر کلک کرا بیک  
بایده وارد اولان خط هابون مصوبه علیه بادرت و انجمن او جیوز قدر سوار ایلد  
ارض روم جانب تحریک جناح مسارعت ایلد خلیلانی ایسه حکم قضای غافل ارض  
فریده ککش کونبد نام محله نصب جنام ایدوب نامور اولدوغی خدمتی اقامه تمام  
اوزره ایدی وزیر اعظم قرب وصولند خیر اولین قدم اجلال ایلد استقبال ایدوب  
مرامات شرایط مهمان نوازی ده بذل مقدور و جناب وزیر بکان بکان عرض  
دفتر مساعی نامتکو ایلد خدمات سنده سی فرین نجین اولوب منصب  
حیات بی ثباته مغول و دولت شهادت موصول ایلد ایسم منصب محلول  
یکریک کویک احمدیایه انعام اولوب شام ابانی سکه اریایه ضمیمه غایت  
بی غایات اولدی هم اول منزله امانت بودین میر اخو کیر بوضوح بایست زاده به اولد و  
سلفی جعفریای علف تیغ تلف اتمک خزان اولوب شاهین اغا میر اخو و  
انک محلولی اخو جوشی صالح اغا مسرور ایلد نویسه قاضی ایستاد خاندی خصل رضای  
یادشای ایکن سخط الهی اقتضای بعض امور اقدام اتوکی بین الانهم مشهور اولشیدی  
لازم غنیمت الهیه طهور ایدوب مغولا استنبوله وصولند صکره سیوا سنده کلن  
توجو باشی شهنشاهی حسب الامر کمار قونیه به کنور و ب سربازارده صلب  
و جان جاتن سلب ایلدی جنوز قیوجی باغی اول سنه خانه فتح قضا کوزک ایلد  
نامور اولوب تصادم موج بحر موج ایکه سفینه وجودی بابود اولد و وزیر اعظم ارض رومده  
یشکش و نثار لوازم عکس طفر شکاری تدارک و احضار و صکره سبکبار رکاب  
دولت انتسابه روماله شتاب ایدوب بایر دفر بنده سنور او ده سی نام منزله سر  
تقبیل دام و اجلاله مقرون و ایکی کوه صکره سنده ارض رومده عوده نازون اولدی

ایلی نام منزله وزیر اعظم عمو مسیاه اسلام ایلد ریاست سعادت ابانی استقبال ایلد  
روز دیگر اسکا درون التمش برنجی منزل اولان صحای ارض رومده ایکی دریای سکر طفر نزل  
موجیز اتصال اولدی محرم ششم سیواس بیکریک بیسی نلی علیات اول منزله طر نزل  
اوردوی هابونه قلعه کوب طوبه کتور و ب کلن جرایم سلفی متابع بند جسته استوار  
تیغ انتسابه کذا ایلدی کلک سقا باشی و جانش زاده و اشق کچی نام سربیه با مظهر قشدر  
طفر شعار اولدی هم سرحدون افزون اولوب روان کچی طفر قلعه به سنجی ایدوب  
تکلفه محتاج اولمغین عسکرون ایلی یک قدر آدم اخراج اولوب قدر کعبه دفر زاده  
خزینه و اغولن اید ارض رومده توقیف اولد و اول خلاصه خلعت وزارت ایلد اطلال  
اولان سحر احسن بایست خدمت محافظه ایلد نامور اولوب ماه جنور ک کمر کویک  
ایکی نوز یک قدر عسکر و کچی اشق عدد بال غیر طوب و بوز دفر زاده شاهی منزل  
ایلد متوکلا علی اید غم کشور سرخ سران کراه اولد و طلی لامل اولن التیج منزل طفر روان  
سیرای اولوب مافکار دیر سی و بیکله شهنشاهیافته اولان محل مضرب اوطاق کرد و  
نطاق اولین سنوف عسکر چه خانه دن نازمه و کورک و باروت و قیل نوز و کون  
برداری شب تاره انتظار اوزره آرام و قرار اولد و کچی صغر محلول کچه قرمنور زاده  
روشن و اطراف قلعه مشاعل انجم شمار ایلد فرین اولوب برج و بار و جی  
اوزن بیدار ایدوب و هر سودیده کشتی انتظار بیک ایدوب جی ساعده کچی  
دلاوری سبل روان کچی قلعه جانبدارینه روان اولوب خلد شیان مرحوم سلطان  
احمد خان زمانده سردار محمد شایه قرقچی کونده وارد بی محله اندامتره باشند ایدوب کلن  
بر مقدستره بیداید نجه طرف دشمنان ایتلان طوب و تفنگ دانه لری ایلد نجه  
افاده خاک هلاک و برقاج یوزی زخماک اولوب طرف سطلان  
قرقر البشیر غوش عطیه مج و حله مرحم شفا ساز اولدی دورت کونده اوج مشر  
کشد رکب ایلد خندک کنارنه و ایدوب روان قلعه سی تخنیا ایکی سکی لری قدر  
اولمغین طرف غنیمت ایلد طوب دانه لری جانب شرفیده عسکر ایچنه دوشناید  
بر هفته روز شب ایتلان طوب طاشی اجزاء دیوار حصار تلاش و دیروب منهدم  
اولان محله ای اعمال الحایف بحمل سله و لبک شارسه اندک لری کوشش ج حد مفید اولد و غنیمت



فتح روان

افتاده چاه نا امیدی اولوب ایلام محاصره دن سکنجی کونده برج و باروی محاصره آوازده  
 الامان عالمکده و اول صدای غم زدنم بدل نموده اهنک داد و کیر اولدی بچه  
 صفی خیر اول کوزه وقت ظهرده ایبر کونده اوغلی طه کاس قوی خاک کتخاسی مراد کتخا  
 احسن انزرجاسنه خاک در افکالده رو مال ایدوب مسولی فرین حصول اولد  
 روز بکر ایبر کونده اوغلی دخی محرز شرف تقبیل جاشینه بطلان مکار اولوب  
 نظا هر اندهب باطل رفض و ای دوزخ انداع و ایکی یک قدر با نایکده سلطه نظر  
 نشانه اتاع ایبر کونده یوم مقدمات طرفه زروانیه امدادنه کلن میر فلاح  
 بشالتی یکده زیاده بر سار و سلب سر ایدله شاه کراه طرفه غنیمت رخصت  
 و بریلوب اول فریق بی توفیق انشا طریقه بعض ستوران بارکش غارتنه اقدام  
 اندکاری مودض خدام ثربانظام اولغین استیصالکجه کون کوجک احمد پاشا  
 ارسال اولدکن شامت غور سبیلده پاشای بنور دون جندان نتیجه بخش  
 ظفر اولمحق هنر ظهور انیموب مرد و لیر بایسته دام شمشیر اولد که مهاب  
 شیبید و احکام فرین انام اولنجه اون بخش کون دخی ارام سور که صکره  
 اون یک قدر عسکر ایدله منصفی پاشا نامزد خدمت محافظه اولوب  
 ماه ربیع الاولک التخی کون سلطه بنور روز عدد و سوز حضرتی عثمان انکیز  
 جانب تبریز اولدی بخری ربیع الاول امیر کونه اوغله حلب و مراد کتخا اید  
 طر بلوس شام بالی عنایت اولوب ارض روم طرفه ارسال اولمش  
 ایکن نهاد رفض و اتحاد اوزر اولوب سلطه اهل سنت حضرتی اطات  
 انقبادی قضای ضرورت ایدله اولغین انشا طریقه سلطه جهانیه تسلیم  
 روانه سبب اولد مراد کتخا ایدله برهانه ایدله اعداده اقدام ایکن بنابرین ایدله  
 بے ادب رافضی بد مذهب حکومت حلب ایدله ما و اموال سلیمین  
 اوزرینه این تعیین اولمحق مناسب کورلیوب استنبوله اصال اولمحق  
 ایکن امر جلیل القدر ارسال اولدکن خلند مرسوم قلم بدایع رفتم اولد دخی اوزر  
 سعادت و مادیات حرم حضرت خلد ایدله مکه عهد سلطنت عینه لنده مستحق اولد  
 جوا و بریلوتا تبریکه مستند مستقر سرد دولت مصیر این کاه اولد

حالی امیر کونه اوغلی

قلم

فدما کر فنده بسط و ساده ارام اولد دخی کون دار سلطه دن بیام آور فخر و اثر  
 سلطه علی الدین نام بر شنده مانده سر و آراوده سیرایه بخش کلشن وجود اولد  
 مرده سید و رود ایکن حسب لامر اول شب بر طرده شمع و شمع ایلک  
 سلطه نمودار روز روشن اولوب صبحه دیک طوب و تفنگ شنگی اولد  
 بی منور جو رس و هسان و خوی و مزید آتش قهره سیند اولوب در و دیوار  
 و موزون بلند و اشجار سایه اس آفتش صفی خاک و هر برنده بون اموال  
 ظاهره و باطنیه برده نیکو کران جالاک اولدی استانبوله مرده فتح روان و حصول  
 بولد دخی کونک اخت سر و آراوایع سلطنت سلطه بایزید و سلطه سلیمان  
 نام ایکی شنده ایدله هنوز مسافر خانه دنیای بقاوه مدت مسافرتی تمام  
 روضه حیاته بنشکر عودن شهید کام اولدین بکری بشیر باشند بزم عالمده  
 اخلاقی نوش و اندوه غم روز کاری زاموش ایدوب غم داشت برین  
 و جوار فراریدر بزرگوار لنده میل خواب نوشین اندیلر بی منور  
 براری اولد روضه جنت بنایسم ستون سلطه مجاهد منصور ایدله سعد باد تبریز  
 عنبر امیر اولمحق بر قاج کون اول خطه دلاور خطر مل فرار و ارام و جهان شاه  
 سلطه حسن جامع بنده ماعداد و در و قصوری عمو مهاب رباح انهدام اولوب  
 فرو آسا آسمانه سر چکن نازک و موزون قوا قدر سر تا سر زمین برابر اولد او اوج شهر  
 منور پادشاه انجم سپاه حضرتی اگر چه اربیل و فزون طرفه تحریک سمند غنیمت  
 سور و ببلکه کرسی ملک عراق عجم اولد اصغر باجو لاکاه جشن همت صبا  
 فرانک اتیک فراداده دل کاهلری و لشن ایدی کلن وریای عسکر بایانه ایران  
 ویرانه لنده کفایت مقداری زاد و زواده تدار کده کمال عسرت اولوب خصوصاً  
 قرب بهجوم خند سر مادی سدره غنیمت ایکن اول نیت خیر فائز قوت  
 منکله کلمسی وقت اخوه تاخیر اولمحق طرفی معیاره تدبیر صابت پذیر لنده کامل العیار  
 اولوب فرو اقبال حصول مال اید طرف روانه اولدی بخری ربیع الاخر سرحد شور  
 عجم اولد فطوری نام مختصر قلمه بیر اسمی تطل سبایه آسمان شاه اولد فده ارتفاع و شاه  
 جهنم شجره صرف نقدینه همته محاج اولوب فتح و ظفر میر اولد و صورت

شهادت سلطه بایزید و سلطه سلیمان



دوشی محافظه سی غیر اولین عسکر حضرت اشری بیووده انقباضه اقبال و لوب  
 سمت مرآه امانه جام و ماه مذکور کون سکرین کون و آن صحرانده نصب  
 خیمه ثمره انتظام یوزلدی اول منزله و وزیر اعظم محمدیای روم ایلیا ضمیمه  
 اکرام و تحویل و دوش متنبه رفیع کون و انده بعض خدمات تجمل اولوب  
 و بدین اوزرند نظمی مراحل یوزلدی منزله صحرانده مضای آمد خیمه سلطان کثیر الحاکم و ک  
 چه حمای اولدی اوج کون صحرانده وزیر اعظم دخی معکر خیمه انده واصل اولوب  
 اول منزله بنودان حسین یاش خدمت محافظه مصر ابدیه امور و ترفیع معیار انصر  
 یسند روزگار ابد رفیع القدر صدر صدارت روم اولان دوشونز عالم خوز خواج  
 زاده عباسی جلی بهانه قضا قاهره ابد خدمت درگاه مطرود و مهور اولان خاوا و  
 اوج دورت کوندر صحرانده اناطولی قاضی کرای اولان منکر احمد زاده نوع افندی منصب  
 محلول ابد تحویل سند رفعت شاه و سر بلندی ابدوب استانبول و وصوله و ک جامع  
 الصدارتین اولن شرفی احراز ابد سرفراز اولان دیار ابد اوج کون استراحت صحرانده  
 لوی فلک و سایه اوشایی دست تا ابد آلهی ابد طرف مستقر جاده و جلالت امارت و  
 وزیر اعظم اوان ریخی منزل اولان حکیم خاندن و ک شهر ابد اقداری شایع و اول منزله  
 سرحد احوال ابد اولن ابد و بار بکرده قشلق اوزر نو دیو ابد که در خیمه  
 انکشت نای عالم قائم مقام سیرام یاش تعمیر بر بهانه سید و اقبیه و خارجیه حضار  
 جوارنده اولان املک اصحاب و افاق متولین مصادره مبارده ابدوب بی شمار دهم  
 و بنار جمع و اوقار ابد و بر مقدار ابد طرف فانی دیوار صحرانده اوقار و دوسر کند و به  
 و ستایه سواد الوجه تحویل و بعض ملاک بدنده خود مال مصادره به بدل املک غضب  
 ابدوب حاشا الوجه اقد وقف و تبیل ابدی یا شاطر قد زنت مستمر  
 اولان حصه لای غلام اغا غزواف و بده قاضی خلی ابد علی عازم مصر عدم اولن قضا  
 مبر منک توقیتی حلول ابدین محافظه قاهره حسین یاش شاه قریب اولد قد اولان  
 او ابد ادم کوندر و بسمی نیت خلیفه الشهدا ابدردی فی هاوز الاخر مبارک  
 ندیر کفایت یاش رواندیز خود یوزلدی قدر کفایت کثرت تصور ابد خفه فتحه نامور اولو  
 علی جناح الاستیعال اول صوبه ارسال اولن ابدی وزیر مذکور بکر مر اوج کون محاصر ابد

الغیر

اخفیة بفتح ابدوب اطرافنده لیش التي ياره فمخض طلع لري و في داخل خوزة لشه اندک  
 صحرانده حصول امل اول بل طرف دار السلطنة امانه جام بقول املک ابدی علم عالم آرای سلطان  
 از کبک نام منزله طعنه زنده مرآت املک قدی معکر طفر انده واصل اولوب غوز نوازش  
 و التفات خسروانی به نامل اولد ابد به انده اقدار حضرتی شاعب سفاری طرف  
 و تکگاه قدیمی سقوق انوار غوز شرف ابدوب شهرو اطرافنده کمال زینت  
 و زیب و زینت به هفت غریب طوتمار زینت اولندی فی حجب آغای یکجای املک  
 بنودان اولوب استنبول انصافنده قضا صحرانده خلف اولان برادر زاده محمود افندی  
 صدارت اناطولی رتبه و آتسده املک ابدی کاتبی غلام افندی قلم مضبوط اولو  
 حتی یوز غوز شهید شاه ابدی سیاه حضرتی اسم شریفی ابدی مکرمی اقدار شریف  
 اندکی مشهور اولن دیوان کبوان ابوانده باجورده کشکانه مطور و کدری رمضان  
 صدر رفیع القدر صدر ابد قضا صحرانده وزیر خواج زاده عباسی جلی ترک بیمار خانه  
 جهان فانی و غم دار الشفای رحمت رحمت ابدوب و اقد کبراده قرب مر اوج  
 حضرت امام شافعه خطاط و املک ابدی طوفان حضرت یک طرف بار  
 روم بهجت رسوم عطف غلام یوزلدی و آو کثورتیم ست به یک معکو اولن  
 روان جابنه تحکیم توغ و علم ابدوب مرتضی یاش املک به مقابل اولن عسکر  
 اولن واقع حالی در دولت نواله و بار بکرده سرداره عوض اعلام ابدوب ابدوب  
 بس برده حصار و اوقار ابدی املک ابدی ابدی زباده مدت مردانه حکمت ابدوب  
 کفایت مضیق حصار ابدین سلطه کشورتین اولان روح جوانی محافظه شهر ستره به زنده  
 قصر ابد یک کتخاسی ذوالفقار غاد فی برآیه قریب محاصره مشا فقه تملک صحرانده  
 املک ابدی املک محافظه املک بکلوب قلعه روان و ست سبیلای شاه بدیهانه دوشی  
 الطفر شاه بدیهانه ذوالفقار کتخاسی و محافظه ده بولان سوندک یاشا و می یاش  
 و مرتضی یاش نام یکجای ابدی و بر فاج املک و بعض متعین اغا بر معنوی استرقاق و  
 ماعدیه اطلاق ابدوب بعد اتم میم زمام حکومت کلب علی خاندن سلیم املک شاه  
 هجوم ابدی سنان سیاه حضرت یک معکو اولن با این همه که عسکر نوز بهتر اشد  
 بر مقدار ابدی بکلوب طول موسم شاد فی کتخاسی زاده اقامت قضا اتمش ابدی



بر مقتضای غرض سلطنت مجلی کپی ایگاشا جن اغا رسال و عمو انا طوطی  
او امر شریفه ایصال یوریلوب و زردون سلطان زاده محبات و جانبولا زاده  
ایک جانبدار عسکر سوریک ایله مامور اولدیلر و روانه قصد بدی دیار کرده  
سردان دخی منعکس اولمیش بیه قهر قهر آیلده زهره سی و دنیلم اولمیش مدت سرما کمانده  
ایله غاریله طرف ارض روم امانه لجام ایدوب حسن قلعه سنه وار دفعه انا طوطی  
دوره یاز و سبواس و جلد روم عیش کیکر یکیلین بر وجه استیصال رسال ایلده دخی لغتده  
خجسته ناز و صده قریب اولد قنده یام غیب روان تخدیش کوشن جانیکیز  
ناچار اولد قنده اولان قلاعی تعبیر و حافظه ایله سده نفور سلام اعزده ایتهم نام ایدیلر و دار  
دخی ارض رومده قرار ایدوب انا طوطی اسکرین روان ایلده سوره یک یکن اول  
خطه شوم قدوم ایدیز جانبولا زاده مطمن ایستالی سابقه انحراف ضمیری شهراری مقصدا  
اوزن وارد اولان فرمانه امثالاً جو عده جام شهادت برله افتاده خاک هلاک ایلدر  
دار ابرهیم ایست دخی اول شریک نوش و غم ندرک مواجی و اموش ایدوب  
باقی ایست کتخسی محمد ایشا وارث منصب محلول اولدی و قضایه مصری شهاب  
افندی قیودان ایست حسن تربیه سبله سلطه جام جاب حضرتینه انتساب ایدوب  
سلانیک قضایه تحسین و زعمی عرضی تکمیل ایلدی و بد بعضی ارکان دولت  
اوزن ارول حاکمی راقونجی اوغلی مسند حکومتدن رفع و تبیین عابور اوغلی مقامه نصب  
ایکون صدور ایدیز فرمان منتهم الا و غانه امثالاً بودین محافظی مضوع ایست زاده بوسنه  
جمع جنود و ترتیب لشکر محمد و ایدوب کوله قنده ضرب خیمه قرار و بر قاج  
یک منتخب کزنده عسکره طمشوار یکیکر یکیکر بکریا شال سردار ایلده صلوات  
نام مقامه تقابل صفین واقع اولمیش خلال حرب و قتالده ایکی یکیکر قریب کاف و نصیب  
جاندیز بیه نصیب و کد اول کجه عسکر اسلام کمال شادکا اوزن ارام ایدوب تائب  
صبح انحراف طلوعه منتظر اکمن مبارزه سپاهه ناکاه خلاف واقع سردار فرار اندی صدای ایدوب  
اولوب هر کس تخفیف مرغ جان بر جاسنه دوشندی اول محل اطرافه ایدوب درباری نظر  
اولوب و ایلدر سلوک ایدیز تیره حیرته سرگردان اولور ایدوب وحشت شب نارییم  
اجوم کفار و دغده قرار سردار تقویت ایدوب غیب ایدوب اولان غارت سلوک ایدی

بخت مشکل و سربازان میادین دین یاد رکمل اولوب ازک نه طریق خلاص  
مستدی اولد کتخسی کفر ایدیز ایدوب و ستمایه یساری اولان ایدیز ایدوب  
در حرم و دیار ایدیز زنجیر ایدوب رحاب اولدی خجسته سوتد بیه و اسناد تقصیر ایدوب مضوع است  
زاده روم ایلی به تبدیل اولوب و زهره موسی ایست نایاب بودین محافظه سیده تعیین ایدوب  
نوروز خبر و زده قیودان ایشا ایدوب و کزده غیمت ایدوب کریمه ایله سی سنده  
ضرب دست قهر ایدوب ایکی یاره حربه کافر قیون بند زنجیر فتح و تسخیر ایلده حرم  
حصول ایدوب برله رواندیز طرف رجوعه عطف عتار اولد قنده ابالت شام  
میران ارض روم کوجک احمد ایست به تقویت سید ایشا به ایدوب و صا رو خان  
و نیکو سنجی قدری و قبرس خواجه ایدوب تقویت یوریلوب احمد ایست موصول  
رسال اولمیش ایدوب الوصول شاک میر آخوری زینل خان شاه هند ایدوب  
اندک بریکو قیل ایدوب شهر نور طرفندیز عیور ایدوب احمد ایشا زور بازوی  
شمس ایدوب اول فنی قبضه ضبط و تسخیر داخل و تحفه درگاه بادشاه و براب  
ایلی بود قنده دن شاه اکاه اولمیش الی یک قدر عسکر سرخ سر ایدوب مقدم خان  
ولور حسین خان و برقاج دخی خان و سلسله رسال ایدوب مهربان قلعه ایدوب  
اتش حرب و قتال فلک پیوند و غبار میدان کارزار ایدوب طریق آمد شد  
نفس و راه سلوک نظر بند و ایدوب ریح الاخر عدوی کراه سپاه ظفر  
و سکا هک صنعتی مرتبه سی اولوب احمد ایست ضعف خراج نیجه سنده کفر  
کفر ایدوب اولد و غندیز باعد از خمار دخی اولمیش ایکن خفاکه هفتخوان رستم و ستم  
است ایدوب کفرمانه جنبش ایدوب صفوف قریب ضرب شمشیر بر تیر  
ایله متلا اند کزنده عسکر اسلام بوم نایبده حکم تقدیر سبج مان طرف اندیم  
اولوب ککن اول مرد میدان هنروری تقدیر جان و سری است هرا غراو  
نام ایدوب عرصه کاه حرب و ستمدن بر قدم سمت کزنده میل ایدوب  
ساقی بزم عالم با اندیز احمد ایست جام شهادت نوش اندکی ارض رومده  
سردار ک کوشکداری اولمیش ابالت شام ایدوب مقدم احمد ایست ایدوب علی حاج  
الاستیصال رسال اند کتخسی و دوش محمد ایشا بحکم اولوب سلفی کپی نامزد



خدمت یافتن موصل و کربلا و جاذبی الاصلی اعظم اول سرحد و اعدا طرفین قصد  
بدانجا شده اند که در صکره مشنای دیار بکره توجیه رایت مراجعت ایگه  
امدادنده سردار و نقض سناد بدین غل ایلد لغیر و کین وزارت و افسر عسکری  
بیرام بایست توقیر و سوز و خدمت سانی منزلت فاعم مقام خودان مطهراتی به سزا  
کورلدی و رمضان غنور و شکر و روان و فقه سندن زیاده بجنور اولمغین کوه  
و صحرا و جنبهای سفید کون لشکر سرباهنوز برقرار ایکن سردار طرف سکا در  
کذا رایدوب تدارک مهام اخذ انتقام ایکن جانب حلبت سربا به تحریک  
سمند غنیمت ابدی فی شوال **روم** ای صدر استند منقصل حسن افندی راحت آباد  
عالم عقاب به منتقل او کدی فی ذالقعده نانی جاده اعتدالده بر اهل علم اولوب بود  
نامند اولان ظالمک مظالمه سعاد اولمغین انتساب اندوکی حاکمی سلطان  
وردولت نایبه شکایت نامه کوندروب غامه و جامه سیدله سربازارده درار  
اندرویدوی فی خوان حسن سلطان نو الکریر لیدر غایت کرای خان محمد طنت  
غمان خان شهید دیز و آق کرمان صحرانده آرا کیکه کشف جانب حسروا و آو  
بارالیش شنبین او رنگ خانی اولنده سر و زو اتین فام ترا و زیننه در دینده  
به صد و رخصت عسکران تا رصبار فامه الفار ایدوب فان عمر افتاب جانه  
استان را ستانده روان و جمله مالکی نصیب ببا کران او کدی خلاصنده  
خان اردو کا بنده فاعم درخشنده بکین خان دست دیگرانه انتقال اندوکی او کدی  
اشتب ربولغین میدان کین مغور لری لکشته راه شعور او کو غایت کرای  
طرف بگردن ظهوری محتمل اولان غانده به سدا ایکن عسکر به حدیده مست حله  
ایلعار و برادر کر غانده جام کرای و نورالدین سعاد کرای جانب برادر کیک  
بلاد فاعم ایکن اوزی و اورام مهربن بنده قرار ایتمش ایدی که صورت عفت  
کوسنروب همیشه انهار فرصت اوزر اولان فان عمر برادر لری سکا میرزا  
و اوراق میرزا بر شب نازده مست شراب خواب غفلت اولان تانار  
عسکرینه درنده اگرک اجل ابدت بق ایدرک هجوم ایدوب فاعلفه و نور  
کشته شمشیر کین اندیلده ذی کجه مغول سیکار استنوله کیکه تلک هر احد

لازمه سر عسکر به صدور ایدر اهل و قصور بقیه و اسجون اما حقیقده بر دوه قریب  
دو ولایت انا طوبیده جایا سپوده اول بشدن زیاده خانرباسی تفرسی ایلد نظر اولد  
بدو عا ثیری سبیلده ایکن صحره سر ایدر و سوز و جانا و دوزخ بانوس  
اولش ایکن بندلادن رها بولوب اوزی فاعلفه ای خدمتی ایلد خاطر ی مجبور غل  
سر عسکری ایلد اولان دیزر ککناست درگاه مکارم و سکا به خود ایلد امور او کدی  
فی محرم سنه میرمیران قدس سکی یوسف نام ظالم ترکب اولد و ظالم ایکن  
فواص و عوام بغیر عام ایدوب جوامع و اسواق اغلاق اولد و غنی و اصل مسکین  
افاق اولمغین ظالم مزبور لغوشه فاضلی عجم زاده حسب الامر خاک شادولت  
اشیانده روز ناده و ایکسی دخی قیو جیلد او طه سنده بندلایه فاده اولوب  
استعلام احوال ایکن قوز بکچی قهر رسال و کتوب بعض ارکان دولت طرفدن  
والی ولایت وارد اولان کتوب در اقتضای ایلد کما فاضلی بغیر سنده اولمغین فاضله  
جانی مباشرت بادم اللذات ایلد سنده اولوب ظالم مزبور مرده بجانده ناعدا  
کده ابائیلده سرور او کدی کرای مقدما اطرافده ضرب اندکده بکثیر سواد ایکن  
ازاق قلعه ای او کدی ضرب ختام ارام ایدر نو غای تانار دیز خدمت دعوت ایدر  
ازاق حوالیسی کما لغین ماسقو قزالی امداد بیلد بر اکی آرخا صردن صکره قلعه ازاق شیکا  
نیجه استیل سنده و شوب کب مال رباب کفر و ضلک صنوف اموال ایلد  
مالا مال اولدی فی صفر احوال بعض روانده مسموم کد که نیجه سنه دن بر و  
اول طابعین سوا حل مالک سکا به غارت دن صکره ازاق لیمانده بر قاج  
کوزن القای لکرا فامیت ایدوب ادد کد اموال سلیمنی صورت اسلحه اولان  
نام نصف قیمت ایلد صکار و بونلار دخی طمع بکسیله و ایکنه اختیار ایدر شوب  
کیدرک آشنای ایدر ککری بیکانه لری خانه لرنده دعوت و ترتیب مجلس شرت  
ایدر اولمش ایدی لاجرم غیرت صاحب شریعت ظهور و ناموس دینین  
شتر کلین دارد و بار لرنده دور ایدوب وجه و ایدر جمیع و تحصیل اندک کری  
اموال خینه تحصیل اندک کری بولدر لغت و شتر شمشیر خونبار علف و لیاندر  
کاری مدت العمر زامت و اسف او کدی مردد که حکم قضا و قدر و فراق شقیای



نظم فتح و ظفر او یمن هر بری مقدما آشنا اولد قدری خانه به تکه خانه نازل اولد و از اوق  
وامواله نه بعد اهل و عیالی دخی جوزن لقمه اذخا و صاحب خانه به خدمت و پادشاه  
اعمال ایکه هر کس که جان کند چنین آید پیش صحرای ریت اولد فان غرداد  
خوابانه خاک ستانی بلند مکان رویال نکرده و هه صحرای سنجای توجیه و تونو  
توجه اوزن ایکن به سبب ظاهر سیراب زهر استمیه تشاب اولد  
کرای سطره اثره مامور ایکن منبر سقیم طاعنه دور اولد و غده نه مامور بوکونه وضع  
کنایه آید باعث کدر سر حسیه خاطر عاظم سلطان اولوب سلطان کرای  
او علی بهادر کرای صدر نشین ابوان خان اولدی غایت کرای صدر نشین ابوان  
خان اولدی غایت کرای ناچار باب دولت انتساب طرفه تشاب اید  
بوم وصولی کجی بوستانجی باشی او طه ستم نسبتان عدم وضع قدم ایکه  
سیاطین سیاه طرفه سطرنا درست جرم و طکا مضر و ب قلم عفو  
و عطا اولق رجاسه مقصود خانه نام نامه ارسال صل درگاه اقبال و جاه اولد  
سفر بغداد قرار داده اولمین جواب نامه انده و برکات اوزن سینه متبرسه  
دست رد و حواله و کتبی ریح الاول زاده محمدی استنای لطیف حکومت  
مهریه تطیف سورلدی فی ریح الاخر یات مغز لا استبوله و اصل اولمین  
قبول جیلر او طه سنده بر مقدار تو قندز صکره تکلف بذل کدینه خلاص ایکن به خاد اوجه  
کامج و تحت شمرده جوانخت سلطان قاسم صدمه قمر سلطان اید ستم کرم  
عنان جانانه فاده اولوب جد بزرگوار سی سلطان هزاری جوارین اولین منزل  
ایلم عدم و استیلا اندوه و غم پنجه امام عاقد ارمانم استکفی ثوال  
و افسوس باغ سلطنته نشو نا بولوب زینت افزای دستگاه جلال  
و جاه اولمغه نرا اوج نهال تازه رس روحنه اقبال از مده نیخ بیدار سیر بهر  
ایلم غل بهار کرده ارغوان اسافان ببولوب عذارر کیندری کلک کل داده  
کبی شمرده و زکریا امیندری تاثیر باد فایله شمرده اولد باشی کوکب  
حسن اغایکچی اغا اولوب سفرهایون ایکن بستایان و عجایب بشر یک قدر  
دلاور قابو به حقیق فرمانر پور کده شیخی عنوانده شهرت شعار اولد قیصریه

امیر بموجب فرمان سلطان کشور بکر اسکار دوه معکف کچ صومعه فرار اولد ستم  
سپاهار بلند و از اوج مغازی سلطان غازی حضرت لری اجای دین مبین و امامه این  
رفضه طحیدر و ادیسنه مندی اولوب اول طریق سعادت رفیع غم غم غم غم  
ایدی بنابرین بر ستم مقدم وزیر اعظم اعدا و مهام استرو اولد و ایکن توجیه رایت  
نهفت ایدوب مباشرت و کلای دولت روز افزون اید و ستم بولده دخی لوازم  
و مهامات سفرهایون بر وفق مرام قرین انام اولمین بوم نامه ماه فرورده و اچیه تیغ ظفر  
فروغ سلطان قانوز قدیم ال عثم اوزره جیه خانه او کده غزت خوشبخت و در حفته  
صکاه اولطاق کردن نطق حشر و اسکار صحرای سنده طعنه زنه قند لاجورد کونر است  
اولوب یادشاه سناره سپاه حضرت لری دخی حشمت بنوه کمال شوکت و شکوه برله  
متوکل علی احد طرف سکاره کدار سورلدی فی ذ القعد مقام مطمنی یات بو سو خسته  
لوازم خدمت رکاب دولت تشاب اولوب بودین خان طحی خدمتی اوزره  
اوزی خان طحی اولد وزیر اعظم سابق محمدی سیاه نعین اولدی تقوی یات زاده اوزی به  
نقل اولوب اول معرفت اولد دخی روم اعلی البالی اسلطان یات زاده علی یات به روا  
کوزله کاشیخ الاسلام کجی قندیک سفر و انده یمن رفاقی مساهده اولمین بونفخت  
همایونه دخی ساید رکاب سفر انتباه بولمدری باینده فرمان لازم الاذعان سلطان  
صادرا اولد اسکار صحرای سنده بکر طغوز کون ارام و وارون صکره اوزن کوس جیل  
طین انداز طاس سیر برین اولوب علما و عاجلر ساید لوی فلک فساد و شیخی نزل  
اولد از تکبده دک سهریار بلند اقتداری تشیع و بوم وصوله دامن بوس برکین  
سلطین برله شرف قرین اولد قدر صکره فتح و فیروزی رونوی اولق دیاسنی او ایلد نوزده  
ایلم طریقه در کجی نزل فرورده قضا اوزره طلابنه امتحان فرمایان اولوب بعضی مقربین خط فیکر  
اولمین برو سدر مغز اولد حمزاده مطمنی افندی نامل رهنه مرام اولدی صدر ایلد معبد  
احمد افندی مقتضای حیلته اوزره مقابله حضرت بزرگ بار و نه مساعد اولمین خلا واقع  
اسناد و طرف طعنه غر و اف ایلد نزل فرورده خیمه خشمی است و لواشی کجی  
شکست اولوب مدار حل عقد امور جمهور اولد سکار رایت اناسیله سنان اولد  
مظفر غایت غایت سلطان عیسی قندی به فرود صدارت علما و اصل اولد کجی محرم











و مضاف بجایبوی بد قوس و در صکره سل شمشیرت و ضرب طوب ابد بقدر  
قدر جانیه غایت اندید و ز غلظت شاکر بیت حکام التاجده کیفیت رجوع مسکنی انجام  
جام نهاد است اید صدر نشین روضه رضوان اولوب مقدمه ایدری مصلحتی است و اکی  
بغداد ابکن امام اعظم غازی احوارنده نفسی چون اعداد اند و کی مکانده مستور قبر ز نور و  
سال از خیالی چون بوفیر لایح اولان تاریخ در ۹ کلشن جنت اوله منزله گاه اولان زیر ستود  
تدبیرک مال جالندز سلطان محمد الاقبال حضرتی اکاه اولیحتی روضه خفیه دعا اید آسندن  
صکره قیودان مصلحتی است چار باش ابوان وزارت عظمی و رفیع الشان و سکره  
قیودان اولوب سراج سیاه ایتها و عسکر حضرت از سر و اکر اید به حکام  
از قالدیکه مشاهیر شاه بد فتح و طغر بصر اوله مخا بل قزلباش هزار زور و زار ایلدیس برده  
کلی فام شاه اتفاقا ایدوب انجام کار نیجه اولی غفار و دیگر بکن چار صیحه مسلم قتل و بروج  
حصار دن الا صحنه سنی بلند و اسند عای عفو و عاطفت سلطان ارجمند ایدوب حاکم  
بغداد بکتابش خان نوید امان اید خاک درگاه محمد و اقباله ربو مال المکی شعبان و دوشه ایدله  
روم ایلر عیال سنک بر فرقه سنده فی سلسله اولان یایا سکره زور غالی مصلحتی غام و صله  
و بار عده سفر اید زور و بیش غایه رفیق طریق اولی چون قائم مقام موسی پاشا دارد و اولان  
حکیم قطعی فرما جو او کده شاه طرفدن مقدمه حاکم بغداد ایدانه کلن میر فلاح اولی و خلف  
خان و بار علی خان و نقد علی خان و سایر خانلره دفعی بکتابش خان و ساطعیده انا و برلش کن  
اول فتنه لکر و حدیعه به آغاز ایدوب لشکر حضرت اثره ابصال کردند و ضرر زار کنند اوله فکر  
مقرر اولین سنان شید و رافضیان میان کس مقصد بدی غوائل غی رفیع ایتک طرفه  
مائل اولوب مقام مدافعه ده قیام اید میر فلاح اولی و انشای ضرب دست قدر اید  
و اکلای قیو جانیه سور و بلر اولان ساز لکرار رشیده نیازه سر آغاز ایدوب نظر عفو و  
عاطفت سلطان بنده نواز اوله قدر زور صکره شاهلر و کاهنه غیمته رخصت و بریلوب  
کلن روانده سلاطری اید کتمکه یادون اوله قدر نیک ضرری کور لرد و کی جهندن بود دفعه تفنگ  
و شمشیر ساز و دست دار و کبر اید کتمه به اذن هما یون اولمخین اولان بنده اولی و خلعت  
و عواد ایدوب حسب الامر العاکل اول جوابده نیه اتش حرب و قتال اشتغال اید  
اولان یکدن زباده سرخ سر کلشن فدا ده خاکستر اوله قدر صکره اکی یک قدر بقیه السب و اید

خاندان بن قلیه النجی و انانی جلد بیست و پنج از اولین رجال ایدوب یکشنبه روز دوازدهم  
انقادون بدر و صورت عناد ابله طوده کر اولدیلر روز دیکر وقت ظهر ده یازده  
جلا تری برافته دست تحت غازیان شیر صولت اولوب شقه وار شقاق  
و آتش از روز بنقض نفاق اولان خاندان آنده کان تیغ خوناس کز نو فخر  
ایده دست بسته پیشگاه اولاق ایا یونده احضار اولوب متغیری قوجیلر کتخاسنده  
محوس و ساری نصیب نصایا تملک یایوس اولدیلر اول کون بوک بکر خور  
خلیل اغا خرده فتح ایله سنانوله غیبت ایدوب اولاق خسروانه تبدیل مکان و اهرام  
اعظم قایوسی و بنده بطایه اسیران ایله دی ایله نایه ده بکناش خال غم حسرت خانان  
ایله فاخته ترک شمس المال مرد جان ایدوب کتخا متغیله متصرف اولدوغی مندر که غم  
مالی ایله سنانوله کتخا کورستان کورستان خانان ایصال و محوس اولان خاندان  
مقیمه دیار بکر کورستان و سنانوله کتخا کورستان کورستان کورستان کورستان  
حضرت سلطان الیجاهدن دلالت توفیق هادی المضلین ایله بنه قبضه اقدار شیهه یار  
داخل اولوب اهل سلام و دین سرور و شاکام و رفضه و لمجین هدف سها  
و آلام اولدی ضابطه کیچیران کوجک حسن اغا میر میران بغداد و کیچیری اغا خاندان  
رکابدار خطیفی اغا داشت و اولوب قصاصی قصاصی خطیر جال ایله شاه قوی مدرسی  
تذکره جی موسی بدینر کورلدی اول ظالده ارسال با اوغلی خواص وزارت ایله نظر  
اهمال و متصرف اولدوغی روم ایللی البالی ایله وار وار علی بابا قرین عاقل  
سلطان محمد الاقبال اولوب زمام ابالت انا کونکرار کور جی محمد بابا به تسلیم  
و خرده فتح ایله سنانوله کیدر میره آخور خلیل اغا به اوزنی یا منشوری ترقیم اولدی  
برینه میره آخور شانی ابشر خطیفی اغا داشت ایدوب محموله آخور کتخا سی کللی مطلعی  
موصول اولدو سینه به تبدیل اولان میر میران طبلوس شام سها به باشا برینه دروش  
محمد یان نقل و تحویل و اول متصرف اولدوغی ابالت دیار بکر ایله سنانوله احمد اغا اگر ام  
و نیجیل اولوب قریب کتخا حو قدس سها و شانی اغا سنانوله کتخا حضرت امام اعظم  
و شیخ عبدالقادر کیکل و سار بر مقربان درگاه اقدس ایله سنانوله حرم مرقد مطهر و لری  
انار شیهه شیهه درون مطهر و دانه طوب ایله رخنه دار اولان درو او احضار تعمیر



اولوب اون اکی یک و بیغده خوارنات قلعه و مستطینده نما عدا موجود سکر یک  
نفر یکجری دلاوری ابله کنده ایگانش عابداد حافظه سنه یقین اوکده اقتضای صلیحت  
اوزره معاند و یا مصالحه خصوصی و بزر اعظم رایینه نفویض و ضبط قلعه و عسکر ارنده  
بدل نقدینه اقتدار اتمکه تحریض یوریلوب بوم مبارک فخره اون طغوز کون  
بر رقه غوثانال و رفاقت عون ایزد و لجلال برله دیار روم بهجت رسوئود  
اولمق اوزره امام موسی جانبیکداری درکاب هابونده قایم مقابل خدمت سیدار  
یاسا اختیار سورکده رمضان کون عصره قریب بی تقرب بغداد باروت خانه  
اتش اصابت بیکن ناره عالم سوز قهر سلاکانه کش اولوب مخصوص بنورده  
نوعا مدافعه اری اولمق احتیالین کمال امام موساده اولان سرخ سرانی و امام علیدن  
کلن اکیوزدن زیاد قزلباش سوخته نار مشیر عابداد اوکده ایوم الشاهر مشیر  
رمضان شاه هنددن موصلده کلن ایلی که انده توقف ایلد نامور اولوب الفتح  
احضارنه فرمان عا اصدار یوریشیدی تکریت امام منزله عسکر فیوزی اثره واصل اولو  
صلح سر والی ابله جلالت عسکره سلی جانبیکه اصال ولتمق کون متوقه ارساله ایلد  
وزیر اعظم ارسال اوکده بغداد نهفت جمایون غزالنده شاهین درگاه شمت  
و جاهر ردیال ایدیز خلیفه مقصود خاکه اسکاردن ضرب کوس رحلت اولدنده  
در بادن یک اندیز موصله اصال اولمش ایدی ماه دنورک بکر مر الکیچ کون صحرای  
موصل مضرب سادات جاه و جلال اولدنده و عیدی متضمن نامه جمایون رقیم  
و اصال ایدیز نامور اولان عزیمت زاده به تسلیم اولوب مقصود دارا کینور  
بچم جانیه یام اجواب ماری لاماتیمع ایلد رخصت یافته مراجعت اوکده غلط ده  
یوک کنیه بلطفه شاکا بالکلیه محرق اولوب آلی آلان بدل مال ایلد کفار خاک  
بایسنه ماذون اولمغه حال اوکده مرده فتح و فیروزی استانبول سکانه باوث  
خاطر خونی و دلفروزی اولوب تقدیم رعایت مراسم دعا و تحنن و بکری کون  
ترتیب غریب اوزره شهر اترین اوکده بعد طری المراحل بوم اول عبید سعیده  
رکاب زین سمند کزندی سکان دیار بکره هلال شوال شان فیض نور سرور  
ایکد بام اقامده احوال خروج خیال محالیه منظور عین غایت خلاصه شیخی نام

شهادت  
ایم

۲۶۶  
راه هدایه اعداده اقدام اولوب اول خاندان ویران اولدی میر آخواری شریف طغی  
حافظه بودین خدمت یقین اولوب بری قویله کنده شیخی آغابه غایت یورلی  
وزیر ارسلان زاده علیا و فیو غاسی محمد غا غارم کک بقا اولوب  
صد روم ابوالسود افندی نک دفعی طایر روحی طرف خطا نرقد سحر یک  
ایل و بر ایلدی بی زین العابدین افندی ننه سبتد حکیم بشیق رنیه بی  
استقلال اولوب مستبد حکیم بشیق عسکره جلده موزول کیری محمد افندی  
غایت اولان غلطه منصبی دفعی ضمیمه رنیه غوثا اقبال اوکده سفر جلیل اثره  
نوجه یورلدنده خاص و طریقه مقابل نیا و فرمان اولان ایکی قصر خوش منظر ایش  
تمام ایلد جلوه کرسا خه ایتام اوکده قرق سنه دین زباده جامع الفتح  
ارامیکر و انقاس قدیمه بی ترکیاک و خاصیت کسرتا شیر اولان ایکی شیخی  
دود رحلت اباد عالم آخره رحلت ایدوب حجره سی در سنده اولان ساجده  
ابوالیاس منصفی طغی افندی خاری جوارنده دفن اولندی بی عزت کزین  
کنج انزوا اولان سلطه ملک بعضی سلطان طغی سرای سنج و حنت آییندن  
روضه خلد برینه عازم اولوب همان اول ناده موتن السر سلطنت بشیر  
اقترب استانبولده اید اولمقین خلق عالم بعضی احتمالاته وجود ویرید  
واحد علم بی امام اعظم زبده نر بغری ایچون سیم خامدن باب و شباکه  
و بعضی اوزره ترتیب اولوب بغداد ارسال اولندی فی ذالقعده موسم  
شاده اولان شدت سدره غریمت بیکن دیار بکره تیش بر کون فامند  
صکره ماه ذالحجج یک اون ایکنج کون سلطه ارجمند حضرت اوزره کوس جلی بلند  
مستقر بر سلطنت جانبیکه عطف غنان سمند ایدوب دلی اور نام کزنده  
بودیند موزول محمدی اوردوی هابونده واصل و رنیه قایم مقامه بابل  
اولدی فی محرم لشد آلا جاری نام منزله اوزیدنه منقصل نصوصه یسار ایدواض  
روم حافظه سیده نامور و انقوده قسطموند موزول دفتر دار ابرهیم یاس  
خدمت دفتر دار ایدو اولوب تاسع ماه صفر خجده ازنگیده منزله منظر  
تشریف قدو طری اولان علما روم محو شرف تقبیل دست کرم بیست

نویس  
مطقی



اولدیرکی کون صکره قادری ایلدیر بادون حرکت بخاری اولوب بر تور کاب  
 شرف انت بلری استانبولده چشم دوخته است و آه انتظار اولان مخلصان شفاعت  
 روشیایی بخشیده استباق اولدیردی عیسی علی یحیی او فلی نام مرد مجاهدی  
 و بخاریون اون التی یاره قادری ایلدیر سواحل باردون کفاردون بعضی مانکی جارب  
 یغادر عارت ایلدیر و نیجه سواحل دخی بسته زنجیر **ایدوب** صنوف  
 اموال غنیمت ایلدیرکی آلا مال اندکده صکره جن حرا جتده اولوبه لمانه الفای لنگر  
 استراحت اندیر اول حالده و ندیکه قرب سکیزان او نه و یکمید زباده قادری  
 لمان اغین اولوب نیجه ایلدیر طالعین بی دین مجاهدین نصرت قرینه سدره عوین  
 اولدیر متنی **ایل** **خروج** **سبیل** اولان غارت طفر سات باچار کبیری تخلیه بدو  
 و ده وک سلا بیکدون واصل سو کفاردخی پوشش کبیری فخره اذخالی ایلدیر آمانه  
 نامل اولدیر او ردا در خضر حصول مراد ایلدیر دادون عود و سوره قدره بوجیه  
 فیروزی اثره واصل اولوب استانبولده وصول مشیر و لیحن و ندیکه کمال کبیرده  
 تونس کلر یکبیر مبردار طاعت کبیری مقدایق و ان جعفریات دن استشار خضر  
 ایلدیر ایلدیرک دبار اختیار و بخاریه وار ایلدیر جعاله زاده عبد القادر یکبیری نیجه یک  
 سکه از نیجه و غوش ربال ایلدیرکاه عالی رسال و بخاری ایلدیر فخر حسن معاد الحق  
 صلب عقد صلحه داخل اولدیر و غی ایلدیر طفا نایره غضب سلطان فخره الاقبال ایلدیر  
**صدر** **صدارت** روم ابو السعود زاده مرحومه صکره بر مناسب صاحب بونیش  
 ایلدیر استانبولده وصول میر اولدیر قله نای نظر عیال کبیری خور فخره سرزده المین  
 اولدیر و شریف سند صدارت علمای تشریف ایلدیر بیرینه استانبولده مغول  
 جوی زاده شیخ محمد فخر اولدیر فی روم ایلدیر صدارتند منقصل سنه زاده یقینی  
 برزخ ناستوندر منقطع و عالم لاهوت متصل اولدیر ریح الا فخر **فخر** جرجر اولدیر  
 اوزره سلطان فخر شیم هر قدر برده سرور نامحور برده کشور روم طوفه خربک  
 توغ و علم بورد قدره سده نفور و تنظیم امور کون وزیر اعظم بغداده توفیق یوشکر  
 ایلدیر صدقات قوارع آتش افش برده ویران اولدیر و بوا حصار بغدادی بنای  
 شدادی اوزر آباد ایلدیر سارمه برون فخر ارام اقامه صکره کاه ذی القعدة

ایلی

ایلی کون کشور عجز فرموده سم سمند عسکر ظفر مند ایلدیر فصد بلیش دولاب نام  
 نصب خاتم ثریا انعام اولدیر استه رفار ایلدیر طی مراحل اولدیر و در شکله  
 وارلد قدره شاه طفره عفو و احسان سلطان جاسنه اولدیر او یه نام قدره مقدام  
 کبیر خرمیات زاده ایلدیر شاهک میر اخوری محمد قوی و نایار خاد او سنده صاری خان  
 نام ایلدیر در داره واصل اولوب در سلاک جاسنه عرض نیاز مندی ایلدیر وزیر اعظم  
 و راحت رعایا بر فین ملاحظه سبله اصلاح ذات البین جاسنه بل ایلدیر و برب عام  
 تسع و اربعین شهر محرم الحرام ایلدیر دور کچی کولی اسس صلحه سلاک و بر لری  
 مفودات سفر بغداد و روان و کبیر صلح راحت رسنه غوات خرد خانی شغل  
 اولدیر طفره نام ام مولف زده علی وجه التفصیل کشیده رشته بخارا و لندر صفی تده تعلیق  
 نظر مطالعه ایلدیر واقف دقایق احوال اولدیر انا لحظ در حالده میر میران بغداد حسن باشا و نه  
 تبدیل اولدیر مشور حکومت بغداد ایلدیر و بش محمدیات نامل حرام او کدر فراج کبیر صکره  
 خلعت حکومتی طراز وزارت ایلدیر و فی معلم اولوب دار الخلافه جاسنه ایلدیر لجام جعت  
 ایلدیر جل المتین صلحه انعقاد و بر لکدن صکره جنو محمد قوی یک شاه طفره عفو  
 نام ایلدیر کاه سلطان نامه عازم اولوب خور شرف تقبیل بایه تخت سلاک اولدیر  
 فی جاد **الاول** **شیخ** سیواسی اقلدی کارگاه فنادن بارگاه بقایه ارتحال ایلدیر فی جاد الا فخر  
**بجای** **مراج** شهر بخارا تاثیر اب تیره بر لره نو عا انک ایلدیر بولوب بر فراج کونر حکله  
 نفقت بار انفعال باعث توبه و حسن حال اولدیر قایم مقام محمدیات اوزی محافظی ایلدیر  
 بلای طمع حام ایلدیر اطلاق دیوه دخی بغدادی دیوه دخی او غلنه اندر کمر آرزوی دامنه  
 استلا اولوب بعضی موانع ظهور برده نیل مرام میر اولمش ایلدیر سند قایم مقابله و ایلدیر  
 ایلدیر یکبیر شمشیر عدا ایلدیر و ایلدیر شاه اسلام تیره بر لره راحم ایلدیر و برب کی و نه  
 مقابله بکن ایلدیر بر اخور صیغه سیواش غایبی لغین اندر دی مغول بوده ناچار بیم  
 جان ایلدیر وادی مخالفت و عصیان وضع قدم ایلدیر بر کبیر بغداد عسکرین شخون  
 و ریات شوکندین سر کور ایلدیر میر اخور غایبی نظر کرام نام ایلدیر و برب ضروری  
 صد در بایه امور دن استغفای متضمن و دیوه دخی لقی نه کند و به ایلدیر بولوب رجا سنی  
 مخوی نیاز نامه ایلدیر کاه سلطان نامه بر وجه استیصال رسال ایلدیر کبیر بر لره حال بونیه

عقد بلیش  
 عثم

نوت پیروی  
 اقلدی

قرایم مقام



ظهوری نوفاخل ناموس سلطنت اولوب کسر عرض خل فته مؤوی ایدی بادی  
 اولاد و زیر بر گشته اقبال ایدی قدیمه رسال اولوب همان اول کچه نظره فاذن گذار  
 وزیر اعظم کلنج بکر کون قدر حسین باث قائم مقام و کالت صدارت عظماده  
 قرار ایدی بی شعبان نامه رسان شاه عجم محمد نولی یک رجوعه ناذون اولوب  
 امرها بون اوزن اسکندر گذار ایدی بی وزیر اعظم صمدی غالبانه بناسنی حکم اندکده صکره  
 در دولت نواله رویال قدم قدم غنیمت ایدوب بعض مصالح بلکه اقتضای سبیل و بار  
 بکرده اوج آبی قدر اقامت ایامنده مقدما رواندند انارذو الفقار کتخا اوسا بر لرین سر راه  
 ایصال کون شاه پند کمار ایلمی کلدی بنده اول خلاصه هموان امثال او امر علیه ده نکاح  
 و اجمال اوزره اولاد حاکم غیرت اشنی کورد علی و حاکم حکاری میر عابدین دام حسن  
 ندیره وزیر فاده اولوب فرغ روح بر برج بندر زمریده اولدی سر راه سرحد منصوبه  
 او موینه کمال مرتبه نظام و بر دکن صکره عود ایدو اولوب بعد قطع المنازل شرف  
 و آبنوس جلالت نائل اولدی بی رمضان سلطان جم حضرتی شیفته عشق و محبت  
 و دل داده عیش و عشرت اولد فکر اختر زرجبند ز تنفر نوبه و امانت ایدو اطهار  
 نذامت و نامشر بیوروب بر قاج سینه صفا صفا ده جلوه ساز اولان  
 ساغر صفا اوج دورست ایدو پرومات نظر رغبت و التفات لرین روز و احوال  
 ایکن یوم اول عید خوالده انت بمیدانده ناظر سلطنت ایدو سرانیده غالب بعض محبان  
 صحبت خاص الخاص رجاسبله و زاجام بلور بندن یروانده ازده مجلس شاهانه اولوب  
 بلکه سابقه زمین برابر ایدو بس لب لعلین جام کلفاه دفعی اقدام سوریش ایدی  
 روز دیگر در سر خار توبه شکمی بادشاه جمشید منش کل بر می افاده بستر ساری ایدی  
 عاقبت در مطاری روی زیاری تاثیر باد صر صفا ایدو همکونه برک خزان خوشحالی  
 عالم شبنون و ماتم نوحه کران ایدو نجه ایام بیت الاخوان اولدی بی فرور سینه  
 و اربعین و الف انش بادشاه مغفور و الد کثیر الحامد لری مفید بر نوری جوانه نقل  
 اولوب اول کوهر کیمیا کان امکا کیمینه خاک عطر ناکه نهان اولدی ولاد کس سه  
 جلوس سه مدت سلطنت سه مدت عمر سه مجرب نیزه رصف الارکان  
 بیت خدا اولد فلذنه ناعدا بعض آثار خبر با سنده عمر غیرت رسا اولد در حدود

عود و زین  
 اعظم

شهادت

شهادت کربستان ساری وجوده وضع قدم ایدوب جمله ستن طغولیده میل فاذن کیم  
 وزیر اعظم کاغذی بیشتا قتل شده جو کیم حیات مات شده نظر حیات ایدو  
 طکل ایدو شده و شاهی شده حشر و ایدو شده و مات شده قطب شده  
 رجب ایدو شده محراب ایدو شده بر اتم باات شده طیار حیات مات شده  
 شایخ اسلام کیم فندی ایدو شده اسفند زاده شده کیم حشر ایدو شده حیات غزل  
 و شاهی شده کیم فندی

تفصیل و تاریخ عهد سلطنت سلطان عبدالعزیز و آن حضرت سلطان ابراهیم خان  
 و ایدو سلطنته ای القاضی الزمان ایدو و با معین  
 حکم رادت بی علت حضرت رب العزت و شانه سر رتاهنشی داور عالم سلطان  
 مراد خنر یک و خود به بود لرین توی اولی حق برادر سعد خنر لرین توی کیم حضرت خلیل  
 رب جیم سلطان ابراهیم خنر لرین انحصار بر ایدو بخش بر و افسر و کور نور اسم  
 سیکر ایدو روی دیار و در بزم رزب و فر و کور لقب کرا ایدو بله سینه خطاب  
 جار حبت عالم درج الدمه اولدی بی ۹ مو اولد سلطان ابراهیم خنر سبانی  
 علم باغت رقم منشی فقیر میر ایدو جو بر خزانده وکی تاریخ سال سلطنت و اقباله شهادت  
 بر دواز اوج سرافازی مرحوم سلطان مراد غازی انار ایدو بر هانه جمع واد خاتمه کلدی خزانده  
 خنر و اند که بر سدر بار بارک صحنه و کلبه سر بهر غلک لری اولد و غن و قاج روزگار  
 نیت جوبین اخبار انیشلدر رکوشه سنده رسم مانوس اوزره عطیه جلوس و کیم  
 اصحابه سلبم اولوب استیصال انعام بهانه سبله طور ایدو بی خارج وضع و کیم تانی  
 اقدام اتیک متغایان روزگار سیراس خاطر نه گذار ایدو انتقال سلطنت خزانده  
 اشتغال آتش فدا همیشه معاد ایکن بادشاه مؤید غننه حضرتی کیم تاثیر من قدم



شرف تو آخری ایله نشانه بیدار و خود دامن عرض و استیلا ی غارتزار اولوب  
 بلکه در حرم پروردگار سلطنته مستور کنج خفا اولان بعضی شقیان و مز وجودی سوخته  
 آتش فنا اولق ایله تنظیم احوال صد جندان و غنچه آمال شکفته و خندان اولوب  
**ترتیب** ساز بر سلطنت اولد طرفه انواع ناکولانده قلمت اولوب موسم شد  
 شتا اولمقین دریا ابد کلجک ز غبار کباب ایکن بمن قدم شریفه ایل غل غایه تبدل  
 و زحمت رحمت منقول اولوب لکمه تکا هر کوه نعمت فراوان و هر کس  
 خانه سنده برکت خلیل الرحمن نایاب اولوب با و نشانه مغفور زاننده نیک خواه سلطنت  
 کین کوناه بندر سو قله میجو اولان قاعده مقننه رعایت علما و استیلا دعا اجداد بنشینت  
 عهد ندر زبانه مرع اولق ایکن فرمان مختم الاذعان صادر اولمقین آیین دیرین اوزره  
 موزولنه و نظیفه و اریه لق تعیین اولوب علما اعلام اولان اگر امر فتنه انکتاب  
 نادر سلطنت نامه لر اولدی بادشاه کبریا بانه حضرت ندر درخواست بنام مندان  
 اولد رکده سلطنت سید حضرتین آمد میدرز نور افشر خلافت ایدوب روضه الصفا  
 سلطنت دین نورس نهال گلشن چاه و جلال شیخه فروغ زیکه برله معمور و اسب روزگار  
 زور کاری بود و دانا ابد سیمان سیرامند دور ایلیه این **سلطان** ارباب خدمت  
 محافظه بودین ایله امور و حسین باشا قودانلق منصبی ایله مسرور اولوب رفیع کوندر  
 سلطنت ارباب روم ایلی بالینه تبدل و موسی باشا نالفا بودین حکومتی نقل و تحویل  
 اولد که در القعه غلطه خارجده کور کور قیوسی فربنده بر کجه آتش سید اولوب حسب العاده  
 وزرا و یکجری طفا سنده اشتغال اوزره ایکن باهر ایزد و جلال و بزر اعظم تاثیر باب  
 شعله باروت برله آتاک و اوج آفر قاده پستیر ساری واضطراب  
 اولد می محرم شد **صدارت** رومن متقاعد مولانا ملا احمد زاده نوع افندی کشتی  
 وجودی غواب لجه اقرباب رحمت انشا می اولد که او **عند سلطنت**  
 مراد مانیده بشناخی باشی بلقدن وزارت رنبد و لک سنده اعتلا ابدن مصطفی  
 حکومت مصره سر کور بکوردوسه او غرقده انده مجبوس اولان پهن کرای  
 حسب الامر و غنچه امید خلاصه نایوس ایکنی جاد و قیود و از حسین قوه و کزده ایکن  
 اوزی محافظه سیده امور اولوب کریمه و انیس و ول جین ایله دارنه اسکله سنده

تاریخ پهلوی

قوه به پناهاده و سلطنت اربابش اغا انک مقانده قرار داده اولدی بی که سلطنت  
 پیشین انداخته حبیب ابطال اولوب نام نامی شهر باری ایله جین جید و جید  
 ایله شهر و بازاری مالامال ایدی و مصداق **دست** و یابسته زنجیر بقدر اولوب  
 روم ای صارتده بند لایه گرفتار اولان میر فلاح اوغلی بر حسب فرمان سلطان افاق  
 قید جانانه الحاق اولندی فی الحقیقه **حافظ** اوزی حسین پاشا اراق استیلا چو در نظر  
 بدون سر عسکر اولوب خان و قیودان و فی اول خدمتی اتمام اتمام ایله نامور اولد  
 می محرم شد **آه** عجم طرفه ندر نهینه جلوس جاکون و نشید اساس صلح را آتودن  
 ایکن تحف هدایای کونا کون ایله ابراهیم خان نام ایچی قدم و درو مال درگاه پادشاه  
 کشور روم ایکن فی ربیع الاول **چشم الجیسی** صوف نوازش اید اگر ارم و غالب انک  
 رجاسیده امیر کونه اوغلی اعدام اولوب مسلی بانه ارسال ویدی قلده  
 مجبوس اولان بقیه سبوت سرخ سر دخی انکله و طندینه اصال اولد که **ایراق**  
 استیلا صند نامور اولان سران سیاه امور مهمه قلعه سمانده قشور تیمیوب  
 اوج آیه قریب ترک حضور و خواب و فتن بر وجهی ضرب طوب  
 قلعه کوب ایله اکلنده روی تراب انبند ایکن ارادت بی علت می  
 قیدر نیمه فتح و شجری وقت اخذ ناخبره اقتضا ایکن بی دسته ایله طفر  
 عود مقر اولدی فی رجب **خان** فریم بهادر کرای اراق سفرنده مر بضا عود اید  
 کرشی ملکئی اولان باغچه سرای نام مقام وصول بولد قده مدت جل حلول ایدوب  
 منصب محلول بهادری محمد کرایه نر کور لیدی فی شعبان **یکجری** میدانده اولان بارو  
 کارخانه سنده به سبب ظاهر آتش سید اولوب اطرافده قریب و بعد  
 اینیله رفیع شرف انهدام و دیوارده اولان جابلر خرد و عام اولد که  
**باز نیم شب** و دعای سحری نایاب اولوب ایله عرقده شنه اید سلطان  
 محمد طرازنده خلعت وجود و خواننده سخته شهود اولد نور و کدی  
 فخر صلب را بهیمن تاریخ ولادت با سعادت پدیدر حمید سنجاعنده رعایای  
 جور پیدا کراندر صبا نیت بهانه سبیل جمع سکنان و تکابوی وادی حبیله  
 ایدر قشلی اوغلی محمود نام شفی دانه استمال و حسن تدبیر ایله قاده

نقد و تحسین

حافظه اراق

نوع خان

ولادت سلطان محمد



وام شجر اولوب اباصوفیه سر بازارنده هیت واسلو بیل مصلوب اولدو فی اول  
**شجر** بارگردون وقار حضرت عیانت حضرت سرور دکاره استظهار و  
سلطان زاده محمد یاسی سردار ابوب ازان استخلاص چون نهته ادوات  
**ب** و قتال و طرف برو جانب بدون عسکر طفر اثر اسال سور لدر فی القعد  
او به تبارکان سلطنت و اقبال شهنشاه سلطنت سلیمان بنور افشهر بود اولو  
سیر رازی جاده و جلالت خضر نیک سازه سینه رینه فیض نور سرور ابدی بی محرم ششم  
**شجر** غالب دولت مراد خان اولاد سید رحمتی است که وزیر اعظم سی و اقد  
مقدار و هم ایلی التند طمشوار سنجاقه تبدیل و شمشیر قیالی زوالند صکره اعلی دان نایه  
نقل و تحویل ایله اوج مرتبه امانت و تبدیل اولمش ابدی وجودک ذنب لایقاس  
علیه زنب اخ خطابه نظهر اولوب جلالت نهاد ادر نه بوسه بانی بهشتی بهشتی  
بر قاج کون طمشوار قلعه سنده بند بلای حبس کفرار اولد فخر صکره دایره استبدن  
دور و مزوجه تحت ناله شب و اه سحر دن خلاص اولد و غنم سرور اولد که  
**ش** عجم صنی ماه صفرک اون دور و کج کون طرف دیار عدم کجک توغ و علم ابد و  
بدی سکر باشند عباس میرزا ام فرزند یاری نین تخت دار اوجم اولد و غنی خبر و اصل  
اولد که شهر ریح الاول کمال تقید و اهتمام شهر باری ازان محافظه سنده اولد کفار  
تبه روزگاز باغت و برای اساس استوار صبر و قور اولوب و ارک اخباری  
انتش ربولین وزیر اعظم طفرند علی جناح الاستیصال احض شد اولاد رجب اسال  
اولوب بعد تحقیق انچه و آور مراد درگاه رفت دستکاهنه روبال و اول خانه  
خرا بر قل و بروج اسامه غرضی افکنده روی تاب اندک صکره یقوت کتد کدی  
**یاسال** ابدی بی شهر ریح الاخر فصل خزانده اندک باران ایله بد لغت کوک  
صو و آدینه طرف کوهدن مانگاه شانی نامعمود سبیل عظیم و رود ایدوب بعضی نیه  
مهدوم و بی آدن جمع معدوم معدوم اولد حتی طاعن دریا به القاندوکی استجار  
بلند و بالاروی در بانی جنگ تانه دوندروب وقت ظهر یک و اکب بجه حرکته  
یکدیگر اقدی ایله اقی دکره کبدند باعدا سبیل خورامواج سواحل اخراج اندوکی اخشاب  
خارج دایره حساب ابدی بی سردار محمد یاسی جانب بدون و طو شمای هابونه ایله

ولاوت سلطان  
سید

کمالی

نیزه و غیره ازان

سید غیب

غیب

یالک کج طرف بدون اراعه داروب بی متابع و فراحم داخل قضاة شجر و کمال استکرام  
اوزره نجه اندک صکره در دار و مستحقین یقین اولوب ز غنم دفع فراحم کون در  
اعظم القاسم لیل بعد العود سر عسکر محمد یاسی ضمیمه خواص و زاری اولاد اوزی ابالتند و  
ایله نامور اولدنی رجب برو کوفه سی نفس شمرده جای کبیر لربا و ایدوب  
قضاة و حکام طمع خام یک کفالت تعوض ایدر ابدی جلالت مغول خواجه راده  
بروسه قاضی اولحق مقتضای دایره اوزره بود وضع منکره رضی اولوب بعد انوش  
الشعر بر محمد کتب بی تقبیل ایکن وزیر اعظم طفرند غول و نیکی ایله تبدیل اولد  
بوجهر عدت اثر برو سیه و اصل اولد و غنی کون شهر خلقی باقی اوج کتبه حیدری دینی  
برباد و قصر ستوار حکم شرع مطهری معور و ابا و غنم بی بیام انهدام کانیس وزیر  
و کبر ایدوب اهل سلاطین اخذ انتقام استیصال و وزیر ایدوب سکا و مصر و  
مغول شجاع اقدی ای اسال ابدی مقتدر بر فخرای الامور معذور برو سده اقد  
عقد تحقیرش ایدوب هدم ویران خیزنده شجر ساعد ایتهم ایدر دن نیجه متابع و علما  
وصلی فقر ایدوب ایله دیوان هابونه اید اولد اگر چه وزیر بدست جمله سی اقد  
نیت انتمش ابدی کس اجموم عام جو فیله اول کمال دون دلخواهی اوزره اخذ انتقام اقدام  
ایده مبوب مع نه غایت بایکن اذیت و اضطرار رنده بدل اقدینه اقدار ایدر خواجه راده  
غل ایله تبدیل اولد و غنی آتش فخر و کس بدایینی شکین انیمو لغی و اطلابه قرار و برش ایکن  
عون برورد کار امضای غنیمه برده کش مانعت اولوب اما فصل شمرده اربعین  
و خمینی باغی سنده کج مک ایله جلالت اربعین جکد روی و کاه و احرم دستکاهنه شاه طفرند  
مقصود کمال ایچ کلوب کماکان آسوده حال طلسیایا امان اولد و جاسه سنده سر نهاده  
خاک نیاز و عواطف علیه برله قریب اغراز اولد فی شجاع وزیر اقص تدبیر صواب  
دید ای اوزره قیودان سباوش ایست رفیع اولوب بر سینه به قریب اول مقامه آخر  
کس نصیب اولمش ابدی یالک کج منصب محلوله موصول اولو کون وزارت غنایه  
اولد فی شوال خال زاده محمود استا عدا صله ایله معکف کج انزو ایکن دامن جلی  
خاکد ز فدا اولدی فی خروا بیت نامه اولاد فخر مملکت منمن قاضی اجموم عام  
دانه کفرار اولوب اطوار کونو هید می خراسی استیفا ایدر شاداب ریاض



دولت شاه  
مقام

سلطنت مستزاده سلطان احمد بوسنه عالم امكانه شكفته و خندان اولكه پي  
دنيا كچه شاه ايلچي سي موصود كاصنوف نوازش برله مقضي الام اولوب مسلي جانسه  
موده اذن عالي صدور ايكده در درج دولت شزاده سلطان اوزيب و زينب  
منظومه وجود اولكه في قرحم سه والي و بار برك مقصود باصواب ديدوز اوزن مهر كوت  
تبدیل ابد اكرام و نجل اولكه في صفر صلب محافظي اولكه نضوح شزاروده وزير حسن شاه طوكتكانه  
كمال غنفت اوزره حركت ابدوب حسن كوكي السنه ناسده وار و و كمان نهياك  
كمال شكر ان اجبار وار و صادر و متواتر اولمغين و وزير اعظم سوخته نار اندوه و الم  
اولوب قهر قدر نيست و عوضی شكست ايتك اكون ركاب هبابونه حقدده  
كونا كونه اقرا ره اقدام و با شايخ بربوري از مدته شربت فلفل طبيعت غل ايله  
نكاحام ايكده چونكه توجيه منصب خلافت ابدنكي ديكر هنوز ادايه مجال اولمش ايد كمال الشفا  
حلفي اولكه مير اخور سباوش اغانك سلمه اول اوردن صورت سديم كوسترمكن شكم  
تاري بدرقه راه فرار ابدوب استنبوله وصول بولچن طرف سلطنت عبله نضوح شاه  
زاده سبواسه نقل ايله ارضا و حكم اولينه امضا اولكه **سپاس** سبواسه و اراده  
مير بران سابق كور خيذار نهان اصدار اولكه فرمان سلطان اوزن سپاه كينه خواه ايله راه  
زن اولوب سنانده و متهورانه اقدام ابدنكي حركت كندوبه موجب ترك علم فاني  
و عسكينه باعث بريش اولكه بومر نه دن صكره نضوح با زاده دني وزير كندوبه  
شبه كبر اولد و غنچه متنبه و ما چاراد و خواهانه استند دولت استبانه متوجه  
اولوب منازلده رعايابه حرام و بذل ككارم ايدرك طلي مراحل ايكده بويام بارد و سعي  
وارد اولچي لكشته راه شفق و مشيت اقبال اعانت صدور اولكو اولي كمان  
جبين حال و اغدار نهيت خروج علي سلطان و مدعائي شيت حل راقده مني خوتنج  
فرخنده ايله اقامت برهان ايتكيز فريان جليل القدر سلطان اوزن طرقي غنچه صدر اكون  
يكديگر ييكديگر قيسي و اركنكده عسكار سالي ايكده كوشش ايدك لکن اولسل كوه انداز  
اولكه سده عافت چلكمكن اولوب اركنكده فريده مقابل اولكه كره ايوه  
اكثر بن بر حمله سخت ايله ديار عدوه و اصل اولوب اسكندران فريب بلغوري حيا  
سيران ديره ساي نام حمله نازل اولكه و واسطه شهر ربيع الاول بوضع بولچب نوعا

خارج

خارج طور اوب اولوب خوار صاي بادشاهي ايكده مستوجب سخط الهي  
ابدي اسكندران كذار ابدن عسكرو سرداري بر حمله ايله نار و مار ايتكمكن ايكن روز  
ديكر علي السحر سبكبار به ايجاب و موجب غم راه فرار و بعض سوا ايكده اولعلي وار  
قد رادم ايله ملاحظه و خاست عاقبت روم ايلي جانسه كذار ابدوب جهان  
اول خلافت ادرنه بوسنه باي بشيسي مياشتر تيله اور سيجي مضافتند نام محله  
اسير دست تغذيه و علي روايه بر غوسه كلنكي كون طبعه شير شير اولكه  
اما نقل اخرا وز اول نام ايله اخبره كمان بر غوسه افتاده فاك هلاك اولوب  
بيچاره حسين باجاء دشمن جاني الله كرفار و انواع سکنجه ايد غم روضه دار اقرار  
ايكده اولدنه آت بخت و يربلوب برادري علي بيك محو ك مواد  
فساد اولق تهميله جايه جانه عاكر و لجه رحمت نامشاهي الهيمده متوارك  
اولكه محافظه سنده اولكه مير ميران كغه سلام بار قاچ بيك كرنده لشكر  
نالانكر ايله بويك رابت غنيمت ابدوب ديامافره دكر سوا حلفي عارت  
ايدن تراق اشقباسي فرار كاهي اولكه بيهك اظه سبي و چركس كرمانه و سايه نام  
حصار لر حربه شمشير جلالت برله شجره سله اسير بي اطلاق اندو  
خبر بهيت اثری سرت بخش خواطر اصاعز و اكابر اولكه في صفت سنج غنچه  
معزول ذوالفقار ايتا وزير غنچه ستم و زار ندرن و ايكين اولدنه تا حاك استند  
دولت شيانده رويال ايتدنه تا اوزن اولكو فونيه اطرافنده ضرب نقطه  
قرار اندو كي وزير بد تدبيري خلاص اضطرابه دوشور و ب ايتان خذ بوع  
به بان و قبرس بالقي ماي انداز ايكده ياشاي ساده دل كور غنچه  
غافل بيك قدر رادم ايله خيره به فربا ده وضع قدم ايد بيك مقدمه وار و  
اولكه فريان جهان مطاع اوزن فلاح حضرت دخول برله نضوح ايتك  
قبو و ان ياكه ياد في حسب الامر نافذ سفاس ظفر فريان ايله مانعوسه لمانه القا  
لنكر فرار و مواجيد عرقوبيه ايله سياره ذوالفقار افتاده دام اغترار ابدوب  
در دولت نواله ايتال ايتك اوزره بدك كينده تعيين مكان و ايكی كون  
بذل صنوف نوازش برله صدر نشين ايوان اطمینانه انيمش ايكن بومر نالنده



استاد من گمرو و غا... جل و بدنها و شنگها... بیدار و او را در حکم جهان مطاعه تا عاشر  
شهادت اسفا اولو باغی از سر قدم کرده غارم درگاه شهباز بلند اقدار و جسدی  
مقیم کنج آرزو... او که جادو... راندن مسموم و کمر تن به سرفرازی و انوار  
نحوی قدر در پادشاه قرارید که صکره فودان با اشارت به تهنیت و کفایت و کوشش در کمال تقیید  
اولند قد و قد و قد و قد... اسفا روان اولند به شکیبایی برانده امواج طوفان خون فلک  
وجودی نابود و بوجال عبرت مال مشاهده بی هتار ملک در دلبس بر آتش دو  
المدی **مناظره** از بی محبت اوج ای مقدم اسما دولت شبانه خود ایدوب  
هنوز جلوه استرح استیضاح کن دفع خاتم قصد یله خدمت محافظه شام ایدوب  
نامور اولد که **چرب فودان** بات ای آید زبانه روی در پادشاه کشت و گذار ایدوب  
بر بار ای برتن و ای طارنه و کس قدر سیر ایدوب در دولت مصیره و اصل و نوازش  
و عطایا طو کانه بینا... او که **شنگ** است... کشته است... قهر نه حواله برج اوزر زنده  
بناستند فرمان عالی صادر اولد که تهنیتگاه به مانند طبع مطبوع و طرد لیست اوزر آتی  
تائمه قریب تمام اولوب باروشنای چشم هر ناظر و نکته کم ترک الاول لاحز  
یس پرده فغان رونما و ظاهر او که **نعل** الهام الهی بر لبه دانت باناک  
قلب پاک و ساهیده رونما اولد که تهنیت ایدوب ایدوب اوزر رکاب ایدوب سفا  
جاده اعتبار طراز وزارت بر لبه مطرز و کمال تقرب ایدوب موز اولوب ایدوب  
کوندر صکره سلطنت و حل عقد امور جمهور مدار او که **شوال** حاکم قامت جاده  
زیب استعدادی اول ترفیع لطیفه سوار اولوب از زمانه ذات شریفی  
دین و دولته لایق نیجه اعمال خبره مصدر و عا و نایب مظهر او که **نوا** کلشن غزوات شهنشاه  
سلطان صراحت بر لبه افاده خاک عدم او که جادو اجدی سلطنت احمد بر سر سنده  
آسوده ممد لحد او که **ذال** قهر ظلم و عدوانده فایق الافان اولد و غنچه تهنیت تهنیت و زبر  
اوزر روم ایدوب امانت تجربه مباشر اولوب معاند خدمت روم ایلی یکدیگر کیس  
اولد فایق است کنگ عتو و طغیان ایدوب تهنیت ایدوب صوفیه تهنیت تهنیت تهنیت  
محمد افندی به اختیار ترک منصب و جاده و رفع رفته شکایت کوندر غم درگاه  
پادشاه کیس جاده ایدوب بوم و وصوله مساعده بخت و دولت و بهت بعض

نور سلطنت

نور سلطنت

نور سلطنت

مونا

تجرب حضرت بر لبه بر سر سلطنت روم مال... شکایت کنان حضرت سلطان  
کشی ستاره عرض احوال ایدوب هاندم سوک میر آخور عثمان اغار و هم ایلی ایدوب جلالت  
و جایت موقوف جاده و جلالت احصانه قیو جلال رسال اولوب بعد الوصول موازنه کمال  
طرفین لیکن حضور همایونده تسویه حضیض سوک و لایق عقلیه و بر این نقیله ایدوب مولانا  
زبور نور مد ایدوب خصم جادو ایدوب و بر آت و شمع انباده بی جمال  
او که اول عالم سابقا و لاحقا مرکب اولد و غنی نظام عفو و اغماض ایدوب ستور اولی مرتبه  
دور ایدوب صفی مال صفی مال سلطنت محمد الاقبال و شفقش اولیج معین و طهریری اولد  
و زبر بدست برک نضر و نیاز سلطنت سرفرازی امضای غنچه تهنیت تهنیت تهنیت  
ایدوب ایدوب ایدوب و عمل بری نیت جود حسنات ایدوب ایدوب ایدوب  
و زبر و زاین جلوس سعادت ایدوب برو مسند غزوات صدر استقلاله  
کامین اولوب حکم و فرمان به منازع و مزاحم ملک عثمانیه جاری ایکن سلطنت  
ظهوری ایدوب بازار غنچه ایدوب نو عا کس و کس ایدوب اول فاسد غرض موهور و مرتبه ذلت  
و خوری به نخل انیمو کیت ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب  
علی الا و بر لبه در هم و دنا بر لبه شمار ایدوب کجی حسن اغا به کند و جانیه ایدوب  
بوتد بر اوزر که آخو دیوانده طایفه بکناشیان بی ادبان حرکت و ایدوب وضع قدم  
و سلطنت ایدوب و غنی بعض خواص و مغربی درگاه غزوات جاده و ایدوب سح و ایدوب  
ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب اولد ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب  
حضور و فزاع مال اولد بوجر مکر و نیک خواه سلطنت و ساطیکه مسلح علیه و اصل  
اولد ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب  
ناب بسط مقدما حطا و صواب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب  
ایلی کوندر مقدم به صدور فرمان ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب  
سلطنت ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب  
موقوف امگاه حسن ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب  
مغوری حضور همایونده قالدروب غار و خصوص اولد مکان کوندر یک لیکن حد سلطنت  
داخل اولیج اولد کشت ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب ایدوب

نور سلطنت



حاضر اولاد است بهر سوار و به شعورانه با نهاد وادی و از اولاد و اولاد  
ایله سرایینه و اصل اولیجی کمال حیرت و اضطراب در روان سنی است و زعم  
مقام مقابله و مقابله قیامه کوشش است و اولاد که متعلقا و خواشی بو کوفاده  
افداند ز تحاشی اینکین با جار تبدیل جابه و دستار بدوب شکرانه صورت ایله  
بام حرمه صمود و بیم جان ایله رکوشه و در طرف خارج الفای رحل جود  
ایله اول در کردارک فراری مع اثر شرف شهر یاری به واصل اولیجی لجه غضب  
سلطان متکلم لامواج اولمغان کرده بنوه بستانان سدره که بزیر کون دیار  
موجر یکی سرای و زیر جانیته آتوب داتا و ادا اطرافی احاطه بمشاید و زیر  
مغفور کوکب اقبال عاوی دولت منصور یکی سافط اولیجی اول جمله حاضر و لاف  
یکی سبانی حاشا شریک است سلطان و لوق سودای تاجد امنه قیاده اولای بیانی  
کرفنا و شکار این الوب کنش کنش که غم درگاه شهر یار دولت مدار  
ایله سرور و به خون آلود دست بسته و یا شکسته هر جانیته نگاه حیرت  
ایدرک یکدر کن خواجه با چار شوسنده طریقی حسن پیکر ایله فایوسی اوکنده  
سپاهی باشی غم متقاضی اجل کمی ایشو بسطی ملائکس کردن جا و زیر  
جانی به بند کند ایله یی شکار الفادر القهار جسدی بر قاج مرتبه تبدیل مکار ایدر  
بر مان قیو فر بنده مال حرام ایله ارض مقصوبه اوزره بنا اندکی ز به سینه  
و اصل اولوب نیک و بد علی ایله دین زبیر زمین اولدگی بزیر و چونکه خود  
بر قاج آدمی طرد و ابعاد ایله تحصیل ستانه استقلال و استبداد لکون اتقا  
فته و فاده اقدام ایدوب ابعاد با عدل تهاکیم موس سلطنت قصد کند  
اعداف باقی نیک است که هوا سینه نایع محو رقیب ایله مالک محو سینه خرب  
ولاغشی سحر بارزاده و ذوالفقاریات آتش شمشیر قهر و دیر ایله  
تغذیه ایش و دولت و اسعه عثمانیه به زیر جراح حمایه سینه اندک بر قاج  
آدمه تخصیصی ملتمس اولوب سائر نعمت دولته ارافد ز نگاه حیرت آلود  
ایتمک ایله غم محنت حاکم جانلرینه تیش ایدی بر فرد الترام مالایلم دعا کند  
عاید ایچانام داری هدف سهام سب و دشنام اولوب هر کس مالکی

ایچونجه وادای خدمت و دعای سعید اندکی بر یکی آرمشدم خسوف واقع  
اولوب خلق عالم منتظر اولد و اثر خیر ظاهرا و لغبین بیا مرمکی واصل س اولد  
بالیدیه بو مغرور زبیر بغیر فقره جارا اولد مهر اقبال و زیر او کد کرفار کسوف  
بوزی اغ اولد ظهور ایدر جمله حکم خسوف و کالت کبری تا بوجید کتخدا ایله لفظ  
دار السلام شام اولد سلطانزاده محمد یاسا به رسال اولدو کتخدا بهت مسند وای  
عام معایه اعتلا ایدری اول شب بر طبره بین الفانین یکی کتخدا سی  
افاسرینه دعوت اولوب مغرور جلا و اجل و برین سوعل اولد  
الاسلام یکی فخر منصب جاندر منفصل اولوب خواجه زاده ابوسعید محمد فخر  
و عابد اب و جد کرامت ز نور و اولد مقام لازم الاضرام مشیخ اسلام  
تشریف یور و یلدره غرور و زیر اعظم بعد طلی الماحل در دولت نواله واصل اولد  
و صولده اسکدار و استنبو عظیم آلائی ترتیب و تقویت ایله اطرالماده  
اولد اعدای بنهاد انداز و ترتیب اولد که غرور محرم سبه بو سینه لفظ  
اولد و زیر حسین یاسا مغرور لاک درگاه حسین و سا اولوب هما اولد  
حافظ بغداد نامیده نظر انور بادشاه ایدر ابعاد اولد که غرور فتنه فن زجر  
و زیر کشیک شکم و موغنی اولوب در نورک صدارت ز صد و راند  
هر کار ده مدار و لعل اعدا و عیدندن تحاشی اینمین طایعینه معین و بایه  
بدی رود سنی و اجل و بعد الوصول تقصیر سمر غرور و خد ز اخلا  
اولدو مایه فتنه و فساد اولد و وجود بدو دین صفی خاک پاک اولد که سبک  
باشا بر سبب ایله مقول اولوب منصب مخلول بدر دوس سبک  
باشا رفیع است و رودوس یا ایله کتخدا زده خواجه نظیر حسن اولد سلطان  
سلیم خل وجودی بهر ایدر بخش کلزار شهود اولوب روضه الصفا بیجا  
سلطان زینت بافته ازمارت و اما اولدی فی و باشا بر لیل حکومت مطایله  
موت و او طرف بخود بادبان کنای غمیت اولد که سبک صدرت روم ایلی  
برادر زاده محمود افند زبیر قرار داده و بش کور و مکره غلطه قایم حسین فخر  
مسند صدارت اما طوبیه با نهاد اولوب مولد شریف جوینده جنگ



التفتد شيخ الاسلام من اعداء جملہ علماء تصدیر ایک کے بجوئی عاصم اغا تین خاص  
 ایلہ وزیر اولوب رکابدر شجرہ انانک دبدہ بختی اول مقام شہر سیدہ  
 قریب اولوب **قبو دان** بکریات طوئما ایلہ اق دکرده ایکن ردوس سجاغندہ تبدیل  
 اولوب سجداری اول مقام اعلی ایلہ بخیل اول کتہ زریع الاخر من وجہ قرقن  
 موقول او بر رویہ مصرہ برادر سہ ایلہ خارج رتہ سنہ موصول اولوب  
 احمد وزیر اعظم ہمت ورجانہ مظہر و محط رحل قاری حکومتیہ موقول  
 اوکے کتہ ای کیو جان حسین انما قبو چیش اولوب علی خلاف العادہ طور  
 باشی قرہ حسن اغازادہ اول مقام صعودہ تحریک فادہ بجلد و شتاب وار  
 کد شکان طریقہ کجا شہر سوختہ نارالم واضطرار امدی فی نچہ مدتہ زرو  
 شمشیر سیاستہ راستہ اولوب کچ کردون عاوش باشی طوراق اغا قراں آبا ایلہ دیوان  
 بلند ابوان سلطانہ زرقہ قدم ثقلت ابدوب خلق عالم شران شرد شور دن  
 این اولد قلمینہ مسرور اولد بکے سہر حادعی لاکو ماضی قایعہ علامتہ کاشتہ  
 قلم ستودہ زخم اولد فنی اوزن قلجہ ازان ایلہ محوار اولد فراق اشتیاق سندن ضرب  
 شمشیر غریب اسلام ایلہ اخذ انتقام ابدن کفہ یکار یکسے سلام ہائ عقدہ سابقہ بخش  
 خاطر دن باشی وزیر اعظم قدامتہ کی ترتیب مقدس شہر و اہتمام کار اولوب حکم  
 حلول اجل قدر سکا صاف شہادت بخوئی ایلہ دفع جار اکر ایلہ **بہرہ** اروم ایلہ عیال  
 بیت بودین حکومتہ موصول اولوب سلفی موسیٰ بک و اولاد رکاہ مجد و اقبال رو مال  
 امدی **موسیٰ** بیت شمشیر صابح نجمہ انتقام سلطانہ نورنہ جسم و ختنہ ہر  
 انظار ایکن خلاف مامول بیواس بالنی توجہی بباد وادہ خرم حضور و راحت اولوب  
 اون کو کھکرہ تبیین خواص ایلہ مخدور بنور بر طرف و بالست بیواس سجدہ ازلہ  
 جہان سیدہ ہائ بہ مایہ غوغو شرف اوکے **دفترا** مجاہد زخم دشمن غل ایلہ  
 بک خون و بعد شہر آما سکنج بیت اللہ فادو من اولوب خد مال ایلہ  
 تقید صالح بیت قیام و کمال اغدال اوزنہ حرکتی بیش نہاد اہتمام ایکے **خمر** کرای  
 خانہ نظم مورخانہ نادرست تدبیر اولوب اقلیم فریم محل نظام اولغیر یاد  
 اکبری ہادر کرای زمانہ قانعہ اولوب بعد موتہ قلجہ سلطانہ بدہ معکف کچ

غلت و انزو ایکن بنور کج کرای رجاسیلہ ردوسہ مجوس اولد برادر مہتر اسلام کرای  
 بحسب الاستحقاق خلعت خانی ایلہ توقیر و اجلال و قادر غلہ ایلہ سند حکومتی طرفتہ  
 ارسال اولدی **یوم** سابعہ بے خاتمہ و موافق تحت خانی اوزن کبک و سلفی  
 عازم درکاہ یادشہ روی زمین اولوب **الشیخ** کونڈہ استنبولہ وصول ہو چکی آرد  
 رجاندکی خیرہ ردوس اکامتہ و حوالہ بیز مضمونہ عبرت نیساروز کار نظرندہ جلوہ  
 اولدی **سعا** تو بادشاہ مکارم دستکام حق کتہ تخت قدیم اجداد ہشت معاوری  
 اولد اورنہ سبکبار غنیمت یوروب سکرنجی کون اول جای فرخ قرا فرود وجود بہودر  
 ایلہ غیرت ارمن ذات العما و سخانی مشاہد ویدار بہجت شعار لری بلہ دیدہ  
 روشن دشت اولدی **فرہ** میر خوکیر خیرہ اغازادہ حبس بالیدہ توقیر اولوب  
 نزارک سباب سفرہ بہا شرت بخش ابدی ہنوز احمال و کفاسکدار نقل و تحویل  
 اینجین حاکمہ می ترلندہ دار الخلافہ بغداد تبدیل اولوب سجداری اہم غاکم شہنا  
 اوکے **الشیخ** ابدی آبی مقدم تر حالہ سجاغی مشوریلہ در نہ بوسناجی باشینہ دولتمند  
 مہجور اولد جلاد بد نہاد سنان جانتانہ بودین محافظہ سندنہ ایکر فید بند ایلہ در نہ ہزار  
 و مقدما طمشورادہ مقبول اولد سجداری مالی و دخی بعض امور استغفار سورلہ قدر  
 مقید استنبولہ ارسال ہو بلوب فیو جیلہ و طہ سندنہ مجوس و بنل نقدینہ جیاتین  
 نابوس و لنش ایکن امداد بعض مغربین ایلہ رات نجات فادر اولوب بر قاج کونڈن حکمر  
 وزیرہ سجاغی مشوریلہ مسرور و اول اطرافہ پیدا اولد اشتیاقی فخص ایلہ دخی مامور  
 اوکے **زمان** استیلای وزیر بد تدبیرہ رتہ اناسکی بہ اعلی ایلہ موال و آسلیندہ  
 فرما جاری و نحوست مدخلہ حل عقدی خدمات دیوانہ و ماصب عثمانہ دن  
 صدر صدارت علمایہ دخی ساری اولوب دست و دایا بوسہ جای ارباب  
 عمل و خاک ستمنا کل ابدہ اصحاب طول ایل اولد محاربان شی فاسم اغا افتاب  
 جیات وزیر فرین زوال اولد نہ برو بونک دخی کوکب اقبالی سنا اولوب اطوار کچمیتہ  
 ندیم کچمیش **الشیخ** مقدم غل و ترغیم اولمش ابدی ساقرہ اجل ایلہ دخی سو ضیعنہ رتبہ  
 جز اولوب از مدتہ نہ خردہ رحمت و عود ایلہ دل آ و قد مختلن آزار  
 اوکے **شوق** بادشاہ ظل اند حضرت ادرندہ انجی بیش کون بسط جناح سکون و نور



و استغای نمانی صید و شکار یور و قزاقان صکره طرف عوده مایل و غزو دولت  
موسسات و ندرینه و اصل او که در جاذبی لایحه **ایشان** به مقدما ابالت و آن احسان  
هر ای او که سیاه نخل او لنین یوزندن ضابطه حصار عدم تسلیم اوزر صورت  
احضار کو ستر مکن بعد لغز استان راستانه دعوت اولوب لب تجیل اید خاشنه  
بطا دولت مناطق تقیل اید یک بدی قنده بسلای بند غم و بدی کونده خنده عفو الله  
ختم او که **بلی** او سر واریک نظم وعد و اصل سمع اشرف سلطان اولغین درود  
مدان احضار اولوب تازیانه شمیر ساست برله تادیب و جدی سکی او طره  
قریب انجی باشی اولری او که اتفاقا اولغین اید سودای شقا بسلاری نریب او که  
بجی رجب **خله** شبنم سلطان مراد و خان خضر یک دختر سعدا خضر رقیبا سلطان ارض ورم  
محافظة سندن مغول طرفی ملک احمد شاه دیره التاج اوز و اج او که **غاب** درگاه  
غوجا جهین فرسای عبودیت اولان حکام کفوه دن اردل ملک راقونجی او غلی مقدما  
برنجوای اید بد بالجه بد و وزیر اعظم **طی** برای سیدی اوزر یک قدر کزیده عکر دیکر  
یدی عدد قلع کو ب طوب اید رکاب غنچه وضع قدم و بریدن بر صورت  
استفا کو سترن نجده خالی اوزرینه خربک طوغ و علم ایدوب هر طرف دست غار  
وراز و نجده کفوه سینه ابواب ازیت و جفای باز او که **بلی** حد قری و ضیاع خضر انتقام  
دور و معمور اولان اما حلیه عمارت و آبادانیدن مجبور اید رک طبع اهل ایدوب  
جاشه نام منقل عظمی دست مایه کلفت بند کند عمت اندک در صکره عارت کنان  
ابوار نام مقام ضرب منظره قرار اید عمو ماروم ای سگری دخی حسب الامر الکابو  
حوالیه اجتماع ایدوب اقتضا اید بر راقونجی او غلنه ایداده حاضر و آماده اولغین  
قرال بد حال یاجار ترک ناموس و عار و بر تار نجده بوجانیدن نو عاروی رضا کور مد کجه  
مراجعتدن نمانی اوزر بکن به نهاده تخت و طرف اید مکلف ایلی رسالی عاری اخبار  
ایدوب ایلیجی در دولت مدان و اصل او که **مغریه** در در لغت شیخ علی که  
بفصل علوم غریبه ده مهارت سبیل و وزیر مقتوک مقتولی اولوب کشور عده متعلقان  
بر قاج آبی مقدم شیخ منور دستور اید دیار نه در حال انیمش ایدی اول منور رضا جونی انانی  
معتور کون سلطان محمد الاقبال خضر تدرینه حاشا سحر و افسوس ایتک سعادیه منظم اولغین

مقدما دار السلطنه جهوری بایده مشور سکا صدد و رابد و ب قید بند اید سکا اچند  
خضر نظر انور اربنه احضار اولغده انکار منظور عین اخبار شهر بار او کوسم دست  
جلاد خوبرو و کردون نهاده حکم شمیر ستر ایدوبی در رمضان اوج دورت آبی مقدم دار  
خدمت منور سبیل غامزول مقدم مصره اجلا اولان طاش بازر علی اعا اول تیریه موصول  
اولش ایداعای منور آلا کی کیدنه نرسانده ابرهیم حلی قلیو اید غم جانب داشت اهرام  
ایدوب مفتی نجی فندی زمان دولتنده عاتقه علما و بلکه اوزر به مرجع اولی و سوی  
فتوی امینه که دلی لغتی حمیده والده سلطان خضر یک مدرسه تیریه رنده بولمنش  
صاحبه مدرسه خضر تیریه نوبلما قاضی بیت العتیق و سبیل غایله رفیق طریق او که  
رد و سدر یوز التمش میل بعید رده المته کیدر ایدوب و جبار و غاوریس و دخی نجده  
شهادت و بر و سوی و نیجه یوز مسلما قید اسره کفرار او که فکر اخبار موش انجی  
بو که **بلی** اید جوان بخت سلطان عیاطو تخانه خادان ماناده اورنگ ظهور و کوز  
یدر بر کور ایدینه باعث تضاعف سباب سرور او که **منور** و طبعه خور  
مخزن دکنج بسته اولغین طرف آخه کدار اولغین و شوار اولوب بوجال عبرت  
مالده برفاج کون کون صورت استرا کورندی و وزیر اعظم محمد شادان صکره شام  
بر و جاریه لقی سکا اید ایدام اولوب دورت اید صکره انظار خود اولغین  
کورجی حمیات والی شام اولش بکن مقتضای خلقی اوزر به نمانی وزیر اعظم مقنده طراف  
اندکی سب و دشنام منعکس اولدنه نمانی بخش عاطر سبیل اوزر به تبدیل اید بیل  
وازم مانده ابالت جلبدن رتبه وزارت اعلا ایدن ابرهیم شاد خدمت محافظه دمشق  
ایدوب **نجیل** او کورجی بقیل الوصول مغول و منصب محلوله اید سکا ایدوب  
او که **محم** سبب نمانی بشلقدن مغول غای کیجی یان درگاه عا بعد بونیه  
والی اولوب وزیر اعظم مقتول اید اولان مصافات خلقی اید سبب معاد اولغین  
در دولت مدان احضار اولان احمدیات که بشرا شادان صکره وانه روانه اولوب  
زمان قبلده اونه به تبدیل اولنش ایدی صورت رجعت کو ستر کو کوب قبالی  
نکار مستقیم لیدر اولوب هنوز شرطه نوازش و التفات سکا اید سحاب اضطرار  
بر طرف اولغین تقین خواص وزارت نمانی اغراض صاهرت اید وین شرف اولوب







ابله طوئیه و اصل اولوب نظر احسنه و ارغامه دار اولدی سلا بک کدر بکر مراره  
 قادره و فی طوئیه سلا اولوب اوزر ایلک کون مدلی طه سنده ردوس یکی قره خواجه  
 و قوجه قاسم پاشا اون ایلکی قطعه قادره ابله طوئیه های هما بونه محلی اوکدر اتره سی ساقه و اصل  
 اولد قده فرمان بکدر کیسه طوئیه یکتا سفره نامور اولان انا طوئیه عسکر ابله حسمه نام  
 محمد زکوب عسکر ی شلمه ز صکره فرمان عالی اوزره فرمانه خود ایلک بکر بخی کون قره  
 حصاره وصول مسر اولوب بعض مهات تدارک کون برهفته اول معاده ارام  
 اولد قده صکره بکر طغوز بخی کون حرکت اولوب اتره سی رتبه وار که روم ایللی  
 محافظ کوبک حسن پاشا عمو ماروم ایللی عسکر ابله سلا بکده کبلره نمش ایلک شهر  
 ریح الاحد سکر بخی کون یوز دور تباره کون اوزر قادره ابله رتبه ده طوئیه  
 و اصل اولوب حسن پاشا و جمله ابریه خلعت کدر رله های هم اول شمر لده قره باق تکرار  
 اون ایلکی دل کتوب قیودان پاشا طرفه احسانه نظر اوکدر اونی کون معناد  
 قدیم اوزر اسنا بول سکاکی صغیر و کبر اوق میدان کوب عسکر حضرت اثره فتح و ظفر  
 مسر اولتی کون دست دعای درگاه کبریا ناه رفیع ایلر اول مجلس شریفه حتی پادشاه  
 ظل الله حضرتی و فی تشریف سوروب و زرا و علما ادره سنده بسط اولان سجاد  
 رنده قلوب وار قوا و سائر عباد الله ابله مجلس عایه حاضر اولتی رحمتی اختیار  
 بود ایلر اول حاله هر کس بر حالت الوب روی که به اختیار کبره کمان سطره زمان  
 حضرتی غریب خنده فتح ابله حرم و شادمان اولتی و عاسنی و در زبانه ایلر کمره  
 نکا اثر اجابت ظهور ایلر و ب جمله الی کون محاصره ابله ربع سکونه منلی معدوم  
 اولان خانه قلعه سی طرف دیوان فضا دن اول مجلس حضور ایلر حق القدوم اولدی  
 ایلر که سجانه و نکا حضرتی وجود بهبود لرن اکلار روز کار دن ابن و نیجه مدت  
 ذات سنوده صفات لرن تخت نشین ایلر و اولاد اکر ایلرین محمد و بی اندر  
 بود فخر مسر ایلر ابن بامعین بحره سید المرسلین صلی الله تعالی علیه وسلم اولان  
 ایلک کون بانه بوزنده قبا پاشا لمان نام محمد قرون شجاعت کلوب دور  
 دانه دل کتور دی اتره سی اوارینه وار بلوب کبلر با غنیمت ایلر طشره جیلدی اون  
 طغوز کون قوله علفه و بر بلوب بکر منجی کون توشه ز مغول عبدالرحمن پاشا التی

تونس بکدر ره سی و التی یاره و فی برتون و ایلکی یاره طبلوس مغرب بکدر ره سی ابله اصل  
 اولوب عبدالرحمن پاشا بو حصه کون در دولته دعوت اولمقین مقدره باخبره کون  
 قیوجی پاشا حسین انا ابله ستانه سعاده رسال اولد ایلر اقامتده قرون طرفه دن  
 اوج شنبه کتر ایلر برنده کبرنه کنگک ایلر و ندیکده یو کلنمش باروت و قور شون بون  
 گرفت اوکدر ایلکی سبب باغی ابله بولکل اولوب فرانسه اولتی انا ایلر کچمده  
 و کلای سلطنت علیه رابنه حواله اولمقین ساسب کور بلوب اسنا بول کوندر لری  
 اول شمر لده بکچر یی بوز شون و باروت توزیع اولوب سائر مهات و فی بالهم کور  
 صکره ماه منور ک بکر منجی کون قیودان پاشا مامور اوکدر کریت سفری غنیمت ایلر  
 ابلر و ب منوکل علی الله تعالی اولان خانه توجه اوکدر اتره سی و ندیکه تابع جوقه ایلر کون  
 بکلبو بکچر بکچر کون وقت ضحاده جمعا دور بوز بکر التی یاره کبلر ایلر خبره کریت  
 ساحلنه و اصل اولد ایلر اولکی کون روی در باد کبلر کوندر کده مرتفع براده اول ففنه جیل  
 ایلر اوزر توندر ایلر و ب بر ساغنده جمله خبره طلق واقف احوال اولد ایلر  
 هر طرفه بک کبر بره حقوق دریا خانه نظر ایلر کمره حضرت رب العالمین  
 اولان بندره الفار شب و هراس ایلر طوئیه های هما بون صغیر کوسر و ب آرتجین  
 ایلر بیک یاره کبه وار در دیوانچین ایلر ابله اولنجه عطله باشلرند بکدر و ب ایلر  
 حکمرانه جبران و سر کردان و ساحله قریب اولان قریه لری ایلر ایلر ایلر  
 قریه و بیلر حقوق با غلاره سنده قوجا غنمه بر صبی ایلر بر عورت بولک قیودان  
 کتور و ایلر سولدر کن و بیلر بر یاس و فی کتور و ب اول طوئیه کور تک و ب جیتی  
 بو حاله عسکر اسلام حرم و شاد کام اولوب بطشه نکا عمو مار عایای خبره اولاد و عیال  
 ابله قبضه شجره اذغال اولان جفته فال خبر ایلر الله سیر ولا تعسر قیودان پاشا زج ایلر  
 اول یاسا سولدر احوال معلوم اولد قده صکره رعایا دن یخون قجار لر زم اندر ایلر غل و غل  
 یوقدر یاد شاهر صکره صور باز طه و دست اولوب باطنده و شملر یز ایلر اتحاد اوزره  
 اولان و ندیک کفره سندن اخذ انتقام ایلر یور شد در رعایا برارنده قرا تسولر  
 ایلر سز اندون بر موطه اندک جواسی و بر یور دیو یاس و عورتنه و افرات ایلر یو  
 مضمون اوزر طوئیه های هما بون ایلر من بر عهد نامه باز و بر یور یاس ابلر رعایا رسال اوکدر



بایس و فی شهادت و فی امور و قصور تیموب رعایای وادی مخالفت سکودن  
 منع ابله های فی الحقیقت بود بر صاحب غایت مناسب اولوب ایام محاصره ده امار  
 طرفه کمال انقباض و حسن معامله و ن غیری بر سنه کورلدی بعد العصر امور دیده و کار  
 از و صحر اختیار لر ابله عقد مجلس شاون اولوب نیجه مرتبه گفت و شنیدن و صکره  
 اول محله تقریباً بش میل بعد از آن خانه نام قلعه که بوجیه یک کلید بدربند کند سنج اول  
 اخ صداره بایشق اولمن بزرا اول و ابله و عسکر اسلامک تقدیرنه سنج و ایتما غیری  
 قلعه محاصره سنده حرف اولوب نام مرتبه به ناب اولد طرفه برجه صکره خانه قلعه سنی  
 محاصره به طاقتار قالد و غدره ناعدا جائز که کفار خاک را ناه قلعه به محاصره ایدوب زیاده  
 سنین اولد و فی جهنم محافظه قادر اولوبه و ز اما خانه بزم البیوه که دکه صکره اخ صداره  
 تقید تیموب بر مقدار زما عکیر استراحت و آرام ایتسولرتون بوجیه کوفه کی  
 هجوم اند و کی صورته بعونه تعالی اول قلعه به نظرمیر و کدر کند لک قلعه محاصره سنده  
 اشتغال کیدون فراغ مال لازم در ما و ام که سفین اسلامیه به مناسب بهمان مدارک  
 اولیمه زره به جفن اولماز و بوزار و بریلوب اول محذرب ایاطودوری نام لیم بختیر  
 معقول کورلدی کن اول لیم توزر کن ردن بر میل بعد و و اثره سی اوج میل اولوب  
 اوستنده طوب و تفنگ و اوجیوز قدر عسکر فرمک ابله شجون یکی قلعه سی اولان  
 اطه الد کیر مد کجه اول لیمان ضبط اولنجه امکا بوفد و بواقاق اولنجه صندلره نویسن  
 و سرون کجه ی طایفه سندن دورت پیشوز قدر عسکر قونلوب بعد العشر و دوس یکی  
 قره خواجه ابله رسال اولد کمر برفاج کون مقدم بوبله احتمال ابله اول اطه ده اول کافر  
 محافظ اولق لیکن قلعه یک برین تخلیه ایدوب جمله سی کما تسانت و اسحکام فور  
 اخ قلعه به کبر مشد امیش کجه ایجده کند و لره هجوم ایدوب عسکر اسلام اوزرینه طوب و تفنگ  
 اتوب صباحه و ک طرفه غنیمت عظیم جنگ اولد علی السحر قیودان یات و فی عموما جلد  
 متوکلا علی الله غنیمت ایدوب به ر و ا طوب الته کیرلدی صون صمدان ابله امان  
 طوب لرون بر کجه به ضرر اصابت تیموب جمله سی سلامت ابله اطیه به یاشد برفودان  
 یاشا همان دم زره به وضع قدم ایدوب دامن در میان همت و بالذات جنگ غنیمت  
 ابله برو جمله که تفنگ دانه لری قطرات باران کبی اوستلرینه بران اولو خواص خدا

اندر کور

اندک اقدام ابرار طه کماندند بر خطوه ابرمخدا مکان اولد اما عون سنج و دعای سلطان  
 قرین حالک اولنجه وجود لرینه بر ششی اصابت تیموب صدر سلا متده آموط و لدر  
 بوجا کورن غرات دین طرف برو جانب بخردن ملاعین خابرس اوزرینه بشرا نه هجوم  
 ایدوب آتش جنگ کیرد بمل اوج ساعت تمام اولدین مخا ذیل فرنگ جنگند ان کلوب  
 جائزیه ان ایدوب لک رجاسنه دامن استبانه یاشد بمل بر جلینه اسلام سنجای و بکل  
 غازیله ایدوب غنیمت اند و کدر فیه و اولد انک اولان سک به دین باروت خانه آتش  
 و برو ب کدوسی و اکثر ایتای سوخته نار و غرات سبل اولد و توز قدر کسند و فی خزان  
 شهادت دیر صده و آت اولد بقیه کفار اند کدر غدر و خیانت مغایله سنده ضرب  
 شمشیر آتش بار ابله خفه مار و غلطان اولوب بکرم الحی یاره طوبیه ابله قلعه ضبط و تسخیر  
 و طوب کما ابله خراب اولان بر لری تیموب اولوب یکی قلعه به دخی ست حفظه تعیین اولد  
 کیرد عمو بالمانه داخل و اولنجه دامن خاطر کامل اولد قدر صکره اوج کونه دک  
 قلعه کوب طوب و سایر مهات کیدون اخراج اولوب بار کیر و جاموس و لیمین  
 جمله طوب و سایر مهات نفذ عسکر اسلام بالذات مباشرت ایدوب خانه و سنده و ایدوب  
 طونما محافظه سنده رسانه کجه ای قالدوب تیه اولد که طرف بخردن قلعه ایدوب که کون  
 کجه لرونبت بکرم قادر غده و اول کلوب شبد فور تنه اولد کونزده علی السحر عموما جلد  
 قلعه دیر طوب بر شخر برده حاضر و آماده طوره رآه جاذرا و لیک و بخی کون عسکر دم  
 ایلای حسن ایشا و کجه ای حاد اغایدی بال غر طوب ابله کور علی قونمک سنده متر کیرد  
 خاکه علی غا و انا طوبی عسکر و کوستند بل ک و بعض امداد و رت طوب ایل طر و یمنید  
 و صا مسوخی باشی ابراهیم اغا و بانبه یکی و بعض امداد و رت طوب ایل جانب بارده متر  
 کیرد بمل سنجی کون بر رتن و دورت شایقه ابله مصر عسکر کلوب سکنی کون طر و یمن  
 مغربه ای یکی برتن کلد برفاج کون صکره خانه ده سوده دخی بدی سکر بوز کافرا امداد کلور  
 دیو بخره انمفین کوب ک حسن برفاج بوز سرون کیدی ابله دو قد کین یکی علی یک نام  
 سربازی و کولکلی غارین و مخصوص غار لدرن یجا و علی حسن اعا کوندر و ب مجاهدین دین  
 اول ملاعینک و کدرین ایدوب بعونه کفار مندرم اولوب و افراسیرو باش ایدوب عسکر  
 اسلام اردو به و اصل اولد عسکر اسلام ده آت اولمن ابله فی خاکه قونوب جنگ







و تیر و شمشیر ایلد افتاده خاک **●** اولوب وجود ایلد کمال ضعیف کلشن ایش بود فقه  
اولی بویشت کند و در ده قطعاً نخل مشاهده اینکین با جار بر جل و از ندم فرعی جنگ اشد  
رفع و برینه باض صلح بر این وضع ایدوب **●** الا که الا که صد سنی آسمانه ابر کور و بدو  
ایست قیودان یک تنه درون چشمه روز نیک خاک سباه سوروب درگاه بایز  
فنج و قطره میرا و لقی رجا سنده سوز و کداز ایلد که به وزاری به شغول ایدی خبر استیما و صلح  
ضم و شادمان اولوب تکرار سجده شکر ایلد طایفه از رهنما انوب اوج کونه دکن قلعه  
تخلیه و تبسم ایلد و در مال جانمینه ایلد و بریلوب مراد ایلد کماکان برارنده آسوده  
حال اولق اوزر عهده و بیجا اولد که ماه ذی قعد بکر می طغوزی کوی بوم نیک که بوفکر  
سویله جامع حضرت شیخ ابو الوفا ده و عا اولد و کونک ایلد رستی در رعیت اولق اوزر  
ترک و بار اختیار ایتیندن ماعد شمشیر مجاهدین و بندر تخلص سر و جان ایلد یکی یک  
قدر کافر اهل و عیالک **●** و آلات حرب و قتالده ماعد قابل نقل اولد **●** ایلد  
یعقوب کے طرف بردن و بعضی در دست بشن ایلد طرف برون سوده نام  
قلعه به روانه اولد بلر اکی یک کافری مالک ایلد اخو قلعه به کیر که اذن و بریک که ایدی  
دیو اولد سوال دارد و کلد را و لا ایلد بوموال اوزر عقد صلح اولد فقه صکره بر و  
صلح مغایر وضع شرعاً جائز اولد و غنم ماعد اوزر و غنی صورنده بعد البوم بر قلعه ده  
دخی محاصره اولد کفار حمله علف شمشیر شبار اولق اختیار ایدوب قلعه تسلیم  
و حوم سلطان سلیم عهد سلطنتده فتره سردار اولد فتره ماطی پاشا مغوس  
حاکمه ایلد و برش اکی بر بهانه ایلد قتل ایدوب جمله سنگ بالین قبض و اولد کما هدی  
اسیر اند و کنگ شامی کوریلوب سنده آتیه ده صنعتن و دو تنه ای و لشدر ثابا  
غوات اسلام نیچر سنده تخلص کریا جان ایلد کافور سار قلعه ده سکه مردانه  
میدان دین لندن به خبر اولد فکر جتند زغم فاسد لر خج غیب و غور و ایدند دوم  
اوران مغور کافور ایلد قار شوب و اما مشاهده اند کنگ شوکت اسلامیه نقل ایلد  
ایلد انارک بازوی اقدارینه ضعیف و فتور و بر کلدن ماعد ایلد و لره اهل قصور  
اسناد و لشمق ایلد انار لندن دخی بر خدمت خطمو اینک سنی و اتمام نقیضه تیر لشمق  
مال و جانمینه نوص ایلد لشمق مقتضای شرع مطهر اولد و غنم ماعد مطابق راضایب بر تیر

مناسبت

مناسبت بر بود عاید اید در که فاتح بغداد و حوم سلطان مراد بر کون خواه نا خواه درگاه  
سعادت قولندن اولد بغداد خاندی حاضر ایلد کما کجاش خان خیر ایلد ایدوب  
قلعه به تیر و در ک بزه چون رحمت و بریدی **●** دیو سور شلر خلف خان و دولتمو  
یادش ایلد کجاش خان و بریلوب بلکه میر قیاح او علی ایلد بوقیطا و بر مشدر  
رزار و ان محاصره سنده عثمانیان قنجدن کوزر فور قمعین همیشه بوطایفه ایلد  
جعلماز ایوسی ایلد بر کون اول ایلد ایلد قلعه تسلیم ایدوب لندن خلاص اولد  
ایو ایلد باری تخویف ایلد ایلد لندن برایش کلدن عاقبت جالیز بایز و مرغی علی  
کو جکلرین به سر و سالک **●** ایلد به اختیار میر قیاح او غنم در و ننده اولد غنم مطهر اطهار  
**●** ایلد ایلد سجانده و نعل خفته و کلاهی دولتی شرع و عقیده موافق ندایر سخته دخی کما  
ابطال حصه سکر اولد کجایرین عاجلا ایضا ایلد ساس سلطنت عثمانیه به  
محکم و استوار **●** و بود دولت علیه به قیام قیامته دیک برقرار **●** ایلد آمل یا معین  
مدت محاصره ده معلوم الحال اولد لندن لاجه صارد ایلد بصلح و صلح قول لای  
یکس و بر قیاح آتای بکلر دخی شربت شهادت نوش ایدوب عا و عکر دخی  
دورست بش یک قدر شربده **●** و دولت اخوت ایلد سعید **●** اولد بلر حمده  
علیه هم جعین صول قول لاریکینه و حسن بکلر ایلد خدمتاری مقابلده سنده بر  
محلول سنجاق و بریلوب استانه سعادتند بر آت شریف دخی کلشن ایلد طونهای  
همایون استنبوله اعل اولد و غنی کما اول غزاده باش و جائز ایلد خدمت ایلد فایز ک  
سجی فکر بر حصو جوق و بر لیک ایلد ایلد رلاف کذا فتره جابل خلاص ایلد  
بوزندن سوز بود که دولت اید بوند سلطین عثمانیه ده بویلده بر صهار نایدار سردار ایلد  
ایلی بر کونده النعمق میسر اولد در رود و س محاصره سنده خلدا شبار حوم سلطان  
سلمان خان بالذات النی بیدی آرا کلنوب عاقبت ایلد احسانی ایلد لندن بر مع هذا  
سلطان سلیمان حوم اول غزایه النی بوزندن زیاده که ایلد عمو عا عکر اسلام ایلد و  
مقابلده اولد مرودن سکنه ایلد یاسینی او کنگ میل اولد فقه هر کون مراد اولد فتره  
عکر و خبره کج اید کست ایلد سواحل مالک محروس و دخی و قیاب اولد بقیه به کس  
میلد بر بید و زنجیره و عکر کجکه کمال مرتبه صعوبت و کوا لجن ایام محاصره ده بشو بر جی



و اصل اول که رود در ماعدا و در مصلحتی که در سینه فتنه سردار اوله قدس جلوه لری  
الد قدر مکره ماعده محاصره سنده بدی سکر آبی اکتوب اخکارانه ایل الله بر بودی  
و بدو اوله در خانه قدر متین اید و کی ستم اوله و صورته انار به الله اسلطان سبانه  
مردوم داروب نموا عسکر اسلام بله اید بر خصوصاً انزله صواب و لوب هر طرف  
محاصره مکن اوله و غنیمت ماعدا و بار اسلام به منصل اوله و جند بر سینه مضایقه حکیمو  
عسکر اسلام آردی کس در شرط انصاف بود که خانه فتنی انار به قیاس اید و ب  
عبد سلطان ماضیه و از منته سابقه ده بودی فخره سر جوق اوله در دیمک کر کرد فتنه خانه  
بفضل الله داخل حوزة ضبط و شجره او یعنی شهری حفظ اکنون فیودان پش و سایر وزرا  
و شعیان کس در لطیف بر اید که خوب فتنه نمیری اکنون اگر عسکر عا در ده قالدیر  
اگر کتابی چو ک رسوم کفر و شرک در تطهیر و انوار انار اسلام اید نور اولوب  
ماه رجب الحریک اندام جمع سنده اول جامعده سعادت و شاه رجب سکون خضر نیک  
نام های بنویسند خطبه و قندی بر کس در فی فیودان یا شاد برین دخی موسی یا جامع اید و ب  
هر برنده صلوة جمعه او و اجای رسم آیین توجید و عبادت جناب خدا اوله  
الحمد لله لهذا الاله صلی الله علیه و آله انما کنتم اسلام بان اولوب نوب  
نجمانه محمدی بر شرف و موقر و هر گوشه سی نور توجید و نحمد حضرت ملک محمد اید نور  
اوله ظاهر ده دخی اید فتنه سوزده هر کس صلوة فجر اکنون وضو به شغل انکه طرف سامان  
بر عظیم نور شغل اولوب بنور شهادت او سنده بر مقدار فرارند و که جمله منظر  
اوله در هنوز عسکر اسلام اول مقامه وضع قدم انیزون یکی اوج آرمقدم جای سعادت  
یادست هر خضر نیک نام های بنویسند جامع اوله یو کس بر بعضی بهای بر قاج کجه  
متوالیه متحد نورانی آید آیین دین محمدی و شرع مطهر احمدی و زره قبله منوجه غار فتنه  
کوروب محال هیتلرند بر سوز سوبلکه قادر اوله قدر مفر در گذرک بعضی لبالبه او  
اذان او قنوب بو حال غریب ظاهر ده دخی اول بر لده اذان او قنانه دال در  
دیو بعضی بهای نزرک دار و دیار ایتش بود انارک جمله سی اول فتنه مبین که محض موهبه  
آئینه حبه و منجوه سر بدیده محمدیه در مشیت ربانیه اید ظهور اید و ب انشا الله  
اخر از مانده با قیله دخی سعادت و شاه اسلام خضر نینه مسخر و اول جزیره عمو

نور توجید خدا اید نور اوله دلائل قویه در امین خدا اوله که او جزیره و نه ماعدا  
دست مجازی و دشمن حقیقی اوله و ندیک کفره سنگ بر زنده اوله  
جمله قلاع و بقاع هیتلر و شاه اید خلد الله علیه و آله حضرت نیک مالک محوسه رینه  
داخل اوله و غنیمت ماعدا مالطه و سینه و دخی نیجه بر لدر اسلام اولوب اول  
و بارده بند کفاره اسیر اوله مؤمن فردا شکر بخت مسر اوله آیین  
بدت محاصره ایدله زرق یک قدر طوب و منعد و لعل اید حصار دیوارند  
نور سکن دزاع رخا ب اولین نمیره مباشرت اوله حصار ده و آفر  
یوغه طاش و کرج قبولی بولند و غنیمت ماعدا محمد و اجایا قدر قیودان پش  
و سایر و زرا و یو کار یکیلر و امر و ارباب بنار و زعماء عسکر اسلام عمو ماقرن  
کون قدر شوقله بایه سعی و اقدام اید و ب کمال احکام اوزن انار  
خانه یک عسکر سی و مراد اید نکر کند که صکره با طاهر تجار و اهل سوق و سایر  
و اطرف فتنه اوله کو بیدر لایسی دخی بر لنده ابغا و تغیر و اسیر و قدر عا  
قد و نجر اولوب اوج سیدک نکالی قدر معاف اوله لری خنده سیده  
نظیف اوله بدو ک شرک آلوده لری با کلکله لوف اوله فکر جند نه خانه  
حام اوله نمین بر مناسبت برده جفته حام بنشیند شروع و ندیک حکایه خانه  
محاصره سنده خبر دار اوله یعنی ندرک کار هم دیک و خبران اولوب دوقه و  
و مالطه و بابا و حبیبه دین استمد او اکنون نامه لار سال اندیر و زعم فاسد رنجه  
اهل اسلام در اخذ انتقام و مکن او کور به بغا و اغتنام به کسینه یک مرکز باره  
حکمره و رفاج فتنه کوندر و ب علی غفله سوا حل مالک محوسه دن بالبه باوره  
اطراف نالار و بعضی قرائه خراب و ویران اندر ویدر لری ابر شیدکی بر لدر  
کبلره بر مقدار زخمه نجل و هر طرفه هجوم بر باران روم اید قاری و ان تبدیل  
اید و ب نکر و ندیکه کلن سکز باره حکمره و اوج ماونه و مالته و دوقه یکلر و سایر  
کفر و حکمره و بر نکر اید جمعا یوزه فریب کی اولوب خانه فتنه سنده اید و نیتله  
اول خانه غنیمت اید بر بعد الفتنه بر سحر اید از فتنه با اید اولوب خانه خانه طوغه لدر  
یقین کلرک فتنه بر جلین اسلام سنا فتنه اید و بر کور و ب سر آمد اوله لری نهای







والا ابله و زير صفت نظر ستوده تدبير صالح بايت تشريف و اسعاد و رتبه و قوت  
 اغايي بچو بمان و زير موسي بايت اسعاد و انوب و زير اعظم سابق محمد بايت خلعت عسکر  
 ابله اجلال و روم عسکرينه موعده اجتماع اوله سلاطینک طرفه ارسال اولندي  
 ۲۱ او اخر شهر شوال **رای** صواب نای شهر بارگه تباراقصای اوزره مفتی ابو سعید  
 مسند فتواد ز تیریل و انوب صدارت روم نه منقصل عالم عامل معید احمد افندی  
 مقام لازم الاحرام شجاعت اسلامیه به ترفیع ابله تحیل اولدی او اخر شهر ذی القعدة  
 سواحل مالک اسلامیه به غارت قصد و جنگ چو بان فک ابله شجون بر عظیم برین  
 بالیه باوره به قریب برده باره انوب فتواد اندری یوز قدر سلمات ابله قیداسه کفارت  
 • و ماعدای اول دباری خوشخواره کشتی که سوار اولمش ابدی اسیر و ز جیب نای  
 طرفه و اصل درگاه جلالت و جاه اولوب بروجه جزایری ویرلدی فی **پشایه**  
 بر مقتضای حکم فذرو قضا و استاتناک فلب یک سلطان مغیر و لجن بعض اقوال  
 و افعال صادر اولغین مظهر فخره و انوب منصبی و زیر موسی پشایه ارزانی یورلدی  
 فی ذی الحجه • قریب بعض سواحل مالک محروسه دست غارت کفارت بر شد  
 صانت یحون و زیر یوسف باشا سر دار نعین اولوب بروجه استیعال ارسال اولدی  
 ۲۲ **یاشا** بنفشه حرقل و عا ابله صبح و مساکیر یک اوزره اید و که سمع اشرف سلطان  
 واصل اولغین باشای منوری کریمه کچمک اچوز علی جناح الاستیعال اربعین اچنده ترسانه  
 کتخاسی شمار زاده ارسال اولمش بدی حسن توجه سلطان فزین حالی اولغین به کام شدت  
 شتاوه رور کار مساعد اولوب بی اصابت کردند و ضرر انام خدمت میسر اولدی  
 صکره حسب الامر الکا کریت محافظه سنده اوله کوجک حسن نایای استصحاب  
 و حاق وسط خمینده یغسل خاک آستان دولت **باب** • ایدوب فزین ستایش  
 و نجین او که کچمک فتودان بايت عود دیز صکره کفارت بر کشته روزگار بر مقدار فوت  
 قلب تحیل ایدوب ز غم فاسد رنجه فانیه قلعه سنده طوفان لوق رجاسنه بدی کند  
 یک قدر بر ساز و سلب کافرت کجک رایت نخوست ایت ایشدر حسن نایاشا  
 متوکلا علی الله تعالی بش التی یوز نفر لیر و لا و ر ابله استیعال ایدوب دم الخانده  
 نصیب کفارت شکست و امنه ازم **و غارت** اسلام نصیب ظفر ابله مغنم و شاد کام

او که باشای منور منظر و منصور و دولت نواله و مال اید که کفارت طرفه نوز سگ و شکر  
 زیاده فدیة خلاص بدل و لکن بر بنام و متعین فتودا و یوز قدر سیری نخنده درگاه استایش  
 حاج یوز باک استار غلط ایدوب جمله اسیر لر هاندم لاق ره روان افلیم عدم او که خاکه باشای  
 منور و یوز باک منظر ایدوب خدمت باعث روسفیدی دین و دولت او که مطهر التفات کون  
 شهر بار کردن و قار اوله سزا اولمشد چو که به مساعده اسباب ظاهری بوکونه طوفان لوق  
 محض فضل الهی و مساعده نخت شهنشاهی ابدی اول موکه کاه قیامت ایدوب بدی اکی یک قدر  
 لیکن دین وجود بدی و بدی نه جات مسلک اولمشکین طرف سلاطین ابله فزین نایاشا  
 خلعت شهادت ایدوز امان خیابان جنت او که **ای** عسکر ابله سلاطینک مجتمع او که صورت  
 طونمای ایلان اول جانب و اریق لازم کلوب مامور او که فکر سمنه ز دور اولن قضا ایلان محض  
 الکهام الهی ابله قلب شریف شهنشاهی به خطور ایدوب تدبیر اصابت پذیر اوزره جمیع کاسیه  
 کلیتو اولنق بایده صدور ایدوب زمان منجم الاذعان بنا سر دار محمد بايت سلاطینک عود ایدوب  
 کلیتو ابله کلک اچوز حکم جهان مطاعه ارسال اولدی فزین محرم سسه کریمه کچمک کو هر خان سلطان  
 حضرتینه و زیر اعظم سابق صطفي بايت سر ابله یک یوریلک اول سلطان عالیت ساری ایلان بدی غلیم  
 جماز و به حد توقیر و اعزاز ایلان سر ابله سر ابله تبدیل مکان یوریلک اواسط شهر منور  
 آت میدانده ابراهیم آت سر ابله نقل اوله دختر سعد اختر شهر باری اختر برج با جداری  
 فاطمه سلطان حضرتی دستور مکررم و زرنانی سلطه آت رضی باشایه ارزانی کوریلوب آیین  
 دیرین سلطان کزین اوزره جله و زرا و جوه علما اسکی سر ابله مجلس عقد کما حاضرا اولوب  
 بده کمال توقیر و اجلال ایلک سلطان حضرتین سر ابله بینه ابصال اندیلر فزین **سبحانه** و تعالی  
 حضرت سعد نود و یلیک و شاه جم و جاه حضرتین هزاران و هزار سال و ماه بر سلطنت شهر بار  
 برقرار اولوب او فائز فکر همیشه شاد و مایه و سرور ایلد و **ویر** ایلن خاطر عاظر لر دن  
 غبار بخش و انار دور • ایلد و او لا و کرا طر یک و لا و شمش ابله سرور و شاد کام اولوب  
 هموان طرف برو جانب بچده عسکر فزین اثر لاری منصور • و اعدای دین و دولت  
 و ابا مغفور • اوله آیین ماجیب اس ایلن بچده **المسلمین**  
 صلی الله تعالی علیهم و سلم  
 تبت کتاب بعون الله الکمل الوهاب





۲۱۴

